

داده ها و چشم اندازها

ایران به کلام سو می رود

داده ها و چشم اندازها

دکتر بهروز آرمان



ABGIN PUBLISHING
 GERMANY
 YEAEER 2007
 ECONOMIC AND SOCIAL RESEARCH
 ISBN-N-10: 3-00-020516-0
 ISBN-N-13: 978-3-00-020516-3
 DADE HA VA CHESHMANDAZHA
 BEHROOZ ARMAN
 E MAIL: INFO@ABGIN.DE
 انتشارات لیگون
 داده ها و چشم اندازها
 پژوهش اقتصادی و اجتماعی
 بهروز آرمان
 شماره ثبت: 13: 978-3-00-020516-3
 منتشر شده در زمان فدرال
 چاپ نخست
 سال 2007 میلادی
 سال 1385 خورشیدی
 کلیه حقوق چاپ محفوظ و منطبق به نوبده مدت
 www.baman.com
 info@bamancom

فهرست

پیش گفتار

بخش نخست: نگاهی به سده‌های نوزده و بیست

12	ایران در آستانه‌ی رشد مناسبات نوین
29	انقلاب مشروطه و بازتاب‌های آن
42	جامعه‌ی ایران در دوران رضاشاه
63	مصدق رضاشاه و بازتاب رویکردهای او
91	جمهوری اسلامی در کشاکش رخدادها

بخش دوم: بررسی ساختارهای اقتصادی

102	جایگاه ژئوپولیتیک ایران در آسیای باختری
113	دگرگونی‌های نمودگرافیک و پیامدهای آن
131	ویژگی‌ها و چشم‌اندازهای نمودگرافیک (جمع‌بندی)
135	رشد ساختارهای نوین و دگرگونی در لایه‌های اجتماعی
150	نیروی کار در گستره‌ی رشد بازرگانی انگلی (جمع‌بندی)
154	ساختار ناکارآمد مالی، سرچشمه‌ی واپس ماندگی اقتصادی
179	دگرگونی در سیاست‌های مالی پیش‌زمینه‌ی رشد پایدار اقتصادی (جمع‌بندی)

184	درباره‌ی برخی فرایندها
187	نشیب و فرازهای اقتصاد ایران در روند صنعتی شدن
203	دشواری‌های رشد صنعتی (جمع‌بندی)
208	دگرگونی در اقتصاد بسته‌ی روستایی
219	کشاورزی به کلام سوم‌ی رود (جمع‌بندی)
223	رشد بخش خدمات ناکارآمد و بازرگانی وارداتی
230	نگاهی به تنگناهای بخش خدمات (جمع‌بندی)
234	از آرمان‌های دادگراانه تا واقعیت‌های روزمره

بخش سوم: بازار و بازرگانی و جایگاه نفت

250	بازرگانی خارجی و اهمیت آن در اقتصاد ایران
256	صادرات بدون نفت و بین‌بست‌های آن
270	تنگناهای صادرات غیرنفتی و اقتصاد تک‌محصولی (جمع‌بندی)
275	واردات فزاینده و دگرگونی‌های بازار ایران
289	واردات تابعی از درآمدهای نفتی و گازی (جمع‌بندی)
291	تراز بازرگانی خارجی و دشواری‌های دو سده‌ای
302	برآیند نلغزیر رویکردهای کنونی، کسری ترازها در داد و ستد برون‌مرزی (جمع‌بندی)
306	بازرگانی خارجی و برنامه‌های اقتصادی
313	نقش ویژه نفت و گاز در بازرگانی خارجی و اقتصاد کنونی
337	نفت و گاز، گلوگاه اقتصاد ایران (جمع‌بندی)
343	ایران در آینه‌ی سنجش برون‌مرزی
362	شکاف فزاینده میان ایران و کشورهای کامیاب رو به رشد (جمع‌بندی)

366	سه سناریو برای پیش‌بینی دگرگونی‌های کوتاه مدت
372	پیرامون شیوه‌های پیش‌بینی
375	سناریوی "لیبرالیسم اقتصادی با تندروان"
380	سناریوی "لیبرالیسم اقتصادی با اصلاح طلبان"
385	سناریوی "تنش"

بخش چهارم: چشم اندازها و رویکردها

392	چشم‌انداز دگرگونی‌ها
400	ایران و کشورهای رو به رشد در تلاش برای رهایی از واپس ماندگی
408	آزمون‌های ایران و جهان در راه رشد اقتصادی
419	اهمیت روزافزون همگرایی‌های فرامرزی
427	سرچشمه‌ها
440	بانک آمار
441	نمودارها

پیش‌گفتار

کتاب در دسترس به بررسی اقتصادی اجتماعی جامعه‌ی کنونی ایران با نگاهی به بازرگانی برون مرزی و نقش ویژه‌ی نفت و گاز در آن می‌پردازد. در آغاز برای دستیابی به یک چشم‌انداز کلی از روند رویدادها در دو سده‌ی گذشته، سه برش در دوران قاجار، رضاشاه و محمد رضا شاه به گونه‌ی فشرده‌ی ارزیابی می‌شوند. بخش گسترده‌ی پژوهش با بررسی دیگرگونی‌های اقتصادی در دوران جمهوری اسلامی در پیوند است و در پروسه‌ی کنکاش مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی پس از سال 1979، سنجش‌هایی با دوران شاه صورت می‌گیرد. در این چارچوب از نزدیک به دویست نمودار که بیشتر سه دهه‌ی گذشته را بازتاب می‌دهند، بهره‌گیری شده و بر پایه‌ی داده‌های موجود برای برجسته‌ترین شاخص‌ها بر پایه‌ی سه سناریو، پیش‌بینی‌های کوتاه‌مدت عرضه می‌گردد. این سه سناریو عبارتند از "لیبرالیسم اقتصادی با تندروران"، "لیبرالیسم اقتصادی با اصلاح طلبان" و سناریوی "تنش". افزون بر آن راهکارهایی برای برون‌رفت از بن‌بست‌های اقتصادی اجتماعی و تولید تک‌محصولی در ایران با نگاهی به آزمون‌ها و نشیب و فرازهای کشورهای رو به رشد و پیشرفته ارائه می‌شوند. برای آن دسته از خوانندگانی که تنها در پی دستیابی به فرایدهای کلی رشد در دهه‌های پیشین هستند و از ورود به جزئیات پرهیز می‌کنند، در پایان هر بخش،

جمع‌بندی‌هایی ارائه شده که می‌تواند مورد بهره‌برداری این گروه از علاقمندان نیز قرار گیرد. نگارنده نگاه موشکافانه به بخش نخستین و بویژه پایانی این پژوهش "چشم‌اندازها و رویکردها" و نیز فصل‌های در پیوند با نفت و سنجش‌های بین‌المللی و برش نخست بازرگانی خارجی را، برلی‌آشنایی بیشتر با دشواری‌ها و چشم‌اندازهای درون و برون مرزی به خوانندگان پیشنهاد می‌کند.
ب. آرمان، آلمان، 2004

بخش نخست

نگاهی به سده‌های نوزده و بیست

ایران در آستانه‌ی رشد مناسبات نوین¹

در سده‌ی 19 جامعه‌ی ایران هنوز ساختاری فئودالی داشت و در کنار تولید خرده‌کالایی و روابط کالای-پولی در شهر و ده، مناسبات نوین سرمایه‌ناری با همه‌ی دشواری‌های داخلی و خارجی رو به گسترش بود. در این سده حضور سرمایه‌ی خارجی در اقتصاد ایران روز به روز بیشتر می‌شد و در پیامد آن و همگام با دیگرگونی‌های اجتماعی اقتصادی درونی، فروپاشی ساختارهای کهن شتاب می‌گرفت. برآیند رشد ناهمگون مناسبات سرمایه‌ناری، ورشکستگی بخشی از پیشه‌وران شهر و ده بود که تاب رقابت با کالاهای صنعتی اروپایی را نداشتند. هم‌چنین بخش‌های گوناگون اقتصادی مانند صنعت بسیار نوپا، کشاورزی و بازرگانی درون و برون مرزی، از یک سو بر پایه‌ی نیازهای بازارهای کشورهای اروپایی و از سوی دیگر بر اساس خواسته‌های بازار مصرف داخلی، دگرگون می‌گردیدند.

¹ در این بخش به گونه‌ی فشرده و تنها نگاهی به دو سده‌ی 19 و 20 انداخته‌ایم برای دستیابی به داده‌های بیشتر می‌توانید از کتاب‌های زیر بهره‌گیری کنید:

1. در دستر تاریخ ایران، بهروز آرمان (پژوهش)
2. بن بست‌های روایی در جامعه‌ی ایران، بهروز آرمان (پژوهش)
3. A look at the History of Iranian Civilization and the Renovation Phases, B. Arman (پژوهش)
4. Iran: The Effect of Social and Economic Changes, B. Arman (پژوهش)

این تغییرات تنها شهرها را در بر نمی گرفت، بلکه به ساختار اقتصاد خود مصرفی و طبیبی روستاها نیز وارد می شد در پی این روندها گام به گام در کنار زمینداران فئودال، مالکان نوی از ریشه ی بازگانان و کسبه و روحانیون و مأموران دولتی دست به خرید و اجاره ی زمین می زدند این لایه ها مناسبات نوین را، که آمیزه های بود از مناسبات سرمایه داری و فئودالی، در پهنه ی روستاها گسترش می دادند

همراه با رشد سرمایه داری در ایران، افزون بر بورژوازی دلال و واسطه گر، لایه های نوینی از بورژوازی که به تولید صنعتی گرایش داشتند نیز بوجود آمدند که در پاره ای گسترده ها با سرمایه ی خارجی نیز در پیوند بودند. کوشش این نیروها در رستای کنترل بازار داخلی و بالا بردن چشمگیر ظرفیت تولیدی به آماج خود دست نیافت ریشه های ناکامیابی این لایه های تازه را می توان از جمله در تحریکات سرمایه خارجی، استبداد داخلی ناکارآمد و وابسته، ضعف انباشت سرمایه، نبود سیاست اقتصادی ملی و نیز خرابکاری روحانیون واپس گرا، که هرگونه تحول صنعتی را به زیان خود می دیدند، جستجو کرد. بازتاب آن، گسترش پهنه هایی بود مانند رباخواری و بازرگانی و ملک داری و سفته بازی با زمین و مستغلات این پروسه در دوره ی قاجار کشور را دچار بدران ژرفی کرد بودجه ی دولتی دچار کسری گشت، درآمد ملی کاهش یافت و برای گذران دربار و حکام و ارتش، نتنگاهای بزرگی پدید آمد. در این رهگذر به ناچار کسری بودجه ی دولت از راه ولفهای خارجی تأمین شد و بدین گونه وابستگی کشور روزبرو افزایش یافت. در دودمان قاجار، شاه و دربار از سویی و روحانیت نیرومند شیعه از سوی دیگر دو ستون توانمند ساختار سیاسی اقتصادی ایران بودند جنبش بزرگ و ضد شیعه ی بابی و اکتشی از سوی توده های روستایی و شهری بود در برابر دستگاه زمامداری ناتوان و فاسد آن دوران. این جنبش اعتراضی اگر چه در هم شکسته شد ولی جامعه را دچار نگرگونی کرد. ژرفش رفرورم ها از سوی دستگاه حاکمه، بویژه توسط وزاری با تئیر را می توان از جمله بازتاب این اعتراضات دانست. این

کوشش ها که ما در این نوشتار به منزله ی اولین دوره ی نوسازی اقتصاد ایران برشمرده ایم، بسیار کم رنگ و ناپایدار بودند. از آنجا که پادشاهی قاجار گرایشات واپس مانده ی عشیره ای داشت و از آشنایی ژرف با نگرگونی های جهان پیشرفته ی آن روز نور بود این نوسازی ها نه از بالا، مانند دوران نادرشاه و کریم خان زند، بلکه بیشتر از سوی اطرافیان و مشاورین دستگاه حکومتی و به ویژه پاره ای از وزیران این دودمان با دشواری پدیدار گشت و به دلیل نلانی و فساد دربار و دیگر نیروهای واپسگرا دستاوردهای زیادی به همراه نداشت.

در دوران قاجار، قلم مقام پدر و پسر در راه بازسازی جامعه ی ایران گام هایی به پیش برداشتند. در این میان دستاوردهای وزیر پسر و معروف به میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی وزیر عباس میرزا و محمدشاه برجسته تر بود. او از جمله به مدرنیزه کردن سازمان ارتش و جلوگیری از هدر رفتن اموال دولتی و کاهش نفوذ روحانیون در پهنه ی داخلی و جلوگیری از واگذاری امتیازات نابرابر اقتصادی و سیاسی در سیاست خارجی روی آورد این گرایش را می توان بازتاب خواسته های بخشی از بورژوازی رو به رشد ایران دانست که از سویی از خود خصایل ناسیونال پادشاهی و ناسیونال لیبرالی بروز می داد و از سوی دیگر از همراهی همه جانبه با بخش سنتی بورژوازی که ریشه در بازار و مساجد داشت و می توان آن را بورژوازی نلسیونال سنتی نامید، خوداری می کرد. قائم مقام در نتیجه ی اقدامات رفرمیستی خود با تحریکات همیشگی و مستقیم کارداران و سران انگلیس و روس، درباریان و روحانیون روبرو شد و سرانجام توسط واپس گرایان کشته شد. علیرغم کارشکنی های داخلی و خارجی، امیرکبیر دومین صدراعظم پرتدبیر دودمان قاجار تلاش های اولیه ی قائم مقام پسر و پدر را گسترش و ژرفش بخشید. او در سال 1849 میلادی پس از رسیدن ناصرالدینشاه به تخت شاهی در مقام فرمانده ارتش و صدراعظم دست به نوسازی جامعه ی ایران زد در دوران

¹ برای ایجاد همبستگی در نوشته ها و نمودارها به جای تریخ های گوناگون خودرشدی و قمری و میلادی در منابع گوناگون، تنها تاریخ میلادی را پس از انطباق برگزیده ایم.

او بافت ارتش بازسازی شد و برای تجهیز آن و نیز قطع واردات خارجی 15 کارخانه بنا گردید او "وقایع اتفاقیه"، نخستین روزنامه ی رسمی کشور را پایه گذاشت و نیز نخستین مدرسه ی غیرمذهبی کشور به نام "مارالفنون" را تأسیس کرد که در آن به آموزش مهندسی، کشاورزی، معدن، پزشکی، دامپزشکی، علوم نظامی، موسیقی و نیز زبان های خارجی و علوم سیاسی پرداخته شد. وی در زمینه های دیگر آموزشی و فرهنگی هم گام هایی به پیش برداشت هزینه ی این اقدامات از راه کاهش مخارج دربار، افزایش عوارض واردات و مالیات جدید بر تیول داران تأمین شد. این اقدامات با مخالفت شدید درون حاکمیت و روحانیت و نمایندگان انگلستان و روسیه روبرو گردید. امیرکبیر در سال 1870 از کل برکنار و کمی بعد کشته شد، اما روند نوسازی اقتصادی ایران به شکل گسترش مناسبات اقتصادی با باختر از جمله از راه جلب سرمایه گذاری خارجی ادامه یافت. در این برش در کنار صدور کالا به ایران، صدور سرمایه به شیوه ی تازه ی سیاست کشورهای اروپایی بدل گردید. در پی این سیاست سرمایه گذاری خارجی از حدود صفر به 12 میلیون پوند در نیمه ی دوم سده ی 19 در دوران قاجار رسید.⁽⁴⁾ در دشمنی روسیه و انگلستان با امیرکبیر، سیاست خارجی او در آسیای مرکزی برای هماهنگ کردن خان نشین های ترکستان و سایر قبایل جنوب روسیه و فراخواندن آنان به حکومت مرکزی ایران نیز نقش بازی می کرد. به هدف رسیدن این برنامه ی امیرکبیر به منافع روسیه و انگلستان زبان های جدی وارد می ساخت.⁽⁵⁾ پایان دوران قاجار همزمان است با گسترش پاره ای نگرگونی های دیگر در زندگی اقتصادی و اجتماعی کشور. از آن نمونه است گسترش زبان های خارجی، آشنایی با فن گلاختن آهن، نقشه کشی تازه، تأسیس تلگراف و پست، آغاز استفاده از چراغ الکتریکی، پایه گذاری تلفن و چاپخانه و وزارت خانه و بانک و پاره ای کارخانه ها.

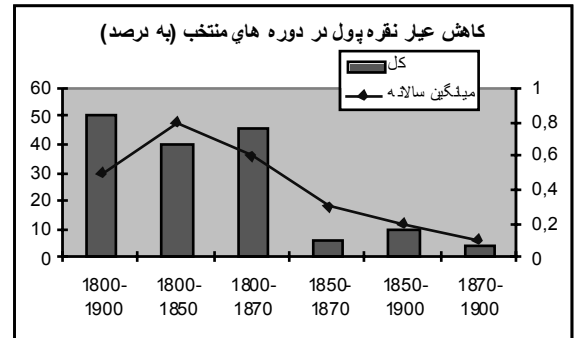
⁽⁶⁾ در دوران قاجار در زمینه ی کشاورزی دست به بهبود و ساختن پاره ای از کاریرها نیز زده شد و کارخججات و کاروانسراها و دکان هایی نیز ایجاد گردید.⁽⁷⁾ این تحولات بویژه در پرتو دستاوردهای نوین کشورهای صنعتی باختر پدید آمد و

بیشتر ظاهری و بدون تأثیرات دلفنه دار و پیگیری بایسته بود به این گونه نخستین مرحله ی نوسازی در ایران، که در پیامد این نوشتار به گوشه ایی از دستاوردهای آن خواهیم پرداخت، به شکل اقتصاد وابسته بویژه از دوران ناصرالدینشاه قاجار آغاز گشت این همان راهی است در تاریخ اقتصاد معاصر ایران، که رضا شاه، محمدرضا شاه و رژیم جمهوری اسلامی در بخشی از دوران خود در آینده ی تاریخ ایران به اشکال متفاوت، ولی درون مایه ای نسبتاً همگون ادامه دادند.

کوشش برای نگرگونی در بافت سنتی و مدرنیزه کردن کشور در ایران همانند عثمانی و چین و ژاپن و روسیه از جمله بازتاب تهدید نظامی بیگانهان و بویژه همسایگان بود. در این میان تنها دو کشور روسیه و ژاپن توانستند در این دوران بر واپس ماندگی خود تا حدود زیادی چیره شوند و در پی آن به نیروهای نظامی توسعه طلب فراروئیدند تلاش های هر دو همسایه، ایران بر پایه بافت عشیره ای دودمان قاجار و عثمانی بر پایه های نیمه سنتی به برآیند پایانی نرسید، بر بافت پوسیده ی فئودالی ضربه ی کاری وارد نکرد و روند رشد سرمایه داری در آنان کد ماند.⁽⁸⁾ تنها نمونه ی آسیایی پیرومند در راه چیرگی بر واپس ماندگی در خاور زمین ژاپن بود. می توان با ارزیابی آن دسته از پژوهشگرانی که موقعیت جغرافیائی ویژه ژاپن را، که به دلیل جزیره بودن از گزند یورش مستقیم کشورهای استعماری در امان بود، به عنوان یکی از دلایل رشد مستقل این کشور مورد توجه قرار داد کوشش های امیرکبیر و دیگر دست اندرکاران نواندیش در ایران برای نوسازی جامعه به پیروزی نرسید ولی بیست سال پس از آن امپراطوری ژاپن توانست از نفوذ روزافزون استعمارگران بکاهد و اصلاحات اقتصادی در چارچوب رشد سرمایه داری را به اجرا درآورد.⁽⁹⁾

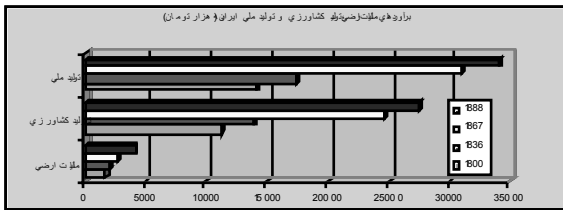
با نگاهی به داده های اقتصادی می توان چشم انداز روشن تری از این برش تاریخی عرضه کرد در این نوشتار بر پایه ی آمار محدود در دسترس، سه زمینه ی درآمدها، هزینه ها و بازرگانی برون مرزی مورد بررسی قرار گرفته اند. برای

نمودار 1- کاهش ارزش عیار نقره در سده 19



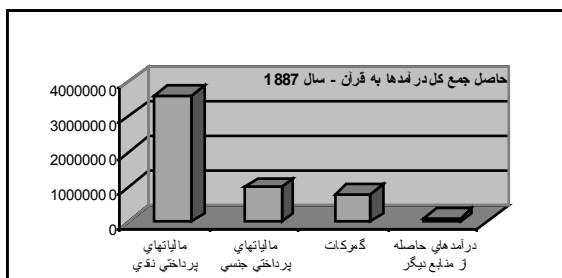
در زمینه ی کشاورزی در فاصله ی سال های 1880 تا 1888 با رشدی برابر 41 درصد، بدون در نظر گرفتن کاهش نرخ ریال در برابر لیرانگلیسی و میزان تورم در کشور، روبرو بودیم که نشان دهنده ی بهبود کم در این سال ها بود با وجود تنها 41 درصد رشد در بخش کشاورزی، مالیات هلی دریافتی از کشاورزان نزدیک به 240 درصد افزایش یافت که به فقر و ناری بیشتر روستائیان و مهاجرت آنان به شهرها منجر گردید. در زیر چگونگی دگرگونی در تولید ملی، تولید کشاورزی و مالیات از بخش کشاورزی در میان سال های 1800، 1836، 1867، و 1888 ترسیم گردیده است

نمودار 2- ترکیب مالیات های دریافتی در سده 19



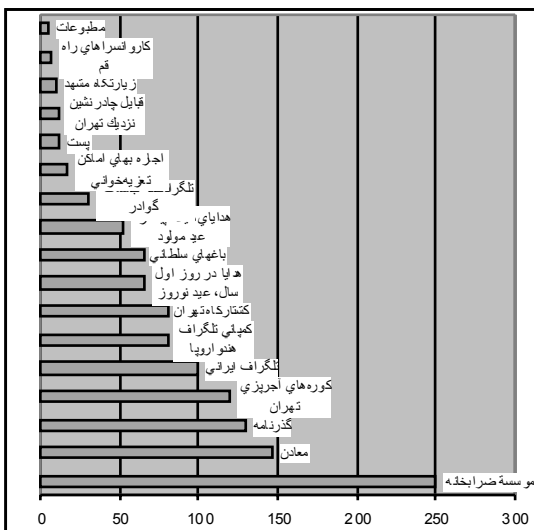
در سال 1888 درآمدهای کشور بویژه از سه بخش مالیات های پرباختی نفتی، مالیات های جنسی و درآمدهای گمرکی به دست می آمد سهم عمده در این میان به مالیات هلی نقدی تخصص داشت با توجه به کاهش درآمد دولت به دلیل از دست دادن مالیات های دریافتی از استان های از دست رفته ی قفقاز، در پی شکست از روسیه تزاری و کاهش حجم بازرگانی برون مرزی و وجود کسری در تراز بازرگانی و نیز کاهش روزافزون برابری ریال با ارزهای خارجی از سویی و نبود سیاست اقتصادی مسؤلانه برای بهره برداری از امکانات داخلی بویژه بهبود وضع کشاورزی و آبیاری از سوی دیگر، زمینه ی ورشکستگی اقتصادی فراهم گردید.

نمودار 3- سرچشمه های درآمد دولت در سال 1887

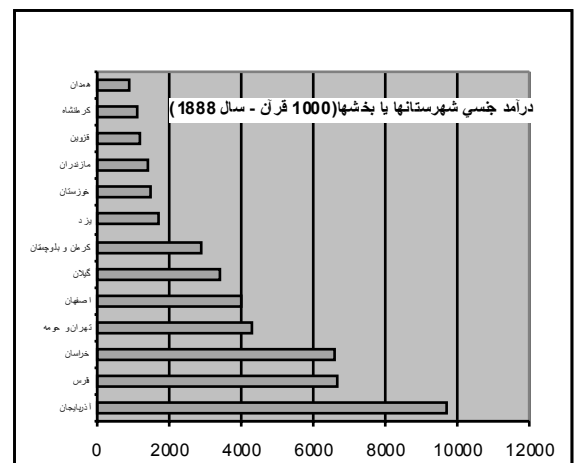


سوی بخش ها و شهرستان ها به دست نمی آمد و کمتر سرچشمه اش از بخش زمین ناری بود اگر چه در ایران سده نوزده هنوز با رشد جدی صنایع فاصله ی فرسنگی داشتیم، ولی در میان درآمدهای غیرمالیاتی و غیرگمرکی، درآمدهای به دست آمده از محل موسسه ی ضرابخانه، معدن، کوره پزی ها و تلگراف با سهمی بزرگ تر نسبت به دیگر بخش ها مشاهده می شد سهم این بخش از درآمد های دولت در آینده ی ایران با وجود نوساناتی همواره رو به افزایش بود که آن را می توان از شاخص های رشد صنعتی ولی کند ایران دانست.

نمودار 5- درآمدهای غیر مالیاتی و غیر گمرکی به قران



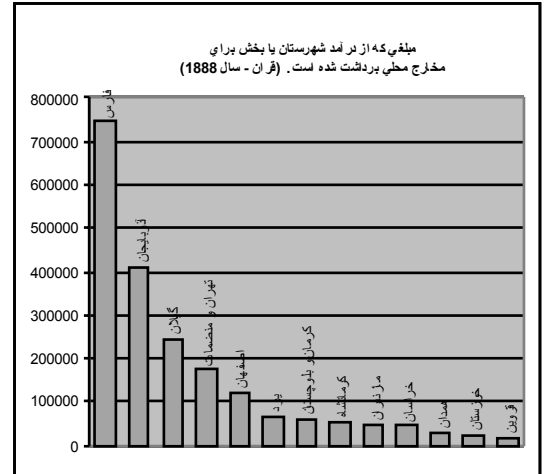
نمودار 4- درآمد شهرستان ها و بخش ها در سال 1888



در اینجا چشم اندازی از رشد مناسبات سرمایه ناری در ایران ترسیم می گردید برای سنجش کلی چگونگی رشد اقتصادی و خصوصیات سرمایه ناری در دوران نخست نوسازی اقتصاد ایران، می توان به درآمدهایی از دولت نگاه انداخت که از

از درآمد مالیاتی استان ها تنها بخش کوچکی به خود آن ها اختصاص می یافت و قسمت بزرگ آن به خزانه ی مرکزی واریز می شد. از این روی، با توجه به هزینه های سنگین ارتش و ریخت و پاش های دربار، جای زیادی برای سرمایه گذاری در استان ها باقی نمی ماند. از محل دریافت های مالیاتی تنها نزدیک به 4 درصد به استان ها اختصاص می یافت. بیشترین سهم را نیز استان هایی داشتند که بیش از دیگران به خزانه ی دولت مالیات می پرداختند. ناتوانی اقتصادی در دستیابی به درآمد هلی بایسته و کاهش توجه به نوسازی اقتصادی در بیرون از مرکز را می توان از چشم انداز چگونگی هزینه شدن درآمد ها نیز گرسیت .

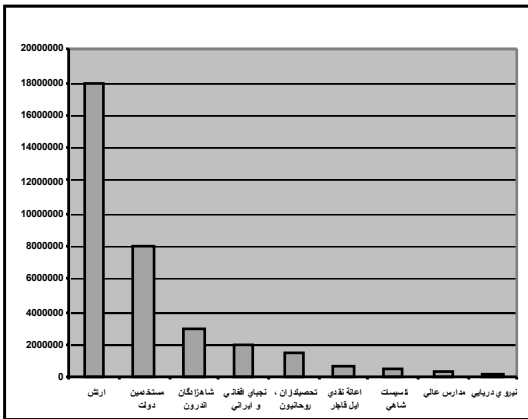
نمودار 6 - برداشت شهرستان ها و بخش ها از درآمد های خود



بخشی بزرگ از مجموع درآمد های دولت پس از کسر هزینه های شهرستان ها و بخش ها، به ارتش و دربار و دستگاه دیوانی اختصاص می یافت. نبود یک سیستم

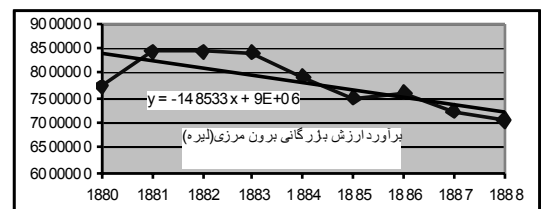
برنامه ریزی شده برای بالا بردن توانایی های ملی و معدنوی کشور، از جمله در اختصاص بودجه بسیار ناچیز به مدارس عالی انعکاس می یافت. در این راستا تنها مدد معاش شاهزادگان اندرونی 300 برابر هزینه های آموزشی بود و در این میان مستمری دیوانسالاران فاسد و نجبا و روحانیون و گنهبانان نیز در نظر گرفته نشده بود.

نمودار 7 - هزینه های دستگاه زمامداری در سال 1888 به قران



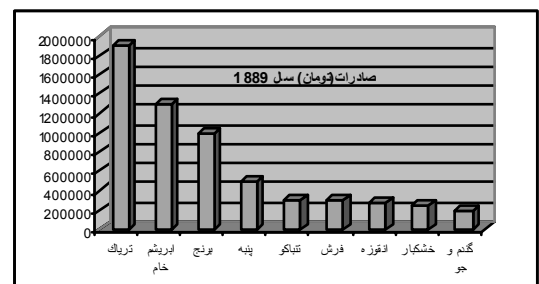
علاو بر رشد حجم بازرگانی برون مرزی ایران در مجموع خود در درازای سده ی 19، در طول سال های 1880 تا 1888، با توجه به گرانی و کاهش قیمت تومان در برابر ارزی خارجی، با گرایش منفی برخورد می کنیم برآورد کاهش بازرگانی برون مرزی ایران در نزدیک به این ده سال با محاسبه به لیره استرلینگ، و نه تومان، نزدیک به 10 درصد بود که نارسایی بازرگانی برون مرزی را آشکار می کرد.

نمودار 8 - دگرگونی در حجم بازرگانی برون مرزی



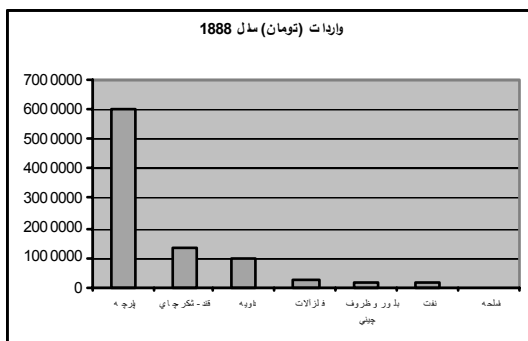
دگرگونی در روند بازرگانی برون مرزی تنها به کاهش ارزش آن در پاره ای از سال ها محدود نمی شد. در پیوند با آن گام به گام ترکیب صادرات ایران نیز به زیان کالاهایی مانند حریر، مخمل و زری و به سود دیگر محصولات مورد نیاز کشورهای اروپایی و بازار جهانی سرمایه داری مانند تریاک، خشکبار، قالی، کتیرا، پنبه، برنج دگرگون می گردید. تغییر ساختار صادراتی به اقتصاد خودمصرفی و طبیعی روستاها ضربات جدی وارد کرد و ورشکستگی روستاییان و پیشه وران و کارگاه های کوچک ریسنگی را بانی شد. صادرات ایران در سال 1889 به تومان برای مهم ترین کالاهای سمت و سوی این دگرگونی ها را نشان می دهد.

نمودار 9 - کالاهای صادراتی در سال 1889



دگرگونی در ساختار داد و ستد بازرگانی برون مرز تنها صادرات ایران را در بر نمی گرفت. با نگاهی به کالاهای وارداتی در سال 1889 می توان با ساختار اقتصادی این دوران بیشتر آشنا شد. در رأس کالاهای وارداتی چلوار و پارچه، قند و شکر، ادویه و فلزات بود. میزان کل واردات در این سال برابر بود با 1 369 6000 تومان که رقمی می شد نزدیک به دو برابر ارزش صادرات ایران در همین سال. بخشی از این کالاهای وارداتی تاریکی داشتند و از میان آنان واردات فلزات نشان دهنده ی وجود کارگاه های پیشه وری و تولیدی تازه در پهنه ی اقتصاد ایران بود.

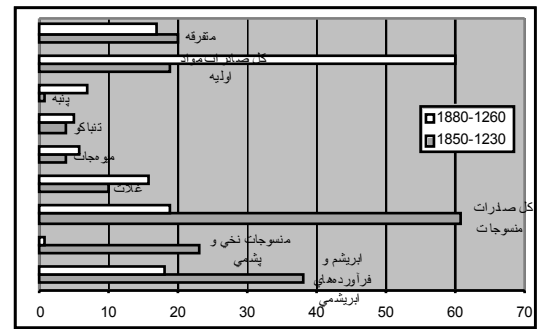
نمودار 10 - کالاهای وارداتی ایران در سال 1888



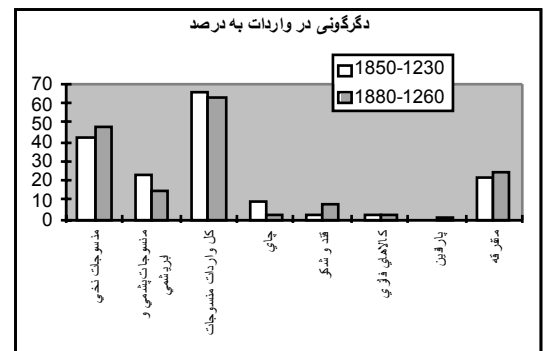
بیشترین دگرگونی در زمینه واردات در عرصه ی منسوجات نخی و پشمی و ابریشمی دیده می شد. از سوی دیگر کالاهای تازه ای به فهرست واردات ایران افزوده گردید که از آن میان می توان به محصولات مانند پارافین اشاره کرد. افزایش صادرات در ایران در میان سال های 1850 تا 1860 میلادی از دیدگاه ارزش مبادله به تومان بیشتر در مواد اولیه مشاهده می شد. از چشم انداز ضریب رشد اما جایگاه پنبه ی صادراتی برجسته بود. دو نمودار زیر که دگرگونی صادرات و واردات ایران را در 30 ساله ی سده ی نوزدهم نشان می دهند، نشانگر

ورشكسنگي هر چه بيشتر كارگاه هاي نساجي لاخلی و بحران در بخش پيشه وری و روند تغيير در ساختار محصولات صادراتی درخمت نیازهای کشورهای صنعتی جهان بود.

نمودار 11 - دگرگونی در صادرات به درصد

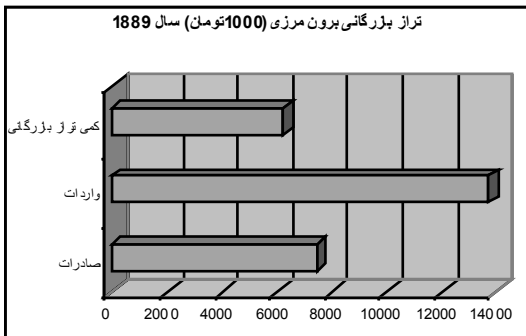


نمودار 12 - دگرگونی در واردات به درصد



ورشكسنگي هر چه بيشتر بخشی از واحدهای تولیدی و نیاز روز افزون به ورود کالاهای تازه برای جامعه ی نوین و رو به رشد ایران سرچشمه ی یکی از دشواری های کهنه ی اقتصادی شد که نزدیک به 200 سال است گریبان رشد شتابان ایران را گرفته است. بازتلب ورشكسنگي اقتصاد ایران را به ویژه می توان در كسری مبدلات بازرگانی برون مرزی مشاهده کرد. در سال 1889 واردات ایران به دو برابر صادرات کشور رسید و این نبود توازن در کنار کاهش روز افزون درآمد های مالیاتی و کاهش ارزش واحد پول داخلی کشور را به بحران ژرف اقتصادی و به آستانه ی تنش های بزرگ اجتماعی کشاند.

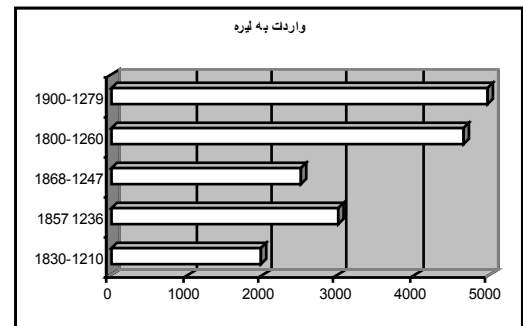
نمودار 13 - تراز بازرگانی برون مرزی در سال 1889



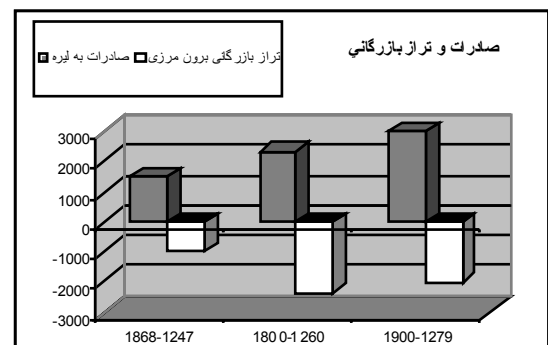
رشد روز افزون واردات و کنار كسری بازرگانی خارجی از آغاز سده ی نوزدهم از دشواری های بزرگ دودمان ناتوان قاجار بود در دو ضویر زیر رشد بی گسست حجم واردات در سال های 1830، 1857، 1868 تا 1900 نشان داده شده است. تراز بازرگانی برون مرزی ایران نیز ژرفای بحران مالی سده ی نوزدهم را آشکار می کرد. در فاصله ی سال های 1867 تا 1900 میلادی (علیرغم کاهش مرحله ای آن از جمله میان سال های 1880 تا 1888) حجم دل و سنت افزایش یافت.

اما در کنار آن، كسری تراز بازرگانی برون مرزی ایران نیز از نزدیک به 1000 لیبره به دو برابر خود رسید.

نمودار 14 - رشد واردات میان سال های 1830 تا 1900



نمودار 15 - سنجش صادرات در برابر تراز بازرگانی



نوسازی اقتصادی این دوران ایران که تنها در برش های کوتاهی زیر رهبری خردمندان ی دستگاه دیوانی بویژه زیر رهبری دو وزیر برجسته بود، در پرتو این دشواری ها عمدتاً به صورت خوپیو و بسیار کند به پیش رفت این ساختار ناهمگون، گام به گام اقتصاد ایران را بر پایه ی وابستگی به تجارت و سرمایه گذاری خارجی استوار کرد. در دوران ناصرالدینشاه نتایج این پروسه به صورت افزایش بی رویه ی تورم، کاهش درآمد دولتی و كسری تراز بازرگانی برون مرزی هر چه بیشتر شایان شد در زیر فشار های سنگین مالی، دولت برای تأمین هزینه ها و جلوگیری از بروز تنش های سیاسی بیش از پیش به واکناری بی رویه ی حق بهره برداری ها، امتیازات و مزایا به انگلیس و روسیه روی آورد. این اقدامات زمینه ساز یک نگرگونی بزرگ اجتماعی در جامعه بود که انقلاب بورژوازی ایران را بنا می داد. دودمان قاجار فاقد یک سیاست روشن و هدفمند نوسازی بود و به جای سازماندهی نیروهای اجتماعی و تلاش برای شرکت گسترده ی طبقه ها و لایه های اجتماعی جهت چیرگی بر واپس ماندگی، موضعی انفعالی اما تا حدودی زیرکانه در برابر بیگانگان اتخاذ می کرد.⁽¹⁰⁾

انقلاب مشروطه و بازتاب های آن

انقلاب مشروطه به مثابه ی سرآغازی برای جنبش های ملی ضد استعماری در آسیا و ضروی از پیدایش مبارزات بزرگ اجتماعی زیر درفش احزاب سیاسی با هدف های کم و بیش مشخص اجتماعی در ایران بود. این رویکرد سیاسی-اجتماعی، که به عقب نشینی هیأت حاکمه و تحمیل پاره ای از دگرگونی ها در سیاست قاجارها منجر شد، از عوامل گوناگونی تأثیر گرفته بود؛ پوسیدگی جامعه ی فئودالی، رشد نسبی بورژوازی بازرگانی و صنعتی و خرده بورژوازی، آشنایی روشنفکران با افکار و زندگی مردم اروپا و بویژه مناسبات نابرابر و غارتگرانه ی انگلیس و روسیه تزاری که زمینه ی یک جنبش بزرگ ضد فئودالی و ضد استعماری را فراهم ساخت. درخواست های عمده ی جنبش عبارت بودند از تدوین قانون اساسی، تشکیل مجلس قانون گذاری، تأمین و حفظ حقوق فردی و مالکیت خصوصی و سایر درخواست های حقوق سرمایه داری. جنبش مشروطه که از سال 1905 آغاز شد، در سال های بعد ژرفش یافت و با گسترش آن اقتضای اجتماعی گوناگونی مانند دهقانان، کارگران و خرده بورژوازی بویژه لایه های میانی شهری نیز درخواست های خود را به طرز جدی تر و سازمان یافته تری مطرح کردند. در اثر فشار مردم در سال 1906 فرمانی بوسیله ی مظفالدین شاه جانشین ناصرالدینشاه، درباره ی قنون اساسی صادر شد و مقررات انتخابات

مجلس اعلام گردید و اولین مجلس ایران قانون اساسی نوین را تصویب کرد بر پایه ی این قانون اختیارات شاه بوسیله ی مجلس محدود شد و حق تصویب قوانین و بودجه ها و امتیازات به مجلس واگذار گردید. در سال های انقلاب مشروطه نفوذ اقتصادی آلمان نیز در ایران افزایش یافت. آلمان به دریافت امتیازات گوناگون مانند تأسیس بانک، واگذاری قرضه و گشایش آموزشگاه ها در تهران دست یافت و به تبلیغات ضد انگلیس و روسیه که در ایران زمینه ی توده ای داشت، کمک کرد. آلمان در بازرگانی خود با ایران در نظر داشت که کم کم بر امتیازات خود بیافزاید و درجه ی نخست را در بازرگانی برون مرزی ایران به دست آورد (1-12)!

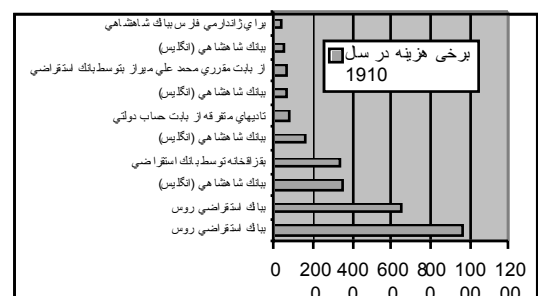
از سوی دیگر آمریکا نیز با ورود گروه های کارشناسی مالی به ایران به گسترش نفوذ اقتصادی آغازید و برخی امتیازات نیز دریافت کرد. گسترش مناسبات اقتصادی با آلمان و ایالات متحده ی آمریکا، به نزدیکی نو رقیب قدیمی، همانا روسیه و انگلیس انجامید. در پیامد این دگرگونی های اقتصادی و رویادهای سیاسی و اجتماعی همراه آن و برای حفظ منافع در خطر قرار گرفته، در اکتبر سال 1911 انگلیس نیروهای نظامی خود را در نواحی جنوبی ایران پیاده کرد و سپس ارتش روسیه ی تزاری از شمال وارد خاک ایران شد و کودتای ضد انقلاب مشروطه در تهران سازمان داده شد. در این میان مجلس بسته شد، انجمن ها و روزنامه ها توقیف شدند و دسته های مبارز توده ای تا رومار گردیدند. بدین ترتیب انقلاب بورژوائی، ضد فئودالی و ضد استعماری مشروطه، که پرچمدار مبارزات مردم آسیا بود، در سال های 1911-1905 بوسیله ی نیروهای خارجی و به همراهی واپس گرایان ناخالی به شیوه ی خونباری سرکوب شد.

با سرنگونی دولت قاجار در ایران راه برلی ایجاد دگرگونی های اقتصادی ژرف تر و برداشتن گام های تازه برای نوسازی اقتصاد ایران تا حدودی فراهم گردید. درست است که این سیاست ها نیز با نارسائی های بسیار درهم آمیخته بود، ولی در حقیقت لمر آغاز جدی مرحله ی نوسازی اقتصاد ایران را از این برش زمانی می بایست در نظر گرفت. با این وجود نگارنده نوره ی بیست ساله پاشاهی رضاشاه

را به مثابه ی دوران نوم ارزیابی کرده است، چرا که در دوران قاجار و به ویژه زور رهبری وزاری نوراندیشی که به رشد اقتصاد و فرهنگ نو کمک شایان توجه کرد، جوانه های پیشرفت های آینده بسته شد و تلاش های سودمندی از سوی پاره ای از مسئولین دستگاه دیوانی و روشنفکران و سیاستمداران کشور برای رشد اقتصادی و آموختن فنون و فرهنگ پیشرفته ی کشورهای صنعتی، علیرغم فساد دربار قاجار، صورت گرفت.

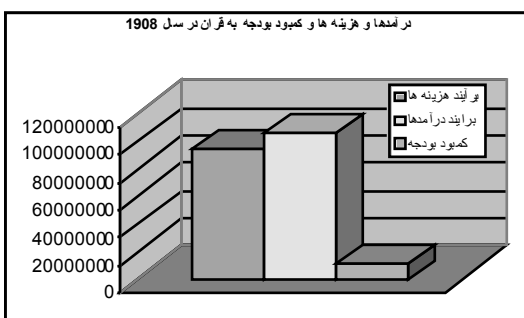
پیش از پرباختن به دگرگونی های نوره ی رضا شاه به پاره ای از شاخص های اقتصادی ایران تا سال 1911 می پردازیم تا بخشی از تنگناها و دستاوردهای اقتصادی این دوران آشکارتر شود. همانگونه که پیشتر اشاره شد، ورشکستگی در بخش کشاورزی، ناتوانی در ساخت و نوسازی صنایع، تورم فزاینده، کسری موازنه ی بازرگانی و کاهش پرشتاب برابری نرخ ارز در برابر ارزهای خارجی در کنار مدیریت فلسد، دولت را به واگذاری هر چه بیشتر امتیازات به کشورهای خارجی و دریافت وام های خارجی کشاند. در سال 1911 بخش بزرگ درآمد دولت به بازپرباخت این بدی ها اختصاص داشت.

نمودار 16 - پاره ی هزینه ها در سال 1910



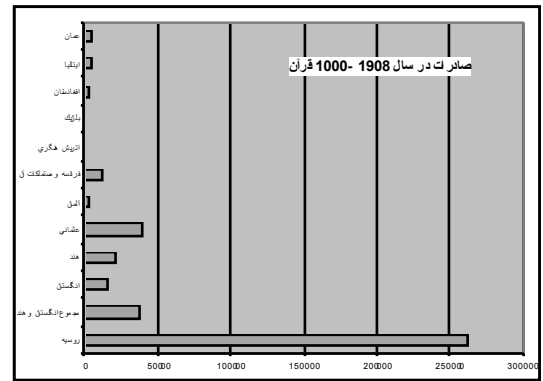
بیماری کهنه ی کسری بودجه در دوران قاجار که زمینه ی واگذاری غیرمسئولانه و شتابنده ی امتیازهای گوناگون به کشورهای بیگانه بویژه همسایه ی شمالی روسیه و نیز انگلستان را در پی داشت تا سال 1908 و پس از آن هم ادامه یافت. در اینجا می توان میزان کسری بودجه در این سال را در کنار درآمدها و هزینه های کشور دید. کسری بودجه در این سال برابر بود با 11 80 6800 قران که برای دوران خود چشمگیر بود.

نمودار 17 - درآمدها و هزینه ها و کمبود بودجه به قران در سال 1908

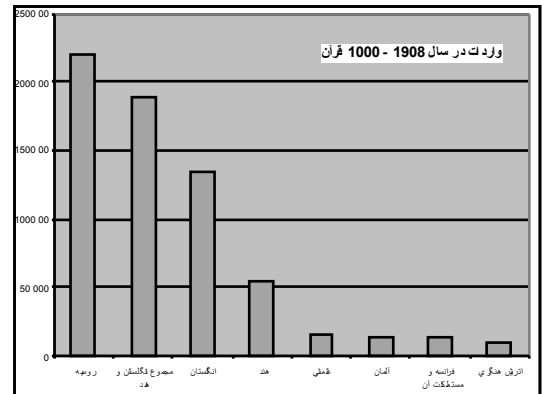


در آغاز سده ی بیستم می توان در درآمدهای دولت به دو ویژگی یا دگرگونی تازه برخورد کرد. نخست اینکه در مقایسه با سده نوزده نسبت درآمدهای گهرکی در مجموع درآمدها افزایش یافته و در برابر آن از سهم بخش مالیت های نقدی و جنسی یا به گفته ی دیگر درآمدهای کشاورزی کاسته شده و سهم بخش هائی مانند معادن و صنایع به کنندی افزوده گردیده بود. این دگرگونی نشاندهنده ی گسترش داد و ستد بازرگانی برون مرزی به طور کلی، علیرغم نوسانات، و رشد بسیار کند صنعتی و فروپاشی ساختار فئودالی و اقتصاد بسته و خودبگراان روستاها در جامعه ی ایران بود. دومین ویژگی که در گذشته بارها با آن روبرو بوده ایم، افزایش شتابان سهم واگذاری امتیازات به کشورهای بیگانه و گسترش

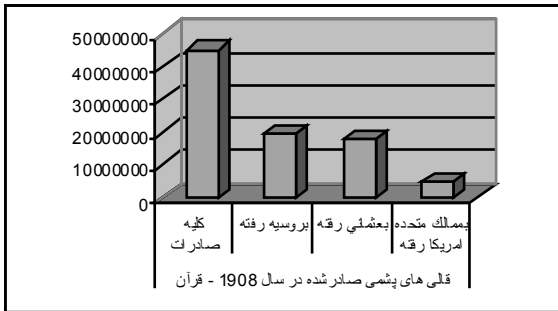
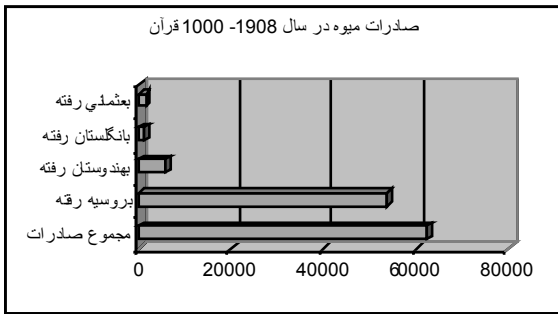
نمودار 23 - صادرات ایران بر پایه ی کشورهای مقصد



نمودار 24 - واردات ایران بر پایه ی کشورهای مبدأ



نمودار 25 و 26 - صادرات دو گونه از کالاهای مهم به کشور مقصد



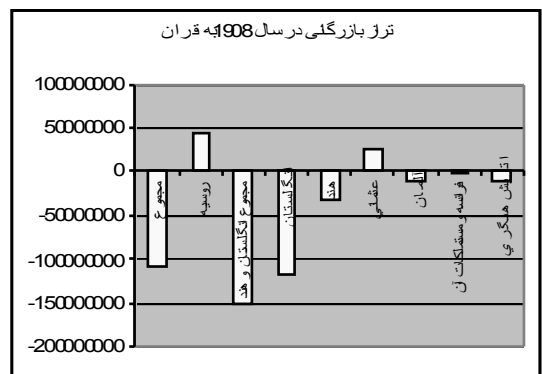
دشواری اقتصادی ایران و ناتوانی در زمینه تولید کشاورزی و صنعتی رامی توان بویژه در تراز بازرگانی برون مرزی با مهمترین طرف های تجاری دید تراز منفی بازرگانی در سل 1908 به 1090 80728 قرآن می رسید که چیزی برابر یک نهم تملی حجم داد و ستد برون مرزی در آن زمان بود در این سال ایران تنها با روسیه و عثمانی توازن مثبت بازرگانی برقرار نمود. با توجه به درآمدهای گسترده

دراز ناخلی، علیرغم کوشش های کریم خان زند و داد و ستد کالاها از بندرهای خلیج فارس، وضع منطقه به خوبی دوران پیش از افغان ها باز نگشت دوران قاجار به ویژه در آغاز آن، برخلاف دوره ی صفوی و افشار و زده، تجلی بازگشت به شیوه ی کشاورزی و زمین داری مرکزگرای نوره ی سلجوقیان بود اگر یک ایرانشناس آلمانی، سلجوقیان را زمامداری خواند که "در دورانی کوتاه به بیشترین سود در سرزمین زیر اشغال " خود چشم دوختند، یک نگارنده ی اروپایی در جریان سفر خود به ایران، فتحعلیشاه را چهره ای دید که ایران را " به چشم ملک استیجاری که مدت اجاره اش معلوم نیست" می نگریست.

با چیرگی فرهنگ چدرنشینی بر ایران، واکناری زمین ها به شیوه ی تیول و موروثی گسترش یافت و از نظارت مرکزی و دیوانی کاسته شد و به پاره ای از چدرنشینان سرزمین های تازه واکنار گردید. نیمه ی دوم سده ی نوزده و به ویژه دوران نصرالدینشاه، تجلی فروپاشی نظام قنودالی و سستی روابط پدرسالاری - قنودالی بود در این دوره مناسبات سرمایه داری گام به گام رشد کرد و همزمان با آن حضور کشورهای استعماری از راه داد و ستد بازرگانی و سپس سرمایه گذاری مستقیم، گسترش یافت. از آن جا که کوشش برای بازسازی اقتصادی از سوی بورژوازی نوین با موانع قنودالی، مانند دربار فاسد، بافت چدرنشینی - پدرساهی، روحانیون واپس گرا و دخالت های کشورهای بیگانه از یک سو، و ناروشنی ها و ناکارآمدیهای رویکردهای نوگرایان از سوی دیگر، روبرو بود این روند نتوانست به راهی از بند واپس ماندگی بیانجامد. بستن پیمان نامه های نابرابر، واکناری امتیازات به شرکت های خارجی، ورود روز افزون کالاها ی خارجی و شکست های سیاسی و نظمی، ایران را عملا به یک کشور ورشکسته بدل کرد می توان گمان کرد که در صورت ادامه ی زمامداری فرهنگ آرمنده مانند دوران صفوی (دوره ی شاه عباس) و تلاش های نوران نادر شاه و زند، به جای تسلط دوباره ی زمامداری چادرنشینان (قاجارها)، فرایند جایگزینی مناسبات سرمایه داری با شتاب بیشتری در ایران به پیش می رفت و رفورم های قائم مقام

ی روسیه از محل دریافت امتیازات گوناگون، نمی توان این تراز داد و ستد را نیز در حقیقت لرم مثبت ارزیابی کرد تنها می توان گفت که نسبت بهره کشی اقتصادی روسیه از ایران در مقایسه با رقیب خود انگلستان که او نیز سهم بزرگی در درآمدهای به دست آمده از راه امتیازات داشت، کمتر بود. تنها نقطه ی مثبت در این زمینه، به دل و ستد ایران با کشور همسایه ی عثمانی با ز می گشت که در این سال مانند پاره ای سال های پیش و پس از آن، با تراز مثبتی روبرو بود که این خود با واپس ماندگی صنعتی عثمانی در مقایسه با روسیه و انگلستان پیوند داشت.

نمودار 27 - تراز بازرگانی برون مرزی با طرفهای برجسته در سال 1908



دوران قاجار برش چیرگی قنودال های شمالی بر جنوبی، رشد نسبی فرهنگ چدرنشینی و گسترش پهنه ی زمامداری با خسروته به ویژه در آغاز آن بود انگیزه ی تسلط قنودال های شمالی را می توان از جمله در توان اقتصادی بالاتر آنان که با درآمدهای مطلوب از محل بازرگانی با روسیه و با بهره گیری از جاده های پردرآمد کاروان رو شمالی و بندرهای دریای خزر پیوند داشت، جستجو کرد در سرزمین های جنوبی پس از ویرانی های ناشی از یورش افغان ها و جنگ های

ها و امیر کیرها زمینه های مساعدتری برای رشد پیدا می کردند. دودمان قاجار دوران آشتی نسبی میان دین و سیاست بود و علیرغم پاره ای دیگرگونی های نوین در نهادهای روبنایی، دین سالاران به ویژه روحانیون بزرگ در پهنه هایی مانند زمین داری و بازرگانی و دادگستری و آموزش، نقشی برجسته داشتند.

جمله ی ایران در دوران رضاشاه

رضا شاه که در سال 1921 با نام سردار سپه به کابینه وارد شد، در جریان دستیابی به قدرت نخست رقیب خود سید ضیاء را کنار گذاشت و سپس وزارت جنگ را به عهده گرفت. او با بهره گیری از سنن کهنسال دیسپوتیسم خاوری و در چارچوب خواست لایه های بورژوا-زمیندار نوین ایران و با آماج برپایی یک بازار ملی و یکسخت در خلعوش کردن جنبش های گیلان و آذربایجان و دیگر مناطق نقش جدی بازی کرد. در پیامد این رویدادها وی در سال 1926 مجلس مؤسسان را فراخواند و با کنار نهادن دودمان قاجار تخت شاهی را از آن خود کرد⁽¹³⁾ در روی کار آمدن رضاشاه افزون بر توانایی های نظامی و شیوه های ویژه ی سیاسی و عوامفریبی های خود او، پاره ای از نیروهای داخلی و خارجی نیز دست داشتند. از آن نمونه می توان به پشتیبانی سرمایه داران وابسته و بورژوازی در حال رشد و روحانیون و نیز دولت انگلستان اشاره کرد⁽¹⁴⁾ جریان به قدرت رسیدن رضا شاه با کمک گسترده ی ارتش و با تظاهر به دینداری و برپایی آئین ها و سنت های مذهبی و جلب دیدگاه روحانیون و حوزه های علمی ی پرنفوذ نجف و قم در پیوند بود⁽¹⁵⁾ در مجلس مؤسسان، مراجع تقلید قم و نجف و تهران و شهرستان ها یکپارچه به پشتیبانی از او برخاستند⁽¹⁶⁾ رضاشاه برای پی ریزی نظم نوین و برپایی تمرکز همه جاذبه در دستگاه حکومتی، دست به اقداماتی زد و برنامه ی

او برای پیاده کردن آماج هلی خود، به برپایی دولت تازه و برقراری شریک دولت به صورت گسترده روی آورد و در این چارچوب سیاست آرام سازی عشایر و سخت گیری به خوانین محلی، کنترل نیروهای مذهبی، برلشتن چادر و از میان بردن نام های پیشین درباری، برپایی نظام وظیفه گسترش شهرها، پایه گذاری شهرهای نوین و ایجاد صنایع و آموزشگاه های گوناگون را پیاده کرد. وی همزمان سیاست خودکامانه ی نقض قاذون اساسی، برگماری مقامات ارتشی به مسئولیت های بولتی، انباشت نارائی شخصی و دستگیری و کشتار روشنفکران و مخالفین را به اجرا در آورد⁽²¹⁾

سیاست اقتصادی رضاشاه دارای برخی ویژگی های تازه بود در پی کارکرد های او از یک سو، در بخش کشاورزی تعداد مالکان وابسته به بورژوازی افزایش یافت و مالکیت اربابی و بورژوائی دچار اصلاحی شد، اما چیرگی بازمانده های فنووالیسم کهن بدون دگرگونی جدی باقی ماند و در پایه های اقتصادی کشور، یعنی کشاورزی واپس مانده و تولید فنووالی، دگرگونی ایجاد نشد⁽²²⁾ از سوی دیگر با گسترش مناسبات سرمایه داری، صنایع رشد کرد در این میان روابط تازه ای با کمپانی های نفت انگلیس و ایران برقرار گردید و کار مزدوری در شهر و روستا بیشتر شد در زمینه ی مناسبات اقتصادی خارجی در سل 1927 قرارداد تضمین بیطرفی دوسویه ی ایران و شوروی بسته شد، موافقتنامه ی بازرگانی به امضاء رسید، بر قرارداد سال 1921 لغو کاپتولاسیون تکیه شد و در مناسبات با کشورهای باختری به اجرا درآمد. در سال 1931 برای برپایی توازن بازرگانی و استواری بهای ارز، بازرگانی برون مرزی انحصاری شد، کلاهای صدراتی و وارلاتی سهمیه بندی گردیدند و با وجود مخالفت های کشورهای خارجی، این تصمیمات به اجرا درآمدند⁽²³⁾

از زمان رضا شاه وزنه ی نفت در اقتصاد ایران گام به گام سنگین تر شد و در پی یک رونق شتابنده و پیگیر در چند دهه ی گذشته، به عامل تعیین کننده در اقتصاد کشور فرار وئید در دوران مظفرالدین شاه قاجار که امتیاز نفت ایران به ناریسی

بلدپروازانه ی اصلاحات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را آغاز کرد. او در ابتدا ارتش نوین را با بیش از 5 برابر افزایش هزینه باسازای کرد و در چارچوب اجرای تصمیمات خود و برای کنترل اوضاع کشور، احزاب سیاسی را از صحنه خارج کرد و همه ی اتحادیه های کارگری را ممنوع نمود. از جمله اقدامات او باسازای وزارت دادگستری بود که در پی آن، گام به گام از توان روحانیون کاسته شد و حضور آنان در مجلس کمتر گردید در این میان او مرلسم سنتی مذهبی عید قربان، مرلسم زنجیرزنی و قمه زنی و تعزیه خوانی ماه محرم را کم کرد و صدور روئید برای مناقضیان مکه، مدینه، نجف و کربلا را نیز کاهش داد از اقدامات دیگر او می توان به بهبود وضع آموزشی و ایجاد اصلاحات در زبان فارسی، که در جریان آن بسیاری واژه های فارسی به اندوخته ی زبان رسمی کشور افزوده شد، اشاره کرد⁽¹⁷⁾ گرایش برای باسازای زبان فارسی اما به پیش از زمامداری رضاشاه باز می گشت. ملی گرایی و گرایش به ایران باستان و تلاش برای استفاده نکردن از واژه های غیرفارسی از جمله دراندیشه های جلال الدین میرزا قاجار، در کتاب "نامه خسروان" و نیز هم اندیشه ی او آخوندزاده، از دوران قاجار نیز گسترده بود⁽¹⁸⁾ آخوند زاده نیز که در قفقاز بزرگ شده بود خود را از پاریسیان می دانست و در پی کشف علل واپس ماندگی ایران و راه های برون رفت از آن بود⁽¹⁹⁾

کوشش های رضاشاه برای مدرنیزه کردن ایران پس از شکست هلی بزرگ حکومت های خاور زمین در سده نوزدهم به ظهور پیوست. در این سده ناپلئون مصر را گشود، امپراطوری عثمانی از روسیه شکست خورد و روس و انگلیس در جنگ های خود قفقاز و ترکستان و افغانستان را از ایران جلا کردند و انگلستان بر هند چیره شد. پر سیه ی نوسازی در مصر و ایران و عثمانی از همگونی های زیادی برخوردار بود. پایه ی اصلاحات هر سه کشور، محمد علی در مصر، آتاتورک در ترکیه و رضا شاه در ایران بویژه بر دگرگونی های اقتصادی استوار بود و عنلصر فرهنگی هر سه، نگاه به باختر داشت و در آن مذهب نقش چنانی بازی نمی کرد⁽²⁰⁾

واگذار گردید و تازه پس از نزدیک به بیست سال به تصویب مجلس رسید، دولترین ایرانی به اهمیت نفت در اقتصاد جهان آنگاه نبودند در پایان سال 1933 که این امتیاز از سوی رضاشاه لغو گردید، شرایط نگرگون شده بود و سرمداران ایران می نامتند، نفت گنج بزرگی است که از سوی کمپانی نفت انگلستان در دورانی طولانی به غارت رفته است.⁽²⁴⁾ در زمینه ی امتیازنامه ی کمپانی نفت انگلیس و ایران، رضا شاه در آغاز دیدگاه دگرگون خواهانه و سپس روشی سازشکارانه در پیش گرفت و در سال 1923 قرارداد تازه ای با کمپانی انگلیس برای بهره برداری از اندوخته های نفتی ایران تا سال 1993 بست و حقوق باکی انگلیس را در ایران افزایش داد.⁽²⁵⁾ در پی بسته شدن این قرارداد، بیشتر شخصیت های سیاسی که خواهان کوتاه شدن نفوذ کمپانی انگلیس در ایران بودند، مورد پیگرد و فشار قرار گرفتند.

از ویژگی های بازرگانی ایران در دوران رضاشاه، افزایش نقش اقتصادی آلمان در ایران بود تا سال 1941 مبادلات میان دو کشور با شتاب افزایش یافت و صادرات آلمان به ایران 5 برابر شد و این کشور به بزرگترین خریدار نفت ایران مبدل گردید از سوی دیگر بخش بزرگی از محصولات غیرنفتی ایران را نیز این کشور خریدار بود در سال 1939 خط کشتیرانی مستقیم میان هامبورگ و خرمشهر برقرار شد و شرکت لوفت هانزا نیز خط هوایی تهران-برلین را پایه گذاری کرد.⁽²⁶⁾ از سوی دیگر پیمان بازرگانی تازه ای با شوروی در سال 1940 میلادی بسته شد و دشواری ترانزیت کالا میان ایران و آلمان از راه این کشور به شیوه مناسبی گره گشایی گردید. حق ترانزیت کالا، ابزار جنگی را شامل نمی شد دولت ایران در این دوره در پی کاهش مناسبات بازرگانی خود با اتحاد شوروی بود و برای رسیدن به این آماج به اقداماتی دست زد. نخست اینکه با ساختن کارخانه های نساجی، وابستگی ایران به واردات این کالا از شوروی را کاهش داد و بدین گونه با راه انانازی 31 کارخانه ی نساجی که بیشتر دولتی بودند، وارلت این کالاها از شوروی به یک سوم رسانده شد. دوم اینکه او با ایجاد انحصار در

بازرگانی خارجی، دست به ایجاد یک شرکت مرکزی و چندین شرکت سهامی برای کالاهایی مانند قماش، خشکبار، قند، شکر، پشم، پوست، فرش و برنج زد تا توانایی بازرگانان ایرانی را برای رقابت با سیستم بازرگانی متمرکز و دولتی شوروی افزایش دهد سوم اینکه وی با ایجاد راه ها و ساختن راه آهن سراسری، ارتباط میان مناطق شمالی و جنوبی و بویژه میان خلیج فارس و دریای خزر را گسترش داد و از وابستگی مناطق شمال به وارلت اتحاد شوروی کاست.⁽²⁷⁾ سیاست اقتصادی رضاشاه در دهه ی دوم و آغاز دهه ی سوم فرمانروائی اش بر بیطرفی نسبی در سیاست خارجی استوار بود.⁽²⁸⁾ او از این ره امکان ایجاد کرد تا اقتصاد ملی گسترش یابد و برخی از صنایع، راه آهن و دیگر راه ها بدون وام خارجی ساخته شوند از سال 1932 تا 1940 شمار شرکت های ثبت شده ی بازرگانی و صنعتی از 93 به 1735 افزایش یافت و سپس به 2165 واحد رسید به این گونه وزن مخصوص تولیدات صنعتی افزایش یافت و در فاصله ی سال های 1937 تا 1941 از 9.05 درصد به 18.4 درصد فراروید. شایان یادآوری اینکه از 1300 میلیون ریال سرمایه گذاری در سال های 1939، 550 میلیون ریال متعلق به دولت و رضاشاه بود.⁽²⁹⁾

رضاشاه همچنین امتیاز چاپ پول را از بانک شاهی که در مالکیت انگلستان بود، به بانک تازه بنیان شده ی ملی ایران واگذار کرد. اداره ی شبکه ی تلگراف را از کمپانی تلگراف هند و اروپا، و دریافت حقوق گمرکی را از مأموران باقی مانده ی بلژیکی بازپس گرفت آغاز ره در دومین دوره ی نوسازی اقتصادی ایران، در ادامه ی کوشش های وزرا و دست اندرکاران دوره ی قاجار، با ایجاده راه ها و بهبود ترابری شکل گرفت در سال 1926 کشور بیش از 3200 کیلومتر بزرگراه نداشت، که بیشتر آن ها خراب بود در سال 1942 وزارتخانه ی تازه بنیاد شده ی راه، بیش از 20000 کیلومتر بزرگراه با کیفیت نسبتاً خوبی نگهداری می کرد و بدین گونه ظرفیت ترابری در یک برش 15 ساله نزدیک به 7 برابر افزایش یافته بود. این راه ها که اساساً برای مقاصد نظامی ایجاد می شدند، زیربنای توسعه ی

اقتصادی بویژه گسترش صنعتی کشور را تشکیل می دادند در این دوره نیروی کار در صنعت نفت از 20000 هر به نزدیک 31000 نفر رسید و همچنین در دارای یک دهه بسیاری کارگاه های کوچک، بویژه کفکاشی و نجاری و خیاطی به وجود آمد. کارگران صنعتی ایران به طور عمده از مناطق روستایی ایران جذب می شدند از سوی دیگر نواحی تازه ی صنعتی، تجاری، اناری و مسکونی ایجاد شد همچنین پروژه های نوین و بویژه پادگان های ارتش تازه و وزارتخانه ها و کارخانه های صنعتی و مؤسسات آموزشی، بودجه ی دولت را تا 8 برابر، از کمتر از 245 میلیون ریال در سال 1926 به بیش از 43 میلیارد ریل در سال 1942، افزایش داد.⁽³⁰⁾

درآمد این هزینه ها از راه های گوناگون تأمین می شد و دارای ویژگی های خود بود نخست اینکه تولید نفت در دوره ی زمامداری رضاشاه گسترش یافت، آنچه که در دوره ی اول بازسازی اقتصادی کشور در زمان قاجار، در دسترس نبود از سوی دیگر سیاست سپردن حق امتیازها به خارجیان که در دوران ناصرالدین شاه گسترش یافته بود، باز هم افزایش یافت و در چارچوب اقتصاد وابسته و جلب سرمایه های خارجی، میزان آن از یک میلیون پوند به حدود چهارمیلیون پوند رسید درآمد حق امتیازها به طور عمده خرج خرید جنگ افزارهای مدرن و ماشین آلات صنعتی می شد به عنوان انگیزه سوم می توان به تعرفه های بالا و بهبود بازرگانی پس از ناپسندانی های جنگ اول جهانی، که درآمد گمرکات ایران را از 91 میلیون ریال به 421 میلیون ریال افزایش داد، اشاره کرد. هم چنین سامان دهی به ارگان های دولتی و بهبود در دریافت درآمدهای مالیاتی، از اهمیت برخوردار بود مالیات بر درآمد که تا پیش از روی کار آمدن رضا شاه بسیار ناچیز بود، در سال 1942 به میزان 280 میلیون ریال رسید. نمودار دیگری که بهبود امکانات مالی دولت را بازتاب می داد، به سیاست نوین در پهنه ی داد و ستدهای برون مرزی باز می گشت از ره سیاست انحصار بازرگانی خارجی توسط حکومت مرکزی که با مخالفت کشورهای اروپایی هم روبرو شد، درآمد کشور سالانه از صفر به 1.2

میلیارد ریال رسید. ویژگی ششم اقتصاد دوران رضاشاه که نارسایی های برنامه ریزی را بازتاب می داد، به کسری بودجه ی فرآینده بویژه در پایان سل های زمامداری او باز می گشت. رضا شاه از سال 1938 به تأمین کسر بودجه ی تورم زا روی آورد و بدین شیوه حجم اسکناس در گردش را تا سال 1942 افزایش داد.⁽³¹⁾

در پی دگرگونی های اقتصادی رضاشاه و از جمله انحصار بازرگانی خارجی و دگرگونی در پاره ای ساختارهای بازار داخلی ناراضانی بازاربان سنتی ایران که با روحانیون شیعه در پیوند نزدیک بودند، افزایش یافت. سیاست تمرکز اقتصادی، مالیات بردرآمد و نیز مالیات بر کالاهای مصرفی، در کنار انحصار بازرگانی خارجی، و رشکدنگی شماری از بازاربان را در پی داشت افزون بر آن لغو مالیات بر 216 صنف که به اجرا درآمده بود تا امکانات مالی سازمان های سنتی بازار را کاهش دهد، ناخرسندی بازاربان را افزایش داد. بدین ترتیب نفوذ سرمایه داران بزرگ بازار که با روحانیون مناسبات نزدیک داشتند، بر شاگردان و زیردستان آنها یعنی صنعتگران، بازاربهای خرد و مزدبگیران تا حدود زیادی از میان رفت. این کارکردهای رضا شاه در کنار دگرگونی های غیرمذهبی و بویژه بازبینی سیستم دادگستری و آموزش و کاهش نفوذ روحانیون در این پهنه ها، به واکنش های اعتراضی چندی از سوی بازاربان و روحانیون بر علیه رژیم انجامید که از سوی دستگاه سازمان یافته ی ارتشی - پلیسی سرکوب شد.⁽³²⁾

دگرگونی های اقتصادی رضاشاه گر چه همه سویه نبود، ولی رشد صنعتی نسبی اما ناپایداری برای کشور واپس مانده ی ایران در پی داشت. عمده ترین عوامل ناکامیابی در رشد صنعتی پایدار و همه جانبه ی اقتصادی را می توان به گونه ی زیر برجهسته کرد: نخست اینکه کارکرد کمپانی نفت انگلیس و ایران به چپاول هر چه بیشتر ناختر کشور انجامید، بی آنکه سهم کافی برای بازسازی اقتصادی کشور در اختیار دولت ایران قرار گیرد. در درازای 19 سال درآمد ایران تنها از 1.3 میلیون

لیره به 16 میلیون لیره رسیده بود، در حالی که درآمد دولت انگلستان در همین فاصله به مراتب بیش از این بود.⁽⁶³⁾

عدم انباشت کافی سرمایه برای بازسازی ریشه‌ای و پیگیر اقتصادی و نبود درآمد کافی در اختیار دولت، اتخاذ تصمیماتی را موجب شد، که فشار به توده‌ها را افزایش داد و تنش‌های اجتماعی را بانی گردید رضا شاه در پرتو مناسبات اقتصادی و سیاسی نابرابر بین المللی و چیره‌بر آن دوران، برای رفع تشنگی دربار و نزدیکان خود و نگاهداری پلشاهی خودکامه، روی به کارکرد هلی آورد که شرایط را آستان جنبش‌های بزرگ اجتماعی کرد. همان گونه که ناصرالدین‌شاه ناگهان با اجرای بازسازی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ناپیگیر خود، شرایط را آستان انقلاب مشروطه کرده بود. به منزله‌ی عامل دوم می‌توان به نارسایی سیاست زمینداری رضاشاه پرداخت. چیرگی فئودالیسم در بخش کشاورزی و ناری گسترده‌ی دهقانان که اکثریت شمار کشور را تشکیل می‌دادند، کوچکی و کسادی بازار داخلی را در پی داشت. رضا شاه به روشنی طرح اصلاحات ضرور ارضی را از برنامه‌ی خود بیرون کرد و با نگهداری و گسترش بی‌مرز مالکیت‌های خود به شیوه‌ی سنتی، به مالکان گرانید و از دگرگونی در مناسبات کهنه‌ی ارباب و رعیتی خودداری کرد. انگیزه‌ی دیگر با ویژگی سیاست صنعتی کردن رضاشاه در پویش بود سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در راه‌های غیرتولیدی مانند کارخانه‌های ابزار جنگی، یکی از دلایل نارسایی سیاست اقتصادی بازسازی در رژیم وی بود علت این سرمایه‌گذاری‌ها، گذشته از همراهی با سیاست غرب در ایجاد حلقه‌ی هلی کم و بیش استوار نظامی-سیاسی در مرزهای جنوبی اتحاد شوروی بویژه در ایران و ترکیه (آنتورک در ترکیه نیز سیاست‌هایی همگون با شاه ایران در پی فروپاشی روسیه‌ی تزاری به اجرا درآورد)، نبود پشتوانه‌ی اجتماعی و ناخشنودی گسترده‌ی مردم، همانند بوران قاجار، بود رضا شاه از راه کودتای ارتشیان و پشتیبانی انگلستان بر سر کار آمده بود و ماندگاری خود را نیز در گسترش قدرت ارتش می‌دید از میان سرمایه‌گذاری‌های هلی نظامی، بویژه هزینه

ی احداث راه‌ها که با هدف نظامی ساخته می‌شد، توانست به صورت غیرمسقیم به رشد صنعتی کشور کمک کند.

هم چنین نبود امنیت بایسته‌ی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در میان لایه‌های گوناگون اجتماعی، به دشواری‌های بازسازی اقتصادی کشور افزود اگر چه رضا شاه به افزایش سهم سرمایه‌داران صنعتی در تولید ملی کمک کرد، ولی پشتیبانی او از آنان در برابر مالکان ناپایدار بود وی شماری از سرمایه‌داران را به فروش دارائی و زمین‌های خود وادار نمود و پاره‌ای را از اموالشان محروم کرد در نبود فضای اطمینان در اقتصاد کشور و در حالی که روند انباشت آغازین سرمایه در لایه‌های بورژوازی رو به رشد ایران، خود به خود دچار دشواری‌های دگرگونی نظام واپس مانده و زیر فشار استعمار خارجی بود، این اقدامات رضا شاه به درس بیشتر سرمایه‌داران انجلمید. بدین گونه بورژوازی نوین با سرمایه‌ی کوچک انداخته‌ی خود، از سرمایه‌گذاری در بخش صنعتی خودداری کرد و همان راه بازرگانی سنتی و معاملات املاک و زمین را در پیش‌گرفت دشواری ژرفی که تا امروز زیر سایه‌ی انگیزه‌های گوناگون ولی کم و بیش همگون، روند نوسازی اقتصادی کشور را تحت الشعاع قرار داده است. بی‌دلیل نبود که بخش بزرگی از سرمایه‌گذاری‌ها به دولت و شخص رضا شاه متعلق بود او به هنگام کناره‌گیری حساب بانکی برابر با 3 میلیون پوند و زمین‌هایی نزدیک به 3 میلیون هکتار برای بازماندگان خود بر جای گذاشت.⁽⁶⁴⁾

نبود یک سیاست داری چشم‌انداز و روشن اقتصادی پاشنه‌ی آشیل برنامه‌های اقتصادی این دوران بود نگاه به کشورهای کامروا در پیروزی بر واپس ماندگی اقتصادی در آسیا، از آن میان نمونه‌ی ژاپن، ابعاد این کوه بی‌بینی‌های اقتصادی را روشن تر می‌کند از دینگه سیاسی اما پیدایش گرایش‌های گوناگون در دوران فراروی ایران به سرمایه‌داری بادر نظر گرفتن ویژگی‌های خود، به نمونه‌های دیگر جهان مانند ژاپن و آلمان همگونی‌هایی داشت. در پروسه‌ی رشد مناسبات نوین در چند دهه‌ی گذشته، ایران نیز مانند ژاپن و آلمان میان مکرسانی و

گرایش‌های چپ و دیکتاتوری در نوسان بود و گرایش‌های خوبکلمانه‌ی دولت‌های آن با پاره‌ای از اشکال آن در این دو کشور همرنگی می‌نمود.⁽⁶⁵⁾ ویژگی ایران در این فرایند از جمله در سیمای گرایش‌های برجسته‌تر مذهبی به عنوان آلترناتیو سیاسی در کنار دیگر اشکال روبنکی آشکار می‌شد اگر چه پاره‌ای از شاهان مانند نادر و نیز توده‌های مردم بویژه در سده‌ی نوزده به مخالفت جوی بر علیه روحانیون شیعه پرداختند و از حوزه‌ی نفوذ اقتصادی آنان با کاهش زمین‌های وقفی کاستند، ولی این دگرگونی‌ها گسترده نبود و مایه‌های سازش کارانه داشت. چیرگی روحانیون شیعه در پیکر جمهوری اسلامی بر اقتصاد و نیز بر همه‌ی پهنه‌های زندگی اجزاعی و سیاسی و فرهنگی، آزمونی بود که شاید ایران می‌بایست پشت سر می‌گذاشت تا تکلیف خود را به صورت قطعی با حکومت مذهبی روشن کند و به روش سکولاریستی رشد سرمایه‌داری، همانند دیگر کشورهای جهان باز گردید.

از دینگه اقتصادی، نارسایی سیاست ایران در این دوران را با مقایسه روند دگرگونی‌های آن با کشور ژاپن، می‌توان آشکار کرد. برخلاف دوران رضاشاه که به کشاورزی بی‌مهری می‌نمود و در تلاش برای صنعتی کردن نا همگون و بی‌هنگام و سریع کشور بود، شکوفائی و نوسازی اقتصاد ژاپن در طول سال‌های 1886 تا 1905 همانند بیشتر کشورهای اروپائی در آغاز رشد سرمایه‌داری، نه بر پایه‌ی صنایع بلکه بر اقتصاد کشاورزی استوار بود نخستین سرچشمه‌ی انباشت سرمایه در این سال‌ها افزایش تولید ابریشم و صادرات آن به خارج از کشور بود. ژاپن پس از اینکه کیفیت تولیدات ابریشم را تا سطح شاخص‌های جهانی بالا برد، به بزرگترین صادرکننده‌ی جهان تبدیل شد و میان سال‌های 1899 تا 1903 سالانه نزدیک به 15 میلیون پوند ابریشم صادر کرد در کنار صنایع ابریشم دومین سرچشمه‌ی درآمد ژاپن، صنایع نساجی برای تولید نخ بود که در پیوند نزدیک با اقتصاد کشاورزی قرار داشت در سال 1907 میلادی 5.1 میلیون نفر در این رشته مشغول به کار بودند و سالانه نزدیک به 400 میلیون پوند ریسمن نخ تولید می

شد روند صنعتی شدن و افزایش حجم صادرات صنعتی کم‌کم پدیدار گردید در دهه‌ی 1880 نو سوم صادرات ژاپن ابریشم، چای و برنج بود و تازه پس از پانزده سال مس و زغال سنگ مهم‌ترین صادرات کشور را تشکیل دادند و نیمی از صادرات به صورت ماشینی درآمد.⁽⁶⁶⁾

برنامه‌ی اقتصادی رضا شاه نه تنها به صادرات کشور توجه لازم نداشت بلکه با عدم نگرگونی در ساختار سنتی و واپس مانده‌ی روستاها، از توان اقتصادی در بخش کشاورزی نیز بهره‌گیری بایسته را نکرد رویکرد هلی او کوشش تازه‌ای بود در شرایط نوین بین‌المللی برای گسترش مناسبات رو به رشد سرمایه‌داری در ایران، اما تنها کوشش کمرگی بود از آن چه که هاتری هشتم دانگلیس و فرانسوای اول در فرانسه و ایوان مخوف در روسیه و فردیناند و ایزابل در اسپانیا پیش از او برای نابودی مناسبات کهن سال فئودالی، پیروزمندانه و کم و بیش زورمبارانه به ثمر رسانده بودند.⁽⁶⁷⁾ حکومت خودکامه‌ی رضا شاه با وجود نوسازی اقتصادی ایران، در چارچوب کهنه و تنگ مناسبات بورژوا-فئودالی ماند، از اجرای اصلاحات ارضی خودداری کرد و به مالکان و زمینداران امکانات فراوانی داد مالکان در مجلس اول 8 درصد در مجلس دوم 12 درصد و در مجلس سوم 26 درصد کرسی‌ها را به خود اختصاص دادند.⁽⁶⁸⁾ افزون بر آن او توانست بخشی از طبقه‌ی اعیان قدیم را جلب کند و پشتیبانی مؤثری را از لایه‌های میانی سنتی به دست آورد در این راستا پیدایش شرکت‌های دولتی و انحصارات حکومتی، شماری افراد صادرکننده و واردکننده‌ی نورچشمی و صاحبان صنایع وابسته به دربار را به وجود آورد نوسازی‌های رضا شاه، بویژه در پایان دوران سلطنتش به دگرگونی ساختار طبقاتی جامعه‌انجامید.

با آغاز جنگ جهانی دوم در ایران برگ تازه‌ای در تاریخ معاصر ایران ورق خورد در جریان جنگ، ایران همانند جنگ جهانی اول بی‌طرفی اعلام کرد، ولی به صورت تلویحی پشتیبانی خود را از آلمان هیتلری بیشتر نمود گزینش این سیاست از سوی رضا شاه به برکناری او انجامید در سال 1941 متفقین (شوروی از شمال و

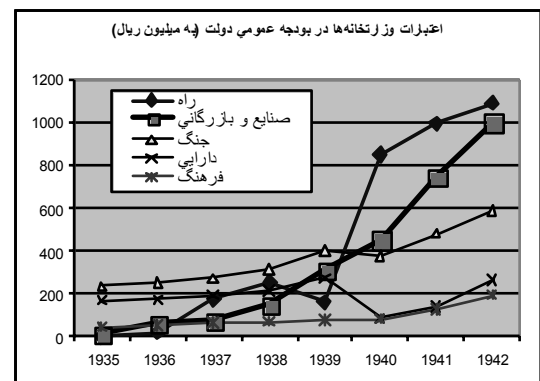
انگلستان از جنوب) ایران را اشغال کردند. نیروهای پشتیبان آلمان مورد پیگرد قرار گرفتند، رضا شاه به سوئد جانشین خود محمدرضا شاه ناچار به کناره‌گیری شد و کشور را ترک کرد. سیاست گسترش نفوذ در ایران از سوی آلمان بویژه پس از سرنگونی بیسمارک آغاز شده و رو به گسترش بود و در دوران رضا شاه به اوج خود تا آن زمان رسید. او نخست به جزیره‌ی موریس و سپس به ژوهانسبورگ یکی از مراکز مهم سرمایه‌گذاری خاغان پهلوی رهسپار شد شایان نگرش آنکه، با وجود سرمایه‌گذاری‌های کلان در ارتش سلطنتی، به دلیل نبود پیوند گسترده با توده‌های مردم و فساد فرماندهان، این ارتش نتوانست حتی مدت کوتاهی در برابر سپاه متفقین پایبندی کند و افسران که خود باید پیشگام و ضربه‌زیرستان می‌بودند، پیش از دستور ترک مقاومت، جبهه را ترک کرده و به تهران گریختند. در پی آن ابرار جنگی بسیاری از رسته‌های ارتشی بجا ماند و به دست کوچ نشینان افتاد.⁽⁴⁰⁾

همانگونه که پیشتر اشاره شد، رضا شاه را از دیدگاه اقتصادی و سیاسی می‌توان ادامه‌دهنده‌ی راه اصلاحات کم‌رنگ دوران قاجار دانست. وی در راه نوسازی اقتصادی ایران اما، در شرایط نوین داخلی و بین‌المللی قرار داشت. نخست اینکه جنبش اعتراضی ضد استعاری که پیش از روی کار آمدن رضا شاه نیز به صورت جدی موجود بود اگر چه در نتیجه‌ی سرکوب دستگاه خونکلمه‌ی رضا شاه امکان بروز چنانی نمی‌یافت، در لایه‌های اجتماعی ژرف‌تر و گسترده‌تر میشد دوم اینکه به جای روسیه‌ی تزاری کشور اتحاد شوروی با سیاست اقتصادی دیگری که ای روی کار آمده بود که امکان مازورهای اقتصادی و سیاسی تازه‌ای به زمامداران ایران می‌داد هم چنین منبع ارزی ایران از راه صادرات نفت خلم، با وجود سهم نامعادلانه‌اش، افزایش یافته بود، که این خود به توانایی ایران برای شتابدهی بازسازی اقتصادی کمک می‌کرد افزون بر انگیزه‌های گفته شده، به عنوان انگیزه‌ی چهارم می‌توان به مناسبات سرمایه‌داری رو به گسترش اشاره

کرد. در این چارچوب لایه‌های بورژوازی ایران با وجود دست‌درازی‌های شاه به سرمایه‌ها و دولشان، از توان بیشتری در اقتصاد ملی برخوردار شدند. رضا شاه در طول حکومت بیست ساله‌ی خویش با تکیه به لکنات تازه، چه از نظر اقتصادی و چه از دیدگاه اجتماعی و سیاسی و فرهنگی به بافت جامعه‌ی سنتی ضربه‌ی تازه‌ای وارد کرد و کشور را گامی به پیش برد و در راه رشد و نوسازی کشور اما، در چارچوب اقتصاد وابسته بازماند و برای نگاهداری پادشاهی خود در کنار رشد مناسبات سرمایه‌داری، بویژه از راه ورود سرمایه‌ی خارجی، به پایه‌های روابط واپس‌مانده‌ی قنودالی ضربه‌ی شکننده و پایانی وارد نکرد بدین گونه اقتصاد کشور در روند دگرگونی‌ها در چارچوب سازش ناپایدار روابط کهنه و نو باقی ماند و زمینه‌ی تنش‌های آینده را فراهم ساخت. نکته به گوشه‌ی از مهمترین ویژگی‌های اقتصادی دوران رضا شاه به حکم پاره‌ای داده‌ها، نمایش روشن‌تر از این برش را هاشور می‌زند ما در نخستین دوران نوسازی اقتصاد ایران در دوران قاجار، بویژه در پایان سده‌ی نوزده و آغاز سده‌ی بیست، به پاره‌ای دگرگونی‌ها مانند تغییر در ساختار حکومتی و کاهش نقش دربار در هزینه‌ها و ایجاد ساختارهای نوین بویژه در چارچوب و زارتخانه‌ها، کاهش رو به رشد سهم بخش کشاورزی در درآمدهای ملی، افزایش درآمد از راه گمرکات و امتیازها به کشورهای بیگانه وابستگی هر چه بیشتر ایران به چرخه‌ی اقتصاد جهانی، رشد صنعتی کند و بدون پشتیبانی سازمان یافته‌ی دستگاه‌انداری و در هم پاشی نسبی ساختار اقتصاد خودگردان و بسته‌ی داخلی بویژه در روستاها، اشاره کردیم. در دوران رضاشاه اگر چه در راستای دموکراسی بیشتر چرخش جدی ایجاد نشد، ولی شتاب صنعتی شدن کشور این بار زیر رهبری دستگاه دولتی متمرکز و بویژه شخص شاه وارد برش تازه‌ای گردید. گاهی به اعتبارات و بودجه‌ی دولت در میان سال‌های 1935 تا 1942 این دگرگونی‌ها را نشان می‌دهد از این میان می‌توان سه نکته را برجسته کرد نخست اینکه سرمایه‌گذاری در وزارت جنگ و سامان دهی به نیروهای ارتشی که در سال‌های نخست

به حکومت رسیدن رضا شاه از اولویت درجه‌ی یک برخوردار بود، در سال‌های بعد و با تحکیم گام به گام حکومت مرکزی و سرکوب مخالفین کاهش یافت و جای خود را به سرمایه‌گذاری در بخش راه‌ها و صنایع داد. دوم گسترش روزافزون سرمایه‌گذاری در پایان سال‌های حکومت رضا شاه در بازسازی راه‌ها بویژه به منظور بود یکی افزایش امکان حرکت برای نیروهای ارتشی در صورت بروز دگرگیری‌های محلی و یورش خارجی و دیگری فراهم کردن امکانات برای حمل و نقل کالاها در راه‌های ترانزیتی ایران و به دست آوردن هر چه بیشتر درآمد از این راه. این امر زمینه را برای صنعتی کردن کشور نیز فراهم می‌کرد سومین ویژگی به توجه روزافزون به سرمایه‌گذاری در بخش صنعتی باز می‌گشت. مهم‌ترین ضریب رشد واکتاری اعتبارات در سال‌های 1940 تا 1942 به بخش صنعت اختصاص داشت و مقام آن در مجموع سرمایه‌گذاری‌ها به مرز سرمایه‌گذاری در بخش راه می‌رسید که رشد آن از سال 1935 تا 1942 بدون گسست، همانند اعتبارات فرهنگی، روبه‌افزایش بود.

نمودار 28 - دگرگونی در اعتبارات وزارت خانه‌ها میان 1935-1942



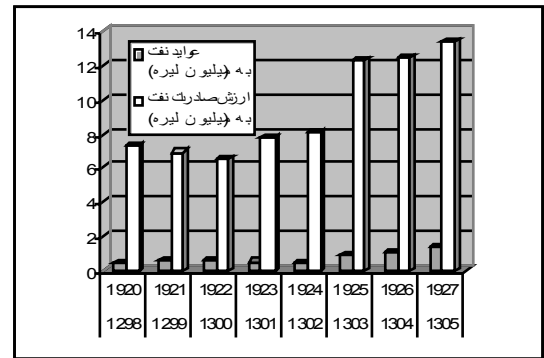
رشد بودجه عمومی میان سال‌های 1935 تا 1942 چشم‌انداز روشن‌تری از سمت‌گیری اقتصادی کشور به دست می‌دهد. گذشته از افزایش زید سهم اعتبارات دربار که از جمله به دست‌درازی‌های رضا شاه و اطرافیان‌ش به درآمد‌های ملی باز می‌گشت، خطوط کلی افزایش سرمایه‌گذاری‌های دولتی را می‌توان مثبت ارزیابی کرد. بویژه توجه ویژه به امور صنایع و بازرگانی و مقام نخست آن در رشد بودجه و در کنار آن پرداختن به امور بهداشتی و فرهنگی در کشور بازپس مانده‌ی ایران قابل توجه بود.

نمودار 29 - درصد رشد اعتبارات میان سال‌های 1935 تا 1942



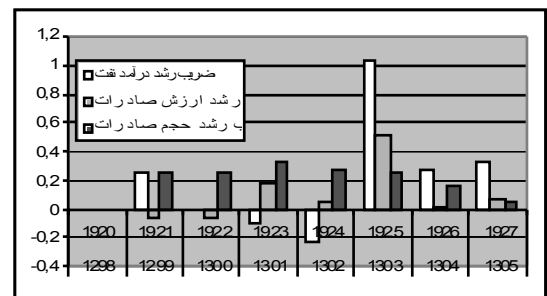
یکی از ویژگی‌های اقتصاد این دوران، همانند تمامی دوران‌های پس از آن تا امروز، افزایش سهم صادرات نفت در اقتصاد کشور بود در ارزیابی دگرگونی سهم نفت در درآمدهای دولت در سال‌های آغازین روی کار آمدن رضاشاه، سال‌های 1920 تا 1927 را مورد بررسی قرار داده ایم. تنها در طول این هفت سال درآمد ایران از راه صادرات نفت از نزدیک به نیم میلیون لیره به 1.4 میلیون، همانا نزدیک به سه برابر، افزایش یافت. این در حالی بود که ارزش صادرات نفت در بازار بین‌المللی تنها نزدیک به دو برابر افزون شده بود. این بدین معنی بود که دولت ایران از سهم بیشتری در صادرات نفت برخوردار می‌شد، اگر چه این سهم هنوز ناچیز می‌نمود.

نمودار 30- رشد درآمدهای نفتی و سهم آن در کل صادرات



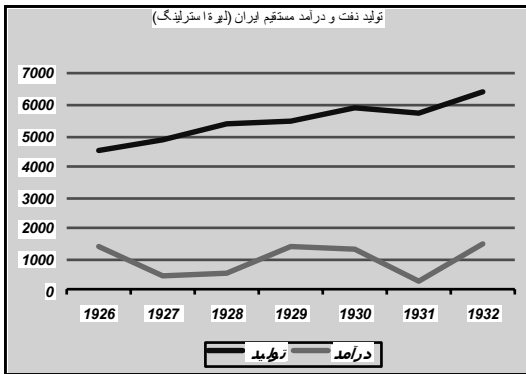
با نگاهی به رشد درآمد نفت، افزایش ارزش صادرات و رشد حجم صادرات نفتی، بوژه به ضریب رشد چشمگیر درآمدهای دولت کمی پس از روی کار آمدن رضاشاه روبرو می گردیم این دگرگونی ها در پی رایزنی های درازمدت میان دولت ایران و کمپانی نفت ایران وانگلیس به دست آمد.

نمودار 31- ارزش و ضریب رشد صادرات نفتی و غیرنفتی



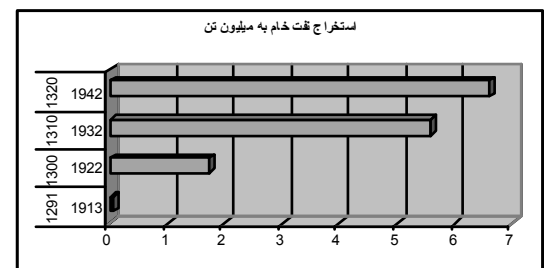
درآمد ایران از راه صادرات نفت خام صادراتی از آغاز تا پائین دوران رضا شاه، افزایش گام به گام نقش نفت در اقتصاد ایران را بازتاب میدهد در پهنه ی درآمد نفت با وجود نوسانات کلی با افزایش 80 درصدی و در زمینه تولید نیز با افزایش روزافزون و تقریباً بدون نوسان جدی مواجه می شویم بدین ترتیب روند وابستگی اقتصادی به صادرات نفت و صنعتی شدن گام به گام ایران بر پایه صادرات تک محصولی، همانند بسیاری از کشورهای رو به رشد آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین در حال شکل گرفتن بود.

نمودار 32- دگرگونی های تولید و درآمد نفت 1926-1932



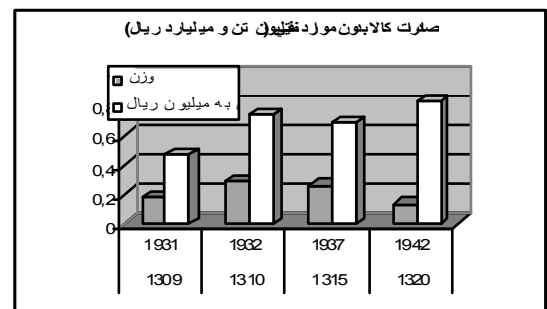
افزایش بسیار چشمگیر در استخراج نفت برای برآورده کردن نیازهای کشورهای صنعتی که زمینه ی گسترش نقش نفت در اقتصاد ایران را فراهم کرده برجسته بود. میان سال های 1913 تا 1922، همانا سل های نزدیک به روی کار آمدن رضاشاه با یک جهش جدی در استخراج نفت روبرو بودیم. اگر چه افزایش استخراج نفت تا پایان سال های حکومت او ادامه یافت ولی ضریب رشد و جهش افزایش آن هیچگاه به سال های 1913 تا 1922 نرسید.

نمودار 33- استخراج نفت در سال های برگزیده تا پایان دوران رضاشاه



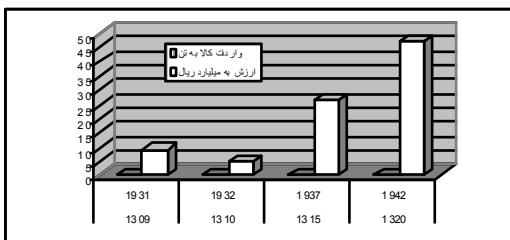
پاشنه ی آشیل سیاست اقتصادی رضاشاه در زمینه ی صنعتی کردن ایران بی توجهی او به بهبود تراز بازرگانی برون مرزی ایران بدون نفت و همانا صادرات نمانفتی بود. در فاصله ی سال های 1931 تا 1942 نه تنها در وزن صادرات نمانفتی کاهش جدی می بینیم، بلکه در زمینه ی ارزش صادرات، بدون نگاه به تورم، با افزایشی مواجه نیستیم در میان سال های 1932 تا 1942 نخست با کاهش سپس با افزایش 10 درصدی در طول ده سال روبرو می شویم.

نمودار 34- صادرات بدون نفت در سال های برگزیده تا پایان دوران رضاشاه



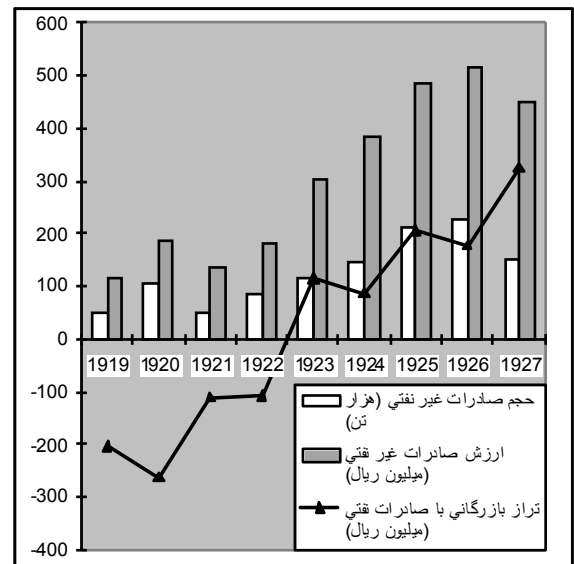
بی توجهی به ایجاد برابری در زمینه ی تراز بلز رگانی برون مرزی بدون نفت را، می توان در آینه ی افزایش چشمگیر واردات ایران نگریست در زمینه واردات گوناگون محصولات خارجی برای تامین نیازهای رو به گسترش بازار مصرف داخلی، از 9.32 میلیارد ریال به رقم 47.17 میلیارد ریال، همانا نزدیک به 500 درصد افزایش دیده می شد. رضاشاه بیشتر از راه افزایش استخراج و صادرات نفت خام ایران توانست به بهبود بازرگانی برون مرزی ایران سامان دهد و نه تکیه و افزایش چشمگیر در ارزش صادرات نمانفتی مانند بخش های صنعتی و کشاورزی و خدمات.

نمودار 35- ارزش و وزن واردات کالا تا پایان دوران رضاشاه



نگاهی به برش میان سال های 1919 تا 1927 این گرایش نادرست در سیاست بازرگانی ایران را که تا پایان روی کار بودن او ادامه نداشت، آشکار می کند. در ابتدا، نخستین تلاش های رضاشاه برای بهبود تراز بازرگانی و خارج کردن آن از کسری کهنه و همیشگی با پیروزی آغاز می شود. در پی آن اما چیرگی بردشوارتی های اقتصادی با آماج سلمان دهی اقتصادی و سرمایه گذاری در آن بخش های صنعتی و کشاورزی که زود به بازده برسد و مانند ژاپن به بازار برون مرزی برای صادرات و کسب درآمد عرضه گردند بی نتیجه و بی برنامه می ماند. بدین گونه روند نوسازی اقتصادی ایران از بن بست خود بیرون نمی رود و کم کم به سوی یک اتصال تک محصولی فرا می رود.

نمودار 36 - دگرگونی صادرات غیرنفتی و تراز بازرگانی



رضاشاه در پی ورود نیروهای خارجی به ایران بناچار کشور را ترک کرد ولی پادشاهی مشروطه او بر جای ماند. نبود رضاشاه و لرزه در پایه های زمامداری ایران نتوانست دگرگونی چشمگیری در سیستم خونکامه پدیدار کند، چرا که هیچ سازمان و حزب سیلسی متشکلی در ایران وجود نداشت و جنبش اعتراضی در طول حکومت دیکتاتوری رضا شاه سرکوب شده بود. در این دوران تحولات سیاسی به اشکالی نوین از جمله زیر هوید سیاست خارجی انگلستان شکل می گرفتند با این همه ورود نیروهای متفقین و برکناری رضاشاه زمینه ی مساعدی

برای رشد گام به گام جنبش ضداستبدادی در میان لایه های گوناگون کشور فراهم کرد. خیزب های پس از جنگ جهانی دوم در ایران، در حقیقت امر انامه ی موجهای انقلابِ ناتمام مشروطه در سال 1905-1911 بود. همانگونه که ایران در میان کشورهای آسیائی نخستین کشوری بود که پرچم مبارزه علیه استعمار خارجی را به دست گرفت، در سال های پس از برکناری رضا شاه، دوباره به یکی از پیشتازان آسیائی سیاست ضداستعماری بدل گردید. هر دو جنبش بزرگ ایران بر زمینه های یک ضرورت گریز ناپذیر، همانا از میان برلشتن مناسبات کهنه ی فئودالی، در شرایط نبود یک حکومت توانمند مرکزی و نیز وجود شرایط مساعد بین المللی به وقوع پیوستند. جنبش ضداستعماری در این سال ها همزمان بود با موج گسترده ی مبارزات کشورهای جهان سوم برای دستیابی به استقلال. در سال 1947 هندوستان مستقل شد، در آسیای جنوب خاوری شعله های نورد آزادیخواهانه بالا گرفت، در چین جنگ داخلی همچنان ادامه داشت و پروسه ی اوچگیری مبارزات در افریقا که هنوز به گونه ی گسترده در یوغ کشورهای سرمایه داری قرار داشت، در حال ژرفا یافتن بود. بدین روی روند چند صد ساله ی استعماری با ایجاد کشورهای کمی و بیش مستقل و تازه بنیاد در طول 25-30 سال تا حدودی لگام زده می شد.⁽⁴¹⁾

منابع ارزی ایران از صادرات نفت 66 درصد کل دریافت هلی ارزی ایران بود. سیاست انگلستان در مورد ایران در چارچوب جلوگیری از ایجاد صنایع همراه نفت بود تنها استثنا در این زمینه پالایشگاه بزرگ نفت در آبادان بود که در سال 1952 با ظرفیت 5 میلیون تن به کار آغاز کرده بود. سیاست کنترل مطلق منابع نفت ایران تا آنجا گسترش یافت که برای جلوگیری از هرگونه نفوذ ایران بر شرکت نفت ایران وانگلیس، حتی از خرید و فروش سهام این شرکت در ایران جلوگیری به عمل آمد.⁽⁴⁵⁾ سیاست نفتی غیرعادلانه ی انگلستان موج بزرگی از مخالفت طبقات و قشرهای وسیع جامعه ی ایران را برانگیخت. پیمان سال 1933 میان رضا شاه و کمپانی نفت انگلیس، دگرگونی چنانی در مناسبات نابرابر ایجاد نکرده بود و در پی آن بهره برداری از منابع نفتی کشور، بدون توجه به منافع درازمدت ایران، همچنان تا سال 1993 تسدید شده بود. در سال 1948 مجلس شورای ملی ققونی در مورد "استیفای حقوق ملت ایران" تصویب کرد که می توان آن را آغازی برلی جنبش ملی شدن نفت ایران خواند.⁽⁴⁶⁾ سال های 1951 تا 1953 را می توان سال های تنش های تد سیاسی میان لایه های گوناگون اجتماعی ایران برای بازی کردن نقش در سرنوشت آینده ی ایران و همچنین سال های رقابت شدید انگلستان و امریکا بر سر بازار ایران، بویژه نخائر نفتی جنوب کشور، ارزیابی کرد. در این دوران به دلیل نبود ثبات سیاسی و اجتماعی و فقدان یک حکومت مرکزی سامان یافته، دگرگونی چنانی در ساختار اقتصادی کشور انجام نشد. با این همه جنبش ضد استعماری این دهه به دستاوردهای بی سابقه ای در تاریخ مبارزات ایران دست یافت و می توان گفت، آینده ی اقتصاد ایران پس از کودتای 1953 از جمله بازتاب همین رویدادها و دستاوردها بود (همانند اصلاحات اقتصادی و سیاسی ناصرالدینشاه پس از جنبش اعتراضی با بیان در دوران قاجار و اصلاحات رضاشاه پس از انقلاب مشروطه).

بحران ژرف اقتصادی در سال های پس از 1941 زمینه ساز برخورد های سیاسی و تنش های اجتماعی تندی برای ایجاد دگرگونی در ساختار کهنه ی کشور شد. در

محمد رضاشاه و بازتاب رویکرد های او

محمد رضاشاه که پس از کناره گیری ناگزیر پدرش روی کار آمده و از پشتوانه ی توده ای برخوردار نبود، برای بازسازی نظم کهن و برپایی دوباره ی مرکزیت خاوری ایرانی، به مثابه ی سنگ پایه ی مناسبات سرمایه داری فئودالی و گسترش بازار با ثبات ملی، نخست دو جنبش بزرگ در آذربایجان و کرستان را در هم شکست.⁽⁴²⁾ سرکوب این دو جنبش راه را برای یورش همه سویه به جنبش سراسری کشور هموار کرد. حمله به نیروهای مقاومت در مازران، گرگان و اصفهان آغاز شد و در پی اعتصاب کارگران نفت خوزستان، حکومت نظامی برپا شد و رهبران سندیکای کارگری دستگیر و با سبسیه چینی زمامداران و پشتیبانی پاره ای از قبیله های عرب خوزستان، 46 تن از اعتصابگران کشته و 170 تن زخمی شدند.⁽⁴³⁾ در شهرهای مازندان نیز باندهای مسلح آشکارا دست به ترور نمایندگان کارگران زدند.⁽⁴⁴⁾ در سال 1946 بسیاری از کارخانه های کشور به دست ارتش و ژاندارم ها اشغال شدند و بسیاری از روزنامه ها و سندیکا های کارگری توقیف گردیدند. کوشش دوم برای دمکراتیزه کردن کشور در این سال ها بویژه تحت تأثیر سیاست کشور در مورد نفت بود. در آغاز حدود 15 درصد از درآمد دولت از راه صادرات نفت به دست می آمد و سهم آن در تولید ناخالص ملی تنها حدود 4 درصد را به خود اختصاص می داد. در فاصله ی 1947 تا 1950 اما

این میان در پی کنش و واکنش های گوناگون سیاسی مصدق به نخست وزیری برگزیده شد و با اعلام ملی شدن نفت سیاست "اقتصاد بدون نفت" پایه گذاری گردید. به همان مصدق گره دشواری نفت در ایران به زودی گشودنی نبود اقتصاد بدون نفت که مصدق در سال 1951 برگزید، به پیروزی نرسید چیرگی بر بحران مالی ژرف دوران نخست وزیری مصدق تنها از راه فروش نفت ایران امکان داشت ولی در این زمینه سیاست روشنی برای دسترسی به بازارهای تازه ی فروش نفت پیگیری می شد. دولت مصدق به دلیل فشارهای خارجی و ناروشتی سیاست اقتصادی و به منظور چیرگی بر مشکلات اقتصادی ایران آن روز، از فروش نفت سرباز زد و دکترین "اقتصاد بدون نفت" را همچنان پیگیری کرد از سوی دیگر فشارهای اقتصادی امریکا و انگلستان، به گسترش مناسبات اقتصادی غیرنفتی ایران و کشورهای اروپای خاوری یاری رساند دولت امریکا در این برش تاریخی حتی حاضر نشد قند و شکر مورد نیاز ایران را به اقساط و یا در برابر کالاهای صادراتی به ایران بفروشد.⁽⁴⁷⁾ دولت مصدق بادر پیش گرفتن سیاست بیطرفی و نپذیرفتن پیشنهادهای مشترک امریکا و انگلستان در زمینه ی بستن پیمان نامه ی نفت تازه دشمنی هر چه بیشتر این دو کشور را برانگیخت بدین روی زمینه های سرنگونی دولت او از راه کودتای نظامی فراهم گردید و رهبری آن عملاً به سرلشکر زاهدی واگذار شد. کوشش اول کودتا ناسرانجام بود و در پی آن زاهدی و همدستانش در آغاز دستگیر و سپس آزاد شدند، ولی کوشش دوم به آماج خود رسید و شمار زیادی از کارگزاران سیاسی دستگیر و کشته شدند. جنبش ملی شدن نفت پیرو زبهای چندی با خود به همراه داشت. نخست اینکه قاذون ملی شدن نفت را به تصویب رساند چیزی که در تاریخ ایران و کشورهای باختر آسیا بی پیشینه بود هم چنین در دسته بندی ملی انگلستان و امریکا شرکت نکرد و با آن ها پیمان نامه ی غیرعادلانه ای به امضاء نرساند از سوی دیگر دولت مصدق با دولت استعماری انگلستان به طور قطع مناسبات سیاسی را برید و نمایندگان آن را از کشور راه، چیزی که واکنش گسترده ای در جهان و بویژه در منطقه ی غرب

آسیا داشت افزون بر آن می توان به این نکته اشاره کرد که در روند این رویارویی میان ایرانیان و استعمارگران، به منافع اقتصادی انگلستان ضربه ی شدیدی وارد شد. از آن جمله بانک انگلیس و ایران و خلو میانه که یکی از پایگاه های استعماری انگلستان در ایران و خلو میانه بود، بسته شد و به اعتبار این کشور در منطقه ضربات جزیی وارد گردید.

دولت کوتاه مصدق در دوران زمامداری خود با وجود این دستاوردها، در پیاده کردن سیاست های خود، در شرایط دشوار آن دوران، چه از دیدگاه اقتصادی و چه از چشم انداز سیاسی دچار اشتباه های بزرگی شد. نخست اینکه در زمینه ی اقتصادی، سیاست "اقتصاد بدون نفت" ناچار به شکست بود و عملاً زمینه های کودتای نظامی را با نگیه به طبقات دارا و ناخشنود، همانا سرمایه داران بزرگ و فئودال های پیشین، فراهم کرد. از دیگر سو مصدق برای کاهش نقش "اصل ترومن" که استقلال اقتصادی ایران را با تهدید روبرو می کرد، اقدام روشنی صورت نداد. در نتیجه زمینه برای اقدامات آینده ی براندازی رژیم او از راه پشتیبانی از مخالفان و نیز وابستگان و دست نشانندگان امریکا در ایران گام به گام سازمان داده شد. هم چنین او با اینکه دیدگاه روشن و قاطعی در مورد ملی شدن نفت داشت، از گسترش همه سوئی ی جنبش و شریک کردن توده های میلیونی برای بُرنده تر و شریخش تر کردن جذبش خود داری کرد. بویژه پس از آن که شاه جوان از ترس فشار توده ای از کشور گریخته بود، فرصت مناسبی داشت که از آن استفاده نجست. از سوی دیگر مصدق وجهی ی ملی از اتحاد با یکی از بزرگترین نیروی سیاسی آن زمان، حزب چپ توده ی ایران که با وجود غیرقانونی بودن، نیمه آشکار فعالیت می کرد و می توانست حکومت او را پشتیبانی کند، خودداری کرد. به وجود نیامدن اتحاد میان دو نیروی بزرگ سیاسی کشور، جنبه ی ملی ایران و حزب توده ایران، بازتابی بود از دیدگاه ناروشن و ناهمگون مصدق در باره ی این جریان سیاسی و نیز چپ روی های این حزب.

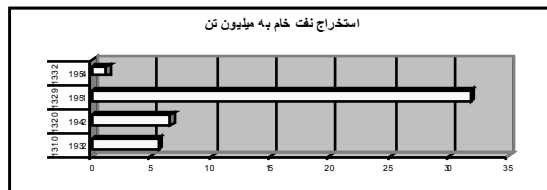
انقلاب مشروطه شالوده ی نظام کهن را درهم کوبید و رژیم رضاشاه بر پایه های کوبیده شده ی آن، وحدت ملی بورژوائی و نیمه مدرن جامعه ی نوین را استوار کرد. رویدادهای سال های 1951 تا 1953 دستاوردهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آن را گسترش داد و به مبارزات ضد استعماری برای دستیابی به خواست های توده ها ابعاد تازه بخشید. بزرگترین دستاورد این سال ها مبارزه برای ملی کردن صنایع نفت و تلاش گسترده ملی و از جمله بخشی از بورژوازی ایران، برای رهائی از سیستم تقسیم کار بین المللی بر پایه وابستگی به صادرات نفت ایران بود.

اگر چه جنبش ملی شدن نفت و برگزیدن سیلیست بدون نفت، با توجه به ناتوانی و ندام کاری نیروهای داخلی و توانمندی زیاد اردوگاه استعماری به شکست انجامید، اما خواست توده ملی وسیع مردم را به نمایش گذاشت. دستاورد بزرگ دیگر این سال ها شکل گیری گام به گام گروه بندی های اقتصادی و سیاسی در بستر قشرها و طبقه های اجتماعی و در چارچوب مبارزات پارلمانی و حزبی بود.

برای روشن شدن ویژگی های این دوران پاره ای از مهمترین دگرگونی های اقتصادی در زمینه ی استخراج و درآمد نفت و تأثیر آن بر صادرات و واردات کشور را به گونه ی فشرده مورد بررسی قرار می دهیم. سال های 1942 تا 1954 دوران پر تنش دگرگونی های سیاسی اند که اوج خود را بویژه در مرحله ی نخست وزیری مصدق آشکار می کنند. میان سال های 1942 تا 1951 علیرغم درگیری های شدید داخلی، استخراج نفت نزدیک به پنج برابر افزایش می یابد که این به مراتب بیش از ده ساله ی پایل حکومت رضا شاه بود. نیاز کشورهای صنعتی به نفت ایران و دستیابی به منابع تازه در ایران از راه سرمایه گذاری های تازه، زمینه

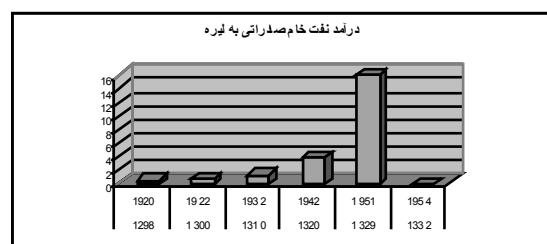
ساز این جهش تند بود. در دوران نخست وزیری مصدق اما استخراج نفت به شدت کاهش یافت و تا حد تأمین نیازهای داخلی فروکش کرد.

نمودار 37- استخراج نفت میان سال های 1932 تا برکناری مصدق



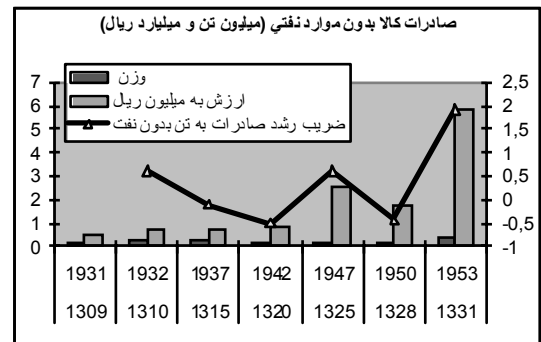
درآمد کشور از راه صادرات نفت خام و افزایش نقش آن در تأمین نیازهای انرژی کشور میان سال های 1920 تا 1951 چشمگیر بود. دریافتی دولت از این راه که تا سال 1932 از دوی میلیون لیره کمتر می نمود، در پایان سال های حکومت رضاشاه به مرز 4 میلیون لیره فراروید و در فاصله ی سال های پرتنش پس از وی تا سال 1951 به بیش از 16 میلیون لیره رسید. درگیری با کمپانی های نفتی در دوران مصدق به فشار مالی سنگین به اقتصاد وابسته به نفت ایران انجامید و درآمد ایران برای این دوره ی کوتاه از نفت تقریباً به صفر نزدیک شد و حتی از سال های 1920 نیز کمتر گردید.

نمودار 38- درآمد نفت خام میان سال های 1920 تا برکناری مصدق



بازتاب بحران در صادرات نفت و تلاش مصدق برای بازسازی اقتصادی، بدون تکیه به نفت را، می توان در دگرگونی ارزش و وزن صادرات غیرنفتی ایران دید. ضریب رشد این صادرات از سال 1932 تا آغاز بحران در سال 1950 با نوساناتی روبرو بود. در دهه ساله ی پایان حکومت رضا شاه به دلیل بی توجهی به افزایش سهم این بخش در تراز بازرگانی برون مرزی، با روندی رو به کاهش روبرو بودیم. در سال های 1952 تا 1950 نیز دگرگونی چشمگیری در این زمینه رخ نداد و نوسانات در حد سال های پیش باقی ماند. دگرگونی بزرگ میان سال های 1950 تا 1953 در عرصه ی صادرات غیرنفتی، با کاهش درآمد ارزی ایران از راه صادرات نفت خام و تلاش کوتاه مدت برای دستیابی به جانشین نفت در پیوند بود که آن نیز به دلیل ناتوانی های همه گیر اقتصاد بیمار ایران و نیز ناکامی های سیاسی در نوسازی ساختارهای روبنای نوین، بی برآیند ماند.

نمودار 39 - وزن و ارزش و ضریب رشد صادرات غیرنفتی تا برکناری مصدق



نبود ارز کافی و درهم ریختن تراز بازرگانی برون مرزی در پیامد بحران نفت، کاهش ناگزیر و شتابان واردات کشور و ناراضی بخش بزرگی از بازرگانان و سرمایه داران ایران را در پی داشت که گام به گام به دسته مخالفین مصدق می

پیوستند ارزش واردات کشور میان سال های 1947 تا 1950 نزدیک به هفت برابر کاهش یافت و کمبود کالاهای مورد نیاز و گرانی پیامد آن، زمینه را برای افزایش چشمگیر واردات پس از کودتای سال 1953 فراهم کرد. رویدادهای سال های 1951 تا 1953 اگر چه به آماج نهائی نرسید، ولی در روند دگرگونی های آینده ی کشور نقش ویژه ای بازی کرد و بازتاب اقتصادی و سیاسی آن نه تنها ایران بلکه خاورمیانه و نزدیک را زیر پوشش گرفت.

با اجرای کودتا و به تخت نشستن دوباره ی محمدرضا شاه یک دسته دیگرگونی های ناگزیر اقتصادی به وقوع پیوست. در زمینه ی پیمان نامه های نفتی در سال 1954، یک سال پس از کودتا، قرارداد کنسرسیوم بین المللی نفت به تصویب رسید و سپس به اجرا درآمد. در این مرحله دیگر طرف مقابل ایران تنها شرکت های انگلیسی نبودند. پنج کمپانی آمریکائی (40 درصد)، یک کمپانی انگلیسی (40 درصد)، یک کمپانی هلندی-انگلیسی (6 درصد) و یک کمپانی فرانسوی، به 100 هزار مایل مربع زمین نفت خیر ایران که پیش از این در اختیار شرکت های انگلیسی بود، حاکم شدند.⁽⁴⁸⁾ در این ترکیب خولست آمریکا که پس از جنگ جهانی دوم توانائی زیادی یافته بود، برای چیرگی بر منابع نفتی ایران برآورده گردید. در پیمان نامه ی بسته شده ی تازه، تقسیم سود بر اساس 50-50 که در جریان مبارزات ملی شدن نفت ایران درخواست شده بود، ظاهراً به اجرا درآمد و پایه ای برای گفتگوهای کشوری خاورمیانه برای دستیابی به حقوق اقتصادی شان شد. با وجود برخی اصلاحات مثبت در قرارداد نفت تازه، کنسرسیوم بین المللی عملاً از تمامی حقوق شرکت سابق نفت ایران و انگلیس برخوردار بود و اسناد و مدارک مربوط به اکتشاف و استخراج و تصفیه و حمل و نقل و قیمت و غیره از دولت ایران پنهان نگاهداشته می شد. این پیمان مدت امتیاز بهره برداری از نفت ایران را تا سال 1994 تمدید کرد و شرکت ملی نفت ایران تعهداتی در زمینه ی پرداخت "غرامت" به شرکت سابق نفت ایران و انگلیس پذیرفت. هم چنین ایران پذیرفت که تا مدت 10 سال سالانه 6.7 میلیون لیره و مجموعاً 67 میلیون لیره برلی تأسیسات استهلاک

قیمت متوسط هر بشکه فراورده ی نفتی در بازار اروپای غربی تنها 74 سنت یعنی 6.7 درصد آن به کشورهای صادرکننده نفت می رسید. 41.4 درصد آن سود انحصار ها بود و 52.3 درصد از آن را دولت های کشورهای وارد کننده نفت اروپائی به عنوان مالیات و عوارض و غیره دریافت می کردند.⁽⁴⁹⁾

سود بی سابقه ی شرکت های نفتی دلایل گوناگون داشت نخست اینکه شرایط زمینی در بسترهای نفت خیر کشورهای خاورمیانه چنان بود که منابع نفت با هزینه های کم در دسترس قرار می گرفت. این ذخایر در اعماق نسبتاً کم قرار داشتند و برای بهره برداری از آنان حفار چاه های عمیق ضروری نبود. هم چنین حجم بهره برداری از چاه های نفت منطقه بیش از حد متعارف بود برای نمونه بهره برداری سالیانه ی یک چاه در خاورمیانه و نزدیک و از جمله ایران 200 تا 300 برابر بیشتر از یک چاه در ایالات متحده ی آمریکا بود.⁽⁵⁰⁾ سوم اینکه دستسازد کارگران نفت ایران 10 تا 15 برابر کمتر از کارگران همگون امریکائی بود. در ایران آن زمان مزد کارگران در موسسات نفت از مزد کارگران دیگر تأسیسات صنعتی ایران کمتر بود و حقوق کارگران نفت جنوب ایران در برابر 12 تا 16 ساعت کار روزانه 18 ریال بود که حتی برای فراهم کردن خوراک آن ها نیز کم بود. کمیسیون اناره ی بین المللی کار در سال 1950 نوشت که مزد کارگران نفت ایران 4 برابر کمتر از دستمزد کارگران مشابه و نزواتی است. نتیجه اینکه هزینه ی تولید یک تن نفت در آمریکا - هزینه در گزاس - 11.8 دلار و در ایران تنها 5 دلار بود.⁽⁵¹⁾

بستن پیمان نامه ی تازه که با اعتراضات مردم روبرو شد و بازتاب آن حتی در روزهای سرکوب بعد از کودتا در روزنامه های ایران دیده شد، همزمان بود با دستگیری و اعدام فعالین سیاسی ایران. تفاوت پیمان نامه ی تازه با پیمان نامه ی قانون ملی شدن نفت مصوب 1951 که در زیر فشار جنبش ملی در مجلس تأیید شده بود چنین بود اول اینکه بهره برداری نفت ایران که قرار بود بر پایه ی مصوب 1951 در اختیار ایران باشد، به کنسرسیوم بین المللی واگذار گردید. سهم ایران در صادرات نفت در فاصله ی سل های 1966-1971 فقط 3 درصد بود.⁽⁵²⁾

نشده ی حوزه ی قرارداد به شرکت انگلیسی بپردازد. بدین گونه می بایست به این شرکت با وجود 50 سال چپاول منابع نفتی ایران، مجموعاً مبلغی برابر با 143 میلیون لیره غرامت پرداخت می شد. این شرکت 214 میلیون لیره بخاطر سرقتی از شرکت کنسرسیوم بین المللی نیز دریافت می کرد.⁽⁴⁹⁾

پس از جنگ جهانی دوم با افزایش تند صادرات نفت خام از منطقه ی خاورمیانه، سیستم قیمت گذاری ارزش نفت جهانی که پیشتر از سوی آمریکا تعیین می شد، دچار دگرگونی گردید. سهم کشورهای منطقه ی خلیج فارس در تولید نفت جهانی از 4.8 درصد در سال 1940 به 12.2 درصد در سال 1948 رسید و در سال 1949 این منطقه مقام سوم را در جهان پس از آمریکا و ونزوئلا به دست آورد. آن چه که بویژه نمایان بود اینکه، بهره وری چاه های نفتی در منطقه خاورمیانه بالاتر از سایر مناطق بود. بهره وری متوسط شبانه روزی هر چاه در سال 1949 در منطقه ی خلیج فارس 5143 بشکه، در ونزوئلا 200 بشکه و در آمریکا فقط 11 بشکه می نمود. سهم ذخیره ی منابع نفتی در همان سال در کشورهای خلیج فارس 41 درصد، آمریکا 35 درصد و ونزوئلا 11 درصد بود.⁽⁵⁰⁾ آنچه بویژه به چشم می خورد این بود که، با وجود منابع گسترده ی نفت در منطقه ی خلیج فارس، رشد صنایع نفتی در این منطقه افزایش چندانی نمی یافت، چرا که آمریکا خود صادرکننده نفت و فراورده های نفتی بود. رشد محدود این صنایع از زمانی به طور جدی آغاز شد که آمریکا از صادر کننده ی نفت به واردکننده ی نفت خام تبدیل شد. در طول مبارزات ملی شدن نفت در ایران و گسترش مبارزه ی کشورهای خاورمیانه و در پی گفتگوها و رایزنی های کشورهای منطقه بر سر تقسیم منابع نفتی بر پایه ی 50-50، قیمت نفت خلیج فارس تا حدود 1.75 دلار برای هر بشکه کاهش یافت، ولی همزمان قیمت نفت در مکزیک 2.66 دلار و در دریای کاریبیک 2.30 دلار باقی مانده بود. قرارداد تازه ی کنسرسیوم بین المللی نفت دو نوع پرداخت را برای دولت ایران در نظر گرفت: اول مالیات بر درآمد و دوم بهره ی مالکانه با پرداخت مشخص بر پایه ی محاسباتی که سازمان اوپک بعدها در سال 1964 منتشر کرد، از 11 دلار

دوم اینکه مناطق زیر اختیار کنسرسیوم افزایش یافت و افزون بر مناطق زیر کنترل کپانی نفت انگلیس، دولت ایران 8 جزیره ی خلیج فارس و سواحل آن را نیز به کنسرسیوم واگذار کرد هم چنین پس از این پیمان استخراج منابع نفت ایران افزایش بی سابقه ای یافت. در مدت 9 سال این شرکت تا سال 1963 بیش از 240 میلیون تن نفت بهره برداری کرد که این مقدار بیش از میزانی بود که کپانی نفت انگلیس و ایران طی 50 سال کار خود در ایران استخراج کرده بود. این در حالی بود که استخراج دولت ایران از نفت (و نه کنسرسیوم) در 9 سال کار این شرکت تنها حدود 250 تا 260 هزار تن یعنی یک هزارم میزان استخراج خارجیان بود تقریباً تملی نفت بهره برداری شده بدون پرداخت مالیات و عوارض گمرکی از ایران خارج می شد. در این دوره سود خالص کپانی های نفتی در مدت 5 ساله در عراق 62 درصد، در عربستان سعودی 61 درصد و در ایران 71 درصد مبلغ سرمایه گذاری بود.⁽⁶⁵⁾

از سوی دیگر بر خلاف خواسته های جنبش ملی شدن نفت، تمامی پالایشگاه ها، لوله های نفت، کارخانه های برق و غیره در اختیار کنسرسیوم بین المللی قرار گرفت و اختیارات نامحدود دیگری از جمله برای ساختن رله آهن، بندرها و فرودگاه ها و غیره به آن شرکت واگذار گردید. و در پی آن تصفیه ی نفت در ایران به شکل چشمگیری کاهش یافت و از جمله پالایشگاه بزرگ نفت آبادان با ظرفیت کم به کار خود ادامه داد. افزون بر آن واگذاری نفت جنوب به کنسرسیوم بین المللی نفت، دروازه های تازه ای برای گسترش تعداد کارشناسان خارجی بویژه امریکائی گشود و در پاره ای موارد این کارشناسان به دو برابر شمار پیشین خود رسیدند. در آغاز سال 1962 در تأسیسات کنسرسیوم 900 کارشناس خارجی بویژه امریکائی کاری کردند و این در حالی بود که در همان سال 40 کارشناس ایرانی از کار بیکار شده و جایشان را خارجیان پر کرده بودند.⁽⁶⁶⁾

پیامد در پیش گرفتن این سیاست، نه تنها راندن کارشناسان بلکه کم کردن شمار کارگران و کارمندان ساده ی ایرانی بود. با آنکه بهره برداری نفت سال به سال

افزایش می یافت، تعدد کارکنان به نیم خود کاهش یافت و به 40000 تن رسید. در طول 4 سال 1500 کارگر بیکار و مبلغ 30 میلیون لیره ی استرلینگ به درآمد سالانه ی کنسرسیوم افزوده شد و برنامه ی اخراج های آینده برنمه ریزی گردید. از آغاز کار کنسرسیوم تا سال 1957 بیش از 30000 کارگر ایرانی ناچار به مهاجرت شده و برای یافتن کار راهی کشورهای دیگر مانند کویت شده بودند.⁽⁶⁷⁾

پیمان کنسرسیوم بین المللی نفت آرام آرام نه تنها اعتراضات مردم را برانگیخت، بلکه حتی شاه نیز در مصاحبه ای در سال 1957 به کمیوهای جدی آن اعتراض و خواستار سهم بالاتری از منافع صادرات نفت شد.⁽⁶⁸⁾ آنچه که افزون بر درآمد کم دولت به دشواری های اقتصاد کشور می افزود، مخارج نظامی رو به افزایش رژیم پس از کودتا بود. با پیوستن ایران به پیمان نظامی بغداد با شرکت ایران، ترکیه، پاکستان و عراق، که در آینده با یرون رفتن عراق پیمان سنتو نامیده شد، مخارج تسلیحاتی گسترش بیشتری یافت. شش از سال 1953 تا 1961 بیش از 65 میلیارد ریال به امور نظامی و ساختن تأسیسات مربوط به آن اختصاص داد و بدین گونه در همان راهی گام گذاشت که پدرش رضا شاه در دوران زمامداری بیست ساله ی خود در پیش گرفته بود. افزایش مخارج سنگین غیرتولیدی بر دشواری های مالی ایران افزود. این مخارج در طول 5 سال پس از ورود به پیمان سنتو هر سال بیش از 40 درصد از بودجه ی کشور را به خود اختصاص می داد. هزینه های جنبی نظامی برای ساختن رله ها، فرودگاه ها، بندرها و دیگر تأسیسات نظامی بیش از این بود.⁽⁶⁹⁾

گسترش زیاد هزینه های تسلیحاتی هر سال به کسری بودجه و نبود توازن پرداخت های ایران می انجامید و در پی آن ذخائر طلا و ارز کشور کمتر می شد. این ذخائر طی سال 1959-1958 تا سال 1960 از میزان 17 میلیون دلار به 70 میلیون دلار کاهش یافت و از سوی دیگر کسری موازنه پرداخت های ایران در همین فاصله از 49.2 میلیون دلار به 63 میلیون دلار رسید. همراه با این نارسائی های مالی تورم اوج گرفت و ارز ایران ارزش خود را روز به روز از دست داد.

پیامد ناگزیر این ورشکستگی مالی افزایش بدهی خارجی بود. بدهی خارجی ایران بدون نگاه به کمک های نظامی و فنی آمریکا، در سال 1963 به 574.3 میلیون دلار رسید. بر پایه ی گزارش رسانه های برون مرزی این بدهی ها حتی به حدود یک میلیارد دلار افزایش یافته بود. برجسته ترین دشواری های اقتصادی ایران در این سال ها را می توان در عوامل زیر جستجو کرد: نخست اینکه پس از بسته شدن پیمان نامه ی تازه با کنسرسیوم بین المللی نفت، اقتصاد ورشکسته و وابسته به نفت کشور توانست در حقیقت امر به درآمد تازه ای دست یابد درست است که درآمد نفتی ایران در سال 1954 از 32 میلیون دلار به 181 میلیون دلار رسید و تا سال 1961 به 437 میلیون افزایش یافت، ولی این درآمدها در برابر سیل ورود کالاهای خارجی بی تأثیر بود.⁽⁶⁰⁾ افزون بر آن باید در نظر گرفت که افزایش درآمد دولت نه در نتیجه ی افزایش قیمت نفت بلکه در پی افزایش بی سابقه ی حجم صادرات نفت ارزان ایران به دست آمد.

از سوی دیگر سیاست نظامی گری و افزایش مخارج تسلیحاتی و فشار سنگین آن به بودجه ی کشور به کسری بودجه افزود. این سیاست افزون بر گرایش آمریکا در گسترش پایگاه های خود در ایران، نشان از ترس رژیم کودتائی شاه داشت که پایگاهی در میان مردم نمی دید. هم چنین افزایش نفوذ سرمایه های خارجی که از سال 1952 آغاز شد، باعث گردید که شرکت های خارجی و صاحبان سرمایه بین المللی مقدار زیادی سود را سالانه از کشور خارج کنند. مبلغ کل سود شرکت های خارجی در سال 1958 در ایران حدود یک میلیارد دلار بود.⁽⁶¹⁾ در پی اجرای سیاست درهای باز در همین سال 1084 کپانی خارجی، از جمله 220 شرکت امریکائی، 185 شرکت انگلیسی، 151 شرکت آلمانی، 160 شرکت فرانسوی، 53 کپانی ژاپنی و 40 شرکت سوئیسی در ایران کار می کردند. دولت ایران تضمین کرد که صاحبان سرمایه ی خارجی اجازه ندارند هر وقت بخواهند آژانته سرمایه ی خود را از ایران خارج کنند و سود آن ها در 5 سال اول کارشان در ایران از پرداخت مالیات آزل خواهد بود.⁽⁶²⁾ از سوی دیگر تسهیلات فراوانی برای آمدن

سرمایه های مالی در سیستم بانکی در نظر گرفته شد و بانک های امریکائی، فرانسوی، ژاپنی و انگلیسی با همکاری سرمایه های ایرانی دست به فعالیت گسترده زدند. سیاست دروازه های باز از سوی دیگر به ورود بی رویه ی کالاهای خارجی و ورشکستگی اقتصاد ناتوان داخلی انجامید. در فاصله ی این سال ها واردات کشور 5 برابر صادرات افزایش یافت و کسری موازنه پرداخت های باز رگانی ایران 4 برابر شد. بحران مالی ناشی از سیاست های ناهمگون اقتصادی پس از کودتا، دولت را به اتخاذ برخی تصمیمات بی حاصل، از جمله کاهش واردات بعضی اتومبیل های گران سواری و نوشابه های الکلی و کالاهای تزئینی و اداشت انگیزه ی دیگر دشواری های اقتصادی ایران در این برش به چیرگی بازمانده های فئودالیسم در کشاورزی و ناری عمومی دهقانان باز می گشت که اکثریت جمعیت کشور را تشکیل می دادند. این واپس ماندگی به کساد بازار داخلی می انجامید. رضا شاه اگر چه به ضرورت اصلاحات ارضی در کشور واپس مانده ی ایران پی نبرد و نیاز مردم و خواست ناشام انقلاب مشروطه را بی پاسخ گذاشت، اما به رشد اقتصادی نسبتاً مطلوبی دست یافت.

پیامد ناتوانی ها و نارسائی های اقتصادی در سال های پس از کودتا این بود که کشور در چارچوب عقب مانده ی خود باقی ماند و نتوانست با وجود بالا رفتن درآمد نفت ایران، با اتخاذ سیاست سنجیده و صرفه جویانه، نوسازی اقتصادی دوران رضا شاه را پی گیرد. مصرف سرانه ی کالاهای صنعتی در ایران طی این سال ها حتی کمتر از دو کشور همسایه ی عراق و ترکیه بود. رکود صنعتی کشور باعث ورشکستگی بسیاری از موسسات از جمله کارخانه های بافندگی و چرم سازی شد و با افزایش شمار شرکت های ورشکسته، فرار سرمایه به بانک های خارجی گسترش یافت.⁽⁶³⁾ ورشکستگی اقتصادی و افزایش رو به رشد بیکاری به اعتراضات توده ای بویژه در روستاها انجامید و جنبش دهقانی از پایان سال 1960 هر چه بیشتر لمانه گرفت. دگرگونی در بافت فئودالی روستاهای ایران با گسترش اعتراضات توده ای و با گرایش مثبت زمامداران آمریکا برای ایجاد ساختار نو در

ایران وارد مرحله ی تازه ای شد در ایران مانند پاره ای دیگر از کشورهای رو به رشد تلاش برای اصلاحات ارضی با پایلاری زمینداران بزرگ و کارشکنی آنان روبرو بود. ضونه ی آن را می توان در مصر نیز مشاهده کرد که پس از تصویب قانون اصلاحات ارضی در سال 1973 این قانون نه تنها با کارشکنی فئودال ها بلکه با مقاومت بورژوازی نوپا و بزرگ مصر نیز روبرو گردید. در هندوستان نیز اصلاحات در مناسبات زمینداری با پایلاری زمینداران بزرگی روبرو شد که در میان رهبران اپوزیسیون نیز بودند. پاره ای از اعضا رهبری جنبش ضداستعماری مانند خانواده ی "ویدهان سبها" بیشتر درآمد خود را از راه زمین داری سنتی به دست می آورده و از این روی مناسبات کهنه را پاس می داشتند.⁽⁶⁴⁾

در تابستان 1962، 6 لایحه ی قانونی درباره ی اجرای اصلاحات در کشور تنظیم و به همه پرسسی گذاشته شد. بعدها 6 بند دیگر نیز بدان افزوده شد که قانون پیرامون اصلاحات ارضی مهم ترین لایحه ی آن بود. مهمترین این لایحه ها به قرار زیر بودند: اجرای اصلاحات ارضی، ملی کردن جنگل ها، فروش کارخانه ها و کارگاه های دولتی با آماج تأمین اعتبار مالی برای اصلاحات ارضی، تغییرات در قانون انتخابات مجلس، سهمیم کردن کارگران در درآمد مؤسسات صنعتی و ایجاد "سپاه نان" برای مبارزه با بیسوادی در روستاها.⁽⁶⁵⁾ قانون اصلاحات ارضی که از سوی امینی به تصویب رسید، توسط دولت علم تکمیل و گسترش یافت و در سال 1962 اجرای آن آغاز شد. پیاده شدن اصلاحات ارضی با مخالفت زمینداران بزرگ و محافل واپس گرای مذهبی روبرو شد در سال 1963 سه روز در تهران و قم و برخی شهرها تظاهراتی برپا شد که در آن خمینی نقش ویژه ای بازی کرد.

Vidahan sabbha *¹

نیروهای نظامی شاه تظاهرات را سرکوب، مخالفین را دستگیر و خمینی را در آغز به ترکیه و سپس به عراق تبعید کردند اصلاحات ارضی را نمی توان یک رویکرد قاطع برلی ریشه کنی مناسبات فئودالی و نیمه فئودالی در روستاهای ایران بشمار آورد. این اصلاحات، گتار تدریجی کشاورزی روستائی ایران به راه رشد سرمایه داری بود که با شرایط مساعدی برای مالکین و قشرهای نارای روستائی پیاده شد.⁽⁶⁶⁾

نتیجه ی مثبت اصلاحات ارضی تضعیف پایگاه اقتصادی زمینداران بزرگ در روستاها و تزلزل موقعیت کلی آنان در زندگی سیاسی کشور بود ولی در زندگی روستائیان دگرگونی ژرفی بوجود نیاورد و درآمد سرانه ی آنان همچنان ناچیز باقی ماند.

قانون اصلاحات ارضی چند آماج نداشت: نخست اینکه در آن حد نصاب مالکیت برای هر شخص 400 هکتار زمین آبی و یا 800 هکتار زمین دیم تعیین گردید. هر مالک می توانست ظرف دو سال پس از تاریخ تصویب قانون، یک برابر و نیم این مقدار را به وارث قانونی خویش منتقل کند. وی همچنین می توانست هر مقدار از زمین های خود را که مایل بود به دیگران واگذار و در مقابل، مبلغی به عنوان عمران به دولت بپردازد. دوم اینکه حد نصاب مالکیت برای هر شخص در تمام ایران بر پایه ی این قانون یک ده شش دانگ بود و بقیه می بایستی از سوی دولت خریداری و به اقساط به روستائیان صاحب نسق واگذار می شد. سومین آماج برجسته در قانون، دگرگونی کشاورزی ایران از راه ماشینی کردن و نوسازی سیستم کشاورزی بود که می بایست از دو راه به اجرا در آید؛ نخست شرکت های کشت و صنعت که شکل ویژه ی سرمایه داری آمیخته با سرمایه ی خارجی بودند و دوم شرکت های سهلی ارضی که راه گام به گام و درازنای تبدیل دهقانان به کارگران این شرکت ها را هموار می کرد.⁽⁶⁷⁾

شله دیدگاه خود را درباره ی این دگرگونی ها چنین بیان می کرد: "کشاورزی ایران باید مکانیزه شود قطب های کشاورزی در جاهلی که زمین خوب است و آب

امریکائی و یک شرکت ژاپنی یک شرکت کشت و صنعت پدید آمد، با مشارکت سرمایه های آلمانی، هلندی و انگلیسی و غره در مناطق حاصلخیزی مانند آذربایجان، دشت مغان، قزوين، ماژندران، خراسان و غره طرح های همانندی اجرا شد.⁽⁶⁹⁾

اجرای اصلاحات ارضی با وجود جوانب مثبت آن، با آوری کار روستائیان را افزایش چنانی نداد و تولید محصولات کشاورزی همچنان در سطح کم ماند. بدین گونه وابستگی به واردات فراورده های کشاورزی از خارج ادامه یافت و بخش مهمی از درآمد ایران را هزینه کرد سرمایه گذاری دولت در بخش کشاورزی و کمک مالی به روستائیان که می بایست به رشد تولید کشاورزی بیانجامد، به دلیل نارسائی های برنامه ای و ندانم کاری های اجرائی به نتیجه نرسید. از آنجا که پس از پیاده شدن اصلاحات ارضی شمار بسیاری از واحدهای کوچک کشاورزی ایجاد شدند که توانایی اقتصادی ناچیزی داشتند، واگذاری وام دولتی نقش ویژه ای بازی کرد. برای کمک به بهبود کشاورزی، سازماندهی نوین واگذاری وام ها و ساماندهی به سرمایه گذاری ها لازم بود. این رویکرد می توانست بویژه از راه بهبود سیستم آبیاری کشور پدید آید، خاصه در کشوری که در تاریخ چند هزارساله ی خود سنت های کهن و کم ماندنی مانند "کاریز" سازی داشت و میزان بارنگی سالانه آن در سنجش جهانی بسیار ناچیز بود. بر پایه ی پیش بینی های دولتی می بایست سیستم های آبیاری موجود راه اندازی شده و بهبود می یافتند و برای گسترش آنان برنامه ریزی می شد. در ادامه می بایست شیوه های نوین کشاورزی ماشینی با بارآوری بالا، با در اختیار گذاشتن وسائل مورد نیاز و آموزش های لازم کشاورزی، به اجرا در می آمدند. برای اجرای این رویکردها انبارها، وسائل حمل و نقل، کوبشیمیائی و مواد سم پاشی و غیره نیاز بود که تهیه ی آن برای روستائیان که در ناری بسر می بردند، ناممکن بود در صورت اجرای درست اصلاحات ارضی کشاورزان می توانستند نخست نیازهای داخلی خود را برآورده سازند و سپس به تأمین احتیاجات شهرنشینان روی آورند و به میلله گسترده تر

هست ایجاد شود و بهمان نسبت بلکه بیشتر باید تعداد کارگران مملکت افزوده شود و از افرادی که در امور کشاورزی سرگرمند کاسته شود.⁽⁶⁸⁾ اصلاحات ارضی برای رشد مناسبات سرمایه داری در روستاها امکانات بیشتری فراهم کرد و همزمان برای زمیندارانی که به شیوه ی نوین روی آوردند و نیز شرکت های بزرگ خصوصی و شرکت های خارجی زمینه مساعدی مهیا ساخت.

ویژگی های اصلاحات ارضی ایران را می توان به گونه ی زیر برجسته کرد: نخست اینکه گذشته از ضرورت دگرگونی در روستاهای ایران، که از سده ی نوزده در دستور کار بود، این اصلاحات از بالا و با همراهی واکنشکن و در چارچوب سیاست اتحاد برای پیشرفت" به اجرا در آمد. دوم اینکه هدف این اقدامات تحکیم پایه های حکومت شاه، کاهش اعتراضات توده ای در روستاها و گسترش مناسبات سرمایه داری در ده بود که با تلاش برای جلب رضایت زمینداران بزرگ به عنوان متحد جدی حکومت، توأم گردید. افزون بر آن با وجود گام های تازه در راه نوسازی روستاها، میانگین درآمد کشاورزان همچنان پائین باقی ماند از سوی دیگر در اجرای اصلاحات ارضی نمی از دهقانان از دریافت زمین محروم ماندند و در برابر آن بخش مهمی از زمین های بزرگ قابل کشت همچنان در دست زمینداران بزرگ باقی ماند، به این ترتیب که از 802 میلیون هکتار زمین قابل کشت حدود 305 میلیون هکتار به دهقانان و قریب 407 میلیون هکتار آن در دست زمینداران بزرگ باز ماند. هم چنین طرح تشکیل و اجرای شرکتهای سهامی زراعی به کندی پیش رفت و بخش اندکی از دهقانان را در برگرفت. از ویژگی های دیگر اصلاحات ارضی می توان به این نکته اشاره داشت که در چارچوب این طرح از راه شرکت های کشت و صنعت، زمین های خوب و قابل کشت تا حدی به زمینداران و سرمایه داران خارجی واگذار گردید و رود سرمایه خارجی به روستای ایران، بر خلاف کشورهای مستعمره ای مانند هندوستان، برزیل و کوبا، که پیشتر وارد این فرایند شده بودند، به ویژه از این زمان آغاز شد. در سال 1973، 50 شرکت کشت و صنعت در ایران تأسیس شد در خوزستان با سرمایه ی دولت و 3 شرکت

مناسبات اقتصادی با شهر کشانده شوند آن چه که افزون بر ندرستی سیاست اقتصادی دولت به نشواری کار می افزود، این بود که کشاورز ایرانی زیر پوشش سیستم بسته و واپس مانده ی فئودالی، هنوز با دنیای تازه ی سرمایه باری که بر پایه ی رقابت و افزایش بازدهی ملام کار قرار داشت، نا آشنا بود. واگذاری وام دولتی به روستائیان بر روی کاغذی بایست به سرمایه گذاری آنان در بازسازی کشاورزی و بالا بردن بارآوری کمک کند در عمل ولی آنجا که کنترل چنانی در نحوه ی سرمایه گذاری کشاورزان صورت نمی گرفت، تقاضا برای دریافت وام کشاورزی که به طور عمده از راه دلالان عملی می شد، یا برای مخارج غیرمولد به کار گرفته می شد یا به غولان وام معمولی با بازپرداخت آن با بهره بکار می آمد. بازتاب این سیاست نادرست که به بالا رفتن بازدهی کار نیلجلمید، کاهش میزان وام های دولتی به روستائیان بود⁽⁷⁰⁾

از سوی دیگر واگذاری وام که برای ایجاد رفورم در ساختار روستاها در نظر گرفته شده بود، به بدهکاری رو به رشد روستائیان انجامید، چرا که در چرخه ی تولید همه سوئی بکار گرفته نمی شدند و ارزش اضافی نمی آفریدند کاهش وام های دولتی در طول زمان، کشاورزان ورشکسته را به درخواست وام خصوصی وادار کرد بدین ترتیب در کنار بدهی روستائیان به دولت بدهکاری های گوناگون و تازه ای افزوده شدند، مانند بدهی برای بازپرداخت وام رهن زمین، بهره ی رهن، بدهی برای استفاده از آب کشاورزی و غیره. گاه شمار بستانکاران حتی به 10 مؤسسه می رسید بر پایه ی یک ارزیابی در سال 1970 میزان واگذاری زمین به روستائیان به اندازه ی کافی بود، ولی وام دریافتی بیش از نیاز کشاورزان برای بازسازی زمین های کشاورزی می شود و در پیامد آن بخشی از آن به برطرف کردن نیازهای مصرفی روزمره می رسید. این واقعیت نیز باید در نظر گرفته شود که روستائیان بی چیز و واپس مانده که از دستاوردهای زندگی شهری بهره ی چنانی نبرده بودند، طبیعی بود که از امکانات مالی تازه برای برطرف کردن نیازهای زندگی ساده و روزمره ی خود، بهره بگیرند. گره کار سرمایه گذاری ها

در این بود که میزان وام با مقدار بهره وری کشاورزان متناسب نبود ورشکستی هر چه بیشتر واحد های کوچک روستائی پیامد ناگزیر آن بود⁽⁷¹⁾

به طور کلی می توان گفت که اصلاحات ارضی به بهبود جدی زندگی روستائیان نیانجامید، ولی به مناسبات فئودالی و سنتی در روستاها ضربه ی شکننده ای وارد کرد و در پی آن مناسبات سرمایه داری در روستا و نیز مبادلات بازرگانی میان ده و شهر گسترش یافت و روستا به زنجیره ی بازار داخلی و رو به رشد ایران و نیز در برخی زمینه ها به حلقه ی بازار جهانی پیوسته شد. بخش کشاورزی لما ناتوان ماند و گذشته از پاره ای استثناها، خصلت مصرفی به خود گرفت.

دوره ی نخست نوسازی اقتصادی ایران در سده ی 19 کوشش آغازینی در شرایط بسیار دشوار بین المللی و داخلی بود که پیامدهای مثبت ولی ناچیزی برای اقتصاد ایران داشت در دوره ی دوم بازسازی، زمانه ی بیست ساله ی رضا شاه این دگرگونی ها با اتخاذ برخی تصمیمات درست اقتصادی و نیز بهبود نسبی اوضاع جهانی به سود ایران، گسترده تر و ژرف تر گردید. پس از ثبات نسبی سیاسی و اقتصادی دوران محمدرضا شاه در سال های پس از کودتا و پیاده شدن اصلاحات ارضی و بویژه افزایش چشمگیر قیمت نفت در بازار جهانی، شتاب نگرگونی های اقتصادی بیشتر شد. اقتصاد کشور در این برش تاریخی پیشرفت محسوسی کرد و در راه مبارزه با واپس ماندگی گام های مؤثری به پیش برداشته شد. طی چهارمین برنامه پنجساله ی اقتصادی، اقتصاد ایران سالیانه با شتابی برابر 11.6 درصد طبق قیمت های ثابت رشد کرد. درآمد کل ملی طبق قیمت های جاری 21.2 درصد و بر پایه ی قیمت های ثابت 14.2 درصد افزوده شد. هم چنین به موازات افزایش قیمت نفت و دو برابر شدن بهای جهانی آن، دریافت جاری ارزی کشور به حدود 3.3

برابر رقم قبل از آن رسید و پیامد آن ما را قابل توجهی بود به میزان 8.2 میلیارد دلار برای دولت ایران⁽⁷²⁾

افزایش درآمد نفت صادراتی، این بار برخلاف سال های پس از کودتا، نه تنها از راه افزودن بر حجم صادرات، بلکه بوسیله افزایش چشمگیر قیمت نفت در بازار جهانی به دست آمد. در سال 1964 دولت 55 میلیون دلار و در سال 1969، 958 میلیون دلار و در سال 1971، 1.2 میلیارد دلار وارد خزانه ی خود کرد در سال 1973 این مبلغ به 5 میلیارد دلار و پس از 4 برابر شدن قیمت به مرز 20 میلیارد دلار رسید. این دگرگونی چشمگیر و تاریخی در درآمدهای ارزی، برای دولت ایران که همواره با نشواری های مالی فراوان دست به گریبان بود، شرایط تازه و ویژه ای بوجود آورد که بر پایه ی امکانات آن و با اتخاذ سیاست های سنجیده ی اقتصادی، می شد بر بخش مهمی از واپس ماندگی چیره گردید. افزایش بودجه ی کشور خرج برنامه های اقتصادی سوم و چهارم و پنجم شد و رشد اقتصادی را افزایش داد. در طول دو برنامه ی اقتصادی با صرف 9.5 میلیارد دلار، تولید ناخالص ملی به ترتیب 8، 14 و 30 درصد بیشتر شد. برنامه های نخستین برای بهبود اقتصادی، صرف فراهم کردن زیرساختها شد و از جمله سیستم حمل و نقل، بخش کشاورزی بویژه اصلاحات ارضی و طرح کلان آبیاری را ترمیم کرد در برنامه های آینده به صنعت، معدن و منابع انسانی پرداخته شد⁽⁷³⁾. پس از مملکرات دو جانبه میان کنسرسیوم و دولت ایران، با هود همه سوئی ی شاه در ماه مارس 1973 پیمان تازه ای بسته شد. بر پایه ی این پیمان که از ماه جولای 1973 به اجرا درآمد، شرکت ملی نفت ایران مسئولیت صنایع نفت را به عهده گرفت و همزمان متعهد شد برای بیست سال "میزان معینی نفت را با قیمت تضمینی مناسب" در اختیار این شرکت قرار دهد. در پیامد آن تا حدودی تعیین آزانانه ی قیمت و میزان صادرات نفت از دست دولت خارج بود. می توان گفت که نفت ایران در اختیار ایران گذاشته شد ولی کنترل نا آشکار کنسرسیوم همچنان باقی ماند⁽⁷⁴⁾

در سال 1974 درآمد ارزی کشور افزایش چشمگیری یافت. سهم ایران در بازار جهانی نفت 6 میلیون بشکه در روز یا 10.6 درصد تولید نفت خام جهان بود. وضعیت ارزی خزانه ی دولت در چنین شرایطی چنان بهبود یافت که ایران بهی های خارجی را پیش از سر رسید بازپرداخت کرد و افزون بر آن شاه از راه مؤسسات بین المللی و یا از راه مستقیم به کشورهایانی که دشواری کسری موازنه داشتند، وام پرداخت از سوی دولت، سرمایه گذاری در خارج از کشور نیز آغاز شد. افزایش رونق ارزی در درآمد ارزی به اتخاذ تصمیمات تازه ای برای دگرگونی در بودجه ی کشور انجامید. در سال 1974 حجم بودجه 2 برابر شد⁽⁷⁶⁾

افزایش شدید هزینه های جاری و عمرانی دولت و گسترش واگذاری وام ها و اعتبارات از سوی بانک ها به بخش خصوصی، حجم نقدینگی را به تندی افزایش داد. مجموع پرداخت های ایران در سال های 1973 تا 1977 به رقمی نزدیک به 10 میلیارد دلاری رسید که سه درصد تولید ناخالص ملی ایران بود. خروج ارز از ایران به سه صورت وام و کمک های بلاعوض و سرمایه گذاری صورت می گرفت. در این دوره مجموع وام ها به 7.8 میلیارد دلار، کمک های بی عوض به یک میلیارد دلار و مجموع سرمایه گذاری های خارجی به 894 میلیون دلار رسید. همچنین وامی به میزان یک میلیارد دلار به بانک جهانی داده شد دولت جمهوری اسلامی هنوز در مورد بازپس گرفتن وام های زمان شاه بویژه با امریکا با نشواری روبرو است⁽⁷⁷⁾

در فاصله ی سال های 1973 تا 1977 میانگین رشد صنایع برابر 7.4 درصد و رشد متوسط درآمد سرانه به طور متوسط 5.6 درصد بود. اجرای پروژه های بزرگ اقتصادی در این سال ها به کاهش بیکاری انجامید و نرخ بیکاری را به میزان 2.9 درصد رساند که خود در تاریخ اقتصاد معاصر ایران بی مانند بود. رشد صنایع بویژه از راه سرمایه گذاری های دولتی صورت می گرفت. میانگین رشد سرمایه گذاری در طول این دوره به 22.9 درصد و نسبت سرمایه گذاری به تولید ناخالص ملی به 34.4 درصد رسید که آن نیز تا آن زمان بی نظیر بود. رشد بالای اقتصادی، شکاف طبقاتی زیاد و تورم رو به افزایش و کم توجهی به روستاها را در پی داشت.

در این دوره ایران بدون اینکه از همکاری با انحصارهای خارجی سرباز زد، برنامه‌ای در پیش گرفت که بر پایه‌ی آن می‌بایست صنایع نفتی دولتی با شتاب گسترش یابد و مستقیماً وارد بازار نفتی شوند. با تصمیمات تازه‌ی کشورهای اوپک شیوه‌ی واگذاری امتیازات سنتی نفتی که بارگران آن چندین دهه بر دوش ایران و دیگر کشورهای نفت خیز بود، برداشته شد پس از این دستاورد ایالات متحده برای مدتی از سیاست کاهش قیمت نفت دست برداشت و کوشش کرد که تنها سیاست کنترل منبع انرژی را به اجرا درآورد. افزایش قیمت نفت و بالا رفتن درآمد کشورهای نفتخیز، کشورهایی صنعتی جهان را در برابر این پرسش گذاشت که این کشورها چگونه درآمد به دست آمده را هزینه خواهند کرد. نه تنها در ایران بلکه در دیگر کشورهای صادرکننده‌ی نفت، چگونگی بهره‌برداری بارآور از انداختن سرمایه‌های کلان در دستور روز بود.⁽⁸⁾

پاره‌ای از دشواری‌های سرمایه‌گذاری‌های داخلی در کشورهای نفتخیز به قرار زیر بود: سطح پایین رشد اقتصادی بویژه نبود صنایع ماشین‌سازی در درون کشور، بازار تنگ داخلی، اقتصاد چندگانه با برتری اقتصاد چینی و خرده‌کالایی، وجود بدهای فئودالی، زیرساخت‌های کم رشد و واپس مانده، و نیز کمبود کادرهای متخصص کارگری و مهندسی. پاره‌ای اقتصاددانان بر این باور بودند که تا سال 1980 ذخائر ارزی کشورهای خاورمیانه به 50 میلیارد دلار خواهد رسید که این خود می‌توانست بر سیستم ارزی-مالی تمام جهان سرمایه‌ناری تأثیر داشته باشد. بنا به داده‌های آماری صندوق بین‌المللی پول در پایان سال 1974، ذخائر ارزی کشورهای تولیدکننده‌ی نفت بیش از 40 میلیارد دلار یا 10 درصد مبلغ کل ذخائر جهان بود. باید دانست که ایالات متحده 7.15 میلیارد دلار و ژاپن 2.13 میلیارد دلار ادوخته داشتند و این ذخائر رو به کاهش می‌رفت. بنا به ارزیابی بانک بین‌المللی توسعه و ترمیم، ذخیره‌ی کشورهای نفتخیز باز هم در حال افزایش بود. گرایش عمومی در کشورهای نفتی به دو گونه بود: پاره‌ای از کشورها درآمد به دست آمده را برای مقاصد رشد داخلی و برخی دیگر مانند

عربستان و امارات خلیج فارس به صورت سپرده در سیستم بانکی یا در کسرن‌های بین‌المللی به کار انداختند دولت ایران با وجود هزینه‌های نظامی و ولگناری وام و غیره، بخش بزرگ این درآمدها را برای رشد اقتصاد داخلی به کار انداخت.⁽⁹⁾ با اطمینان می‌توان گفت که شتابگیری پروسه‌ی صنعتی شدن کشورهای نفت خیز با منافع کشورهای بزرگ سرمایه‌ناری منافات ندارد. بیهوده نیست که یکی از استادان دانشگاه اقتصاد دانشگاه هاروارد که به تنظیم برنامه‌ی هفت ساله‌ی اول در ایران کمک کرده بود، نوشت که انگلیس همواره سبب چینی می‌کند تا جلو توسعه در ایران را بگیرد و آشکارا گوشزد کرد: "مایلم با این عقیده‌ی رایج در میان ایرانیان موافق باشم که خطرناک‌ترین نفوذ خارجی در این کشور، انگلستان است نه شوروی."⁽¹⁰⁾ تنش‌های سیاسی و نظامی تحمیل شده به منطقه‌ی خاورمیانه در سمت جلوگیری از رشد اقتصادی این کشورها و کوشش برای هزینه کردن بیهوده‌ی سرمایه‌های کلان و غیرقابل کنترل در این سرزمین‌های ثروتمند است در چند دهه‌ی گذشته بویژه پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی، بخش بزرگ سرمایه‌های به دست آمده از راه صادرات نفت خام، برای خرید جنگ افزار بویژه بکارگیری در جنگ ایران و عراق و یا برای بازسازی خرابی‌های جنگ هزینه گردید و از روند رو به رشد انداختن سرمایه در سال‌های پایانی حکومت شاه که می‌توانست برای تأثیرگذاری بر اقتصاد داخلی و جهانی به کار آید، کاسته شد.

با این وجود بهبود اقتصادی و رشد صنایع و پیشرفت در زمینه‌ی آموزش و دیگر گسترده‌های اجتماعی که پس از اصلاحات ارضی آغاز و با افزایش قیمت نفت گسترش یافته بود، اگر چه در چارچوب برنله‌های پنج ساله به اجرا درمی‌آمد، فاقد یک برنامه‌ی همه‌جانبه و مشخص بود. مهم‌ترین تصمیمات با تأیید و کنترل پایانی شخص شاه گرفته می‌شد و نظارت ارگان‌های دولتی و قضائی و مجلس بیشتر تحت الشعاع آن قرار می‌گرفت.

دوران سوم نوسازی اقتصادی ایران که با نظارت ویژه‌ی شاه و تصمیمات او درهم آمیخته بود، بر گستره‌ها و انگیزه‌های زیر شکل گرفت: نخست اینکه سرمایه‌گذاری‌ها در امور صنعتی و گسترش زیرساخت‌های اقتصاد کشور به شیوه‌ی عمده با شرکت مستقیم دولت انجام می‌شد. این سرمایه‌گذاری‌ها وابسته به درآمد به دست آمده از راه صادرات نفت خام بود و دولت نقش تعیین‌کننده در نوسازی اقتصادی کشور داشت. خودکامگی شخص شاه گذشته از ریشه‌های ژرف تاریخی و سنت تمرکز قدرت با قدمت چند هزار ساله، از دیدگاه اقتصادی، به ویژه بر پایه‌ی توانایی مالی بالای رژیم استوار بود. دوم اینکه بخش خصوصی در ایران با نداشت سرمایه‌ی کافی و طی نکردن روند انباشت سرمایه (برخلاف کشورهای اروپائی در برش رشد آغازین)، سرمایه‌ی لازم برای شرکت در پروژه‌های بزرگ اقتصادی نداشت و در پیامد این ناتوانی، به پشتیبانی مالی و اتخاذ تصمیمات قانونی برای حضور در این فوران سوی شاه و دستگاه اداری و قانون‌گذاری نیازمند بود. آن دسته از سرمایه‌داران که در فعالیت‌های نوسازی این دوران شرکت کردند، همانند دوران پدر شاه، بیشتر از زمینداران گذشته و کارمندان بالای دولتی-نظامی و نیز بازرگانان بازاری بودند.⁽¹¹⁾ هم چنین ورود سرمایه‌ی خارجی بویژه پس از سال 1953 در ایران رایج شد. در دهه‌ی 60 سرمایه‌گذاری‌های خارجی بیشتر در صنایع لاستیک، مواد شیمیائی، امور ساختمانی و معدن بود و در دهه‌ی هفتاد بخش‌های اتومبیل، فولاد و تسلیحاتی و کشاورزی را برگرفت. علیرغم گرایش شاه به سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران خارجی در ایران، حجم این سرمایه‌گذاری‌ها در ایران کم بود و برلی نمونه در سال‌های 1973-1978 میزان سرمایه‌گذاری خارجی تنها 2.8 میلیارد دلار می‌نمود اما سرمایه‌گذاری دولتی به رقم 42.2 میلیارد دلار می‌رسید. بخش خصوصی تنها نزدیک به نیمی از سرمایه‌گذاری دولتی همانا نزدیک به 23.4 میلیارد دلار مستقیم و 2.7 میلیارد دلار از راه وام دولتی در صنعت سرمایه‌گذاری کرد.⁽¹²⁾ شاه در مورد جلب سرمایه‌های خارجی این دیدگاه را بیان می‌کرد، که افزوده شدن

سرمایه‌های خارجی در ایران و حضور آنان در کشور بلانجا می‌انجامد که کشورهای باختری به ثبات و استقلال در ایران علاقمند خواهند شد.⁽¹³⁾ با وجود دگرگونی‌های مثبت در ساختار واپس مانده‌ی اقتصاد ایران، روند تحولات ناهمگون بود و ساختار تازه ناهنجاری‌های زیادی داشت. این امر زمینه‌ی نارضایتی عمومی از رژیم غیرمکراتیک شاه را، که به کمک یک کودتای نظامی دوباره بر سر کار آمده بود، فراهم می‌کرد. می‌توان عوامل اقتصادی مهمی را که به سرنگونی رژیم شاه انجامید، به گونه‌ی زیر برجسته کرد. با وجود بهبود اقتصادی، ایران هنوز درصد بالائی بیسود داشت (حدود 68 درصد) و مرگ و میر در کشور در حد یکی از بدترین کشورهای خاورمیانه بود. افزون بر آن با وجود کمک به روستائیان و تحولات برخاسته از اصلاحات ارضی، هنوز هم 96 درصد روستاها بدون برق و حدود 50 درصد خوارها بدون زمین بودند، پشتیبانی پولی روستائیان کم بود و کساد کشاورزی و نبود انگیزه‌ی مالی برای کشت به دلیل نبود سیاست‌های حمایتی، بخش بزرگی از آنان را راهی شهرها می‌کرد. بی‌دلیل نبود که ایران در فاصله‌ی رشد ناموزون اقتصادی سال‌های پس از اصلاحات ارضی، از صادرکننده مواد غذایی در سال 1961 به واردکننده‌ی یک میلیارد لاری مواد خوراکی در دهه‌ی هفتاد میلادی بدل شد. بازتاب نارسایی برنامه‌های اقتصادی را هم چنین می‌شد در آینه‌ی شکاف طبقاتی روافزون در پهنه‌ی کشور. نگرینست این پروسه بی‌رویه بود و در پیله آن میزان فقر در لایه‌های پائین اجتماع هر چه بیشتر گسترده شد. در این راستا تمرکز سرمایه در دست اشرار بالائی به شدت افزایش یافت و فساد اداری به ارقام میلیاردی رسید. در چند سال پایانی زمامداری پهلوی دوم، گویا مبالغه‌های هنگفتی - گمانا در مرز 2 میلیارد دلار - مستقیماً از راه بانکی از درآمد نفت به حساب اعضای خانواده‌ی سلطنتی و ریز شد. درآمد شاه هم به حدود 5 تا 20 میلیارد دلار تخصیص زده می‌شد.⁽¹⁴⁾ دشواری دیگر آنکه هزینه‌های نظامی و نقش ژاندارمری رژیم شاه در منطقه به بودجه‌ی کشور خساراتی وارد می‌کرد. شاه میان سال‌های 1956-1949 بیش از

صنعتی را کاهش داد در پیامد آن تولید ملی حقیقی و میانگین حقیقی درآمد هر خانوار در سال‌های پس از انقلاب کاهش یافت. با وجود جابجائی مالکیت‌های بخش خصوصی که توسط نادگاه‌های انقلاب مصادره شد و به دولت واگذار گردید، اداره‌ی امور به برخی از افراد و یا گروه‌های ویژه سپرده شد در فاصله‌ی کوتاهی 28 بانک خصوصی که 43.9 درصد کل دارائی‌های تمام بانک‌های ایران را در اختیار داشتند، به دولت واگذار گردید در زمینه‌ی سپرده‌های خارجی اما دولت پیروزی چندانی به دست نیاورد در چارچوب این دگرگونی‌ها همه‌ی صنایع خودرو و تولیدات فلزات پایه‌ای همچون مس، فولاد، آلومینیوم و همچنین سرمایه‌ی 51 سرمایه‌دار و صاحب‌صنعت بزرگ ایرانی و بستگان درجه‌اولشان ملی اعلام شد اموال مصادره شده از سوی نادگاه انقلاب به ارگانی زیر نام "بنیاد مستضعفان" واگذار گردید این ارگان بعدها از شمول قوانین و مقررات محاسبات عمومی نیز بیرون رفت. در سال 1983 دارایی‌های این بنیاد که خود به یک غول اقتصادی ناکارآمد تبدیل شده بود، عبارت بودند از: 203 کارخانه‌ی تولیدی و صنعتی، 472 زمین بزرگ کشاورزی، 101 شرکت بزرگ ساختمانی، 238 شرکت خدماتی و تجاری و 2786 ملک و مستغلات بزرگ.⁽⁹¹⁾

دامنه‌ی جابجائی مالکیت‌ها در بخش صنعت بسیار گسترده بود در سال 1983، 142 درصد (در سال 1977 تنها 3.5 درصد) از کارخانه‌های صنعتی با 10 کارگر و بیشتر، 68 درصد کل کارگران را در بر می‌گرفتند و 70.9 درصد از ارزش افزوده‌ی بخش صنعت، در این کارخانه‌ها تولید می‌شد هم چنین 95.7 درصد از کارگاه‌های با بیش از 1000 کارگر و 37 درصد از کارگاه‌های با 50 تا 999 کارگر زیر مدیریت دولت درآمده بود.⁽⁹²⁾ در بخش کشاورزی نیز بسیاری از زمین‌ها از سوی دهقانان تصاحب و سپس به وسیله‌ی دولت مالکیت آن‌ها به تصویب رسید و نزدیک به 800 هزار هکتار زمین کشاورزی به دهقانان داده شد تصمیمات تازه شکاف طبقاتی را برای مدتی کوتاه کاهش داد ولی از سوی دیگر درآمد سرانه‌ی کشور پائین آمد و نرخ بیکاری که در سال 1978، 2.9 درصد بود

به 15 درصد در سال 1981 رسید افزون بر آن میزان سرمایه‌گذاری خارجی به تفری کاسته شد و از 634 میلیارد ریال در سال 1978 به 43.2 میلیارد تومان فروکش کرد از سوی دیگر درآمد ایران از راه صادرات نفت خام، که پس از برکناری شاه پائین آمده بود، با افزایش قیمت نفت در بازار جهانی بالا رفت و به رقم 24 میلیارد دلار رسید، اما این افزایش کوتاه مدت نیز با آغاز جنگ ایران و عراق به اقتصاد ناتوان و بی‌سنگینی ایران، کمکی نکرد.⁽⁹²⁾

آغاز جنگ به اقتصاد بی‌سامان ایران فشار زیادی وارد کرد و آن را دچار بحران ژرف‌تری نمود در پیامد این تحولات در سال 1981 درآمد ایران از صادرات نفت به کمتر از نیم خود، یعنی به 11.6 میلیارد دلار رسید و بدهی خارجی به مبلغ 4.5 میلیارد دلار بالغ شد. بمباران صنایع، خرابی‌های ناشی از پیامد جنگ و افزایش هزینه‌های کناری و نیز اختصاص بخش بزرگی از بودجه‌ی کشور به امور نظامی، در کنار سیاست ناروشن و ناهنجار اقتصادی، به صنایع تازه و رو به رشد ایران آسیب‌های پایه‌ای وارد کرد.⁽⁹³⁾ اقتصاد ایران که دچار دشواری‌های جدی و ساختاری دوران‌گذار بود، در شرایط تازه باز هم بیشتر به نفت صادراتی وابسته شد. با کاهش درآمد نفت در سال 1982، که به مبلغ 10.6 میلیارد دلار رسید، دولت هر چه بیشتر در تنگنا قرار گرفت. علیرغم افزایش کوتاه مدت درآمد نفت این دریافتی‌ها باز هم کاهش یافت و در سال 1986 حتی به 6.2 میلیارد دلار رسید در نتیجه تا پایان جنگ، دولت هر ساله دچار کسری بودجه بود و میزان تورم نیز تا 30 درصد افزایش یافت. در چنین شرایطی دستگاه زمامداری ناچاراً به سیاست بسیار کنترل‌شده‌ی دولتی رو آورد. در این راستا کالاهای اساسی برنامه‌ریزی شدند و سیستم سهمیه‌بندی به اجرا درآمد تا حداقل نیازمندی‌ها برآورده شوند. در این مدت کاهش درآمد نفت و بار سنگین هزینه‌های نظامی مجمل چندانی برای

سرمایه‌گذاری در بخش صنعتی باقی می‌گذاشت. از سوی دیگر بخش خصوصی نیز به دلیل ناروشن بودن سیاست‌های دولت و ناآرامی‌های جنگ ایران و عراق از سرمایه‌گذاری خودداری می‌کرد میزان کل سرمایه‌گذاری سالانه‌ی دولت در مقایسه با سال 1956 به یک سوم کاهش یافت، این کاهش در بخش ماشین‌آلات یک چهارم و در بخش ساختمان به یک سوم رسیده بود و در پیامد آن نرخ بیکاری به 15.8 درصد در پایان جنگ رسید.⁽⁹⁴⁾ در فاصله‌ی سال‌های 1979 تا پایان جنگ به اقتصاد ایران ضربات بسیاری وارد شد. بخشی از نیروهای کارآمد و متخصص از کشور رفتند و در پی ناتوانی دولت در اداره‌ی واحدهای اقتصادی که از بخش خصوصی گرفته شده بود و نیز فشارهای بین‌المللی، نرخ رشد کاهش یافت. کمبود افراد متخصص نه تنها ناشی از فرار آن‌ها پس از سرنگونی شاه، بلکه برآیند سیاست برکناری دگراندیشان در تمام سطوح اقتصادی، آموزشی و غیره بود بسیاری از کارشناسان به بهانه‌ی "نداشتن تعهد"، "غرب‌زدگی" و دیگر بهانه‌ها بازنشسته و یا اخراج گردیدند و در پیامد "انقلاب فرهنگی" دانشگاه‌ها بسته شدند و از پذیرش دگراندیشان به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی خودداری شد و آزمون "ایدئولوژیک" رایج گردید. حدود یک میلیون متخصص از کشور خارج و بخش بزرگ دیگری در داخل کشور از کار در بخش‌های تخصصی محروم شدند. برای نمونه در سازمان برنامه و بودجه کشور در سال 1977، 1047 کارشناس با درجه‌ی لیسانس یا بالاتر به کار می‌پرداختند که پس از انقلاب شمار آنان به 210 تن کاهش یافت.⁽⁹⁵⁾ همچنین جنگ هزینه‌های زیادی به خود اختصاص داد و در پیامد آن همزمان با افزایش جمعیت کشور، درآمد سرانه کاهش یافت و تولید ناخالص ملی به شدت روند رو به پائین به خود گرفت.

زبان‌های جنگ 8 ساله به اقتصاد ایران بسیار بزرگ بود در این جنگ بر پایه‌ی آمار رسمی (داد‌های واقعی گویا بیش از این هاست) 300 هزار کشته، 61 هزار گم شده، 50 هزار درید و بیش از نیم میلیون تن ناقص‌العضو و 2.5 میلیون تن آواره شدند. هم چنین 52 شهر گزندهای هنگفت، 6 شهر کاملاً ویران، 15 شهر تا حدود

80 درصد خراب و 30 درصد روستاهای 5 استان جنگ زده به طور کامل ویران گردیدند تنها خرابی‌های ناشی از جنگ در مناطق مسکونی به 18 میلیارد دلار تخریب زده شد بر اساس یک ارزیابی انجام شده، جمع کل خسارت هادرتول 8 سال 592 میلیارد دلار بود که حدود 210 میلیارد دلار آن را می‌توان خسارت‌های مستقیم به زورساخت‌های کشور مانند ماشین‌آلات، ساختمان، تجهیزات، مواد اولیه، کالاهای دیگر ثروت‌های اقتصادی دانست.⁽⁹⁶⁾

برنامه‌های پنج‌ساله‌ی اقتصادی شاه پس از اصلاحات ارضی با تمام نارسائی‌های آن، به شکوفایی اقتصاد ایران کمک کرده بود بر پایه‌ی آزمون‌های برنامه‌ریزی در پیش از 1979، با پایان جنگ 8 ساله و روی کار آمدن رفسنجانی سیاست برنامه‌های اقتصادی پنج‌ساله دوباره در دستور کار قرار گرفت و اولین برنامه‌ی اقتصادی جمهوری اسلامی (1990 تا 1994) از سوی دولت تصویب و به اجرا درآمد. آماج عمده‌ی برنامه‌ی تازه بازسازی خرابی‌های جنگ و افزایش ظرفیت تولیدی کشور بود این دوره را نمی‌توان به منزله‌ی آغاز دوباره‌ی نوسازی اقتصادی ایران ارزیابی کرد از دیدگاه نگارنده این دوران را می‌شود مرحله‌ی بازسازی خرابی‌های جنگ نامید، که ویرانی‌های آن از یک سو ناشی از سیاست حکومت عراق علیه ایران بود و از سوی دیگر با سیاست کینه‌توزانه‌ی خینی پس از آژانس‌سازی خرمشهر و بیرون راندن ارتش عراق از ایران پیوند داشت. با شعار نابخردانه‌ی آن دروان، "راه قدس از کربلا و نجف می‌گذرد"، بر طبل جنگ بیهوده و غیرمستولانه کوفته می‌شد. باید این نکته را موشکافانه نگریست که بخش بزرگی از تأسیسات صنعتی ایران پس از آزادی خرمشهر مورد حمله‌ی ارتش عراق قرار گرفت و از این راه به بنیه‌ی اقتصادی کشور آسیب‌های هنگفت و کم‌ماندی وارد گردید. اگر ایران به جنگ در مقطع زمانی آزادی خرمشهر پایان می‌داد، نخست اینکه بیش از نیمی از خرابی‌های جنگ و صدمات جانی و مالی آن کاسته می‌شد، دوم اینکه روند سلطه‌های اقتصادی ایران که تازه پس از نزدیک به 12 سال از روی کار آمدن جمهوری اسلامی آغاز شده بود پیشتر به شهر می‌رسید، سوم اینکه

ایران به دلیل موقعیت برتر در جنگ نزدیک به 50 میلیارد دلار خسارت که از سوی عربستان و پاره‌ای دیگر کشورهای نفت خیز خلیج فارس تضمین شده بود، دریافت می‌کرد و چهارم اینکه از موج خرابی‌های واحدهای بزرگ صنعتی و کلبه‌ی ایران در مراحل پایانی جنگ خودداری می‌شد.

از زاویه‌ی اقتصادی می‌توان هزینه‌ی بخش دوم جنگ پس از آزلی خرمشهر را نزدیک به 400 میلیارد دلار تخمین زد. اگر درآمد نفت ایران را سالانه 20 میلیارد دلار در نظر بگیریم، این مبلغ برابر است با بیست سال درآمد نفت کشور. انگیزه‌ی در پیش گرفتن این سیاست از سوی زمامداران جمهوری اسلامی نه تنها بلند پروازی‌های غیر واقع‌بینانه در سیاست خارجی بود، بلکه به طور عمده هدف پنهان بازگردان شیوه‌های سرکوب‌گرانه، تسخیر دوباره‌ی سنگرهای از دست رفته، از میان برداشتن نیمه دمکراسی به دست آمده پس از انقلاب 1979 و استواری پایه‌های حکومت خودکامه سنتی را دنبال می‌کرد. در طول جنگ با طرح شعار "جنگ تا پیروزی"، جنگ میان روحانیت قشری زیر رهبری ولایت فقیه و همراهان او بر علیه نیروهای آزادی خواه و باد خواه در جریان بود. وجود جنگ از بشواری سرکوب مخالفین در داخل می‌کاست، چرا که به بهانه ایجاد آرامش و حفظ وحدت درونی و برای پیروزی بر دشمن خارجی، توجیه می‌شد. جمهوری اسلامی در جنگ با عراق به پیروزی نرسید و به گفته‌ی خمینی "جام زهر نوشید"، اما در جنگ داخلی بر علیه توده‌های آزادی خواه، بخش بزرگی از سنگرهای از دست رفته را تسخیر کرد. دیگر دیکتاتورهای ایران در چند برش تاریخی مورد ارزیابی نگارنده، همگی به دستگه سرکوب مجهز بودند و از کشتار مخالفین و آزادیخواهان ابائی نداشتند، لذا در میان آنان رژیم ولایت فقیه را که با بهره‌گیری از مذهب به سرکوب شدید و خشن و کم سابقه‌ی نه تنها آزادی خواهان می‌پرناخت، بلکه دست به دخالت در همه‌ی امور زندگی روزمره‌ی توده‌ها و سرکوب هر نوع آثار مدرنیسم می‌زد، می‌توان خشن‌ترین نوع حکومت در دهه‌های گذشته‌ی تاریخ ایران خواند و در پاره‌ای زمینه‌ها با حکومت‌های سده‌های میانی (قرن وسطی) اروپا همگون

دانست. "دمکراسی" رنگ پریده و بی‌درون‌مایه‌ی کنونی در ایران هم نه خواست رژیم ولایت فقیه، بلکه از سوئی بازمانده‌ی مبارزات مردم ایران در دهه‌های گذشته، و از سوی دیگر بازتاب جنبش اعتراضی گسترده در میان طبقات و لایه‌های گوناگون اجتماعی و بویژه کارگران و جوانان و زنان و دانشجویان است، که لبه‌ی تیز سنت‌گرایی و واپس‌گرایی بسیاری از آزادی‌ها از جمله آزادی‌های شخصی آنان را نیز گرفته‌است.

با پایان جنگ تلاش‌های بازسازی اقتصادی در جمهوری اسلامی بویژه زیر تأثیر سه عامل بود: نخست کاهش هزینه‌های جنگ، دوم افزایش درآمد دولت و سوم سیاست درهای باز دولت و افزایش حجم واردات. افزایش درآمد‌ها با بالا رفتن بهای دوباره‌ی نفت در بازار جهانی در پیوند بود. در این راستا دریافت‌های دولت از راه صادرات نفت از 9.6 میلیارد دلار به 12.37 میلیارد دلار رسید.⁽⁹⁷⁾ سیاست درهای باز دولت در این دوره را می‌توان با سیاست‌های شاه پس از کودتا در سال‌های 1953 در خطوط کلی همگون دانست. در آغاز برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی اقتصادی تلاش‌هایی برای سازه‌سازی نرخ ارز انجام شد و نرخ ارز به سه نرخ در نظام بانکی و یک نرخ در بازار بدل شد. در این چارچوب نرخ ارز رسمی 70 ریال برای دریافت درآمد نفت، واردات کالاهای اساسی و بازپرداخت بدهی‌های دولت، نرخ ارز به ازاء هر دلار 600 ریال برای واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به صورت رسمی درآمد و نرخ ارز شناور به وسیله بانک‌ها تعیین گردید. نرخ ارز در بازار به صورت آزاد توسط دلالتن و صرافان تعیین می‌شد. سیاست درهای باز حجم واردات را از سطح 16.5 میلیارد دلار در سال 1978 به 22.3 میلیارد دلار در سال 1989 و 30.9 میلیارد دلار در سال 1991 رساند. حاصل این سیاست کسری تراز حساب جاری بود که به 11.4 میلیارد دلار رسید. در درازای چهار سال کل واردات به 100 میلیارد دلار افزایش یافت و این در حالی بود که میانگین درآمد سالانه نفتی ایران حدود 15 میلیارد دلار تخمین زده می‌شد.⁽⁹⁸⁾ در سال 1993 به جای سه نرخ ارز یک نرخ از سوی بانک مرکزی در حدود 1650 ریال به ازای یک

دلار تعیین گردید و نرخ جدید به طور روزانه از سوی بانک مرکزی از راه سیستم شناور و مدیریت شده، محاسبه شد. همزمان اعلام گردید که هیچ‌گونه محدودیتی برای واردات وجود ندارد. در این برش کلیه پرناخت‌ها از راه برگه‌های اعتبار اسنادی (ال‌سی) انجام می‌شد. در سال‌های بعد تلاش‌های دیگری برای تثبیت نرخ ارز صورت گرفت که با موفقیت‌چندانی روبرو نبود. سیاست درهای باز اقتصادی افزایش هر چه بیشتر بدهی‌های خارجی را در پی داشت. بدهی‌های ایران که تا سال 1994 به رقم 23 میلیارد دلار رسیده بود در طول تاریخ ایران تا آن زمان بی‌پیشینه بود.

از سوی دیگر حجم نقدینگی گسترش یافت و در نتیجه‌ی آن نرخ تورم تا سال 1994 به 49.3 درصد افزایش یافت و نرخ رشد درآمد سرانه به تدریج کاهش یافت و به صفر رسید. پیاده‌کردن این "راه رشد اقتصادی" در درازای برنامه‌ی اول پنج‌ساله، دولت رفسنجانی را ناچار کرد که در دوره‌ی دوم ریاست جمهوری به سیاست محدودیت زیاد واردات روی آورد. در اجرای این سیاست برخی از بدهی‌های خارجی بازپرداخت شد و نرخ تورم تا حدودی کاسته شد. با روی کار آمدن خاتمی و کاهش قیمت نفت در سال 1997 درآمد ملی نفتی ایران 20 درصد کاهش یافت و با توجه به بازپرداخت بدهی‌های خارجی، که تا آن تاریخ به 16.5 میلیارد دلار رسیده بود، سیستم مالی کشور دچار بحران جدی شد. در پیامد تلاش برای تثبیت نرخ ارز و بازپرداخت بدهی‌های خارجی، سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و ساختمان به تندی کم شد و اقتصاد دچار رکود گردید. رشد اقتصادی ایران در سال 1998 به 3.1 درصد فروکش کرد و در سال بعد از این هم کمتر شد و کاهش قیمت نفت در بازار جهانی که بهای یک بشکه نفت خام را به حدود 9 دلار رسانده بود، بر بشواری‌های ارزی کشور افزود. این روند درآمد ارزی ایران را به 9.9 میلیارد دلار رساند و در پی آن به بدهی‌های خارجی 2 میلیارد دلار افزوده شد، حجم ذخایر ارزی به 3.7 میلیارد دلار کاهش یافت، رکود اقتصادی ژرفای بیشتری گرفت و هر زمان نرخ تورم به 18.1 درصد فرارویید.⁽⁹⁹⁾ بهبود نسبی ولی ناپایان

تازه‌ی اقتصادی کشور، که آن را می‌توان به منزله‌ی پایان دوران بازسازی خرابی‌های جنگ و سرآغاز کوشش برای نوسازی اقتصادی ایران نامید، از سال 1999 آغاز می‌شود. در فاصله‌ی دو دوره‌ی حکومت رفسنجانی بخشی از خرابی‌های جنگ بازسازی شد و علیرغم اشتباه بزرگ دولت وی و بی‌تدبیری و سوء مدیریت بانک مرکزی در کنترل ترازهای خارجی و واکناری اعتبارات به وارینکنندگان کالا بدون در سسترس بودن پشتوانه‌ی کافی ارزی، زمینه‌ی نوسازی ناپایان را اقتصادی کشور پایه‌ریزی شد. این دوره‌ی کوشش برای نوسازی اقتصاد ایران، همانند دوران شاه با افزایش قیمت نفت در بازار جهانی و در پی آن بیشتر شدن درآمد دولت ارتباط نزدیک داشت. در نتیجه‌ی دگرگونی در بازار جهانی، قیمت نفت به بالاتر از 30 دلار برای هر بشکه رسید، حجم بدهی‌های خارجی به میزان 3.7 میلیارد دلار بازپرداخت شد و تراز بازرگانی خارجی ایران که پیشتر منفی بود، با مازادی برابر با 6.3 میلیارد دلار روبرو گردید. از سوی دیگر از کسری بودجه دولت در سال 1999 به میزان 16 درصد در مقایسه با سال 1998 کم شد و نرخ تورم کمی پائین آمد. در سال 2000 از راه صادرات نفت خام به درآمد ملی ارزی دولت باز هم افزوده شد و در نتیجه تراز بازرگانی خارجی ایران بهبود یافت و نرخ ارز ثابت ماند. سیاست صرفه‌جویی دولت لما از سوی دیگر کاهش سرمایه‌گذاری‌ها را در پی داشت و این امر در کنار افزایش زیاد جمعیت کشور به نرخ بیکاری افزود.⁽¹⁰⁰⁾

نگارنده در بخش دوم این کتاب گوشه‌های گوناگون سیاست ناهنجار اقتصادی در دوران جمهوری اسلامی را، بویژه در مقایسه با سال‌های پایانی حکومت شاه، بر پایه‌ی مهم‌ترین شاخص‌ها و به کمک نمودارهای آماری، بویژه در پهنه‌ی بازرگانی خارجی مورد موشکافی قرار داده و نارسایی‌ها و ریشه‌های آن را آشکار کرده‌است.

جلیگاه ژئوپولیتیک ایران در آسیای باختری

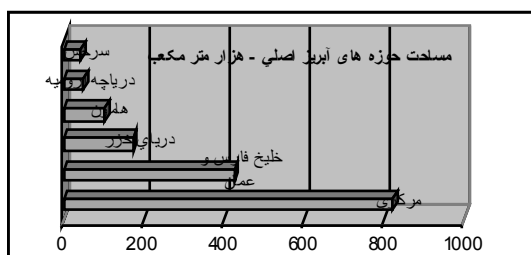
شرایط جغرافیائی یا طبیعی یک کشور بر روش‌های اقتصادی بازتاب می‌یابد و به آن رنگ و بوی ویژه می‌دهد. چیرگی بر دشواری‌های طبیعی و بهره‌گیری از برتری‌های جغرافیائی و طبیعی از وظایف ارزیابی و پژوهشگران اقتصادی است. برای برتری یافتن بر مشکلات جغرافیائی و طبیعی به سرمایه‌گذاری‌های بالاتر از نرم بین‌المللی نیاز است و بر خلاف آن با بهره‌گیری مطلوب از برتری‌های منطقه‌ای و طبیعی به سرمایه‌گذاری‌های بیشتری برای باآوری اقتصادی نیازمندیم. سرزمین ایران 1629807 کیلومتر مربع مساحت دارد⁽¹⁰¹⁾ مردم این سرزمین در چند هزاره پیشین علیرغم تمامی شکست‌ها و پیروزی‌ها و شیب و فرازها، تقریباً پیوسته در باختر آسیا نقش تعیین‌کننده بازی کرده و بر رویادهای و خلق‌ها و اقوام همسایه تأثیر فراوان گذاشته و نیز تأثیر بسیار گرفته‌اند. سرزمین ایران در درون کمربند بیابانی نیمکره شمالی زمین است و از نظر جغرافیائی در خطی کمربندی قرار دارد همانند دشت‌های شمال آفریقا و تبت و ترکستان. وجود کوه‌های دوران دوم زمین‌شناسی مانند البرز مرکزی و کوه‌های کرمان، نوران سوم چون کوه‌های زاگرس، نوران چهارم همانند قله‌های دماوند و سهند و سیلان، باعث شده که ایران از تبدیل شدن به منطقه‌ای بیابانی در گذر بماند و وجود راه‌های ناشی از کوهستان‌ها زمینه‌ی پیدایش شرایط زیستی را بویژه بر امتداد بلندی‌ها و

بخش دوم

بررسی ساختارهای اقتصادی

و دشت لوت در مرکز با چند میلیمتر بارشگی در سال پرباران‌ترین و کم‌باران‌ترین مناطق ایرانند چیرگی بر این دشواری که از دیرباز مردم ساکن این سرزمین را با سختی‌های زیادی در امر کشاورزی روبرو کرده، زمینه‌ساز پیدایش و گسترش سیستم‌های پیچیده‌ی آبیاری و از آن میان کاریز گردیده است. به کوتاهی می‌توان دشواری‌های برجسته‌ی تهیه و بهره‌گیری از آب را به گونه‌ی زیر برشمرد؛ کمبود بارندگی، توزیع نامناسب بارشگی در پهنه‌ی کشور، پراکندگی نامتناسب زمان بارش، شیب تند کوهستان‌ها و دشواری‌های مهار آب‌ها و جلبجایی آن، بالابودن دما و بخار شتابان آب‌ها بویژه در نشت‌های میانی، کمبود پوشش گیاهی و تبدیل بارندگی به سیلاب و هرز آب فرسایش شدید زمین‌های کشاورزی، سایش آنان در برآیند این سیلاب‌ها و رسوب‌گذاری فراوان در پشت‌سدها و کاهش عمر آنان⁽¹⁰⁴⁾ حوزه‌های آبریز برجسته‌ی ایران به 6 منطقه‌ی مرکزی، خلیج فارس و دریای عمان، دریای خزر، همدون، دریاچه‌ی ارومیه و سرخس بخش می‌شوند. بزرگترین مساحت حوزه‌های اصلی را حوزه‌ی مرکزی و بخش‌های جنوبی و شمالی ایران به خود اختصاص می‌دهد. بخش مرکزی به عنوان بزرگترین حوزه به تنهایی آبریزی برابر با 823 هزارمتر مکعب دارد.

نمودار 40 - مساحت حوزه‌های آبریز اصلی



ناهمواری‌ها فراهم ساخته و به دگرگونی در آب و هوا انجامیده است. کوه‌های شمالی ایران که از بلندی‌های آرات از ترکیه آغاز و در افغانستان به هندوکش متصل می‌شوند، مانع از ورود رطوبت به بخش مرکزی کشور از سوی دریای خزر می‌شوند و در نتیجه‌ی آن شمال ایران سرسبز و مرطوب و با جنگل‌های انبوه است. کوه‌های باختری که آنان نیز از بلندی‌های آرات آغاز شده و تا خلیج فارس در جنوب امتداد می‌یابند، در هدایت رطوبت و ابرهای باران را به درون مناطق ایران کمک می‌کنند و سبب رویش جنگل‌های پراکنده می‌شوند. در امتداد خلیج فارس در جنوب تا پاکستان و نیز مرکز و خاور ایران نیز رشته‌کوه‌های دیگری کشیده شده‌اند.⁽¹⁰²⁾ در میانه‌ی ایران که بین رشته‌کوه‌های گونگون بسته شده و به گونه‌ی کمربند بزرگی دیده می‌شود، بیابان‌های خشک و شوره‌زار موجود است. از 165 میلیون هکتار مساحت کشور نزدیک به 51 میلیون هکتار مورد استفاده‌ی کشاورزی و دیگر منطبق یا غیرقابل کشت‌اند و یا زیر پوشش شهرها و روستاها و دریاچه‌ها و راه‌ها هستند. از 31٪ زمین قابل کشت در ایران دو استان شمالی در کنار دریای خزر با مساحتی نزدیک به 5.5٪ بیش از 20 درصد زمین قابل بهره‌برداری را تشکیل می‌دهند. خاک‌های میان‌بلندی‌ها در مناطق شمالی و غربی نیز قابل کشتند ولی کم‌آبی و شیب تند زمین‌ها دشواری آفرین‌اند. خاک‌دشت‌های بارور مرکزی نیز دشواری آبیاری دارند و آبشان گاه شور است.⁽¹⁰³⁾

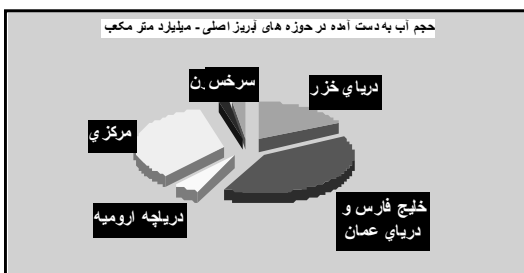
آب و هوای ایران بیشتر مدیترانه‌ایست و به‌دلیل خاوری سرچشمه‌ی باران‌زائی هستند. ویژگی ایران در این زمینه بارندگی در فصل سرد، و نیز دراز و خشک بودن فصل تابستان است. بارندگی در باختر ایران زیر تأثیر هوای هندوستان می‌باشد. دستیابی به آب برای تأمین نیازهای کشاورزی یکی از دشواری‌های دیرین ایران بوده و تمرکز جمعیت همانند دیگر تمدن‌ها، بویژه بر پایه‌ی آن استوار گشته است. میانگین باران در ایران 250 تا 300 میلیمتر است، همانا یک سوم میانگین دنیا یا 860 میلیمتر منطقه شمال ایران در کناره‌ی دریای خزر با ریزش 2000 میلیمتر

ورشکستی اقتصاد کشاورزی ایران از جمله در پی یورش های پی در پی چادر نشین های همسایه به ایران و مهاجرت آنان به این فلات بزرگ با نام هایشان و بویژه از راه ناپودی یا زیان رسانی به سیستم آبیاری در پاره ای از نقاط حلسلخیر به وجود آمد. در ضرورت سیستم های گوناگون آبیاری، همانا کاربردها و بندها و چاه ها و نهرها برای بخش بزرگی از زمین های کشاورزی ایران، نه تنها می توان در گذشته ی دور یافت شد، بلکه در عصر کنونی نیز این سیستم ها از اهمیت زیادی برخوردارند. برای نمونه زمین های سیستان در خاور ایران با مجاری و نهرهای گوناگونی سیراب می شوند و آب افزوده به دریاچه ی هامون می ریزد. زمین های این منطقه تنها با آبیاری کشت پذیرند و چون زمین مسطح است، هنگام طغیان آب خطر همه جا را تهدید می کند. به این دلیل برای آبیاری و جلوگیری از طغیان آب در طول نهرها سدهای طولانی ساخته اند. نگهداری و نوسازی سدها از مصالح مشترک تمامی مردم است و اجرای آن در توان کشاورزان به تنهایی نیست و از این روی نظارت حکومت مرکزی ضرورت دارد. این نمونه که در زمان رضا شاه به یکی از بحران های دولت او انجامید، بر اهمیت آب و آبیاری در خاور و از آن میان ایران و نقش آن در شکل گیری روبنای سیاسی جامعه و پیدایش سیستم های تمرکزگرا در گذشته ی ایران، تاکید دارد.⁽¹⁰⁵⁾

با پایان چیرگی همسایگان چادر نشین بر ایران و محفوظ شدن بخش بزرگی از سرزمین ایران، به جز مناطق مرزی، در چند سده ی گذشته (صرف نظر از جنگ های سده ی هجده و جنگ اول و دوم جهانی) شرایط برای بازسازی اقتصاد کشاورزی ایران و راه اندازی سیستم های آبیاری تا حدودی فراهم شد. پاره ای از عوامل از آن میان دگرگونی در اوضاع جهانی و گسترش لامنه ی استعمار و از دست دادن بازارهای داخلی و خارجی، به خالی شدن خزانه ی دولتی و فشار سنگین مالیاتی بر دوش روستائیان منجر شد که در پیامد آن کشاورزی ایران در پانصد سال گذشته، به جز در دوره ی صفوی و آن هم در پاره ای از استان ها، نتوانست به نوسازی و بازسازی کامیابانه ی کاریزها و چاه ها و بدها دست یابد.

در ایران کنونی در کنار دشواری های طبیعی باید به ناسازگاری بودن استفاده ی آب در زمین های کشاورزی و شهرها نیز اشاره کرد. دگرگونی در استفاده از منابع آبی در شهرها و مراکز صنعتی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در ایران با وجود کمبود آب، میزان مصرف بالاتر از نرم های جهانی است. بهره گیری از سیستم های نوین کشاورزی، بهینه سازی گسترده آبیاری و برای نمونه آبیاری قطره ای در کنار ساختن سدها و کاریزها و چاه ها می تواند کشاورزی ایران را که تا چندی پیش در پاره ای زمین ها مانند غلات صلد کننده به جهان بود و در پی چند دهه ی گذشته به وارد کننده ی بزرگ فراورده های کشاورزی تبدیل شد، دچار دگرگونی های مثبتی کند. روند نوسازی و بهبود و گسترش سیستم های سدسازی و آبیاری و آبرسانی در ایران در سال های کنونی پس از یک دوره ی سکون دوباره شتابی نسبی یافته است. در بهره گیری از منابع آبی برای کشاورزی بویژه حوزه ی آبریز خلیج فارس و دریای عمان به دلیل بزرگی حجم آب به دست آمده و سپس حوزه مرکزی و شمالی ایران از اهمیت برخوردارند. تفاوت چشمگیر میان حجم آب به دست آمده (و نه مساحت آنان) را بویژه می توان در زیر مشاهده کرد. حوزه ی خلیج فارس با حجم آب به دست آمده ای برابر 166045 میلیارد متر مکعب جای نخست را در فلات ایران دارد.

نمودار 41 - حجم آب به دست آمده در حوزه های آبریز اصلی



در میان حوزه های آبریز ایران بویژه بخش باختری آن از اهمیت زیادی برخوردار است. رودخانه کارون از دیدگاه فراوانی آب و نوسانات حجم آن در طول ماه های سال به دو رودخانه ی بجه و فرات که گهواره ی تمدن میان رودان (بین النهرین) بودند، شباهت بسیار دارد و بی دلیل هم نیست که یکی از نخستین فرهنگ های جهان در این بخش زیر فرمانروایی حکومت ایلام شکل گرفت و پایه ریزی شد.⁽¹⁰⁶⁾ بر خلاف دشواری در سرزمین ایران از دیدگاه باورنگی، از چشم انداز رله های آبی به خارج، امکانات خوبی وجود دارد. در جنوب، خلیج فارس و دریای عمان و در شمال بزرگترین دریاچه ی جهان دریای خزر، امکانات ارتباطی گسترده ی آبی برای ایران به منظور شرکت در بازرگانی بین المللی فراهم می کنند. ویژگی بزرگ دیگر ایران جایگاه آن بر سر راه ارتباط زمینی بازرگانی میان قاره های اروپا و آسیا و نیز تا حدی آفریقا است. این جایگاه ویژه ی جغرافیایی امکانات بزرگ بازرگانی و ترانزیتی برای ایران فراهم کرده است. از گذشته های بسیار دور، یعنی نزدیک به هفت هزار سال پیش بخش مهمی از درآمد زمامداران و شاهان ایران از راه خراج های دریافتی از بازرگانان داخلی و خارجی به دست می آمد.

در دوران حکومت ایلامیان در جنوب و مرکز ایران، در 4 هزار سال پیش از میلاد، بازرگانان ایلامی تا هندوستان و آسیای مرکزی و آفریقا و اروپا رفت و آمد داشتند. همچنین برای صادرات به سرزمین های همسایه، کارگاه های تولید انبوه با نیروی کار چیره دست وجود داشت. گرایش به بازرگانی و توانایی ویژه ی ایرانیان در این زمینه در خاور زمین چه در گذشته های دور و چه در دوران کنونی، ایرانیان را به بازرگانی برجسته بدل کرده و در بافت اقتصادی نمایی ویژه یافته است. این ویژگی اقتصاد ایران را می بایست از جمله بازتاب ویژه ی وضع جغرافیایی فلات ایران و سهم بزرگ بازرگانان آن در درازای تاریخ در بازرگانی آسیای باختری و نیز در پاره ای از بخش های تاریخی در بازرگانی جهانی دانست. بسیاری از تمدن های شکوفان شهرنشینی در خاور و از آن میان در سرزمین ایران به قرار گرفتن آنل بر سر راه بازرگانی در پیوند بود. مناسبات گسترده

ایرانیان با میان رویدان (بین النهرین) و عربستان تا آفریقا از سوی و شبه قاره ی هند از سوی دیگر به شکوفایی بیشتر شهرهای جنوب و جنوب خاوری انجامید و قرار گرفتن در راه ابریشم که تا چین ادامه داشت، شهرهای شمالی و مرکزی ایران را شکوفا کرد. در باختر نیز داد و ستد بازرگانی با همسایگان دور و نزدیک باختری نه تنها به کسب درآمدهای بازرگانی انجامید، بلکه در پیامد و ارتباط با آن اقتصاد روستائی که با اقتصاد شهری در پیوند نزدیک بود، نیز گسترش یافت و این میلاد، اقوام چادر نشین نجد ایران را نیز در بر گرفت. در دوران حکومت های کم و بیش مستقل ایرانی مانند سامانیان و آل بویه، بازرگانی خلیج فارس زیر پوشش و کنترل دینوریان ایرانی بود و در آمد پاره ای از آنان بیش از خراج به دست آمده ی شاهان و فرمانروایان در پاره ای استان ها بود. صنعتی شدن اروپا و آغاز دوران استعمار و چیرگی بر بازارهای جهانی از سوی کشورهای سرمایه ناری، بخش بزرگی از سهم ایران در بازرگانی جهانی و بویژه منطقه ای را از دست بازرگانان ایرانی گرفت و با کسب شدن به اقتصاد تک محصولی و وابسته به نفت، این امر بر اقتصاد داخلی نیز تاثیر گذاشت و به بازرگانی ایران خصلتی انگلی بخشید. بدین معنی که از سهم تولیدات کشاورزی و صنعتی و سنتی داخلی در حجم داد و ستد بازرگانان ایرانی کاسته شد و بازرگانان به طور عمده به وارد کننده ی کالا تبدیل شده و گرایش طبیعی آنان به سود بازرگانی، آنل را به خرید کالاهای ارزان خارجی کشاند. بدین گونه آنان عمدتاً به واسطه و کارگزار شرکت ها و انحصارات بزرگ بازرگانی و صنعتی کشورهای صنعتی بدل گردیدند و تنها سهم کوچکی از سود را در پروسه ی داد و ستد به دست آوردند. بدین گونه پروسه ی انباشت نخستین سرمایه برای صنعتی کردن ایران بسیار کند پیش رفت. خصلت ناگزیر کارگزاری و واسطه گری بازرگانان ایرانی در این پروسه ی تبادل تجاری، به فروپاشی واحدهای کوچک و کارگاه های تازه ی صنعتی به ویژه در بخش نساجی انجامید. نتیجه اینکه پیوند میان سرمایه ناری صنعتی و تجاری که زمینه ساز فرار وئی اقتصاد فئودالی به اقتصاد پیشرفته ی سرمایه ناری است، فراهم

نشد و به روند انباشت اولیه ی سرمایه در ایران صدمات جدی وارد آمد در این راستا از سوئی سوئد بازرگانان ایرانی در پروسه ی ناد و ستد با شرکت در حلقه های کوچک و پایانی میله کاهش یافت و از سوی دیگر سوئد تولیدکنندگان ایرانی، که یاری مقابله با کالاهای ارزان خارجی را نداشتند، در بازار داخلی و در ارتباط تنگاتنگ با آن در بازار خارجی کم شد و موج ورشکستگی بسیاری از کارگاه ها و کارخانجات ایران را در بر گرفت.

با گسترش بازرگانی کشورهای صنعتی، نخست آب های خلیج فارس و بازرگانی آن از دست بازرگانان ایرانی گرفته شد و در کنترل پرتغالی ها و سپس انگلیسی ها و امریکائی ها درآمد و سپس در شمال ایران نیز بازرگانی خارجی با کشورهای شمالی و در پهنه ی دریای مازندران زیر کنترل روسیه تزاری قرار گرفت. در این میان بخش های حاصلخیز و بزرگی از ایران در قفقاز که از جمله ابریشم کشت و صادر می کرد، از دست رفت و به روسیه ی تزاری پیوسته شد. افزون بر آن بخش بزرگی از آسیای میانی و افغانستان از ایران جدا شدند و در ادامه این سیاست ها در سده های گذشته ایران عملاً در تنگنای بازرگانی و زیر یورش اقتصادی و کنترل گسترده ی کشورهای پیشرفته ی صنعتی قرار گرفت.

نمای کلی اوضاع به قرار زیر بود: از یک سو در جنوب و خاور بازره هندوستان و افغانستان و خلیج فارس و کشورهای عربی از عراق تا ساحل نشینان شبه جزیره ی عربستان زیر پوشش انگلستان و سپس افزون بر آن آمریکا بود و از سوی دیگر دریای خزر و قفقاز و آسیای میانه در کنترل همه سویه ی روسیه تزاری قرار داشت. دگرگونی هلی آینده ی سیاسی در منطقه نیز در بهبود بازرگانی برون مرزی ایران دگرگونی چشمگیری ایجاد نکرد. روی کار آمدن دولت نوین و پیدایش اتحاد شوروی اگر چه از فشار سنگین دولت روسیه تزاری کاست، ولی در بهبود بازرگانی خارجی ایران بویژه با آسیای مرکزی و قفقاز چنان تأثیرگذار نبود. مناسبات سیاسی تیره با عراق راه داد و ستد زمینی هزاران ساله و بسیار کهن بازرگانان ایرانی با خاورمیانه و افریقا را بست و تنها در حوزه کشورهای کوچک

خلیج فارس چرخ نیم سوئی برافروخته ماند. از دیگر سو با حضور بیشتر انگلستان در دوران استعمار در منطقه، بازرگانی ایرانیان با همتایان تجاری قدیمی خود هندوستان در کنترل روزافزون آنان قرار گرفت و دگرگونی های تازه ی سیاسی نیز به دلیل خرابکاری های کنسرن های بزرگ بین المللی توانست در بهبود آن نقش چشمگیری بازی کند.

علیرغم تمامی تلاش های تازه پس از فروپاشی اتحاد شوروی برای گسترش پیمان های اقتصادی منطقه ای و کوشش برای افزایش ناد و ستد بیشتر در بازار های منطقه، که یکی از پایه های شکوفائی تمدن ایران و خاور زمین در تاریخ خود بوده است، این چالش ها هنوز بی ثمر و یا کم دامنه مانده و حضور گسترده نظامی نیروهای خارجی در منطقه، کامیابی در این زمینه را هنوز با دشواری های تازه روبرو می کند. در دهه های کنونی با وجود همه ی این سنگلاخ ها کوشش هایی برای گسترش راه ها و ایجاد ناوگان جابه ای و ریلی و دریائی و بازسازی و نوسازی خطوط ارتباطی صورت می گیرد و استقله ی بهینه از این موقعیت جغرافیائی بیشتر مورد نظر بوده است. با این وجود بویژه آمریکا و انگلستان تلاش های گسترده و همه سویه ای می کند تا برای نمونه راه های ترانزیتی و مسیر خطوط لوله های نفت و گاز آسیای میانه و قفقاز از ایران نگذرد.⁽¹⁰⁷⁾ از سوی دیگر تلاش هایی صورت می گیرد تا مبدلات کالا میان کشورهای منطقه بهبود یابد. نمونه وار می توان به موافقتنامه ی کریور شمال - جنوب که بنیان گذار آن سه کشور ایران و هند و روسیه هستند، اشاره کرد که تا سال 2004 اعضا آن افزایش یافت و کشورهای قزاقستان، آذربایجان، ارمنستان، سوریه، بلاروس و عمان را نیز شامل شد، و قرار بود پاره ای دیگر کشورها مانند ترکیه و قرقیزستان و اوکراین نیز به آن افزوده شوند.⁽¹⁰⁸⁾

برتری طبیعی دیگر ایران با منابع کانی در ارتباط است. منابع کانی ایران را می توان به چهار دسته تقسیم کرد: کانی های مواد اولیه ی ساختمانی، کانی های شیمیائی، کانی های سوخت و کانی های فلزی.⁽¹⁰⁹⁾ از آن میان نفت و گاز کانی

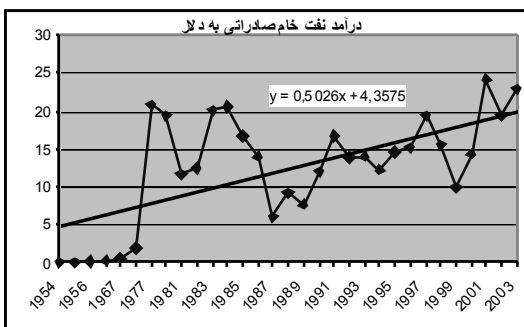
های عمده ی ایران با آماج صادراتی اند و با کمک آن می توان با پی ریزی زیرساخت های اقتصادی بر واپس ماندگی چیره شد.

اولین امتیاز بهره برداری از نفت ایران (اهمیت این سوخت در پهنه ی جهانی از سال 1859 با زدن اولین چاه های نفتی در آمریکا آغاز شد) به سال 1873 و به شخصی به نام رویتر باز می گردد که پیمان نامه ی پیوست آن در سال 1908 همراه با پروانه ی پایه گذاری بانک شاهی به او وگنار گردید و بدین گونه صنعت نفت ایران آغاز به کار کرد.⁽¹¹⁰⁾ دگرگونی در استخراج نفت میان سال های 1913 تا 2000 چشمگیر بود و وزن نفت استخراجی در سده ی بیستم از 0.04 میلیون تن در سال 1913 تا سال 1977 به رقم 293 میلیون تن رسید علیرغم کاهش استخراج و صادرات نفت خام با روی کار آمدن جمهوری اسلامی و بویژه در جریان جنگ، درآمد هلی ایران با بسته شدن پیمان نامه های تازه و افزایش قیمت نفت روبه افزایش گذاشته است.

پیش از سال 1979 افزایش ناگهانی درآمد ایران از راه صادرات نفت خلم، نه تنها برآیند افزایش استخراج (بویژه در دهه ساله ی پایان حکومت محمد رضا شاه) بلکه نتیجه ی شوک نفتی و افزایش یکباره ی بهای نفت در بازار جهانی بود.⁽¹¹¹⁾ بدین گونه که تنها در فاصله ی سال های 1972 تا سال 1977 این درآمد از رقم 1.9 میلیارد دلار به رقمی نزدیک به 21 میلیارد دلار افزایش یافت در سال های پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی با وجود کاهش استخراج و صادرات نفت و نیز کاهش بهای آن در پاره ای سال ها، ایران توانست گام به گام به درآمد های خود در این زمینه بیافزاید و در سال 2001 میلادی 24 میلیارد دلار، در سال 2002 میلادی 19 میلیارد و در سال 2003 نزدیک به 23 میلیارد دلار درآمد از راه صادرات نفت خلم به دست آورد.

پیش بینی می شود که درآمد های نفتی در سال های آینده نیز افزایش یابد به دگرگونی های صنعت نفت و گاز و نقش آن در اقتصاد ایران در یک بخش جگانه به گونه ی گسترده خواهیم پرداخت.

نمودار 42 - درآمد نفت خام صادراتی به دلار



دگرگونی های دموگرافیک و پیامدهای آن

بر پایه ی داده های تاریخی می توان در نجد ایران به دو موج بزرگ مهاجرت که بافت دموگرافیک (جمعیتی) را همه سویه نگرگون ساختند، اشاره کرد مهاجرت نخستین، از سوی آریائی ها به ایران بود که در دو نوبت پیش از میلاد پدید آمد و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی ژرفی در بر داشت آثار فرهنگی این کوچ که به درهم آمیزی فرهنگ کهن سال ایرانیان با تمدن مهاجرین تازه انجلمید، در پاره ای مراسم و جشن های ایرانیان و دیگر اقوام همسایه ی ایران تا امروز نیز برجای مانده و یکی از مشخصه های هویت فرهنگی اقوام ساکن نجد ایران است. موج مهاجرت آریائیان به این فلات به رشد فرهنگی و گسترش فرهنگ نه نشینی و شهرنشینی نامن زد. بیشتر پژوهشگران بر این باورند که آریائی ها فرهنگ مردم کشاورز و ساکن را نارا بوده و پیش از ورود به این سرزمین به پیشرفت های چشمگیری در این زمینه دست یافته بودند به تازگی از سوی پاره ای پژوهشگران این دیدگاه نیز برجسته می شود که محل سکونت آریاییان از آغاز فلات ایران بوده و به گونه ی عمده از این سرزمین است که توده های بزرگی از مردم به گوشه های دیگر دنیا مانند اروپا کوچ کرده و سکنا گزیده اند.⁽¹²⁾ موج بزرگ دوم کوچ به فلات ایران و دگرگونی های دموگرافیک پیامدها آن، از برش شکست پادشاهی ساسانی در برابر چادرنشینان عرب آغاز می شود و پس از یک دوره ی کوتاه وقفه، با

چیرگی دوباره ی همسایگان و این بار چادرنشینان خاوری بر ایران، شتاب می گیرد دوران کوتاه چیرگی یونانیان پس از پیروزی اسکندر و چیرگی صد ساله ی اعراب در زمان خلفای اموی بر ایران، دگرگونی فرهنگی کم و بیش پررنگ در جامعه و تأثیر دموگرافیک کم رنگتری در پی داشت، اما در دوره ی عباسیان و در برش زلمنداری ترک ها و مغول هادر ایران بافت جمعیتی دچار دگرگونی ژرف شد و در پیدم آن فرهنگ چادرنشینی در نجد ایران گسترش یافت در این راستا کوچ نشینی در پاره ای برش های تاریخی بر ده نشینی و شهرنشینی نیز برتری جست و در پی خشونت و کشتار زیاد و بی تدبیری حکومت های چند صد ساله ی چادرنشینان، که با نلبودی پاره ای از مراکز سکونت اقوام ایرانی و راخن اجباری آنان بویژه در آسیای مرکزی همپیوند بود، از سوئی جایگزینی جمعیتی صورت گرفت و بخشی از خور ایرانان به محل سکونت چادرنشینان خاوری در آمد و به شمار قبایل کوچ نشین در درون ایران نیز با شتاب افزوده شد و از سوی دیگر در پاره ای نقاط ایران مانند شمال باختری ایران که می توانست چراگاه های مناسب در دامنه ی کوه ها در اختیار نام های چادرنشینان قرار دهد، کوچ نشینان به صورت گسترده سکنا گزیدند و بر فرهنگ آن سرزمین تأثیر گذاشتند. دگرگونی دموگرافیک و درهم آمیزی گسترده بویژه در آسیای میانه، شمال باختری و جنوب باختری پدیدار شد در برآیند جنگ ها و ویرانی های پی در پی، از جمعیت جنوب و مرکز ایران کاسته شد و تمرکز جمعیت در شمال ایران بیشتر گردید و به طور کلی نیز از جمعیت کشور بسیار کاسته شد. در 5 سده ی گذشته پس از روی کار آمدن پادشاهی صفوی و با تکیه به سیاست تمرکزگرای کهنسال ایرانی، جز در خور ایران و آسیای میانه آن هم در نتیجه ی یورش ترکمانان ازبک و نیز در ابعاد کمتر در شمال و جنوب باختری ایران، با مهاجرت های بزرگ و دگرگونی های دموگرافیک چشمگیری مانند دو درهم آمیزی بزرگ تاریخ ایران یعنی آمدن آریائی ها و چادرنشینان باختری و خاوری به این فلات، روبرو نبوده ایم با تشکیل دو دمان صفوی در ایران مبارزه با نفوذ قبائل چادرنشین در ساختار حکومتی و الاری و

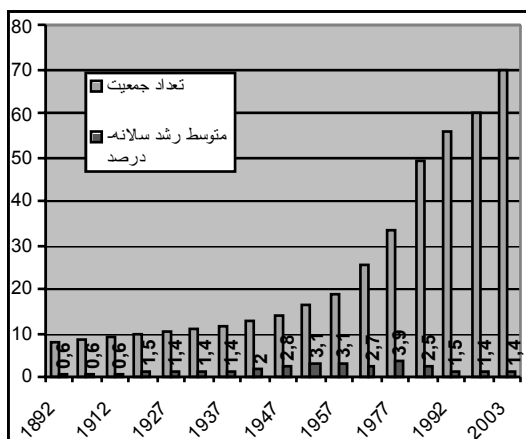
نظامی ایران آغاز شد و سیاست سکنا دادن آنان با نشیب و فرازهایی، گاه با خشونت نظامی و گاه با زیرکی اقتصادی و سیاسی، تا دوران پهلوی دوم و پیانه شدن اصلاحات ارضی ادامه یافت در نتیجه ی این سیاست ها و نیز گسترش مناسبت سرمایه داری، دموگرافی ایران به زیان چادرنشینان و به سود ده و شهرنشینیان تغییر نمود و سهم کوچ نشینان تنها به 2 درصد جمعیت کشور در سال 1995 فروکش کرد.⁽¹³⁾

این دگرگونی اگر چه از سوی بخشی از پژوهشگران اقتصاد ایران چندان مورد توجه قرار نمی گیرد، ولی به دلیل پیشینه ی تاریخی دراز و ژرف و نیز بازتاب هنوز آن در آینه ی اقتصادی و فرهنگی و قومی ایران از اهمیت برخوردار است و نگاه نازک بینانه به آن از دیدگاه اقتصادی هم شایان گرش است روند درهم جوشی اقتصادی - اجتماعی اقوام گوناگون ساکن ایران در تاریخ ایران، کمتر شتابی مانند چند سده ی کنونی داشته است این پروسه ی پیچیده و پرافت و خیز در درجه ی نخست زیر تأثیر رشد مناسبات سرمایه داری و گسترش شهرنشینی و بویژه ایجاد قطب های بسیار بزرگ شهری بود

افزون بر این دگرگونی دموگرافیک، می توان به ساختار جمعیتی ایران از چند گوشه ی دیگر نیز گریست، چرا که بر روندهای اقتصادی و برنامه ریزی ها بسیار تأثیر گذارند. جمعیت ایران همانند بخش بزرگی از جمعیت کشورهای رو به رشد در حال افزایش است. سالانه بیش از 90 میلیون نفر به جمعیت گیتی افزوده می شود. در روند این دگرگونی سهم کشورهای پیشرفته جهان رو به کاهش است. مسائل دموگرافیک به یک دشواری جدی برای کشورهای در حال رشد بدل شده اند. رشد جمعیت در فلات ایران، که در یک دوران طولانی تاریخی پس از حمله ی کوچ نشینان باختری و چادرنشینان خاوری و آسیب جوی به زیرساختار های اقتصادی، با کاستی روبرو بود و از نزدیک به 50 میلیون به مرز 8 میلیون نفر در آغاز سده ی بیستم کاهش یافته بود، نه تنها رو به افزایش است، بلکه در مقایسه با کشورهای پیشرفته ی جهان و حتی کشورهای در حال رشد نیز بیشتر شده است.

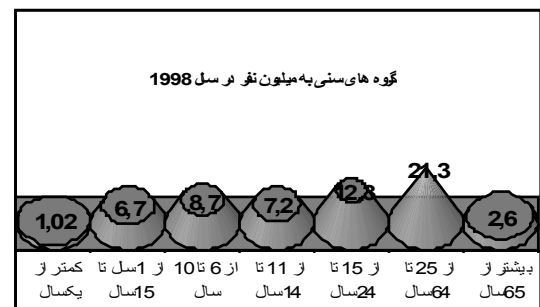
جمعیت ایران در 110 ساله ی گذشته از نزدیک به 8.1 میلیون به مرز 70 میلیون رسیده است.⁽¹⁴⁾ رشد روزافزون جمعیت در سه دهه ی گذشته بویژه پس از روی کار آمدن حکومت اسلامی بسیار چشمگیر بود و با وجود کاهش شتاب آن در سال های کنونی، انتظار می رود که جمعیت ایران تا سال 2022 به 90 میلیون تن برسد.⁽¹⁵⁾ این روند دست اندرکاران اقتصادی را با مسائلی مانند کارایی، آموزش، بهداشت، خدمات اجتماعی و دیگر پییده های اجتماعی و فرهنگی وابسته به آن مشغول کرده است. بالاترین متوسط رشد سالانه ی جمعیت در این دوره به سال های میان 1977 تا 1987، همانا سال های پس از روی کار آمدن حکومت اسلامی، باز می گردد آهنگ رشد جمعیت اما پس از آن گام به گام کاسته شد و در سال های پس از 1992 نخست به 1.5 درصد و سپس به 1.4 درصد رسید.

نمودار 43 - افزایش جمعیت و متوسط رشد سالانه



آهنگ جوان شدن جمعیت ایران در ارتباط با نکته ایست که پیشتر به آن اشاره کردیم، یعنی افزایش شتابان جمعیت در مدتی کوتاه. انگیزه ی آن را می توان از جمله در کنترل گسترده تر میزان زاد و ولد دید. افزایش جمعیت بر پایه ی باورهای مذهبی و بدون نگاه به بازتاب های کنترل ناپذیر آن، چشمگیر بود. افزایش کلی سهم جوانان در جمعیت کشور برنمه ریزی برای برطرف کردن نیازهای گروه های سنی دیگر را با دشواری روبرو کرده و تعیین الویت ها را به کاری پیچیده مبدل کرده است. در ایران به دلیل وجود جنگ هشت ساله ایران و عراق، نکته ی دیگری نیز مشاهده می شود و آن بیشتر بودن تعداد زنان نسبت به مردان است. این پدیده ویژه ی ایران نیست و پس از جنگ جهانی اول و دوم در اروپا نیز مشاهده می شد. در هرم سنی جمعیتی در ایران در سال 1998 نزدیک به 60 درصد را جوانان پایین تر از 24 سال تشکیل داده و در این میان بیشترین سهم را با نزدیک به 20 درصد، جوانان میان 15 تا 24 به خود اختصاص می دادند. اگر دگرگونی در هرم جمعیتی را بر سال 2004 انطباق دهیم، به این نتیجه می رسیم که نزدیک به 50 درصد جمعیت ایران سنی میان 13 تا 21 سال دارد و بدین گونه جمعیت ایران بسیار جوان است.

نمودار 44 - هرم سنی و توزیع جمعیت

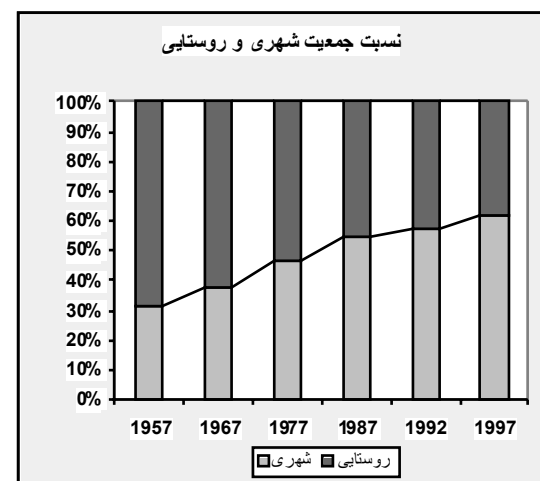


پروسه ی شهرنشینی در خاور زمین پیش از اروپا آغاز شد و شهرهای فنوبالی ایران از شهرهای اروپائی جمعیت و شکوفائی بیشتری داشتند. روند شهرنشینی در ایران در دوران یورش چادر نشینان ویژه مغولها صمه دید. نخستین دوره ی گسترش جدی شهرنشینی در ایران، به حدود پانصد سال پیش باز می گردد. فروپاشی مناسبات فئودالی، فشارهای سنگین مالیاتی به روستائیان، نبود امکانات ضروری برای تولید کشاورزی و بیش از همه گسترش مناسبات سرمایه داری در ایران، زمینه ی کندن کشاورزان از روستا و شهرنشینی آنان را فراهم کرد.

جمعیت شهری ایران که به ویژه در چند قطب بزرگ شهری متمرکز شده، ترکیبی سنتی و هنوز روستائی دارد و خود را به طور کامل با نیازهای جامعه ی صنعتی انطباق نداده است. بخش بزرگی از همین روستائیان تازه شهر نشین شده و سنتگرا از پشتیبانان بزرگ خمینی و جریانات مذهبی و مخالف دگرگونی های اجساعی - فرهنگی شاه و جریان مدرنیزه کردن کشور بودند.

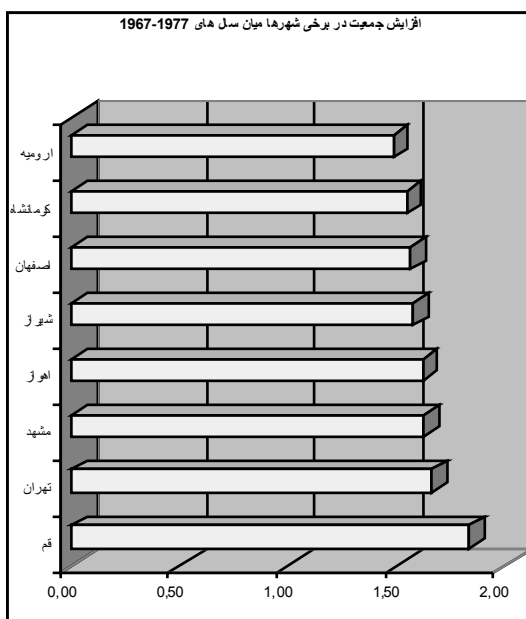
سیاست های ناکام کشاورزی چه در دوران شاه و چه در دوران حکومت اسلامی، نزاری و تنگسستی روزافزون روستائیان، تلاش برای سکنا دادن قبائل چادر نشین، روی آوری ده نشینان به شهرها، افزایش بی رویه ی زاد و ولد در روستاها که شتابش بیش از شهرهاست و در آنان امکانات کافی برای کارایی جوانان فراهم نیست، عوامل دیگری هستند که به شتاب روند شهرنشینی در ایران می افزایند. این فرایند در بیشتر کشورهای جهان سوم به شکل کم و بیش همگونی دیده می شود. افزون بر دگرگونی های درونی، ورود مهاجرین به کشور نیز به رشد جمعیت شهری کمک کرده است. در ایران شمار این مهاجرین 2,5 میلیون نفر تخمین زده می شد که از این میان 1,8 میلیون افغانی و 650000 نفر عراقی بودند.⁽¹⁶⁾ در فاصله ی سال های 1957 تا 1997 جمعیت شهری به گونه ی بی وقفه در حال افزایش بود و میزان آن در مجموعه ی جمعیت از نزدیک به 30 درصد به د و برابر خود همانا 60 درصد رسید. بر پایه ی آخرین ده های رسانه های گروهی در ایران این پروسه همچنان ادامه دارد.

نمودار 45 - نسبت جمعیت شهری و روستائی از سال 1957



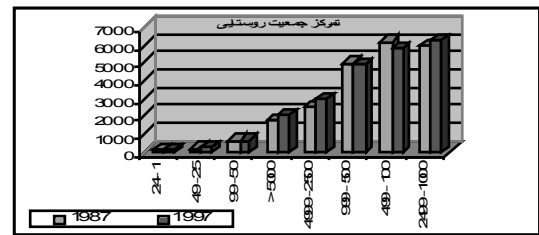
میان سال های 1967 تا 1977 به دلیل سرمایه گذاری های کلان در بخش صنعتی، آن هم در قطب های بزرگ شهری، مهاجرت از روستا به شهر بسیار گسترده شد. مناطق مهاجرت خیز ایران از جمله استان های آذربایجان شرقی، خراسان، گیلان، همدان و مازندران بودند و مناطق مهاجر پذیر تهران و استان مرکزی، اصفهان، فارس، خوزستان، کرمان را در برمی گرفتند که بیش از 50 درصد جلیجائی جمعیت در کشور بود.⁽¹⁷⁾ در این زمینه شهر قم که در سال 1979 نقش ویژه ای به خود گرفت، در ده ساله ی میان 1967 تا 1977 بیش از شهرهای دیگر افزایش جمعیت داشت و پس از آن شهرهای بزرگ تهران، مشهد، اهواز، شیراز و اصفهان بودند که بیشتر این شهرها تا امروز مراکز برجسته ی صنعتی کشور هستند.

نمودار 46 - افزایش جمعیت شهرها 1967-1977



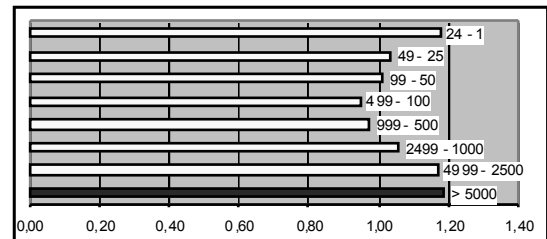
پروسه ی تمرکز در قطب های بزرگ شهری پس از سرنگونی شاه نیز ادامه یافت. طبقه بندی جمعیتی شهرها میان سال های 1987 تا 1997 نشان می دهد که بیشترین افزایش جمعیت در شهرهایی با جمعیتی بیش از 250000 نفر پدیدار شده و پس از آن شهرهای میان 100000 تا 249999 نفر افزایش داشته اند. شهرها و بخش های با جمعیتی کمتر از 25000 نفر یا با رشد بسیار کمی روبرو بودند یا دچار دگرگونی چشمگیر جمعیتی نشدند.

نمودار 52 - تمرکز جمعیت روستایی در آبادیها 1997-1987



پروژه ای که ما بیشتر آن را برجسته کردیم و در شهرها نیز دیده می شود در روستاها نیز نمایان است. بویژه افزایش شتابان تر جمعیت روستاهای بیش از هزار نفر و از آن میان آبادی های بیش از 5000 نفر چشمگیر است. افزایش نیز در جمعیت روستاهای کوچک مشاهده می شود، ولی میزان افزایش مطلق آن بسیار کم است.

شماره 53 - دگرگونی جمعیت روستایی در آبادی ها 1997-1987



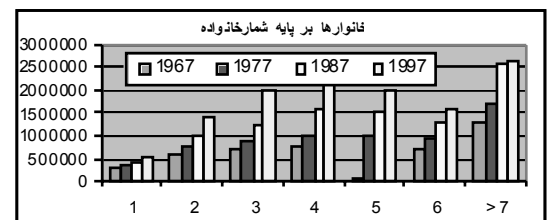
گسترش نفوذ سیاسی در میان توده های شهری که موتور انقلاب 1979 بودند و از لایه های پائین اجتماعی یعنی مهاجرین روستائی تشکیل می شد، از توان کسانی بر می آمد که زبان آنان را می دانستند و نیازهای آنان را بازگو می کردند در دو جنبش بزرگ توده ای در پنجاه سال گذشته، جنبش ملی شدن نفت در سال 1954 و

انقلاب بهمن 1979، ملی گرایان و کمونیست ها و روحانیونی که رهبری این جنبش ها را بر عهده داشتند، آگله یا آنگاه به این ویژگی ها، همانا شمار بالای روستا پیشینه گان شهرها، توجه داشتند حزب چپگرایی توده ایران که در میان سل های 1942 تا 1954 در پیوند نزدیک با مردم بود و با وجود غیرقانونی اعلام شدن، عملاً رهبری جنبش کارگری و دهقانی و بخش بزرگی از روشنفکران و لایه های میانه ی شهری را در دست داشت، در مرامنامه ی خود با توجه به این ویژگی جامعه ایران، از ذکر مستقیم گرایش به سوسیالیسم خودداری می کرد و پاره ای از رهبران سازمان های آن گرایشات مذهبی داشتند در جنبش سال 1979 خمینی با بهره گیری از باورهای ساده ی مذهبی توده ها، در جلب آنان بیش از رقیبان لیبرال و ملی گرای خود موفقیت داشت. نمونه های همسانی را میتوان در دیگر کشورهای در حل رشد دید. در هندوستان که نزدیک به 80 درصد جمعیت آن را روستائیان تشکیل می دادند، گاندی با سیاست مبارزه ی بی خشونت خود بر پایه اصل "اهیمسا" و "زانتیا گراهی"² که گرایشات مذهبی توده های دهقانان را بازتاب می داد، بیش از نمایندگان ملی گرای بورژوازی در میان توده ها هواخواه داشت و با ایدئولوژی خود حلقه های محکمی میان بورژوازی ملی هند و توده ملی گسترده ی دهقانان ایجاد کرد.⁽¹²²⁻¹²¹⁾

بی علت نبود که نهری که یکی از آگاه ترین رهبران جنبش های کشورهای در حال رشد در زمان خود بود و با تلاشی پیگیر نظام های گوناگون فلسفی را همه جانبه در مبارزه ی سیاسی هندوستان به استفاده می گرفت و برنامه های اقتصادی حزب کنگره ی ملی را برای صنعتی شدن و برای رشد مستقل ملی و بدون تقاوتهای بزرگ در درآمد ها و برای ایجاد امکانات برابر و همه سویه پشتیبانی می کرد در دستیابی به توده ها توان گاندی را که با زبان وادیشه های مردم سخن می گفت، نداشت.⁽¹²³⁾ نگاهی به دگرگونی ها در شمار جمعیت خانوارها، چشم اندازی از بافت

AHIMSA¹
SATYAGRAHI²

نمودار 54 - خانوارهای معمولی بر پایه شمار خانواده

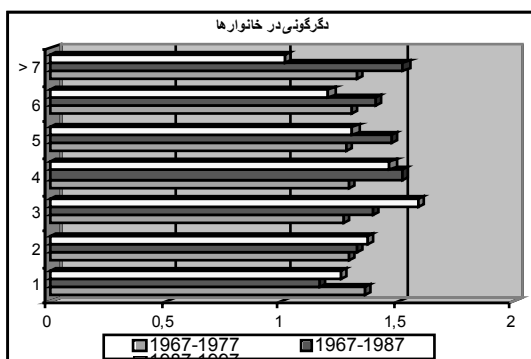


نگاهی به رشد جمعیت ایران در میان خانوارها، چشم انداز روشن تری از دگرگونی های بافت جامعه به نمایش می گذارد. در سال های 1967 تا 1977 همانا دوران شبه، به دلیل رشد گرایشات سرمایه داری و الگو برداری از جوامع پیشرفته ی باختری، بیشترین رشد را در میان خانوارهای تک نفری و اما در کنار آن در میان خانوارهای از هفت نفره و بیشتر می شد دید.

بدین گونه گرایشات نو در کنار گرایش سنتی جامعه در حال رشد بودند در سال های نخست روی کار آمدن حکومت ولایت فقیه و گسترش ایده های اسلامی، مخالفت با استفاده از وسایل جلوگیری از زایمان، رشد شتابانی در خانوارهای بزرگ از 4 نفر به بالا و بویژه از هفت نفر به بالا به وجود آورد. از سوی دیگر اما کمترین افزایش در خانوارهای تک نفری دیده شد. دشواری های اقتصادی که از

جمله بازتاب افزایش بی رویه و شتابان جمعیت بود، سران جمهوری اسلامی را بر آن داشت که از باورهای غیرواقع بینانه ی اسلامی خود دست بردارند و برخلاف سیاست سال های نخست زمامداری، به دلیل ناتوانی در پاسخ گویی به نیازهای نیروهای جوان در بازار کار، از شتاب افزایش جمعیت بکاهند. این روند را در سنجش آمار سال های 1987 تا 1997 می توان دید. در این سال ها بیشترین افزایش در خانوارهای سه نفره و بیشترین کاهش در میان خانواده های بیش از هفت نفر مشاهده می شد. بدین گونه روش دگرگونی دموگرافیک در خانوارهای ایرانی گام به گام به سال های پیش از روی کار آمدن حکومت اسلامی با ننگشت.

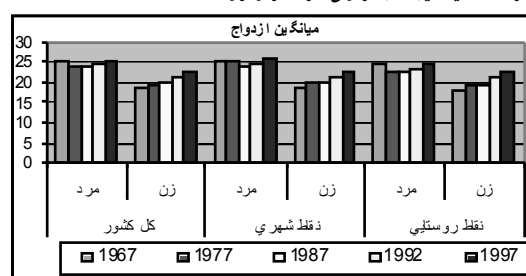
نمودار 55 - دگرگونی در خانوارهای معمولی بر حسب تعداد افراد خانواده



دگرگونی های ناگزیر در بافت جامعه ی ایران را، علیرغم خواست های دگم گرایانه ی ملایان و قانونی کردن کاهش سن ازدواج برای زنان، می توان در دگرگونی میانگین سن ازدواج در جمعیت روستائی و شهری ایران آشکار کرد. در این میان بویژه در میان زنان روستائی میانگین سن ازدواج بی توجه به رهنمودهای بالا که سن ازدواج برای دختران را کاهش دادند، رو به افزایش بود تنها در میان زنان

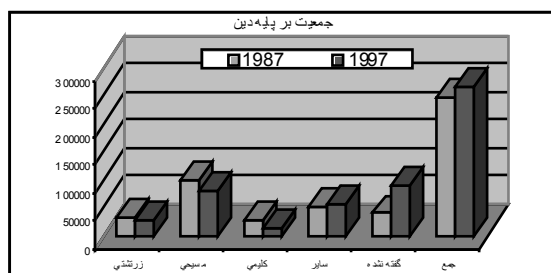
شهری برای دوران کوتاهی زیر تأثیر جو مذهبی در سال های نخست حکومت اسلامی، این میانگین از 20.2 سال به 20 سال کاهش یافت، ولی در سال های پس از آن به میزان 22.5 سال رسید روند افزایش میانگین سن ازدواج زنان هنوز هم ادامه دارد در میان مردان در زمینه میانگین سن ازدواج، دگرگونی چندانی رخ نداد و چه در روستاها و چه در شهرها کاهش آن ناچیز بود. بالا رفتن سن ازدواج تنها به مخالفت زنان با ازدواج زودرس باز نمی گشت، بلکه به ویژه بازتابی از دشواری های مالی جوانان برای تشکیل خانواده ی مستقل بود. بی دلیل نیست که بخشی از جوانان پس از ازدواج یا در خانه ی والدین مرد زندگی می کنند یا برای مدتی جداگانه در دو خانواده خود می مانند و تازه پس از چند سال می توانند زندگی مستقل زنشویی خود را آغاز کنند میانگین سن ازدواج مردان در ایران 25.6 سال و میانگین زنان برابر 22.4 سال می شود میانگین سن ازدواج زنان شهری 22.5 سال بود و تفاوت بسیار کمی در میان زنان روستائی و شهری در این زمینه مشاهده می شد. این شاخص در میان زنان روستائی رقم 22.3 سال را آشکار میکرد. تفاوت سن ازدواج در میان مردان شهری و روستائی اما بیشتر می نمود. مردان شهری میانگینی برابر 26.2 سال و مردان روستائی شاخصی برابر با 24.5 سال را نشان می دادند.

نمودار 56- میانگین سن ازدواج در شهر و روستا



روی کار آمدن رژیم سنتگرا و مذهبی و ضد دگراندیش با زتاب خود را نه تنها در سیل مهاجرت سیاسی ایرانیان مخالف به خارج از کشور (که جمعیت آن را نزدیک به 5 تا 7 میلیون تخمین می زنند) نشان داد، بلکه نارندگان مذاهب غیراسلامی نیز در ایران از فشارهای گوناگون مستقیم و غیرمستقیم آن رها نبودند. سنجش شمار وابستگان به آیین های زرتشتی، مسیحی و کلیمی و دیگران در سال های میان 1987 تا 1997 بر کاهش جمعیت وابستگان به این کیش ها در ایران دلالت دارد. پاره ای از طرفداران این آیین های غیراسلامی از ایران مهاجرت کرده اند، ولی با وجود این مهاجرت ها دلیل افزایش شتابان جمعیت در ایران، می توان گمان کرد که شمار آنان در مجموع افزایش یافته باشد. این امر در آمار رسمی اما انعکاس روشنی نیافته است. دلیل این تناقض را از جمله می توان در فشارهای وارده از سوی رژیم اسلامی به آنان و در نتیجه خودداری از اعلام وابستگی مذهبی هواداران آیین های دیگر در روند آماربرداری هادرایران دانست، چرا که در همین مقایسه ی ده ساله شمار کسانی که وابستگی مذهبی خود را نگفته اند از 39753 نفر به 89716 نفر یعنی به بیش از دو برابر رسیده است. بخشی از این افراد می توانند آنتیست نیز باشند.

نمودار 57- گروه بندی جمعیت بر پایه ی مذهب



گذشته از پاره ای از استثناها، نشان دهنده ی مهاجرت شهرنشینان از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ است. برآیند این دگرگونی در ساختار اقلیمی-جمعیتی ژرفش هر چه بیشتر پراکندگی ناموزن جمعیت در آینده ی ایران خواهد بود. دگرگونی در ساختار خنوارهای ایرانی را نیز می توان با اهمیت ارزیابی کرد. علیرغم خواست ها و گرایش های پاره ای از نیروهای سنت گرا، در چارچوب رشد متناسب سرمایه ناری چه در پهنای و چه در ژرفای، با کوچک شدن اعضاء خنوارها به ویژه در شهرها به طور عمده رویرو می شویم. در کنار آن گرایشی که در کشورهای صنعتی پیشرفته بویژه در باختر در زمینه افزایش شمار خنوارهای تک نفری دیده می شود و به همین دلیل نیز در زمینه اقتصادی این گروه به یکی از آماج های مهم سیاست بازاریابی شرکت های بزرگ قراروبیده، در مقیاس کم در ایران نیز با یک وقفه کوتاه زمانی مشاهده می شود. به این گونه از یک سو به طور کلی با شکسته شدن بافت کهنه ی خنوارهای سنتی و پر شمار رویرو و هستیم و از سوی دیگر با دگرگونی در نوع مناسبات خانوارها و کاهش تأثیرات سنتی.

یکی از ویژگی های تغییر ساختار جمعیتی در ایران به جوان شدن آن باز می گردد. افزایش شمار جوانان در ترکیب کلی جمعیت را می توان از دو چشم انداز به ارزیابی کشید. بخش نخست آن باز می گردد به پهنه هایی مانند اشتغال، آموزش و نهادها و تاسیسات بایسته برای سلمان دهی به نیازهای اقتصادی-اجتماعی. فراهم کردن شرایط برای حل این دشواری ها بویژه در زمینه اشتغال به چنان معضل ریشه ای تبدیل شده که به نظر نمی رسد با وجود ساختارهای کنونی بتوان در کوتاه مدت برای آن راهکارهایی پیدا کرد. بر پایه ی داده های رسانه های گروهی در ایران، سالانه نزدیک به یک میلیون نفر جوان وارد بازار کار می شوند.⁽²⁴⁾ دشواری های اقتصادی جوانان و چشم اندازهای تاری آینده، یکی از انگیزه های رشد ناخشنودی ها و ناآرامی های نسل جوان است، که در سال های کنونی بویژه در اعتراضات بیشتر دانشجویان و زنان و دیگر لایه های اجتماعی بازتاب یافته است.

ویژگی ها و چشم اندازهای دموگرافیک

پرسش این است که با نگاهی به پیشینه ی ساختار جمعیتی و بافت کنونی آن چه ویژگی هایی را می توان در درجه ی نخست برجسته کرد و چه چشم اندازهایی در آینده قابل پیش بینی است. بر پایه داده های آماری و در دسترس بجاست که در آغاز شتاب افزایش جمعیت را سرآمد دانست. اگر چه از ضریب رشد جمعیت در ایران تا حدودی کاسته شده ولی میزان آن هنوز بالاست در همین راستا همزمان می بایست به ضرورت برنامه ریزی اقتصادی در آینده نه تنها در چارچوب تولید ناخالص ملی بلکه از چشم انداز تولید سرانه نیز نگاهی ویژه داشت، چرا که میزان آن در پیوف تنگاتنگ با افزایش جمعیت در آینده است. در کنار رشد تولید ناخالص ملی و متناسب با جمعیت رو به افزایش، میزان دگرگونی در ساختار توزیع درآمد ملی نیز برای یک رشد پایدار از اهمیت پایه ای برخوردار است. در این زمینه شاخص ها و نمودارهای در دسترس که تنها بخشی از واقعیت را بازتاب می دهند نیز، گران کننده اند.

در کنار افزایش جمعیت به طور کلی پروسه ی تمرکز جمعیت چه در شهرهای بزرگ و چه در روستاها و بخش های بزرگ بی گسست ادامه دارد. در روستاها به طور کلی با مهاجرت از روستاها به شهرها یا با مهاجرت از روستاهای کوچک به روستاهای بزرگ و بخش ها رویرو می شویم. در شهرها نیز گرایش عمده،

جوان شدن شتابان جمعیت در ایران دگرگونی‌های رو بنایی چندری را در پی داشته است. افزایش شمار جوانان که از راه‌های گوناگون مانند رسانه‌های گروهی، اینترنت و غیره با دستاوردهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی در جهان در پیوند هستند، در جهان بینی جامعه و از جمله در اندیشه‌ها و باورها، چه به‌گونه آداب و رسوم تازه و روان اجتماع و چه در دیدگاه‌های کم و بیش سازمان یافته‌ی آنان، بازتاب دارند دستاوردهای نوین علمی-فنی و بویژه اینترنت علیرغم تملی فیلترگذاری‌ها، نه تنها ابزاری هستند برای برقراری ارتباط بایرون از ایران، بلکه وسیله‌ای هستند برای گسترش بد و سندهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی میان جوانان در درون کشور. برای نمونه وبلاگ نویسی که یکی از پرهوارترین ابزارهای ارتباطی جوانان در ایران است، از دیدگاه جهانی جایگاه برجسته‌ای را به خود اختصاص می‌دهد. این دگرگونی‌ها، همانا شیوه‌ی زندگی و آداب و رسوم و داد و ستدهای گسترده‌ی تازه و بویژه الکترونیکی در جامعه نوین ایران، جایی هر چه بیشتر جوانان از سنت‌ها و روابط کهنه را در پی دارد. این جنایی از سویی در گسترش مناسبات ناهنجار اجتماعی بازتاب می‌یابد، مانند گسترش اعتیاد و فحشا، و از سوی دیگر در افزایش گرایش‌ها مانند گرایش به مسائل فرهنگی-تاریخی، آموزشی علمی و سیاسی اجتماعی و کوشش کم و بیش سامان یافته برای دستیابی به راهکارها و راه‌های برون رفت از بن بست‌های جمعی‌ی امروزی ایران. گرایش نخست را می‌توان برای نمونه در زمینه‌ی اعتیاد و دیگر آسیب‌های اجتماعی مانند بیماری‌های روانی و خودکشی‌ها دید. در کنار این جلوه‌های ناهنجار جنایی جوانان از سنت‌ها و فرهنگ واپس‌گرا، که آن را می‌توان گونه‌ای از مبارزه منفی و غیر سازنده و خودسوز هم ارزیابی کرد، با نشانه‌های امید بخشی نیز روبرو می‌شویم که رو به گسترش اند در زمینه علمی-آموزشی با افزایش شمار دانشجویان و درخشش جوانان در مسابقات علمی جهانی روبرو می‌شویم. از سوی دیگر همین گرایش مثبت در میان جوانان، ایران را به یکی از صادرکنندگان بزرگ «مغزها» در جهان تبدیل کرده است، چرا که در بازار داخلی به دلیل نارسایی

های اقتصادی زمینه‌ی جذب این نیروها فراهم نیست در زمینه‌ی فرهنگی-تاریخی نیز می‌توان دید که توجه جوانان به شناسایی انگیزه‌های واپس ماندگی و چگونگی چیرگی بر آن، با بهره‌گیری از کتاب‌های تاریخی و اجتماعی و دیگر امکانات فرهنگی افزایش یافته است. افزون بر آن گریز از مسائل اجتماعی و سیاسی که برای مدتی در میان جوانان، بویژه پس از انقلاب فرهنگی و "پاکسازی" دانشگاه‌ها از دانشجویان نگراندیش گسترش یافته بود، فروکش می‌کند. بازتاب آن را از جمله در افزایش شمار اعتراضات دانشجویی، تظاهرات جوانان و زنان و دانش‌آموزان از یک سو و در افزایش شمار نهادهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی نوین که به گونه‌ی آشکار و ناآشکار به مبارزه با سنت‌گرایی می‌پردازند، از سوی دیگر مشاهده کرد.

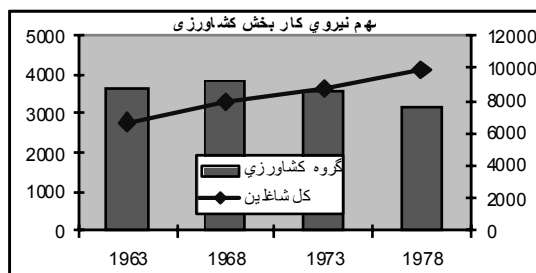
از میان رفتن گام به گام زمینه‌های عینی سنت‌گرایی و واپس‌مانگی بویژه در میان جوانان، دستگاه زمامداری را وادار به واکنش می‌کند از یک کنج خرافه‌گرایی افراطی همزمان با شیوه‌های سرکوب‌تند گسترش می‌یابد و از گوشه‌ی دیگر برای جلوگیری از تبدیل این ناراضی‌ها به یک جریان سازمان یافته و بزرگ‌در برابر دستگاه خودکامه، کوشش می‌شود با پاسخدهی به پاره‌ای از این نیازها از اوج گیری ناآرامی‌ها جلوگیری شود. در این میان هم چنین تلاش می‌شود تا جریان ناراضی‌ها به انحراف کشانده شوند پاره‌ای از این کوشش‌ها را می‌توان در چارچوب پبایش کانال‌های تازه‌ی موسیقی و برنامه‌های "مدرن" در پیرون از ایران از سوی جمهوری اسلامی، گسترش بی بند و بار فرهنگ مصرف، ایجاد اغتشاش فرهنگی و فکری از راه ایجاد رسانه‌ها و صفحات اینترنتی و روزنامه‌های اپوزیسیون خود ساخته، پخش سازمان یافته مواد مخدر در میان جوانان بویژه از راه مافیای سپاه پاسداران و ایجاد سازمان‌ها و نهادهایی وابسته و سازشکار مشاهده کرد. با این همه دشوار می‌توان گمان برد که با ادامه‌ی چیرگی گرایش‌های سنتی و خودکامه و سرکوب‌گرانه‌ی کنونی، بتوان موج ناخشنودی رو به اوج جوانان را فرونشاند.

رشد ساختارهای نوین و دگرگونی در لایه‌های اجتماعی

نشانه‌های فروپاشی فئودالیسم در سده 19 میلادی بویژه در پایان نوره‌ی قاجار آشکار شد و با گسترش گام به گام مناسبات سرمایه‌داری در روستاها همانند شهرها، و تبدیل فئودال‌ها و خان‌ها به مالکین بزرگ زمین‌های کشاورزی و بخشی از سرمایه‌داری ایران، برجسته‌تر شد. انقلاب مشروطه قانوناً سیستم بهره‌کشی کهن فئودالی و تیول‌داری را از میان برداشت، ولی عملاً در سیستم اقتصادی روستاها دگرگونی چشمگیری ایجاد نکرد. دوران پادشاهی پهلوی اول برش گسترش شتابان مناسبات سرمایه‌داری و افزایش داد و ستد پولی و کالائی و پایان دوره‌ی اقتصاد بسته و خودگردان روستاها بود ولی در مناسبات اقتصادی روستاها دگرگونی ژرف نیافرید. اصلاحات رضوی در زمان محمد رضا شاه به این نیاز پاسخ داد و در پی آن مناسبات فئودالی کم کم از روستاها برچیده شد این اصلاحات با وجود گسترش مناسبات نوین سرمایه‌داری، به شکوفایی بخش کشاورزی منجر نشد و حتی از توان واحدهای اقتصادی روستایی نیز تا حدودی کاست. این فرایند در دوران حکومت اسلامی نیز ادامه یافت در نتیجه گام به گام شمار زیادی از روستاها خالی شدند و میزان روستاهای خالی از سکنه به 60 هزار روستا یا 48٪ از کل روستاهای ایران بالغ گردید.⁽¹²⁵⁾ این پدیده نخستین دگرگونی ژرف در پهنه‌ی اشتغال در ایران بود.

این تغییر در پهنه‌ی کار و نیروی انسانی، کاهش شمار کشاورزان در جمعیت شاغل ایران را در پی داشت. این امر بویژه بازتاب مستقیم عواملی بود که بنان در بالا اشاره شد، همانا تلاشی مناسبات فئودالی در روستاها و نبود جایگزین شغلی مناسب و برنامه‌های درست برای کشاورزی مدرن از سوئی، و گسترش شتابان مناسبات نوین بویژه در شهرها و پبایش قطب‌های بزرگ صنعتی و بازرگانی در شمار کمی از استان‌ها از سوی دیگر. در فاصله‌ی سال‌های 1963 تا سال 1978 با وجود افزایش شتابان جمعیت، شمار کارکنان در بخش کشاورزی که بیشتر در مناسبات کار مزدوری و غیرفئودالی قرار داشتند، کاهش یافت. این در حالی بود که در دو بخش صنعت و خدمات در فاصله‌ی همین سال‌ها شمار کارکنان رو به فزونی گناشته بود. بدین گونه با وجود افزایش کل کارکنان کشور از 6.6 میلیون نفر در سال 1963 به 10 میلیون تن در سال 1978، در بخش کشاورزی اما شمار شاغلان از 3.3 میلیون نفر به 3.2 میلیون تن کاهش یافته بود.

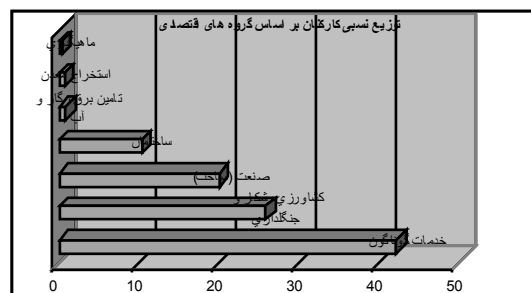
نمودار 58 - سهم نیروی کار بخش کشاورزی در کل شاغلین



این روند در دوران حکومت جمهوری اسلامی نیز همچنان ادامه یافت و کاهش در شمار کارکنان بخش کشاورزی به آنجا انجامید که در سال 2002 مجموع افراد فعال در بخش‌های کشاورزی، شکار، جنگلداری و ماهیگیری در میان تمامی شاغلان 10 ساله و بالا، تنها 26.9٪ بود به این ترتیب سهم کارکنان کشاورزی تنها

60٪ شاغلین بخش خدمات و نزدیک به 80٪ همه ی کارکنان بخش های گوناگون صنعتی کشور را به خود اختصاص می داد.

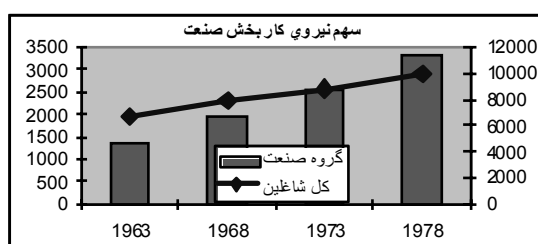
نمودار 59 - توزیع نسبی کارکنان بر پایه گروه های اقتصادی



شاخص دیگر اقتصادی در سده ی کنونی افزایش شمار کارکنان بخش های گوناگون اقتصاد شهری است. در ایران از دیرباز، از جمله در دوران ساسانی، کارگاه هایی برای تولید با شمار نسبتاً زیادی از پیشه وران چیره دست با آثاری در سطح عالی فرهنگ و تمدن آن زمان و سازمانی پیچیده، وجود داشت. (26) پیشه وری و صنعتگری و به طور کلی کالاهای ایرانی، تا پیش از انقلاب صنعتی در اروپا در مدار بالای خود در سطح جهان بودند و بازار خوبی داشتند. پروسه ی جدایی ایران از صف کشورهای پیشروی جهان از پایان حکومت صفوی آغاز شد و گام به گام این واپس ماندگی بیشتر شد. ما در این نوشتار به چهار دوره نوسازی اقتصادی ایران در دو سده ی گذشته اشاره کرده ایم. دوران نخست که بیشتر زیر راهنمایی و زیربان برجسته ی دوران قاجار پدیدار شد، کوتاه مدت بود و جز دگرگونی های محدود به بهبود اقتصادی چنانچه نیاچامید، باین وجود پاره ای کارنجات صنعتی در ایران آغاز به کار کردند و به شمار کارگران صنعتی افزوده شد. دوران دوم نوسازی ایران با تلاش های پهلوی اول نزدیک به بیست سال به

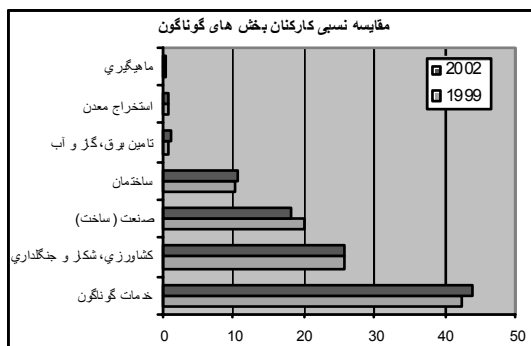
درازا کشید رشد صنایع در این زمان بویژه در زمینه ی صنایع نظامی و رشته های همراه آن و صنعت نفت بود این امر افزایش چشمگیر کارکنان صنعتی و تجاری و خدماتی را در پی داشت افزایش شتابان طبقه کارگر و دیگر مزدبگیران شهری درایران یکی از زمینه های رشد چپ گرایان در سال های پس از کناره گیری رضا شاه از تخت شاهی بود محمدرضا شاه موج سوم بازسازی ایران را آغاز کرد و در پیامد آن به شمار کارکنان بخش های گوناگون اقتصاد شهری باز هم افزوده شد. افزایش نیروی کار در بخش صنعتی میان سال های 1963 تا 1978 چشمگیر بود، باین وجود درصد شاغلین در مجموع کارکنان کشور در مقیاس منطقه ای کم بود برای نمونه درصد کارکنان واحدهای صنعتی در سال 1975، 30.9٪ کل کارکنان بود که در حد کشورهایی مانند الجزایر و عراق و کمتر از کویت و قطر می نمود. (27) در بخش نفت شمار کارکنان از 36 هزار نفر در این فاصله به 60 هزار نفر افزایش یافت و در گروه صنعت (بدون نفت) که بخش تعیین کننده ی کارکنان را شامل میشد، در فاصله ی 15 ساله ی بالا این میزان از 1.37 میلیون نفر به 2.38 میلیون نفر افزایش یافت. در صورت ادامه ی روند صنعتی شدن می توانست این پروسه تا کنون نیز ادامه یابد افزایش نزدیک به سه میلیونی شاغلین در میان سال های 1963 تا 1978 به کارکنان بخش صنعت بازمی گشت، که بازتابی از رشد شمار کارخانه ها و کارگاه ها بود.

نمودار 60 - سهم نیروی کار بخش صنعت در کل شاغلین 1963-1978



آب با 1٪ و سپس کارکنان بخش معدن با سهم کوچکی برابر با 0.7٪ قرار داشتند. جالب توجه اینکه با وجود گسترش سهم بخش خدمات در فاصله ی سه ساله ی 1999 تا 2002 از میزان 43.2٪ به 43.9٪، سهم بخش صنعت از 20.1٪ به 18.2٪ کاهش پیدا کرده بود در بخش معدن نیز کاهش کوچکی دیده می شد و تنها در بخش ساختمان بود که با رشدی از میزان 10.3٪ به 10.7٪ و نیرو گشتیم این دگرگونی منفی نتوانی اقتصاد ایران برای پاسخگویی به نیازهای بازار کار را بویژه در بخش صنعتی نشان می دهد.

نمودار 61 - توزیع نسبی کارکنان بر اساس گروههای اقتصادی

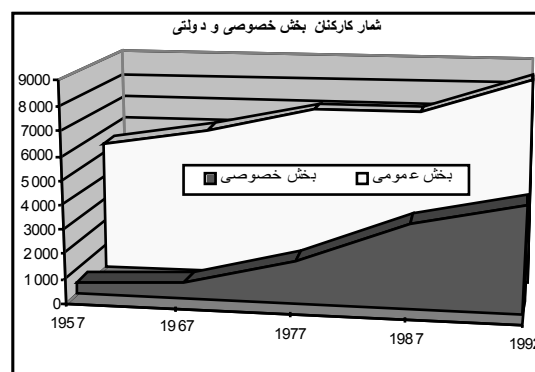


دیگر بازتاب فروپاشی ساختارهای کهن و صنعتی شدن گام به گام، حضور گسترده تر طبقه ی تازه ی سرمایه دار از دیدگاه کمی و کیفی در زندگی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی بود. رشد سرمایه داری در ایران دارای پاره ای ویژگی هاست. نخست اینکه از آنجا که بخش بزرگی از سرمایه داران همان فئودال های گذشته بودند که با خود بسیاری از عناصر و گرایشهای سنتی را به همراه داشتند، این امر زمینه دیرپایی مناسبات فئودالی را در کنار روابط اقتصادی نوین تا مدت ها فراهم کرد. دوم کمبود انباشت سرمایه در دست طبقه ی تازه و نتوانی مالی آنان

با روی کار آمدن دستگاه نوین زمامداری و نارسائی های اقتصادی پیامد آن در کنار جنگ طولانی با عراق، به این پروسه آسیب وارد شد و با وجود افزایش جمعیت ایران در میان سال های 1978 تا 2002 و رسیدن آن به مرز 60 میلیون نفر، شمار کارکنان در بخش صنعتی متناسب با نیازهای کشور افزایش نیافت و کشور با بحران جدی روبرو گردید. بر پایه یک ارزیابی با شتاب رشد جمعیت در ایران سالانه 1 میلیون نفر هر ساله وارد بازار کار می شدند. (28) از سوی دیگر سیاست های نادرست اقتصادی و گرایش به واسطه گری که نمود خود را برای نمونه در قاچاق کالاها و دست به دست شدن پیمایی آنان بازتاب می داد، در شرایط کمبود بازار کار به از میان رفتن یک میلیون فرصت شغلی در ایران می انجامید. (29) افزایش نابسامانی ها و گسترش فساد در ارگان های دولتی و غیردولتی را در این واقعیت هم می توان دید که برای نمونه در سال 2003 در بخشی از آب های خلیج فارس بنا به یک بررسی نزدیک به 110 اسکله ای فاقد نظارت وجود داشت و شماری از این اسکله های غیرمجاز که در جریان قاچاق کالا به ایرلن نقش داشتند، حتی اعتبار و بودجه از سازمان مدیریت و برنامه ریزی نیز دریافت کرده بودند. (30) در کنار این دشواری ها پاره ای عوامل دیگر نیز به بحران بازار کار در ایران ژرفای بیشتری داده است از آن نمونه است لشکر نیروی کار در سنین پایین، نبود امکانات کافی آموزشی، شرکت نوجوانان و جوانان روستایی در فعالیت های کشاورزی و صنایع خانگی، استفاده از نوجوانان خانواده های کم درآمد شهری برای افزایش درآمد خانواده و نیز کوتاه بودن دوران فعالیت مردان و زنان ایران در مقایسه با کشورهای پیشرفته جهان که در هر دو دوران حکومت شاه و ملایان وجود داشته و برای نمونه در سال 1970 در آلمان 44٪ و در ژاپن 51٪ و در ایران تنها 30.4٪ بوده است. (31) بازتاب این بحران را می توان در چگونی شمار شاغلان در سال 2002 دید در میان کارکنان شاغل 10 ساله و بیشتر در این سال، در بخش صنعت (ساخت) با سهمی برابر 18.2٪ کل کارکنان روبرو بودیم. سهم کارکنان در بخش ساختمان 10.7٪ بود و پس از آن بخش تامین برق و گاز و

در سرمایه‌گذاری در بخش هلی پرهزینه‌ی اقتصادی بویژه رشته‌های بزرگ صنعتی بود این ناتوانی در کنار گرایش سنتی ایرانیان به کار بازرگانی و نیز نبود امنیت اقتصادی و سیاسی و تغییر پی در پی حکومت‌ها و سیاست‌ها، به سنگینی وزن سرمایه‌گذاری‌های دولتی در بخش‌های گوناگون صنعتی انجامید. افزایش شمار کارکنان در بخش هلی دولتی و خصوصی در فاصله‌ی سال‌های 1957 تا 1992 را از جمله برآیند این عوامل می‌توان دانست. در این میان اگر چه شتاب افزایش شمار کارکنان در بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی بیشتر بود ولی بویژه زیر تأثیر افزایش درآمد دولت از صادرات نفت خام و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در بخش‌های گوناگون بویژه بخش صنعتی، پس از سال‌های 1987 با افزایش کارکنان در بخش دولتی به طور مطلق و نیز ضریب رشد بالای آن روبرو شدیم.

نمودار 62- دگرگونی در شمار کارکنان بخش خصوصی و دولتی



دو ویژگی طبیعی و تاریخی روند گسترش بخش دولتی در اقتصاد ایران و افزایش شمار کارکنان در آن را نیروی می‌بخشند نخست وجود نفت در فلات ایران و درآمد

بالای ناشی از صادرات آن که در دست دولت متمرکز است و دوم سنت کهنسال حکومت متمرکز و دیسپوت خاوری-ایرانی که برای ادامه‌ی زمامداری خود به ابزارهای فشار اقتصادی و کنترل مهمترین رشته‌های اقتصاد نیاز دارد در کنار این دو ویژگی باید در دوران روی کار آمدن نیروهای ناسیونل-سنتی نوین، به جایگی‌های بزرگ مالکیت‌ها و ملی‌کردن بخش بزرگی از اموال و کارخانجات و موسسات بخش خصوصی و گسترش باز هم بیشتر بخش دولتی در اقتصاد ایران اشاره کرد، که از جمله پیامد گرایش توده‌ها و آرزوی آنان برای دستیابی به تقسیم‌اندازانه‌ی دارایی‌ها در میان تمامی لایه‌های گوناگون اجتماعی بود⁽¹³²⁾. مفهوم اقتصاد دولتی و غیردولتی یا خصوصی در ایران را با بافت کنونی کشور می‌توان از هم جدا کرد و به طور کلی می‌توان گفت که بخش بزرگی از بخش دولتی که در زمان پهلوی هادراختیار شاه و دربار و یاران آنان بود، و در دوران جمهوری اسلامی در دست پاره‌ای از روحانیون و خویشاوندان و نزدیکان آنان (آقازاده‌ها) است، در حقیقت امر با نام و پوشش "بخش دولتی" در دست زمامداران خوبگامه است و آنان در سود دست آمده از این مالکیت‌ها مانند بخش خصوصی، البته با پاره‌ای محدودیت‌های قانونی، شریک اند این گونه به نظر می‌رسد که نبردی که در سال‌های 2000 به بعد به وسیله‌ی بورژوازی غیردولتی و روبه رشد در درون کشور و به کمک بورژوازی خارج از ایران که سرمایه‌ی آن نزدیک به 800 میلیارد دلار تخمین زده می‌شود و در چارچوب اصلاحات با پذیرش اسمی رژیم ولایت فقیه و یا در چارچوب خواست‌های دموکراتیک با کنار گذاشتن دولت مذهبی و ایجاد رژیم سکولار با شدت در جریان است، تلاش برای تصرف کامل سنگره‌های اقتصادی زمامداری کنونی فوق ثروتمند ایران و یا توافق بر سر تقسیم دوباره‌ی دارایی‌ها و موقعیت‌های سودآور و کلیدی اقتصاد ایران است⁽¹³³⁾.

بخش دولتی را در ایران با این وجود همانند پاره‌ای از کشورهای رو به رشد، علیرغم درهم آمیزی با منافع سرمایه‌داران وابسته و بازرگانان انگل صفت و

محتکر و فاسد، می‌توان در بعضی جنبه‌ها مثبت ارزیابی کرد در شماری از کشورهای مانند هندوستان و ایران و ترکیه که مناسبات سرمایه‌داری به سطح متوسط رشد رسیده اند، همچگونه کنترل جدی دولتی به حریم مالکیت خصوصی سرمایه‌داری راه نمی‌یابد و پروسه انباشت سرمایه گام به گام به سطح بالائی می‌رسد⁽¹³⁴⁾. علیرغم تمامی نارسائی‌ها و فساد دولتی، پاره‌ای از تصمیمات اقتصادی و کنترل دولتی بر بخش‌های اقتصادی از سوی دولت در چارچوب مالکیت دولتی، در کنار تلاش برای حمایت از سرمایه‌های خصوصی داخلی، در راستای منافع ملی است به این معنی که میان بخش دولتی و خصوصی برای کنترل بازار داخلی در برابر سرمایه‌ی خارجی، گله تصمیمات اقتصادی سودمندی گرفته می‌شود این سیاست‌ها البته نه در پی تأمین منافع لایه‌ها و طبقه‌های پائین اجتماعی و کاهش فشار بر روی آنان، بلکه در چارچوب ملی کردن بخشی از صنایع و زیر ساخت‌های اقتصادی و تمرکز سرمایه‌گذاری‌های تازه در صنایع سرمایه‌بر بوده و پیش از هر چیز نمایانگر کوشش دولت در دفاع از منافع خود و سرمایه‌داران داخلی در برابر سرمایه‌ی خارجی، انحصارات فرامرزی و نگاهداری منابع طبیعی و اقتصادی کشور از دستبرد گسترده‌ی آنان است⁽¹³⁵⁾.

به جریان‌شنابان خصوصی سازی واحدهای اقتصادی در ایران در سال‌های کنونی و افزایش شمار سرمایه‌داران بزرگی می‌توان از دو چشم‌انداز نگریست. نخست اینکه بخش مهمی از واحدهای صنعتی در زیر نظر دولت، به دلیل ناتوانی مدیران و کنار گذاشتن کارشناسان دگراندیش و بی‌تجربگی‌ها و ناهماهنگی‌های بخش‌های گوناگون اقتصادی با بحران ژرفی روبرو هستند این امر زمامداران جمهوری اسلامی را که برای خود دولت در نوبت ایجاد کرده و در بالای سر دولت گزیده‌ی مجلس، "مجمع تشخیص مصلحت" برای اقتصاد ایران بوجود آورده اند، زیر فشار قرار داده و آنان را به اتخاذ پاره‌ای از تصمیمات برای بهبود اقتصاد کشور و رهائی از فشار روزافزون توده‌های ناراضی و انباشته است و لگناری شماری از کارخانجات و موسسات دولتی به بخش خصوصی، که صاحبان تازه‌ی

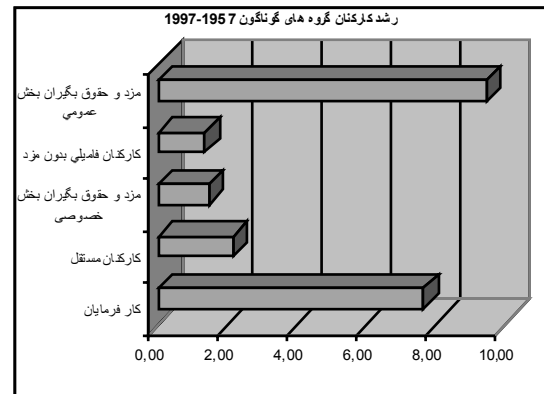
آنان به طور عمده همان مدیران سابق و "نیروهای خودی" اسلامی هستند، با مقاومت بخشی از دستگاه ولایت فقیه که خواستار کنترل متمرکز بر اقتصاد کشورند، روبرو شده است. با وجود این مخالفت‌ها، نامنه‌ی این واکناری‌ها رو به روز در حال گسترش است⁽¹³⁶⁾. کوشش برای از میان برداشتن سرمایه‌داری دولتی پشتیبان ولایت فقیه و کوتاه کردن دست آنان از شاه‌رگ هلی اقتصادی، با تشکیل "صندوق ذخیره‌ی ارزی" برای واکناری و ام از سوی این ارگان به بخش خصوصی و نیز تصویب لایحه‌های تازه در مورد محدود کردن بزرگ‌ترین واحدهای اقتصادی زیر نظر "ولی فقیه"، مبارزه‌ی درونی میان جناح گوناگون سرمایه‌داری ایران را وارد برش تازه‌ای کرده است.

کنه‌ی دوام اینکه بورژوازی ایران چه در درون و چه در بیرون هرم حاکمیت، به انباشت سرمایه‌ی فراوان دست یافته و نه تنها از دیدگاه مالی، بلکه از چشم‌انداز توانائی مدیریتی و تجربه‌ی کاری و قدرت سلطه‌ی بی‌چنان سطحی رسیده که می‌تواند اناره‌ی واحد هلی بزرگ اقتصادی را عهده‌دار شود. انباشت سرمایه در دست بخش خصوصی، علیرغم تمامی شعارهای نادرخواهانه‌ی رژیم اسلامی پس از سرنگونی شاه، با شتابی بیش از دوران زمامداری او ادامه یافته است.

داده‌های اقتصادی نشان از آن دارند که اهداف انقلاب بورژوازی-دموکراتیک مشروطه که صد سال پیش برای حذف مناسبات فئودالی و جانشین ساختن دموکراسی بورژوازی به وقوع پیوست، با رشد کمی و کیفی بورژوازی در ایران، تازه زمینه‌های عینی تحقق خود را پیدا کرده است در این جا تنها به رشد کمی بورژوازی بزرگ و کوچک ایران در چند دهه‌ی گذشته پرداخته شده، اما باید داشت که بخش بزرگی از دست‌اندرکاران بالای دستگاه‌های صنعتی و بازرگانی و خدمات دولتی و گردانندگان پاره‌ای از بنگاه‌های خیریه و بنیادهای مستضعفان در نوبه‌ی پهلوی‌ها و حکومت جمهوری اسلامی نیز در حقیقت امر خصلت بخش خصوصی را دارند. با نگاهی به رشد کارکنان میان سال‌های 1957 تا 1997 می‌توان به افزایش چشمگیر شمار کارکنان بخش دولتی و پس از آن به کارفرمایان کوچک و

بزرگ در ایران پی برد افزایش شمار کارکنان بخش خصوصی و کارکنان سنتی فامیلی بی دستمزد و کارکنان مستقل، بسیار کفتر از دو بخش مزدبگیران بخش عمومی و کارفرمایان است.

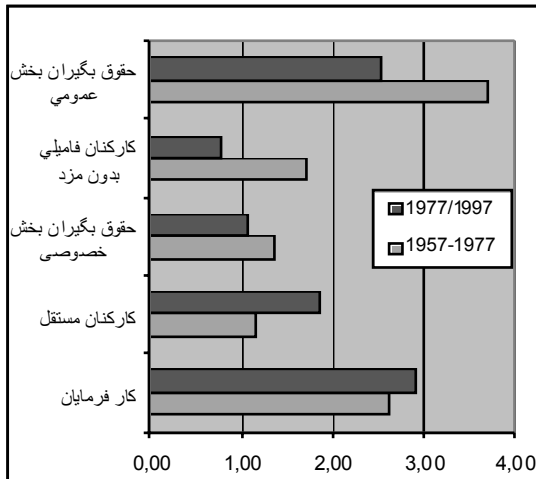
نمودار 63 - دگرگونی در شمار کارکنان گروه های گوناگون اقتصادی



مقایسه دگرگونی های بیست ساله در ساختار کارکنان در ایران در برش زمانی بیست ساله ی حکومت شاه میان سال های 1957 تا 1977 و نیز همین دگرگونی ها در فاصله ی بیست ساله ی 1977 تا 1997 در دوران حکومت اسلامی، گوشه هایی از واقعیت ها را آشکار می کند در دو بخش کارفرمایان و کارکنان مستقل، در دوران حکومت اسلامی بار شد مثبت روپرو بوده و در هر سه بخش مزد بگیران بخش خصوصی، کارکنان سنتی فامیلی و نیز بخش عمومی با کاهش نسبت به پیش روپرو شدیم بیشترین کاهش به بخش سنتی باز می گشت که ضریب تأثیر آن بر اقتصاد کشور با شتاب رو به کاهش بود کم شدن شمار کارکنان در بخش دولتی و خصوصی، نشانگر فروکش سرمایه گذاری ها در بخش های صنعتی و دیگر بخش

های کار و نیز بازتاب آسیب به بخش بزرگی از واحدهای صنعتی در طول جنگ ایران و عراق در سال های پس از 1979 می باشد.

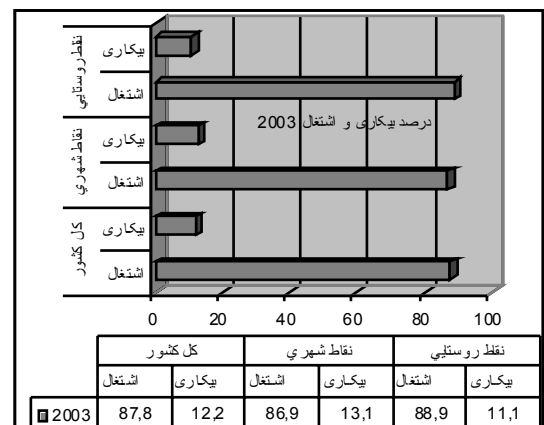
نمودار 64 - دگرگونی در شمار کارکنان گروه های گوناگون اقتصادی



در این میان می توان به آمار رسمی مربوط به میزان اشتغال در ایران که بازتابی از ساختار اقتصادی کشور است، پرداخت شمار واقعی بیکاران در ایران بنا به گفته کارشناسان اقتصادی رقمی به مراتب بیش از آن است که در زیر نمایش داده شده و آنگ آن رو به افزایش است. در همین راستا پیش بینی برنامه سوم اقتصادی برای کاهش 3 درصدی آن، همانند دیگر برنامه ها در گذشته بر روی کاغذ ماند. (137) پاره ای روزنامه های رسمی کشور میزان آنرا در سال 2003 به 16.4 و بیشتر تخمین می زدند. (38) بر پایه داده های رسمی میزان اشتغال در سال 2003 در نقاط شهری 86.9 درصد و در روستاها کمی بیش از آن و برابر 88.9 بود.

میزان بیکاری در سال های 1999 تا 2001 با شتاب رو به افزایش بود و از میزان 12.5 درصد به 14.3 درصد فزونی یافت و سپس در سال 2003 به میزان 12.2 درصد رسید. در روستاها 11.1 درصد و در شهرها 13.1 درصد بیکاری رسمی در سال 2003 اعلام گردید. بخشی از این افزایش در سال های کنونی با وارد شدن بخش بزرگی از نوجوانان و جوانان به بازار کار در پیوند بود. بخش مهم تر اما با سیاست ناروشن اقتصادی کشور و ناتوانی در سمت دهی درست امکانات بالقوه کشور گره خورده است.

نمودار 65 - درصد بیکاری و اشتغال در سال 2003



رشد اقتصادی بدون پشتیبانی افراد متخصص و نقش آنان در کلیدی ترین ارگان های اقتصادی امکان پذیر نیست. روند فرستادن دانشجویان به خارج از کشور برای آموزش از نوره ی قاجار آغاز شده (139) با ساخته شدن آموزشگاه های تخصصی و دانشگاه ها، این روند ادامه یافت و بویژه در دوران شاه با افزایش

توانایی مالی دولت شتاب باز هم بیشتری گرفت. با زمامداری روحانیون در ایران و پیاده شدن گام به گام دیسپوتیسم اسلامی ولایت فقیه، موج زدودن یا "پاک سازی" دگراندیشان از مهم ترین ارگان های دولتی و آموزشی آغاز شد و در اوج یورش به دگراندیشان، دانشگاه ها، یکی از مهم ترین سنگرهای پایداری روشنفکران در برابر واپس گرایی، به نام "انقلاب فرهنگی" برای مدتی بسته شدند و در نتیجه ی این رویدادها به ارکان اداری و آموزشی کشور صدمات ژرفی وارد شد و در سیر رو به رشد افزایش شمار کارشناسان و فارغ التحصیلان دانشگاهی وقته ایجاد گردید. با پایان جنگ که در جریان آن روحانیون تنگ نظر، زیرکانه و فرصت جویانه به سرکوب خونین جنبش اعتراضی و ممنوع کردن تمامی احزاب و گروه های دگراندیش پرداختند، دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی کم کم با رگشایی شدند و در آغاز بیشتر عناصر "خودی" راه به دانشگاه یافتند. برای سونه در بزرگترین موج اعزام دگراندیشان در ایران که در دهه های کنونی بی سابقه بود و بنام "فاجعه ملی" شناخته شده، به دستور خمینی نزدیک به ده هزار نفر از زندانیان سیاسی که بخش بزرگی از آنان دانشجویان بودند، بدون نگاه قانونی در فاصله کوتاهی به جوخه های اعزام سپرده شدند. (140)

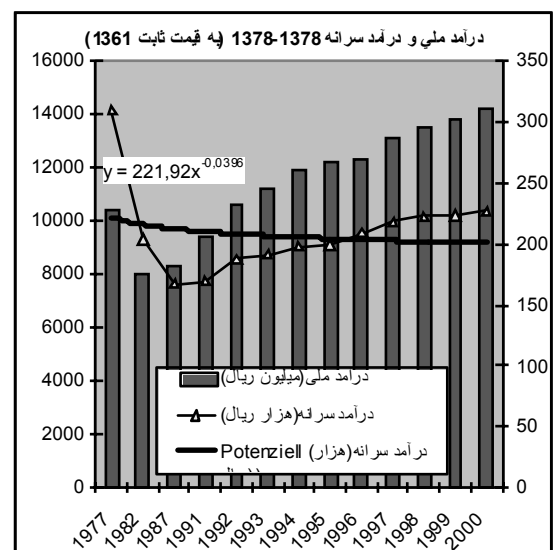
با گذشت زمان ولی فضای دانشگاه ها رنگ تازه گرفت و با گشایش بسیاری دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی دولتی و خصوصی، پروسه ی متوقف شده به رشد طبیعی خود بازگشت. بدین ترتیب تعداد فارغ التحصیلان مؤسسات آموزشی بیشتر شد و همزمان سهم آنان در جمعیت شاغل نیز فزونی یافت در این میان سهم کارکنان ماهر بخش های گوناگون کشاورزی و صنعتگران و متصدیان ماشین آلات، تکنسین ها و متخصصین در مجموع به مراتب بیشتر از شمار کارگران ساده و کارکنان امور اداری و قانون گذاری و مدیریت بود تنها استثنا در این میان به سهم بزرگ کارکنان خدماتی و فروشندگان فروشگاه ها و بازارها باز می گشت که خود بازتابی بود از سهم بزرگ بخش خدمات و واسطه گری در ارزش افزوده ی اقتصاد ایران.

توان از جمله در سرمایه‌گذاری های کلان بازرگانان ایران در کشورهای کناره‌ی خلیج فارس دید در داخل ایران نیز توانایی خرید کارخانجات گران قیمت دولتی در بازار بورس تهران و از آن نمونه خرید چندین کارخانه‌ی سیمان، انعکاسی است از انباشت سرمایه‌ی کلان در میان این لایه‌ی سرمایه‌ناری. این جریان‌ها گاه نیز از خود‌گرایی‌هایی در جهت تغییر ساختار سیاسی رژیم ولایت فقیه از خود آشکار می‌کنند و به شکل‌گیری نهاد‌های روبیایی نوین بویژه سیاسی-اقتصادی علاقه نشان می‌دهند.

ساختار ناکارآمد مالی، سرچشمه‌ی واپس ماندگی اقتصادی

درآمد ملی از مجموع ارزش کالاها و خدمات نهائی تولید شده‌ی افراد یک کشور در یک دوره‌ی حسابداری و یا از راه درآمد ایجاد شده و نه لزوماً دریافت شده توسط افراد و مؤسسات مقیم یک کشور در یک دوره‌ی مشخص محاسبه می‌شود.⁽¹⁴¹⁾ محاسبه‌ی درآمد ملی از سه راه هزینه، تولید و درآمد صورت می‌گیرد. در ایران این وظیفه، که هکلی به سیاست‌برنامه‌ریزی اقتصاد کشور می‌کند، از سال 1960 نخست به بانک ملی ایران و یک سال بعد با بنیان‌گذاری بانک مرکزی ایران به این بانک واگذار گردید. شیوه‌ی کار این بانک همسان با بانک‌های مرکزی کشورهای پیشرفته‌ی سرمایه‌ناری و نظام حساب‌های ملی سازمان ملل بود.⁽¹⁴²⁾ ما در اینجا درآمد ملی ایران را به قیمت ثابت سال 1983 پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهیم. تا پایان جنگ میزان درآمد ملی با شیب این‌در برای نمونه به جنگ جابجائی مالکیت‌ها و تنش‌های سیلسی بزرگ، برکناری بسیاری از مدیران پیشین و ندانم‌کاری زمامداران تازه در این سال‌ها باز می‌گشت اگر چه درآمد کشور پس از پایان جنگ افزایش یافت، درآمد سرانه اما از جمله با افزایش جمعیت کشور فروکش کرد و از میزان آن بیش از 30 درصد کاسته شد.

نمودار 67- دگرگونی بردرآمد مالی و سرانه به قیمت ثابت سال 1361



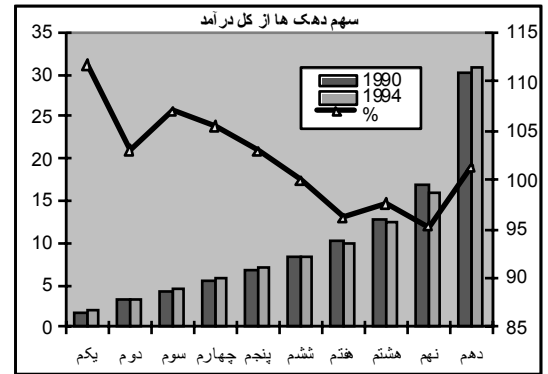
یکی از خواست‌های بزرگ مردم ایران در انقلاب 1979 و شاید مهم‌ترین انگیزه‌ی آنان برای پشتیبانی از خضینی، شعارهای نادرخواهانه‌ی او بود خیمینی بارها بر وجود این نابرابری در زمان شاه و هف و هف او برای مبارزه با تبعیضات اقتصادی - اجتماعی پافشاری کرد. برای بررسی دگرگونی‌های پیامد پخش نارائی‌ها در میان لایه‌های گوناگون اجتماعی پس از روی کار آمدن حکومت اسلامی، می‌توان به ارزیابی سهم دهک‌های جمعیت از کل درآمد نگاهی انداخت. این چشم‌انداز آماري تنها بخش ناچیزی از دگرگونی‌های کنونی را در این زمینه آشکار می‌کند، چرا که در آن تنها به بخش کوچکی از درآمدها پرداخته شده و به میزان نارائی‌ها و ثروت

های اذوخته‌ی بسیار بزرگ و پنهان اقتصاد زیرزمینی توجهی نگردیده است. با این همه داده‌های در دسترس نیز خود نشانه‌هایی از واقعیت را به همراه دارند در این زمینه آمار رسمی زیادی در دسترس نیست. بر پایه‌ی نوشته‌های روزنامه‌ها و نشریات و گفته‌های کارشناسان، جابجائی ثروت از لایه‌های پایین به بالا و تمرکز ثروت در دوران حکومت جمهوری اسلامی شتاب بیشتری نسبت به زمان شاه داشته و شمار زیادی از مردم ایران زیر مرز فقر زندگی می‌کنند.⁽¹⁴³⁾ بر پایه‌ی بررسی دهک‌ها از سالنامه آماری دولتی، می‌توان به بخشی از جابجائی نارائی‌ها پی برد این داده‌ها نشانگر آن‌اند که قطعی شدن جامعه همچنان در جریان است این تمرکز سرمایه بر پایه‌ی دیدگاه پاره‌ای از زمامداران حکومت، می‌بایست زمینه را برای سرمایه‌گذاری بیشتر سرمایه‌داران و رشد اقتصادی کشور به ویژه در پهنه‌ی صنعتی فراهم کند، ولی این سیاست، به استثناء چند سال و آن هم به صورت نارسا، به نتایج مطلوبی نرسید از مهمترین دلایل نبود گرایش از سوی سرمایه‌داران برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی، می‌شود به سودهای بالای بخش بازرگانی در مقایسه با بخش صنعتی و به نبود امنیت و ثبات اقتصادی و سیاسی ضرور در کشور، اشاره کرد. مقایسه وضع دهک‌ها در مناطق شهری تنها میان سال‌های 1990 و 1994 نشان می‌دهد که نزدیک به 70٪ از جمعه تنها 31٪ درآمد و نزدیک به 30٪ از جمعیت نزدیک به 69٪ درآمد را بدست می‌آورند یکدهم بالای جمعیت شهری کشور به تنهایی 30.7٪ مجموع درآمد کل کشور را در دست دارند و سهم آنان تنها در این فاصله‌ی کوتاه زمانی، از 30.3٪ به 30.7٪ نیز افزایش یافته است در دهک‌های نهم و هشتم و هفتم پروسه انتقال سرمایه از این لایه‌ها بویژه به دهک‌نهم که بالاترین سهم را در دارائی‌های ملی دارند، صورت گرفته که بازتابی است از جریان عمومی انباشت بیشتر سرمایه‌های کلان در اختیار بخش کوچکی از جامعه.

این پروسه تا کنون نیز ادامه دارد و برای افزایش سهم لایه‌های پایین اجتماعی اقدامی جدی صورت نگرفته است. بی‌پرونده نیست که بر پایه‌ی گفته‌ی پاره‌ای از

کارشناسان اقتصادی نزدیک به 40٪ از مردم در نظری و تنگدستی بسر می بردند⁽¹⁴⁵⁾

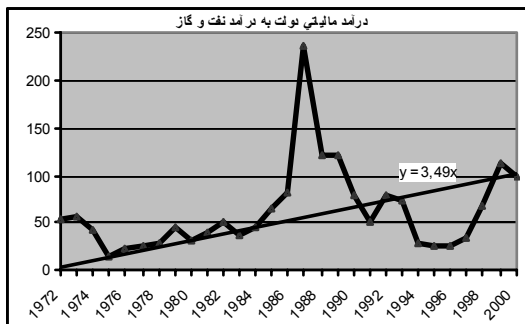
نمودار 68 - سهم دهک ها از کل درآمد در مناطق شهری



از آنجا که سهم بزرگی از تولید ناخالص داخلی در ایران به بخش دولتی اختصاص دارد و اقتصاد ایران صرفنظر از برش های کوتاهی، در چند دهه ی گذشته در چارچوب برنامه های پنج ساله و بویژه از محل درآمدهای نفت خام صادراتی سمت و سو یافته، بررسی درآمدها و هزینه های این بخش می تواند راهگشا باشد در این میان می توان به سهم درآمد دولت از بخش های مالیاتی و نفت و گاز در سال های 1972 تا 2000 پرداخت پس از روی کار آمدن حکومت اسلامی انواعی از مالیات های اسلامی نیز جذب قانونی به خود گرفتند، از جمله مهم ترین آنها می توان به "نکات"، که تنها نقش جنبی در درآمدها بازی می کند اشاره کرد که در آمار موجود و رسمی بازتاب نمی یابد⁽¹⁴⁶⁾ نسبت درآمدهای مالیاتی در سال های 1972 تا 1979، نخست رو به کاهش و سپس روندی افزایشی داشت و درآمد دولت از راه مالیات ها در مقایسه با درآمدهای بخش نفت و گاز در سال 1975 بسیار کم

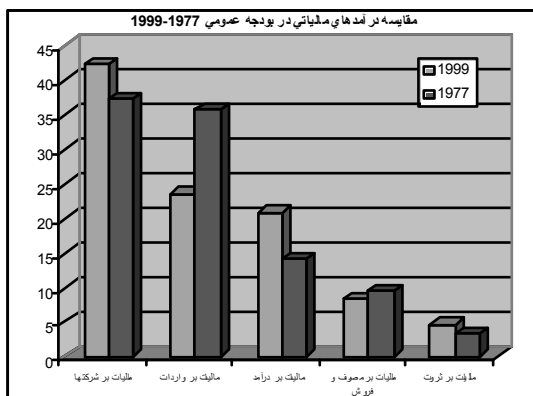
بود افزایش سهم نفت در درآمدهای دولت به افزایش بهای نفت در بازار جهانی باز می گشت علت افزایش سهم درآمدهای مالیاتی در سال های 1987 و بعد نیز، نه برآیند افزایش چشمگیر و نگرانی درآمدهای مالیاتی بلکه پیامد کاهش درآمدهای دولت از راه نفت و گاز صادراتی به میزان یک چهارم بود، که این خود با بحران نفتی ایران در این سال ها پیوند داشت روند کاهش سهم دولت از درآمدهای نفت و گاز از یک سو و افزایش درآمدهای مالیاتی از سوی دیگر، تنها از سال 1997 آغاز شد و گام به گام بهبود یافت. سهم مالیات ها در درآمدها در مقایسه با کشورهای پیشرفته ناچیز است. برای شونه سهم مالیات ها در تولید ناخالص داخلی سوئد نزدیک به 50٪، در آمریکا 30٪ و ژاپن 27٪ است⁽¹⁴⁷⁾ در ایران اما تنها 30٪ از مالیات برنمه ریزی دریافت می شود و بیشتر فرار مالیاتی نیز مربوط به شرکت ها و واحدهای صنفی است⁽¹⁴⁸⁾ جالب توجه اینکه در اعتراض به دریافت مالیات ها، اصناف ایران دست به تظاهرات نیز می زنند⁽¹⁴⁹⁾ علت را می توان از جمله در نبود سیستم سازمان یافته و اطلاعات نادرست ادارات مالیاتی و در گسترش فساد و رشوه خواری در این ارگان های دولتی جستجو کرد

نمودار 69 - سهم درآمد مالیاتی دولت به درآمد نفت و گاز



مالیات بر درآمد، مالیات بر مصرف و فروش و در پایان مالیات بر ناریی، دگرگونی چغانی رخ نداد کاهش جدی سهم درآمدهای مالیاتی در این دو برش، زمانی پیش و پس از حکومت ملایان، به بخش مالیات شرکت ها، مالیات بر درآمد و مالیات بر ثروت باز می گشت. تنها در دو زمینه یعنی مالیات بر واردات و مالیات بر مصرف و فروش شاهد افزایش سهم در بودجه عمومی بودیم، که این خود بازتابی از گسترش فعالیت بخش های خدماتی و کارهای واسطه گری در درون حکومت اسلامی در مقایسه با دوران شاه در مجموع اقتصاد ایران بود.

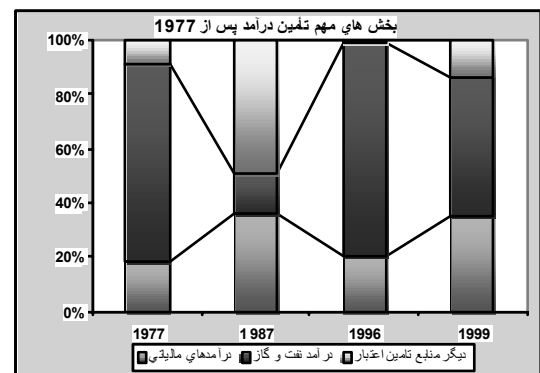
نمودار 71 - مقایسه درآمدهای مالیاتی در بودجه عمومی



از آنجا که ایران بالقوه یکی از کشورهای مهم جهان در زمینه ی جذابیت جهانگردی به دلیل وجود آثار تاریخی فراوان و نیز دارا بودن امکانات شایان بهره برداری در شمال و جنوب کشور است، توجه به وضع درآمدهای دولت از راه جهانگردی از اهمیت ویژه ای برخوردار می گردد ترکیه کشور همسایه ایران و پاره ای کشورهای جنوب خلیج فارس در سال های گذشته در این راه سرمایه گذاری

نمودار زیر ضلعی دیگری از سهم زیربخش هلی مانند درآمد مالیاتی، درآمد نفت و گاز و دیگر سرچشمه های تأمین درآمد دولت را در چهار برش نشان می دهد بر این پایه صرفنظر از سال 1987، آن هم در نتیجه کاهش درآمدهای نفتی و نه افزایش درآمدهای مالیاتی، سهم نفت در مجموع درآمدهای دولت تعیین کننده بود روندی که مانند یک بیماری پس از افزایش صادرات نفت همواره گریبان تن رنجور اقتصاد ایران را تاکنون گرفته است. با این وجود در کشورهای صادرکننده نفت علیرغم وابستگی یک سوم تا دو سوم اقتصادشان به این اندوخته ی طبیعی، روند وابستگی به دلارهای نفتی گام به گام رو به کاهش است⁽¹⁵⁰⁾ به نظر می رسد که این دگرگونی در ایران شتاب کثرتی از دیگر کشورهای نفتخیز دارد و در این میان جنگ و نابسامانی های اقتصادی و سیاسی از انگیزه های آن بوده است.

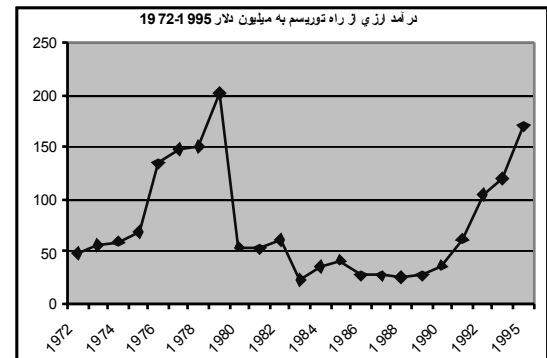
نمودار 70 - بخش های مهم تامین درآمد پس از 1977



سندجش جزئیات درآمدهای مالیاتی میان سال های 1977 و 1999 پاره ای از ویژگی های دوران حکومت اسلامی را در مقایسه با دوران شاه نمایش می دهد در بودجه ی عمومی دولت در رده بندی سهم مالیات بر شرکتها، مالیات بر واردات،

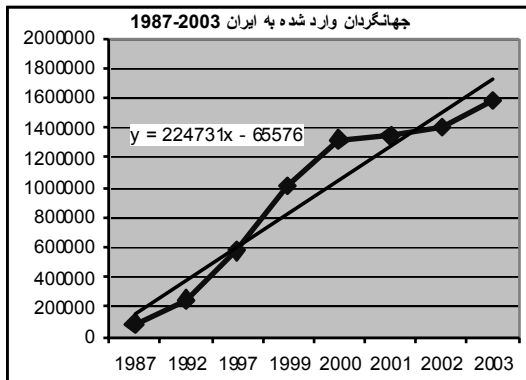
زیادی کره و موفقیت هایی داشته اند در این میان درآمد ترکیه از محل توریسم در سال 2003 به مرز 10 میلیارد دلار رسیده بود.⁽⁵¹⁾ رفت و آمد توریست ها میان دو کشور نیز نشان می داد که سالانه 500 هزار ایرانی به ترکیه سفر می کردند در حالی تنها 20 هزار ترک به ایران می آمدند.⁽⁵²⁾ در ایران به دلیل واپس گرایی مذهبی و ترس از حضور جهانگردان با پوشش غیراسلامی و نیز وجود ناهنجاری های برنامه ریزی و مدیریتی، کار چندان در این زمینه صورت نگرفته است در بودجه دولتی سهم هزینه ها در امور جهانگردی تنها 2.1 درصد بود کاهش درآمدها در این پهنه پس از انقلاب برجستگی داشت در فاصله ی سال های 1979 تا 1983 درآمدهای جهانگردی از نزدیک به 200 میلیون دلار به 22.6 میلیون دلار کاهش یافت و تازه پس از فروپاشی بلوک شرق و بویژه فراهم شدن زمینه ی بیشتر برای ارتباط با کشورهای تازه تأسیس آسیای میانی، که پیوند های تاریخی و کهنسالی با ایران دارند، درآمدها در این زمینه گام به گام افزایشی نشان داد.

نمودار 72 - درآمد ارزی از راه توریسم به میلیون دلار



بویژه در سالهای 1987 تا 2003 ورود جهانگردان به ایران، البته به کندی، رو به افزایش بود در فاصله ی این سال ها میزان جهانگردان وارد شده از میزان 85801 نفر به 1.6 میلیون افزایش یافت با این وجود ایران در زمینه ی درآمدهای جهانگردی از دیگر کشورهای باستانی مانند مصر و یونان و چین و هند فاصله ی فرسنگی داشت. برای نمونه هندوستان در دهه ی پایانی سده ی 20 نزدیک به 7 میلیارد دلار درآمد داشت و برای درآمدی برابر 10 میلیارد دلار برنامه ریزی می کرد در حالی که درآمد ایران از این محل در سال 1995 نزدیک به 200 میلیون دلار، یعنی تنها نزدیک به 3٪ آن کشور بود.⁽⁵³⁾

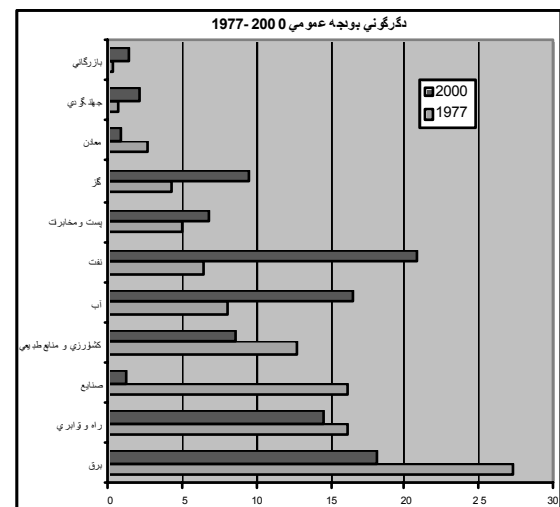
نمودار 73 - جهانگردان وارد شده به ایران



در بافت هزینه ها نیز پاره ای دگرگونی ها را می توان مشاهده کرد. مقایسه ی سرمایه گذاری ها در بخش های گوناگون بودجه ی عمومی دولت، توجه به بزرگی ها را در سال های 1977 و 2000 به نمایش در می آورد در بودجه ی سال 1977 اولویت های نخست به بخش برق، راه و ترابری، صنایع و کشاورزی تعلق داشتند اولویت بودجه ی دولتی در سال 2000 نخست به بخش نفت که بخش مهمی از

تأسیسات آن در سال های پس از جنگ ایران و عراق گزند دیده بود و سپس آب و برق، ناه شد. بیشترین افزایش سهم را در این سال می توان در بخش های بازرگانی و جهانگردی و نفت و گاز دید بی توجهی به صنایع داخلی، در کاهش چشمگیر سرمایه گذاری در این بخش نمود پیدا می کند.

نمودار 74 - دگرگونی در بودجه عمومی



از دیدگاه دیگری نیز می توان مقایسه ای میان دو درش تاریخی پیش و پس از روی کارآمدن حکومت اسلامی در ایران عرضه کرد. اولویت پرداخت های بودجه ی عمومی در دوران شاه در سال 1977، در درجه ی نخست به امور دفاعی و سپس به امور اقتصادی و اجتماعی تعلق داشت. در سال 1999 اما امور اجتماعی جای نخست و سپس امور اقتصادی جایگاه بالایی را به خود اختصاص دادند در مورد

پرداخت های دولت جمهوری اسلامی در امور اجتماعی که نسبت به پیش افزایشی نشان می دهد، ناروشنی هایی وجود دارد. نخست اینکه می بایست بخشی از آن به نهادهایی ناکارآمد که خود غول های اقتصادی هستند، مانند بنیاد مستضعفان و غیره تخصیص یافته باشد و دوم اینکه می توان گمان برد که بخشی از بودجه ی امور اجتماعی به صورت غیرمستقیم به جیب همکاران و همپاران رژیم اسلامی و خانواده های آنان، تنها زیر نام کمک به خانواده ی شهدا و معلولین جنگ و دیگر نزدیکان رژیم صورت گرفته باشد. اینان بخشی از مزدبگیران و هسته ی مرکزی نیروهای سرکوب بر علیه جریان دگراندیش را تشکیل می دهند.⁽⁵⁴⁾ کاهش بودجه ی عمومی در بخش اقتصادی چشمگیر و نزدیک به 25 درصد بود که نگراره ی دیگری از سرمایه گذاری محدود برای نوسازی اقتصاد ایران پس از سال 1977 را به نمایش می گذاشت.

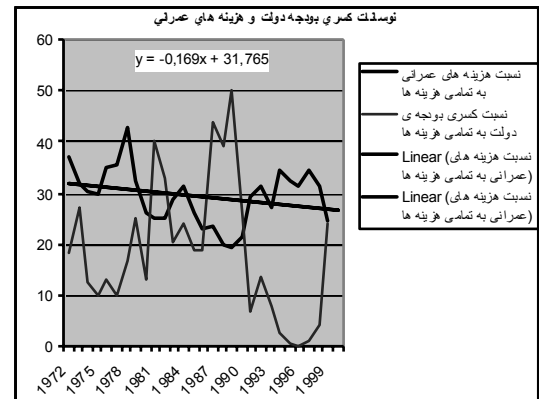
نمودار 75 - پرداخت های بودجه عمومی



نگاهی به نوسانات هزینه های عمرانی و کسری بودجه دولت میان سال های 1972 تا 1998 نشان دهنده ی افزایش کلی هزینه های عمرانی در سال های پیش از

حکومت اسلامی و روند رو به کاهش آن پس از آن است در این زمینه بویژه در سال 1988 هزینه های عمرانی دولت بسیار کاهش یافت و به کمترین میزان خود رسید دولت ایران چه پیش و چه پس از روی کار آمدن رژیم اسلامی، تقریباً همواره با کسری بودجه روبرو بوده است. سهم کسری بودجه در مقایسه با تمامی هزینه های دولت، بویژه در سال های پس از سرنگونی شاه، نخست افزایش و با اتخاذ سیاست های کنترلی برای مدت کوتاهی کاهش یافت، ولی پس از آن دوباره به اوج خود در سال 1989 رسید. روند رو به کاهش کسری بودجه که از سال 1990 آغاز شد تا سال 1996 ادامه یافت و با افزایش پرداخت ها در بخش عمرانی، روند کهنه ی کسری بودجه دولت تاکنون ادامه دارد و در کوتاه مدت به نظر نمی رسد که در آن دگرگونی چشمگیری رخ دهد⁽¹⁵⁵⁾

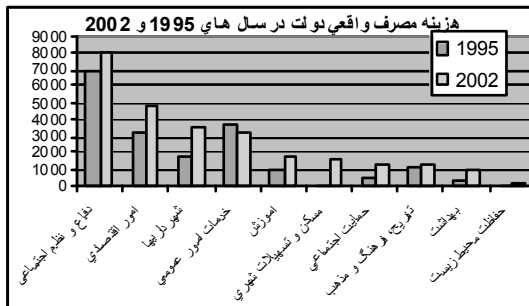
نمودار 76 - نوسانات کسری بودجه دولت و هزینه های عمرانی



کاهش در هزینه های مصرف واقعی در سال های 1995 تا 2002 خطوط کلی هزینه ها را روشن تر می کند به این ترتیب در سال 2002 نخستین مقام را در

هزینه ها، امور دفاعی و نظم اجتماعی و سپس امور اقتصادی و شهرداری ها و خدمات امور اجتماعی داشتند اقتصاد ایران پس از 1979 بویژه در دهه ساله ی نخست یک اقتصاد جنگی بود که برآیدهای زین بخشی در پی داشت هزینه های نظامی در جریان جنگ ایران و عراق به اقتصاد هر دو کشور میلیاردها خسارت وارد کرد و ایران برای تهیه ابزار جنگی به قیمت های گزاف به خرید اسلحه از تسلی جهان و از آن دست آمریکا روی آورد⁽¹⁵⁶⁾ عراق نیز در نتیجه جنگ با ایران و سپس دو جنگ بیهوده با آمریکا و انگلستان دچار درهم پاشیدگی اقتصادی شد و بدی خارجی آن به مرز 127 میلیارد دلار رسید⁽¹⁵⁷⁾ توجه ویژه به اموری مانند تقویت گروه های سرکوب بسیج و سپاه و برقراری نظم اجتماعی در سال های مورد ارزیابی، نشان دهنده ی سستی بیشتر پیوند توده ها با رژیم ولایت فقیه و ضرورت بیشتر سرمایه گذاری در این بخش ها پس از تنش های داخلی سیاسی در این سال ها بود. بخش دیگر افزایش هزینه های دولت در بخش دفاعی، به افزایش تنش های سیاسی در منطقه و به امکان بروز دگرگونی های نظامی منطقه ای بازمی گشت که رژیم اسلامی را به سرمایه گذاری در ساخت و در کنار آن به خرید جنگ افزارهای تازه تر و پیچیده تر کشاند⁽¹⁵⁸⁾

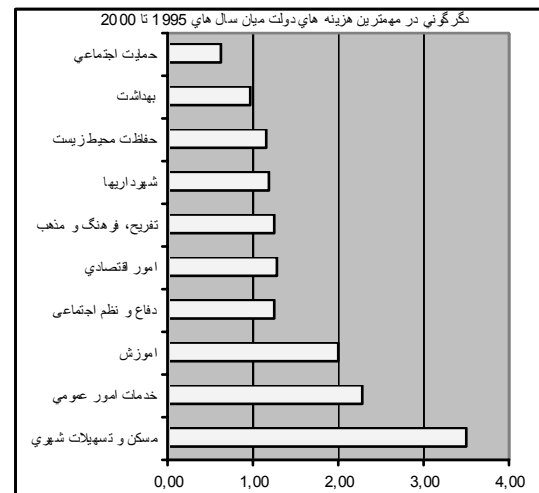
نمودار 77 - هزینه مصرف واقعی دولت



بالا بردن درآمد، نزدیک به دوازده هزار سپاهی بنام "ژاندارم خزانه" پدید آورد تا کارگردآوری مالیات ها را سامان دهد⁽¹⁵⁹⁾ پروسه ی بهره گیری از کارشناسان اقتصادی خارجی در سال های بعد نیز با نوساناتی در ایران ادامه یافت. کاهش دشواری های مالی کشور در یک برش کوتاه تاریخی با افزایش قیمت نفت در بازار جهانی در ارتباط بود چرا که از سال 1972 دریافت های ارزی ایران به شدت افزایش یافت و در پی آن پرداخت های ارزی نیز با برنامه ریزی های رشد اقتصادی تدوین شده در دوران شاه، بالا رفت این برنامه های اقتصادی بر تراز حساب های جاری تأثیر فراوان گذاشت. در آخرین برنامه ی اقتصادی پهلوی دوم، همانا برنامه ی پنجم، هنوز تراز حساب ها مثبت بود و ایران بدهی خارجی نداشت، بلکه وام دهنده به شوروی خارجی نیز بود در دوران جمهوری اسلامی تراز حساب جاری منفی شد و در نتیجه ی آن بدهی خارجی بویژه در سال های جنگ و دوران بازسازی خرابی های جنگ رو به افزایش گذاشت، و سپس کم کم به روند پیشین خود نزدیک شد مهم ترین ویژگی موازنه ی ارزی کشور پس از سرنگونی شاه به افزایش سهم صادرات غیرنفتی باز می گشت. این افزایش اما ناچیز بود و اقتصاد ایران هنوز به گونه ی چشمگیری وابسته به صادرات نفت بود از محل این درآمدها تنها در فصله ی سال های 1980 تا 2003 مجموعاً نزدیک به 360 میلیارد دلار در بخش های گوناگون هزینه شده است، یعنی میانگینی سالانه نزدیک به 16 میلیارد دلار. این در حالی بود که درآمد نفتی ایران تا سال 1972 سالانه زیر 2 میلیارد دلار و برای نمونه در سال 1967 تنها در موز نیم میلیارد دلار قرار داشت⁽¹⁶⁰⁾ بخش مهمی از درآمد نفت از راه سیستم بانکی در سال های جنگ به دولت اختصاص یافت که برای تأمین نیازهای نخستین مردم و هزینه های سنگین جنگ مورد بهره برداری قرار گرفت. پس از پایان جنگ بخشی از درآمد به دست آمده از محل نفت و سایر درآمدهای دولت از همین راه، یعنی سیستم بانکی دولتی، به بخش خصوصی انتقال یافت. انباشت سرمایه در این بخش بسیار چشمگیر و توانایی مالی آن برای ایستادن در برابر سیاست هایی از دولت که منافع آنان را به

افزایش در سهم بخش های گوناگون در هزینه های دولت اما، در این سال ها به سه بخش مسکن و تسهیلات شهری، خدمات امور عمومی و آموزش اختصاص داشت. به این ترتیب در این سال ها پس از بی توجهی طولانی در سال های جنگ ایران و عراق و متأثر از بهبود درآمد های دولت، بویژه از راه صادرات نفت خام، چهره ی شهرها تا حدودی دگرگون شد و تسهیلاتی در اختیار مردم قرار گرفت.

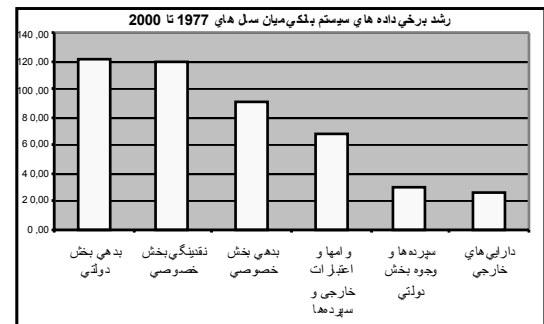
نمودار 78 - دگرگونی در مهم ترین هزینه های دولت



در سده ی گذشته کوشش برای ساماندهی به امور مالی در ایران و رسیدگی به وضع هزینه ها و درآمدها و بودجه عمومی، بویژه به سال 1912 باز می گشت که شوستر امریکائی خزانه دار کل کشور گردید. بدین ترتیب کوشش شد تا آئین کهنه ی مستوفی گری با زمانه از زمان ساسانیان، بر نیازهای زمان انطباق یابد و برای

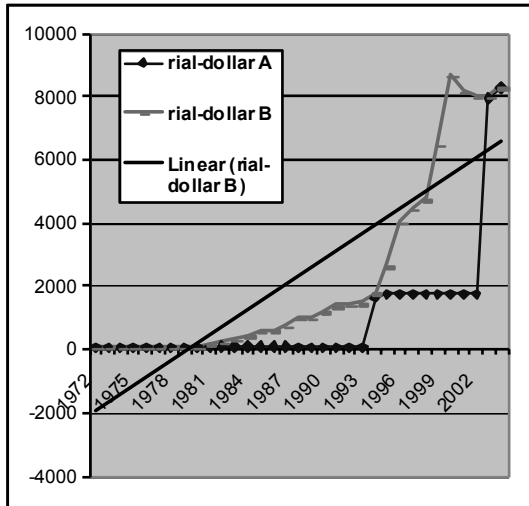
گونه ی خرسند کننده ای با زتاب نمی دهد، رو به افزایش است. دشواری اقتصاد ایران از جمله به جلب پشتیبانی گسترده ی این بخش برای سرمایه گذاری در بخش های تولیدی کشور باز می گردد در این زمینه گام هایی برداشته شده، ولی هنوز تا رسیدن به آماج های مطلوب راه درازی در پیش است.⁽⁶¹⁾ با نگاهی به رشد پاره ای نده های سیستم بانکی می توان به ارزیابی گوشه ای از دگرگونی ها در این زمینه پرداخت. مقایسه سال هلی 1977 با سال 2000 نشان دهنده ی افزایش بدهی بخش دولتی و نیز نقدینی بخش خصوصی به یک میزان است. بدین گونه پس از روی کار آمدن سنت گرایان در این زمینه دگرگونی چندان رخ نده است شتاب افزایش بدهی بخش خصوصی به سیستم بانکی در مقایسه با افزایش نقدینی این بخش اما کمتر است و به این گونه می توان دید که نقدینی بخش خصوصی و توان مالی آن افزایش یافته است. از سوی دیگر دشواری ها و نارسائی های اقتصادی، انزوای سیاسی و نیز جنگ 8 ساله باعث گردید که بر خلاف سال هلی پایانی حکومت شاه، نارایی های خارجی و وام ها و اعتبارات خارجی در مقایسه با دیگر بخش ها چندان افزایشی نداشته باشد.

نمودار 79 - رشد برخی داده های سیستم بانکی

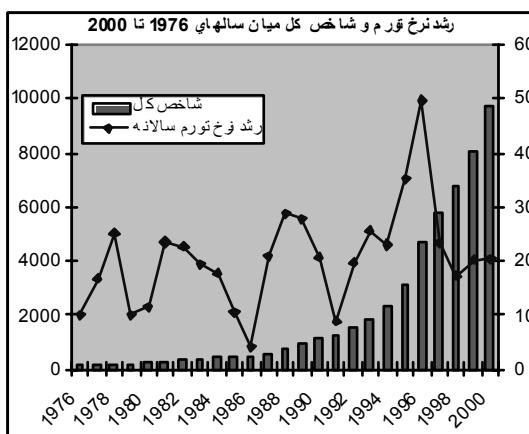


دشواری های موجود بر سر راه بهبود ساختار مالی در ایران از جمله به افزایش سرسام آور قیمت ها باز می گردند. تورم بالا در کنار سیر نابسامانی های اقتصادی در دوران حکومت اسلامی، کار را به آنجا کشاند که ارزش ارز ایران تنها میان سال های 1975 تا 1995، 46 برابر کاهش پیدا کرد.⁽⁶²⁾ دشواری سامان دهی به فرایندهای پولی و ارزی و اعتباری و داد و ستدهای برون مرزی را نمودار زیر تا حدوی آشکار می کند. پس از سال 1979 ارزش ریل در برابر دلار در بازار آزاد با شتاب افزایش یافته بود و تنها پس از سال 2000 از شتاب آن کاسته شد. این روند نرخ دولتی را نیز با تاخیر شامل گردید.

نمودار 80 - دگرگونی های نرخ ریل در برابر دلار



نمودار 81 - نرخ تورم و شاخص کل آن



در 4 نمودار زیر پیوند میان افزایش درآمد های نفتی و همزمان با آن بالا رفتن هزینه های دولتی، افزایش پول در گردش و رشد شتابان نرخ تورم را علیرغم اجرای نرخ گوناگون بهره ی بانکی برای بخش های صنعتی و کشاورزی و بازرگانی، می توان به خوبی دید. برآیند این سیاست پدیدایی "بیمار هلندی" است که در پهنه هایی مانند افزایش واردات، دشواری صادرات کالا های ساخته شده ی داخلی و رشد قیمت ها با زتاب می یابد.⁽⁶⁴⁻⁶⁵⁾ به ویژه این پدیده را در نمودار نرخ تورم میان سال های 1959 تا 2003 پس از افزایش بهای نفت در بازار جهانی، میتوان به خوبی مشاهده کرد. تفاوت بزرگ میان سال های 1972 تا 1979 (دوران شاه) و سال های میان 1980 تا 2003 (دوران جمهوری اسلامی) در کاهش بی سابقه نرخ برابری ارز، بازتابی است از تنش های داخلی و خارجی، ناتوانی اقتصادی، بی توجهی به بخش صنعتی و رشد شتابان بازرگانی انگلی.

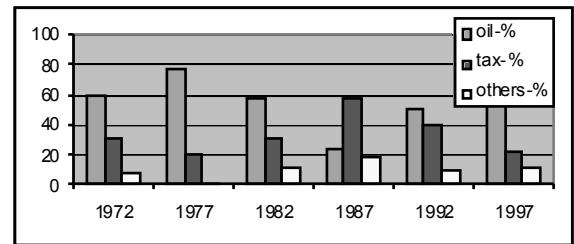
نرخ بالای تورم به صاحبان سرمایه امکان داد تا آسان تر و سریع تر به نارایی های بالا دست یابند و از شرکت در کار های تولیدی تا حدود زیادی دست بکشند. روی آوری به امور بازرگانی و خدمات و نیز بخش ساختمانی از جمله پیلد های آن بود.

پایدار شدن تورم در ایران به بالا رفتن نرخ بهره در نظام بانکی برای جلب سپرده ها انجامید، اما این نیز مؤثر نبود، چرا که نرخ تورم بیش از سود بانک ها بود. افزایش بهره ی بانکی به زیان بخش تولیدی بود، چرا که این بخش توانایی پرداخت نرخ بالای وام های دریافتی از سیستم بانکی را نداشت.

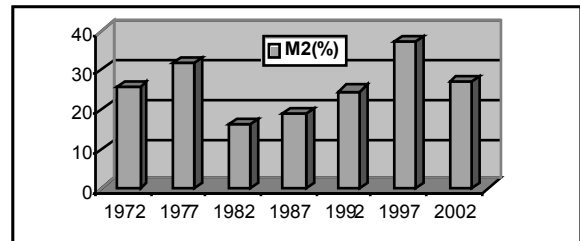
این فرایند دولت را به پرداخت یارانه به این بخش وادار کرد ولی این سیاست نیز به اهداف مورد نظر خود نرسید، چرا که وامهای ارزان در اختیار گذاشته شده به شیوه های گوناگون از بخش های تولیدی خارج شده و به بخش های سود آور بازرگانی و واسطه گری انتقال می یافت. جلوگیری از تورم یکی از نیاز های فوری و ضرور روند نوسازی اقتصادی ایران است. در پاره ای بریش ها در این زمینه گام هلی به پیش برداشته شد و برنامه هلی نیز به اجرا درآمد اما کارایی و پیگیری لازم در آن به چشم نمی خورد. بخشی از آن به سیاست های انبساطی دولت و افزایش بی رویه ی میزان نقدینی در ارتباط بود. بدین گونه که برای نمونه در دو دهه میزان نقدینی 1400 برابر و سطح قیمتتها 190 برابر شد. بخشی از این روند برآیند دریافت های گسترده ی دولت و بدهی های بی مرز در برابر بانک مرکزی بود.⁽⁶³⁾

در این میان می توان رشد نرخ تورم در ایران به بررسی گرفت در میان سال های 1976 تا 1992 رشد شاخص کل رو به افزایش بود و پس از آن این افزایش روندی شتابان به خود گرفت. رشد نرخ تورم در بیشتر سال ها بیش از ده درصد بود و در سال 1996 حتی به مرز 50 درصد رسید. از سال 1998 با اتخاذ سیاست های ضد تورمی با تثبیت و کاهش نرخ تورم روپرو بودیم ولی تاثیر گذاری آن ناچیز بود.

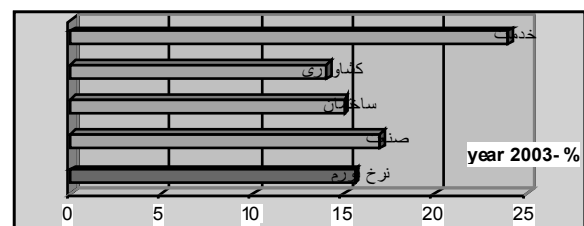
نمودار 82 - رابطه‌ی درآمدهای مالیاتی و نفت و دیگر بخش‌ها



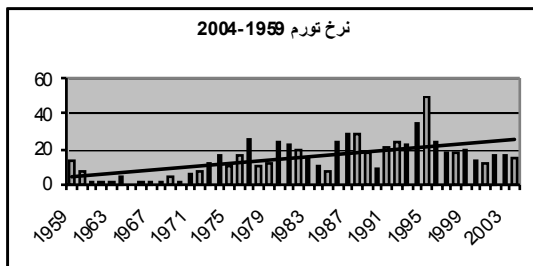
نمودار 83 - پول در گردش در سال‌های برگزیده



نمودار 84 - بهره بانکی در سال 2003



نمودار 85 - بازتاب بیماری‌های هلدنی در اقتصاد ایران

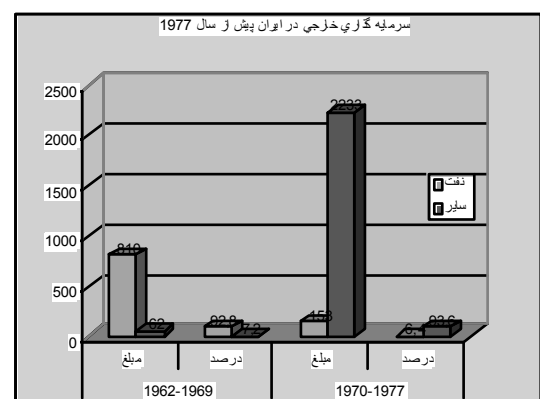


کمبود منابع مالی برلی سرمایه‌گذاری در بخش‌های کلیدی اقتصادی تا پیش از افزایش چشمگیر بهای نفت در دوره‌ی شاه، یکی از عوامل بازدارنده‌ی رشد صنعتی و چیرگی بر واپس ماندگی اقتصادی در ایران بود با بالا رفتن درآمد ایران در دهه‌ی هفتاد میلادی، دولت در کنار سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در داخل، از آنجا که توانایی جذب دلارهای نفتی را در مدت زمان کوتاهی نداشت، به صدور سرمایه و خرید سهام پاره‌ای از شرکت‌های خارجی روی آورد⁽⁶⁶⁾ با این همه سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیز در ایران شتاب یافت و از میزان 810 میلیون دلار به بیش از 2 میلیارد دلار رسید. آنچه در این زمینه قابل توجه می‌نمود، افزایش گام به گام سهم سرمایه‌گذاری‌ها در بخش‌های غیر نفتی بود در دوران نخست ارزیابی یعنی سال‌های میان 1962 تا 1969، 92.8 درصد سرمایه‌گذاری‌ها در بخش نفتی و تنها 7.2 درصد آن به دیگر بخش‌ها اختصاص داشت. در هفت ساله‌ی 1970-1977 این نسبت به سوی سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیر نفتی تغییر مثبت کرد و از مجموع 2386 میلیون دلار مجموع سرمایه‌گذاری‌ها 2233 میلیون دلار هفتاد و نه درصد در بخش غیر نفتی بود انگیزه‌ی سرمایه‌گذاری‌ها در ایران چه در گذشته و چه اینک نه ایجاد اشتغال و تولید کالا برای صادرات از ایران به کشورهای دیگر با استفاده از نیروی کار ارزان، مانند سرمایه‌گذاری در

اروپا بویژه نیویورک و ژنو و لندن سرمایه‌گذاری شد و از سوی دیگر برای نمونه در همین سال آمریکا 7.8 میلیارد دلار در منطقه‌ی جنوبی خلیج فارس سرمایه‌گذاری مستقیم کرد از 1.2 تریلیون دلار سرمایه‌ی بخش خصوصی در کشورهای خلیج فارس 700 میلیارد دلار سرمایه متعلق به 85 هزار سعودی، 266 میلیارد دلار متعلق به 60 هزار اماراتی، 163 میلیارد دلار متعلق به 40 هزار کویتی و 65 میلیارد دلار متعلق به 15 هزار سرمایه‌دار از کشورهای قطر و عمان و بحرین بود⁽⁶⁸⁾ جالب توجه اینکه ایران با وجود این تقدیمی بالای کشورهای همسایه و پیوندهای بریده‌ی تاریخی با آنان، در زمینه‌ی سرمایه‌گذاری و پوشش این بازارها و عرضه‌ی کلاه‌های ایرانی اقدام جدی صورت نداد در این راستا این کشورها بیشتر نقش واسطه‌ی وارداتی به خود گرفتند و کالاهایی از آمریکا و اروپا و دیگر گوشه‌های جهان را به بازار مصرف داخلی تزریق کردند تنها از سال‌های 2000 به بعد گرایش برای سرمایه‌گذاری‌های متقابل به صورت محدود دیده شد برای نمونه میزان سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران در طول 10 ماهه در سال 2003 به یک میلیارد دلار رسید و این در حالی بود که سرمایه‌گذاری خارجی در کشور در فاصله ده ساله‌ی 1993 تا 2003 در 164 طرح، تنها 3.8 میلیارد دلار بالغ شد و در این پهنه بخشی از آن به سرمایه‌گذاری‌های کشورهای همسایه باز می‌گشت⁽⁶⁹⁾ در کنار سرمایه‌ی 1.2 تریلیونی کشورهای عربی همسایه، که بخشی از آن متعلق به ایرانیان مقیم این کشورهاست، می‌بایست به سرمایه‌ی ایرانیان خارج از کشور که به مرز 800 میلیارد دلار تخمین زده می‌شود نیز اشاره کرد که در صورت وجود شرایط مناسب و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری، می‌توانند امکانات بالقوه خوبی برای بخش‌های گوناگون اقتصاد ایران فراهم کنند⁽⁷⁰⁾ با نگاهی به سرمایه‌گذاری خارجی میان سال‌های 1994 تا 2001 می‌توان روند مثبت رشد سرمایه‌گذاری‌ها پس از سال 2000 را تکریم‌تندش‌های سیاسی داخلی و خارجی و قتل‌های هنوز نارسا برای جنب سرمایه‌های خارجی، کار را به آنجا کشاند که بخش مهم این سرمایه‌ها نه به صورت مستقیم،

کشورهایی چون کره جنوبی و چین، بلکه هدف نخست، دستیابی به بازارهای داخلی ایران و به دست آوردن موقعیت برتر در رقابت با دیگر صل‌رکنندگان کالا به ایران است برای نمونه کشور ایران میان سال‌های 1973 تا 1976 با بالا رفتن قیمت نفت به "بازار خرید" بسیار خوبی برای فروش کالاهای خارجی تبدیل شده بود⁽⁶⁷⁾

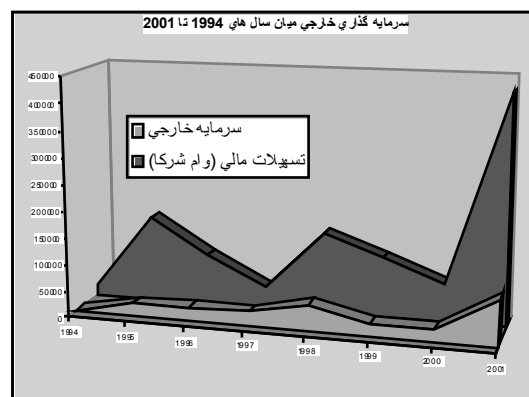
نمودار 86 - سرمایه‌گذاری خارجی در ایران پیش از سال 1977



پس از سرنگونی شاه سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران کاهش یافت و پس از پایان جنگ گام به گام حضور سرمایه‌داران خارجی در بازار ایران به کندی آغاز شد. کاهش سرمایه‌گذاری‌ها پس از روی کار آمدن حکومت اسلامی بویژه از سوی کشور آمریکا بود با بحرانی شدن روابط ایران با آمریکا مناسبات اقتصادی با دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس افزایش یافت گسترش مناسبات آمریکا و کشورهای عربی نوجانبه بود، بدین گونه که از سویی از 1.2 تریلیون دلار سرمایه‌ی متعلق به 200 هزار سرمایه‌دار عرب در سال 2001 بخش عمده‌اش در آمریکا و

بلکه تنها به شکل تسهیلات مالی و وام در اختیار شرکا داخلی قرار داده شد. برای نمونه سهم سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران در سال 2001 تنها 16.7 درصد از همه ی تسهیلات خارجی بود، در حالی که 83.6 درصد آن به صورت وام در اختیار شرکاء داخلی قرار گرفته بود که این خود ریسک بالایی سرمایه گذاری در بازار ایران در سنجش با کشورهای سرمایه پذیر جهان را با زتاب می نهد.

نمودار 87 - سرمایه گذاری خارجی میان سال های 1994 تا 2001



در سال های پس از 2000 از سوی سازمان همکاری اقتصاد و توسعه (OECD) میزان ریسک سرمایه گذاری در ایران از رتبه ی چهار به 3 کاهش یافت و باید انتظار داشت که در صورت عدم بروز تشنجات سیاسی، روند افزایش سرمایه گذاری در ایران، شتاب بیشتری یابد.⁽⁷¹⁾ مؤسسه رتبه بندی "فیچ" در انگلستان نیز که یک مؤسسه رتبه بندی مالی جهانی است، چشم انداز تعهدات ارزی بلند مدت و تعهدات ریالی کوتاه مدت را از "B" که نشانه هنده ی وضع مالی با ثبات است به "A" ارتقا داد.⁽⁷²⁾ این تغییر موقعیت به بالا رفتن درآمد ملی نفتی و بوجود آمدن

مازاد حساب جاری مستمر و انباشت بیشتر ذخایر ارزی در نتیجه افزایش استخراج و صادرات نفت و نیز به بالا رفتن قیمت آن در بازار جهانی باز می گشت. آنچه که از دادن رتبه ی باز هم بهتری به ایران جلوگیری می کرد، از جمله باروشن نبودن برنامه های اقتصادی و درگیری های پیرامون آن و نیز با وضع ناروشن حساب ذخیره ارزی در پیوند بود افزایش برداشت از این صندوق در طول سال 2004 حتی اعتراض مجلس اسلامی را برانگیخت و نمایندگان دستگاه زمامداری نیز خواستار کاهش برداشت های دولتی بی رویه و افزایش سرمایه گذاری در بخش های کارزا و تولیدی شدند.⁽⁷³⁾

ارزش واحد پول ملی نوسان چندانی دیده نشد که آن را می توان با میزان بالای سرمایه گذاری ها در بخش صنعتی، رشد شتابان اقتصادی و نبود تنش های خارجی در پیوند دانست. پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی، سیاست تزریق منابع مالی همانند دهه ی 70 میلادی به تورم دو رقمی انجامید، ولی در کنار آن از جمله به دلیل کاهش سرمایه گذاری های دولتی و خصوصی، کاهش رشد اقتصادی و افزایش تنش های خارجی، بر خلاف سال های پیش از 1979 ارزش ریال نیز به شدت کاهش یافت.

نبود نظارت و کنترل حساب شده در حجم تزریق منابع مالی از بخش نفت و گاز به کل اقتصاد و نارسایی در چگونگی به کارگیری آن در بخش های گوناگون اقتصادی را، می توان برای نمونه در پیاده نشدن بندهای پیش بینی شده در قانون اساسی در مورد درآمدهای نفتی، اختیارات گسترده ی ارگان های دولتی و نیمه دولتی در هزینه کردن این درآمدها، سیاست عملاً غیر مستقل بانک مرکزی و نیز برداشت های بی در پی و بدون برنامه از حساب ذخیره ی ارزی برجسته کرد. در مورد عدم کنترل قانونی در این پهنه های مالی، حتی مجلس دست پرورده ی اسلامی نیز به وسیله ی اعتراضات پاره ای از نمایندگان واکنش نشان داد. پیرامون اختیارات بانک مرکزی و سیاست های آن داده های روشنی مبنی بر عدم استقلال آن در دسترس است که خود را در رسانه های گروهی نیمه سانسور کشور نیز بازتاب می دهد. در مورد میزان تأثیر صندوق ذخیره ی ارزی بر روند بهبود اقتصادی، نخست باید گفت که این صندوق نسبتاً تازه ایجاد شده، و به همین خاطر تأثیرات آن هنوز برش زمانی درازی را نمی پوشاند. دوم اینکه این صندوق تنها بخشی از منابع مالی نفتی را در بر می گیرد افزون بر آن باید دانست که از راه های گوناگون برداشت های غیر قابل پیش بینی از آن در نظر گرفته شده، که عملاً آن را از آماج خود همانا ایجاد انباشته برای روزهای دشوار اقتصادی، مقابله با بحران های بازار نفتی و کاهش ضربه پذیری و وابستگی اقتصادی به سرچشمه های زیرزمینی و خروج از اقتصاد تک محصولی، نور می کند.

دگرگونی در سیاست های مالی پیش زمینه ی رشد پایدار

دشواری بزرگ اقتصادی ایران در یک صد سال پیش و بویژه در چند دهه ی گذشته را می توان در سیمای تزریق منابع مالی از بخش نفت و گاز به بخشهای گوناگون دولتی، نیمه دولتی و خصوصی آشکارا دید. سیاست انبساطی مالی که بویژه پس از افزایش بهای نفت در بازار جهانی از سال 1973 چشمگیر شد، به افزایش پول در گردش و تورم فزاینده انجامید میان سیاست تزریق انباشته های مالی-نفتی به اقتصادی داخلی و ناکارایی و کم سود دهی بخش های دولتی و نیمه دولتی و خصوصی در همه پهنه های صنعتی و کشاورزی و خدماتی پیوسته دو سویه دیده می شود. اگر ورود منابع مالی از بخش نفت و گاز به بخش های اقتصادی، آنان را وابسته به این درآمدها کرده و از کوشش واحدهای اقتصادی برای بهبود سطح بازدهی کار و سوددهی می کاهد، از سوی دیگر دستگاه بوروکراتیک گسترده و ناکارآمد دولتی و نیمه دولتی و ساختار کم و بیش انحصاری و انگلی بخش خصوصی صنعتی، چنان ساخته و هف گیری شده اند که بدون درآمدهای بالای نفت و گاز صادراتی توان ادامه ی زندگی را ندارند تزریق منابع مالی به اقتصاد نه تنها تورم بلکه کاهش ارزش ریل را در بازار پول جهانی نیز می تواند در پی داشته باشد در دهه ی 70 میلادی تا سال 1979 در پیش گرفتن سیاست بالا، تورم دو رقمی را در پی داشت، بویژه در پاره ای سال ها، در زمینه ی

سیاست تزریق منابع مالی نفتی و گازی به اقتصاد نه تنها از کوشش واحدهای گوناگون اقتصادی برای بالا بردن سطح سوددهی، یا از میان برلشتن زیان دهی و جلوگیری از ورشکستگی واحدهای اقتصادی می‌کاهد، بلکه درآمدهای مالیاتی دولت را به گونه ای غیر مستقیم کاهش می‌دهد سهم مالیات هادرآمدهای دولت پس از سال 1979 دگرگونی چشمگیری نداشته است. گوشه ای از مالیات های دریافتی از بخش های دولتی و نیمه دولتی، از آن جا که به واحدهای آنان منابع مالی نفتی و گازی تزریق شده، در حقیقت امر مالیات برگرفته از ارزش افزوده نیستند، بلکه دریافت غیر مستقیم دلارهای نفتی و گازی هستند در مورد بخش خصوصی وضع ناروشن و میران دریافت مالیات ها کمتر است، اما با اطمینان می توان گفت که حجم مالیات پراختی از سوی بخش خصوصی به دولت در مقایسه ی بین المللی می تواند بسیار کم باشد این امر را برای نمونه می شود در چگونگی افزایش نسبی دریافت های مالیاتی دولت در چند سال گذشته دید در این راستا بیشتر مالیات ها از راه فروش و مصرف کالاها در بازار دست آمده و کتر از محل مالیات شرکت ها، به حساب دولت پولی وارین شده است. این وابستگی، بویژه در شرایط افزایش در آمد هلی نفتی، چه از راه افزایش استخراج و صادرات و چه از ره بالا رفتن بهای نفت و گاز در بازار جهانی، تاثیر منفی بر کوشش بخشی از زمامداری برای اجرای سیاست های جایگزینی می‌کارد.

سیاست تزریق منابع مالی نفت و گاز در کنار نبود برنامه ریزی های کارآمد صنعتی نه تنها در بخش درآمدها، بلکه در بخش هزینه های دولتی و نیمه دولتی و به گونه غیر مستقیم بخش خصوصی نیز با زتاب منفی خود را نمایان می‌کند پیش از سال 1979 بخش بزرگی از منابع نفتی در صنایع بویژه صنایع بزرگ سرمایه بر هزینه شد.

با روی کار آمدن جمهوری اسلامی گرایش عمده اما به سوی سرمایه گذاری های بخش های غیر صنعتی بود. برای نمونه در پاره ای سال ها بیشترین افزایش هزینه های دولتی را می شد در بخش ساختن تسهیلات شهری و خدمات عمومی و غیره

کشورها و چه در پهنه اتحادیه های اقتصادی - مانند بازار مشترک اروپا - به چشم می‌خورد، در ایران روند کلی در سویی مخالف است.

برآیند این پیچیدگی ارگان های تصمیم گیرنده و وزن سنگین نمایندگان بورژوازی بازرگانی در آن این است که، دولت و نهادهای همتا و ناهمتای آن با ساختار کنونی، نه تنها به ابزاری برای جابجایی سرمایه ها از خارج به داخل کشور و انتقال سرمایه های داخلی از بخش بازرگانی به بخش صنعت و تولید تبدیل نمی شوند، بلکه این پیکره، خود به یک دستگاه بزرگ پشتیبان بخش بازرگانی و آن هم بخش انگلی اش و در نتیجه به یک ارگان تورم زا فرامی‌رود. در این چارچوب اقدامات ناپیگیرانه ای مانند بالا بردن مالیات ها، دگرگونی در چگونگی و لگناری امتیازات بانکی، کنترل قیمت ها، نظارت بر توزیع و تقویت تعاونی ها که آماج اش ظاهراً کاهش سود در بخش بازرگانی است، نمی توانند به نتیجه دلخواه برسند و برآیند اینکه، علیرغم همه ای این ادعاها، جابجایی سرمایه ها از بخش صنعتی به بخش بازرگانی هر روز ژرفای بیشتری می‌یابد. برلی نمونه نظام بانکی دولتی که با گردآوری سپرده ها و پشتوانه ای مالی دلارهای نفتی، از امکانت پولی زیادی برخوردار بود، به جای سمت دهی اعتبارات به بخش صنعتی، به تامین کننده ی بزرگ اعتبارات بانکی برای بخش خصوصی که بیشتر در امور بازرگانی فعالیت می کرد، تبدیل شد اعتبارات دریافتی این بخش از نظام بانکی که بیش از بخش دولتی نیز بود، برای نمونه در سال 2002 به رقمی نزدیک به 38 میلیارد ریال رسید با زتاب این سیاست، افزایش شتابان نقدیگی بخش خصوصی و رسیدن آن به مرز 61 هزار میلیارد ریال بود.

در پیش گرفتن این سیاست ها افزایش کسری بودجه دولتی را در پی داشت که در پایه ای دله های آماری و گزارش های رسانه های گروهی هنوز هم رو به رشد است بیهوده نیست که برای پرکردن صندوق خالی دولت، هر از چندی برداشت های ویژه ای از صندوق ذخیره ای ارزی به تصویب مجلس می رسد و به اجرا در می آید.

آشکار کرد. در بخش صنعتی، درصد سرمایه گذاری ها کم بود از سوی دیگر تزریق دلارهای نفتی از راه یارانه ها به بخش های گوناگون اقتصادی نیز، هدفمند صورت گرفت. در کنار آن هزینه های آشکار و پنهان نهادها و کمیته ها و ارگان های نیمه دولتی نیز گرو هی از هزینه ها بودند که به طور عمده از راه منابع نفتی و گاز تامین شده و از آن جا که ارزش افزوده ی چندان ای ایجاد نکردند، تورم زا می‌بودند. هزینه ی نهادها و کمیته های وابسته به دستگاه ولایت فقیه و بنیاد های نیمه دولتی، بنا به دله های غیر رسمی بسیار چشمگیر بوده و هست.

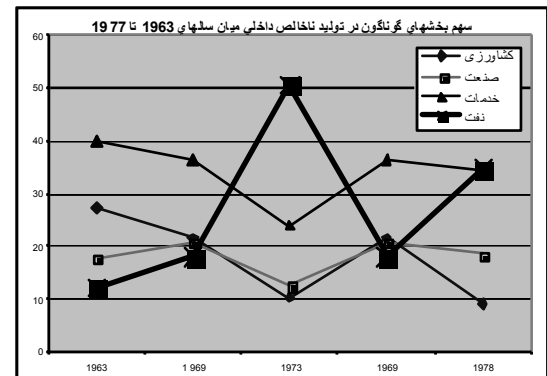
افزون بر عواملی مانند تورم و کاهش نرخ ارز و ساختار ناهنجار درآمدها و هزینه های دولتی و نیمه دولتی، انگیزه های چندی توازن مالی حساب های ایران را تحت تاثیر منفی قرار می‌دهد نخست اینکه سرمایه گذاری خارجی بنا به دلایل اقتصادی و سیاسی در اقتصاد داخلی یا صورت نمی‌گیرد و یا تنها در آن رشته هایی تحقق می‌یابد که نمی توانند به بیرون آمدن کشور از اقتصاد تک محصولی کمک شایانی کنند این دشواری حتی در بخش نفت و گاز نیز موجود است و بی جا نیست که برای افزایش استخراج و صادرات نفت، به قراردادهای نوینی به نام « بیع متقابل » روی آورده اند افزون بر آن از آن جا که سیاست های اقتصادی ناپایدار و غیر هدفمند هستند، میزان خروج سرمایه از کشور، بویژه در پاره ای از برش های زمانی و تنش هلی سیاسی، چشمگیر است. بخشی از این سرمایه های گریزان در کشورهای جنوب خلیج فارس هزینه شده اند در پیدایش ناپایداری های سیاست اقتصادی، افزون بر عوامل پیچیده ی سیاسی و اجتماعی، شمار زید ارگان های تصمیم گیرنده ی اقتصادی نیز نقش بازی می‌کنند و بدین گونه از تمرکز و یکپارچگی برنامه ریزی های بخش دولتی و نیمه دولتی کاسته می شود در کنار دولت و مجلس ارگان هایی مانند شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت و غیره عملارپروسی اتخاذ تصمیم گیری ها را دراز می‌کنند لگر در کشورهای پیشرفته و صنعتی سرمایه ناری، گرایش برای کاهش دستگاه بوروکراتیک و افزایش کارایی ارگان های تصمیم گیری از ره درهم آمیزی یگان های همانند، چه در پهنه ی

درباره ی برخی فرایندها

در این بند سه بخش اقتصاد ایران شامل صنایع و معادن، کشاورزی و خدمات بررسی می شوند در بخش صنایع و معادن به ارزیابی صنایع نفت نپرداخته ایم، چرا که به دلیل اهمیت و گستردگی آن برای مجموع اقتصاد ایران جداگانه عرضه شده است. پیش از پرداختن به این سه بخش به تولید ناخالص داخلی ایران و دگرگونی ها و عوامل مؤثر در آن می پردازیم. بر پایه ای دله هلی مرکز آمار ایران، محصول ناخالص داخلی به قیمت ثابت 1977 تا سال 1982 روندی نزولی داشت و سپس گام به گام رو به افزایش نهاد. تولید ناخالص سرانه لسا تا اوایل دهه 90 با شتاب رو به کاهش بود و از 334 میلیون ریال در سال 1977 در دوران شاه به 192 میلیون ریال در سال 1991، همانا نزدیک به 60 درصد کاهش یافت و پس از آن نیز تا سال 2000 تنها به 254.8 میلیون ریال رسید، همانا 25 درصد کمتر از سال 1977. پس از گذشت از بحران دهه ی هشتاد و درگیری های همراه آن، بهبود نسبی بدست آمد و رشد اقتصادی ایران برای نمونه در سال 1992 به 6% رسید که دسته کم در خورمیان بر جسته بود.⁽⁷⁴⁾ نوسانات سهم نفت در تولید ناخالص داخلی در سال های 1963 تا 1978 پیش از انقلاب، بیانگر آن بود که با افزایش قیمت نفت در بازار جهانی به سهم این بخش با شتاب افزوده شد و به عامل تعیین کننده تر در اقتصاد ایران فراروید. اگر در سل 1963 نفت تنها سهم 12.3

درصدی در تولید ناخالص داخلی داشت، این سهم سال 1978 به 34.7 درصد رسید، همانا رشدی نزدیک به 3 برابر، و در سال 1973 حتی این سهم 50.6 درصد بود بخش صنعت با افزایش سهم از میزان 17.8 درصد به 18.5 درصد روبرو گردید و در پاره ای سال ها به 20.7 درصد نیز رسید. سهم بخش خدمات اما در این برش رونق کاهشی داشت و از میزان 40 درصد به 34.6 درصد و در پاره ای سال ها حتی به 23.9 درصد نزدیک شد که بازتابی بود از سرمایه گذاری ها در بخش صنعت. بی توجهی به بخش کشاورزی را می توان در کاهش چشمگیر سهم این بخش در تولید ناخالص داخلی دید که در این فاصله از میزان 27.4 درصد به تنها 9.2 درصد همانا نزدیک به یک سوم سهم پیشین خود نزول کرد. بازتاب این بی توجهی به بخش کشاورزی، در تفاوت زیاد درآمد سرانه شهرنشینان و روستائینان نیز دیده می شد برای نمونه در سال 1978-1977 درآمد سالانه شهرنشینان 2100 دلار بود، در حالی که روستاییان تنها نزدیک به یک سوم درآمد آنان را در اختیار داشتند.⁽⁷⁵⁾

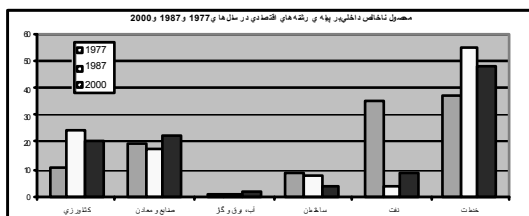
نمودار 88 - سهم بخش های گوناگون در تولید ناخالص داخلی



در سنجش سال های 1977 و 1987 و 2000 می توان به پاره ای دگرگونی ها در تولید ناخالص داخلی ایران پی برد. در فاصله ی ده ساله ی میان 1977 و 1987 که با جنگ و نابسامانی های اقتصادی و اجتماعی جدی روبرو بودیم، نقش نفت در تولید ناخالص داخلی به شدت کاهش یافت و در کنار آن سهم بخش های صنایع و معادن و ساختمان نیز کاسته شد، ولی به ویژه به سهم بخش کشاورزی و در کنار آن بخش خدمات افزوده گردید. این دگرگونی از جمله بازتابی بود از گرایش به اقتصاد بسته ی داخلی بویژه در بخش کشاورزی، نابودی یا آسیب به بخش بزرگی از صنایع در دوران جنگ، بی برنامگی و ندرانی در مدیریت اقتصادی، تحریم های خارجی، از دست دادن بخشی از بازارهای نفتی و رشد واسطه گری وضع نابسامان اقتصادی را می توان از جمله در رشد منفی تولید ناخالص داخلی به میزان 8٪ در سال 1986 مشاهده کرد.⁽⁷⁶⁾

در بخش های نفت و صنایع و معادن و آب و برق و گاز با افزایش سهم و در سه بخش کشاورزی و خدمات و ساختمان با کاهش سهم در تولید ناخالص داخلی روبرو می شویم که بویژه نشانگر بازسازی تأسیسات نفتی، افزایش استخراج و صادرات نفت در مناطق نفتخیز ایران در مرز عراق، بلا رفتن درآمدها و راه اندازی گام به گام صنایع از کارافتاده بود به جزئیات دگرگونی های سه بخش صنایع و کشاورزی و خدمات و عوامل تأثیرگذار آن در پیامد این گفتار به گونه ی جابجانه خواهیم پرداخت.

نمودار 89 - محصول ناخالص داخلی بر پایه ی بخش های اقتصادی



شتابان این صنایع، با روی کار حکومت اسلامی و بویژه در پیامد بمباران های گسترده ی کارخانه ها در پایان جنگ، روند سرمایه گذاری در بخش های پتروشیمی و صنایع پایین دست آن را دچار ایستی جدی کرد که در سال های پس از 2000 این فرایند رو به بهبود نسبی نهاد و برنامه های گسترش دوباره تا حدودی طراحی گردید.⁽⁷⁸⁾

پس از صنایع پتروشیمی، بیشترین ارزش افزوده ی بخش صنعتی به تولید وسایل نقلیه و قطرات اساسی اختصاص داشت که در سال های پس از سرنگونی شاه با سرنوشته همسان با صنایع پتروشیمی روبرو گردیده بود در زمینه ی تولید خودرو و نیاز بازار داخلی در سال 2003 به یک میلیون و 200 هزار دستگاه تخمین زده شد ایران در نظر داشت در فاصله ی پنجساله 2003 تا 2008 میزان تولید خودرو را به 1.5 میلیون دستگاه برساند و 300 هزار خودرو تولید شده را، افزون بر نیاز بازار داخلی، به کشورهای جهان به ویژه بازارهای منطقه صادر کند.⁽⁷⁹⁾

در چارچوب سازمان اکو ایران در کنار ترکیه در نظر دارد، به تأمین کننده ی عمده ی نیاز بازار اتومبیل کشورهای عضو تبدیل شود.⁽⁸⁰⁾

برای کاهش مصرف بدزین و بهره گیری از نفت به منظور صادرات از سوئی، و نیز جلوگیری از ارزست دادن بازار داخلی در برابر اتومبیل های وارداتی از سوی دیگر، ایران در نظر دارد تولید کارخانه های اتومبیل سازی را تخصصی کند بدین منظور ساخت خودروهای گاز سوز در حال بررسی است. این طرح با مخالفت هایی نیز روبروست.⁽⁸¹⁾ در پهنه ی صنایع فولاد نیز برنامه هایی تدوین گردیده تا واپس ماندگی ها اندک پشت سر گذاشته شوند. ایران در سال 2003، 7.86 میلیون تن فولاد تولید کرد، در حالی که کشور ترکیه در همین سال تولیدی برابر با 18.39 میلیون تن داشت و مقام سیزدهم در جهان را به خود اختصاص داده بود. تولید فولاد جهان در سال 2003، 962 میلیون تن بود که چین با تولیدی برابر با 220 میلیون تن در آن به مقام نخست دست یافت و ایران در این رده بندی تنها به جایگاه 21 بسنده کرد.⁽⁸²⁾

نتیجه و فرازهای اقتصاد ایران در روند صنعتی شدن

نخستین واحدهای صنعتی نسبتاً نوین در ایران از دوران صفوی آغاز به کار کردند و شمار آنان در پایان دوره ی قاجار و رضا شاه افزایش یافت موج نخست افزایش جدی شمار کارخانجات در ایران به دوران پهلوی اول باز می گشت که روند رشد آن با وجود آمدن یک وقفه میان سال های 1941 تا 1953 ادامه یافت اوج صنعتی شدن کشور اما با سال های پایانی حکومت محمدرضا شاه در پیوند بود که پس از سرنگونی او با تشدید و فرازهایی روبرو گردید. در دهه هفتاد ایران با رشد بالای اقتصادی در ریف کشورهایمانند کره جنوبی و برزیل قرار داشت برزیل و ایران رشد خود را به طور عمده مدیون مواد خام بود و کره جنوبی، صادرات عامل تعیین کننده رشدش بود.⁽⁷⁷⁾

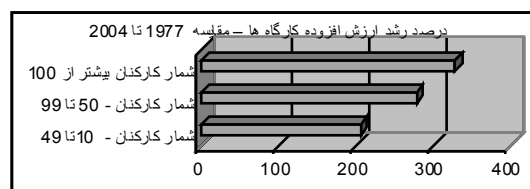
به رشد صنعتی در ایران از چند روزه می توان نگرست. نخست از چشم انداز وابستگی آن به درآمد دولت از محل صادرات نفت خام و دوم تأثیر دگرگونی های سیاسی مانند تغییر حکومت ها و بروز جنگ ها و سوم از دروازه های وابسته و به طر عمده مونتازگونه ی بیشتر رشته های آن از رشد افزوده یکی از شاخص هایی است که میزان بازدهی و سوددهی سرمایه گذاری ها را بازگو می کند در ایجاد ارزش افزوده بخش صنعتی، بالاترین سهم را صنایع تولید محصولات شیمیایی به خود اختصاص می دهند. برنامه ریزی های صنعتی در دوران شاه برای رشد

نمودار 91 - ارزش افزوده کارهای صنعتی



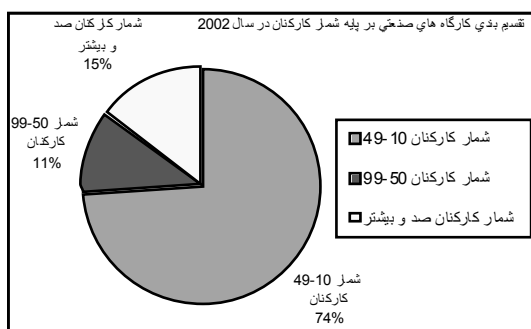
افزایش ارزش افزوده ی کارگاه های صنعتی در سال های 1997 تا 2002 همانند سال های پیش از 1979 با کارگاه های صنعتی بزرگ در پیوند بود. این امر بویژه از راه سرمایه گذاری بخش دولتی به طور مستقیم و غیرمستقیم تقویت شد و با افزایش درآمدهای ارزی ایران از راه صادرات نفت و در سال های اخیر گاز در ارتباط بود. میزان رشد ارزش افزوده کارگاه های صنعتی با کارکنانی میان 10 تا 49 کم می شود و نقش میانی را در این زمینه کارگاه هایی با کارکنانی بین 50 تا 99 به خود اختصاص دادند. بیشترین درصد رشد را می شد در کارگاه های بزرگ با کارکنانی بیش از 100 هر مشاهده کرد.

نمودار 92 - سنجش رشد ارزش افزوده کارگاه 1977-2004



از دیدگاه شمار کارگاه ها اما، بیشترین سهم را کارگاه های کوچک با کارکنانی میان 10 تا 49 نفر به خود اختصاص دادند. سهم این کارگاه ها نزدیک به 74 درصد شمار تمامی کارگاه های صنعتی ایران بود. جایگاه نوم را در این میان کارگاه های بزرگ با کارکنانی بیش از 100 نفر با سهمی برابر 15 درصد و سپس کارگاه های متوسط با کارکنانی میان 50 تا 99 نفر داشتند. با وجود پاره ای کوشش ها در سال های کنونی برای تقویت صنایع کوچک و میانی از راه کمک های مالی و حمایت های سیستم بانکی، که زیر نظارت مستقیم و غیرمستقیم دولت بودند و غیرمغز گرایش های نو برای تقویت بخش خصوصی مولد و کارزا از راه وگناری سرمایه از صندوق ذخیره ی ارزی، هنوز دگرگونی چشمگیری در بهبود امور مشاهده نمی شد. از این روی بیشترین سرمایه گذاری هادر بخش های بزرگ و سرمایه بر دولتی و یا وابسته به دولت صورت گرفت.

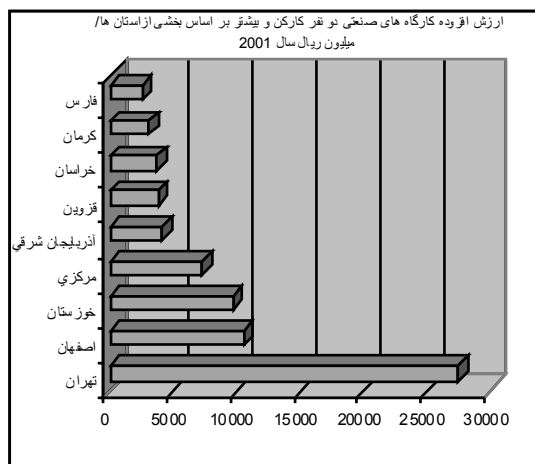
نمودار 93 - تقسیم بندی کارگاه های صنعتی بر پایه شمار کارکنان



در پروسه ی صنعتی شدن ایران، با رشد نسبتاً هماهنگ سرمایه گذاری ها در تمامی نقاط ایران روبرو نیستیم و دگرگونی در شمار کارگاه های صنعتی در پاره ای قطب های بزرگ، گویای این مدعاست. با نگاهی به شمار کارگاه های صنعتی در

بلکه با وجود صنایع نفت و گاز و بازسازی صنایع سنگین دولتی بازمانده از سال 1979، در پیوند بود.

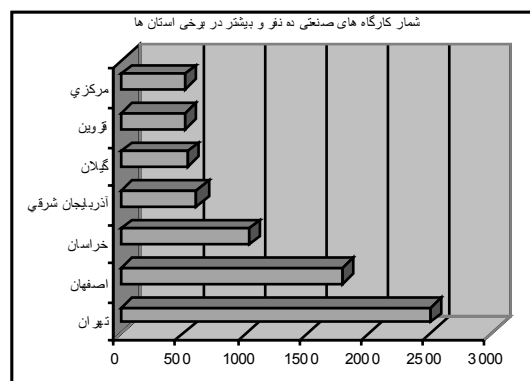
نمودار 95 - ارزش افزوده کارگاه های صنعتی بر پایه استان ها



تنها نکته مثبتی که می توان در این زمینه برجسته کرد، کاهش شکاف میان استان های بزرگ با استان های واپس مانده در زمینه ایجاد کارگاه های تازه ی صنعتی است بدین معنی که در این میان در استان هایی مانند استان سمنان و آذربایجان شرقی، شمار جواز تأسیس کارگاه های صنعتی بیش از استان تهران بود و در پاره ای استان ها ی کمتر صنعتی شده مانند سیستان، بلوچستان، لرستان، همدان و یزد با افزایش نسبی شمار کارگاه ها روبرو گشتیم. این پروسه اما هنوز به معنی افزایش سهم استان های واپس مانده، از دیدگاه ایجاد ارزش افزوده ی کارگاه ها در

سال 2002 می توان دید که بویژه سه استان تهران و اصفهان و خراسان، بیشترین تعداد کارگاه ها را به خود اختصاص دادند. مقام های بعدی را در این زمینه با میزانی نسبتاً برابر آذربایجان شرقی، گیلان، قزوین و استان مرکزی بلانته و سهم پاره ای از استان ها مانند کهگیلویه و ایلام و بوشهر در این گستره بسیار ناچیز و قابل گذشت بود.

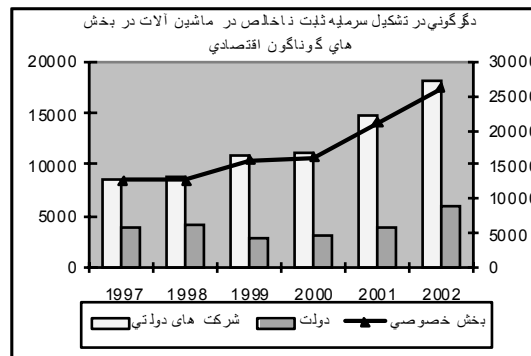
نمودار 94 - شمار کارگاه های صنعتی بر پایه استان ها



سهم استان های گوناگون در ارزش افزوده کارگاه های صنعتی، این ناهمگنی و ناهمسانی جغرافیایی را روشن تر نشان می دهد. اگر شمار کارگاه های استان تهران برای ضونه در مقایسه با استان قزوین تقریباً 5 برابر بود، این مقایسه در زمینه سهم ارزش افزوده ی به 7 برابر می رسید. در این میان سهم استان هایی مانند کردستان و سیستان و بلوچستان و ایلام و کهگیلویه و بویر احمد در ارزش افزوده کارگاه های صنعتی کشور بسیار کم و تقریباً قابل چشم پوشی می نمود. سهم بالای ارزش افزوده کارگاه های صنعتی در استان جنگ زده ی خوزستان در مرز عراق و مقام سوم آن در این میان، نه با افزایش چشمگیر در شمار کارگاه ها،

نگاهی به دگرگونی های سال های 1997 تا 2002 در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در بخش ماشین آلات، سهم بزرگ و رو به افزایش شرکت های دولتی را در این پروسه آشکار می کند. حتی تشکیل سرمایه ی ثابت ناخالص دولت که در سال 1999 کاهش یافته بود، تاووم نیافت و در سال 2002 از سال 1997 نیز پیشی گرفت. روند رشد شرکت های دولتی و بخش خصوصی در این زمینه تقریباً یکسان بود بخش خصوصی ایران در سال های کنونی از حمایت مالی دولت برای سرمایه گذاری در بخش های صنعتی نسبتاً سرمایه بر، از راه های گوناگون و بویژه از راه صندوق ذخیره ی ارزی بیشتر برخوردار گردید، اگر چه این کمک ها نیز با توجه به نیاز های بازار داخلی ناچیز بود.

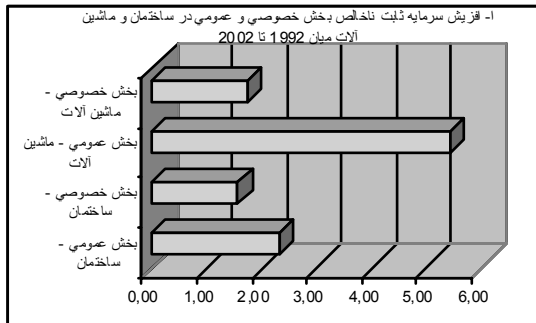
نمودار 100 - دگرگونی در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ماشین آلات



گرایش سرمایه گذاری بخش خصوصی در بخش های غیر تخصصی صنعتی را می توان در سنجش افزایش سرمایه ثابت ناخالص در دو بخش ماشین آلات و ساختمان در میان سال های 1992 تا 2002 برجستگی بخشید. در این میان می توان مشاهده کرد که اولاً افزایش سرمایه ی بخش غیر خصوصی یا عمومی در

بخش ماشین آلات، به مراتب از بخش ساختمان بیشتر می شود و این بدین معنی بود که سرمایه گذاری ها در بخش صنعت از سوی دستگاه دولتی به گونه ی محسوسی افزایش داشت. دوم اینکه گرایش کوچک و متوسطی به سرمایه گذاری در بخش های صنعتی از سوی بخش خصوصی مشاهده می شد. این فرایند تا حدودی بازتاب بحران و رکود در بخش ساختمان و کاهش سوددهی این بخش از یک چشم انداز و افزایش سبسی کمک های مالی دولت به بخش صنعتی از چشم انداز دیگر بود.⁽⁸⁶⁾ با این وجود ادامه روند شتابان تر در تشکیل سرمایه ی ثابت خالص ماشین آلات در بخش عمومی، در صورتی که تصمیمات دیگری در این زمینه گرفته نشود، شکاف میان این بخش و بخش خصوصی را در آینده بیشتر خواهد کرد.

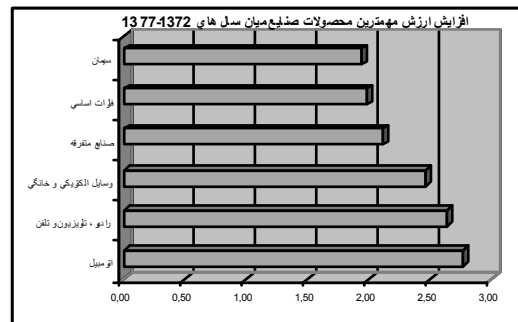
نمودار 101 - دگرگونی سرمایه ثابت ناخالص در ساختمان و ماشین آلات



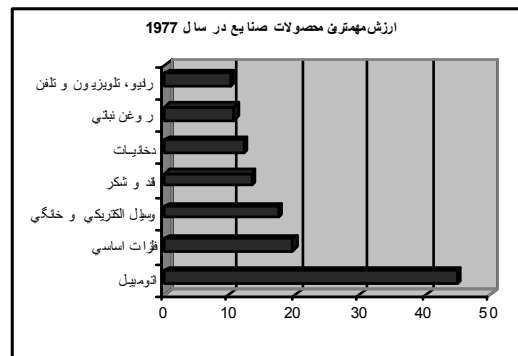
برای اینکه مقایسه ای صورت گیرد، 5 سال از دوران شاه را میان سال های 1972 تا 1977 با دوره پنجاهه ی جمهوری اسلامی میان سال های 1997 تا 2002 سنجیده ایم. افزایش ارزش افزوده مهمترین محصولات صنایع ایران در دوران شاه با تفاوت کمی به صنایع اتومبیل، رادیو و تلویزیون، وسایل الکترونیکی، و نیز صنایع متفرقه و فلزات اساسی و سیمان بازمی گشت. در ارزش کل محصولات

صنایع در سال 1977 صنایع اتومبیل جای نخست و سپس فلزات و دیگر صنایع جایگاه های بعدی را به خود اختصاص داده بودند.

نمودار 102 - افزایش ارزش مهم ترین محصولات صنایع

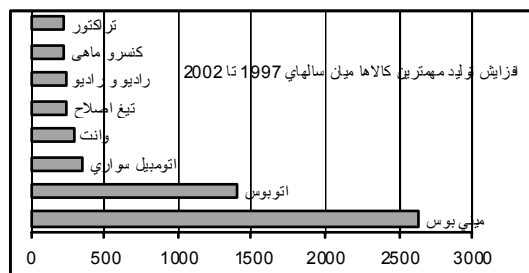


نمودار 103 - ارزش مهم ترین محصولات صنایع در سال 1977

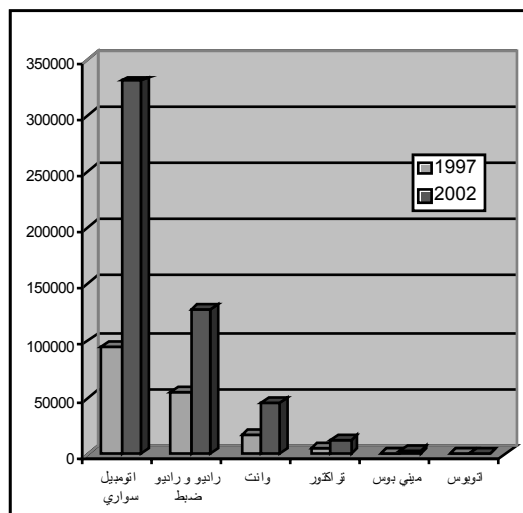


افزایش تولید مهم ترین کالاها در پنجاهه ی 1997 تا 2002 نیز با صنایع اتومبیل در پیوند بود. از میان هشت کالای مهم تولیدی، 5 کالا به صنایع اتومبیل اختصاص داشتند. این افزایش یک سویه در تولید صنعتی کشور، افزون بر بی برنامه عملی در پهنه ی اقتصاد ایران، بی توجهی طولانی به صنایع اتومبیل، کمبود شدید آن و فرسودگی زیاد وسایل حمل و نقل پس از روی کار آمدن حکومت ولایت فقیه را بازتاب می داد. از دیدگاه شمار تولید، بیشترین سهم به صنایع اتومبیل سواری بازمی گشت و جایگاه های بعدی را صنایع تولید رادیو و تلویزیون، تراکتور، و ات، مینی بوس و اتوبوس به خود اختصاص دادند. بیهوده نیست که ایران در نظر دارد نه تنها به تأمین بخش بزرگی از بازار رو به رشد اتومبیل در داخل بپردازد، بلکه به دستیابی سهم بیشتر در بازار کشورهای منطقه نیز چشم دوخته است و همکاری های تازه ای با شرکت های سازنده ی اتومبیل خارجی به اجرا درآمده و در حال گسترش است. برای دستیابی به بازار بیشتر در پهنه ی برون مرزی، ایران هم چنین در نظر دارد که خط تولید در خارج ایجاد کند و برای نمونه تقاضای روسیه از سوی شرکت توسعه صنایع خودرو، با یک شرکت خودروی روسی بسته شده و قرار است که در آینده سالانه 20 هزار دستگاه اتومبیل "سمند" در آن کشور مونتاژ شود.⁽⁸⁷⁾

نمودار 104 - افزایش تولید مهم ترین کالاها

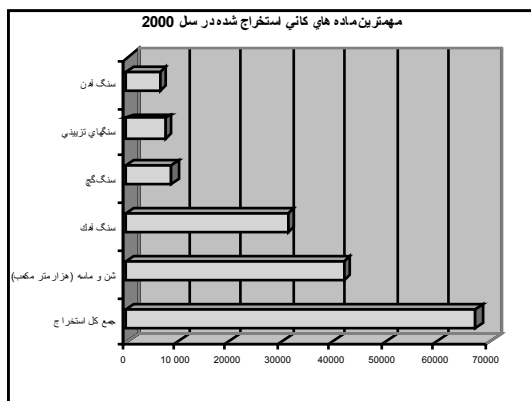


نمودار 105 - شمار تولید مهمترین کالاهای میان بر سال 2002



در کنار تولید صنعتی پیش گفته، صنایع کانی نیز در ایران رشد محسوسی در دهه ی نودان خود نشان دادند و وجود کان های گوناگون مانند سرب و مس و آهن و غیره از یرباز در ایران به رشد صنایع پیشه وری کمک کرده بود بهره براری از کان های غیرنفتی ایران، در درازای دهه های گذشته افزایش داشت. از آن میان می توان برای نمونه به میزان استخراج مهم ترین ماده های کانی در سال 2000 گاهی انداخت براین پایه بیشترین استخراج به شن و ماسه و سنگ و سنگ آهک اختصاص داشت که به ویژه برای استفاده ی داخلی در امور ساختمانی مورد بهره براری قرار گرفت. از نقطه نظر وزن، سنگ های تزئینی و سنگ آهن جایگاه های بعدی را را ی بودند.

نمودار 106 - مهم ترین ماده های کانی استخراج شده در سال 2000



در صنایع ایران، چه در بخش دولتی و نیمه دولتی و چه در بخش خصوصی، میزان جذب سرمایه های خارجی و همکاری های تکنولوژیک کم است این در حالی است که برای نمونه کشورهای آسیای جنوب شرقی و بویژه چین در سال های گذشته از این مکانات به خوبی بهره گرفته و از راه آن نه تنها سطح توانایی صنعتی و فنی خود را بالا برده اند، بلکه توانسته اند این سرمایه گذاری ها را به سرچشمه ای برای ایجاد مازاد تراز بازرگانی برون مرزی تبدیل کنند. در ایران اما کوشش برای بهبود بازدهی صنایع دولتی و نیمه دولتی هنوز به برآیندهای خرسند کننده ای نرسیده و انتظارات غیر واقع بینانه پیرامون دستیابی به بهبود بازدهی کارخانجات از ره وگناری به بخش خصوصی نیز بی نتیجه مانده است. چرایی آن رامی توان از جمله در این واقعیت دید که بخش بزرگی از جابجایی ها و تغییر مالکیت ها از بخش دولتی به بخش عمومی و یا نیمه دولتی، مانند بنیادها و ارگان های ماندن آن صورت گرفت که بافتی ناکارآمد داشته و دارند از سوی دیگر گرایش بخش خصوصی بویژه به صنایعی است که خود در وضع نسبتاً خوبی قرار دارند و به سوددهی رسیده اند. می توان گفت که علت اصلی عدم دسترسی به بازدهی بالا در صنایع ایران در بخش دولتی و خصوصی، به پشتیبانی های مالی مستقیم و غیر مستقیم دولت و سیستم بانکی و تزریق منابع نفت و گاز به این صنایع، بدون هدفمندی روشن باز می گردد. در کنار آن عواملی مانند ناکارایی مدیریت ها و عدم تمرکز برنلمه روزی ها و نبود استقلال کافی واحدهای اقتصادی نیز نقش بازی می کنند.

صنایع کوچک و متوسط ایران در شرایطی برزخی قرار دارند. شمار ورشکستگی واحدهای کوچک و کارگاهی رو به افزایش است. انگیزه ی آن را می توان بویژه در ساختار انحصاری صنایع داخلی در شرایط اقتصاد نسبتاً بسته ی دو دهه ی گذشته جستجو کرد. گام نهادن در راه و رود به سازمان تجارت جهانی و بازکردن دروازه های کشور به روی کالا های خارجی، صنایع کوچک و متوسط را که شیوه ی کار و خط تولید خود را با شرایط نوین انطباق نداده اند، دچار بحران کرده و

دشواری های رشد صنعتی

بهره گیری از منابع نفت و گاز برای رشد صنایع در ایران هنوز از اهمیت ویژه برخوردار است. در سیاست های دولت پیش و پس از سال 1979، بیشتر صنایع انرژی و تکنولوژی بر مود توجه بودند که بویژه صنایع پتروشیمی، خودرو، فلزات اساسی و سیمان را در بر می گرفتند. صنایع مورد توجه دولت ها که بیشتر صنایع سنگین را شامل می شوند، کمتر خصلت صادراتی داشته و دارند و بیشتر تامین نیاز بازار داخلی را آماج خود گرفته اند. پیش از سال 1979 به دلیل فشرده بودن ساختار زمامداری و وجود هماهنگی های کم و بیش بایسته، بویژه میان سال 1972 تا 1978، در برنامه ریزی های اقتصادی و سرمایه گذاری های دولتی در صنایع، کم و بیش خط روشنی را می توان پیگیری کرد. پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی، نه تنها رویدادهای اجتماعی-سیاسی و جنگ بلکه جابجایی دولت ها نیز بر چگونگی رشد صنایع و سرمایه گذاری های دولتی، تاثیرگذار بودند. برای نمونه پروژه بزرگ عسلویه که در زمان چرگی نیروهای اصلاح طلب منابع نفتی و گازی زیادی را به خود اختصاص داد، با کاهش چشمگیر تاثیر این نیروهای سیاسی بر روندهای اقتصادی، دچار دشواری هایی شد و از میزان سرمایه گذاری هادر آن تا حدودی کاسته شد.

خواهد کرد. در این دوران گنار، پاره‌ای از این صنایع به ناچار از خط تولید خارج خواهد شد، برخی از آنان با پشتیبانی‌های هدفمند دولت و سیستم بانکی خود را بر شرایط ذوین انطباق خواهند داد، گروه دیگر که هم اکنون نیز سود نه عمل می‌کنند در صورت دگرگونی‌های سودمند، زندگی اقتصادی خود را پی خواهند گرفت و در صورت ایجاد فضای مناسب و سرمایه‌گذاری‌های برنامه‌ریزی شده و بورنگرانه، صنایع نوینی یا به پهنه‌ی هستی خواهند گذاشت.

می‌توان گمان کرد که برای نمونه آن دسته از صنایع تولید محصولات خانگی با حجم تولید کم و وابسته به یارانه‌های مستقیم و غیر مستقیم دولتی و ساخته شده در شرایط بسته‌ی بازار داخلی، از دسته‌ی صنایعی باشند که بیشتر ورشکستگی در انتظارشان خواهد بود. در صنایعی مانند صنعت نساجی با توجه به سنت‌های کهنسال آن در ایران، علیرغم همه‌ی دشواری‌ها، می‌شود با سرمایه‌گذاری‌های بایسته و بالا بردن بازدهی کار، میزان سود دهی را بالا برد و قدرت رقابت با کالاهای وارداتی را افزایش داد. در صنایعی مانند سیمان و معدن و صنایع کناری پتروشیمی که هم اکنون نیز سودآور هستند و گرایش برای خرید آنها از سوی بخش خصوصی نیز وجود دارد، می‌توان انتظار داشت که با در پیش گرفتن سیاست‌های روشن اقتصادی، با رشد بیشتر رویرو شویم. چشم‌انداز صنایع تازه را می‌توان در پهنه‌هایی مانند تکنولوژی اطلاعاتی و صنایع بارویی و خدمات پزشکی و هواپیمایی و مخابرات و انتقال نیرو، که از اهمیت روزافزونی در بازار داخلی و جهانی برخوردارند، هاشور زد.

صنایع روستایی ایران که رشته‌هایی مانند قالی، گلیم، دوزندگی، بافندگی و مواد غذایی را شامل می‌شوند، هنوز بیشتر سنتی‌اند و خود را با نیازهای بازار جهانی و بازار داخلی انطباق نداده‌اند. کاهش سهم ایران در بازار فرش جهان، نمونه‌ی روشن این نارسایی است. با این وجود این صنایع کوچک در بخش عمده‌ی آینده‌ی دار هستند و در صورت بهره‌گیری بهینه از امکانات، می‌توانند نه تنها بازار داخلی

را تا حدی بهبود بخشانند بلکه افزون بر آن قدرند به بهبود تراز بازرگانی خارجی نیز یاری رسانند.

به آینده‌ی بخش بزرگی از صنایع بزرگ ایران که به طور عمده دولتی هستند، می‌توان امیدوار بود. بویژه درآمدهای نفتی بالا می‌تواند امکان سرمایه‌گذاری‌های تازه و بهبود خطوط تولید آنل را فراهم کند. نکته‌ی اما این جاست که سرمایه‌گذاری‌های هنگت در صنایع تکنولوژی بر و ایجاد زیرساخت‌های پرهزینه که به معنای واردات از خارج است، چه از راه خرید ماشین‌آلات و چه از راه بودجه‌های بالای عمرانی، باید هم‌زمان با سرمایه‌گذاری‌های دولتی، با اتخاذ سیاست‌های صادراتی، به بازگشت ارز سرمایه‌گذاری شده به کشور در کوتاه مدت بیانجامد. این فرایند می‌بایست از سوی دیگر بی‌درنگ طولانی کاهش واردات کالاهای همسان خارجی را باعث شود. از جمله در این چارچوب می‌توان گام به گام به ایجاد توازن در تراز بازرگانی خارجی بدون نفت دست یافت و برای مثبت کردن این تراز (بدون نفت) خیز برداشت هم‌زمان بودن این دو پروسه (سرمایه‌گذاری در کارخانجات دولتی و صادرات کالاهای این کارخانجات به گونه‌ی هم‌زمان)، کوشش انحصارهای بزرگ سرمایه‌داری برای جلوگیری از رشد اقتصادی کشور را با دشواری رویرو می‌کند. در غیر این صورت می‌توان گمان برد که کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی، در برش زمانی ایجاد زیربنای اقتصادی و سرمایه‌گذاری و خرید ماشین‌آلات خارجی که با فروش کالاهای آنان به کشور همراه است، از تشنج زایی و جنگ آفرینی و دخالت‌های گسترده پرهیز کنند و آنجا که احساس کفد تولیدات این صنایع، بخشی از بازار جهانی آنان را به مخاطره می‌اندازد، با جنگ آفرینی و تحریم‌های اقتصادی و تنش‌های منطقه‌ای، به زیربنای ساختی شده آسیب برسانند و پروسه‌ی صنعتی شدن را باز هم به عقب بیاننازند. رویدادهای پس از سال 1979 و بویژه جنگ 8 ساله‌ی ایران و عراق، ضربه‌ی روشنی از این سیاست انحصارهای جهانی را آشکار می‌کند. در این برش زمانی بویژه صنایع پتروشیمی ایران گزندی هنگت دید و به طور کلی به زیربنای اقتصادی

کشور ضربات جدی وارد آمد. در این راستا سرمایه‌گذاری‌های انجام شده نه تنها به اهداف خود برای کاهش واردات از خارج و افزایش صادرات صنعتی نیانجامید، بلکه با ایستی بیست ساله در رشد صنایع کشور رویرو شدیم. برنده‌ی این جریان در دوران تنش و جنگ، در درجه‌ی نخست انحصارهای نظامی و در دوران بازسازی ویرانی‌ها و برپایی زیرساخت‌ها و ایجاد صنایع تکنولوژی برو و رزیر، انحصارهای بزرگ غیر میلیاریستی کشورهای سرمایه‌داری هستند. سود انحصارهای نظامی و به گفته‌ی دیگر زین ایران در دوران جنگ و دگرگونی‌های بین‌المللی را می‌توان میان 400 تا 600 میلیارد دلار برآورد کرد.⁽¹⁸⁸⁾ بازار بزرگ انحصارهای امپریالیستی در دوران غیر جنگی از راه فروش کالاهای خود به ایران را، می‌شود سالانه میان 20 تا 40 میلیارد دلار (کسری تراز بازرگانی خارجی ایران بدون نفت) گمانه‌زنی کرد. سرچشمه‌ی بزرگ تامین سود انحصارها منابع نفت و گاز است، چرا که اقتصاد ایران بدون تکیه به این منابع، توان مالی بایسته برای ورود کالاهای مورد نیاز را در این مقیاس ندارد.

هم‌چنین به نظر می‌رسد که برای جهش اقتصادی و رشد چشمگیر صنایع ایران، پیمایی یک محور و پایه ضروری است. از سوی پاره‌ای کارشناسان اقتصادی و سرمداران دستگاه دولتی، طرح‌هایی برای محوری کردن صنایع پتروشیمی برای رشد جامع صنایع در برنامه‌ی کار است. برای نمونه پروژه‌ی بزرگ عسلویه در آیدنه نشان خواهد داد که تا چه حد در پیاده کردن این پروژه‌ها و برنامه‌های پیش‌بینی شده، پیگیری به کار خواهد رفت.

دگرگونی در اقتصاد بسته‌ی روستایی

پاره‌ای از مشکلات طبیعی و اجتماعی که پیشتر نیز به بخشی از آن اشاره شد، به تنگناهای بخش کشاورزی در کشور می‌افزاید. از آن نمونه است پرکندگی روستاها، کمبود آب و کوچک بودن زمین‌های کشاورزی، روستاهای ایران، علیرغم وجود پاره‌ای کشت و صنعت‌ها، هنوز به گونه‌ی گسترده و همه‌سویه در پروسه‌ی تولید سرمایه‌داری، چه در بازار داخلی و چه بازار جهانی، وارد نشده‌اند. بخش دامپروری اما با بنیان گذاشتن واحدهای نوین دامپروری و مرغداری، در این پروسه پیشرفت‌هایی کرده است. در این بخش به چگونگی دگرگونی در بخش کشاورزی در ایران پرداخته‌ایم. در این راستا اگر چه در برخی زمینه‌ها رشد دیده می‌شود، ولی برای نمونه رشد کم سرانه‌ی تولید محصولات زراعی، نشان از دشواری‌های زیاد در این بخش دارد. این روند منفی که از سده‌ی 19 گام به گام آغاز گشت، ایران را به دسته‌ی کشورهای وارکننده‌ی مواد غذایی و محصولات کشاورزی کشاند و وابستگی به واردات از کشورهای خارجی پدیده‌ی ای نیست که تنها ایران را در بر می‌گیرد. در بخش بزرگی از کشورهای نادر جهان سوم این فرایند دیده می‌شود.⁽¹⁸⁹⁾

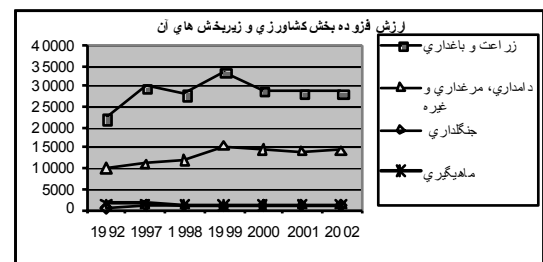
علیرغم نارسایی‌های بخش کشاورزی پیش و پس از سال 1979، با پاره‌ای تحولات مثبت نیز رویرو می‌شویم. سنت‌گرایی جمهوری اسلامی و نیز ریشه

روستائی بخشی از زمامداران و دست اندرکاران دولتی و هواداران ولایت فقیه، در این زمینه بی تأثیر نبود پس از سرنگونی شاه بی درنگ ارگان جهاد سازندگی با شرکت جوانانی که بیشتر از لایه های زحمتکش اجتماعی بودند، تشکیل شد و علیرغم توانائی علمی نارسای آنان، در روستاهای ایران کارهای کم و بیش مثبتی صورت گرفت جهاد سازندگی بعداً به وزارتخانه ای در چارچوب دولت تبدیل شد و خوبویی و درونمایه ی مردمی آن از میان رفت و به همان سرنوشته ی دچار گردید که دیگرارگان های نایبمان دولتی در آن به سر می بردند با تمام این نارسائی ها، تلاش برای ایجاد زیربناهای اقتصادی و گسترش رله ها و بهداشت و آموزش در روستاها، به افزایش سهم ارزش افزوده ی کشاورزی در تولید ناخالص ملی کمک کرد کوشش جوانان اما بدون برنامه ریزی علمی نمی توانست به نتایج خشنود کننده برسد و نارسائی های کشاورزی ایران و گسترش بی رویه ی وابستگی محصولات کشاورزی، گواه این امر است برای نمونه در سال 2001 در میان واردکنندگان گندم در جهان، ایران پس از برزیل با وارداتی برابر 6.5 میلیون تن دومین بازار بزرگ جهان برای مصرف گندم بود این در حالی بود که صادرات سالانه ی جهان در دهه 90 سالانه 106 میلیون تن بالغ می شد یعنی ایران به تنهایی در سال 2001 بازاری نزدیک به 6% برای صادرکنندگان گندم جهان ایجاد کرد که هزینه ی آن به طور عمده از راه دلارهای نفتی فراهم شد.⁽⁹⁰⁾ دستیابی به خونکفایی در تولید گندم در سال 2003، دیدگاه های گوناگونی را در پی داشت. پاره ای بر این باور بودند که افزایش تولید گندم به مرز 14 میلیون تن با آسیب به دیگر تولیدات کشاورزی بدست آمد و در 20 ساله ی میان 1983 تا 2003 سطح زیر کشت افزوده نشبه بود افزون بر آن این کارشناسان، تولید گندم در ایران را اقتصادی نمی دانستند پاره ای دیگر بر اقتصادی بودن افزایش آن تأکید می کردند و نه تنها از دیدگاه اقتصادی بلکه از زاویه ی استراتژیک و اهمیت اش در برنامه ی خونکفایی، به آن می نگریستند.⁽⁹¹⁾ ایران که در سده ی گذشته یکی از صادرکنندگان گندم در جهان بود، در نظر دارد به سیاست اقتصادی خود در این

زمینه انامه دهد و با دگرگونی در ساختار سازمانی، با ایجاد مدیریت مستقل برای تولید گندم در کنار اعمال مدیریت مزرعه، کاربرد تحقیقات، افزایش تولید در سطح و تهیه بذر مرغوب، به تولید 18 میلیون تن گندم در سال دست یابد.⁽⁹²⁾ در صورت اجرای این طرح، با توجه به افزایش شتابان جمعیت، ایران بیشتر تأمین کننده ی بازار داخلی خواهد ماند، و هنوز تا ورود به جمع کشورهای صادرکننده گندم فاصله خواهد داشت.

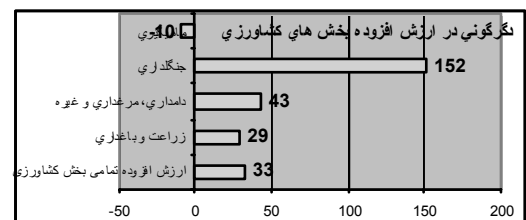
سهم بخش کشاورزی در ارزش افزوده ی کشور، با وجود امکانات بالقوه ی آن، هنوز ناچیز است. نه نخستین گام ها با اصلاحات ارضی شاه در سال 1963 و نه کارکردهای نیک خواهانه ولی شتاب زده و بی چشم انداز جوانان پس از روی کار آمدن رژیم اسلامی، نتوانست از وابستگی بزرگ ایران به واردات محصولات کشاورزی چنان بکاهد و موفقیت در این زمینه هنوز محدود است. نگاهی به دگرگونی های سال های 1992 تا 2002 نشان دهنده ی نقش تعیین کننده بخش زراعت و باغداری در ارزش افزوده بخش کشاورزی بود اوج ارزش افزوده ی بخش زراعت و باغداری به سال 1999 باز می گشت که میزان آن به قیمت های ثابت سال 1998 برابر با 51198 میلیون ریال بود از آن پس ارزش افزوده این بخش ابتدا رو به کاهش نهاد و تا سال 2002 تغییر چشمگیری نکرد ارزش افزوده ی دیگر بخش ها در مقایسه با این بخش کمتر بود و پس از بخش دامداری و مرغاری که ارزشی نزدیک به 40 درصد از بخش زراعت را در سال 2002 به خود اختصاص داد، بسیار ناچیز می نمود جنگلداری تنها ارزش افزوده ای ناچیز برابر 881 میلیون ریال و ماهیگیری با وجود امکانات فراوان ایران در جنوب و شمال، فقط ارزش افزوده ای برابر با 1149 میلیون ریال داشتند در بخش دامپروری بویژه در زمینه ی مرغاری با پیشرفت هایی رویرو بودیم پاره ای کارشناسان کشاورزی بر این باورند که تأمین پروتئین مورد نیاز بازار داخلی با توجه به شرایط آب و هوائی و اقلیمی ایران، از محل گوشت ماکیان و مرغ اقتصادی تر است و بنابراین می بایست سرمایه گذاری در این بخش ها افزوده شود.⁽⁹³⁾

نمودار 107 - ارزش افزوده بخش کشاورزی و زیربخش های آن



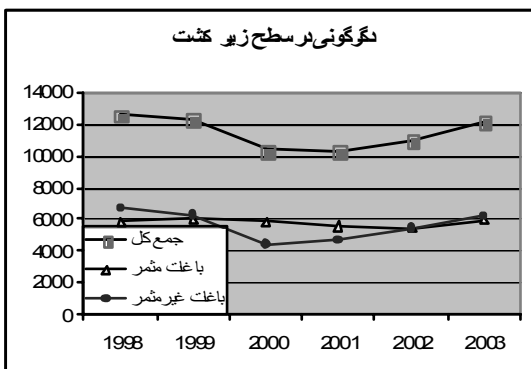
میزان رشد و دگرگونی در ارزش افزوده ی بخش های گوناگون کشاورزی در فاصله ی سال های 1997 تا 2002، پاره ای از گوشه های ناروشن را آشکار می کند. افزایش ارزش افزوده ی تملی بخش های کشاورزی در این برش برابر 33 درصد بود که از افزایش بخش زراعت با رشدی 29 درصدی بیشتر می شود در زمینه ی دامداری و مرغاری و بویژه در زمینه ی جنگلداری، رشد بیشتری از مجموعه ی این بخش مشاهده کردیم رشد بخش جنگلداری برابر 152 درصد و رشد دامداری 43 درصد بود بشواری در بخش ماهیگیری را می توان در کاهش 10 درصدی ارزش افزوده ی این بخش، با وجود همه ی زمینه های طبیعی، آشکارا دید.

نمودار 108 - سنجش سال های 1997 تا 2002



در بخش های زراعت و باغداری که جایگاه نخست را در ارزش افزوده ی محصولات کشاورزی داشتند، در زمینه ی سطح زیر کشت محصولات، چه محصولات دیمی و چه آبی، در فاصله ی سال های 1998 تا 2003 با رشدی رویرو شدیم می توان از بررسی افزایش 29 درصدی ارزش افزوده و عدم افزایش سطح زیر کشت محصولات، به این برآیند رسید که در بهره گیری بهینه از زمین های کشاورزی گام هایی به پیش برداشته شده است. شگفت آور اینکه، با وجود این آمار که نگارنده از سالنامه های آماری مرکز آمار ایران استخراج کرده، مسئولین دولتی در رسانه های گروهی ایران در اعتراض به منتقدین، بر افزایش چشمگیر زمین هلی زیر کشت کشاورزی تأکید می ورزیدند.⁽⁹⁴⁾

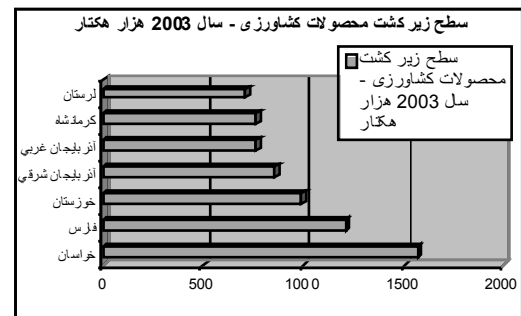
نمودار 109 - دگرگونی در سطح زیر کشت محصولات سالانه کشاورزی



در سال 2003 جایگاه های برتر در میان استان های ایران در زمینه ی سطح زیر کشت محصولات کشاورزی را استان های خراسان، فارس، خوزستان، آذربایجان شرقی و غربی و سپس کرمانشاه و لرستان به خود اختصاص دادند استان بزرگ خراسان با سطح زیر کشتی برابر 1571 هزار هکتار در جای نخست قرار داشت.

سطح زیر کشت در استان هایی مانند یزد و هرمزگان و سیستان و بلوچستان، از جمله به دلیل شرایط طبیعی و نبود برنله هلی حساب شده، بسیار ناچیز بود. برای افزایش سطح زیر کشت، یکی از دشواری های اقلیمی به مسئله آب باز می گشت در فاصله ی 1979 تا 2003 شمار سدها از 13 به 64 سد بزرگ افزایش یافت و 82 سد بزرگ نیز با قابلیت تنظیم 113 میلیارد مکعب آب در دست اجرا بود.⁽¹⁹⁵⁾ گرایین برنامه ها پیاده شوند - آن چه تا کنون کمتر رخ داده - می توان در آینده به افزایش سطح زیر کشت محصولات کشاورزی در استان های گوناگون ایران امید وار بود.

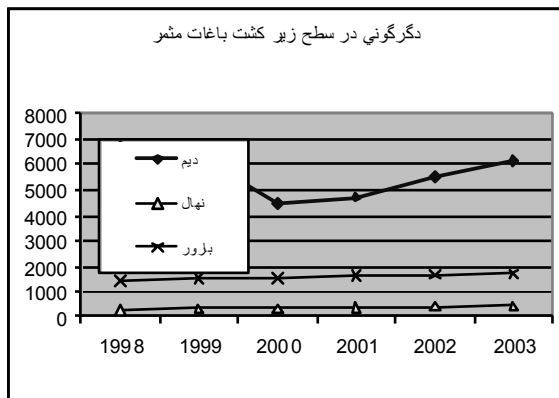
نمودار 110 - سطح زیر کشت محصولات کشاورزی بر پایه استان ها



افزایش سطح زیر کشت باغات دیم و بارور و نهال، نشان از آن دارد که در زمینه ی باغات متمرکز بارور آهنگی رو به رشد وجود دارد، اما به سطح زیر کشت باغات دیم نیز همانند بخش زراعت افزوده نشده است به دیگر سخن بخش بزرگی از زمین های قابل کشت در ایران، هنوز به پهنه ی کشاورزی افزوده نشده اند و تا بازگشت به دوران شکوفایی کشاورزی در ایران در چندین سده ی پیش، باید هنوز گام هلی بزرگی برداشته شود. برای افزایش تولیدات کشاورزی با توجه به افزایش جمعیت، به برنله ریزی های همه سویه و ژرف و نیز اجرای این برنله ها نیاز

است اما برای نمونه در برنامه سوم، در بخش مکانیزاسیون کشاورزی تنها 45٪ از اهداف به اجرا در آمدند از سوی دیگر، در حالی که وعده ی افزایش تولید ملشین هلی کشاورزی طبق برنامه به اجرا در نیامد، در برنله ی چهارم وعه ی افزایش تولید تراکتور از 20 هزار دستگاه به 50 هزار دستگاه و افزایش تولید کمباین از یک هزار دستگاه به 2 هزار دستگاه داده شد در پیاده شدن کامل این برنامه ها نیز می توان تردید کرد.⁽¹⁹⁶⁾

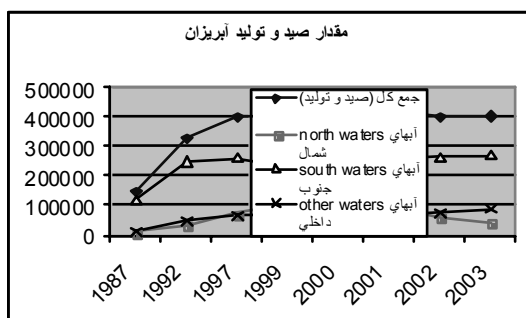
نمودار 111 - دگرگونی در سطح زیر کشت باغات متمرکز



برای سنجش، تولید پاره ای از محصولات زراعی و باغی در دو دوره ی ده ساله ی پیش و پس از روی کار آمدن حکومت اسلامی را، مورد بررسی قرار داده ایم. در اینجا به مقدار محصول، بلکه میزان رشد در فاصله ی ده ساله مورد توجه بوده است. در این مقایسه که میان سال های 1967 تا 1977 در دوران شاه و 1990 تا 2000 در دوره ی حکومت اسلامی صورت گرفته، در زمینه تولید گندم و پنبه و حبوبات رشد دو مرحله تقریباً همسان بود در تولید دانه های روغنی، چغندر قند و

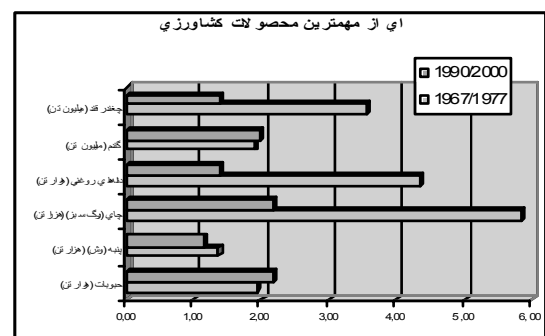
درصدی بخش کشاورزی در تولید ملی، تنها 0.2٪ آن به ماهیگیری اختصاص داشت و آن هم برای سرزمینی با امکانات ساحلی گسترده بر پایه ی بررسی های بین المللی، سهم این بخش می بایست در تولید ملی نزدیک به 6٪ باشد که در ایران هنوز به یک درصد آن هم نرسیده بود. افزون بر آن ارزش افزوده ی آن میان سالهای 1997 تا 2002 با کاهشی برابر 10٪ نیز روپرو گردید در این راستا می توان برای نمونه رشد صید و تولید آبزیان در فصله ی سال های 1987 تا 2003 را موشکافی کرد در اینجا روشن می شود که بیشترین افزایش رشد در آب های داخلی و سپس آب های شمالی که ماهی خاویار را به طور عمده برای صادرات عرضه می کردند، دیده می شد. رشد صید و تولید آبزیان در آب های جنوبی کم بود، با وجودی که مرزهای آبی ایران در جنوب، خلیج فارس و دریای عمان، چندین برابر مرزهای آبی دریای مازندران در شمال است. اگر چه افزایش کلی در صید و تولید میان این سال ها به چشم می خورد، ولی آهنگ رشد آن با توجه به امکانات طبیعی مطلوب نیست بازتاب این نارسایی ها را برای شونه می توان در مصرف مواد پروتئینی در ایران دید بدین معنی که میزان مصرف سرانه مرغ و ماهی در ایران، یک سوم مصرف جهانی بود.⁽¹⁹⁸⁾

نمودار 113 - دگرگونی در مقدار صید و تولید آبزیان



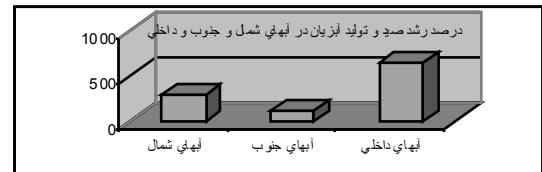
چای، رشد تولید محصولات در دوره ی حکومت اسلامی کمتر از نیمی از دوران شاه می نمود و این برخلاف ادعاهایی است که رژیم ولایت فقیه درباره تلاش برای خودکفایی کشاورزی مطرح می کند در سال های پس از 2000، تلاش هایی برای بهبود تولیدات کشاورزی صورت گرفته و برنله هایی نیز در پیش گرفته شد که می توان پیرامون آن در آینده ناوری کرد. برلی بالا بردن تولید کشاورزی، برنامه هایی برای یکپارچه سازی زمین های کشاورزی نیز در دست بررسی بود که آماج کناری آن افزایش کارآفرینی هم گفته شد، ولی به نظر می رسد که طرح های کشاورزی دوران شاه زور نام "شرکت های کشت و صنعت" با شرکت سرمایه داران داخلی و خارجی، به اشکالی نوین هدف طراحان آن بود.⁽¹⁹⁷⁾

نمودار 112 - رشد بخش های مهم ترین محصولات کشاورزی در 2 دوره



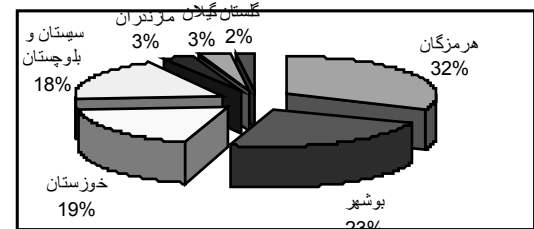
سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی در مجموع ارزش افزوده ی اقتصاد ایران، در سال های پس از سرنگونی شاه افزایش داشت. در بالا رفتن این سهم نه افزایش تولید محصولات کشاورزی و گسترش سطح زیر کشت، بلکه کاهش سهم بخش نفت و صنعت نقش بازی کرد. نارسایی در تولید محصولات کشاورزی را نه تنها در بخش زراعت بلکه در بخش ماهیگیری نیز می توان دید از سهم نزدیک به بیست

نمودار 114 - درصد رشد آبیاری در آبهای شمال و جنوب و داخلی



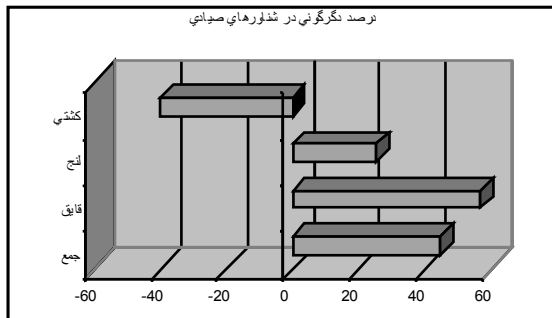
با نگاهی به شمار شناورهای استان های گوناگون ایران در سال 2002، می توان دید که بیشترین آنان به منطقه ی جنوب اختصاص داشتند در مجموع 92٪ آنان به ترتیب در استان های هرمزگان، بوشهر و خوزستان در کنار آب های خلیج فارس (74٪) و سپس سیستان و بلوچستان در کنار دریای عمان (18٪) به کار می پرداختند. شمار شناورها در آبهای شمالی ایران، در کنار دریای مازندران در استان های مازندران و گیلان و گلستان، در مجموع 8٪ کل شناورها بود به این گونه علیرغم گستردگی مرزهای آبی در جنوب نسبت به شمال و افزایش چشمگیر شناورها در آب های جنوبی، در زمینه ی ماهیگیری، سهم خلیج فارس و دریای عمان از دریای مازندران کمتر می نمود در دست نیافتن به سهم شایسته ی ماهیگیری در ارزش افزوده ی اقتصاد ایران، نارسایی ناوگان شناوری، ناتوانی سازمان ها و بی برنامه گی های اقتصادی نقش بازی می کردند.

نمودار 115 - شمار شناورها در برخی استان ها در سال 2002



در فاصله ی ده ساله ی سال های 1992 تا 2002 به شمار شناورهای صیادی کوچک مانند قایق و لنج افزوده شد، ولی از شمار کشتی های شناور بزرگ که می توانند به رشد ماهیگیری بیافزایند، نزدیک به 40 درصد کاسته شد و شمار بسیار کم آنان، همانا 122 کشتی صیادی در سال 1992 نیز، به 73 کشتی کاهش یافت. در کنار این کاهش کمی، باید به سطح بسیار کم امکانات قایق ها و لنج های صیادی نیز اشاره کرد که هنوز به شیوه های پد ران خود و به دور از امکانات فنی امروزی ماهیگیری، به کار با یا زده کم ادامه می دهند از سوی دیگر می توان گمان کرد که شماری از شناورهای ماهیگیری تازه در آب های جنوب، نه به گونه ی همه سویه در بخش ماهیگیری، بلکه بیشتر در جابجایی کالاها به شیوه ی قلمونی و غیر قانونی میان ایران و کشورهای جنوبی خلیج فارس مشغول به کار بوده اند. با نگاهی به این پیش زمینه ها، می توان پاره ای از انگیزه های کاهش 10 درصدی ارزش افزوده ی بخش ماهیگیری میان سال های 1997 تا 2002 را، پی جویی کرد.

نمودار 116 - درصد دگرگونی در شناورهای صیادی میان 1992 تا 2002



شرایط جغرافیایی گوناگون هستند و کشورهای نزدیک به ایران می توانند به یک آماج صادراتی مطلوب تبدیل شوند (برای نمونه کشورهای نفت خیز و دارای خلیج فارس) سامان دهی به ساختارها و هماهنگی میان تولیدات کشاورزی و نیازهای کشاورزی بازارهای کناری ما، از اهمیت ویژه برخوردار است. برلی نمونه کشور ترکیه با برنامه های حساب شده تری، حجم صادرات کشاورزی خود را به کشورهای خلیج فارس افزایش چشمگیری داده است.

برای چیرگی بر این دشواری ها و افزایش هدفمند محصولات گوناگون کشاورزی، در راستای کاهش واردات کشاورزی و افزایش صادرات محصولات کشاورزی، سرمایه گذاری های بیشتر بایسته است، برای نمونه در برنامه اول، در حالی که نزدیک به 27 درصد از بودجه دولتی به بخش صنایع اختصاص داشت، تنها 5/4 درصد آن شامل حل بخش کشاورزی شد. این در حالی بود که ارزش افزوده بخش کشاورزی در مقایسه با بخش صنعت بیشتر می نمود. برای مثال در سال 1990 که صادرات کشاورزی سهم تعیین کننده در صادرات غیر نفتی داشت، واردات کالاها سرمایه ای برای بخش کشاورزی 8 برابر کمتر از بخش صنعتی هزینه در بر داشتند.

افزایش سرمایه گذاری های هدفمند، می تواند در خدمت بالا بردن سطح بهره دهی بخش کشاورزی از جمله از راه بکارگیری شمار بیشتری از کارشناسان صورت گیرد. کمپایی برای خودکامایی در زمینه گندم، علیرغم درستی یا نادرستی آن، نشانگر آنست که در صورت وجود هماهنگی های ضرور و سرمایه گذاری های هدفمند، می توان در افزایش کشت محصولات دیگر کشاورزی نیز موفقیت به دست آورد. افزون بر بهره گیری از کارشناسان، کوشش برای حل مشکل کم آبی و بی آبی زمین های کشاورزی از راه های گوناگون، می تواند به افزایش زمین های زیر کشت یاری دهد از سوی دیگر تولید کشاورزی هنوز در بیشتر روستاها سنتی است و بدون مکانیزه کردن آن و استفاده از ماشین آلات کشاورزی، در کنار کود شیمیایی و بذر و نهال، نمی توان به پیشرفت شتابان دست یافت.

کشاورزی به کدام سوی می رود

در بخش کشاورزی نیز با تزریق منابع نفت و گاز پیش و پس از سال 1979 روبرو گشتیم، ولی میزان پشتیبانی های دولت در این جا نسبت به بخش صنعت و خدمات کمتر بود. این پشتیبانی مالی به جای افزایش چشمگیر محصولات کشاورزی، بیشتر مصرفی شدن بازار روستا را در پی داشت. تزریق منابع مالی از جمله از راه تضمین قیمت محصولات کشاورزی، تهیه کود و سم و در حد محدودتری ماشین آلات مورد نیاز کشاورزان، تحقق یافت. مصرفی شدن روستاها و رشد مناسبات پولی اما، هنوز به معنای رابطه ی تنگاتنگ میان اقتصاد مناطق روستایی با بازار داخلی و خارجی نبود به گفته ی دیگر هنوز عنصر آشکاری از بسته بودن اقتصاد کشاورزی مشاهده می شد. انگیزه های آن را می توان از جمله در نارسایی برنامه ریزی ها، پراکندگی مناطق روستایی و کوچک بودن زمین های کشاورزی جستجو کرد. افزون بر آن پیوند ارگانیک و همه سویی ای میان تولیدات دهقانان و صنایع کشاورزی داخلی، وجود نداشت و ارگان های سازمان دهنده ی این جریان نیز یا شکل نگرفته بودند یا به صورت ناکارآمد عمل می کردند و به همین دلیل چگونگی کشت ها و واکنش ها در این زمینه غیر قابل پیش بینی بود. این دشواری تنها پهنه بازار داخلی را در بر نمی گرفته بلکه به ویژه در ارتباط با بازرهلی خارجی، نارسایی های خود را آشکار می کرد. از آنجا که محصولات کشاورزی در ایران به دلیل

بخش کشاورزی در جلب سرمایه های بخش خصوصی، بجز پاره ای از رشته ها مانند دامداری و مرغداری، کامیاب نبوده است. انگیزه ی آن را می توان بویژه در کم بودن سوددهی این بخش در سنجش با بخش بازرگانی جستجو کرد. اگر تزریق منابع نفت و گاز به بخش خصوصی فعال در زمینه ی کشاورزی، ارزیابی شده و هدفمند صورت گیرد و به انتقال این منابع به گونه ی پنهانی به بخش بازرگانی نینجامد، می توان امیدوار بود که جذب این سرمایه ها در کنار پشتیبانی های مستقیم و غیر مستقیم بخش دولتی، در افزایش کارایی بخش کشاورزی موثر واقع شود. در کنار دامداری و مرغداری، پهنه ی دیگری که می تواند برای سرمایه گذاران جذاب باشد، تولیدات صیفی است که از بهای بالاتری برخوردار است. برای بخش ماهیگیری که سهم آن در بخش کشاورزی بسیار ناچیز و نامتناسب با امکانات آبی ایران است نیز، می توان در صورت برنامه ریزی های درست به جذب سرمایه امینا و ربود.

به بخش کشاورزی باید از یک چشم انداز دیگر نیز نگریست. برای رشد پایدار می بایست واردات، بیشتر به ماشین آلات و بذر و نهال و کود شیمیایی اختصاص یابد، چرا که در بازار داخلی به دلیل نبود رشد بایسته، فراهم کردن گسترده ی آنان هنوز امکان پذیر نیست. داده های در دسترس اما برای نمونه در سال 1996، نشان دادند که تنها 20 درصد از ارزش واردات بخش کشاورزی به ماشین آلات اختصاص داشت هم چنین از کل واردات ایران نیز تنها 6 درصد به کود شیمیایی و بذر و نهال و ماشین آلات اختصاص یافت، اما نزدیک به 20 درصد آن (یا نزدیک به سه برابر آن) به فرآورده های کشاورزی برای مصرف کنندگان نهایی داخلی، مربوط گردید. از این روی کوشش برای دگرگونی در سیاست کشاورزی، در پیوند با بازرگانی برون مرزی نیز، بایسته است. برای گره گشایی این دشواری می توان با تکیه به صنایع پتروشیمی و دیگر بخش های صنعتی و کشاورزی، از سویی در ساختار واردات نافرآورده های کشاورزی (مانند کود شیمیایی) دگرگونی آفرید و بخش عمده ی واردات را به آن بخش هایی اختصاص داد (مانند ماشین آلات

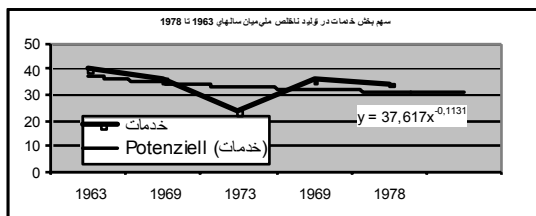
رشد بخش خدمات ناکارآمد و بازرگانی وارداتی

ارزیابی گروه خدمات و پرداختن به زیربخش های آن پیش و پس از سال 1979 دارای اهمیت ویژه است، چرا که این بخش در ارزش افزوده اقتصاد ایران از سهم بالا و رو به افزایشی برخوردار است به طور کلی می توان گفت که با روی کار آمدن حکومت اسلامی نیروی بازاریان در ساختار اقتصادی تقویت گردید و در پیامد آن، از یک سو فعالیت های خدماتی و بویژه واسطه گری در ایران گسترش یافت و از سوی دیگر از سهم صنعت در اقتصاد ایران کاسته شد. پیوند میان روحانیت و بازار که زمینه ساز این دگرگونی در ساختار اقتصاد ایران بود، کهنسال است. از دیرباز میان بخش بزرگی از دستگاه دینی و بازاریان، روابط گوناگونی به شکل ازدواج و یا مشارکت در بازرگانی وجود داشت و در پیامد آن بارها با دستور ملایان از گرایش بازاریان به شیوه های گوناگون، پشتیبانی شده بود برای نمونه در پاره ای موارد دستور به بستن بازار داده شد و یا به بست نشینی برای فشار به دولت های خارجی و زمامداران داخلی، رو آورده شد.⁽⁹⁹⁾ بازاریان که در جریان سرنگونی شاه یکی از سرچشمه های مالی جنبش خمینی بودند، پس از سال 1979 گام به گام جایگاه خود را در حکومت اسلامی استوار کردند و در بسیاری از نهادها مانند اتاق، بنیاد، سازمان، کمیته و غیره نفوذ نموده و به گونه ای گسترده نبض اقتصاد را به دست گرفتند. در این راستا بخش بزرگی

ضرور کشاورزی برای بالا بردن بهره دهی) که امکان جایگزینی آنان در کوتاه مدت فراهم نیست و از سوی دیگر با افزایش تولید محصولات کشاورزی برای بازار درون مرزی، میزان واردات نافرآورده ها را نسبت به فرآورده های مصرفی نهایی، بالا برد.

از بازار داخلی، صادرات و واردات، قرض الحسنه ها و در کنار آن پاره ای شرکت های تولیدی نیز در اختیار آنان قرار گرفت.⁽⁹⁰⁾ اگر چه همگام با دگرگونی گام به گام در ساختار اقتصادی و پیدایش نهادهای نوین و مدرن سرمایه ناری، نفوذ سنتی بازار با دشواری هایی روبرو می گردد، اما هنوز نهادهای سنتی از توان اقتصادی بالایی برخوردارند در ایران سهم بالای خدمات در تولید ناخالص ملی، افزون بر این عامل به دلیل رشد کم صنعتی است که آن را می توان هم چنین، بازتاب نفوذ اقتصادی-سیاسی بازاریان نیز دانست. پیش از روی کار آمدن حکومت ولایت فقیه، در پرتو افزایش قیمت نفت و گسترش سرمایه گذاری ها در بخش صنعتی، از سهم گروه خدمات میان سال های 1963 تا 1978 تا حدودی کاسته شده بود.

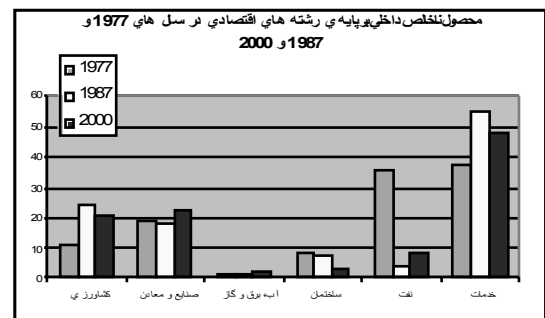
نمودار 117 - سهم بخش خدمات در تولید ناخالص ملی پیش از 1979



ضربه به رشد سرمایه ناری صنعتی ایران پس از سرنگونی شاه با تعطیلی کارخانه ها، جنگ، تحریم اقتصادی و بویژه تحریم نفتی و کاهش بهای آن، به جهش سرمایه گذاری در بخش بازرگانی منجر شد. بویژه در دوران جنگ، نقش بازرگانی داخلی از راه احتکار و قاچاق و دلالی و خرده فروشی به اقتصاد کشور گزند زیادی رساند. پایان جنگ و بازگشت اوضاع به روال پیشین، از بار این بحران تا حدودی کاست، ولی این گرایش منفی مانند بختکی بر روی پیکر اقتصاد ایران همواره سایه گسترده سیاست انگلی در بازرگانی داخلی را می توان بویژه در دو زمینه پررنگ

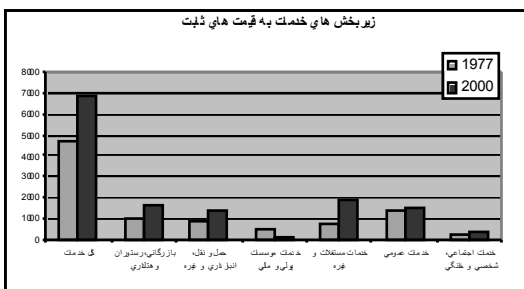
کرد: نخست اینکه با پایان جنگ بسیاری از نیازهای طبیعی و مصرفی مردم که در این سال ها با اجرای سیاست "جیره بندی جنگی" برآورده نشده بود، می بایست در فاصله کوتاهی برطرف شود. ورود کالاهای مورد نیاز مردم از خارج در زمانی کوتاه به صورت قانونی و غیر قانونی با وجود موانعی که دولت ایجاد کرده بود پاسخ به این نیاز بود. دوم اینکه صنایع ویران و بازسازی نشده ی ایران، در چنان وضع ناگواری قرار داشتند که تنها می توانستند به برآورده کردن بخش کوچکی از این نیازها، آن هم با کیفیت بسیار نامرغوب، پاسخ دهند. برآیند این دگرگونی ها، افزایش چشمگیر سهم خدمات در تولید ناخالص ملی بود. این در حالی بود که همزمان سهم بخش های دیگری مانند صنایع و نفت و ساختمان، رو به کاهش جدی می رفت. سهم خدمات که در سال 1977 تنها 35.4 بود، در فاصله ی کوتاهی به 54.7٪ در سال 1987 رسید و تازه پس از بازسازی هایی در بخش صنعتی و نفت، به 44.5٪ در سال 1997 کاهش یافت. در این سال ها تنها بخشی که به طور جدی سهم خود را در تولید ناخالص داخلی افزایش داد، بخش کشاورزی بود که برای تأمین نیازهای نخستین مردم و در نبود ارز کافی برای ورود محصولات کشاورزی از خارج، افزایش سهم آن ناگزیر می شود.

نمودار 118 - سهم بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی در 3 برش



با نگاهی به زیربخش های گروه خدمات و سهم آنان در تولید ناخالص داخلی، در مقایسه ی سال های برگزیده ی 1977 و 2000، روشن می شود که بیشترین افزایش در زیربخش های مستقلات و بازرگانی و رستوران و هتلداری صورت گرفته است. در این میان کل بخش خدمات در این فاصله رشدی چشمگیر را آشکار می کرد. خدمات مستقلات در سال 1977 به قیمت های ثابت سال 1361، برابر با 705.9 میلیون ریال و در سال 2000، 1834.1 میلیون ریال، همانا 260 درصد افزایش داشت. خدمات بازرگانی نیز در این برش از 1047.2 میلیون ریال در سال 1977 به 1645 میلیون ریال در سال 2000 رسید. تنها بخشی که سهم اش در بخش خدمات کاهش یافت، زیربخش خدمات مؤسسات پولی و مالی بود چرا که پس از سرنگونی شاه بانک ها دولتی شدند و با بروز جنگ و کاهش توانایی مالی کشور، از کارایی محدود آنان نیز کاسته شد و دادن خدمات کافی به بخش های گوناگون اقتصادی، از جمله به بخش خدمات، به دلیل نبود امکانات مالی و ورشکستگی اقتصادی جنگی، مانند گذشته عملی نبود.

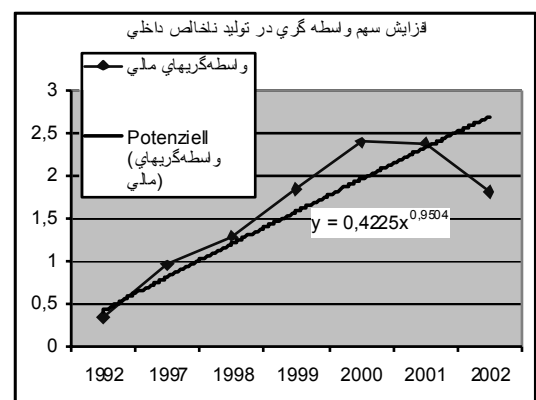
نمودار 119 - زیربخش های خدمات به قیمت های ثابت



بی برنامه گی ها و یا برنامه ریزی های نادرست و نیز گرایش بخش های بزرگی از سرمایه ناری ایران که سود خود را نه در سرمایه گذاری صنعتی، بلکه در شرکت

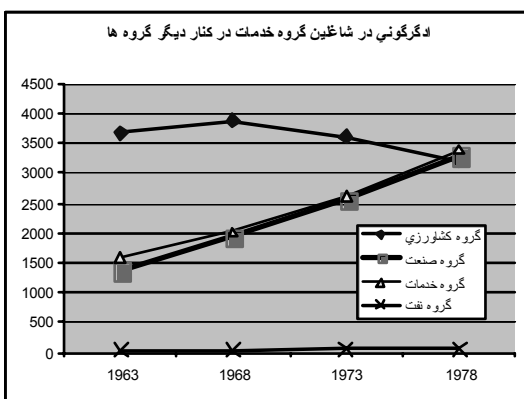
در امور بازرگانی و داد و ستد می دیدند، به افزایش سهم واسطه گری در بخش خدمات انجامید. ورود کالا از خارج به صورت قانونی و غیر قانونی از سوی بازرگانان و دست اندرکاران بازار و دست به دست شدن چدین باره ی این کالاها تا رسیدن به دست مصرف کننده ی پایانی، یکی از دشواریهای اقتصاد بیمار ایران بوده و هست. در سال ها 1992 سهم واسطه گری در تولید ناخالص داخلی تنها 0.34٪ از تولید ناخالص داخلی بخش خدمات بود. این سهم در سال 2001 به 2.38٪ رسید، همانا افزایشی نزدیک به 7 برابر. بدین گونه در این برش مورد بررسی، مقام نخست در افزایش سهم در مقایسه با دیگر زیربخش های گروه خدمات را، واسطه گری به خود اختصاص داد. انگیزه ی این افزایش را می توان از جمله در گسترش ورود کالاهای قاچاق جستجو کرد. حجم واردات قاچاق که میان 4 تا 14 میلیارد دلار تخمین زده می شد، افزون بر هدر دادن دلارهای نفتی، به از میان رفتن فرصت های شغلی نیز می انجامید.⁽²⁰¹⁾

نمودار 120 - افزایش سهم واسطه گری در تولید ناخالص داخلی



در برش 1963 تا 1978، اگر چه از سهم بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی کاسته شد، ولی شمار کارکنان در این بخش بیش از دو برابر افزایش یافت. اگر در سال 1963 میزان اشتغال در بخش کشاورزی بیش از دو برابر بخش صنعت و نیز بخش کشاورزی بود. در پایان حکومت شاه در سال 1978 میزان اشتغال در هر سه بخش کشاورزی و خدمات و صنعتی تقریباً برابر و نزدیک به 3 میلیون نفر بود (گروه کشاورزی 3 میلیون، صنایع 2.8 میلیون و خدمات 3.2 میلیون نفر). در این میان گروه نفت از دیدگاه ایجاد اشتغال سهم زیادی به خود اختصاص می داد. این روند نشانگر رشد صنعتی کشور در کنار سهل انگاری به بخش کشاورزی بود.

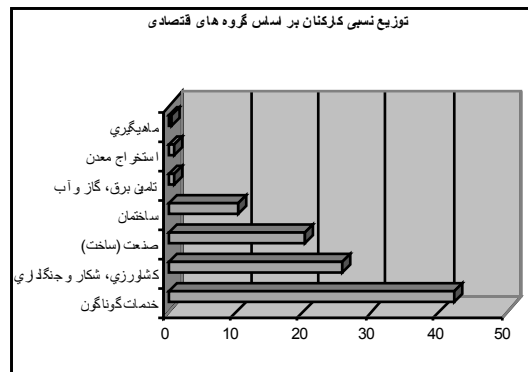
نمودار 121 - دگرگونی در شاخصین گروه خدمات در کنار دیگر گروه ها



بی توجهی به رشد صنعتی و در پیش گرفتن سیاست جنگ افروزان و ویرانی بخش بزرگی از صنایع کشور، به آنجا انجامید که میزان اشتغال در بخش خدمات افزایش چشمگیر یافت. بدین گونه که سهم برابر شاغلان میان سه بخش کشاورزی و صنعتی و خدماتی در سال 1978، به نسبت 43.9٪ اشتغال در بخش خدمات در

برابر 25.6٪ اشتغال در بخش کشاورزی و تنها 1.82٪ اشتغال در بخش صنعت در سال 2002 رسید، همانند نزدیک به 40٪ کاهش نسبت به بخش خدمات در سال 1978. رشد کند صنعتی و در پاره‌ای زمینه‌ها ایست آن، بازتاب خود را بویژه در بخش خدمات و افزایش سهم آن در تولید ناخالص داخلی نشان داد. افزایش سهم زیربخش واسطه‌گری در گروه خدمات با سیاست‌گذاری‌های نادرست، سودجویی بخش بزرگی از سرمایه‌ناری بازرگانی و گسترش فساد در دستگاه بوروکراتیک ایران پیوند تنگاتنگ داشته و دارد.

نمودار 122 - کارکنان بخش خدمات در کنار دیگر گروه‌های اقتصادی



به گونه فشرده می‌توان از روند گسترش بخش خدمات در پهنای و ژرفای سخن گفت. این پروسه تنها ایران را در بر نمی‌گیرد بلکه گرایش‌های کم و بیش همسانی در کشورهای پیشرفته‌ی سرمایه‌ناری هم خودنمایی می‌کنند. تفاوت‌ها در این جاست که پراکندگی سرمایه‌ی و نیروی کار در زیربخش‌های خدمات و روند رشد آن، در ایران ناهنجار بوده و در پیامد آن ارزش افزوده‌ی آن، ناچیز است. از سوی دیگر ساختار این بخش، بویژه زیربخش بازرگانی، هنوز تا حدی سنتی است و خود را با نیازهای بخش‌های دیگر اقتصاد پیوند نزده و در خدمت بهبود تراز بازرگانی خارجی عمل نمی‌کند.

پیش از سال 1979 در بخش خدمات، با نشانه‌هایی از پیلایی سرمایه‌های انحصاری بازرگانی برای کنترل بازار داخلی و انحصار بازرگانی خارجی روبرو بودیم. به این گونه که نزدیک به 80 تا 90 درصد سرمایه‌ها در این بخش در دست 3 تا 5 درصد از بازرگانان و واسطه‌های بزرگ قرار داشت²⁴. دخالت دولت در امور بازرگانی محدود بود و شبکه گسترده‌ی فروشندگان و واسطه‌ها و دلالت کوچک در کنار بازرگانان بزرگ عمل می‌کردند. با افزایش قیمت نفت در دهه‌ی هفتاد میلادی و همزمان با آن بالا رفتن تورم و گرانی کالاها، دولت ناچار به واکنش

هایی شد که از آن میان می‌توان به مبارزه با گران‌فروشی و بازار سنتی، دخالت محدود در ورود کالاها و نیز گسترش فروشگاه‌های زنجیره‌ای، اشاره کرد. پس از سال 1979 در ساختار بخش خدمات و بویژه زیربخش بازرگانی دگرگونی‌هایی رخ داد. این تغییرات با حضور بیشتر بازاریان در دستگاه زمامداری نوین در ارتباط بود. برآیند این دگرگونی‌ها را از جمله افزایش سهم بخش خدمات در تولید ناخالص ملی و گسترش کارکنان این بخش در مجموع شاغلین کشور، آشکار می‌کرد.

با انباشت سرمایه در دست بازرگانان بزرگ، گرایش محدودی به سرمایه‌گذاری در بخش صنعتی با پشتیبانی دولت دیده می‌شود، ولی این پروسه در خدمت بهبود ساختار اقتصاد در مجموع آن نیست. دلایل آن را می‌توان از جمله در کنش و واکنش‌های زیر جستجو کرد. نخست اینکه ساختار تزریق سرمایه از سوی دولت و چگونگی درآمدهای این سرمایه‌ها با سرمایه‌های بخش خصوصی و بویژه بخش بازرگانی، به فرایند تولید داخلی و بهبود تراز بازرگانی خارجی کمک نمی‌رساند. از نشانه‌های آن درصد کم بخش صنعت در تولید ناخالص ملی و افزایش کسری تراز بازرگانی خارجی است. هم‌چنین واحدهای تولیدی اقتصادی نوین که با همکاری انحصارهای بین‌المللی و بخش خصوصی و دولتی ایجاد می‌شدند، تا پیش از کوشش‌ها برای ورود به سازمان تجارت جهانی و کاهش تعرفه‌های گمرکی، برای تلفین نیاز بخشی از بازار داخلی پایه‌گذاری گردیدند. انحصار تولید بویژه در پاره‌ای از بخش‌ها، گسترده بود. در این راستا به دلیل انحصاری بودن بازار و ناکارایی سیستم مدیریت، کیفیت کالاها نامرغوب و بهای آنان نیز بالا بود، ولی با این وجود برای فروش آن در بازار بسته‌نشواری زیادی وجود داشت. در افزایش بهای کالاها ساختار شده شبکه‌ی پیچیده‌ی فروش و حضور گسترده واسطه‌ها نیز بی‌تاثیر نبود. افزایش درآمدهای نفتی و بالا رفتن گام به گام درآمد سرانه، بویژه پس از پایان جنگ از سویی و نیاز به کالاها مرغوب و با کیفیت برای جامعه‌ی مصرفی داخلی از سوی دیگر، ورود کالاها خارجی به صورت

قانونی و قاچاق را افزایش داد. برآیند این کنش و واکنش‌ها اینکه، برای بخش خصوصی بویژه بخش بازرگانی که گوشه‌ای از سرمایه‌ی خود را در صنایع انحصاری داخلی سرمایه‌گذاری کرده بود، سودآوری کاهش یافت و جریان انتقال سرمایه‌ها چه سرمایه‌های تزریقی مستقیم و غیر مستقیم از بخش دولتی و سیستم بانکی و چه سرمایه‌های بازرگانی-صنعتی، از بخش صنعت انحصاری به بخش سنتی بازرگانی، شتاب یافت. کوشش برای ورود به سازمان تجارت جهانی و باز کردن دروازه‌های کشور به روی کالاها خارجی از راه کاهش تعرفه‌های گمرکی، هم چنین ناپایداری‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و تنش‌های خارجی، نه تنها به شتاب انتقال سرمایه‌ها به بخش خدمات افزود، بلکه پروسه انتقال سرمایه‌ی این بخش به خارج از کشور را نیز، سرعت بخشید.

رشد بورژوازی تجاری و گسترش واسطه‌گری را می‌توان از جمله در شمار بالای فروشگاه‌ها نسبت به جمعیت کشور مشاهده کرد. برای نمونه در سال 1988 در ایران برای هر 20 نفر یک فروشگاه وجود داشت، در حالی که در فرانسه برای هر 66 نفر و در انگلستان برای هر 185 نفر یک فروشگاه فعال بود.²³ درآمد‌های بالای واسطه‌گری نیز انگیزه‌ای شد برای روی آوردن به کارهای دلالتی و واسطه‌گری بی‌دلیل نبود که در بخش بازرگانی نزدیک به 20 درصد از افراد متخصص مشغول به کار بودند و بازار خرید و فروش ارز که درآمدی بیش از کارکنان ارشد دستگاه دولتی به همراه می‌آورد، بخشی از نیروی کار را به سوی خود می‌کشاند.²⁴ واسطه‌گری گسترده نه تنها در بخش اجناس وارداتی رسمی و غیر رسمی، بلکه در پهنای تولیدات داخلی نیز افزایش یافته و بخش کشاورزی را نیز در بر می‌گیرد. آزاد بودن از پرداخت‌های مالیاتی نیز، یکی از انگیزه‌های کثاری شرکت نیروی کار در این بخش است. علیرغم افزایش شمار فروشگاه‌های کوچک و رشد واسطه‌گری و دلالتی‌های خرید گرایش‌های انحصاری بورژوازی بزرگ ایران، در این زمینه نیز مانند بخش صنعتی آشکار است. به این معنی که کنترل بازارهای

بزرگ در دست دولت و بازرگانان بزرگ و گروه‌های ویژه و نزدیک به دستگاه زمامداری و وابسته به بازارند. پیامد این کنش و واکنش‌ها اینکه، درآمد نفت و گاز از رله‌های گوناگون به طور عمده به بخش خدمات و بویژه به زیربخش بازرگانی انتقال می‌یابد انباشت سرمایه در دست این بخش، نیروی اقتصادی آنان و نیز تأثیرگذاری فرهنگی و اجتماعی و سیاسی این گروه را که در نهادهای دولتی و نیمه دولتی و غیر دولتی گوناگونی جای دارند، گسترش می‌دهد. این توان چندسویه، یکی از عواملی است که راه دستیابی به تصمیم‌گیری‌های کارا و پیاده کردن آن را، برای رهایی کشور از اقتصاد تک محصولی، به بند می‌کشد نتیجه دور بلطلی است که سال‌هاست ادامه دارد: از یک سو افزایش واردات کالاهای خارجی، کالاهای تولید داخل را که توان رقابت ندارند، از صحنه خارج می‌کنند و بسیاری از واحدها را به ورشکستگی می‌کشاند و از سوی دیگر تولید نامرغوب و کم در صنایع داخلی، انگیزه‌ای می‌شود تا واردات قانونی و غیر قانونی کالاهای خارجی روز به روز افزایش یابد.

از آرمان‌های دادگراانه تا واقعیت‌های روزمره

می‌توان گفت هواداری توده‌ی مردم از خمینی در جریان انقلاب، با طرح شعار "عالت اجتماعی" از سوی او و نیز سخنگویانش در گرد همایی‌های اعتراضی پیوند داشت. پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی اما نارسایی‌های مدیریتی و شکاف‌های طبقاتی افزایش یافت. ندانم‌کاری‌های در کنار تنگ نظری‌های مذهبی و گروهی در اداره‌ی کشور دشواری‌های تازه‌ی در پهنه‌های مانند بهداشت و آموزش و فرهنگ بوجود آوردند. در زمینه درمانی و بهداشتی با ادامه‌ی بیهوده‌ی جنگ، نه تنها بخش مهمی از سرمایه‌هایی که می‌بایست در بخش‌های کلیدی اقتصاد برای جبران واپس ماندگی کشور سرمایه‌گذاری شود، به خرید تسلیحات آن هم با هزینه‌های گزاف در بازار سیاه جهانی اختصاص یافت، بلکه تاویم آن به ویرانی شمار زیادی از روستاها و شهرها و نیز از میان رفتن همان امکانات محدود خدمات درمانی موجود انجامید این درگیری‌های نظمی میلیون‌ها کشته و معلول بر جای گذاشت و تلاش حکومت ملایان چند سالی پس از پایان جنگ، هنوز در چارچوب بازگرداندن شرایط به موقعیت پیش از آن و سر و سامان دهی به وضع گران‌کننده پیش آمده بود. در زمینه‌ی آموزشی و فرهنگی، چیرگی جنجالی‌های دگم‌اندیش مذهبی تا به آنجا کشید که همه‌ی دانشگاه‌ها بسته شدند و موج گسترده‌ای از برکناری نیروهای دگم‌اندیش در تمامی موسسات آموزشی و فرهنگی و دیگر

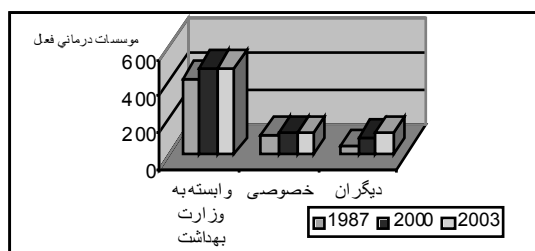
دستگاه‌های اناری آغاز شد. بازگشایی دانشگاه‌ها پس از "انقلاب فرهنگی-اسلامی" نیز، نخست تنها کسانی را در بر گرفت که یا از هواداران نیروهای اسلامی حاکمیت بودند و یا بخش کوچکی از دانشجویان پیشین را شامل می‌شدند. برای ضربه پذیرش دانشجویان در مراکز آموزش عالی از شمار 56257 تن در سال 1979 به نزدیک یک چهارم خود، همانا 13045 دانشجو در سال 1981 کاهش یافت.⁽²⁰⁵⁾ در این چارچوب رسانه‌های گروهی و زندگی فردی و خصوصی مردم مورد یورش دگم‌اندیشان اسلامی قرار گرفت. موسیقی ممنوع شد، فیلم‌ها سانسور سیاسی اسلامی گردیدند، حجاب اسلامی اجباری شد و پس از یک دوره‌ی کوتاه، خفقان شدیدی همه‌ی ارکان جامعه را فرا گرفت. در این راستا با یورش به همه‌ی سازمان‌های دگم‌اندیش زنان‌ها پر شد و در فاصله‌ی چند سال حکومت ترور، هزاران نفر در زندان‌ها اعلام یا زیر شکنجه کشته شدند. تنها در سال 1989 و به فرمان خمینی، نزدیک به ده هزار تن از زندانیان سیاسی که پاره‌ای از آنان دوره‌ی زندانی خود را نیز پشت سر گذاشته بودند، بودن هیچ حکم مجازاتی در درازای چند ماه به جوخه‌های مرگ سپرده شدند و تاکنون فقط نام 4835 تن از آنان شناسایی شده است.⁽²⁰⁶⁾

پس از بازسازی بخشی از خرابی‌ها و برای رفع نیازمندی‌های جامعه، گام به گام پاره‌ای از سیاست‌های تدریجانه کاهش یافت و روند بازسازی امور آغاز و با تمام نارسایی‌ها در پاره‌ای زمینه‌ها پیشرفت‌هایی صورت گرفت. این نگرگونی به ویژه در امر آموزش عالی، مبارزه با بیسودی، و در سال‌های توان‌گیری اصلاح طلبان، در زمینه‌ی آسانسازی محدود مطبوعات و فیلم و کتاب و موسیقی و نیز آزادی‌های فردی و پاره‌ای زمینه‌های دیگر، با وجود تمامی افت و خیزها و بگیر و ببندها، دیده شد. در کنار این دشواری‌ها، به گسترش استفاده‌ی مواد مخدر نیز باید اشاره کرد که به دلیل همسایگی ایران با افغانستان با قیمت کم در دسترس بوده و هست در ایران برای نمونه در سال 2004 هر ساعت 44 تن به دلیل شرکت در خرید و فروش مواد مخدر دستگیر شدند و در درازای سه سال نزدیک به یک

میلیون تن به زندان افتادند نبود اشتغال نیز از انگیزه‌های گسترش اعتیاد مواد مخدر بود.⁽²⁰⁷⁾

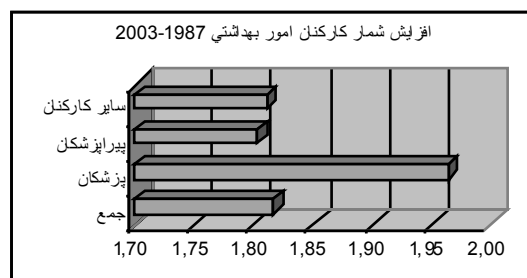
در این گستره می‌توان نخست به وضع درمانی در ایران نگاهی انناخت. شمار زیادی از موسسات درمانی ایران، به بخش دولتی تعلق دارند. برای نمونه در شش سال میان 1987 تا 2003، شمار موسسات وابسته به وزارت بهداشت از 426 موسسه به 488 موسسه افزایش یافت و تخت‌های بیمارستان از 56811 به 77300 رسید سهم بخش خصوصی در این زمینه، ناچیز بود و شمار این موسسات از 117 تنها به 120 عند افزایش یافت افزایش شمار تخت‌ها و موسسات دیگر، که گویا باید مربوط به ارتش و سپاه و دیگر ادارات انتظامی باشد، محسوس بود. شمار این گونه موسسات در این فاصله بیش از دوبرابر گردید نارسایی وضع درمان و بهداشت را در این واقعیت می‌توان دید که در تمام کشور با جمعیتی بیش از 60 میلیون، در سال 2004 تنها 730 درمانگاه و بیمارستان و 110797 تخت وجود داشت. بدین گونه برای هر 631 نفر تنها یک تخت در دسترس بود. در حالی که در همین سال شمار تخت بیمارستان‌ها برای نمونه در ترکیه دو برابر و در کره جنوبی و آلمان نزدیک به چهار برابر ایران بود.⁽²⁰⁸⁾ ما در این میان به کیفیت نامطلوب درمانگاه‌ها، وسایل نارسای پزشکی و درمانی، توزیع ناعادلانه‌ی موسسات در پهنه‌ی کشور و هزینه‌های بالای درمانی اشاره نکرده‌ایم.

نمودار 123 - شمار موسسات درمانی



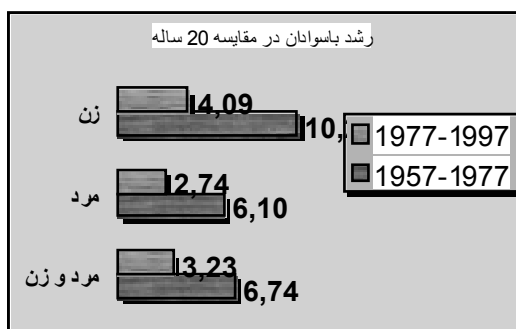
در همین فاصله ی زمانی بیشترین افزایش را می شود در شمار پزشکان دید که آن هم با راه اندازی دوباره ی سیستم آموزش عالی پس از وقفه ی سال های نخست حکومت ملایان، پیوند داشت. شمار پزشکان در سال 1987 میلادی 10944 نفر بوده که به 21496 رسید و بدین ترتیب برای هر 3256 نفر شهروند یک پزشک وجود داشت. شمار پیراپزشکان و سایر کارکنان نیز در این برش افزایش یافت.

نمودار 124 - افزایش شمار کارکنان امور بهداشتی



برای مبارزه با بیسوادی نیز اقداماتی صورت گرفت در این میان افزایش شمار باسوادان را میان دو برش تاریخی 1957-1977 در دوران شاه، و سال های 1977-1997 در دوره حکومت اسلامی، مقایسه کرده ایم. در دوران شاه در سال 1957 میلادی 1.9 میلیون نفر با سواد بوده و این تعداد در سال 1977 به 12.87 میلیون نفر رسیده بود (در برابر 12.87 میلیون نفر به 41.8 میلیون نفر). رشد بیست ساله ی باسوادان دوران شاه برای زنل و مردان بیش از 6 برابر و در دوران حکومت اسلامی نزدیک به 3 برابر (بیم آن) می نمود این میزان در میان مردان 6.10 برابر (چ 2.74 برابر) و در میان زنان 10.24 برابر (چ 4.9 برابر) گشت با وجود این رشد در زمان شاه درصد کسانی که وارد سیستم آموزشی ابتدایی و متوسط می شدند در ایران به میزان 43 درصد بود که کمتر از میزان آن در منطقه با درصدی برابر با 55 درصد می نمود.⁽²⁰⁹⁾

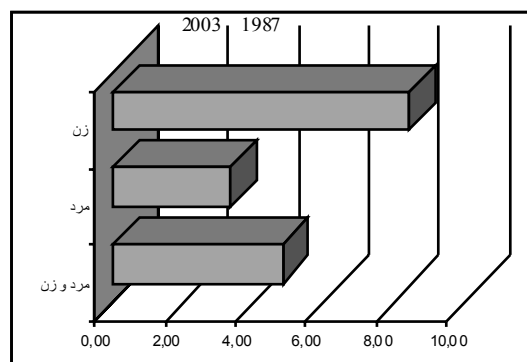
نمودار 125 - رشد باسوادان در مقایسه 20 ساله



پس از "پاکسازی" گسترده در دانشگاه ها و بیرون راندن دگراندیشان و آوردن خانواده ی شهیدی "خودی" و معلولین جنگ به جای آنان و نیز بازگرداندن بخشی از دانشجویان پیشین به کلاس های درس، شمار مرکز آموزش عالی و دانشجویان گسترش یافت در فاصله ی سال های 1987 تا 2003 شمار دانشجویان موسسات آموزش عالی دولتی از 167971 نفر به 809567 رسید، همانا نزدیک به 5 برابر با وجود سختگیری فراوان نسبت به زنان برای گزینش رشته های مورد نظر خود، دختران دانشجو نیکت های دانشگاه ها را پرکردند و با گذشتن از سد آزمون های ورودی بشوار دانشگاه ها (کنکور) به سهم خود در گستره ی آموزش عالی افزودند شمار دختران دانشجو در این سال ها (از 49085 نفر به 412848 نفر) بیش از هشت برابر شد، در حالی که تعداد دانشجویان پسر در همین فاصله از 18860 نفر به 396719 یا کمی بیش از سه برابر رسیده بود. به این ترتیب شمار دختران دانشجوی مراکز آموزش عالی که در سال 1987 میلادی 69801 نفر کمتر از پسران بود، چنان افزایش یافت که در سال 2003 با کاهش شمار پسران دانشجو به میزان 16129 نفر روبرو گشتیم هجوم زنان به دانشگاه ها و افزایش حضور

آنان در همه ی پهنه های آموزشی و فرهنگی و هنری و اقتصادی در سال های مورد ارزیابی پاسخی بودا اعتراضی به سیاست ضد زن حکومت اسلامی. با وجود افزایش شمار دانشجویان، بازار کار برای فارغ التحصیلان بسیار کوچک است. برای تامین اشتغال بخشی از آنان که با دشواری بیکاری روبرو بودند، در سال 2003 طرحی درباره ایجاد "سپاه صنعت" برای رشته های مهندسی در نظر گرفته شد که بر پایه ی آن دانشجویان می توانستند دو سال خدمت را در واحد های صنعتی بگذرانند و در کنار تئوری از تجربیات کاری نیز برخوردار شوند تا بدین گونه از شرایط بهتری برای کارایی برخوردار گردند آینده ی این طرح ها روشن است.⁽²¹⁰⁾

نمودار 126 - افزایش شمار دانشجویان زن و مرد



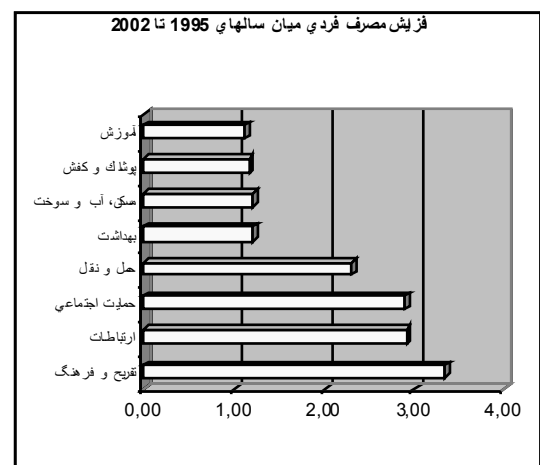
در ایران از دیرباز مناسبات پد رسالاری فئودالی که با گرایش های اسلامی در پیوند بود، بسیاری از لکانات را از زنان می گرفت. تا پایان دوران ساسانی، زنان در ایران از موقعیت نسبتاً مطلوب تری برخوردار بودند و نوشته های "اوستا" کتاب دینی زرتشتیان و ناده های باستان شناسی نیز نشانگر آنند که این گرایش ایرانیان

تا پیش از پذیرش اسلام، کم و بیش پایدار مانده بود.⁽²¹¹⁾ نخستین تلاش ها برای رهایی زنان از زیر ستم دوگانه ی جامعه ی سنتی - فئودالی، گذشته از پاره ای مبارزات زنان در سده ی 19 و انقلاب مشروطه، به دوران رضا شاه بازمی گشت. سیاست زورمبارانه ی وی در مورد "رفع حجاب از زنان"، بیشتر به گسترش ظاهری آزادی زنان توجه داشت. با این وجود، در دوران او نقش زنل در زندگی اقتصادی واجتماعی بیشتر شد و این سیاست مورد اعتراض جدی روحانیون سنت گرا قرار گرفت. محمدرضا شاه در پیاده کردن این سیاست ابزارهلی ملایم تری را به کار برد، ولی او نیز با واکنش ها و پرخاش های گوناگون روحانیون از جمله در مخالفت با شرکت زنان در انتخابات روبرو شد، که با سرکوب بخشی از آنان و تبعید خمینی به خارج از کشور، این موج اعتراضی برای مدتی فروکش کرد. با برپایی سیستم ولایت فقیه، بخشی از حقوقی که زنان در جریان مبارزات صد ساله ی خود به دست آورده بودند، از دست رفت و سیاست کنار گذاشتن آنان از پاره ای از بخش های اقتصادی در پیش گرفته شد در این پیوند حقوق زنان در برابر مردان در امر زناشویی و دادگاه ها و غیره کاهش یافت و مقررات سخت و اجباری رعایت حجاب اسلامی به اجرا در آمد. برای پیاده شدن دقیق این قوانین واپسگرایانه نیرو های ویژه لی نیز سازماندهی شد و کنترل منظم پلیسی در خیابان ها به اجرا در آمد و با وجود کاهش فشارها در پاره ای برش ها، این روند ادامه یافت برای نمونه در سال 2004 تنها در یک حرکت پلیسی 180 زن در خیابانها دستگیر شدند که گویا خود را اسلامی نپوشانده بودند. از این میان 69 تن به دادگاه ها سپرده شدند و افزون بر آن 1250 تن نیز جریمه شدند که میزان جریمه بالا بود برای محاکمه شده ها نیز لیکن زنان تا دو ماه وجود داشت.⁽²¹²⁾ از سویی گسترش قوانین اسلامی و واکناری اختیارات گسترده به مردان و تلاش برای سنتی کردن توده ها، و از سویی دیگر دگرگونی های نکلزیر اجتماعی، بیباری توده ها و تأثیر رسانه های گروهی مخالف رژیم در داخل و خارج، به تنش های جدی و نیز ناهنجار های اجتماعی کشیده شد. گسترش ازدواج دختران خردسال و نوجوان با

مردان پیر یا مرثانی که همسر نارند، در کنار فاری و بیکاری، به متلاشی شدن خانواده ها و در پاره ای مناطق سنتی و بویژه روستاهای ایران، به قتل زنان به دلایل "ناموسی"، یا گسترش خودکشی ها و خودسوزی های زنان انجامید برای نمونه رشد شمار خودکشی ها میان زنان در سال 2000 در یک استان جذوبی ایران 35.5٪ بود. گسترش روسپیگری و صدور زنان به کشورهای کناری خلیج فارس و رو آوردن به مواد مخدر بازتاب دیگر نظام سنتی و ناکاراست.⁽²¹³⁾

زنان ایران در برابر این نابرابری ها پایا ری می کنند و در شرایط کنونی جذب اعتراضی آنان یکی از سنگ پایه های مبارزات ضد ولایت فقیه و ضد تنگ نظری مذهبی، علیه رژیم اسلامی است. یکی از این نشانه ها، حضور گسترده ی آنان در آموزشگاه های عالی کشور بود. این گرایش در کنار انگیزه های دیگری مانند جوان شدن جامعه، دشواری تأمین بازار کار برای این نیروی بزرگ، گرایش کهن ایرانیان به کسب دانش، و نیز سوددهی سرمایه گذاری در بخش آموزشی، حکومت اسلامی را بر آن داشت که علیرغم تملی نگم گرایی های خود در امر کنترل بخش آموزشی (بویژه آموزش عالی کشور، که در سال های نخست روی کار آمدن با موج اعتراضی آن به سختی دست و پنجه نرم کرده بود) با گشایش دانشگاه های خصوصی زیر نام "دانشگاه آزاد اسلامی" موافقت کند. دانشگاه های آزاد در بسیاری از شهرهای کوچک ایران نیز گشایش یافت، و با وجود آزمون سراسری برای ورود به دانشگاه ها در هر دو سیستم دانشگاهی، ورود به آنان برای جوانان ساده تر ولی با هزینه ی بیشتری توأم بود. شمار دانشجویان دانشگاه های خصوصی در فاصله ی سال های 1987 تا 2003 از 5996 نفر به 182009 نفر رسید و از بخش دولتی پیشی گرفت. باید دانست که در سال 1987 شمار دانشجویان دانشگاه های دولتی سه برابر دانشجویان دانشگاه های خصوصی بود. بدین گونه بخش بزرگی از آموزش عالی در ایران، در اختیار بخش خصوصی واپسته به دستگاه زمامداری قرار گرفت. در دانشگاه های خصوصی نیز، شمار دانشجویان زن از مرد بیشتر شد. علیرغم افزایش شمار دانشجویان، امکان کارایی

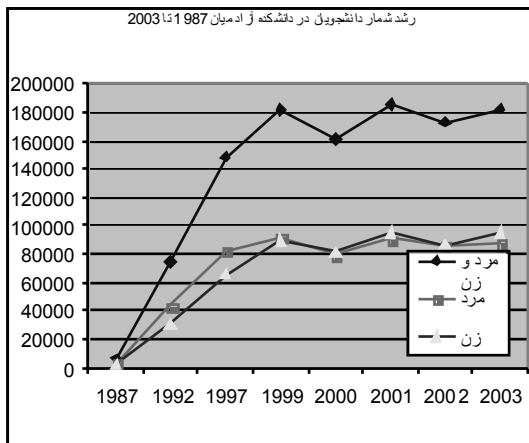
نمودار 128 - افزایش مصرف فردی میان سالهای 1995 تا 2002



افزایش شمار کتابهای نوشته و برگردان شده میان سال های 1987 تا 2003 نشانگر باز شدن محدود فضای سیاسی و کمتر شدن فشار سانسور و کنترل وزارت "ارشاد اسلامی"، اداره ی رسمی سانسور دولت اسلامی، بود در این فاصله شمار کتاب های تازه نوشته شده از 2593 در سال 1987 به 2662 رسید و هر یک به برابر افزون شد و کتاب های برگردان نیز از 1030 به 7928 افزایش یافت و نزدیک به 8 برابر گردید. افزایش شمار کتابخانه ها نیز اگر چه هنوز تا رسیدن به سطح کشورهای پیشرفته فاصله ی فرسنگی داشت، از یک سو نشانی از گشایش محدود فضای بسته در سال های نخست پس از روی کار آمدن حکومت اسلامی داشت و از سوی دیگر گرایش رو به فزون مردم به خواندن و پژوهش را بازتاب می داد.

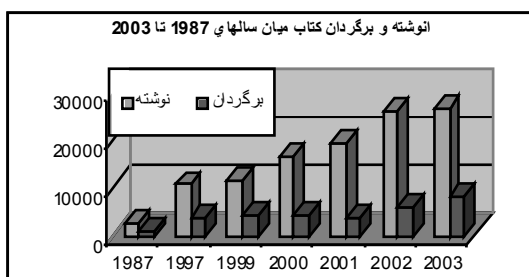
پس از پایان دانشگاه کم است و به همین دلیل بخش بزرگی از فارغ التحصیلان، در رشته های غیرتخصصی کار می کنند. در زمینه پژوهشی نیز روند افزایش اعتبارات در ایران به علت وجود تورم زیاد، به گونه ای یکنواخت نزولی است و در این زمینه نیز امکانات بایسته در دسترس کارشناسان بالا نیست.⁽²¹⁴⁾

نمودار 127 - رشد شمار دانشجویان در دانشگاه آزاد

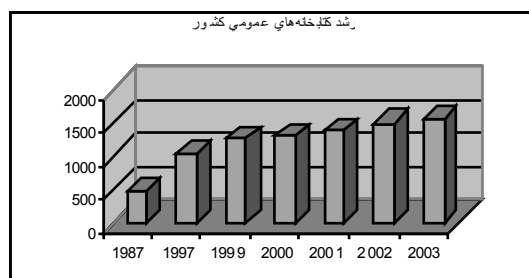


بهبود نسبی اقتصادی را که بویژه بازتاب افزایش درآمد نفت و پاره ای دگرگونی های سیاسی مثبت ولی ناپایدار در سال های پس از 2000 بود می شود در رشد گوشه ای از شاخص های مصرف فردی، مانند تفریح و فرهنگ و ارتباطات و حمایت های اجتماعی و حمل و نقل دید این افزایش در بخش های دیگر مانند بهداشت و مسکن و پوشاک و آموزش به یک میزان بود. با وجود افزایش چشمگیر شمار دانشجویان، افزایش سهم آموزش در مصرف فردی تمامی جامعه هنوز ناچیز می شود.

نمودار 129 - نوشته و برگردان کتاب میان سالهای 1987 تا 2003



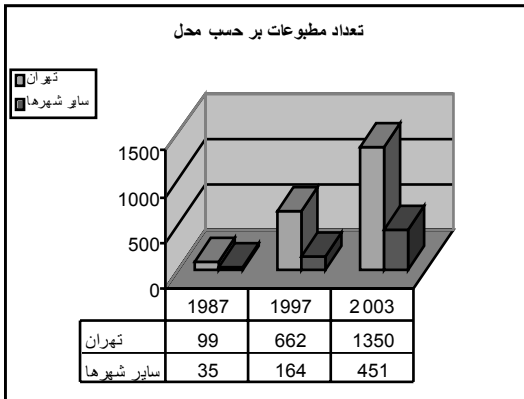
نمودار 130 - شمار کتابخانه های عمومی



تحصیل خاتمی به عنوان رییس جمهور از سوی مردم با اکثریت بالا در انتخابات ریاست جمهوری و شکست نماینده ی جناح های واپس گرا و محافظه کار اسلامی، همراه با خواست های روزافزون مردم و فشارهای مستقیم و غیرمستقیم به دستگاه حکومتی، نه تنها به دگرگونی در جو مرکز آموزش عالی و رشد جذب های دانشجویی و اعتراضات گسترده در این بخش انجامید، بلکه مطوعت و دیگر رسانه های گروهی را نیز زیر تأثیر خود گرفت. بیشترین افزایش در شمار

اگر چه بخش بسیار بزرگی از مطبوعات کشور در تهران انتشار می یافت، ولی ضریب رشد نشریات خارج از تهران بیشتر بود و بدین گونه تعداد آنها در فاصله 1987 تا 2003 از 164 به 451 همانا نزدیک به سه برابر رسید. شمار نشریات در تهران اما از 662 به 1350 (یانزدیک به دو برابر) افزایش یافت. باید دانست، موج سانسور مطبوعات و تعطیلی هر از چند پاره ای از آنان و نیز کشتار نویسندگان که در ایران به نام "قتل های زنجیره ای" شهرت دارد، به اشکال گوناگون ادامه دارد.

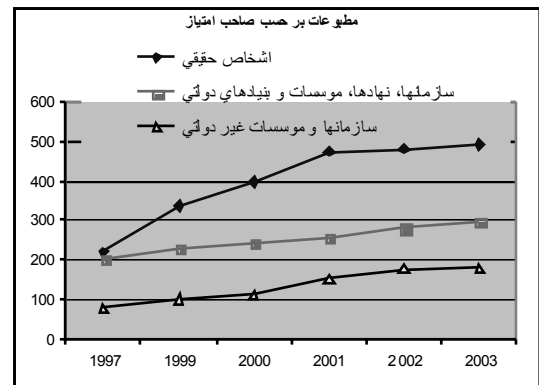
نمودار 132 - تعداد مطبوعات بر اساس محل انتشار



هنر در ایران شاید بیش از همه ی گستره های زندگی معنوی ایرانیان در سال های حکومت اسلامی، از دگم اندیشی ها و ایجاد خفقان رنج کشید و از نگرگونی لازم واپس ماند این تنگ بینی تمامی پهنه های هنری مانند موسیقی، تئاتر، رقص، شعر، داستان نویسی و غیره را در بر گرفت. پاره ای از هنرمندان نگراندیش زفانی و یا اعلام شدند بخشی به گوشه ای خزیده و از انتشار کار هایشان به صورت مستقیم و غیرمستقیم جلوگیری به عمل آمد. در این میان بخشی از آنان به خارج از کشور

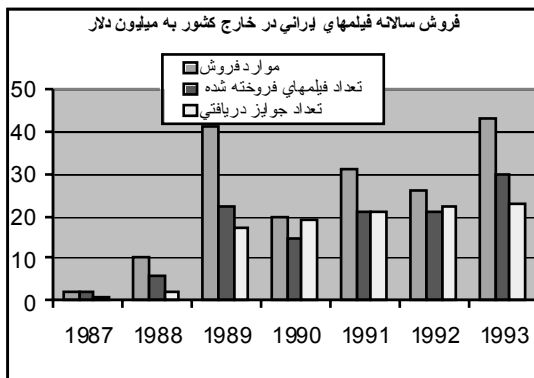
مطبوعات ایران به اشخاص حقیقی باز می گشت که در پیوند با نهادها و سازمان های دولتی بودند شمار این نشریات که هر از چندی یکی یا گروهی از آنان توقیف شده و شمار دیگری به آنان افزوده می شد، در سال های 1997 تا 2003 از 218 به 490 رسید. شمار نشریات سازمانها و بنیادهای دولتی و غیردولتی وابسته نیز، در این فاصله افزایش یافت ولی شمار خوانندگان نشریه های انتقادی و ناوابسته به رژیم بیشتر بود. کارنامه ی منفی رژیم مالاها را با وجود پاره ای گشایش های سیاسی، می توان در این واقعیت دید که بر پایه گزارش "خبرنگاران بی مرز"، ایران در میان یکی از بدترین کشورهای جهان در زمینه آزادی مطبوعات قرار گرفت. جمهوری اسلامی در خاورمیانه با زنان کردن 14 روزنامه نگار در سال 2004، بزرگترین زنان نویسندگان مطبوعات بود و در کنار آن از جمله برای تأمین کاغذ روزنامه ها نیز دشواری های فراوانی می آفرید. برای نمونه در همین سال در فاصله ی کوتاهی قیمت کاغذ دو برابر افزایش یافت تا مطبوعات مخالفی که پشتیبانی مالی دولتی نداشتند، زیر فشار قرار گیرند و دست از کار بکشند.^[15]

نمودار 131 - شمار مطبوعات بر حسب صاحب امتیاز



چرا که از 2 به 30 فیلم و تعداد جوایز دریافتی در فستیوال های فیلم نیز از 1 به 23 فراروینده بود. سینمای ایران پس از وقته ی سال های نخست روی کار آمدن حکومت ملایان، خود را دوباره در سطح جهان مطرح کرد. برای دستیابی به سهم براننده ی سینمای ایران و نیز دیگر پهنه های هنری در جهان به نگرگونی های چشمگیرتری در فضایی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی نیاز است.

نمودار 134 - فروش فیلمهای ایرانی در خارج کشور

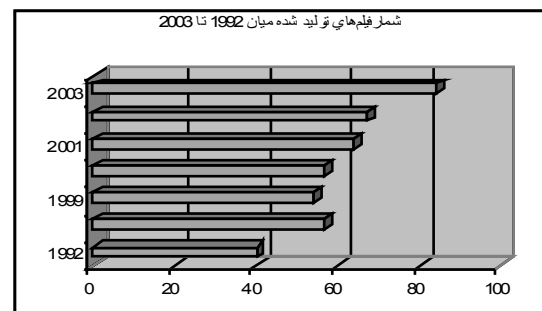


نگارنده برای دستیابی به ارزیابی روشن تر از چگونگی دگرگونی هادر پهنه هایی مانند آموزش و بهداشت و فرهنگ، در بخش سنجش های بین المللی این کتاب یا "ایران در آینه ی سنجش برون مرزی"، این گستره ها را در چشم اندازهای جهانی نیز به بررسی گرفته است. نگاه به این مقایسه ها، دشواری های ایران و میزان واپس ماندگی این شاخص ها را باز هم نمایان تر می کند.

گریختند و در برون مرز برای تأمین زندگی روزمره خود، نیز با تنگنای مالی فراوان روبرو شدند این دسته از عرضه ی کارهای هنری یا به طور کلی بازماندن یا تا سال ها به کارهای هنری کوچک بسنده کردند. با تمامی این دشواری هادر پاره ای زمینه ها مانند فیلم، پیشرفت هایی صورت گرفت و نیاز بازار داخلی به رشد کیفی و کمی آن، رشد محدود آن را فراهم کرد. شمار فیلم های ایرانی تولید شده میان سال های 1992 تا 2003 از 40 فیلم به 84 فیلم رسید. پاره ای از این فیلم ها یا از قیچی سانسور گذشتند، یا اصلاً روی اکران نیامدند، یا تنها در خارج از کشور نمایش داده شدند، یا پس از مدت کوتاهی زیر فشار زمامداران تنگ بین، از

ضایش آنان خواری به عمل آمد.

نمودار 133 - شمار فیلم های تولید شده



با تمامی این تنگ نظری ها و ایجاد تنگناها برای تولید فیلم از سوی تهیه کنندگان و کارگردانان و دیگر دست اندرکاران سینمای ایران، در این سال ها در پیامد گشایش محدود فضای سیاسی، رشد کمی را می توان نظاره کرد. محدود بودن این تحول را در میزان فروش فیلم های ایرانی در فاصله ی سال های 1987 تا 1993 می توان دید. در این برش، مجموع فروش فیلم ها تنها به مبلغی برابر با 1.4 میلیون دلار رسید. افزایش موارد فروش اما با توجه به پیش زمینه های دشوار، نامطوب نبود،

بازرگانی خارجی و اهمیت آن در اقتصاد ایران

در این برش نخست به نقش و اهمیت تاریخی و امروزی بازرگانی خارجی برای اقتصاد ایران می‌پردازیم و سپس سه دهه‌ی گذشته را در این پیوند به بررسی می‌گیریم. هدف این ارزیابی از جمله مقایسه‌ی دگرگونی‌های بازرگانی خارجی با نگاه به ترکیب کمی و کیفی صادرات کشور با نفت و بدون نفت دگرگونی‌های واردات کشور، طرف‌های بزرگ بازرگانی ایران و چگونگی تراز بازرگانی خارجی سه دهه‌ی نخست جمهوری اسلامی است پیش از پرداختن به نشیب و فرازهای بازرگانی خارجی، به تأثیر دگرگونی‌های جهانی بر ایران می‌پردازیم. روند جدائی ایران از گروه کشورهای پیشرفته‌ی جهان از دوران صفوی آغاز شد و پس از آن شتاب یافت و بویژه در سده‌ی 19 ورشکستگی ژرف اقتصادی، پیامد آن بود در دوران صفوی اگر چه ایران از کشورهای باختر از دیدگاه اقتصادی عقب بود، ولی خاصه در دوران شاه عباس اقتصاد کشور در پاره‌ای زمینه‌ها سلمان‌ناده شد و از آن میان به ویژه وضع بازرگانی داخلی و خارجی به منزله‌ی یکی از پایه‌های مالی اداره‌ی کشور و پشتوانه‌ی مهم برای خزانه‌ی دولت، بهبود یافت درآمد دولت صفوی در سده‌ی هفده میلادی اگر چه کمتر از کشورهای پیشرفته‌ی اروپائی بود و از دیدگاه اقتصادی از این کشورها واپس مانده می‌شود، ولی هنوز فاصله‌ی فرسنگی با آنان نداشت. نزدیک به 8.5 سال یعنی از سال 1638

بخش سوم

بازار و بازرگانی و جایگاه نفت

بازرگانی هندوستان و آسیای جنوب شرقی که در آغاز به دست پرتغالی‌ها افتاده بود، گام به گام از دست آنان گرفته شده و به دست انگلیسی‌ها و هلندی‌ها و اسپانیائی‌ها افتاد. این طرف‌های بازرگانی که بازارها و راه‌های داد و ستد را زیر کنترل گرفته بودند، شرکت "بازرگانی هند شرقی" را پایه‌ریزی کردند، که از سوی دولت‌های همپندشان، مورد پشتیبانی مالی گسترده قرار می‌گرفتند. برای پشتیبانی نظمی آنان، ناوگان‌های نظامی دریائی و ارتش خصوصی ایجاد شد که راهزنی دریائی با استفاده از جنگ‌افزارهای پیشرفته پیشه‌ی آنان بود در سده هفده میلادی با اتخاذ این سیاست نظامی گریانه، پرتغالی‌ها شکست سختی از شرکت هندی شرقی خوردند و قلمی بازار خاور و بازرگانی آن با دیگر کشورهای جهان از هندوستان گرفته تا خاور آسیا، تصرف شد و زیر پوشش نظامی و بازرگانی شرکت هند شرقی قرار گرفت. با این دگرگونی، به بازرگانی باختر آسیا، بویژه در درجه‌ی نخست ایران ضربه‌ی اقتصادی سنگینی وارد آمد.²¹⁹ نتیجه دگرگونی‌های تازه اینک، توازن بازرگانی ایران منقح شد و گام به گام میزان واردات نسبت به صادرات افزایش یافت. موازنه‌ی منفی، خاصه متوجه مناسبات ایران با انگلیس و روس شد و تنها کشوری که ایران با آن درپاره‌ای برش‌ها موازنه‌ی بازرگانی مثبت برقرار کرد، همسایه نسبتاً هم‌تراز ما، عثمانی بود.²²⁰ افزون بر این، یک دگرگونی دیگر نیز به پیدایش بحران در بازرگانی خارجی و در پیامد آن بازرگانی داخلی ایران و باختر آسیا کمک کرد و آن تور زدن "دماغه‌ی امیدواری" از سوی بارتولومو دیاز¹ در پایان سده‌ی پانزدهم بود در پی این اکتشف، راه بازرگانی تازه‌ای میان هندوستان و خاور آسیا با اروپا پیدا شد و به این ترتیب بسیاری از محصولات تجاری مانند ادویه جات از پرداخت سود بازرگانی به کشورهای آسیای باختری، برلی ترانزیت کالا و شریک کردن بازرگانان محلی از جمله ایرانیان در این سود بی‌نیاز شدند در پی آن شریان تجارت در خلیج فارس و دریای سرخ تا حدود زیادی قطع شد.²²¹ بسیاری از جنگ

تا 1725، درآمد سالیانه‌ی پادشاهی صفوی میان 660 هزار تا 785 هزار تومان بود که این میزان تنها دوبرار و نیم کمتر از کشور انگلستان در آن زمان بود.²¹⁶ در پی فروپاشی گام به گام اقتصاد ایران پس از گذشت 3 سده، برای نمونه در سال 2000 تولید ناخالص داخلی ایران تنها نزدیک به یک چهارم (با نفت و گاز یک هفتم) تولید ناخالص داخلی آن کشور بود.²¹⁷ این ارقام شتاب ورشکستگی اقتصادی و شکاف میان اقتصاد ایران و کشورهای پیشرفته صنعتی را تا حدودی نشان می‌دهد دراز میان رفتن هم‌توانی پیشین و جدائی ایران از گروه کشورهای پیشرفته، افزون بر عوامل درونی که نگارنده پیشتر به آن پرداخته و در پی این نوشتار به گوشه‌های دیگری از آن خواهد پرداخت، دگرگونی در بازرگانی داخلی و بویژه بازرگانی خارجی ایران، نقشی برجسته داشته است. در دوران صفوی، خاصه در برش زمامداری شاه عباس، راه‌های بازرگانی خاکی و آبی ایران به کشورهای همسایه و نیز کشورهای دور، علیرغم تلاش کشورهای نوپای صنعتی اروپا مانند پرتغال، هنوز تا حدودی زیر کنترل دولت مرکزی بود. آثار دگرگونی در سیستم بازرگانی جهانی و تغییر توازن نیروها به سود کشورهای اروپائی اما، در این دوران شکوفایی کم‌رنگ اقتصاد ایران نیز قابل مشاهده بود. در سده پانزده میلادی، بازرگانی ایران هنوز هم از خود پرتو آمیدی می‌افشاند.

بازرگانان اروپائی در این دوران ادعای می‌کردند که منسوجات ابریشمی و مخملی‌های خراسان با مخمل‌ها و قماش‌های ژنو برابری می‌شود و از کیفیت بالای پارچه‌های یزد سخن می‌رفت. در آغاز سده‌ی 17 هنوز ابریشمی که سالیانه برای بافت وارد کاشان می‌شد، بیشتر از پنبه‌ای بود که وارد لندن می‌گردید.²¹⁸ با این وجود، آن چه از سده شانزدهم آغاز شده بود در آغاز سده هفده به نابودی یا کاهش راه‌های بازرگانی سنتی در خاور کشیده شد. بنادر سوریه و دیگر سواحل خاوری مدیترانه از کالاهای آسیای خالی و ابریشم و ادویه جات نایاب شدند و تنها تولیدات کشورهای باختری آسیا و ایران به این بندرها منتقل می‌گردید.

BARTHOLOMEU DIAZ¹

های منطقه‌ای در سرزمین‌های ایران و عثمانی و مصر با طرف‌های بازرگانی اروپایی برای کنترل شاه‌مرگ‌های ناد و سند جهانی، دستیابی به توان‌گشته و ایفای نقش بیشتر و چیرگی بر بحران اقتصادی دستگاه‌های زمامداری در این کشورها بود. برای نمونه بازرگانان ژنو و پیزا و بویژه وین، گرایش داشتند که در شهرهای صور و حيفا و طرابلس و انطاکیه و قبرس، مراکز بازرگانی ایجاد کنند و بازرگانی منطقه را زیر کنترل درآوردند. در ایتالیا نیروی روحی و قدرت بازرگانی دست در دست هم، برای نابودی بی‌زانس تلاش می‌کردند و در نتیجه‌ی پیروزی خود در اورشلیم و عکا و اسما و نیقته و یونان و قبرس، حکومت‌های لاتینی پیرو پاپ بوجود آوردند. در نتیجه‌ی این شکست‌ها، کم‌کم شکوه اصفهان و بغداد و قاهره و قونیه و قسطنطنیه از میان رفت.⁽²²²⁾ بازتاب اقتصادی این شکست‌های منطقه‌ای در باختر آسیا، ورشکستگی اقتصادی و ناتوانی مالی و کاهش دارایی‌های بولت‌های بزرگ آسیای باختری مانند ایران و عثمانی بود. تلاش‌های ایرانیان در دوران تنش‌های بزرگ داخلی پس از سرنگونی پادشاهی صفوی در پایان سده‌ی 18 میلادی تا روی کار آمدن دودمان قاجار، برای بیرون رفتن از این بحران اقتصادی بی‌نتیجه ماند و ورشکستگی مالی ژرفای باز هم بیشتری گرفت. در آغاز سده نوزدهم آسیای میانه و هندوستان و عثمانی و ایران، همگی این دوره‌ی پرافت‌خیز را پشت سر می‌گذاشتند. راه بازرگانی ایران با هندوستان از ایران گرفته شد و انگلیسی‌ها با افزایش نفوذ خود در افغانستان، که گام به گام به جایی این کشور از ایران انجامید، خود بازرگانی آسیای میانه را در دست گرفتند. ناد و سند کالاها در خلیج فارس و هندوستان و خاور دور زیر کنترل بازرگانان انگلیس قرار گرفت و راه بازرگانی سنتی باختر و خاور یا راه ابریشم از شکوفایی افتاد و در آسیای میانه جز شهر کابل که کمی رونق داشت، شهرهای بزرگ خاوری مانند هرات و قندهار و غزنه به غروب اقتصاد خود نزدیک شدند. تنها راه بازرگانی ایران که هنوز باز بود مسیر ناد و سند کالا با ترکیه و روسیه بود.⁽²²³⁾

نبرد برای کنترل بازرگانی و جریان ناد و سند کالاها با همسایه‌ی توافندی چون روسیه نیز، در شمال بر سر بازار قفقاز و آسیای میانه جریان داشت. در پی دو شکست بزرگ نظامی ایران در برابر ارتش تزاری در سده‌ی 19، بخش بزرگی از ایران به روسیه پیوسته شد و راه‌های بازرگانی خارجی باقی‌مانده با روسیه و قفقاز و آسیای میانه، زیر کنترل این کشور در آمد. در همین راستا با تحمیل مقررات تازه و ناعادلانه از سوی روسیه، از سوددهی بخش کوچک بازمانده نیز کاسته شد. پس از آن وابستگی اقتصاد ایران به روسیه تا مدتی باقی ماند و در دوران رضا شاه، گام به گام از میزان آن کاسته شد.⁽²²⁴⁾

انداخت سرمایه در کشورهای اروپایی که از جمله نتیجه‌ی بهره‌کشی از کشورهای مستعمره و در آسیا با زتاب کنترل آنان بر امور اقتصادی کشورهای باختر تا خاور این قاره و نظارت نظامی 4 تباری بر بازرگانی خلیج فارس و اقیانوس هند و خاور دور بود، یکی از علل پیشرفت صنعتی این کشورها به ویژه انگلستان بود. رشد شتابان صنعتی از آغاز سده‌ی 19 میلادی و فرارویی آن به سرمایه‌داری صنعتی در اروپا و امریکای شمالی، این کشورها را به چنان قدرتی در جهان تبدیل کرد که مبارزه‌ی پیروزمفانه با آنان از سوی کشورهای واپس‌مانده که با بحران ساختاری دوران گذار و دشواری‌های مالی و فساد روزافزون دستگاه دولتی روبرو بودند، بسیار دشوار می‌نمود. بحران اقتصادی بزرگ ایران در میانه سده نوزده میلادی که گویا با بحران اقتصادی اروپا نیز همگام بود، شیرازه‌ی مالی دولت ورشکسته‌ی قاجار را باز هم بیشتر از هم پاشید و در جریان تنش‌های تند اجتماعی و بروز انقلاب مشروطه تا روی کار آمدن رضا شاه، این روند ورشکستگی بازرگانی خارجی ایران ادامه یافت. از این تاریخ به بعد، در ترکیب بازرگانی خارجی ایران یک دگرگونی جوی تاریخی رخ داد که همه‌ی تار و پود اقتصاد ایران را گام به گام در بر گرفت و آن کشف نفت در ایران و افزایش سهم و نقش آن نه تنها در بازرگانی خارجی و داخلی، بلکه گسترش نفوذ و تأثیر آن بر تمامی کنش و واکنش‌های اقتصادی کشور بود. از این تاریخ به بعد، اقتصاد ایران

کم‌کم به اقتصاد تک‌محصولی و وابسته به نفت تبدیل شد. افزایش نقش نفت در اقتصاد ایران، به ویژه با سال‌های پس از 1953 و بازگشت دوباره‌ی شاه به ایران پس از کودتای نظامی در پیوند بود تا سرنگونی شاه در سال 1979 استخراج و صادرات نفت عمدتاً زیر هژد و کنترل کنسرسیوم بین‌المللی با سهم تعیین‌کننده‌ی امریکا و انگلستان قرار داشت.⁽²²⁵⁾ افزایش سهم نفت در اقتصاد ایران را، برای نمونه می‌توان در آینه‌ی افزایش نزدیک به 3.3 برابر سهم آن در تولید ناخالص داخلی در میان سالهای 1959 تا 1972 تگریست.⁽²²⁶⁾ وابستگی اقتصاد به نفت، پس از روی کار آمدن حکومت اسلامی نیز باقی ماند و در آن دگرگونی چشمگیری رخ نداد. در این دوران نیز نوسانات بازرگانی خارجی و همه‌ی کنش و واکنش‌های اقتصاد ایران بویژه به درآمد نفت خام صادراتی و در سال‌های کنونی افزون بر آن تا حدودی به صادرات گاز طبیعی و فرآورده‌های آن وابسته گشت.

صادرات بدون نفت و بن بست‌های آن

در بخش نفت به صادرات نفت خام و بازتاب آن بر اقتصاد ایران جگانه خواهیم پرداخت. در این برش به طور عمده صادرات غیرنفتی بررسی می‌گردد و پرداختن به درآمد‌های نفتی، تنها برای آن است که چشم‌انداز روشن‌تری از مصوعه ناد و سدهای ایران با جهان نمایش شود. نگاهی به صادرات نفت نشان می‌دهد که در کنار نوسانات درآمد نفت، با نوسانات همگون صادرات غیرنفتی در بیشتر زمان‌ها روبرو بودیم. رشد صادرات غیرنفتی میان سال‌های 1974 تا 1978 در دوران شاه چندان چشمگیر نبود. با این وجود پس از سرنگونی پهلوی نوم و آغاز جنگ و بحران در واحدهای اقتصادی، همین بازار کوچک کلاهای صادراتی در خارج هم، در آغاز از دست رفت و در سال‌های پس از جنگ در جهت بهبود آن کوشش‌هایی صورت گرفت.⁽²²⁷⁾ تحولات سال‌های 1984 تا 1995 را که در آن میزان صادرات غیرنفتی از 350 میلیون دلار به 5 میلیارد افزایش یافت، اگر چه هنوز بسیار نلکافی بود، می‌توان مثبت ارزیابی کرد. جالب توجه این است که میان سال‌های 1991 تا 1995 که جمهوری اسلامی در مجموع خود با کاهش درآمد‌های نفت خام صادراتی روبرو شد و در پیامد آن برای برآورده کردن نیازهای ارزی کشور به صادرات غیرنفتی بیشتر بها داد، سهم آن افزون‌گردید. ل‌عالی مقلات ایران در این سال‌ها درباره‌ی دستیابی کوتاه مدت به عدم وابستگی به درآمد‌های نفتی و افزایش

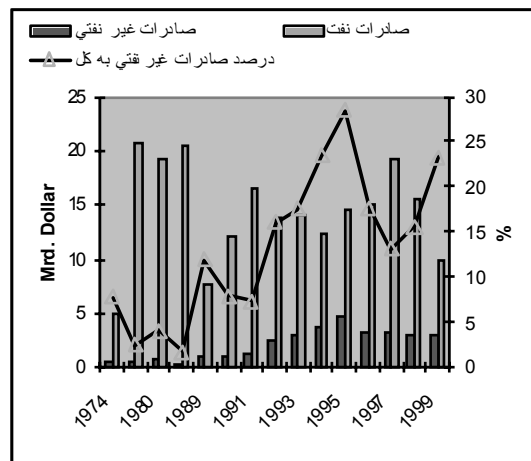
نمودار 136 - صادرات در مقایسه با واردات در سال های برگزیده



این ناهنجاری را می توان در تناسب میان صادرات نفتی و غیرنفتی نیز دید. آهنگ کند سرمایه گذاری در صنعتی که بتوانند در مدت زمانی کوتاه در خدمت تأمین نیازهای بازار داخلی و کاهش میزان واردات عمل کنند و همراه با آن، برای دستیابی به بازارهای تازه ی جهانی خیز برارند، به آنجا انجامید که سهم صادرات غیرنفتی در مجموع صادرات گام به گام کاهش یافت و از میزان 23٪ در سال 1963 به 2٪ در سال 1978 فروکش کرد. مقایسه این شاخص ها در دوران حکومت اسلامی همانگونه که در نمودارها نشان داده شده، با وجود نوسانات خود، نسبت به دوران شاه کمی بهتر است، لگر چه در مقایسه با کشورهای همپایه ی ایران مانند ترکیه و در مقیاس جهانی بسیار کم و واپس مانده می نماید. ترکیه در سال 2003 صادراتی نزدیک به 39 میلیارد دلار و کره جنوبی صادراتی نزدیک به 162 میلیارد دلار داشتند، در حالی مجموع صادرات غیرنفتی ایران در این سال تنها 4 میلیارد دلار بود که بخشی از آن به گونه ی غیر مستقیم با دلارهای نفتی پیوند خورده بود.⁽²⁹⁾

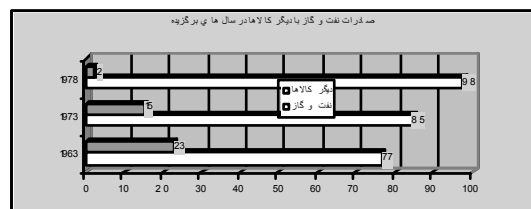
شتابان تر صادرات غیرنفتی در سال های 1991 تا 1995 اما، تحقق نیافت.⁽²⁸⁾ بدین گونه از سال 1995 به بعد با افزایش درآمد نفت، تکیه به این منابع ارزی گسترده شد، ولی میزان صادرات غیرنفتی همپای آن رشد نکرد.

نمودار 135 - دگرگونی در صادرات نفتی و غیرنفتی



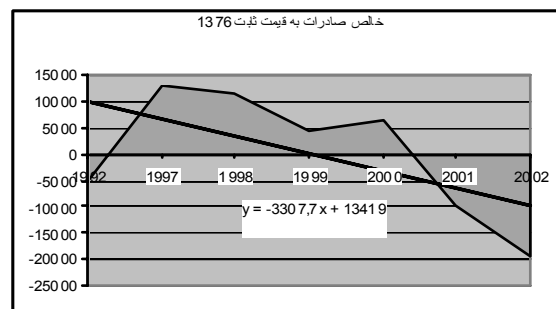
برای سنجش، سه برش زمان شده در سال های 1963 و 1973 و 1978 مورد توجه قرار گرفته اند در این سال ها میزان صادرات نفتی از 471 میلیون دلار به 215 میلیارد دلار رسید، یعنی نزدیک به 50 برابر، ولی صادرات غیرنفتی ما تنها از 137 میلیون دلار به 520 میلیون دلار فرارویید. همانا به افزایشی کمتر از 4 برابر. بی توجهی به صادرات غیرنفتی با وجود گرایش به صنعتی کردن شتابان کشور، در هر دو دوران رضا شاه ومحمدرضا شاه از کمبودهای بزرگ سیاست اقتصادی پهلوی ها بود.

نمودار 137 - تناسب صادرات نفت و گاز با دیگر کالاها



نارسائی های سیاست باز رگانی برون مرزی ایران و نبود تراز بازرگانی خرسند کننده را، در دگرگونی های میان سال های 1992 تا 2002 نیز می توان دید. در این برش خالص صادرات نه تنها افزوده نشد، بلکه کاهش یافته به قیمت ثابت سال 1998، از کسری 5191 میلیون ریال به کسری 19172 میلیون ریال را آشکار کرد. بهبود کم صادرات غیرنفتی در این زمان، به سال های میان 1997 تا 2000 باز می گشت و پس از آن این شاخص در هر دو سال 2001 و 2002 به قیمت ثابت 1376، کاهش نشان می داد.

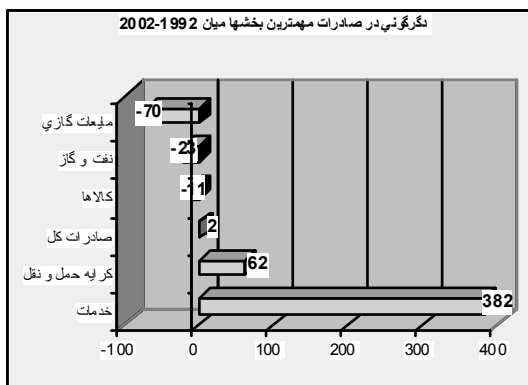
نمودار 138 - خالص صادرات غیر نفتی به قیمت ثابت 1376



در ده ساله ی 1992 تا 2002 به قیمت هلی ثابت سال 1376، در هر سه زمینه ی

صادرات، چه کالاهای غیرنفتی و نفت و گاز و چه مایعات گازی، بارونذی کاهش روبرو بودیم. صادرات غیرنفتی 11٪، نفت و گاز 23٪ و مایعات گازی 70٪ کاهش در ارزش خود را نشان می دادند. میزان صادرات کالاهای غیرنفتی در سال 1992 به قیمت های ثابت 1376، 54910 میلیارد ریال و در سال 2002، کمتر از آن و تنها 48663 میلیارد ریال محاسبه شده بود. افزایش حجم صادرات خدماتی و کرایه ی حمل و نقل را، می توان از جمله در پرتو موقعیت ترانزیتی ایران و بهبود ترابری ارزیابی کرد.⁽²⁹⁾

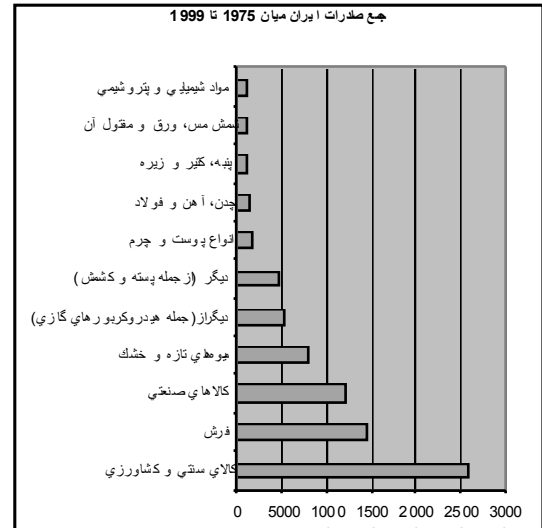
نمودار 139 - دگرگونی در صادرات مهمترین بخشها میان 1992-2002



وضع ناهنجار در داد و ستد بازرگانی برون مرزی و بدون نفت ایران را، می شود در مجموع صادرات غیرنفتی ایران در فاصله سال های 1975 تا 1999 به چالش کشید. در این برش 24 ساله کالاهای سنتی و کشاورزی با 25.9 میلیارد دلار در رأس قرار داشتند و پس از آن فرش با مبلغی برابر 14.4 میلیارد دلار و سپس کالاهای صنعتی با 12.1 میلیارد دلار، تنها کالایی بودند که صادرات آنها از مرز 10 میلیارد، آن هم در این درازگاه 24 ساله، ساله گذار کرده بود. میوه های خشک،

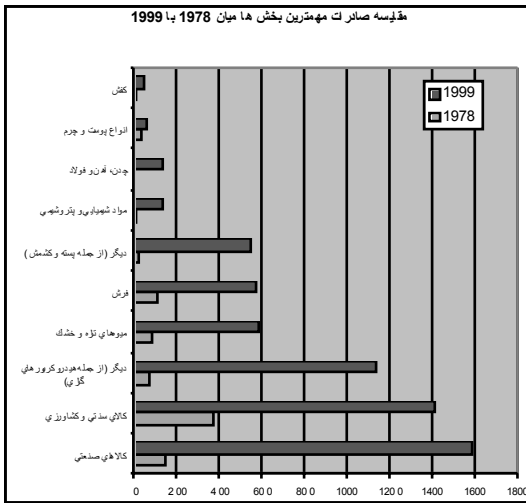
هیدروکربورهای گازی، پسته و کشمش، چدن و آهن و فولاد، جایگاه‌های بعدی را به خود اختصاص دادند. باید توجه کرد که در زمینه صادرات، پاره‌ای کشورهای هم‌تراز ایران، صدها میلیارد دلار درآمد داشتند و ایران که ذخایر ارزی بی‌شمار گاز و نفت و امکان سرمایه‌گذاری در بخش‌های گوناگون را با تکیه به نیروهای متخصص در اختیار داشت، حتی در صادرات کالاهای سنتی و شناخته شده خود نیز به موفقیت چشمگیری دست نیافت. بهبودی نبود که بخش بزرگی از بازار سنتی فروش ایران در جهان را، در این میان پاره‌ای از کشورهای نوردیسیدماند چین و هندوستان و پاکستان اشغال کردند.⁽²³¹⁾

نمودار 140 - جمع صادرات ایران میان 1975 تا 1999



تنها روزنه‌ای کوچک در این برش 24 ساله، در ترکیب کالاهای صادراتی دیده می‌شود اگر در سال 1978 کالاهای سنتی جایگاه نخست را در صادرات غیرنفتی داشتند، در سال 1999 کالاهای صنعتی این مقام را به خود اختصاص دادند و از میزان 143 میلیون دلار به 1588 میلیون دلار فراروییدند.

نمودار 141 - مقایسه صادرات مهمترین بخش‌ها

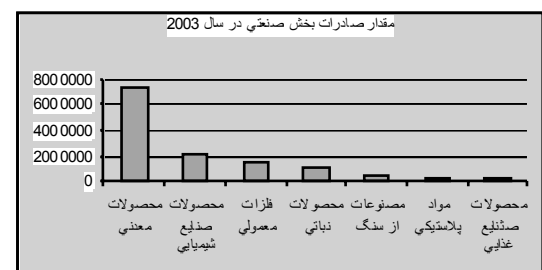


این افزایش در بخش‌های دیگری مانند چدن و آهن و فولاد، هیدروکربورهای گازی، میوه‌های تازه و خشک، فرش و پسته نیز دیده می‌شود برای نمونه ایران برای نخستین بار در سال 2003 موفق به صادرات فولاد آلیاژی به کشورهای آلمان و ایتالیا شد.⁽²³²⁾ هم‌چنین صادرات پسته در سال 2003 به 816 میلیون دلار رسید ایران به دلیل کیفیت نامرغوب محصولات و سخت‌گیری‌های درست و

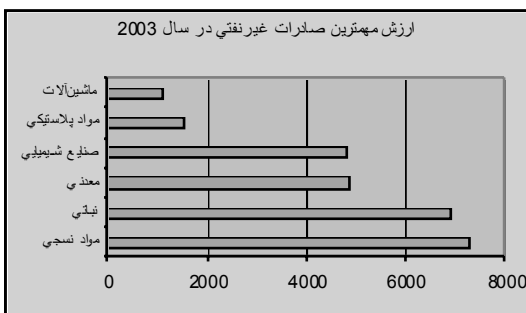
ندارست اتحادیه اروپا، در چند سال گذشته در بازار اروپا با دشواری‌های روبرو بود و برای بالا بردن سطح استانداردها، کوشش می‌کرد با وجود این دشواری‌ها، ایران با دستیابی به بازارهای تازه در جهان موقعیت خود را در بازار پسته جهان حفظ کرده و این امر با بهبود بازاریابی و بهره‌گیری از شیوه‌های تازه تر بازرگانی، به دست آمده است.⁽²³³⁾

در ترکیب صادرات ایران در بخش صنعت در سال 2003 از دیدگاه وزنی، نخستین جایگاه را محصولات معدنی و سپس محصولات شیمیایی و فلزات به دست آوردند در زمینه صادرات محصولات شیمیایی، در بخش نفت به چشم‌اندازها و برنامه‌های دولت برای آینده‌ی اقتصاد ایران اشاره کردیم. در زمینه‌ی صادرات فلزات نیز برنامه‌هایی در دست تهیه است. بر پایه‌ی این داده‌ها تا سال 2007 میزان تولید فولاد می‌بایست به 20 میلیون تن در سال افزایش یابد و برای صادرات آن به خارج نیز برنامه‌ریزی صورت گرفته بود. پیاده شدن این برنامه‌ها نیز مانند دیگر رویکردها در جمهوری اسلامی، در پس‌پرده‌ای از پرسش‌ها پنهان است.⁽²³⁴⁾ از دیدگاه ارزش ولی، در این سال جایگاه نخست را در محصولات غیرنفتی، صنایع مواد نساجی با مبلغی برابر 7261616 میلیون ریال و سپس صنایع ذغالی و معدنی و شیمیایی به خود اختصاص دادند.

نمودار 142 - مقدار صادرات بخش صنعتی در سال 2003



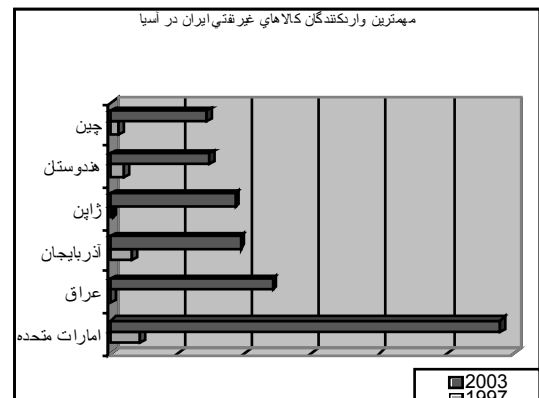
نمودار 143 - ارزش مهمترین صادرات غیرنفتی در سال 2003



مهم‌ترین واردکنندگان کالاهای ایرانی در آسیا میان سال‌های 1997 تا 2003، به ترتیب کشورهای امارات متحده و عراق و آذربایجان و پس از آن هندوستان و چین بودند. امکانات بالقوه ایران برای تأمین بازار کشورهای "اکو" (بازار مشترک آسیای میانه و باختری) و نیز اتحادیه کشورهای خلیج فارس زیاد است. در سال 2003 میزان مبادلات بازرگانی کشورهای عضو "اکو" 81 میلیارد دلار بود که هنوز به حد خشنود کننده نرسیده بود. دبیرخانه‌ی "اکو" در نظر دارد شرایط را برای بستن موافقتنامه‌ی اعضای "اکو" برای ایجاد منطقه‌ی آزاد تجاری تا سال 2015 فراهم کند.⁽²³⁵⁾ از سوی دیگر در چارچوب همکاری‌های مشترک میان ایران و ترکیه، راهکارهایی برای ایجاد کنسرسیوم‌های مشترک میان شرکت‌های ایرانی و ترک در دستور کار قرار گرفته و قرار است با توجه به افزایش حجم مبادلات تجاری میان دو کشور، از جمله میان سال‌های 2001 تا 2003 از میزان 1.2 میلیارد دلار به 2.3 میلیارد دلار، حجم این داد و ستدها در کوتاه مدت به 5 میلیارد دلار افزایش یابد. ایران به دلیل صادرات غیرصنعتی بویژه گان، در مقابل واردات نیم میلیونی از ترکیه، مازادی صادراتی به میزان 1.7 میلیارد دلار داشت که از سوی ترکیه ناخوشایند ارزیابی می‌شد.⁽²³⁶⁾ در مورد همکاری با کشورهای عربی

منطقه ی خلیج فارس بشواری هایی وجود دارد و درگیری بر سر مالکیت سه جزیره ایرانی، وسیله ای یا بهانه ای شده تا همکاری های همه سویه خوب پیش نرود. با این وجود همکاری های اقتصادی بویژه در زمینه ی پتروشیمی در حال گسترش است و وزارت نفت طرح هایی برای درهم آمیزی های بزرگ در صنعت پتروشیمی از جمله میان ایران و عربستان را، در برنامه کار خود گذاشته است.^{۳۷}

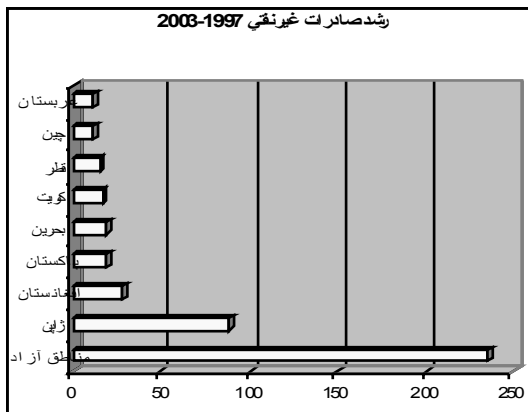
نمودار 144 - مهمترین واردکنندگان کالاهای غیرنفتی ایران در آسیا



رشد صادرات در فاصله سال های 1997 تا 2003 بیش از همه در مناطق آزاد و سپس در پیوند با ژاپن و افغانستان و پاکستان دیده می شد. در عراق با سرنگونی صدام، زمینه ی داد و ستد میان دو کشور بهبود یافت و به نظر می رسد در سال 2004 صادرات به این کشور به مبلغ یک میلیارد دلار افزایش یابد. به این ترتیب عراق نخستین طرف وارد کننده ی محصولات غیرنفتی ایران در جهان خواهد بود.^{۳۸} همچنین برای دستیابی به بازار دو کشور همزبان و هم فرهنگ افغانستان و تاجیکستان که با ایران پیوند هلی تاریخی کهنسال دارد، تلاش هایی صورت می

گیرد در این میان ایران بخش کوچکی از بازار تاجیکستان را در دست گرفته و برنامه هایی برای آموزش نیروهای متخصص، تولید محصولات مشترک، برپایی کارخانجات مونتاژ کالاهای صنعتی و مصرفی و ساخت ماشین آلات از جمله تریکتور و مینی بوس در این کشور را طرح ریزی کرد.^{۳۹}

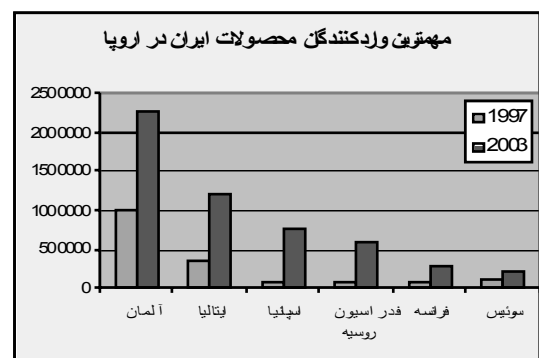
نمودار 145 - رشد صادرات غیرنفتی 2003-1997



مهم ترین واردکنندگان کالاهای ایرانی در سال 2003 در اروپا، کشورهای آلمان و ایتالیا و اسپانیا و روسیه بودند. صادرات به آلمان به میزان 2262848 میلیون ریال، ایتالیا 1222494 میلیون ریال و سپس اسپانیا به مبلغ 770024 میلیون ریال رسید. مناسبات ایران و آلمان تاریخچه ای دراز دارد و از دیرباز بزرگانان ایرانی بویژه در بندر آزاد هلمبورگ به کار صادرات نه تنها به آلمان بلکه از راه آلمان به دیگر کشورهای جهان می پرداختند. نخستین کتاب مدون درباره ی اقتصاد ایران در زمان قاجار را نیز، ایرانیان ساکن آلمان به کمک یکی از استادان علوم اقتصاد

ملی این کشور به نام پروفیسور فرانس اوپنهاایمر^۱ در آستانه ی سده بیستم تهیه کردند، که نگارنده در نمودارهای اقتصادی این دوران از این داده ها در کنار داده های اقتصادی دیگر ایران شناسان اروپا، کمک گرفته است.^{۴۰} در میان کشورهای اروپایی مناسبات اقتصادی ایران با آلمان و ایتالیا و روسیه گسترده بود و بویژه داد و ستد اقتصادی با اسپانیا و روسیه در حد خود چشمگیر و رو به افزایش می نمود.

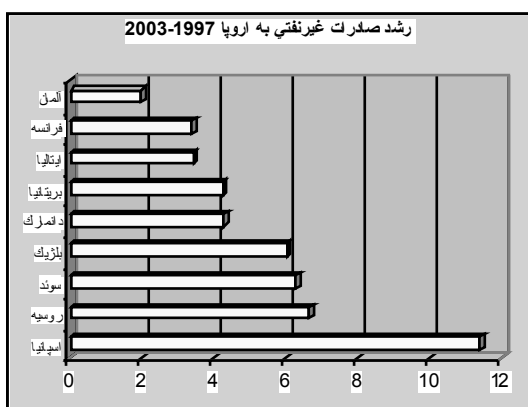
نمودار 146 - مهمترین واردکنندگان محصولات ایران در اروپا



با نگاهی به سال های 1997 تا 2003 می توان نگرینست که افزایش صدور کالاهای غیرنفتی ایران به کشورهای اسپانیا و روسیه و سپس سوئد و بلژیک نسبت به دیگر کشورها چشمگیر بوده است. از روزنه ی افزایش ارزش مطلق در صادرات نفتی اما، آلمان جایگاه نخست را داشت. مناسبات اقتصادی با آمریکا در این سال ها به دلایل سیاسی از اهمیت زیادی برخوردار نبود، اگر چه پاره ای از کارشناسان بر این باور بودند که بخشی از داد و ستد ایران با آمریکا به طور غیرمستقیم از راه

کشورهای عربی خلیج فارس مانند امارات متحده صورت می گرفت و دلیل حجم بالای بازرگانی برون مرزی ایران با این کشور هلی کوچک نیز، گویا با این امر در پیوند بود.

نمودار 147 - رشد صادرات غیرنفتی به اروپا 2003-1997



ایران برای گسترش بازرگانی خارجی بر عضویت در سازمان تجارت جهانی پای می فشرد، اما با مخالفت آمریکا هنوز در این زمینه کامیاب نبوده، اگر چه در شرط عمده ی این سازمان یعنی کاهش حقوق گمرکی و حذف یارانه ها را تا اندازه ی چشمگیری به اجرا درآورده است.^{۴۱} بخش بزرگی از دست اندرکاران دولت اسلامی، ورود به سازمان تجارت جهانی را وسیله ای برای از میان برداشتن اقتصاد بسته و دستیابی به اقتصاد رقابتی و گزینه ای برای کاهش فساد اقتصادی می دانند. دیدگاه بخش دیگر به درستی این گونه است که ایران با وجود تنگناهای آشکار کنونی در واحدهای اقتصادی، توانایی رقابت با کالاهای ارزان و با کیفیت بالای خارجی را دارا نیست و اجرای مقررات سازمان تجارت جهانی به گسترش بی

رویه واردات و نبودن صنایع داخلی خواهد انجامید²⁴² گرایش برتر در این راستا که کم‌کم وزنه‌ی سنگین‌تری یافت، برداشت نخستین بود این جریان، خواست گروه بزرگی از سرمایه‌ناری بازرگانی و بازار ایران را که منافع چشمگیری در سیستم توزیع کالا داشت، بازتاب می‌داد.

تنگناهای صادرات غیر نفتی و اقتصاد تک محصولی

بی‌ثباتی اقتصادی و دست نیافتن به تراز بازرگانی مناسب بدون نفت و به طور کلی اقتصاد تک محصولی، بویژه در آینه‌ی صادرات غیر نفتی ایران بازتاب می‌یابد. پیش از سال 1979 این ویژگی برجسته‌تر از دوران جمهوری اسلامی، خاصه پس از پایان جنگ بود. دگرگونی در صادرات غیر نفتی ایران، پیش از همه در بخش صنعتی تابعی است از صادرات نفت. به این معنی که از آنجا که صنایع ایران هنوز ساختار با ثباتی نیافته و در دوران رشد و پایه‌ریزی هستند، با افزایش قیمت نفت و درآمدهای دولت امکان سرمایه‌گذاری‌های دولتی و غیردولتی رشد می‌کند و در پیامد آن نخست زمینه برای برطرف کردن بخشی از نیاز بازار داخلی فراهم می‌شود و سپس گام به گام صادرات صنعتی افزایش می‌یابد. به این گونه در دوران گذار در پهنه‌ی صنعت ایران که به ویژه با صنایع سنگین و ارز بر و تکنولوژی بر پیوند خورده است، افزایش واردات ماشین‌آلات و ابزار آلات پیچیده به صورت هم‌زمان طبیعی می‌نماید در سیاست صادراتی ایران چه پیش و چه پس از سال 1979، تکیه اصلی بر صنایع سنگین است تا سبک. در کشورهای کامیاب در امر صادرات مانند چین و کره جنوبی ساختار اقتصادی چنان سامان داده شد که دوران جهش صنعتی به رشد صنایع سبک و سنگین در کنار هم انجامید اگر در ایران ایجاد مناطق آزاد تجاری به صورت محدود رشد صادرات و بویژه افزایش

واردات را در پی داشت، مناطق آزاد تجاری در چین رشد گسترده‌ی صنایع سبک را بانی گردید تکیه به سیاست صادراتی از راه سرمایه‌گذاری در صنایع ارزبر و تکنولوژی بر که با توجه به ساختار اقتصاد ایران تنها از راه تزریق منافع نفت و گاز امکان پذیر است، می‌توانست در صورت نبود تنش‌های داخلی و خارجی و بکارگیری سیاست‌های کارآمد اقتصادی، به آماج خود در پهنه‌ی جهانی تا حدودی دست یابد، ولی رویادهایی مانند جنگ ایران و عراق و تنش‌های پی‌در پی خارجی و ناپایمانی‌های اقتصادی برخاسته و پیامد آن، دوران گذار صنعتی ایران را به درازا کشانده و به پروسه‌ی رشد صادرات گزند رسانده است. ناهای اقتصادی گوشه‌هایی از این روند را آشکار می‌کنند. نبود رشد در صنایع سبک، نقش کم‌آنان در صادرات صنعتی و ارزبری صنایع سنگین صادراتی را، می‌توان از جمله در ترکیب صادرات کالاها صنعتی دید. در بخش صادرات صنعتی، بجز فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی، سهم صنایع معدنی برجسته است، که خود نشانی از واپس ماندگی صنعتی و وابستگی به اندوخته‌های زیرزمینی دارد. به این ترتیب صادرات صنعتی چه از چشم‌انداز وابستگی ارزی و چه از روزن ساختار تولیدی، وابسته به استخراج و صادرات نفت و گاز و دیگر منابع طبیعی هستند و در ترکیب آنان کالاهایی مانند دیگر کشورهای کم و بیش کالیب‌رو به رشد مانند تولیدات نساجی، اتومبیل، تکنولوژی اطلاعاتی، صنایع نوری، مخابرات و انتقال نیز و بسیار کم دیده می‌شود.

سهم بخش کشاورزی در کل صادرات غیر نفتی رو به کاهش است، اگر چه میزان مطلق صادرات کشاورزی روندی رو به افزایش دارد. چرایی این رشد محدود را می‌توان از جمله در سهم کم بخش کشاورزی از درآمد‌های نفتی جستجو کرد. اگر در بخش صنعتی در چارچوب سیاست صادراتی، در پاره‌ای از بخش‌ها روند تامین بازار داخلی تا حدودی پشت سر گذشته شده و پا به پهنه‌ی صادرات گذشته‌ایم، در بخش کشاورزی گذشته از بخش سنتی که کالاهایی مانند فرش و گلیم و پسته و غیره را در بر می‌گیرد، سرمایه‌گذاری‌های تازه به طور عمده در

چارچوب تامین بازار داخلی ماده‌اف و هنوز به مرحله‌ی جدی صادراتی وارد نشده‌اند. انگیزه آن را می‌توان از یک سو در عولگی مانند واردات بالای محصولات کشاورزی و کوشش برای تامین آنان در درون کشور، افزایش تقاضای داخلی به دلیل بالا رفتن توان خرید بخشی از شهروندان و رشد روزافزون جمعیت جستجو کرد و از سوی دیگر در بافت هنوز سنتی و واپس مانده و بسته‌ی اقتصادی روستاها و نارسایی‌ها و کم‌بازدهی‌های بخش‌های دولتی و نیمه دولتی و خصوصی و هم پیوند با آن رشد کم سیستم بانکی و نهادهای وابسته به آن‌گر چه ارزش افزوده بخش کشاورزی بالاست، از سرمایه‌گذاری بایسته در آن پرهیز می‌شود و نارسایی‌های موجود به کمی سهم آن در صادرات غیر نفتی می‌انجامد. در بخش کشاورزی افزون بر جهش از برش تامین بازار داخلی به دوران صادرات کشاورزی (که می‌تواند یکی از برجسته‌ترین آماج‌های آن باشد)، بهبود و گسترش صدور کالاهای سنتی می‌بایست در دستور کار قرار گیرد در کنار آن بجااست برای بالا بردن سهم بخش‌هایی مانند ماهیگیری و دامداری و مرغداری کوشش شود این رویکردها زمینه را گام به گام برای صادرات محصولات کشاورزی به خارج به ویژه به کشورهای نزدیک و همسایه فراهم می‌کند افزون بر آن، کککاش درباره‌ی تولید محصولات نوین کشاورزی با آماج صادراتی نیز می‌تواند در دستور کار قرار گیرد.

بخش خدمات دارای پتانسیل گسترده صادراتی است، اگر چه سهم آن در صادرات غیر نفتی ناچیز است. بخش خدمات از راه بخش‌های مهندسی و آموزشی و غیره تنها بخش کوچکی از کل صادرات غیر نفتی را به خود اختصاص داد در کشورهای رو به رشد موفق و پیشرفته جهان این سهم به گونه‌ی روشنی بالاتر است. امکان گسترش این رشته‌ها در ایران نیاز به کارهای کارشناسانه و ژرف‌نگرانه دارد.

افزون بر بشواری‌های ساختاری بر سر راه افزایش صادرات در بخش‌های صنعتی و کشاورزی و خدمات، نبود پشتیبانی همه‌سویه و کارای سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی که خصلتی وارداتی دارد نیز نقش بازی می‌کند. ارگان

های موجود به جای کوشش برای ارزیابی بازارهای جهانی و بالا بردن توانایی‌های بازاریابی، کوشش عمدتاً متوجه بهره‌گیری از امکانات و پشتیبانی‌های دولتی و سیستم بانکی است در صورت دگرگونی در ساختارهای اقتصادی و آماده‌سازی و آماج‌گیری سرچشمه‌های پولی و وامی و ارزی در راستای رشد پیگیر و همه‌سویه و بهینه‌ی بخش‌های گوناگون، می‌توان از گرایش‌های اتاق بازرگانی و دیگر ارگان‌ها و به‌طور کلی بخش بازرگانی، در خدمت افزایش صادرات بهره‌گرفت. برای نمونه از آنجا که بهره‌پولاد در ایران در سال 2004 با توجه به یارانه‌های دولتی کمتر از کشورهای همسایه از جمله عراق بود، گرایش بازرگانان و صاحبان صنایع بیشتر در راستای صادرات این کالا بود و تنها مقررات و فشارهای دولتی برای جلوگیری از صادرات این کالا، باعث شد تا از میزان صادرات آن تا حدودی کاسته شود.

می‌توان به خوبی گمان کرد، اگر صنایع سبک و سنگین ایران بدون پشتیبانی گسترده‌ی بخش دولتی و دلاری نفتی و گازی، از راه بالا بردن بهره‌وری و بهبود ساختار تولیدی، قادر شوند کالاهایی با کیفیت خوب با بهایی پائین‌تر از کالاهای تولید شده در خارج تولید کنند، بازرگانان به صدور این کالاها گرایش بیشتر نشان دهند. نمونه‌ی چین و ویتنام که در زمینه تولید کفش با کیفیت مرغوب و بهاء ارزان، توانسته‌اند سهم خود را در بازار جهان افزایش دهند و کشورهای اتحادیه‌ی اروپا را که در میان شان پرتغال و ایتالیا رقابتی محلی تلقی می‌شود، وادار به افزایش تعرفه‌ها کنند، راه‌گشایی‌های ارزنده‌ای در این زمینه عرضه می‌کنند.

افزون بر آن عواملی مانند نوسانات ارز، تنش‌های خارجی و داخلی که گاه سیاست‌های تعرفه‌ای دولت را به ولکنش و می‌نارند، سنگ‌اندازی‌های انحصارهای بین‌المللی، ناپایداری سیاست‌های اقتصادی و یارانه‌های غیر هدفمند دولتی، عواملی هستند که در راه افزایش صادرات دشواری می‌آفرینند راه‌چیرگی بر این دسته دشواری‌ها را می‌بایست بیشتر بیرون از پهنی کنش و واکنش‌های اقتصادی

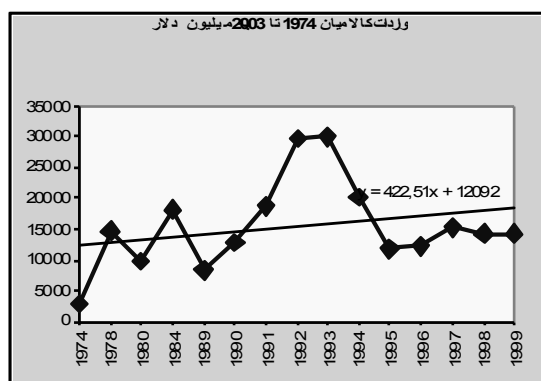
واردات فزاینده و دگرگونی‌های بازار ایران

دشواری ایران در زمینه بازرگانی بیرون‌مرزی، تنها به صادرات کم غیرنفتی محدود نمی‌شود رشد کند اقتصادی، تشبیب و فزاینده‌ی ناشی از رویدادهای سیاسی و ندانم‌کاری‌ها در پهنه‌های گوناگون اقتصاد بویژه در گسترده‌ی صنعت، در کنار افزایش تند جمعیت کشور در برش زمانی کوتاه، نیاز بازار داخلی به محصولات خارجی را بیشتر کرده است با وجود پیاده شدن چندین برنامه‌ی اقتصادی در جمهوری اسلامی، هنوز درگیری‌های جدی بر سر راه رشد و نیز اختلاف ریشه‌دار جناحی، نه تنها جو سیاسی بلکه فضای اقتصادی کشور را مه‌آلود نموده است.²⁴³ حقیقت این است که اقتصاد ایران در همه‌زمینه‌ها و از جمله در زمینه واردات به درآمد نفت خام صادراتی وابسته بوده و ساختار تک‌محصولی اقتصاد، دچار دگرگونی چشمگیری نگردیده است. برای نمونه وابستگی صنایع ایران در سال 1993 بدین گونه بود که برای چرخاندن آن حداقل واردات 15 میلیارد دلار محصولات خارجی به کمک دلارهای نفتی ناگزیر بود.²⁴⁴ با نگاهی به واردات می‌توان دید که در خطوط عمده، این بخش به صادرات نفت خام وابسته و یا در ارتباط تنگاتنگ قرار داشت. افزایش واردات در دوران شاه، این پیوستگی را به همان میزانی نشان می‌داد که در سال‌های پس از آن، این افزایش که بازتاب بالارفتن درآمدهای نفتی بود، نه تنها در ایران، بلکه در دیگر کشورهای صادرکننده

جستجو کرد شرایط مطلوب برای انتقال بخشی از سرمایه‌های خصوصی از پهنه‌ی بازرگانی به گسترده‌ی توریسم و بالا بردن درآمدها از این راه به مرز 10 تا 20 میلیارد دلار نیز همانند ترکیه، شوربختانه به دلیل وجود همین پیش‌زمینه‌ها در چارچوب رژیم ولایت فقیه فراهم نیست.

نفت نیز دیده می‌شد. برای نمونه میان سال‌های 1975 تا 1980، میزان اعتبار صادراتی آلمان برای کشورهای نفت‌خیز، از 10 میلیارد مارک به 90 میلیارد مارک افزایش یافت و سهم آن در تسلی این گونه اعتبارات صادراتی از 25٪ به 50٪ رسید.²⁴⁵ پس از انقلاب بویژه بعد از جنگ ایران و عراق و باز شدن دروازه‌های ایران بر روی محصولات مورد نیاز مردم که در سل‌های جنگ و رودشان به کشور کاهش یافته بود، در کنار واگذاری اعتبارات به بازرگانان بدون پشتوانه‌ی بایسته، واردات کشور در فاصله دو ساله‌ی 1992 و 1993 در مجموع به مرز 60 میلیارد دلار رسید. پیامد این سیاست افزایش بدهی خارجی ایران بود که به گفته‌ی پاره‌ای از کارشناسان از مرز 30 میلیارد دلار نیز فراتر رفت انعکاس این سیاست هنوز در هم اقتصاد کشور تا امروز دیده می‌شود و دولت‌هایی که روی کار می‌آید، برای کاهش این بدهی‌ها و بازپرداخت سوده‌های آن کوشش می‌کنند.

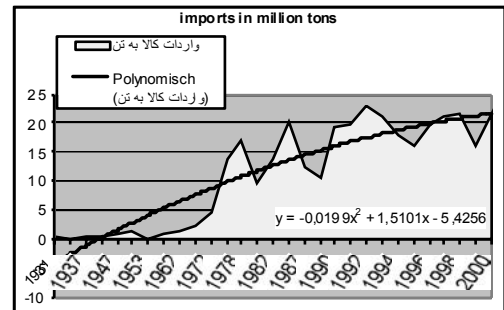
نمودار 148 - واردات کالا میان 1974 تا 2003



نگاهی به واردات ایران به میلیون تن میان سال‌های 1931 تا 2000 نیز همین واقعیت را بازگو می‌کند اوج‌گیری واردات کالا از دیدگاه وزن و ارزش بویژه با

افزایش بهای نفت در بازار جهانی در پیوند بود و این روند تا سال 2000 با نوساناتی که با نیازمندی هلی اقتصاد درون مرزی در ارتباط بود، ادامه داشت. در آینده ی نزدیک تغییر چشمگیری در این زمینه نمی توان انتظار داشت و بنابراین بازار ایران برای تولید کنندگان جهانی به عنوان یک بازار مصرفی، کمابیش به زبان اقتصاد ملی، مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت. در صورت عدم تغییر رژیم در ایران، جایگاه او کشور آلمان و ژاپن که پس از سرنگونی شاه جای خالی آمریکا یکی از طرف‌های بازرگانی پیشین ایران را پر کرده‌اند، دچار دگرگونی چشمگیری نخواهد شد.^[246]

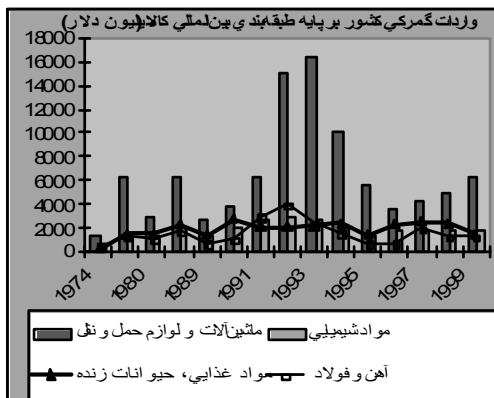
نمودار 149 - واردات کالا به میلیون تن و صادرات نفت



مهم‌ترین کالاهای وارداتی ایران را در میان سال‌های 1974 تا 1999 نخست ملشین آلات و لوازم حمل و نقل و پس از آن مواد شیمیایی و مواد غذایی و حیوانات و آهن و فولاد تشکیل دادند با توجه به برنامه ریزی‌های تازه ی اقتصادی، می توان با رشد نیازهای داخلی ایران به ماشین آلات در آینده نیز روبرو گردید در زمینه ی مواد غذایی و مواد شیمیایی و آهن و فولاد، اگر که برنامه ریزی‌های اقتصادی بر روی کاغذ نمانند و سناریوی فروپاشی سیاسی و اقتصادی کشور و بحران گسترده، ماند سال هلی پس از حکومت شاه

پیش نیاید، می توان انتظار داشت که ایران بتواند بخشی از نیازهای داخلی خود را در این زمینه تأمین کند جایگاه نخست در میان مهم‌ترین کالاهای وارداتی ایران در سال 1999 با میزانی نزدیک به 7 میلیارد دلار را ماشین آلات و لوازم حمل و نقل داشتند و مواد شیمیایی و مواد غذایی و آهن و فولاد جاهای بعدی را به خود اختصاص دادند.

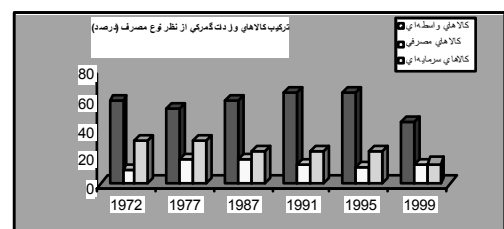
نمودار 150 - مهم‌ترین کالاهای وارداتی به میلیون دلار



ترکیب کالاهای وارداتی را از دیدگاه سه گروه کیفی نیز می توان به ارزیابی سپرد در میان سال‌های 1972 تا 1999 سهم نخست را کالاهای واسطه‌ای داشتند که در روند تولید دیگر کالاها و یا خدمات مورد مصرف قرار گرفتند کالاهای واسطه‌ای اگر که تنها برای تأمین نیازهای بازار داخلی به کار گرفته شده و در چرخش خود بخش مهمی از آن به خارج از کشور صلا نشود تا ارز مصرف شده برای آن باز گردد، در بهبود تراز بازرگانی خارجی نقش مهمی بازی خواهد کرد.^[247] نمونه ی پاره ای از کشورها در آسیای جنوب خوری

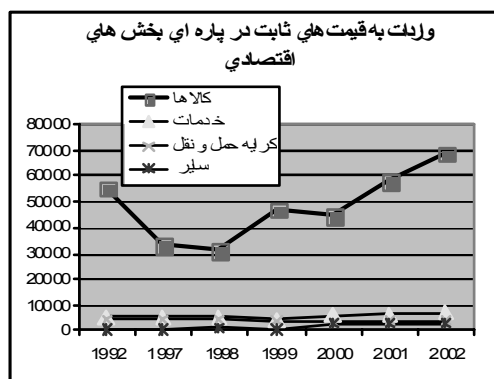
نشان داده است که با پشتیبانی واحدهای اقتصادی داخلی و برنامه ریزی‌های دورنگرانه، می توان به این بخش اقتصادی درونمایه ی مناسب ناد پس از کالاهای واسطه‌ای نقش دوم را در ترکیب کالاهای وارداتی، اجناس مصرفی دارند که به طور مستقیم به دست مصرف کننده می رسند و در عرصه ی بازرگانی برون مرزی از سال هلی طولانی، چه در دوران شاه و چه دوران جمهوری اسلامی، به شیوه ی غالب از راه ارز به دست آمده از صادرات نفت خام و نه از محل صادرات غیرنفتی کشور، تأمین شده‌اند. تنها بخشی که می تواند در صورت هدفمندی درست به رشد اقتصادی کشور منجر شود، کالاهای سرمایه‌ای هستند که با عمر دراز خود بیشتر برای تولید کالاها و خدمات تازه به کار گرفته می شوند این بخش اما تاکنون کمترین سهم را در ترکیب کالاهای وارداتی داشته است. روند ورود کالاهای مصرفی و کالاهای سرمایه‌ای در مجموع خود در این سال‌ها رو به کاهش، و کالاهای واسطه‌ای پروسه‌ای رو به رشد داشتند. با توجه به اینکه کالاهای واسطه‌ای در ایران خصلتی مصرفی دارند، می توان گفت که نزدیک به 70 تا 80 درصد کالاهای ارزی وارداتی برای مصرف پایانی هستند و سهم کالاهای سرمایه‌ای که می توانند باقوه به بهبود تولید داخلی و بالا رفتن تولید ناخالص ملی و نیز کاهش کسری تراز بازرگانی برون مرزی بیانجامند، ناچیز است.

نمودار 151 - ترکیب کالاهای وارداتی در سه گروه



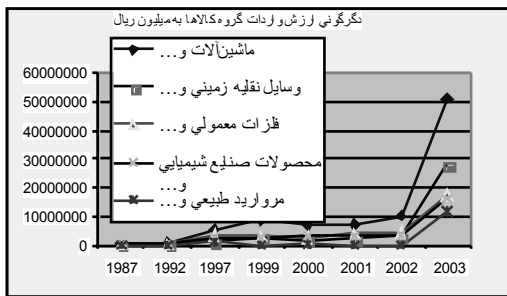
از چشم‌انداز دیگری نیز می توان به دگرگونی‌های واردات ایران میان سال‌های 1992 تا 2002 نگاه کرد اگر سه بخش کالاها، خدمات و کرایه‌ی حمل و نقل را ژرف‌تر بگیریم، کالاها سهم بزرگتری نسبت به خدمات و کرایه‌ی حمل و نقل از خود نشان می دهند میان سال‌های 1998 تا 2002 و رود کالاها از نزدیک به 30000 میلیون ریال به مرز 70000 میلیون ریال رسید، همانا رشدی دو برابر. سهم دو بخش دیگر بسیار ناچیز و کمتر از 10000 میلیون ریال و نزدیک به یک دهم تمامی واردات ایران در سال 2002 به قیمت‌های ثابت 1376، بود.

نمودار 152 - واردات به قیمت‌های ثابت در پاره‌ای بخش‌ها



رشد ارزش واردات ایران در سال‌های 1987 تا 2003 در میان مهم‌ترین رشته‌های وارداتی نخست با گروه وسایل نقلیه و به فاصله‌ی زیادی در جایگاه پس از آن با آلات و دستگاه‌های اوبتیک، محصولات معدنی، چربی‌ها، ماشین‌آلات و خمیر چوب در پیوند بود. رشد تمامی بخش‌های گفته شده بجز وسایل نقلیه ی زمینی، در این برش پنجساله تقریباً همسان بود با افزایشی در مرز 250 درصد ورود

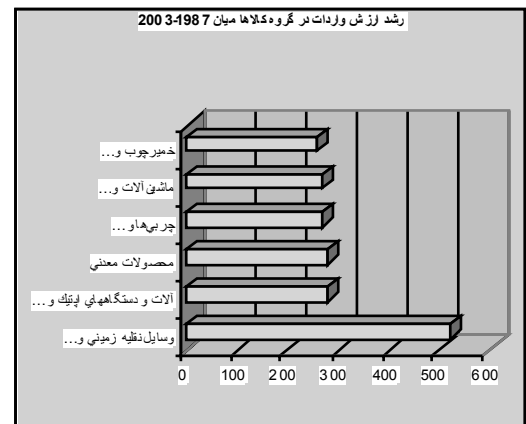
نمودار 154 - دگرگونی ارزش واردات گروه کالاها



از دیدگاه وزن، رده بندی مهم ترین واردات ایران بر پایه ی گروه های تعرفه ی گمرکی، نشانگر وزن بالای کالاهای معدنی و نباتی و ظرات معمولی و صنایع شیمیایی و صنایع غذایی بوده و وزن دیگر گروه های کالاهای وارداتی مانند چربی ها و مواد پلاستیکی و خمیر چوب نزدیک به یک میلیون تن و یا کمتر از آن در سال 2003 بود. با گسترش شرکت های کشتیرانی، ایران در نظر داشت نه تنها بخشی از کالاهای صادراتی خود را به کمک این کشتی ها حمل و نقل کند، بلکه افزون بر آن تلاش هلی هر چند نارسا برای دستیابی به بازارهای تازه در سطح منطقه ای و جهانی صورت گرفت. به این ترتیب از هزینه شدن درآمدهای ارزی ایران برای حمل و نقل کالاهای صادراتی و وارداتی تا حدودی کاسته شد می توان در صورت پیگیری این امر و سرمایه گذاری های تازه در بخش کشتیرانی، از ره به دست آوردن ارز در ریافتی از حمل و نقل کالاها در بازارهای جهانی، گام به گام به سودهای لازم نیز دست یافت بخش عمده ی ظرفیت کشتیرانی کشور به شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی تعلق داشت در سال 2003 ظرفیت این شرکت 2939819 تن بود پس از آن شرکت های کشتیرانی ایران و هند، کشتیرانی والفجر و کشتیرانی دریای مازندران قرار داشتند. به نظر نمی رسد که

وسایل نقلیه ی زمینی اما، در این 6 سال تقریباً دو برابر بخش های دیگر بود و از 15 39520 میلیون ریال به 282251 93 میلیون ریال رسید و رشدی نزدیک به 500 درصد از خود نشان داد. کاهش تعرفه ها و آزاد سازی محدود ورود این دسته کالاها، به این امر کمک رسانده بود. بخشی از این واردات به سفارشات دستگاه های دولتی و انتظامی نیز باز می گشت.

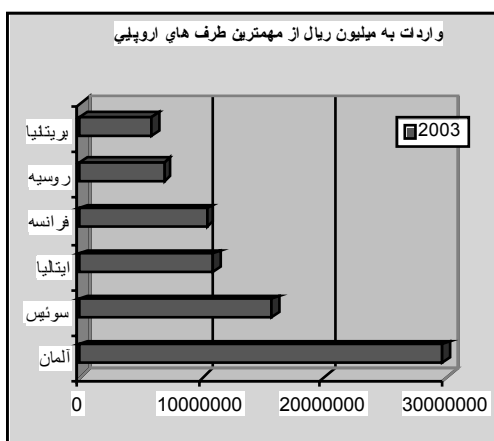
نمودار 153 - رشد ارزش واردات در گروه کالاها



از دیدگاه ارزش مطلق اما، می توان ورود ماشین آلات را که از 6844491 میلیون ریال به مبلغ 51207375 افزایش یافت، برجسته کرد جایگاه های پس از آن را وسایل نقلیه و ظرات معمولی و محصولات صنایع شیمیایی و مروارید طبیعی داشتند و ورود ماشین آلات و محصولات صنایع شیمیایی از جمله با هدف گسترش بازدهی و تولید پاره ای صنایع، بویژه صنایع فولاد و پتروشیمی صورت گرفت.⁽²⁴⁸⁾

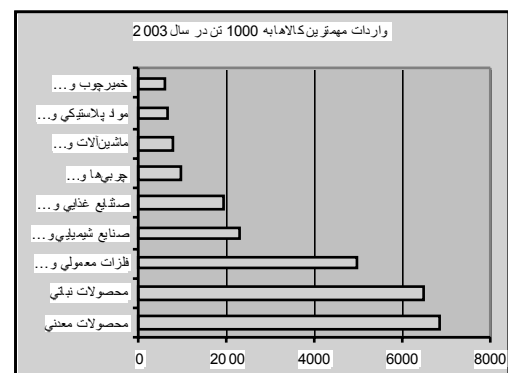
برجسته ترین کشورهای صادرکننده ی کالا به ایران در پهنه ی جهانی در سال 2003 آلمان به میزان 2747 میلیون دلار و سپس ژاپن به مبلغ 2215 میلیون دلار بودند. بخش مهمی از واردات ایران از کشورهای اروپایی، بویژه کشورهای عضو بازار مشترک اروپا تامین می شد. به دو طرف بزرگ بازرگانی برون مرزی ایران در زمینه واردات کالا، یعنی کشورهای اروپایی و آسیایی با ژرفای بیشتری می پردازیم. با نگاهی به واردات از کشورهای اروپایی، می توان دریافت که پس از آلمان که جایگاه آن به صورت سنتی بسیار پایدار بوده، جایگاه های دیگر را نخست کشور سوئیس و پس از آن ایتالیا و فرانسه و روسیه و بریتانیا داشتند. کالاهای آلمانی در ایران از اعتبار خوبی برخوردار بودند و بازرگانان و دولتمردان ایران به مناسبات شان بویژه با این کشور اهمیت می دادند.

نمودار 156 - واردات به میلیون ریال از مهمترین طرف های اروپایی

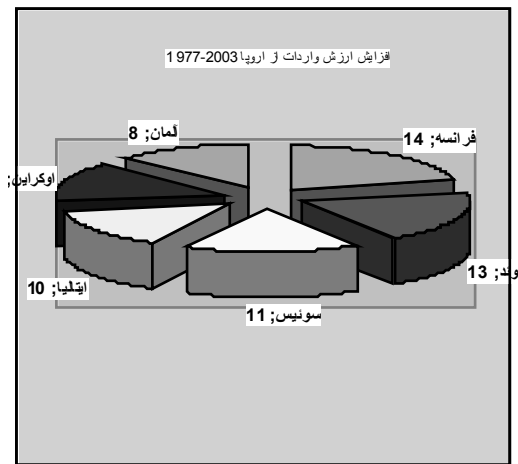


شرکت های کشتیرانی خارجی در صورت اجری کلیه یانیه ی این برنامه از سوی ایران، بتوانند به افزایش سهم خود در بازرگانی دریایی ایران امیدوار باشند. در چارچوب اجرای این برنامه ها از جمله شرکت "ام تی - دبلو" در آلمان تا سال 2004، 5 کشتی از 6 کشتی با ربر سفارشی ایران به قیمت 205 میلیون یورو را به کشتیرانی جمهوری اسلامی تحویل داد.⁽²⁴⁹⁾ از سوی دیگر شرکت دیگر آلمانی "آی - جی - ام" در نظر داشت به ساخت یک کارخانه ی کامل کشتی سازی در ایران بپردازد که نخستین کارخانه بزرگ ایرانی در این زمینه خواهد بود و قرار بود بزرگی آن، از اسکله ی "وارنه موند" در شمال آلمان نیز بزرگتر باشد.⁽²⁵⁰⁾ صنایع کشتی سازی ایران، با وجود تلاش های صورت گرفته سودآور نیستند و بیشتر آنها زیان می دهند علت این امر از جمله ناتوانی مدیریت، واپس بودن تکنولوژیک و وابستگی آن به دیگر صنایع کشور است که از توانایی کافی برخوردار نیستند. قطعات کشتی هلی ساخته شده، نزدیک به 30٪ در خود کارخانه های کشتی سازی و بقیه از بیرون تأمین می گردند.⁽²⁵¹⁾

نمودار 155 - واردات مهم ترین کالاها به تن در سال 2003



نمودار 157 - افزایش ارزش واردات از اروپا



ارزش واردات ایران از کشورهای آسیایی در سال 2003 در مجموع خود به 616044 میلیون ریال رسید که پس از اروپا دومین جایگاه بود. پس از آن قاره آمریکا با مبلغی برابر با 10339201 میلیون تومان و قاره آفریقا با 1002973 میلیون ریال قرار داشتند.

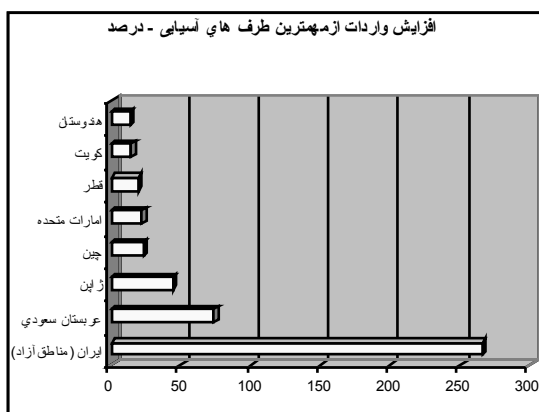
ارزش واردات از کشورهای آسیایی، بویژه به امارات متحده باز می گشت که با فاصله ی زیاد بزرگترین صادرکننده کالا به ایران در سال 2003 به میزان 16714294 میلیون ریال بود. چین با کمتر از نیمی از این میزان، جای دوم را داشت و سپس کره جنوبی و ژاپن و هندوستان و ترکیه و عربستان و سنگاپور و قرقستان قرار گرفتند. مناسبات بازرگانی با چین در بیشتر زمینه ها گسترش چشمگیری نشان داد و روند رو به رشد آن ادامه دارد.

پاره ای موضع گیری هلی سیلسی از سوی آلمان و فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی در جلب اعتماد سران ایران و باز کردن راه منکرات با دکم گرایان اسلامی، نه تنها در زمینه ی سیاسی، بلکه در پهنه ی اقتصادی نیز بی تأثیر نبود. این میان می توان به موضع گیری روشن علیه حمله نظامی آمریکا و انگلیس پس از یازده سپتامبر به عراق یاد کرد که مورد استقبال زمامداران ایران قرار گرفت. بازتاب این امر را می توان از جمله در برنامه های گسترش مناسبات اقتصادی میان ایران و فرانسه دید. ایران با جلب نظر سرمایه داران فرانسوی می خواهد در یک برنامه 5 ساله حجم دل و سنت متقابل را با این کشور چش برابر افزایش دهد و در سال های پس از 2000 مناسبات دو سویه را در رشته هلی گوناگون از جمله در صنایع اتومبیل گسترش یافتند.⁽⁵²⁾

افزایش سهم کشورهای اروپایی در واردات ایران میان سال های 1997 تا 2003 چشمگیر بود. بر این پایه فرانسه در این برش زمانی نزدیک به 14٪ به سهم خود در بازار ایران افزود و پس از آن سوئد با 1.3٪، ایتالیا و اوکراین با 10٪ آلمان که جایگاه نخست را در میزان مطلق واردات به ایران داشت، در جایگاه ششم قرار گرفت و به 8٪ افزایش سهم بسنده کرد. اوکراین تنها کشور از اروپای شرقی، بجز روسیه، بود که به چنین رشدی دست یافت. اگر چه این کشور بازارهای تازه ای در ایران به دست آورد، ولی میزان صادراتش به ایران حتی در سال 2003 تنها نزدیک به یک نوزدهم آلمان بود و از دیگر طرف ایران از کشورهای اروپای شرقی، همانا روسیه با مبلغی برابر با 6783996 میلیون ریال که مقام پنجم را در این زمینه به خود اختصاص داد، نیز بسیار فاصله داشت.

صادرات این کشور به ایران تنها به میزان 1531410 میلیون ریال رسید در زمینه ی مناسبات بازرگانی با اروپای شرقی پس از فروپاشی بلوک شرق دگرگونی چشمگیری رخ نداد. مجموع واردات از اروپا در سال 2003 برابر 970227544 میلیون ریال بود که سهمی نزدیک به 50٪ بیش از طرف نوم ایران همانا کشورهای آسیایی داشت.

نمودار 158 - ارزش واردات از مهمترین طرف های آسیایی



نمودار 159 - ارزش واردات از مهمترین طرف های آسیایی



ی توان در زمینه رشد واردات گفت که بخشی از آن با مناطق آزاد در پیوند بود. جایگاه آن از چشم انداز افزایش رشد، نزدیک به پنج برابر نخستین طرف بازرگانی ایران در آسیا یعنی عربستان، در فاصله ی این سال ها بود. اگر چه ارزش مطلق واردات از این کانال بسیار ناچیز و نزدیک به 203485 میلیون ریال در سال 2003 می نمود، ولی آهنگ رشد بالا بود. مناطق آزاد بیشتر برای کمک به صادرات غیرنفتی ایران برنامه ریزی شدند، ولی در عمل نقش آنان در این زمینه کم بود و در سال 2003 تنها 370227 میلیون ریال از این راه به خارج صادر شد. بیشترین رشد واردات ایران میان سال های 1997 تا 2003 از آسیا نخست با عربستان و سپس با ژاپن و چین و امارات و قطر و کویت و هندوستان پیوند داشت.

واردات تابعی از درآمدهای نفتی و گازی

می توان گفت، نخستین بخشی که نسبت به نوسانات درآمدهای نفتی و لکنش نشان می دهد، واردات ایران است. در افزایش آن نه تنها بخش دولتی موثر است که نزدیک به 80 درصد اقتصاد را زیر کنترل دارد، بلکه بخش خصوصی و بویژه بخش بازرگانی و بازار در آن نقش بازی می کنند. در زمینه ی نوسانات وارک تفاوت چغانی پیش و پس از سال 1979 دیده نمی شود افزایش درآمد های نفت و گاز امکان سرمایه گذاری های دولتی را بالا می برد و از راه آن نه تنها بخش های دولتی، نیمه دولتی و خصوصی به کار گرفته می شوند، بلکه به گونه غیر مستقیم پول در گردش افزایش می یابد و توانایی خرید شهروندان به ویژه لایه های بالا و میانی اجزای رشد می کند

در پاره ای از برش ها بویژه پس از پایان جنگ، رشد واردات کشور چنان شتابان و در مقیاس کلی بالا بود که بدهی خارجی بی ماندی در پی داشت گذشته از پاره ای شوک های وارداتی به سوی بالا و پائین که بیشتر با رویداد های سیاسی - اجتماعی و سیاست خارجی در پیوند است، می توان میان افزایش درآمدهای نفت و گاز از یک سو و واردات کل کشور از دیگر سو همخوانی و همسویی زیادی جستجو کرد.

تراز بازرگانی خارجی و نشواری های دو سده ای

داد و ستد ایران با کشورهای جهان در درازای دو سده ی 19 و 20 افزایش چشمگیری داشت و با افزایش بهای نفت در بازار های جهانی بویژه در دهه ی هفتاد میلادی نمایان تر شد. مهم ترین عامل تعیین کننده در دل و ستد خارجی و نیز وضع تراز بازرگانی برون مرزی، همانند نقش آن در بخش های دیگر اقتصاد ایران، دلارهای دریافتی از راه فروش نفت در بازار های جهانی بود. به دیگر سخن تراز بازرگانی برون مرزی ایران تابعی از درآمدهای نفتی بوده و هست. در این راستا نه تنها واردات، بلکه صادرات غیرنفتی ایران نیز ضریبی هستند از صادرات نفت. بنابراین اقتصاد کشور با بروز بحران در بازار های نفت جهان یا تنش های ایران با کشورهای همسایه و غیر همسایه و یا کنسرن های بزرگ بین المللی و بویژه کارتل های نفتی، بسیار آسیب پذیر است. با اینکه دریافت های ارزی از راه صادرات نفت که تعیین کننده ی تجارت خارجی ایران هستند، در دوران 25 ساله ی حکومت اسلامی بیش از دوره ی 25 ساله ی زمامداری شاه بود (در فصله ی سال های 1980 تا 2003 مجموعاً نزدیک به 360 میلیارد دلار درآمد نفت صادراتی یا میانگینی سالانه نزدیک به 16 میلیارد دلار در اختیار جمهوری اسلامی بود، در حالی که درآمد نفتی ایران تا سال 1972 سالانه زیر 2 میلیارد دلار و برای فزونه در سال 1967 تنها در مرز نیم میلیارد دلار قرار داشت)، اما دستاورد های

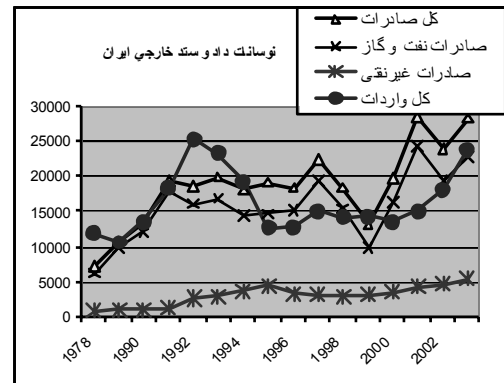
در ترکیب کالاهای وارداتی، سهم کالاهای مصرفی بالا و سهم کالاهای واسطه ای و سرمایه ای هنوز ناچیز است برای نگرگونی در ساختار کالاهای وارداتی کوشش هایی ناپیگیرانه صورت می گیرد. در واردات کالاهای شیمیایی و فولاد و سیمان، به دلیل سرمایه گذاری های تازه و تامین نیاز بخشی از بازار داخلی، روندی رو به کاهش دیده می شود. در پهنه ی ماشین آلات و ابزار حمل و نقل و نیز مواد غذایی، رشد واردات چشم گیر می نماید. از سوی بخش خصوصی بویژه صاحبان صنایع، گرایشاتی برلی ورود بخشی از کالاهای واسطه ای که می توانند با بهره گیری از صنایع داخلی صادر شوند دیده می شود. این گرایشات در پاره ای از زمینه ها با مخالفت بخش دولتی روبرو می گردند اگر این گرایشات هدفمند پشتیبانی شوند، می توان امیدوار بود که این رویکردها در بهبود تراز بازرگانی خارجی موثر واقع شوند با بهره گیری از اولویت های اقتصاد داخلی از راه ورود کالاهای واسطه ای، فزونه وار برای تامین نیاز بخش نساجی، می توان به بهبود داد و ستد بازرگانی برون مرزی کمک رساند.

اقتصادی ناچیز می شود این امر در شاخص هایی مانند تولید ناخالص ملی و سرانه و سهم ارزش افزوده بخش های مهم اقتصادی مانند صنعت، رشد اقتصادی و تراز بازرگانی برون مرزی خود را آشکار می کنند. آسیب پذیری اقتصاد ایران تنها به وابستگی آن به صادرات نفت خام باز نمی گردند، بلکه تمامی تار و پود آن را در برمی گیرد. بحران در بازار های نفت و کاهش چشمگیر دلارهای نفتی می تواند بویژه برنامه های اقتصادی پنجساله ی ایران را دچار اختلال کند و در صورت تناوم، شیرازه ی اقتصاد کشور را از هم بپاشد. ایران در سال های کنونی تلاش هایی به عمل آورد، تا از میزان این آسیب پذیری بکاهد. نخستین چاره اندیشی، کوشش برای ایجاد محصولات جایگزینی به جای نفت خام و از آن میان برنامه ریزی برای تولید و صادرات محصولات پتروشیمی و غیره بود. در زمینه کشف و استخراج و صادرات گاز طبیعی و تولیدات صنایع پایین دستی آن نیز تلاش ها افزوده شد. با تدوین استراتژی اقتصادی بیست ساله ی کشور که به کمک گروهی از کارشناسان اقتصادی تهیه گردید، با وجود نارسائی ها و انتقادات وارده به آن و درگیری های بسیار جنی جناح های گوناگون درون دستگاه حکومتی برای اجرای آن، در جهت برنامه ریزی علمی و نوراندیشانه گام هایی به جلو برداشته شد.⁵³⁾ اجرای پاره ای از این راهکارها، در صورت پشتیبانی همه سویه از صنایع داخلی، می تواند به بالا رفتن تولید در رشته های کلیدی، بالا رفتن تولید ناخالص داخلی و سرانه، افزایش صادرات غیرنفتی و کاهش و یا هفمند کردن واردات و بهبود تراز بازرگانی برون مرزی بیانجامد. برای دستیابی به این هدف ها و برای جلوگیری از تکرار ناکلمی های برنامه های اقتصادی بلند پروازانه، زمینه های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی لازم هنوز موجود نیست و امکان اجرای این برنامه ها نیز در پس پرده ای از پرسش پنهان است.

در سال های گذشته در کنار این نگرگونی های ناپایدار که می توان آن را در خطوط عمده ی خود مثبت ارزیابی کرد، می توان به ایجاد صندوق ذخیره ی ارزی اشاره کرد. این صندوق برلی جلوگیری از تأثیر نوسانات قیمت نفت در بازار های

جهانی و امکان کاهش درآمدهای ایران از این محل که مستقیم و غیرمستقیم بر تمامی شالوده‌های اقتصاد ایران تأثیر می‌گذاشت، و نیز برای پشتیبانی از بخش‌های گوناگون اقتصادی، بوجود آمد در مورد بهره‌گیری از این صندوق دیگری‌های جدی وجود داشت و هنوز شیوه‌ی استفاده بهینه از آن روشن نشده است. بخشی از اختلاف دیدگاه‌ها، به چگونگی برخورد به استراتژی توسعه در ارتباط بود بدین گونه که پاره‌ای از دست‌اندرکاران بر استراتژی توسعه‌ی صادرات تأکید می‌کردند و گروهی استراتژی جایگزینی واردات را برای ایران درست می‌دانستند سازمان تجارت جهانی شرط عضویت ایران در این سازمان را، به‌گزینش استراتژی توسعه صادرات وابسته کرده و حکومت اسلامی با وجود اختلافات درونی، در این راستا حرکت می‌کند.⁽²⁵⁴⁾

نمودار 160 - نوسانات داد و ستد خارجی ایران



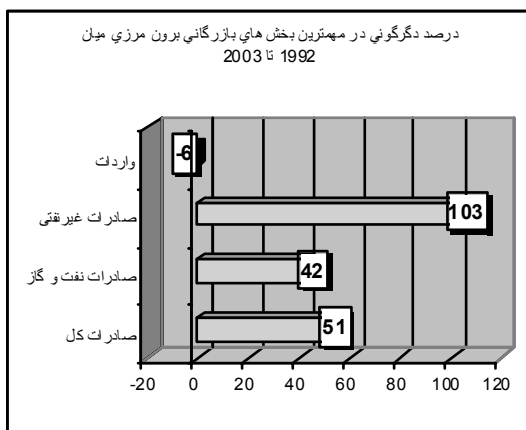
تملی شاخص‌های مربوط به داد و ستد برون مرزی، علیرغم نوسانات بزرگه پس از سال 1992 تا میانه‌ی دهه‌ی 90 که با دگرگونی‌های قیمت نفت در بازار جهانی نیز در پیوند بود روندی افزایشی را نشان می‌دند. در این میان کل صادرات ایران

از نزدیک به 6 میلیارد دلار به مرز 28 میلیارد دلار در سال 2003 رسید و در کنار آن کل واردات نیز از میزان 11.8 میلیارد دلار به مرز 24 میلیارد دلار نزدیک شد و واردات به مثابه‌ی تابعی از صادرات از نوسانات درآمد نفتی پیروی کرد. نوسانات صادرات غیرنفتی نیز در این میان از همین ویژگی برخوردار بود و اگر چه هنوز در داد و ستد بازرگانی برون‌مرزی ایران نقشی ناچیز داشت، در این فاصله‌ی ولی از میزان نزدیک به یک میلیارد دلار به مرز 4 میلیارد دلار نزدیک شد و برای صادرات بالاتر نیز برنامه‌ریزی گردید.⁽²⁵⁵⁾

دگرگونی تراز بازرگانی ایران میان سال‌های 1989 تا 2003 نشانگر آن بود که علیرغم نوسانات در درآمد نفتی ایران و واردات کشور، در مجموع خود با بهبود این شاخص روبرو گشتیم. در این سال‌ها تراز بازرگانی با نفت با شتابی بیشتر از تراز بازرگانی بدون نفت بهبود یافت. تراز بازرگانی با نفت و گاز از کسری نزدیک به 4.6 میلیارد دلار در سال 1989 به مازاد 4.4 میلیارد دلار در سال 2003 بهبود یافت، ولی کسری تراز بازرگانی بدون نفت، از میزان نزدیک به 9.5 میلیارد دلار به 18.4 میلیارد دلار در سال 2003 رسید. سیاست درهای باز در تجارت خارجی و واردات بی‌رویه، دولت اسلامی را بر آن داشت که به کاهش جدی واردات روی آورد. در سال 1995 تا 2001 میزان کل واردات در مرز 10 میلیارد دلار باقی ماند و حتی در سال 1995 به کمترین میزان خود یعنی 8.2 میلیارد دلار رسید. از سال 2001 به بعد اما در هر دو زمینه‌ی تراز بازرگانی نفتی و غیرنفتی گرایش شتابان منفی دیده شد و آخرین آمارهایی که در روزنامه‌های ایران با زتاب یافت نیز، نشان از بازگشت اوضاع داد و ستد برون مرزی ایران به پروسه‌ی سال‌های پیش از 1995 داشت، که تراز بازرگانی ایران با نفت و گاز با کسری نزدیک 5 تا 10 میلیارد دلار و بدون نفت با کسری 20 میلیارد دلار روبرو بود. دشواری اقتصادی ایران، بویژه با ناتوانی در افزایش صادرات غیرنفتی پا به پای واردات پیوند داشت و در نتیجه‌ی آن گرایش به بخش‌های نفت و گاز و تلاش برای افزایش استخراج و فروش در بازارهای جهانی برای تأمین این کسری فزاینده، رو به افزایش بود.

یعنی 103 درصد افزایش. این میزان اما هنوز در برابر افزایش چشمگیر واردات کشور پاسخگو نبود.

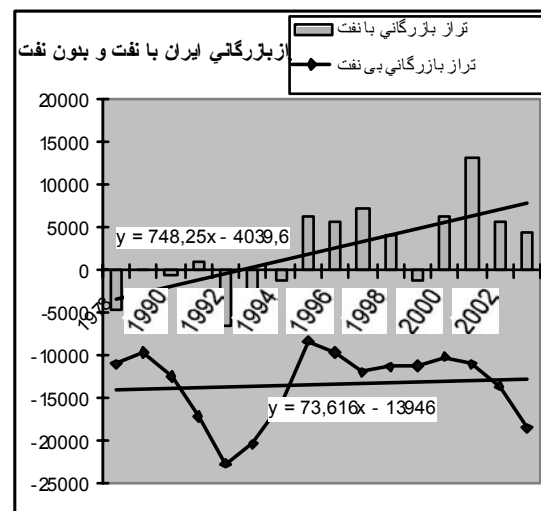
نمودار 162 - درصد دگرگونی در مهمترین بخش‌های بازرگانی خارجی



کسری موازنه در سال 2003 پیش از همه با ماشین‌آلات، وسایل نقلیه زمینی و پس از آن با میزانی برابر 50٪ یا کمتر از آن، با فلزات معمولی و مبروراید طبیعی و محصولات صنایع شیمیایی و مواد پلاستیکی و دستگاه‌های اوپتیک در پیوند بود. کسری موازنه در زمینه ماشین‌آلات رقی برابر با 51207375 میلیون ریال و وسایل نقلیه 2825193 میلیون ریال را آشکار می‌کرد نقش کالاهایی مانند محصولات صنایع غذایی و چربی‌ها و مواد نسجی و خمیر چوب و مصنوعات سنگ و حیوانات زنده و چوب کمتر می‌شود. در این میان کالاهایی مانند پوست و چرم و کفش و کلاه و اشیای هنری بخش بسیار کوچکی از دیگر واردات ایران را در سال 2003 تشکیل می‌دند.

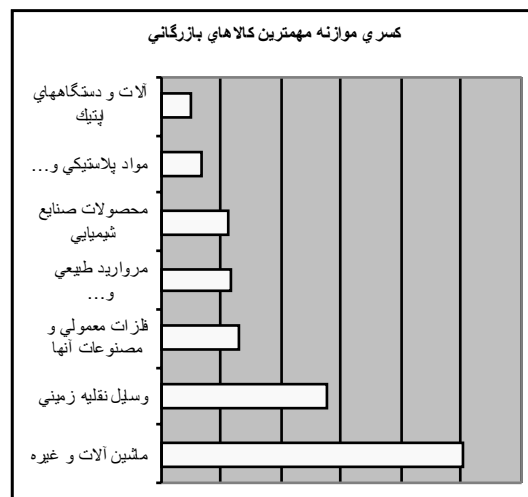
برداشت‌های فزاینده و بی‌درپی از درآمدهای نفتی پس‌انداز شده در صندوق ذخیره ارزی، یکی از شواهد این دشواری بوده و هست.⁽²⁵⁶⁾

نمودار 161 - تراز بازرگانی ایران با نفت و بدون نفت



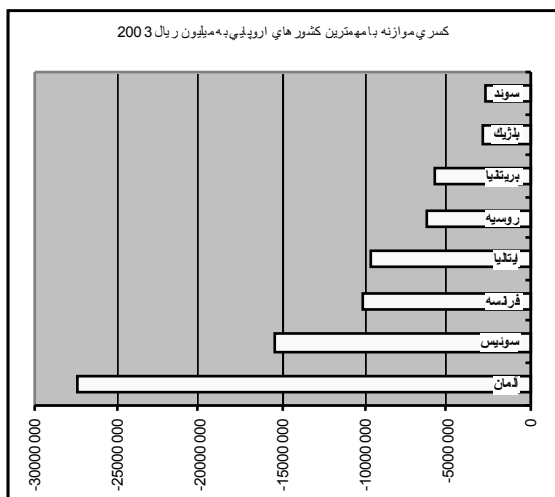
در این میان می‌توان سال‌های میان 1992 تا 2003 را بیشتر موشکافی کرد. دگرگونی در مهمترین بخش‌های تراز بازرگانی ایران میان سال‌های 1992 تا 2003 نشانگر کاهش واردات به میزان 6 درصد در این فاصله‌ی زمانی و افزایش کل صادرات به مقدار 51 درصد بود. صادرات نفت و گاز ایران در این یازده ساله از 16 میلیارد دلار به 22.8 میلیارد دلار همانا نزدیک به 42 درصد افزایش نشان داد. صادرات غیرنفتی در همین درازا از 2.6 میلیارد دلار به 5.3 میلیارد دلار رسید،

نمودار 163 - کسری موازنه مهمترین کالاهای بازرگانی



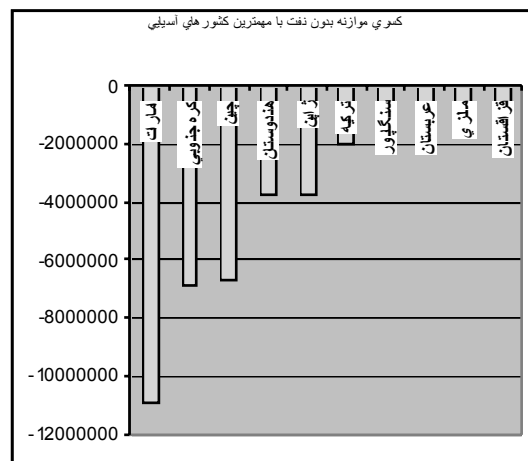
در این سال تراز بازرگانی ایران با بیشترین کشورهای جهان، بدون نفت، منفی بود. با هیچ یک از طرف های بازرگانی اروپایی، که جایگاه نخست را در بازرگانی خارجی کشور در میان قاره هلی جهان داشتند، موازنه مثبت دیده نمی شد. بیشترین کسری در سال 2003 به آلمان مربوط بود و پس از آن با فاصله ای نزدیک به نیمی از آن وکتر، سوئیس و فرانسه و ایتالیا و روسیه و بریتانیا و بلژیک و سوئد قرار داشتند. داد و ستد ایران با آلمان کسری برابر 2739184 میلیون ریال داشت و با سوئد این کسری برابر 2670067 بود. کسری موازنه با پاره ای دیگر از طرف های بازرگانی مانند هلند و اتریش و اسپانیا و اوکراین کمتر می شود و با دانمارک تنها کسری کوچک 660627 میلیون ریال دیده می شود.

نمودار 164 - کسری موازنه با مهمترین کشورهای اروپایی



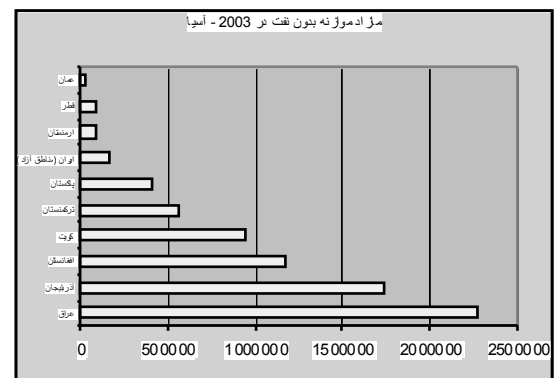
بازرگانی برون مرزی با کشورهای آسیایی، بویژه با کشورهای همسایه و نزدیک به ایران، در مجموع خود کسری کمتری داشت و در موارد محدودی مانند تراز بازرگانی نیز دیده می شد. در چکاد کشورهایی که ایران با آنان داد و ستد بازرگانی منفی، بدون در نظر گرفتن نفت داشت، کشورهای امارات متحده و کره جنوبی و چین ایستاده بودند کسری موازنه با امارات نزدیک به 10917412 میلیون ریال در سال 2003 و نزدیک به 40٪ کمتر از کسری موازنه با بزرگترین طرف اروپایی ایران، همانا آلمان بود. این کسری با هندوستان و ژاپن و ترکیه و سنگاپور و عربستان و مالزی و قزاقستان رقمی کمتر از 4000000 میلیون ریال را آشکار می کرد.

نمودار 165 - کسری موازنه بدون نفت با مهمترین کشورهای آسیایی



ایران تنها با پاره ای از کشورهای جهان، موازنه ی بازرگانی (غیرنفتی) مثبت داشت که میزان آن نیز بسیار ناچیز بود. در بالای این رده بقی، کشور بحرانی زده ی عراق و پس از آن کشورهای همسایه ی ایران آذربایجان و افغانستان و کویت و ترکمنستان و پاکستان و مناطق آزاد و ارمنستان و قطر و عمان قرار داشتند. موازنه بازرگانی مثبت ایران با عراق برابر 2264278 میلیون ریال در سال 2003 تنها چیزی نزدیک به یک دهم کسری موازنه با آلمان بود که در این سال از راه داد و ستد بازرگانی به سودی از بازار ایران برابر 10917412 میلیون ریال دست یافته بود. اینکه آیا ایران با ساختار کدونی اقتصاد توانایی آن را دارد که در برش کوتاه زمانی برای این کسری موازنه حتی با همسایگان نزدیک خود چیره شود، در هاله ای از ابهام قرار دارد.

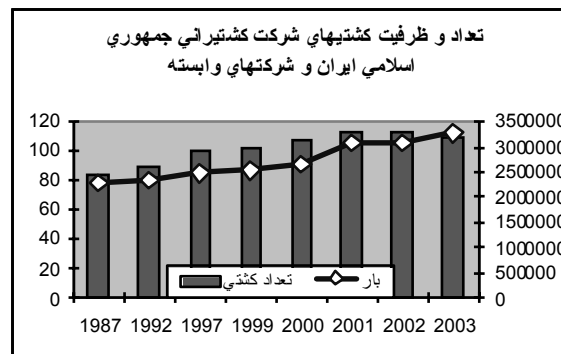
نمودار 166 - موازنه بدون نفت آسیا



می توان به یکی از دشواری های اقتصادی ایران در زمینه بازرگانی خارجی که به صنایع کشتی سازی باز می گردد، اشاره ای کرد. از میان نخستین زمامداریانی که در چند سده ی گذشته به اهمیت اقتصادی و نظامی و سیاسی این رشته در کشور پی بردند می توان به نادرشاه اشاره کرد او برای چیرگی بازرگانی و نظمی دوباره ی ایران بر پهنه ی دریائی خلیج فارس و دریای خزر، در سال 1743 ریاست کشتی سازی ایران را به جان التون انگلیسی سپرد. یک فروند کشتی جنگی ایران با 23 توپ در دوران او به آب افتاد و با وجود کارشناسی های روسیه و انگلستان، 20 فروند کشتی در بندر سورت برلی ایران ساخته و در بندرعباس به ایران واکار شد. با این وجود دولت کوتاه مدت نادرشاه نتوانست به برنامه های خود برای ایجاد یک ناوگان دریائی ورزیده تحقق بخشد و تلاش های ناپیگیر بعدی نیز به نتیجه ای نرسیدند.⁽²⁵⁷⁾ این پروسه تاکنون نیز ادامه دارد. در سال های گذشته از جمله سال های 1987 تا 2003 به شمار کشتی ها کمی افزوده شد و تعداد آنان از 84 به 109 (نزدیک به 30٪ افزایش) رسید. میزان بار حمل و نقل

شده نیز در همین برش زمانی از 22 774 88 تن به 32 807 76 تن همانا نزدیک به 40٪ افزایش یافت. کشتی‌های ایرانی که به طور عمده دولتی یا نیمه دولتی هستند، نه در زمینه‌ی مسافری، بلکه بویژه در پهنه‌ی حمل و نقل بار (بویژه کشتی‌های فله بر خشک) و در جابجایی کالاهای عمومی کار می‌کنند. بخش عمده‌ی ظرفیت کشتیرانی ایران با شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی در پیوند بود در سال 2003 ظرفیت کشتی‌های این شرکت 2 939 819 تن، کشتیرانی ایران و هفت 310 330 تن، کشتیرانی والفجر و 306 800 و کشتیرانی دریای مازندران تنها 250 400 تن می‌نمود. سهم ایران در کشتی‌رانی جهانی و منطقه‌ای علیرغم این نگرگونی بسیار ناچیز است و هنوز هم پس از چند سده، کشورهای صنعتی اروپا و آسیا بر راه‌های آبی پیرامون ایران چیرگی دارند.

نمودار 167- تعداد و ظرفیت کشتی‌ها



درآیند نگر زیر اقتصاد کنونی، کسری ترازها در داد و ستد برون مرزی

تراز بازرگانی مثبت در کنار ثبات قیمت‌ها، رشد اقتصادی و اشتغال مطلوب و پایدار، از مهم‌ترین نمودهای ثبات اقتصادی هستند و در پاره‌ای از کشورهای صنعتی مانند آلمان به مثابه یک آماج مهم ثبات اجتماعی در قدامت اساسی کشور نیز بازتاب یافته‌اند.⁽²⁵⁸⁾ در ایران تراز بازرگانی بدون نفت که شاخص واقعی مناسبت اقتصادی برون مرزی است پیش و پس از 1979 تقریباً همواره منفی بود. واقعیت این است که در صورت بروز بحران بسیاری جدی در بازار نفت، ایران در فاصله‌ی زمانی کوتاهی قادر به بازپرداخت تعهدات خارجی و تامین نیازهای ارزی خود نیست. پاره‌ای کارشناسان اقتصادی بر این باورند که همپا با افزایش تولید ناخالص ملی، می‌بایست میزان مازاد تراز بازرگانی خارجی نیز افزایش یابد. در ایران نه تنها در برنامه‌ها، بلکه در عمل نیز با این آماج فاصله‌ی زیادی وجود دارد. بازتاب وابستگی اقتصاد به نفت اینکه، تراز بازرگانی بدون نفت نه تنها با تقریباً همه‌ی کشورهای صنعتی جهان منفی است، بلکه ایران با کشورهای همسایه و کم‌تر پیشرفته نیز توانسته به داد و ستد مثبت اقتصادی دست یابد.

اگر چه با بهره‌گیری از سرچشمه‌های زیر زمینی (نفت و گاز) تراز بازرگانی بویژه از سال 1972 در بیشتر سال‌ها مثبت بود، ولی روشن است که این منابع در آینده به پایان خواهند رسید و این برتری نیز از دست خواهد رفت. افزون بر آن

عواملی مانند افزایش جمعیت، رشد روز افزون واردات، تنش‌های منطقه‌ای، افزایش بهای کالاهای وارداتی و هزینه‌های رشد یابنده اکتشافی و استخراجی، در کنار نوسانات بهای نفت بویژه کاهش احتمالی آن در پارگی مقاطع، در صورت ادامه‌ی اقتصاد تک محصولی، می‌توانند همین تراز بازرگانی مثبت و وابسته به نفت و گاز را هم بر هم زنند. دگرگونی در ساختار اقتصادی و ایجاد زمینه برای رشد پایدار، پیش شرط ضروری برای دست‌یابی گام به گام به تراز بازرگانی متوازن بدون نفت و گاز و وارد شدن به مرحله مازاد تراز بازرگانی در داد و ستد‌های برون مرزی است.

افزون بر بهره‌گیری از برتری‌های اقتصادی در بخش‌هایی مانند صنعت و کشاورزی، می‌توان به درآمدهای توریستی برای بهینه‌سازی تراز بازرگانی چشم داشت. توریسم به مثابه‌ی یک سرچشمه مهم تهیه ارز، می‌تواند در کوتاه مدت بخشی از وابستگی به دلارهای نفتی و گازی را کاهش دهد. در سال‌های کنونی میزان انتقال گردشگران در پهنه‌ی جهانی به طرز چشمگیری افزایش یافته است. پیش‌بینی می‌شود که در سال‌های آینده شمار توریست‌ها باز هم افزایش یابد. به این گونه، در آینده این بخش نه تنها یک سرچشمه مهم تامین ارز بلکه یک رشته مهم در اقتصاد داخلی پاره‌ای از کشورهای خواهد بود. در صورت فراهم شدن زمینه‌های همه‌سویه‌ی آن در ایران، چه در پهنه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و چه در گسترده‌های اقتصادی می‌توان نه تنها وابستگی به درآمدهای نفتی را کاهش داد، بلکه در راستای کاهش بیکاری، بویژه در شرایط افزایش روز افزون نیروی کار جوان در ایران، گام‌های بلندی به پیش برداشت. آزمون کشورهایی مانند ترکیه و بویژه پاره‌ای از کشورهای خلیج فارس که تاریخ پیدایش کوتاهی دارند نشان می‌دهد که این انتظار واقع‌بینانه است.

برای ایران درآمد از این محل را، در صورت پیدایش پیش‌زمینه‌های بایسته، می‌توان میان 10 تا 20 میلیارد برآورد کرد که سال‌هاست از آن چشم پوشیده شده ایم. اهمیت این نکته بیشتر آن‌جا آشکار می‌شود که ایران برای دست‌یابی به

سهم شایسته در بازار جهانی توریسم، از برتری‌های کمی مانند برخورداری است. حتی اگر میزان درآمدهای ایران از راه توریسم را سالانه 5 میلیارد دلار تخمین بزنیم، در فاصله نزدیک به 20 ساله‌ی پس از جنگ ایران و عراق به این معنی است که کشور ما نزدیک به 100 میلیارد دلار در این برش زمانی زیان دیده است. اهمیت این درآمدها برای اقتصاد ایران نقش خود را بیشتر نشان می‌دهد که آشکار شود، در این فاصله زمانی صدمات صنعتی ایران علیرغم تمامی سرمایه‌گذاری‌های کلان تا سال 2003 تنها به میزان 5 میلیارد دلار رسیده بود.

کدام پیش‌زمینه‌ها اهمیت سرمایه‌گذاری در بخش توریسم در ایران را با آماج دست‌یابی به نیازهای ارزی و بهبود تراز بازرگانی خارجی بدون نفت، کم و بیش در کوتاه مدت توجیه می‌کنند. نخست اینکه ایران در میان کشورهای جهان، بر پایه تاریخ کهن سال خود، در میان 10 کشور داری بزرگترین جاذبه‌های توریستی ارزیابی شده است. افزون بر آن، علیرغم دیدگاه‌های منفی تازه در پهنه‌ی جهانی پیرامون فرهنگ سنتی و اسلامی کنونی بر ایران، ایرانیان از دیرباز از جایگاه ویژه‌ای در تمدن و فرهنگ جهانی برخوردار بوده و هم‌اینک نیز در میان کشورهای همجوار برجستگی‌های فرهنگی ویژه‌ای از خود نشان می‌دهند. بیهوده نیست که دست‌اندرکاران بازار بسته‌ی توریسم در ایران، از دلبستگی توریست‌های خارجی به مردم و فرهنگ ایرانی پس از سفر به ایران سخن می‌گویند که ناتوانی‌های سازمانی و تاسیساتی بخش توریسم را تا حدودی جبران می‌کند. از سوی دیگر گوناگونی آب و هوایی و وجود مرزهای طولانی آبی در شمال و جنوب، در صورت سرمایه‌گذاری‌های کلان و هدفمند، می‌تواند زمینه را برای جذب توریست‌های خارجی در تمامی ماه‌های سال فراهم کند. تفاوت آب و هوایی در ایران در همه‌ی روزهای سال میان گرم‌ترین و سردترین منطقه بسیار بالاست. به این گونه، شرایط طبیعی برای جلب توریست‌های زمستانی و تابستانی تقریباً در همه‌ی ماه‌ها فراهم است. افزون بر بهره‌گیری از امکانات شرکت‌های بزرگ توریستی جهان، ایران از مکانات ایرانیان مقیم خارج از کشور نیز می‌تواند بهره‌گیرد و از این راه

به شمار ایران گردان از کشورهای گوناگون بیفزاید. نمونه‌ی ترکیه که از جمله از راه شهر و نطن خود در آلمان توانسته است به موفقیت‌هایی دست یابد، می‌تواند راهنما باشد امکانات ایران در این چارچوب از ترکیه بیشتر است، چرا که ایران‌یان تقریباً در تمامی کشورهای دارای باختر مانند آلمان، انگلستان، فرانسه، سوئد، کانادا و غیره به شمار زیاد ساکن هستند و در پاره‌ای از کشورها مانند آمریکا از امکانات گسترده مالی نیز برخوردارند.

آماج دیگر انباشت درآمد ارزی از راه توریسم، جذب ایران گردان از کشورهای همسایه به ویژه کشورهای نفت خیز و دارای منطقه است در این زمینه به دلیل نبود پیش زمینه‌ها، نه تنها نتوانسته‌ایم به درآمدهای ارزی بیفزاییم، بلکه بر پایه دانه‌های نشریات ایران سالانه میلیون‌ها و بلکه میلیارد‌ها دلار زیان ارزی دیده‌ایم نکته قابل توجه در بخش توریسم این است که از سویی بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در این پهنه از خود گرایش نسبتاً مثبتی نشان می‌دهد و بر همین پایه برای گسترش آن نیاز به سرمایه‌گذاری‌های بزرگ از سوی دولت و سیستم بانکی از راه دلارهای نفتی و گازی وجود ندارد، و از سوی دیگر سامان‌دهی به آن از پیچیدگی بخش‌های صنعتی و کشاورزی و دیگر زیربخش‌های خدمات کمتر است برای نمونه وابستگی تکنولوژیکی، میزان ارزی، دشواری بازاریابی و پیچیدگی سازمان‌دهی و ساختاری آن، نسبت به بخش‌های بالا محدودتر به نظر می‌رسد. هم‌چنین می‌توان انتظار داشت که دستیابی به سوددهی بالا، در مدت زمان کوتاه‌تر و با دشواری کمتر تحقق یابد. در صورت دسترسی به درآمدهای ارزی 10 میلیارد دلاری در سال، حتی با در نظر گرفتن پخش ناعادلانه‌ی درآمدهای ملی، برای پائین‌ترین طبقات اجتماعی نیز می‌توان بهبود درآمدی برآورد کرد. این بدان معناست که از راه به‌کارگیری بخش‌های گوناگون اقتصادی در کنار صنعت توریسم، می‌توان کارزایی کرد و به بهبود درآمد سرانه نیز کمک رساند.

بازرگانی خارجی و برنامه‌های اقتصادی

بازرگانی خارجی ایران را در سه دهه‌ی پایانی سده‌ی 20، می‌توان به 3 بخش تقسیم کرد. برش اول در زمان شاه پس از افزایش درآمد ایران از راه صادرات نفت، برش دوم در دوران تنش‌های بزرگ داخلی و خارجی پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی که از جمله هشت سال جنگ ایران و عراق را در بر می‌گرفت و بخش سوم که سال‌های کوشش برای بازسازی اقتصادی ایران را پس از جنگ شمل می‌شد در برش سوم بویژه در آغاز آن، بخشی از خرابی‌های جنگ بازسازی شد و زمینه‌برلی نوسازی اقتصاد ایران گام به گام فراهم گردید. برای دریافت روشن‌تر از شیب و فرازهای بازرگانی خارجی، نگارنده نخست به بررسی فشرده‌ی چند برنامه‌ی اقتصادی در این سه دوران می‌پردازد. باید به این نکته نیز توجه داشت که در اقتصاد برنامه‌ریزی شده‌ی ایران، پس از سال 1979 وقفه ایجاد شد. نخستین برنامه‌ی اقتصادی پس از روی کار آمدن حکومت اسلامی به طور عمده آماجی در چارچوب بازسازی خرابی‌ها و برطرف کردن نابسامانی‌ها داشت تا نوسازی اقتصاد کشور. بدین ترتیب برش اول و سوم یعنی دوران محمدرضا شاه و دوره‌ی پس از جنگ دارای دورنمای‌ی نوسازی هستند و در آن سهم برش نخست، برجسته‌تر از برش سوم است. چرایی آن را در این می‌توان دید که در برنامه‌های اقتصادی جمهوری اسلامی از سویی هنوز سرمایه‌گذاری

در بخش‌هایی که در نتیجه‌ی جنگ ویران شده و نیز رسیدگی به نابسامانی‌ها و نماند کاری‌های برش دوم، در دستور کار بود و از سوی دیگر برنامه‌ی تدوین شده و توافق شده‌ای که مورد پذیرش همه‌ی بخش‌بزرگی از دست‌اندرکاران اقتصاد ایران قرار گرفته و ضمانت اجرایی نداشته باشد، حاصل شده بود بی‌دلیل نیست که نگارنده این دوره را دوران "کوشش برای نوسازی اقتصاد" ایران نامیده است.

برنامه‌ریزی اقتصادی برای کشورهای در حال رشد وسیله‌ایست برای تأثیرگذاری بر روند‌های اقتصادی، در ایران 5 برنامه‌ی اقتصادی از سال 1949 تا 1978 طی زمامداری شاه پیاده شد از زمان به دست گرفتن حکومت از سوی او در سال 1942 تا 1954، ایران دچار تنش‌های سیاسی بود و آرامش ضرور برای پیاده شدن برنامه‌های اقتصادی تازه پس از سال 1954 رفته رفته فراهم شد.⁽²⁵⁶⁾ پشت سر گذاشتن بحران‌های اقتصادی و سیاسی سال‌های پیش و پس از اصلاحات ارضی و پیامدهای آن و سپس بالا رفتن شتابان درآمد نفت، زمینه‌ساز دوران سوم نوسازی اقتصادی ایران شد، که پنجمین و آخرین برنامه‌ی عمرانی شاه میان سال‌های 1974 تا 1978 بازتابی از آن بود در طول 4 برنامه‌ی نخست نیز دگرگونی‌های تازه‌ای در اقتصاد ایران پدیدار شد که نمودارهای برجسته‌ی آن، ایجاد زیربناهای بنیادی مانند گسترش راه‌ها و راه‌آهن‌ها و فرودگاه‌ها و ارتباطات بود در زمینه‌ی صنعتی کردن کشور اما گام چشمگیری به جلو برداشته نشد. در برنامه پنجم عمرانی و با چهاربرابر شدن بهای نفت در مدت یک سال، جهشی در هزینه‌ها و درآمدهای برنامه‌ی تازه، در سنجش با برنامه‌های پیشین، پدیدار شد. برنامه‌ی عمرانی پنجم شاه چهار بخش را در بر می‌گرفت: امور عمرانی، دفاعی، اجتماعی و مالی تأمین درآمدهای ضرور برای اجرای برنامه‌ی عمرانی بویژه از محل صدور نفت خام فراهم شد. مهم‌ترین عواملی که به شکست برنامه‌های اقتصادی شاه انجامید و نگارنده در بخش‌های پیشین آن را بیشتر شکافته است به ترتیب زیر بودند: نبود ارگان‌های دمکراتیک و روبنای متناسب با

ساختارهای اقتصادی برای نظارت بر برنامه‌ها، نقش تعیین‌کننده شاه در تصمیمات اقتصادی، وابستگی برنامه‌ها به میزان صادرات نفت و بهای آن در بازار جهانی، تأثیر این نوسانات به صورت بسیار جدی بر برنامه‌ها، بلندپروازی‌های اقتصادی غیرواقع‌بینانه، افزایش فقر و پخش ناعادلانه‌ی دارائی‌ها، وجود شمار زیاد بیسوادان و روستائیان تازه‌شهرنشین شده، هزینه‌های سنگین نظامی، سیاست‌های پرهزینه‌ی ژاندارمی در منطقه‌ی خلیج فارس و ناموزنی رشد رشته‌های گوناگون اقتصادی در کنار تورم فزاینده و صادرات کم غیرنفتی. سرنگونی شاه از جمله بازتاب همین اشتباهات در برنامه‌های اقتصادی و آشکار شدن نتایج

آن در پایان سال‌های زمامداری او بود.

سال‌های نخست پس از سرنگونی شاه، دوره‌ی تنش‌های تند سیاسی و دوران جنگ هشت ساله بود. نخستین برنامه‌ی جمهوری اسلامی تازه پس از 5 سال به تصویب دولت رسید، ولی با تأیید مجلس روبرو شد و تنها در حد کوششی بازماند.⁽²⁵⁷⁾ تا سال 1990 یعنی تا یازده سال پس از سرنگونی شاه، برنامه‌های عمرانی تا حد و زیادی دچار ایست شد و اقتصاد کشور با هزینه‌های سنگین جنگ و پیامدهای آن و کاهش مقطعی درآمد نفت روبرو گردید. تأمین نیازمندی‌های مردم از راه اقتصاد جیره‌بندی و سیاست کنترل واردات و گرایش به بخش کشاورزی برای تأمین پاره‌ای از نیازهای داخلی کشور و کنترل قیمت‌ها، مهم‌ترین ویژگی‌های اقتصاد نیمه جنگی این دوران بود. نخستین برنامه‌ی عمرانی جمهوری اسلامی، سال‌های 1990 تا 1994 را در بر می‌گرفت. شاخص مهم برنامه‌ی نخست پس از انقلاب، وزن سنگین اعتبارات غیرتولیدی بود و از این دیدگاه نقطه مقابل برنامه‌ی پنجم شاه را نمایان می‌کرد. بدین ترتیب درآمد ارزی ایران از راه صدور نفت به ویژه به نیازهای مصرفی اقتصاد داخلی پاسخ می‌داد. نتیجه‌ی نابسامانی اقتصادی سال‌های نخست پس از سرنگونی شاه و ادامه‌ی جنگ بیبوهه با عراق و خرابی و ویرانی‌های گسترده‌ی کشور، که نیاز به بازسازی حداقل بخشی از آنان ضروری بود، چیزی جز روی آوردی به سیاست

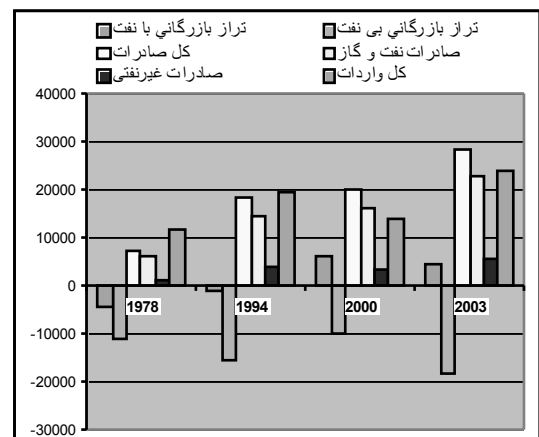
مصرفی را در پی نداشت. در برنامه ریزی های بعضی نیز با وجود پاره ای از بهبودها دگرگونی چشمگیری رخ نداد.

در کنار برنامه های ناروشن اقتصادی، نواقص اجرایی در کارها نیز کم نبود. برای نمونه میان سال های 1989 تا 1993 در تمامی بخش های برنامه، بجز بخش خدمات و آب و برق و گاز، با کسری روبرو بودیم. نارساترین بخش در این میان به صنعت گاز می گشت که در برنامه رشدی برابر با 19.5 درصد برلی آن پیش بینی شده بود که تنها 7.6 درصد آن به اجرا درآمد. در زمینه کشاورزی و نفت، کسری اجرای برنامه اما ناچیز بود که آن هم با اقتصاد بسته و تک محصولی کشور پیوند داشت.⁽²⁵⁸⁾ برنامه ی دوم سال های 1996 تا 2000 را در بر می گرفت. با اتخاذ سیاست غیرتولیدی و مصرفی در برنامه ی اول و ورود کلاهای خارجی و گسترش بخش بازرگانی، در طول پنج سال دولت به ازای هزینه کردن درآمد نفت و دریافت وام های خارجی به گوشه ای از نیازهای اولیه ی جامعه پاسخ داد.⁽²⁵⁹⁾ نیاز به بازسازی صنایع ویران شده و تلاش برای بالا بردن تولید داخلی با آماج برطرف کردن بخشی از نیازهای بازار داخلی، دولت را ناچار کرد که در برنامه ی خود از میزان هزینه های غیرتولیدی و مصرفی تا حدی بکاهد و به سرمایه گذاری در بخش صنعتی توجه کند. این در حالی بود که از سوئی بازپرلاخت وام های تازه و بالا بردن بارزهم بیشتر میزان بدهی های خارجی دشوار می نمود و از سوی دیگر مؤسسات و بانک های خارجی نیز از دادن وام بیشتر به ایران به دلیل ناتوانی مالی دولت تلویحا خودداری می کردند. در برنامه ی دوم از سهم امور اجتماعی و عمومی تا حدودی کاسته شد و اعتبارات بخش های دیگر اقتصادی افزایش یافت.⁽²⁶⁰⁾ افزایش چشمگیر بخش صنعتی اما، نه بازتاب گسترش چشمگیر این بخش، بلکه نتیجه ی جلبجائی اعتبارات نفت و گاز از بخش هزینه های عمرانی به بخش صنعتی بود. با اجرای برنامه ی اقتصادی دوم، روند بازسازی خرابی های جنگ و رسیدگی به نابسامانی های اقتصادی پس از انقلاب ادامه یافت و بخشی از نارسایی ها به کمک صادرات نفت جبران شد. دورنمای برنامه سوم اقتصادی

میان سالهای 2000 تا 2004 و طرح برنامه چهارم اقتصادی که در سال 2004 مورد گفتگو بود، بر استراتژی توسعه صادراتی استوار گردید که بخش هایی از آن در چارچوب خواست های سازمان تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی عمل می کرد. از جمله افزایش صادرات فرآورده های برگزیده ی پتروشیمی و نه گسترش صادرات از بخش های گوناگون اقتصاد ایران.⁽²⁶¹⁾ بدین گونه در نظام برنامه ریزی کشور، استراتژی توسعه صنعتی بر پایه ی سیاست جایگزینی واردات که در برنامه های دهه ی 60 و 70، زمان شاه، بازتاب داشت و در برنامه های اول و دوم حکومت اسلامی نشانه هلی از آن دیده می شد، گام به گام دگرگون شد و با وجود ناروشنی هلی برنامه ریزی و درگیری های جناحی، در مجموع خود جای خود را به استراتژی توسعه ی صادرات با الگوبرداری از سیاست های سازمان تجارت جهانی داد.⁽²⁶²⁾ در زمینه کاهش حقوق گمرکی و تورم نیز گام هایی در جهت خواست های مؤسسات مالی و تجاری بین المللی برداشته شد. در جریان خصوصی سازی نیز با وجود آهنگ کند آن - از زاویه دید بخش خصوصی و بخشی از دست اندرکاران - در سال 2003 نزدیک به 300 میلیارد تومان سهام دولتی به بخش خصوصی واگذار شد و در سال 2004 نیز 14000 میلیارد تومان انتقال پیش بینی شد و مقدمات اجرائی 800 میلیارد تومان آن فراهم گردید.⁽²⁶³⁾ نگاهی به وضع صادرات و واردات و تراز بازرگانی برون مرزی در پایان 4 برنامه در سه دهه ی گذشته، چشم انداز روشن تری از دگرگونی ها نمایش می دهد. در زمینه صادرات نفت و گاز که نقش تعیین کننده ای در نوسانات دیگر شاخص ها بازی می کرد، در پی افزایش بی ایست روبرو بودیم و میزان آن از 6.2 میلیارد دلار به ترتیب به 14.3 و 16.2 و 23.8 میلیارد دلار افزایش یافته بود. تراز بازرگانی در برنامه آخر شاه زیر تأثیر تشنجات سیاسی با 4.6 میلیارد دلار کسری، در برنامه یکم و دوم و سوم جمهوری اسلامی به ترتیب با کسری 1.2 میلیارد دلار و سپس با مازاد 6.2 و 4.4 میلیارد دلار در پایان برنامه روبرو و گشت. بدین گونه از این چشم انداز وضع داد و سندهای خارجی بهبود نسبی یافت و از بحران

خود تا حدودی خارج شد. در زمینه ی تراز بازرگانی غیرنفتی اما، از آنجا که برای برطرف کردن نیاز بازار درون مرزی از راه تولید داخلی، تلاش کافی صورت نمی گرفت و افزایش صادرات غیرنفتی نیز با سرعت افزایش واردات همخوان نبود، میزان کسری آن از 10.9 میلیارد دلار در پایان برنامه پنجم شاه به ترتیب به 15.5 و 10.05 میلیارد دلار و 18.4 میلیارد دلار در رژیم اسلامی رسید. بدین گونه در زمینه کسری تراز بازرگانی خارجی با افزایش 70 درصدی در فاصله 25 ساله روبرو بودیم از سوی دیگر صادرات غیرنفتی در برنامه های چهارگانه به ترتیب از نزدیک به یک میلیارد دلار به 3.7 و 3.4 و 5.3 میلیارد دلار افزایش یافت (تنها نزدیک به 4 میلیارد دلار افزایش در فاصله ی 25 سال).

نمودار 168 - بازرگانی خارجی در پایان چهار برنامه ی اقتصادی



همزمان ولی واردات کشور به ترتیب از 11.8 میلیارد دلار، بویژه زیر تأثیر جنگ به 19.8 و سپس 13.5 و با شتابی تند به 23.7 میلیارد دلار در پایان برنامه سوم

رژیم اسلامی فراروید (چیزی نزدیک به 11.5 میلیارد دلار افزایش در فاصله ی 25 ساله) به دیگر سخن کسری تراز بازرگانی بدون نفت در پایان برنامه سوم جمهوری اسلامی 7.5 میلیارد دلار بیشتر شد (افزایش واردات به میزان 11.5 میلیارد دلار در برابر 4 میلیارد دلار افزایش صادرات غیرنفتی در فاصله ی 25 ساله) آمارهای تازه ی رسانه های گروهی نیز از گسترش بیشتر کسری تراز بازرگانی بدون نفت و گاز سخن می گویند و به نظر می رسد در آینده ی نزدیک در این پروسه دگرگونی چشمگیری رخ دهد.⁽²⁶³⁾

نقش ویژه نفت و گاز در باز رگانی خارجی و اقتصاد کنونی

نفت در ایران از زمان هخامنشیان در 2500 سال پیش شناخته شده بود. در آن دوران پاره‌ای آتشکده‌های زرتشتی بر روی چاه‌ها و منابع نفت بنا می‌گردید. نمونه‌هایی از این آتشکده‌ها در جنوب ایران یافت شده است بر اساس یک گزارش، در مازندران دو هزار سال پیش نفت به عنوان وسیله‌ی سوخت مورد استفاده قرار می‌گرفت.⁽²⁶⁴⁾ ایران دارای یکی از بزرگترین ذخیره‌های نفت و پس از روسیه دارای دومین ذخائر گاز جهان است. ذخائر نفتی ایران پیشتر به حدود 93 میلیارد بارل و ذخائر گاز آن به حدود 600 میلیارد مترمربع تخمین زده می‌شد. (265) بر پایه‌ی اکتشافات تازه، ایران در زمینه ذخائر نفت و گاز دومین جایگاه را در کشورهای جهان به خود اختصاص داده و در نظر دارد برای بهبود موقعیت در بازار نفت و کمک به اقتصاد داخلی، تا سال 2030 نزدیک به 40 میلیارد دلار در بخش نفت، 45 میلیارد دلار در بخش گاز، 25 میلیارد دلار در بخش پتروشیمی و 20 میلیارد دلار در بخش برق سرمایه‌گذاری کند.⁽²⁶⁶⁾ با وجود بهره‌برنداری بی‌وقفه، ذخائر قابل برداشت نفت ایران از 59 میلیارد بشکه در سال 1980 به 130 میلیارد بشکه در سال 2003 افزایش یافته بود.⁽²⁶⁷⁾ پیدایش صنایع نفت همزمان بود با نفوذ سرمایه‌ی صنعتی در ایران انگلستان زمانی که این منابع نفت دست یافت ایران در شرایط یک کشور نیمه‌مستعمره قرار داشت. قرارداد 1901 میان دولت

موقت ایران و شرکت سابق نفت ایران و انگلیس، یکی از زیان‌بارترین قراردادهای معاصر اقتصادی ایران بود این قرارداد، شرکت سابق نفت ایران و انگلیس را از لحاظ قدرت مالی از سطح یک شرکت متوسط به یکی از بزرگ‌ترین کمپانی‌های بین‌المللی تبدیل کرد.⁽²⁶⁸⁾

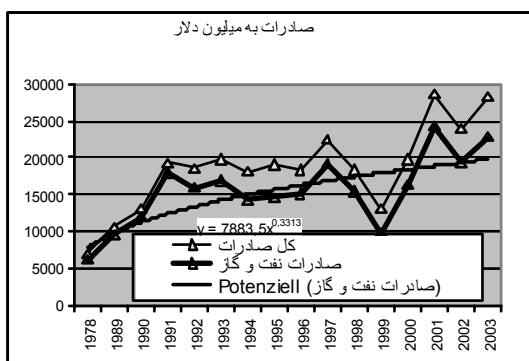
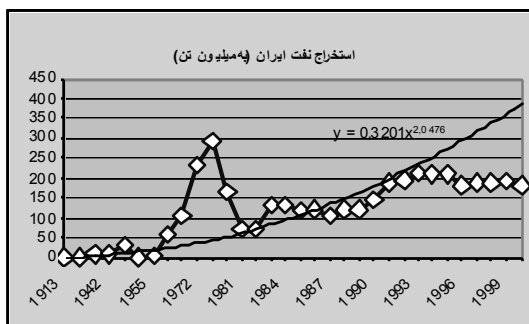
اکتشاف نفت در ایران با مخارج زیادی در آغاز همراه بود و پس از یک دسته‌حفری‌های بی‌نتیجه، دولت انگلستان مستقیماً بر حجم سرمایه‌گذاری‌ها در اکتشافات نفتی ایران افزود و خود را در شرکت "بروماویل کمپانی" سهیم کرد. با بهره‌برداری از چاه‌های نفت مسجد سلیمان دوران سودآوری آغاز شد پس از آن شرکت نفت ایران و انگلیس پایه‌گذاری شد، که دولت انگلستان دو میلیون پوند در آن سرمایه‌گذاری کرد و به بزرگترین سهامدار آن نیز بدل گردید. بر پایه‌ی بند 81 قرارداد، یا وزیر مالی انگلستان یا دو نماینده‌ی او، می‌بایست در هیئت رئیسه‌ی شرکت حضور می‌داشتند. بند 91 به دولت انگلستان حق وتو واگذار کرده بود، هر گاه که منافع انگلستان به خطر افتد.⁽²⁶⁹⁾

از سال 1905 تا 1932 شرکت سابق نفت ایران و انگلیس از محل فروش نفت ایران بیش از 171 میلیون لیره سود خالص به بانک هلی انگلیس منتقل کرد. پولی که به ایران رسید 11 میلیون لیره یعنی تنها 6.4 درصد تملی آن بود. شرکت نامبرده فرمانروای مطلق بر 100 هزار مایل مربع از اراضی ایران بود و دولت ایران هیچگونه حق مداخله‌ای در امور شرکت نداشت و فاقد هرگونه نظارتی بر اعمال آن بود. در سال 1934 بازنگری در پیمان نامه رخ داد و بر این پایه انگلستان پذیرفت که در برابر هر تن نفت خام تولید و صادر شده، 4 شلینگ به دولت ایران بپردازد. این تنها یک هشتم قیمت واقعی هر تن نفت خامی بود که در آن دوران این شرکت در بنادر خلیج فارس به فروش می‌رساند. در برابر این افزایش بسیار ناچیز در سهم ایران، شرکت سابق نفت ایران و انگلیس مدت زمان امتیازنامه‌ی خود را برای بهره‌برداری از ذخائر ایران تا سال 1993 تمدید کرد. این در حالی بود که بر پایه‌ی قرارداد پیشین، می‌بایست همه‌ی دارایی‌های شرکت در سال 1962 به

ایران واگذار گردید و در سال 1933 تقریباً 52 درصد از آن به ایران تعلق داشت. قرارداد تازه به این حق لیتایز خط بلطانی کشید و در چارچوب حاکمیت مطلق شرکت انگلیسی در خاک ایران هیچگونه تغییری رخ نداد. این قرارداد غیر عادلانه به مناسبات ایران و انگلیس تا دهه‌ی آینده به سختی آسیب رساند.⁽²⁷⁰⁾ نمونه‌وار می‌توان به چگونگی درآمد و هزینه‌ی شرکت نفت انگلیس و ایران در سال 1948 و درآمد دولت ایران گامی انداخت در این سال در حالی که سهم ایران در صادرات نفت تنها 10 میلیون لیره بود، سود خالص با در نظر گرفتن مالیات پرداختی به دولت انگلیس نزدیک به 79 میلیون لیره همانا 8 برابر درآمد ایران بود. اگر تمامی درآمدهای کناری که در برگیرنده‌ی درآمد غیرمستقیم دولت انگلستان و سود سهام پرداختی بود را نیز در نظر بگیریم، این مبلغ به 114 میلیون لیره می‌رسید که 11.4 برابر درآمد دولت ایران در آن گاه بود. جالب توجه اینکه، دولت دارنده‌ی طلای سیله درآمدی از مجموع صادرات ذخائر خود به میزان تنها یک سوم درآمد مالیاتی دولت دریافت‌کننده‌ی نفت داشت (سود شرکت نفت انگلیس را در این میان در نظر گرفته‌ایم). نقش صادرات نفت در اقتصاد کشور گام به گام و در گذشت سالیان افزایش یافت. بررسی درآمد دولت در سال‌های 1937 تا 1949 نشان می‌دهد که اگر چه سهم نفت در بودجه‌ی دولت افزون شد، ولی نقش تعیین‌کننده در ساختار اقتصادی ایران بازی نکرد. سهم نفت در مجموع درآمدهای دولت در سال 1949 تنها 12.5 درصد بود.⁽²⁷¹⁾ اهمیت صادرات نفت در اقتصاد ایران را می‌توان از جمله درپروسه‌ی شتابان استخراج نفت دید. روند تبدیل اقتصاد ایران به تولید تک‌محصولی، همسان با بزرگونی‌های بسیاری از کشورهای رو به رشد آسیا و آفریقا و امریکای لاتین بود. برای نمونه در امریکای لاتین پس از دستیابی این کشورها به استقلال، تا مدت‌ها به طور عمده دگرگونی‌ها در چارچوب اقتصاد تک‌محصولی و صادرات مواد خام در برابر واردات محصولات صنعتی از کشورهای صنعتی صورت گرفت.⁽²⁷²⁾ در فاصله‌ی 1913 تا 1977 میزان استخراج نفت از 0.04 میلیون تن به رقمی برابر 293 میلیون تن رسید و با وجود کاهش

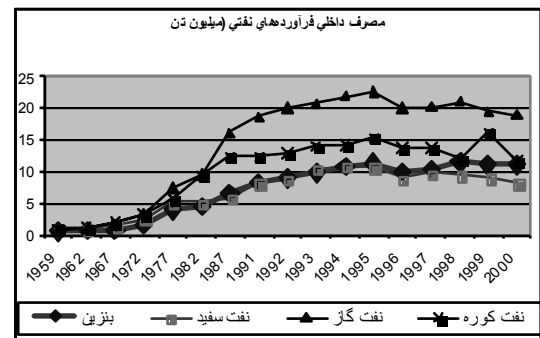
شتابان میزان استخراج آن در جریان سرگونی شاه و پس از آن، به روند رشد خود ادامه داد. در این میان درآمد ایران نیز با شتابی بیشتر از میزان استخراج، افزوده شده که خصوصاً با افزایش قیمت نفت در سال 1973 از بشکه‌ی نزدیک به 3 دلار به 12 دلار، همانا نزدیک به چهار برابر، در پیوند بود.⁽²⁷³⁾

نمودار 169 - استخراج و درآمد نفت



در کنار افزایش استخراج نفت، مصرف داخلی نیز بویژه میان سال‌های 1959 تا 1995 در حال افزایش بود جایگاه نخست را در سال‌های پس از 1979 از جمله نفت گاز و نفت کوره به خود اختصاص داد مصرف نفت سفید ولی با کاهش روبروگشت و روند افزایش مصرف بنزین بویژه پس از راه‌اندازی صنایع اتمیبل سازی در سال‌های کنونی رو به افزایش گذاشت. به دلیل نبود پالایشگاه‌های کافی اما، با استفاده از صندوق ذخیره‌ای ارزی سالانه میلیاردی دلار برای خرید از خارج و در اختیار گذاشتن آن به مردم با سوپسید دولتی، اختصاص نده شد میزان نیاز بازار ایران به بنزین وارداتی در سال 2004 نزدیک به 3 میلیارد دلار تخمین زده می‌شد.⁽²⁷⁴⁾ با رشد صنایع اتمیبل داخلی و افزایش واردات خودروهای خارجی، میزان مصرف بنزین رو به افزایش گذاشت و این امر نمایندگان مجلس را بر آن داشت که برلی نیمه دوم سال 2004 تنها در یک نوبت 1.3 میلیارد دلار از صندوق ذخیره‌ارزی برای واردات آن، تصویب کنند.⁽²⁷⁵⁾

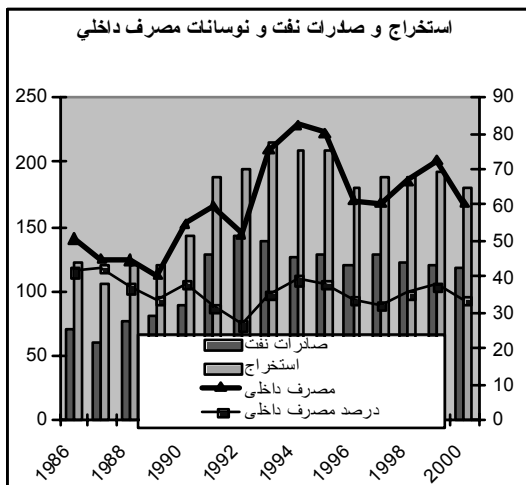
نمودار 170 - مصرف داخلی فرآورده‌های نفتی



نگاهی به وضع استخراج و صادرات و مصرف داخلی در سال‌های 1986 تا 2000 نشان از کاهش نسبی درصد مصرف داخلی در مجموع نفت استخراجی داشت. در

فاصله‌ی این سال‌ها میزان مصرف داخلی از 42% به 34% کاهش یافت برای کاهش میزان مصرف نفت در بازار داخلی و فروش در بازار جهانی و نیز بهره‌براری از آن در صنایع پتروشیمی تلاش شد تا در سوخت خودروها از گاز استفاده شود و گفتگوها و دیدگاه‌هایی نیز درباره‌ی خارج کردن خودروهای با مصرف بالای بنزین و نیز کاهش یا حذف کامل سوپسید بنزین در جریان بود از سوی دیگر برای بالا بردن تولید داخلی 37 طرح در قالب 350 پروژه به اجرا سپرده شد، ولی به نظر نمی‌رسد که ایران در این زمینه در کوتاه مدت به خودکفایی دست یابد.⁽²⁷⁶⁾

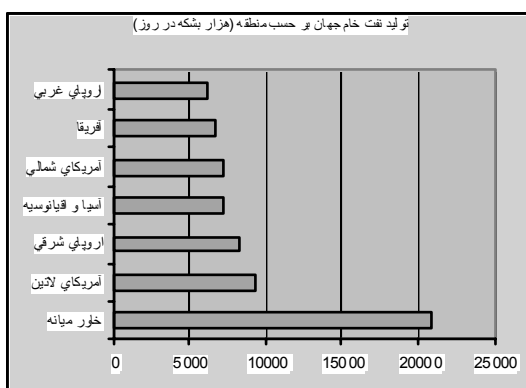
نمودار 171 - استخراج و صادرات نفت و نوسانات مصرف داخلی



برای نشان دادن اهمیت نفت در اقتصاد ایران، می‌توان به سهم آن در تولید ناخالص داخلی نگاهی انماخت جهش بهای نفت در بازار جهانی در کنار رشد سریع

نقش ویژه‌ی خاورمیانه و نیز ایران در تولید نفت خام جهان را می‌توان در نمودار زیر برجسته کرد در سال 2001 خاورمیانه با تولید بیش از بیست هزار بشکه در روز جایگاه نخست در جهان را داشت سهم هر یک از دیگر مناطق مانند آمریکای لاتین و اروپای شرقی و غیره در این زمینه کمتر از نیمی از تولیدات این منطقه بود.

نمودار 172 - تولید نفت خام جهان در سال 2001



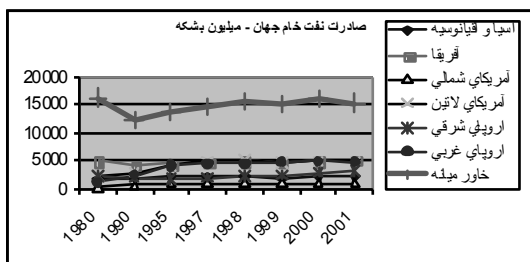
نگاهی به ذخایر شناخته شده نفت خام جهان نیز اهمیت استراتژیک این منطقه و نیز ایران را برای تأمین سوخت بازار جهانی نشان می‌دهد در این میان نسبت میان مقدار استخراج و میزان ذخایر موجود در کشورهای گوناگون نفت خیز به دلیل گوناگون از جمله سیاسی یکسان نیست. برای شونه ایران با ذخایر نفتی بالایی در سال 1980 کمترین سهم را در تولید نفت میان کشورهای اوپک داشت و این سهم گام به گام در سال‌های بعد بهبود یافت.⁽²⁸¹⁾ در سال 2001 کشورهای نفتخیز منطقه‌ی خاورمیانه با اندوخته‌ای برابر 696261 میلیون بشکه جایگاه نخست را داشتند و با فاصله‌ی زیادی آمریکای لاتین با 13896 میلیون بشکه و آفریقا با 2797 میلیون بشکه قرار گرفتند. اندوخته‌ی نفت خام شناخته شده‌ی تمامی جهان

استخراج و صادرات آن در دوران پایانی حکومت شاه، به آنجا انجمید که سهم این بخش در سال 1977 به نزدیک 35.4% رسید این سهم در سال 1973 حتی تا 50 درصد بالا رفته بود افزایش درآمد‌های نفتی نه تنها ایران، بلکه دیگر کشورهای نفت خیز را در بر گرفت. برای نمونه در سال 1978 وزرای نفت اوپک افزایش قیمتی برابر با 10% را در برنامه‌ی خود در نظر گرفته بودند اما در عمل افزایش آن تا سال 1979 به مراتب بیش از آن بود.⁽²⁷⁷⁾ باید توجه داشت که نقش واقعی بخش نفت به مراتب بیش از این می‌نمود، چرا که بویژه سهم 19.3 درصدی بخش صنعت در همین سال، برآیند سرمایه‌گذاری‌های بزرگی بود که از راه دلارهای نفتی به دست آمده بود.

تنش‌های سیاسی در سیاست‌برون‌مرزی بویژه با آمریکا و جنگ ایران و عراق و ناهنجاری‌های اقتصادی، نه تنها به کاهش استخراج و صادرات، نفت بلکه به کاهش سهم نفت در تولید ناخالص داخلی تا میزان 4.1% در سال 1987 منجر گردید. در سال‌های جنگ کاهش درآمد ایران، از یک سو با کمبود صادرات نفت، و از سوی دیگر با کاهش قیمت هر بشکه آن از 34 دلار به 5 تا 6 دلار نیز در ارتباط بود.⁽²⁷⁸⁾

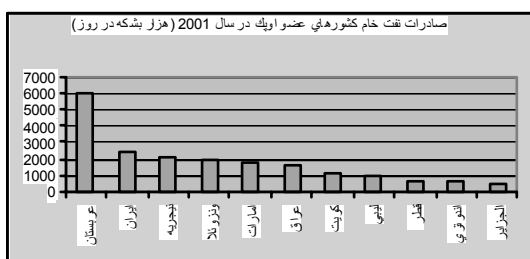
نمی‌توان در آینده‌ی نزدیک به کاهش سهم نفت و گاز در اقتصاد ایران امید داشت. داده‌های بازار جهانی درباره‌ی افزایش نیاز به نفت صادراتی، بویژه در اقتصاد کشورهایمانند چین و افزایش رونق بازارهای تازه برای دریافت گاز ایران، در کنار کشف ذخایر تازه‌ی نفت و گاز، همه نشان از آن دارد که در سال‌های آینده‌ی پروسه‌ی گذشته ادامه خواهد یافت تنها تلاش‌های تازه‌ای که هنوز معلوم نیست به نتایج خرسندکننده برسند در زمینه ایجاد دگرگونی در ترکیب مواد نفتی از صادرات نفت خام به کالاهای پتروشیمی و دیگر کالاهای صنعتی در پیوند با صنایع نفت، خودنمایی می‌کنند. ده‌ها طرح صنایع پایین‌دستی پتروشیمی که به سرمایه‌گذاران معرفی شدند، از این شونه‌ها بودند.⁽²⁷⁹⁾ از سوی دیگر ایران در نظر داشت صادرات محصولات پتروشیمی خود را تا سال 2006 به 4 میلیارد دلار برساند.⁽²⁸⁰⁾

نمودار 174 - دگرگونی در صادرات نفت خام جهان



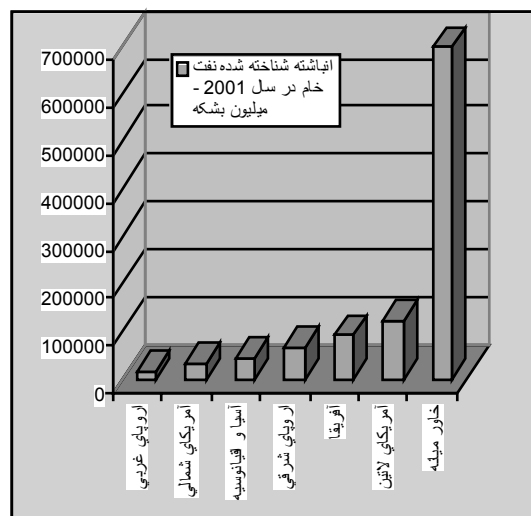
جایگاه نخست را در صادرات نفت خام در کشورهای عضو اوپک، عربستان سعودی دارا شد که با صادراتی برابر 6.03 میلیون بشکه در روز در سال 2001 با فاصله ی زیادی پیش از کشورهای دیگر منطقه بود. ایران با صادراتی برابر با 2.45 میلیون بشکه و نیجریه با 2.08 میلیون بشکه جایگاه دوم و سوم را به خود اختصاص دادند. باید انتظار داشت که در صورت کاهش تنش های سیاسی ایران با آمریکا، به صادرات نفتی ایران افزوده شود. افزایش سهم عراق در بازار جهانی نفت و بازگشتش به جایگاه پیشین خود نیز وابسته به تحولات سیاسی سال های آینده در این کشور خواهد بود.

نمودار 175 - صادرات نفت خام کشورهای اوپک



در این سال بدون خاورمیانه، نزدیک به 50٪ اندوخته ی شناخته شده ی کشورهای حوزه خاورمیانه بود که در این میان ایران جایگاه بزرگی داشت و اقتصاد آن نمی تواند از این باده ی طبیعی در آینده نیز تأثیر جدی بگیرد.

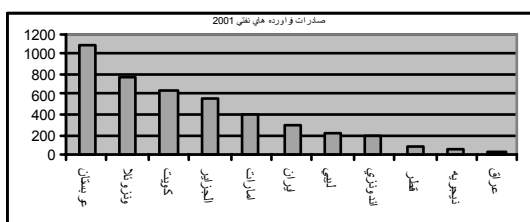
نمودار 173 - تابناخته شناخته شده نفت خام در سال 2001



اگر چه در فاصله ی 1980 تا 2001 صادرات نفت خام کشورهای خاورمیانه و از آن میان ایران در بازار جهانی، در سنجش با اروپا و آمریکا و آفریقا کاهش کمی داشت، ولی سهم درجه اول آن در مجموع صادرات نفت جهان دچار دگرگونی چشمگیری نشد. کاهش جدی ای که در دهه ی هشتم دیده شد، بی ارتباط با جنگ ایران و عراق نبود. ولی روند صادرات کشورهای عضو اوپک پس از آن هم چنان روبه افزایش گذاشت.

در میان کشورهای نفتخیز نامطلوب بود نگاهی به صادرات فرآورده های نفتی، واپس ماندگی ایران در سنجش با کشورهای دیگر را نشان می دهد. اگر چه در استخراج و صادرات، ایران جایگاه بالایی به خود اختصاص داد، ولی در پهنه ی صادرات فرآورده های نفتی تنها در مقام ششم قرار گرفت و میزان صادراتش کمتر از کشورهایمانند امارات عربی و کویت و ونزوئلا و الجزیره بود. عربستان سعودی بیش از 3 برابر و کویت و ونزوئلا نزدیک به دو برابر ایران صادرات در این زمینه داشتند. در چشم انداز کوتاه مدت به نظر نمی رسد که موقعیت ایران در برابر کشورهای نفت خیز منطقه بهتر شود. در منطقه خلیج فارس کشورهای عربی در نظر دارند سالانه 18 تا 20 میلیارد دلار در پروژه های نفتی سرمایه گذاری کنند، این در حالی است که ایران برای جلب سرمایه از کشورهای خارجی در این زمینه با دشواری روبروست.^[82]

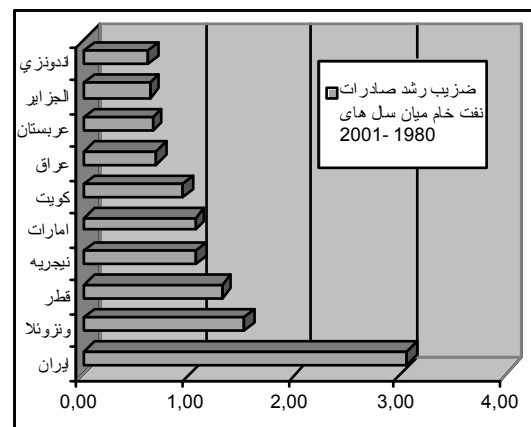
نمودار 177 - صادرات فرآورده های نفتی 1000 بارل روزانه



آنچه که نارسایی برنامه ریزی های دولتمردان ایران را در این پهنه روشن تر می کند، این است که شکاف میان ایران و دیگر کشورهای نفت خیز در این زمینه در فاصله ی سال های 1980 تا 2002 حتی بیشتر شده است. بیشترین رشد در این مورد به قطر و امارات متحده ی عربی باز می گشت و ایران در این میان با فاصله ی زیاد در جایگاه سوم قرار گرفته بود. صادرات فرآورده های نفتی ایران میان سال های 1980 تا 2002 میزان 141 هزار بشکه در روز به 308 هزار بشکه

اگر چه ایران در زمینه ی صادرات نفت خام جایگاه دوم را به خود اختصاص داده بود، ولی از دیدگاه رشد این صادرات در برش سال های 1980 تا 2001 مقام نخست را در میان کشورهای عضو اوپک دارا شد و پس از ایران، ونزوئلا و قطر پیشرفت چشمگیری در زمینه افزایش سهم خود در بازار جهانی نفت داشتند. این امر از جمله با کاهش تنش های سیاسی ایران و بویژه گسترش مناسب نفتی با اروپای باختری و نیز پایان جنگ در این فاصله و هم چنین به سرمایه گذاری های تازه در صنایع استخراج نفت در پیوند بود.

نمودار 176 - رشد صادرات نفت خام 1980-2001

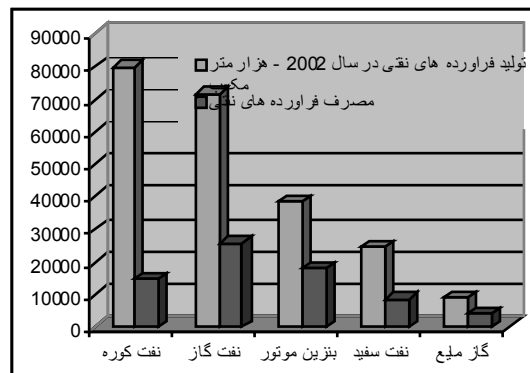


کوشش برای جلوگیری از صادرات مستقیم نفت خام و آماج گیری برای جایگزینی آن از راه فروش فرآورده های نفتی که می توانند از سوددهی بیشتر برخوردار باشند، از دوران شاه در دستور کار دولت های گوناگون بود، اگر چه در این زمینه کلبایی به دست نیامد. در زمینه تولید و صادرات فرآورده های نفتی جایگاه ایران

رسید، در حالی که امارات متحده از 20 میلیون بشکه در فصله ی همین سال ها به صادراتی در مرز 308 هزار بشکه در روز دست پیدا کرد. برای بهبود امکانات مالی و جلب سرمایه گذاری خارجی، ایران در چند سال گذشته به نوعی قرارداد های تازه به نام "بیع مقابل" با کنسرن های بین المللی رو آورد که از آنجا که این قراردادها از دید ارگانهای رسمی کشور مانند مجلس نیز پنهان بود، از جزئیات آنها داده های درستی در دست نیست. تا سال 2002، 15 قرارداد برای توسعه میدانهای نفت و گاز با تعهد مبلغی از سوی ایران برابر با 22.5 میلیارد دلار برای بازپرداخت اصل مبلغ سرمایه گذاری، بهره، پاداش و دستمزد پیمانکاران خارجی بسته شد که از این میان 47% به بخش نفت و باقی به بخش گاز اختصاص یافتند. این نوع سرمایه گذاری ها نوعی پیش فروش نفت با قیمت های ثابت تلقی می شوند و با توجه به افزایش شتابان قیمت نفت، برخلاف شیوه ی "فاینانس" زبان آور به نظر می رسند. دست اندرکاران جمهوری اسلامی برای توجیه این راه تأمین سرمایه، بر برتری این پیمان ها برای جلب تکنولوژی تازه و دستیابی به سهم بیشتر در صادرات نفت در چارچوب اوپک تأکید می ورزند. مخالفین این طرح اما به درستی بر این نکته پای می فشرند که تأمین سرمایه در این بخش مانند صنایع دیگر که از راه "فاینانس" صورت می گیرد از تعهدات کمتری برخوردار است و تاکنون نیز از این راه نیاز های ملی از جمله در بخش پتروشیمی تأمین شده است. از سوی دیگر بستن این قراردادها به بهانه ی تضمین بازار فروش در آینده بی پایه می نماید، چرا که نیاز بازار جهانی به نفت و گاز رو به افزایش است و برلی فروش آن دشواری موجود نیست. درباره جلب تکنولوژی نیز با توجه به امکانات گسترده ی جهانی، این تعهدات دراز مدت که به معنای افزایش بدهی خارجی ایران همراه با تعهد فروش ارزان تر از قیمت نفت در بازار جهانی به سرمایه گذاران خارجی است، استدلال توجیه پذیری نمی نماید. به افزایش سهم صادرات نفت ایران با بستن این نوع قراردادها در میان کشورهای عضو اوپک هم نمی توان چنان امیدوار بود، چرا که سهم کشورهای نفت خیز در سازمان اوپک به نوع قراردادهای بسته شده ی

تولید و مصرف فرآورده های نفتی در سال 2002 را در 5 مورد نفت کوره، نفت گاز، نفت سفید، بنزین موتور و گاز مایع می توان در نمودار زیر نگریست به پاره ای دیگر از فرآورده ها مانند سوخت هواپیما و روغن موتور و قیر و غیره به دلیل کمی میزان تولید نپرداخته ایم. سهم مصرف داخلی در نفت کوره و نفت گاز و نفت سفید تولید شده کم، و در بخش گاز مایع و بنزین موتور نزدیک به 50 درصد بود. با توجه به نیاز روزافزون بازار به بنزین، با رشد شتابان صنایع اتومبیل و افزایش شمار خودروها، اقدامات عاجل برای بالا بردن ظرفیت تولید داخلی و جلوگیری از هدر رفتن ارز به دست آمده، از اهمیت ویژه برخوردار است.

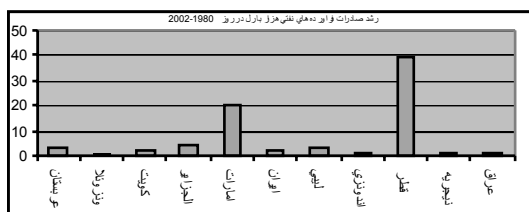
نمودار 180- تولید و مصرف فرآورده های نفتی در ایران



مقایسه میان سال های 1987 و 2003 نشان می دهد که بیشترین رشد در مصرف داخلی فرآورده های نفتی با بنزین موتور و سوخت سنگین جت و گاز مایع پیوند دارد. در این میان نفت کوره و قیر افزایش کمتری داشتند. مصرف بنزین در این سال ها از 6738 هزار متر مکعب به 18423 رسید، همانا نزدیک به سه برابر، و مصرف گاز مایع از 1957 متر مکعب به 4345 متر مکعب افزایش یافت.

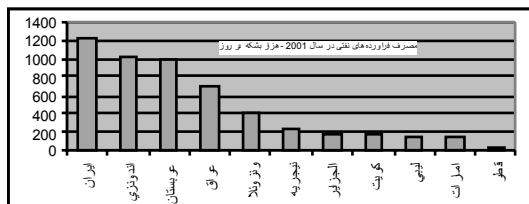
کشورها چنان در ارتباط نیست از سوی دیگر به دلیل بروز اختلافات، نزدیک به 2.3 میلیارد دلار از قراردادهای "بیع مقابل" نیز در سال 2003 بی بهره گیری ماندند.⁽⁸³⁾

نمودار 178- رشد صادرات فرآورده های نفتی هزار بار در روز

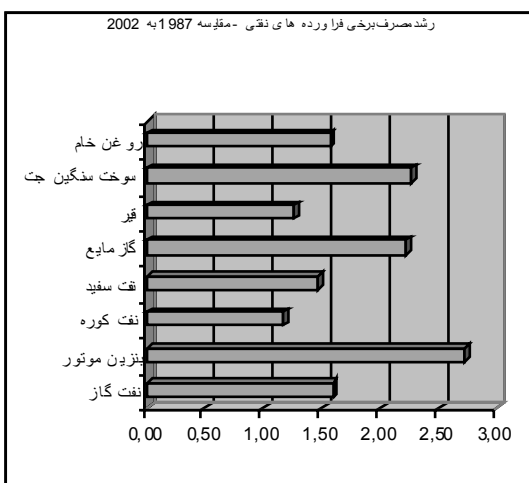


بخشی از کمبود صادرات فرآورده های نفتی در ایران به افزایش نیاز بازار داخلی و بالا رفتن مصرف در صنایع کشور، در پیوند بوده. در میان کشورهای عضو اوپک، ایران با مصرفی برابر 1222 هزار بشکه جای نخست را داشت و سپس اندونزی و عربستان قرار گرفتند. با این وجود عربستان سعودی که مصرفی داخلی نزدیک به ایران داشت، موفق گردید در سال های گذشته با سرمایه گذاری های بایسته، افزون بر برآورده کردن نیاز بازارهای داخلی، صادراتی برابر 1083 هزار بشکه داشته باشد. این در حالی بود که صادرات فرآورده های نفتی ایران در همین سال تنها به 308 هزار بشکه رسید، یعنی تنها 28% کشور عربستان.

نمودار 179- مصرف فرآورده های نفتی در اوپک



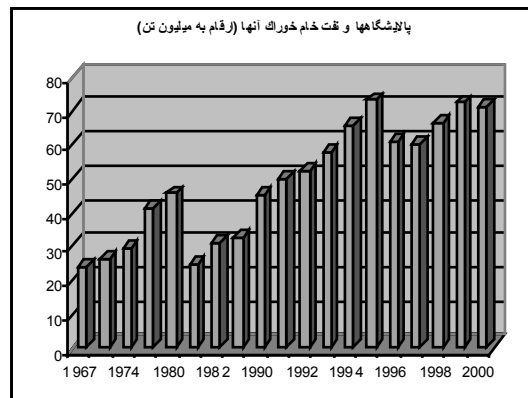
نمودار 181- رشد مصرف فرآورده های نفتی در ایران



نارسائی در کار پالایشگاه ها برای برطرف کردن نیاز بازار داخلی و تولید کم آنان را که به صادرات محدود فرآورده های نفتی انجامید، می توان در آینه ی دگرگونی های نفت خام خوراک این کارخانه ها میان سال 1967 تا 2000 هم نگریست. افزایش ظرفیت پالایشگاه ها و نیز گوناگونی فرآورده های تولیدی در سال های پیش از 1979 چشمگیر تر از دوران حکومت اسلامی بود. این ظرفیت از سال 1967 از میزان 26.1 میلیون تن به 45.7 میلیون تن در سال 1980 رسید، یعنی نزدیک به دو برابر. با برنامه ریزی های نارسا و خرابی هلی جنگ و صدمه دیدن پالایشگاه ها و بویژه نابودی کامل پالایشگاه آبادان، که زمانی بزرگترین پالایشگاه نفت منطقه بود، بافت جدی در این صنایع روبرو گشتیم. پس از پایان جنگ نیز تازه پس از ده سال به ظرفیت های پیش از حکومت اسلامی دست یافتیم. رشد مطلوبی که تا سال

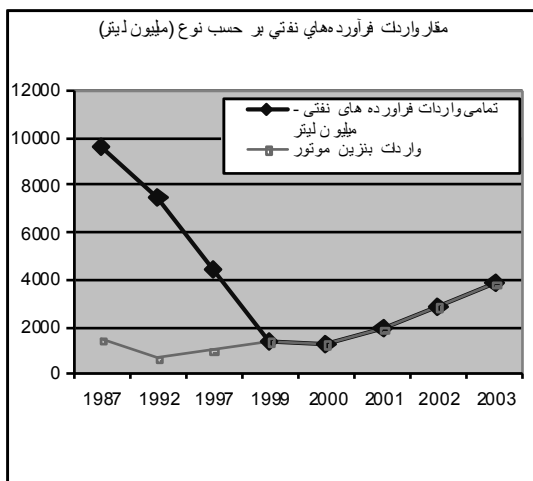
۱۱۹۹۵ امامه داشت نیز امامه نیافت، ولی در مجموع خود با نوساناتی در همان حدود خود باقی ماند. به عبارت دیگر تولید پالایشگاه ها اگر چه تا حدودی افزایش یافت ولی این دگرگونی متناسب با افزایش چشمگیر جمعیت ایران و نیاز بازاری داخلی و جهانی نبود.

نمودار ۱۸۲ - نفت خام خوراک پالایشگاه ها



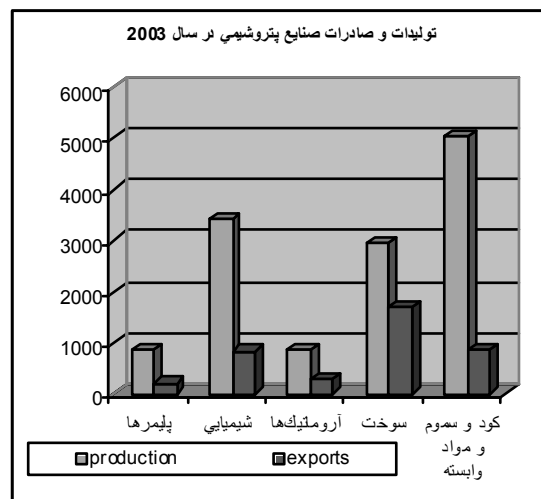
با اینکه ایران از نخاثر بزرگ نفت و گاز برخوردار است و صنایع نفت در آن نقش بزرگی بازی می کنند، سالانه میلیون ها لیتر واردات فرآورده های نفتی وجود دارد و بخشی از ارز به دست آمده از فروش نفت خام دوباره به خریداران آن باز می گردد. نمودار زیر که سال های ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۳ را در پیوند با واردات فرآورده های نفتی به نمایش در آورده نشانگر کاهش آن میان سال های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۹ بود پس از آن اما گام به گام واردات فرآورده های نفتی افزایش یافت و به مرز ۳۸۰۸ میلیون لیتر در سال ۲۰۰۳ رسید نیازهای سوختی بازار داخلی همچنان رو به افزایش است.^(۸۴)

نمودار ۱۸۳ - دگرگونی در واردات فرآورده های نفتی



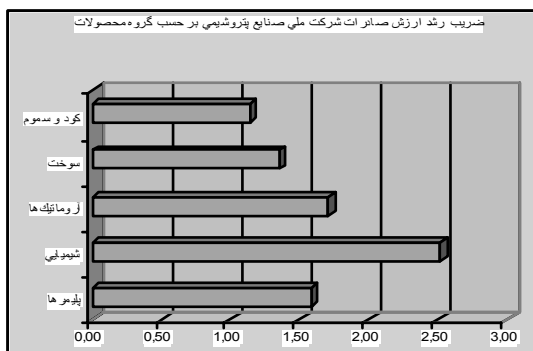
نکته ی مثبت در این میان توجه به سرمایه گذاری در صنایع پتروشیمی به منظور تأمین بازار داخلی و بویژه دستیابی به بازارهای جهانی برای این محصولات پس از وقفه ی طولانی در برنله های شروع شده ی پیش از سال ۱۹۷۹ بود تنش های سیاسی و جنگ و بی برنامه گی های اقتصادی، در روند گسترش این صنایع خدشه ی جدی وارد کرد با نگاهی به تولید و صادرات محصولات پتروشیمی در سال ۲۰۰۳، می توان دید که بخش مهمی از تولیدات در زمینه کود و سم و مواد شیمیایی به مصرف داخلی رسیده و سهم صادرات در بخش سوخت بیشتر و به میزان نزدیک به ۴۰٪ بود. از دیدگاه تولید، کود و سم در صنایع پتروشیمی جایگاه نخست را داشتند و از نقطه نظر ارزش صادرات، مواد سوختی و شیمیایی و آروماتیک ها برجسته گشتند.

نمودار ۱۸۴ - تولیدات و صادرات صنایع پتروشیمی



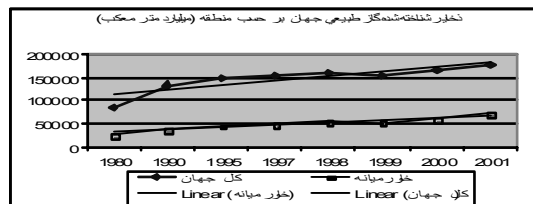
از دیدگاه رشد محصولات پتروشیمی در مجموع صادرات، مواد شیمیایی در بالاترین سکو و پس از آن آروماتیک ها و پلیمرها قرار گرفتند در فاصله سال های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۳ صادرات گروه شیمیایی از ۳۳۲ میلیون دلار به نزدیک نیم میلیارد دلار رسید و آمارهای داده شده در روزنامه های کشور، نشان دهنده ی افزایش بیشتر پس از این سال و وجود برنامه ریزی های تازه برای افزایش تمامی محصولات پتروشیمی در آینده نزدیک بود از جمله ی این برنامه ها، افزایش تولید متانول در عسلویه بود. با شرکت بخش خصوصی و دولتی و با همکاری شرکت های خارجی و با تکیه به منابع گازی زیاد در این منطقه، ایران در نظر دارد که در فاصله ی ۱۰ سال به بزرگ ترین تولید کننده متانول دنیا تبدیل شود.^(۸۵)

نمودار ۱۸۵ - رشد صادرات صنایع پتروشیمی



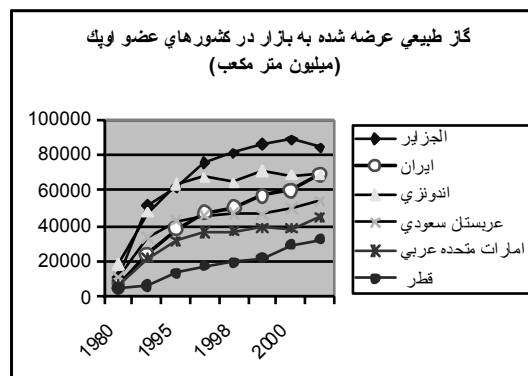
ایران نه تنها ذخایر بزرگ نفت، بلکه اذخه های بزرگ گاز طبیعی در اختیار دارد که اهمیت آن در جهان رو به افزایش است. بر پایه ی آخرین اکتشافات، ایران پس از روسیه ناری بالاترین ذخائر گاز جهان است. نمودار زیر دگرگونی در اکتشاف ذخایر گازی در جهان میان سال های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۱ را نشان می دهد ارقام دبیرخانه اوپک نشانگر آن بود که در سال ۲۰۰۱ شلی این اذخه ها در جهان برابر ۱۷۸۲۱۶ میلیارد مترمکعب و ذخائر خاورمیانه حدود ۷۱۳۵۶ میلیارد متر مکعب بودند، همانا چیزی نزدیک به ۴۰ درصد اذخه های جهان.

نمودار ۱۸۶ - ذخائر گاز شناخته شده جهان و خاورمیانه



با وجود این نخبه بزرگ، سهم ایران در بازار جهانی متناسب با ظرفیت هایش نبود. سهم ایران در بازار گاز جهان از کشور الجزایر کمتر و از دیگر کشورهای عضو اوپک کمی بیشتر می شود. با بستن پیمان نامه های تازه میان ایران و ترکیه و چین و تلاش برای دستیابی به بازار کشورهای دیگر مانند هندوستان و اروپای غربی و سرمایه گذاری در صنایع تبدیلی گاز مایع با هدف صادراتی، برای افزایش سهم در این زمینه گام هایی به پیش بر داشته می شود.

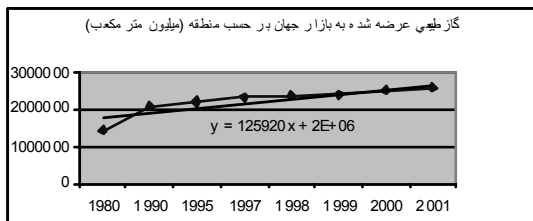
نمودار 186 - گاز عرضه شده به بازار در کشورهای عضو اوپک



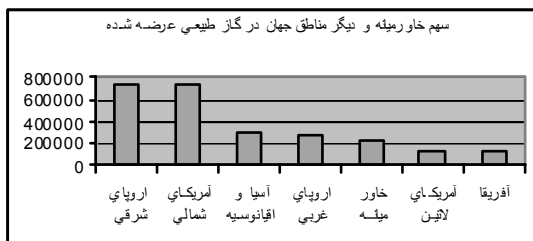
افزایش تقاضا برای گاز در بازار جهانی میان سال های 1980 تا 2001 با وجودی که نفت هنوز به عنوان مهمترین سوخت بازارهای جهان نقش بازی می کرد، چشمگیری نمود. در سال 1980 به بازارهای جهانی تنها 143 8974 میلیون متر مکعب گاز عرضه می شد، ولی در سال 2001 این میزان به 256 42 35 رسید، همانا افزایشی نزدیک به 80٪ صادرات نفت خام جهان اما در همین سال ها، از میزان 29876 هزار بشکه در روز به 3733 هزار بشکه رسید و تنها رشدی نزدیک به 12.5 درصد را به نمایش گذاشت. این داده ها نمایانگر اهمیت روزافزون گاز به

عنوان سوخت در آینده ی اقتصاد جهان است با وجود ذخایر بزرگ گاز در منطقه ی خاورمیانه، سهم این کشورها در بازار جهانی هنوز ناچیز می نماید. نمودارهای زیر افزایش عرضه ی گاز به طور کلی و سهم بزرگ اروپای شرقی و امریکای شمالی را در بازار بین المللی آشکار می کنند.

نمودار 187 - افزایش گاز طبیعی عرضه شده در جهان



نمودار 189 - سهم خاورمیانه و دیگر مناطق جهان در گاز طبیعی

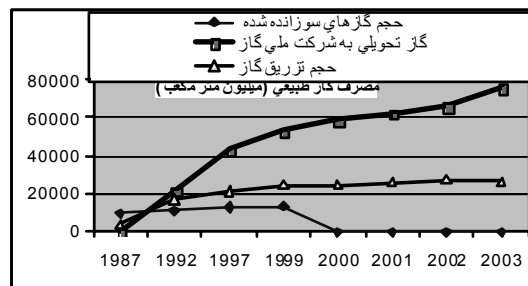


بحثی پیرامون استفاده از گاز طبیعی در اقتصاد ایران جریان داشت که کارشناسان به بررسی آن پرداختند و آن عبارت بود از چگونگی بهره گیری بهینه از گاز طبیعی. پاره ای برای این باور پای می فشردند که بهره گیری از گاز برای مصرف داخلی که در سال های پس از روی کار آمدن حکومت اسلامی افزایش یافته، به صرفه نبوده و بهتر آن است که به مقاصد دیگر و بویژه به صنایع صادراتی کشور اختصاص

باید جدا از بحث استفاده ی بهینه از گاز طبیعی، باید گفت که در زمینه ی گازرسانی به مردم شهرها و روستاها اقداماتی صورت گرفته است. شمار مصرف کنندگان گاز طبیعی در ایران میان سال های 1982 تا 2000 بالا رفت و بیشترین افزایش در این میان به مصرف خانگی تعلق داشت. مصرف بخش صنعتی و بازرگانی بسیار ناچیز بود.

در ایران از دیرباز بخش مهمی از گاز همراه نفت، بدون هیچگونه مصرفی سوزانده می شد. آمار سال های 1987 تا 2003 بر پایه ی داد های در دسترس (اگر درست باشند) نشانگر آن بود که از سال 2000 ائتلاف این انرژی جلوگیری به عمل آمد. از سوی دیگر گاز تحویلی به شرکت ملی گاز و نیز حجم تزریق گاز به چاه های نفت افزایش داشت. گاز تحویلی به شرکت ملی گاز از میزان 2 19 00 میلیون مترمکعب در سال 1992 به 7601 1 میلیون متر مکعب و حجم تزریق گاز به چاه های نفت نیز به دلیل کاهش قدرت گاز خود این چاه ها، از 17385 در سال 1992 به میزان 76011 متر مکعب افزایش نمود.

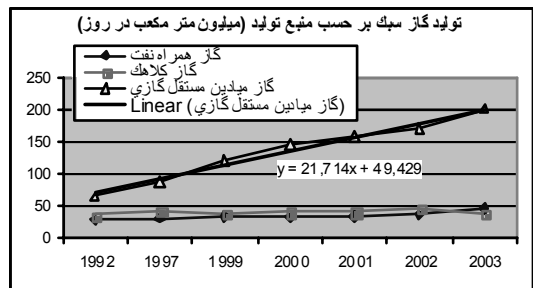
نمودار 190 - مصرف گاز زیر بخش های اقتصادی



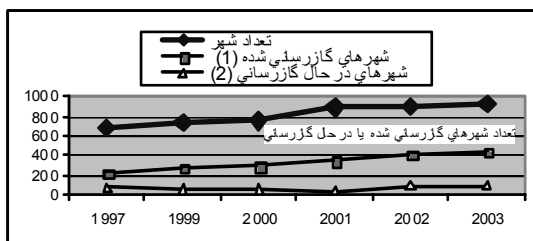
اهمیت روزافزون گاز در بازار داخلی و جهانی با اکتشافات در سال های گذشته بیشتر شناخته شده و سرمایه گذاری ها در آن نیز افزایش داشته است. بویژه

شما میدان های مستقل تولید گاز میان سال های 1992 تا 2003 افزوده شد و میزان تولید از 66 میلیون مترمکعب به 202 میلیون رسید. مقدار و درجه ی رشد گاز همراه نفت و گاز کلاهک اما، چندان چشمگیر نبود. در این برش مجموع گاز های میدانی گوناگون از میزان 132 میلیون مترمکعب در روز در سال 1992 به 288 میلیون مترمکعب فرارویید و بیش از 2 برابر گشت. افزایش شهرهای گازرسانی شده و در حل گازرسانی میان سال های 1997 تا 2003 نیز روندی رو به رشد را بازگو می کرد.

نمودار 191 - تولید گاز سبک بر حسب منبع تولید



نمودار 192 - شهرهای گازرسانی شده و در حال گازرسانی



نفت و گاز، گلوگاه اقتصاد ایران

نفت مهم‌ترین سرچشمه‌ی ارزی اقتصاد ایران و تأثیرگذارترین عامل بر کنش و واکنش‌های بخش‌های صنعتی، کشاورزی، خدمات، سیستم مالی و به‌گونه‌ی فشرده همگی ساختارهای اقتصادی است. میزان تأثیرگذاری نفت و در سال‌های کنونی گاز بر اقتصاد ایران وابسته به استخراج، صادرات و بهای نفت و گاز در بازار جهانی است. افزایش درآمدهای نفتی پیامدی دوسویه ندارند اگر از یک سو ارزش دریافتی از صادرات آن تراز بازرگانی خارجی ایران را بویژه پس از بلا رفتن این درآمدها، در بیشتر سال‌ها مثبت می‌کند و بالقوه و بالفعل (بالقوه میان‌سالهای جنگ و بالفعل پیش از سال 1979 و پس از پایان جنگ) امکان سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در بخش‌های صنعتی تکنولوژی‌بر و ارزش‌بر را فراهم می‌سازد. از سوی دیگر با وابسته کردن مستقیم و غیر مستقیم بخش‌های دولتی و نیمه دولتی و خصوصی به دلارهای نفتی و گازی، ناکارایی را در این بخش‌ها افزایش می‌دهد و قدرت رقابت اقتصادی با کشورهای پیشرفته صنعتی را کم می‌کند.

سهم نفت در تولید ناخالص ملی کشورهای نفت خیز، بنا به بررسی بانک جهانی میان 1/3 تا 2/3 برآورد می‌شود. در این میان به نظر می‌رسد که پاره‌ای از کشورهای صادرکننده نفت کوشش می‌کنند، گام به گام از بخشی از وابستگی خود به نفت بکاهد. کوشش عربستان برای سرمایه‌گذاری در بخش پتروشیمی، که

در بخش نفت و گاز چه در بخش استخراج و اکتشاف و چه در بخش صنایع مربوط به آن، به‌گونه‌ی فشرده با دو نوع دشواری روبرو می‌شویم: دشواری‌های درونی اقتصاد ایران و معضلات بیرونی مانند تنش با کسرن‌های نفتی و سیاست‌های جهانی کشورهای پیشرفته صنعتی. در زمینه داخلی در بخش اکتشاف و استخراج علیرغم دستیابی به پاره‌ای تخصص‌ها هنوز وابستگی تکنولوژیک و فنی به خارج گسترده است. بیهوده نیست که کار اکتشاف در مناطق نفت خیز به کشورهایمانند انگلستان و ژاپن و فرانسه واگذار می‌شود. ناتوانی ایران در این زمینه را، می‌توان از جمله از روزنه‌ی گسترش واگذاری اکتشافات به کشورهای کم‌تر پیشرفته‌ی مانند چین و هندوستان نیز نگریست. در بخش صنایع نفت و گاز به ویژه در بخش صنایع پالایشگاهی و پتروشیمی دشواری دیده می‌شود روند خام‌فروشی منابع زیرزمینی و هزینه‌کردن غیرمولد آن، چنان شتابان بوده که برای تأمین سوخت بازار داخلی نیز سرمایه‌گذاری‌های لازم صورت گرفته است.

در صنایع پالایشگاهی آماج کوتاه مدت، می‌تواند به ویژه دستیابی به خودکفایی در تأمین فرآورده‌های نفتی مورد نیاز بازار داخلی باشد با توجه به افزایش نیازهای بازار جهانی، می‌شود کوشید تا رفته رفته برنامه‌های میان مدت و دراز مدت برای کاهش میزان خام‌فروشی نفت و گاز و افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی، در دستور کار قرار گیرد. نمونه‌ی چین که در پروسه‌ی صنعتی شدن، از صادرکننده‌ی نفت به واردکننده آن تبدیل شد، می‌تواند یکی از الگوها برای اقتصاد ایران باشد.

پاره‌ای عوامل مانند جنگ، تحریم‌های اقتصادی و تنش‌های خارجی و داخلی، بر اکتشاف و استخراج نفت نیز تأثیر منفی گذاشته‌اند پس از سال 1979 کاهش سرمایه‌گذاری‌ها و وجود تنگناها در این زمینه‌ها و نیاز مبرم اقتصاد ایران به دلارهای نفتی و همزمان با آن افزایش نیاز بازار جهانی نفت کوشش برلی کاهش مصرف داخلی نفت و جایگزینی آن با گاز طبیعی را در دستور کار قرار داد بر این پایه، پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی گازرسانی گسترش یافت و برآیند آن

در دستیابی به آماج خود چنان کامیاب نبود را می‌توان از این دریچه نگریست. در ایران در نتیجه‌ی انگیزه‌های داخلی و خارجی، برای دستیابی به وابستگی کمتر به نفت از راه صنعتی شدن کشور کامیابی چندان به دست نیامد.

می‌توان با دیدگاه آن دسته از کارشناسان اقتصادی موافق بود که کشور ما را در میان کشورهای نفت خیز در رده‌های میانی ارزیابی می‌کنند و وابستگی اقتصاد به نفت را برای نمونه 54 درصد تخمین می‌زنند. رسیدن به میزان دقیق وابستگی تولید ناخالص ملی به نفت و گاز با توجه به آمارها و داده‌های ناروشن و غیر دقیق و گاه متضاد سازمان آمار کشور و بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه دشوار است. تزریق منابع مالی نفت و گاز پیش از سال 1979 در درجه نخست بخش صنعتی و پس از آن خدمات و کشاورزی را در بر می‌گرفت. دلیل آن را می‌توان از جمله در رشد این بخش‌ها در تولید ناخالص ملی جستجو کرد. بعد از آن درآمدی نفت و گاز بویژه در بخش‌های خدمات و بازرگانی هزینه شد و بخش صنعتی رشدی ناچیز داشت.

دلارهای نفتی و گازی در کنار تأثیرگذاری بر بخش‌های خدماتی و صنعتی و کشاورزی، از یک چشم‌انداز بر ساختار و ریل و صادرات و نوسانات آن، بودجه‌های دولتی، بازارهای مالی، تورم، نرخ ارز و انباشت سرمایه در دست بخش خصوصی و نیمه دولتی و دولتی سایه می‌افکنند. از چشم‌انداز دیگر، این درآمدها بافت روبنایی جامعه بویژه شکل‌گیری نهاد‌های رسمی و غیر رسمی دولتی و قضایی و اداری و نظامی را رنگ ویژه خود می‌زند. بسیاری از نهاد‌های دستگاه زمامداری مانند بوروکراسی ناکارآمد و بزرگ دولتی، ارتش، سازمان‌های اطلاعاتی، رسانه‌های گروهی، سیستم آموزشی، احزاب فرمایشی، گروه‌های فشار و غیره، بدون تزریق منابع نفت و گاز نمی‌توانستند از توانایی‌ها و گستردگی‌های کنونی برخوردار شوند. اگر چه از میزان دقیق هزینه‌های ارگان‌های غیر مولد دولتی و نیمه دولتی داده‌های درستی در دست نیست، ولی می‌توان این هزینه‌ها را هنگام ارزیابی کرد.

اینکه، گاز طبیعی استخراجی به‌طور عمده به مصرف داخلی غیر صنعتی رسید و تنها بخش کوچکی از نیازهای صنایع پتروشیمی ایران را تأمین کرد اگر چه علیرغم این کوشش‌ها مصرف داخلی نفت از جمله به دلیل افزایش جمعیت ایران رو به افزایش گذاشت، ولی سیاست جایگزینی دولت از شتاب افزایش مصرف داخلی نفت تا حدودی کاست و شرايطی فراهم کرد، تا با سرمایه‌گذاری کم در اکتشاف و استخراج، نیازهای ارزی کشور از راه صادرات نفت فراهم شود. نیاز به دلارهای نفتی برای چرخاندن اقتصاد ناکارآمد داخلی را، می‌توان یکی از انگیزه‌های پایه‌ای در بی‌توجهی به سرمایه‌گذاری در صنایع پالایشگاهی نیز ارزیابی کرد. بیهوده نیست که در سال‌های آینده سرمایه‌گذاری‌های هنگامت برای بخش استخراج و اکتشاف و صنایع پالایشگاهی در دستور کار است تا این تأخیر سرمایه‌گذاری‌ها شاید گام به گام جبران شود.

در زمینه صنایع پتروشیمی بر پایه‌ی پاره‌ای از بررسی‌ها، می‌توان ارزش افزوده‌ای به میزان 15 تا 55 برابر ارزش افزوده نفت و گاز صادراتی به دست آورد. تجهیز و گسترش صنایع پتروشیمی در کنار ساخت پالایشگاه‌های تازه، می‌بایست نه تنها به کاهش خام‌فروشی و رشد صنایع نفت و گاز بیانجامد، بلکه در صورت برنامه‌ریزی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های دوراندیشانه و واقع‌بینانه می‌تواند رشد صنایع سنگین را در پی داشته باشد و از راه آن در واردات ماشین‌آلات از خارج نیز صرفه‌جویی شود. در مورد صنایع پتروشیمی و میزان دقیق ارزش افزوده‌ی این بخش، داده‌های درستی در دست نیست. پاره‌ای از کارشناسان اقتصادی ایران، بر این باورند که از آنجا که این صنایع هنوز به حداقل میزان بهره‌وری اقتصادی مورد نیاز یعنی ارزش افزوده‌ی 15 برابر ارزش افزوده‌ی نفت دست نیافته‌اند، سودآور نیستند و در واقع نمودی دیگر از خام‌فروشی‌اند.

برای رسیدگی به کارکرد صنایع پتروشیمی از چشم‌انداز ارزش افزوده، بویژه زیر تأثیر قیمت نفت در بازار جهانی، همزمان باید عواملی مانند افزایش قیمت ماشین‌آلات و وارداتی این صنایع و افزایش قیمت محصولات پتروشیمی در جهان به

موشکافی کارشناسانه سپرده شوند. این بررسی ها باید بر پایه ی آخرین داده های قابل اعتماد صورت گیرد. در این زمینه درس گرفتن از صنایع پتروشیمی عربستان که علیرغم سرمایه گذاری های کلان، به دلیل کارشکنی انحصارهای جهانی با دشواری بازاریابی در پهنه ی بین المللی روبرو شد، قابل بهره برناری است.

بخش نفت و گاز افزون با تنگناها و دشواری های درونی و چالش های چندی در زمینه ی خارجی روبرو است نخست اینکه بازار نفت بین المللی به طور عمده زیر سیطره انحصارهای نفتی قرار دارد و به همین دلیل امکانات برای پیشبرد سیاست مستقل محدودهایی از خود آشکار می کند. آزمون ملی کردن صنایع نفت در آغاز دهه ی پنجاه میلادی نشان داد که برای فروش نفت در بازارهای جهانی تنگناهای گسترده ای وجود دارد. اگر چه با گذشت نزدیک به 50 سال امکانات کشورهای نفت خیز افزایش یافته، ولی این تنگناها با مقیاس کوچک تر هنوز دشواری آفرینند. بیهوده نیست که زیر تاثیر همین کنترل جهانی، دریافت کنندگان نفت ایران عمده ترین صادر کنندگان کالا به کشور هستند و بیش از دیگران بر روند بازگشت دلارهای نفتی به کشورهای صنعتی تاثیر می گذارند در کنار آن عواملی مانند وابستگی تکنولوژیک به این کشورها، نیاز مبرم به ورود ماشین آلات پیچیده ی صنعت نفت، دشواری جذب سرمایه خارجی که برآمده از تنش های خارجی ست، تحریم های اقتصادی و ایجاد اختلال در بستن پیمان نامه های نفتی و گازی با کشورهای منطقه انگیزه هایی هستند که رسیدن به آماج های افزایش بازده بخش نفت و گاز را با دشواری روبرو می کند. هم چنین کاهش واقعی درآمدهای نفتی کشورهای نفت خیز در درازای سالیان (علیرغم افزایش بهای نفت در بازار جهانی)، بویژه بازتلی است از تورم بین المللی، کاهش نرخ ارز و افزایش هزینه های اکتشاف و استخراج و صادرات، بیهوده نیست که برای نمونه کشوری مانند عربستان که نخستین صادر کننده نفت در سازمان اوپک است، علیرغم درآمد های هنگفت، بدهی خارجی چند ده میلیارد دلاری را بیک می کشد کوشش برای افزایش

استخراج نفت را نیز می توان افزون بر افزایش نیاز بازار جهانی، در آینه ی افزایش هزینه های کشورهای نفت خیز به شامنا نشست. بر پایه داده های موجود، در سال های آینده قرار است که استخراج نفت در پاره ای از کشورهای عضو اوپک افزایش یابد.

برای بیرون آمدن از این بن بست، می توان از سوی با ایجلا صنایع پتروشیمی و پالایشگاهی با حقلل هزینه، گام به گام میزان خام فروشی را کاهش داد و از سوی دیگر بازدهی کار را بالا برد و برنامه ریزی پروژه ها را به شیوه ای سامان داد که ارزش افزوده این صنایع به حد مطلوب جهانی برسد و قابلیت رقابت این محصولات، زمینه را برای دست یابی به بخش های بزرگتری از بازار جهانی فراهم کند. هدف می تواند تامین نیازمندی های داخلی در حد امکان و صدور فرآورده های گوناگون برای بهبود تراز بازرگانی خارجی بدون نفت باشد در کنار آن، سامان دهی به مصرف داخلی و بررسی همه سویه ی سیستم یارانه ها بویژه در زمینه سوخت، از اهمیت بالا برخوردار است. افزون بر آن کاهش وابستگی تکنولوژیک به کشورهای نفتی از راه بالا بردن توانایی صنایع و خدمات داخلی، پشتیبانی از شرکت های ایرانی در دریافت پروژه های هزینه بر نفت و گاز و واحدهای کناری آن، گسترش توانایی کشور در حمل و نقل مواد سوختی و سرمایه گذاری های گسترده و هدفمند در بخش های پژوهش و آموزش از اهمیت برجسته ای برخوردارند.

برای پیشرفت پایدار و همه گیر در صنایع نفت و گاز مانند همه بخش های اقتصادی، پرهیز از تنش های خارجی یک پیش شرط ضروری است. در صورت بهبود مناسبات خارجی، می توان انتظار داشت که از میزان تحریم های اقتصادی کاسته شود و پهنه برای ورود سرمایه های ضروری (نه غیرضروری) خارجی و تکنولوژی ها و ماشین آلات پیچیده ی مورد نیاز این بخش فراهم گردد.

ایران در آینه ی سنجش برون مرزی

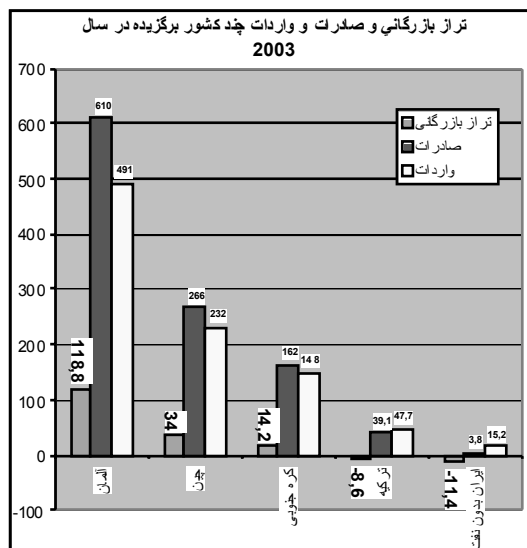
پراختن به شاخص های اقتصادی در کشور، به تنهایی چشم افاز روشنی از جایگاه اقتصاد ایران در جهان به دست نمی دهد و ناتوانی ها و توانایی های آن را روشن نمی کند. در این بخش پاره ای از شاخص ها در پهنه ی بین المللی مورد بررسی آماری قرار گرفته اند نخست به مقایسه های بین المللی در زمینه ی بازرگانی خارجی پرداخته می شود و سپس برخی دیگر از شاخص های اقتصادی موشکافی می گردند. در رابطه با صادرات و واردات و تراز بازرگانی، نخست دو کشور همتراز ایران، ترکیه و کره جنوبی، و همراه آنان چین که در سال های کنونی شتاب اقتصادی چشمگیری داشته، مورد توجه قرار می گیرند. از دیگر سو آلمان یکی از موفق ترین کشورهای جهان در زمینه ی صادرات در مقام سنجش نگریسته می شود. سه کشور آلمان و چین و کره جنوبی در سال 2003 به ترتیب با مازاد تراز بازرگانی برابر با 118.8 و 34 و 14.2 میلیارد دلار رویر و بودند و دو کشور ترکیه و ایران به ترتیب کسری بازرگانی برابر با 8.6 و 14.4 میلیارد دلار داشتند. در کسری بازرگانی ایران تنها صادرات غیرنفتی در نظر گرفته شده، چرا که کشورهای دیگر برگزیده، از منابع خام چشمگیری برای صادرات برخوردار نیستند و به توانایی های اقتصاد داخلی خود تکیه دارند.

میزان صادرات کشورهای آلمان و چین و کره جنوبی و ترکیه با میزانی برابر با 6 و 266 و 39 میلیارد دلار با صادرات ناچیز غیرنفتی ایران در مرز 4 میلیارد دلار فصله ی زیاد دارد. در این زمینه چین در سال های گذشته، از جمله از راه هنگ کنگ، به صادرات خود به طرز چشمگیری افزوده است.⁽⁸⁶⁾

بجز ترکیه سایر کشورهای مورد مقایسه، علیرغم واردات بالا با استفاده ی بهینه از توانایی های اقتصاد داخلی توانستند به مازاد تراز بازرگانی چشمگیری دست یابند. سهم بسیار کم ایران در تجارت بین المللی را می توان در حجم بازرگانی خارجی بدون نفت مشاهده کرد که برای نمونه میزان آن در مقایسه با ضعیف ترین کشور مورد مقایسه یعنی ترکیه، 4.5 برابر کمتر بود. بر پایه گزارش سال 2004 از سوی سازمان تجارت جهانی، سهم ایران در داد و ستد جهانی حتی با در نظر گرفتن نفت و گاز از 45 صدم درصد در درازای یکسال به 40 صدم درصد کاهش یافت و حجم مبادلات جهانی ایران در سال 2003 برابر با 61.7 میلیارد دلار بود. در این سنجش بخش بزرگی از مبادلات ایران، به صادرات نفت و گاز باز می گشت. در سال 2003 کل صادرات به 36.2 میلیارد دلار رسید و در مقایسه با سال 2003، رشد کرد.

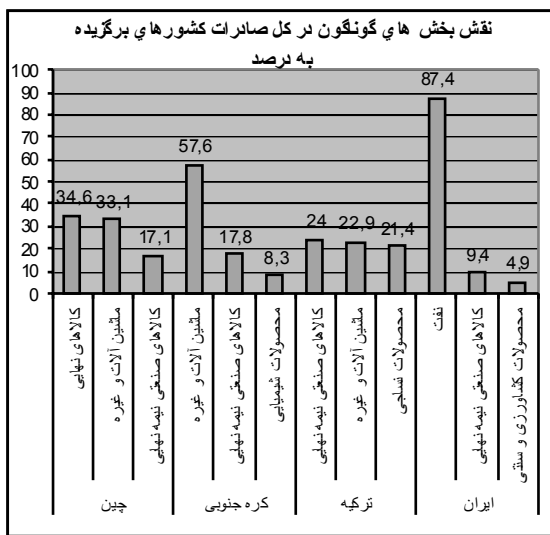
از مجموع تجارت 7.5 تریلیونی جهانی که آمریکا در آن رتبه ی نخست را داشت و رشد آن بویژه در چین و آمریکای لاتین و افریقا چشمگیر بود، 1.8 تریلیون به صادرات خدمات اختصاص داشت که ایران در این گستره جایی نداشت بزرگ ترین صادرکننده جهان در این سال آلمان با 748 میلیارد دلار و بیشترین وارد کننده کالا آمریکا با 1300 میلیارد دلار بود. در بازرگانی جهانی با در نظر گرفتن نفت، ایران جایگاه چهاردهم در میان کشورهای آسیایی را داشت و در زمینه صادرات در میان کشورهای خلیج فارس پس از عربستان و امارات (88 و 65 میلیارد دلار صادرات) با صادرات 36.2 میلیارد دلاری رتبه ی سوم را دارا شد. وارلت بزرگ ترین کشورهای نفت خیز منطقه همانا عربستان و امارات و ایران در سال 2003 به ترتیب 362 و 36 و 25.5 میلیارد دلار بود.⁽⁸⁷⁾

نمودار 193 - تراز بازرگانی و صادرات و واردات چند کشور برگزیده



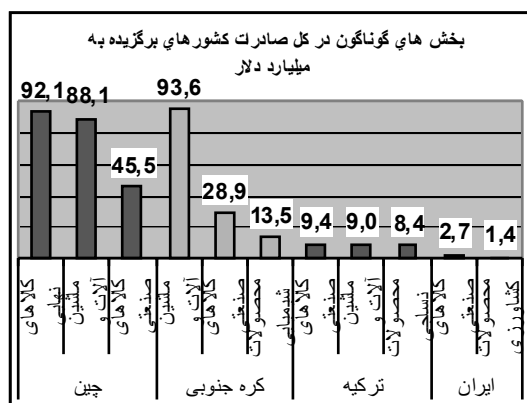
وابستگی اقتصاد ایران به نفت و کالاهای سنتی و کشاورزی را، که بیاگر واپس ماندگی اقتصاد ایران است، می توان در سهم کوچک بخش صنعت در کل صادرات در مقایسه با کشورهای برگزیده دید. نفت و کالاهای کشاورزی و سنتی 92.1 درصد (به ترتیب 87.4 درصد نفتی و 4.9 درصد کشاورزی) کل صادرات کشور را تشکیل دادند و کالاهای صنعتی تنها 9.4 درصد آن را رقم زدند. سهم سه بخش صنعتی، یعنی کالاهای نهایی و ماشین آلات و کالاهای صنعتی در کل صادرات چین اما، به ترتیب برابر با 34.6، 33.1، 17.1 درصد یعنی در مجموع 84.8 درصد، در کره جنوبی 83.3 درصد و در ترکیه 68.3 درصد کل صادرات بود.

نمودار 194 - نقش بخش های گوناگون در کل صادرات کشورهای برگزیده



مبنی مقایسه اینبار در زمینه ی ارزش صادرات در سال 2003 صورت گرفته که جایگاه ناتوان ایران را در میان کشورهای برگزیده نمایان تر می کند از ایران 1.4 میلیارد کالای کشاورزی و سنتی و تنها 2.7 میلیارد دلار کالای صنعتی در این سال صادر شد. سهم صنعت در صادرات چین برابر با 225.7 میلیارد دلار، در کره جنوبی با سهم ویژه محصولات شیمیایی برابر با 136 میلیارد دلار و در ترکیه با سهم ویژه ی محصولات نساجی برابر با 26.8 میلیارد دلار بود. فاصله ی صادرات صنعتی ایران که بویژه چشم به صنایع وابسته به نفت یعنی پتروشیمی داشت، با صادرات کشور همسایه ترکیه نیز بسیار زیاد می نمود.

نمودار 195 - نقش بخش های گوناگون در کل صادرات کشورهای برگزیده



اندیشته ارزی و بدهی خارجی کشورهای برگزیده نمایی از وضع مالی را در مقایسه نشان می دهد. ایران به دلیل داشتن منابع نفت، عدم حضور گسترده در بازرگانی جهانی و اتخاذ سیاست نیمه بسته، از بدهی خارجی کمتری در مقایسه با کشورهای دیگر برخوردار گشت. در این میان تنها چین با اندیشته ی ارزی برابر با 220 میلیارد دلار در سال 2003 در برابر بدهی خارجی 170 میلیارد دلار، به مازاد مالی بالایی برابر با 50 میلیارد دلار دست یافت. بیشترین کسری موازنه پرداخت ها را ترکیه با میزانی نزدیک به 95 میلیارد دلار و سپس کره جنوبی با 8 میلیارد دلار از خود نشان دادند که در مورد کره جنوبی با توجه با مازاد تراز بازرگانی خارجی برابر با 14.2 میلیارد دلار این میزان چندان چشمگیر نبود. ایران در برابر 7.4 میلیارد دلار بدهی خارجی نزدیک به 3 میلیارد اندیشته مالی را یدک می کشید و کسری اش برابر 4.4 میلیارد دلار گشت. بدین گونه ایران برای نمونه در این سال با وجود منابع سرشار نفت و گاز، نتوانست موازنه مالی خارجی خود

را به صفر برساند یا مازادی برای زمان های اضطراری، مانند بحران های بازاری نفتی، فراهم کند.

نمودار 196 - اندیشته ارزی و بدهی خارجی پاره ای کشورهای برگزیده



در زمینه ی تولید ناخالص داخلی، ایران در ردیف آن دسته کشورهای قرار میگیرد که جایگاهی میانی دارند. به دیگر سخن تولید ناخالص داخلی ایران به قیمت های جاری برای نمونه در سال 1999 با میزان 238554 میلیون دلار، از کشورهایمانند امریکا و ژاپن و انگلستان و آلمان فاصله ی زیاد داشت و تنها نزدیک به 11٪ تولید ناخالص داخلی آلمان را رقمی برابر 212061 میلیون دلار بود. از سوی دیگر این شاخص از بیشتر کشورهای واپس مانده ی افریقایی بالاتر می نمود. همان گونه که پیشتر گوشزد کردیم، این بهبود نسبی در مقایسه با کشورهای بسیار واپس مانده نیز نه از رشد شتابان اقتصاد کشور، بلکه بیشتر از انبهارهای نفتی و ارزشهای حاصل از صادرات نفت خام و در چند سال گذشته از راه صادرات گاز طبیعی به دست آمد. به دیگر سخن، بدون در نظر گرفتن سهم نفت و گاز در اقتصاد ایران، می توان گفت که تولید ناخالص داخلی نزدیک به نیمی از آن یعنی چیزی برابر با 120 میلیارد دلار، همانا در سطح کشورهای بسیار واپس مانده

جهان قرار نداشت.⁽²⁸⁸⁾ تولید ناخالص داخلی سرانه ایران در مقایسه ی بین المللی نیز بسیار کم می نمود.

نمای 197 - تولید ناخالص داخلی و سرانه پاره ای کشورهای جهان و ایران

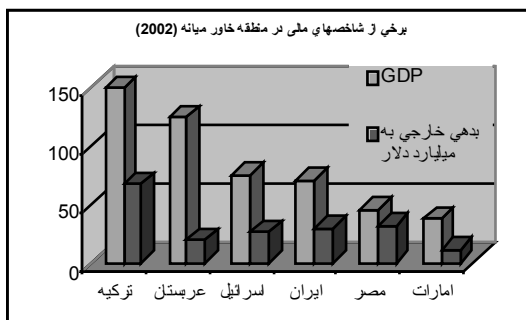
dollars	million dollars	
GDP per capita	GDP in current prices	
34 276	4346919	ژاپن
32 778	9191962	ایالات متحده آمریکا
25 749	2112061	آلمان
24 323	1441786	پادشاهی متحده بریتانیا
24 267	1432364	فرانسه
20 355	1171005	ایتالیا
19 700	50396	امارات متحده عربی
14 939	595943	اسپانیا
8 871	411648	کره جنوبی
7 735	282910	آرژانتین
7 095	139383	عربستان سعودی
5 036	490247	مکزیک
4 312	10222	ونزوئلا
3 525	592989	برزیل
3 445	238554	ایران
3 067	131127	آفریقای جنوبی
2 813	184761	ترکیه
2 000	123986	تایلند
1 307	87173	مصر
1 257	183815	روسیه
798	991203	چین
453	449955	هند

کاهش تولید سرانه بویژه با دو عامل، نخست نارسایی های اقتصادی و دوم افزایش جمعیت کشور پیوند داشت. نتیجه اینکه، درآمد سرانه ی ایران در مقایسه با کشور ژاپن تنها نزدیک به 10% و در مقایسه با کشور کره جنوبی که منابع نفت و گازی در اختیار دارد نیز، نزدیک به 38% بود و بنابراین بسیار کمتر می نمود در

این سال تولید سرانه در امارات نزدیک به 6 برابر و در عربستان سعودی 2 برابر ایران بود که از سطح رفاه بالاتر هر دو کشور در مقایسه ی منطقه ای سخن می گفت. از سوی دیگر آمار و داده های دولتی قابل اعتنا نیستند و در این زمینه تفاوت هایی دیده می شود برای شونه بر پایه ی داده های مرکز آمار ایران تولید ناخالص داخلی ایران نزدیک به 30% بیش از ترکیه کشور همسایه بود، در صورتی که بر پایه ی داده های دیگر داخلی، ترکیه در سال 2003 تولید ناخالص داخلی برابر با 238 میلیارد دلار⁽⁸⁹⁾ و ایران تنها به تولیدی برابر با 148 میلیارد دلار همانا نزدیک به 60% آن کشور دست یافته بود.⁽⁹⁰⁾

اگر به منابع برون مرزی برای دستیابی به مقایسه ای منطقه ای نگاهی بیابنازیم و تولید ناخالص داخلی چند کشور را در کنار بدهی خارجی آن ها به بررسی بگیریم، جایگاه ایران از این چشم انداز منفی تر است. در سال 2002 در میان 6 کشور برگزیده ترکیه و عربستان سعودی تولیدی نزدیک به دو برابر ایران داشتند و در کنار آن بدهی خارجی آنان نیز بیشتر می نمود. در مورد بدهی های ایران می توان روند مثبتی را در سال های پس از 2000 دید، که آن نیز با افزایش درآمدهای نفتی در این سال ها پیوند داشت.

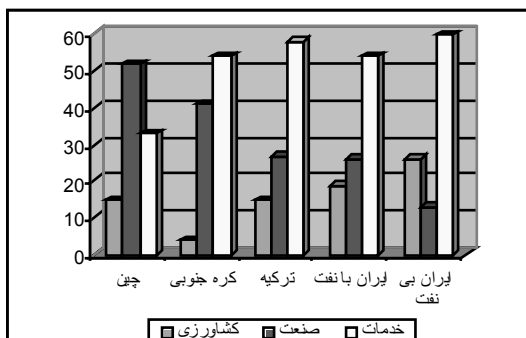
نمودار 198 - بدهی خارجی و تولید ناخالص داخلی پاره ای از کشورها



کره جنوبی 41 درصد، ترکیه 27 درصد و در ایران 26 درصد بود. گرسهم نفت و گاز را که بخش بزرگی از تولید ناخالص داخلی صنعتی کشور را دربر می گیرد در نظر بگیریم، سهم بخش صنعتی بسیار کمتر می نماید. در صورتی که ارزیابی کارشناسان اقتصادی جهان را پایه ی ارزیابی قرار دهیم، که بر اساس آن نزدیک به دو سوم تا یک سوم تولید ناخالص داخلی کشورهای نفت خیز خاورمیانه از بخش نفت و گاز تأمین می شود، تناسب واقعی تر بخش های سه گانه به ترتیب زیر خواهد بود: بخش صنعت 13 درصد (نیمی از 26 درصد سهم بالا)، بخش کشاورزی 25 درصد و بخش خدمات 60 درصد در این ارزیابی ناتوانی بخش

صنعتی ایران در مقایسه با کشورهای برگزیده نمایان تر می گردد.⁽⁹¹⁾

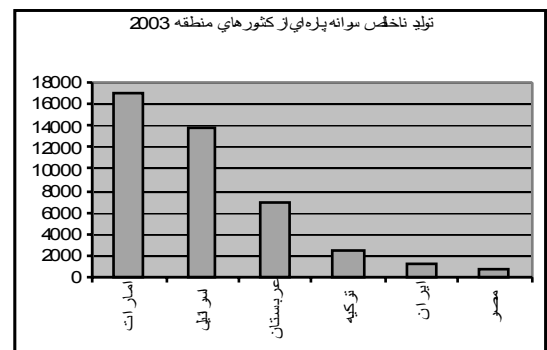
نمودار 200 - سهم بخش های گوناگون در تولید ناخالص ملی



به تولید ناخالص داخلی، می توان از کج سهم مالیات ها در کل آن نیز نگریست، زیرا یکی از دشواری های چند دهه ی گذشته اقتصاد ایران، در زمینه ی تأمین بودجه ی دولتی از اقتصاد داخلی خودنمایی می کرد با نگاهی به کشورهای برگزیده ی آلمان و چین و ترکیه می توان مشاهده کرد که سهم درآمدهای مالیاتی در تولید ناخالص داخلی نزدیک به نیمی از درآمدهای آلمان و ترکیه بود و کمی

در مورد تولید ناخالص داخلی سرانه نیز بر پایه همین منابع خارجی، وضع به گونه ای دیگر بود. نمودار زیر تولید سرانه ی 6 کشور برگزیده ی منطقه را به نمایش گذاشته است. بر این پایه امارات و اسرائیل و عربستان جایگاه هلی اول تا سوم و کشورهای ترکیه و ایران و مصر با تولید سرانه ی به مراتب کمتر، جایگاه های بعدی را داشتند. نرخ رشد واقعی تولید ناخالص داخلی در این سال در مقایسه با کشورهای دیگر منطقه نامطلوب بود. در سال های پس از آن اما وضع بهبود نسبی یافت.⁽⁹⁰⁾

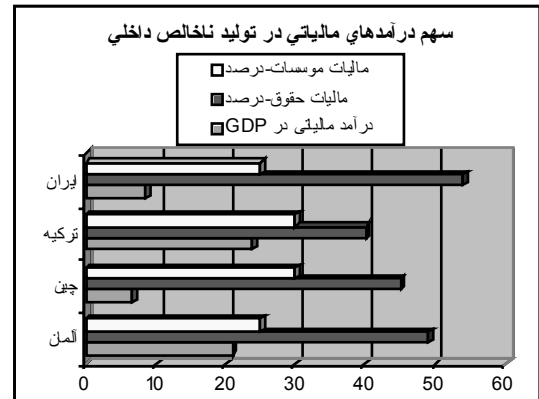
نمودار 199 - تولید ناخالص سرانه پاره ای از کشورهای منطقه



با در نظر گرفتن بخش نفت و گاز در تولید ناخالص داخلی و آن هم در زیربخش صنعتی، می توان مشاهده کرد که ایران با سهمی برابر 19 درصد در تولید کشاورزی از هر سه کشور دیگر جایگاه مناسب تری را به خود اختصاص داده بود و در بخش خدمات با سهمی برابر با 54 درصد در تولید ناخالص داخلی، همدیف کشورهای چین و کره جنوبی و ترکیه با میزانی به ترتیب برابر با 52 و 41 و 58 درصد قرار داشت در زمینه صنعتی اما، واپس ماندگی کشور در این شاخص نیز بازتاب می یابد. سهم بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی در چین 52 درصد،

بیشتر از چین که اقتصادش به طور عمده هنوز بر پایه ی بخش دولتی می چرخید. در زمینه ی میزان مالیات بر مؤسسات خصوصی، ایران با مالیاتی برابر با 25 درصد در سطح دیگر کشورهای برگزیده قرار می گرفت. میزان مالیات بر حقوق بگیران اما با رقمی برابر با 54 درصد بیش از کشورهای آلمان با 49 درصد و چین با 45 درصد و ترکیه با 40 درصد بود (میزان دقت آماری جهانی در این زمینه می توان تردید کرد). دشواری بزرگ تر ایران نبود یک سیستم سامان یافته، متمرکز، مدرن و خالی از فساد برای دریافت مالیات ها از بخش خصوصی است. نتیجه اینکه، با عدم تحقق برنامه های دولت برای دریافت مالیات ها، برای نمونه در سال 2005 کسری 8 هزار میلیارد ریالی پیش بینی شده بود.⁽²⁹²⁾

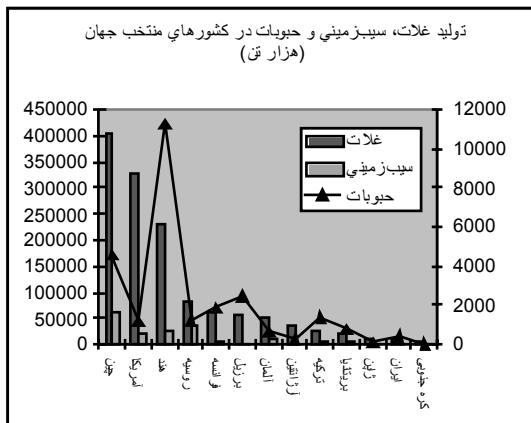
نمودار 201 - سهم درآمد های مالیاتی در اقتصاد پاره ای کشورها



در بخش کشاورزی می توان از جمله به تولید غلات و سیب زمینی و حبوبات پرداخت. در قیاس با کشورهای بزرگ تولید کننده ی این 3 محصول، مانند چین و آمریکا و هند و روسیه و فرانسه و برزیل و آلمان تولیدات ایران ناچیز بود در

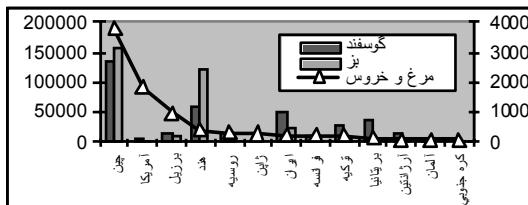
قیاس با کشور پیشرفته ی آلمان، که جمعیتی نزدیک به ایران و سرزمینی به مراتب کوچکتر از ایران دارد، تولید غله ی ایران تنها نزدیک به 20% می نمود. که پتانسیل خفته ی کشور را آشکار می کرد. در مقایسه ایران با کشورهای همتر از خود، ترکیه و کره جنوبی می توان دید که در هر سه زمینه ی غلات و سیب زمینی و حبوبات ترکیه جایگاهی برتر از ایران داشت. در سده ی نوزدهم ایران در داد و ستد بازرگانی با کشور عثمانی در بیشتر زمان ها به مازاد تراز بازرگانی دست می یافت و یکی از اقلام بزرگ صادرات به این کشور را غلات تشکیل می داد. تولید این محصول در ترکیه اما در سال 2001 برابر با 25571 تن همانا بیشتر از دو برابر ایران می نمود. سامان دهی بهتر وضع کشاورزی در ترکیه را می توان در کشت سیب زمینی و حبوبات نیز دید. در این سال ترکیه 80% بیش از ایران سیب زمینی و 3 برابر کشور ما حبوبات تولید می کرد.

نمودار 202 - مقایسه تولید غلات و سیب زمینی و حبوبات در چند کشور



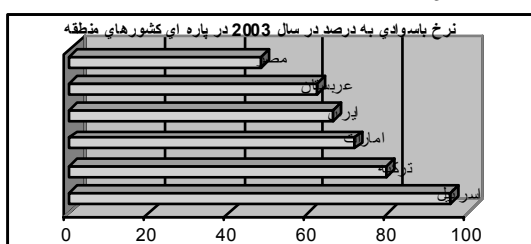
خرسند کننده ارزیابی کرد. چرا که تولید آن نو یا بیش از دو برابر آلمان بود و جایگاهی بالاتر از فرانسه و بریتانیا و ترکیه و کره جنوبی را به خود اختصاص داد.

نمودار 204 - تعداد نام و طیور در پاره ای کشورها



در پیامد، شاخص هایی مانند نرخ بيسوادی، بهداشت، میزان مرگ و میر کودکان، شمار پژوهشگران و شاخص کارایی بورکراتیک ایران با پاره ای از کشورهای هم مورد مقایسه قرار می گیرد. مانند دیگر شاخص ها در زمینه نرخ بيسوادی موقعیت ایران در منطقه با نرخ برابر با 66% ناخوشایند بود. این نرخ در اسرائیل رقمی برابر با 95% در ترکیه 79% و در امارات 71% را آشکار می کرد. در این زمینه ایران تنها از کشورهای مانند عربستان سعودی و مصر موقعیت کمی بهتر به دست آورد ولی فاصله اش با کشورهای پیشرفته ی جهان چشمگیر بود.

نمودار 205 - نرخ بيسوادی به درصد در سال 2003 در پاره ای کشورهای منطقه



در زمینه ی تولید انواع گوشت در مقایسه بین المللی، همان کمبودها و واپس ماندگی ها در سنجش با کشورهای پیشرفته خود ضایعی می کنند، اما در قیاس با کشورهای همتر از ایران مانند ترکیه و کره جنوبی وضع کمی بهتر می نماید. نیاز به بهبود جدی در وضع کشاورزی را در مقایسه آلمان با ایران، می توان در تولید انواع گوشت برجسته کرد. آلمان با جمعیتی نزدیک به ایران بیش از 4 برابر ایران تولید بلشت. در قیاس با کره جنوبی در زمینه ی تولید انواع گوشت ها ایران کمی پایین تر از این کشور قرار داشت، اما در زمینه ی تولید گوشت پرندگان اهلی و شیر تازه و تخم مرغ موقعیت اش برتر بود.

نمای 203 - انواع گوشت تولیدی در پاره ای کشورها

کشور	گوشت (تولید)	گوشت (برنده)	شماره	تخم مرغ
چین	13287	65161	9570	19884
آمریکا	16748	37741	75025	5080
برزیل	6395	15161	22580	1538
آلمان	866	6469	28300	890
فرانسه	2077	6341	24890	1047
هند	595	4917	35000	1906
روسیه	778	4518	31980	1945
آرژانتین	971	3995	9600	325
بریتانیا	1562	3266	14717	629
کره جنوبی	425	1589	2339	460
ایران	860	1490	4000	600
ترکیه	618	1372	8600	715
ژاپن	65	97	221	52

در زمینه ی تولید گوسفند و بز ایران دارای جایگاه بین المللی نسبتاً مطرحی بود. در تولید گوسفند در مقایسه با کشورهای برگزیده ی زیر، ایران با شمار 53000 هزار راس گوسفند جایگاه سوم، در زمینه تعداد بز با شماری برابر 25200 هزار راس، جایگاهی سوم و با شمار 7000 هزار رأس گاو و گوساله جایگاه یازدهم را از آن خود کرد. می توان شمار پرورش مرغ و خروس را نیز در مقایسه ی جهانی

در زمینه سهم اعتبارات دولتی در تولید ناخالص داخلی برای بخش بیمه و تخت بیمارستانها و تأمین خدمات درمانی نیز، اقل‌هلی مقایسه‌ی بین‌المللی برای ایران تیره‌اند. سهم اعتبارات دولتی برای بیمه از تولید ناخالص داخلی در آلمان برابر با 12.1 درصد، در ترکیه 4.5 درصد، در چین 2.7 درصد و در ایران تنها 1.5 درصد بود. در این میان ایران تنها از کره جنوبی با سهمی برابر با 1.3 درصد موقعیت کمی بهتر داشت. در زمینه تأمین خدمات درمانی نیز وضع به همین گونه بود و ایران با تعداد درمانگاه‌هایی برابر با 0.9 عدد برای هر هزار نفر پایین‌ترین جایگاه را به خود اختصاص داد. این تعداد در ترکیه و کره جنوبی 1.3، 1.7 و در آلمان برابر 3.6 مؤسسه درمانی برای هر هزار نفر بود. وضع تخت‌های بیمارستان‌ها نیز همین جایگاه نامناسب را در مقیاس بین‌المللی بازتاب می‌دادند. در ایران برای هر هزار نفر 1.6 تخت، در ترکیه و کره جنوبی و چین و آلمان به ترتیب 2.6 و 6.1 و 2.4 و 6.7 تخت برای هر هزار نفر در اختیار شهروندان قرار گرفته بود. در این میان باید به تفاوت کیفیت درمانگاه‌های ایران با کشورهای دیگر نیز، بویژه در شهرستان‌ها و روستاها، اشاره کرد.

نمودار 206 - مقایسه کشورهای برگزیده در خدمات درمانی



بسیار برتر و ترکیه جایگاهی پایین‌تر را به خود اختصاص داد. این مقایسه تنها در زمینه کمی صورت گرفته، در قیاس کیفی اما میان پژوهشگران ایران و کشورهای پیشرفته به دلیل نارسایی‌های مدیریتی و تکنالهی مالی، شکاف‌ها باز هم بیشتر و ژرف‌تر می‌شود.

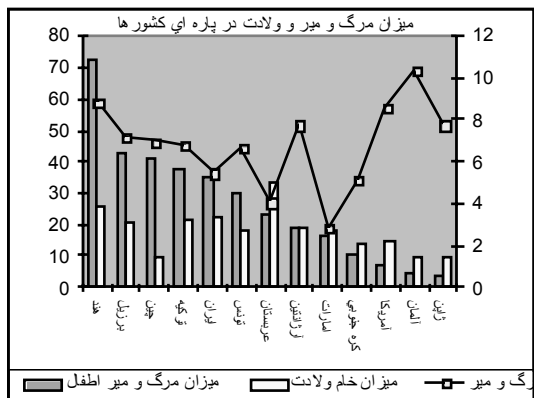
نمودار 208 - شمار پژوهشگران در پاره‌ای کشورهای جهان و ایران



در گستره‌ی رسانه‌های گروهی و وسایل ارتباط جمعی نیز، علیرغم پاره‌ای دگرگونی‌ها در سال‌های پس از 2000، جایگاه ایران خرسندکننده نیست. شمار رادیو و تلویزیون و تلفن در ایران به ترتیب برابر بود با 281 و 163 و 155 برای هر هزار نفر بود، که از کشورهای مقایسه‌شده بویژه در زمینه استفاده از تلویزیون و تلفن کمتر می‌شود. شمار روزنامه‌های روزانه نیز محدود بود و در برابر کشورهای با جمعیتی نزدیک به ایران مانند ترکیه و کره جنوبی و آلمان میزان بسیار کمی را آشکار می‌کرد. در ایران 32 روزنامه‌ی روزانه در سال 2003 منتشر می‌شد، ولی در سه کشور بالا به ترتیب 57 و 150 و 349 نشریه روزانه به

نارسایی‌های بخش درمانی از جمله در میزان مرگ و میر کودکان بازتاب می‌یابد. در این زمینه کشور ما هنوز در سطح کشورهای واپس‌مانده بوده و فاصله‌اش با کشورهای پیشرفته‌ی ژاپن و آلمان و امریکا و حتی کره جنوبی و لس‌آلتس بسیار زیاد است. هند و برزیل و چین و ترکیه و ایران در مقایسه‌ی این کشورهای برگزیده بدترین میزان مرگ و میر کودکان را داشتند. میزان ولادت نیز بسیار بالاست و ایران پس از عربستان یکی از کشورهای روبه رشد جمعیت جهان و منطقه است. روند افزایش جمعیت در ایران در سال‌های کنونی کاهش یافته، ولی هنوز در قیاس بین‌المللی بالاست.⁽²⁹³⁾

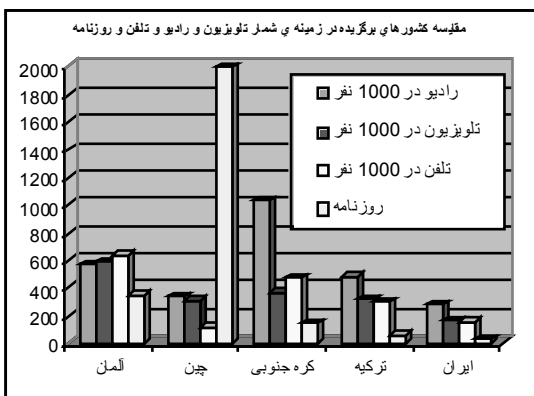
نمودار 207 - میزان مرگ و میر و ولادت در پاره‌ای کشورهای



نیاز بیشتر به کارشناسان در رشته‌های گوناگون اقتصادی را می‌توان در مقایسه‌ی این بین‌المللی در زمینه‌ی پژوهش برجسته‌کرد. در این سال شمار پژوهشگران در ایران در مقایسه با کشورهای پیشرفته مانند ژاپن و آلمان بسیار ناچیز و چیزی کمتر از 20٪ بود. در سنجش ایران با کشورهای هم‌تراز خود، کره جنوبی موقعیتی

چاپ می‌رسید. تیراژ روزنامه‌های ایران نیز در سنجش با کشورهای همسان محدود بود و افزون بر آن سانسور دولتی و توقیف پیاپی چندین نشریه و دستگیری و آزار و کشتار روزنامه‌نگاران به دشواری کار مطبوعات در ایران می‌افزود.⁽²⁹⁴⁾

نمودار 209 - شمار تلویزیون و رادیو و تلفن و روزنامه در پاره‌ای کشورهای



یکی از دشواری‌های بزرگ کشورهای رو به رشد، کارایی کم دستگاه دولتی و بوروکراتیک از سویی و فساد گسترده در همه‌ی بافت زمامداری از سوی دیگر است. دشواری ایران در این زمینه به دهه‌های پیش بازمی‌گردد. در سده‌ی نوزدهم خاورشناسان و مسافرنی‌زیایی از کشورهای باختری درباره‌ی ژرفای فساد در سیستم حکومتی ایران سخن رانده و آن را یکی از دلایل نبود کارایی لازم دستگاه حکومتی و واپس‌ماندگی اقتصادی خوانده‌اند.⁽²⁹⁵⁾ روند همگونی نیز در دیگر کشورها مانند ترکیه دیده می‌شود. میزان فساد در این کشور مانند ایران چنان گسترده بود که بنا به گفته‌ی پاره‌ای کارشناسان یک چهارم اقتصاد این کشور،

همانا نزدیک به 60 میلیارد دلار زیر کنترل گروه‌های غیرقانونی و مافیایی قرار داشت.⁽²⁹⁾ در ایران نیز این گروه‌های مافیایی بودیزه در پیوند تنگاتنگ با سپاه پاسداران کار می‌کنند و از راه زد و بندهای دولتی و غیر دولتی، قاچاق کلاه‌های وارلای، پخش مواد مخدر و گستردش و صدور فحشا، چندین میلیارد دلار درآمد به جیب می‌زنند. بر اساس یک بررسی که در 6 گروه برای شاخص‌کاری بزرگ‌ترین صورت گرفته، ایران در کنار مصر و پاکستان بدترین گروه با کمترین میزان کارایی ارزیابی شده و ترکیه و عربستان و برزیل در گروه دوم جای گرفته‌اند. بهترین‌های جهان کشورهای ژاپن و انگلستان و آمریکا و سپس فرانسه و آلمان و اسرائیل بودند.

نمای 210 - شاخص کارایی بزرگ‌ترین در پاره‌ای کشورهای

شاخص کل‌ای بزرگ‌ترین در برخی کشورها					
9-10	7.5-9	6.5-7.5	5.5-6.5	4.5-5.5	1.5-4.5
مصر	یونان	کره	ارژنتین	فرانسه	ژاپن
ایران	عربستان	پرتغال	کویت	آلمان	انگلستان
پاکستان	ترکیه	اسپانیا	تایلند	اسرائیل	آمریکا

شکاف فزاینده میان ایران و کشورهای کامیاب رو به رشد

سنجش بین‌المللی دریچه‌ای است برای بازبینی و ژرف‌نگری در نارسایی‌ها و رسایی‌های اقتصاد ملی. توان اقتصادی ایران علیرغم افزایش قیمت نفت در بازار، در پهنه‌ی جهانی بهبود چشم‌گیری نیافته است. بنابراین ایران را باید هنوز در شمار کشورهای رو به رشد ارزیابی کرد. اگر رشد صنعتی، شتاب‌گیری درآمد ملی و افزایش تولید ناخالص داخلی را بنیانی برای سنجش میان ایران و کشورهای پیشرفته صنعتی در نظر بگیریم، می‌توان بر پایه داده‌های آماری گفت که در فاصله‌ی زمانی 1972 تا 1978 این شاخص‌ها، علیرغم همه‌ی نارسایی‌ها و تنگناها، افزایش نسبتاً خشنودکننده‌ای داشتند پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی در یک برش 25 ساله با افت این شاخص‌ها روبرو می‌شویم. به ویژه در بخش صنایع با آهنگ پرشتاب پیش از سل انقلاب، مانند رشد فراورده‌های صنعتی یا میانگین سالانه‌ی 12.5 درصد رشد موسسات صنعتی و کارگاه‌ها در مرز 100 درصد، افزایش شمار کارکنان صنعتی در رشته‌های صنعتی به میزان دو برابر، برای نمونه در درازای برنامه‌ی چهارم پنج‌ساله‌ی توسعه و عمران شاه، روبرو گردیدیم. در جمهوری اسلامی در طول ده ساله (و نه پنج‌سال)، شمار کارکنان در بخش صنعت تنها رشدی برابر با 75 درصد داشت. بدین گونه میانگین رشد سالانه‌ی کارکنان در موسسات صنعتی پیش از سال 1979 برابر با 20 درصد و در

جمهوری اسلامی برابر با 7.5 درصد بود، همانا نزدیک به سه برابر کمتر، آن‌هم در حالی که جمعیت ایران با میانگین رشد بیشتری روبرو گشت در مورد رشد موسسات صنعتی، سرمایه‌گذاری در رشته‌های تولیدی، افزایش درآمد ملی و میانگین درآمد سرانه نیز، آمار در دسترس تصویر بهتری از نگرگونی‌های اقتصادی در جمهوری اسلامی عرضه نمی‌کنند. برای نمونه درآمد ملی میان سال‌های 1967 تا 1973 برابر با قیمت‌های ثابت، سالیانه رشدی برابر 11.6 درصد داشت، در صورتی که در یک فاصله‌ی سه‌ساله در دوره جمهوری اسلامی با رشد درآمد سالیانه‌ای برابر با 6.3 درصد روبرو بودیم، همانا 44 درصد کمتر از افزایش درآمدها پیش از سال 1979. این تفاوت در زمینه‌ی میانگین درآمد سرانه بیشتر با زتاب یافت. در حالی که میانگین درآمد سرانه در یک برش ده‌ساله از 380 دلار به 1274 دلار در سال 1975-74 فرارویی یا میانگین افزایش سالانه‌ای در مرز 27 درصد، میانگین افزایش درآمد سرانه به ریال میان سال‌های 1991 تا 2001 تنها در مرز 3.4 درصد بود میانگین رشد سالانه‌ی درآمد سرانه به دلار اما سیر کاهشی داشت. چرا که نرخ دلار در برابر ریال غیررسمی از 1420 ریال به 8008 ریال رسید، همانا افزایشی نزدیک به 560 درصد به عبارت دیگر نرخ ارز ایران در این درازای ده‌ساله با میانگین کاهشی برابر با 56 درصد سالانه روبرو بود که عملیات خرید شهروندان، به ویژه لایه‌ها و طبقات پایین و میانی را که بخش قابل توجهی از نیازهای خود را از بازار آزاد و وابسته به دلار خریداری می‌کردند، کاهش داد. انگیزه‌های این رشد اقتصادی کند را، می‌توان در عواملی مانند رشد بخش خدمات و بازرگانی انگلی و وارلای، اقتصاد دولتی بی‌برنامه و نابسامان و سیاست‌های مالی تورم‌زا، جستجو کرد.

گاهی به کشورهای هم‌تراز ایران مانند کره جنوبی، ترکیه، برزیل نشان می‌دهد که کوشش گام به گام ایران در کنار این کشورهای رو به رشد برای چیرگی بر واپس‌ماندگی اقتصادی و رهلی از زنجیر استعماری، با کامیابی‌چنانی همراه نبوده

است به دیگر سخن شکاف میان کشور ما و کشورهای رو به رشد که پاره‌ای از جلوه‌های آن را در این بخش نشان داده‌ایم، بیشتر شده است. با توجه به واقعیت‌های موجود، روشن است که نمی‌توان با در پیش گرفتن سیاست‌های اقتصادی پیشین انتظار داشت که در چند دهه‌ی آینده نیز ایران به جرگه‌ی کشورهای پیشرفته و صنعتی جهان وارد شود. افزون بر آن آخرین داده‌ها و سنجش‌های بین‌المللی که نگارنده پاره‌ای از آنها را بیشتر عرضه کرده (نمونه وارد زمین‌ی تورم، رشد صنعتی، سهم صادرات غیرنفتی و بویژه صادرات صنعتی، ارزش پول، ذخیره‌ی ارزی، کسری تراز بازرگانی، جذب سرمایه‌های خارجی و غیره) نشان از آن دارند که شکاف میان ایران و دیگر کشورهای رو به رشد کامیاب، رو به افزایش است. دشواری کار در این جاست که نه تنها در زمینه‌های صرفاً اقتصادی، بلکه در پهنه‌ی اجتماعی که وابسته یا برگرفته از آن هستند نیز، نمی‌توان چشم‌انداز امیدبخشی ترسیم کرد. سنجش‌های صورت گرفته میان ایران و کشورهای رو به رشد و پیشرفته صنعتی پیرامون پاره‌ای شاخص‌ها مانند حمایت‌های اجتماعی، آموزش، بهداشت، فرهنگ فن‌آوری، اشتغال و تقسیم‌داری ملی نیز نشانه‌هایی از جایی روزافزون ایران از این دسته کشورها دارند. برای نمونه عالت اجتماعی که یکی از آماج‌های مردم در سال‌های پایانی دهه هفتاد میلادی و در روند انقلاب 1979 بود، بنا به بررسی‌های صورت گرفته، تحقق پیدا نکرده و "ضریب جینی" هم رو به افزایش گذاشته است در کنار آن بررسی "دهک‌ها" در ایران نیز، دریچه‌ی روشن‌تری بر این تاریکی نمی‌گشاید برای کاهش واپس‌ماندگی و ورود گام به گام به گروه کشورهای صنعتی، نگرگونی‌های ژرف اجتماعی-اقتصادی گریزناپذیر است. شونه‌ی اسپانیا که در فاصله‌ی کوتاهی پس از نگرگونی و نوسازی ساختارهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، از کشوری با توان کم اقتصادی در اروپا به جایگاه هفتم اقتصادی جهان فرارویی، می‌تواند آزمون‌ی باشد، دست کم برای سرمایه‌ناری رو به رشد ایران در چارچوب

رهایی از بدهی وابستگی استعماری و دستیابی به استقلال ملی و حضور اقتصادی-سیاسی هم‌تراز در پهنه‌ی بین‌المللی.

سه سناریو برای پیش‌بینی دگرگونی‌های کوتاه مدت

در این بخش بر پایه‌ی داده‌های آماری و با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی آینده ایران، سه سناریو برای دگرگونی‌های کوتاه مدت پاره‌ای از شاخص‌های اقتصادی ارائه می‌شود. در ایران اندیشه‌ی پیش‌بینی تحولات اقتصادی و برنامه‌ریزی برای آینده‌ی آن، از سال 1949 با اجرای برنامه‌ی هفت‌ساله آغاز شد. ولی از همان ابتدا با دشواری‌های جدی روبرو گردید.⁽²⁹⁷⁾ مهم‌ترین پیش‌بینی‌های اقتصادی، در پایان زمامداری شاه مطرح شدند و با تکیه به درآمد نفت و وعده‌ی ورود به "تمدن بزرگ" در فاصله‌ی زمانی کوتاه، سرمایه‌گذاری‌هایی در زیر بنای اقتصادی کشور بویژه در صنایع فولاد و مس و آلومینیوم و اسلحه‌ها و کارخانه‌های اتومبیل و تراکتور سازی صورت گرفت. در کنار این برنامه‌ریزی‌ها، با سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی در شش نیروگاه هسته‌ای که به گفته‌ی شاه با ایجاد شدن آنان ایران می‌بایست به یک قدرت بزرگ صنعتی تبدیل می‌شد، به ابعاد این بلند پروازی‌ها افزوده گردید.⁽²⁹⁹⁻³⁰⁰⁾ ناهمگونی‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در سیاست شاه، نشان داد که این آرزوها بر پایه‌های واقعی استوار نبودند. با روی کار آمدن حکومت اسلامی در ایران و نابسامانی‌های شدید اقتصادی پیامد آن، گردانندگان ناکارآمد تازه که به پاکسازی کارشناسان دگراندیش در پهنه‌ی گسترده‌ای پرداختند، بالاخره گام به گام به بایستگی برنامه

ریزی پی بردند و کوشش برای برنامه‌ریزی اقتصادی بر پایه‌ی پیش‌بینی‌ها و نیازهای اقتصادی جامعه دوباره از سر گرفته شد. درجه‌ی کامیابی این برنامه‌ها و پیش‌بینی‌های اقتصادی کم بود. برای نمونه در سال 1992 از برنامه‌ی پیش‌بینی شده، تنها در بخش‌های صادرات کشاورزی و فرش و صنایع دستی و تا حدودی صنایع معدنی موفقیت به دست آمد ولی در بخش‌های مهم مربوط به صادرات کالاهای صنعتی و داروئی تنها نزدیک به پانزده درصد از برنامه‌ها پیاده گردید.⁽³⁰⁰⁾

با پیدایی دشواری‌های چشمگیر اقتصادی و ناخشنودی گسترده‌ی مردم، پس از بازسازی خرابی‌های جنگ کم‌کم برای ارزیابی موشکافانه‌تر تنگناها و برنامه‌ریزی برای زدودن آنان گام‌هایی تازه اما ناپایدار برداشته شد. از آن نمونه است "طرح ساماندهی اقتصادی" از سوی اصلاح‌طلبان که در سال 1998 مطرح گردید. ویژگی این طرح بهره‌گیری از شمار زیادی از کارشناسان اقتصادی از جمله کارشناسان "غیرخودی" و غیردولتی در تهیه آن بود و از چارچوب سازمان‌ها و ادارات و وزارتخانه‌ها و اتاق‌های در بسته بیرون رفت.⁽³⁰²⁾ اگر چه این برنامه‌ریزی‌ها و پیش‌بینی‌های اقتصادی از واقعیت‌ها هنوز دور بودند، ولی دست کم نشان می‌دادند که در گام‌های کم‌اشتباه تری گام برداشته می‌شد. "سند توسعه‌ی اقتصادی بیست‌ساله‌ی کشور" که در سال 2004 از سوی ولی‌فقیه برای آینده‌ی اقتصادی ایران تدوین شد و در نظر داشت ایران را به "تواضع‌ترین قدرت اقتصادی باختر آسیا" تبدیل کند، اگر چه ابعادهای بلند پروازی‌های شاه را داشت، ولی می‌شد عناصر بلند پروازانه و غیر واقعی همسانی در آن یافت.⁽³⁰³⁾ در برنامه‌ی بیست‌ساله اقتصادی شاه برای سال‌های 1973 تا 1992 پیش‌بینی 14 درصدی برای رشد تولید ناخالص داخلی و رسیدن به گروه کشورهای پیشرفته صنعتی جهان صورت گرفته بود، که به روشنی غیر عملی می‌نمود.⁽³⁰⁴⁾ ناهمگونی‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی حکومت اسلامی انگیزه‌های کم و بیش همسانی هستند، که رسیدن به این آماج‌های ذوین را نیز با دشواری روبرو

می‌کنند. از دیدگاه اقتصادی پاشنه‌ی آشیل حکومت اسلامی همانند گذشته، وابستگی سنگین آن به درآمد‌های نفتی است. کاهش درآمد‌های ارزی از این محل، می‌تواند به اقتصاد کشور آسیب‌های هنگفتی وارد کند و کاربردی کردن بخش مهمی از برنامه‌ها را به ایست بکشاند. افزون بر آن برای استراتژی صنعتی کشور نیز درگیرهای جدی بر سر چگونگی اجرای آن و جایگاه ایران در روند "جهانی شدن اقتصاد"، نقش نولت و روند گسترش بخش خصوصی در جریان بوده و هست و موضع مخالف پاره‌ای از کارشناسان و دست‌اندرکاران در ایران در مخالفت با سمتگیری‌های اقتصادی دولتمردان در برنامه‌ی چهارم اقتصادی، نشان دهنده‌ی این ناروشنی‌هاست.⁽³⁰⁵⁾

نگارنده دگرگونی‌های آینده‌ی اقتصاد ایران را بر پایه‌ی سه سناریو مورد ارزیابی قرار داده و بر شالوده آن برای مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی پیش‌بینی آماری کوتاه مدت عرضه کرده است. این سه سناریو به قرار زیرند: سناریوی "لیبرالیسم اقتصادی با تندروان"، سناریوی "لیبرالیسم اقتصادی با اصلاح طلبان" و "سناریوی تنش".

خاصه در سناریوی اول و دوم پیش‌بینی دگرگونی‌های اقتصادی بر دو ویژگی اقتصاد ایران استوار است. ویژگی نخست با نقش برجسته‌ی نفت در اقتصاد کشور پیوند می‌خورد. عمل دوم به وابستگی اقتصاد ایران به بخش تواضع دولتی و وابستگی بخش خصوصی به این بخش باز می‌گردد. به نقش ویژه‌ی نفت در اقتصاد ایران به صورت جگانه در بخش‌های پیشین پرداختیم همان گونه که در این ارزیابی‌ها نشان دادیم، در وابستگی اقتصاد به نفت با وجود همه‌ی برنامه‌ریزی‌ها دگرگونی‌های جدی رخ ندهد است. حجم درآمدهای ایران از راه صادرات نفت در سال 2003 به مرز 24 میلیارد دلار رسید و این میزان برابر بود با حدود 80٪ تملی صادرات کشور در این سال. افزون بر آن با توجه به اندوخته‌های گاز ایران و برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته برای صادرات آن به خارج به ویژه به کشورهای منطقه، درآمدهای ارزی تازه‌ای در این بخش نیز به صندوق دولت

افزوده خواهد شد. بر پایه‌ی پیش‌بینی‌ها، تنها از راه صادرات گاز به ترکیه طی نزدیک به بیست سال آینده میان 15 تا 25 میلیارد دلار درآمد ارزی به ایران تعلق خواهد گرفت. مذاکرات برای لوله‌کشی به مناطق دیگر و دستیابی به توافقات در این زمینه با کشورهایمانند چین و کویت و هندوستان و پاکستان و نیز به اروپا از جمله به‌اطریش ادامه دارد.⁽⁶⁰⁾

در پیش‌بینی شاخص‌ها، نقش مهم دولت در اقتصاد ایران از اهمیت برخوردار است. بر پایه‌ی ارزیابی‌های در دسترس، دولت در اقتصاد کل کشور نقشی نزدیک به 75٪ تا 80٪ دارد. حجم هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی در طول برنامه‌ی سوم اقتصادی به 80٪ رسید بود، در حالی که بیشتر کارشناسان هوا را نئولیبرالیسم اقتصادی در ایران، تغییر آن و رساندن آن به میزان 15 تا 30 درصد را بهتر می‌دانستند. بدین‌گونه علیرغم برنامه‌ریزی‌ها و پیش‌بینی‌ها، برای نمونه در سال 2003 تنها 45٪ از برنامه‌ریزی‌مربوط به وگناری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی به اجرا درآمد.⁽⁶⁷⁾ افزایش قیمت نفت در سال‌های کنونی و بالا رفتن برآمدهای ارزی از محل صادرات و در پی آن سرمایه‌گذاری‌های تازه در رشته‌های گوناگون اقتصادی بویژه بخش صنعت با هزینه‌های گزاف، علیرغم تلاش‌هایی برای خصوصی‌سازی واحدهای اقتصادی و شتاب بیشتر در وگناری آنان به سرمایه‌داران، از نقش بالای بخش دولتی در کل اقتصاد ایران نکاسته است. آن‌چه که افزون بر این، پروسه‌ی کوچک کردن اقتصاد دولتی را با دشواری روبرو می‌کند اینک، روند وگناری شرکت‌های دولتی هدفمند صورت می‌گیرد و به شکل‌گیری انحصارات نو می‌انجامد و توان رقابت‌پذیری کالا‌های تولیدی را با محصولات همگون خارجی می‌کاهد. برای نمونه بزرگ‌ترین وگناری تا سال 2004 در ایران به مبلغ 206 میلیارد تومان به فروش شرکت سپهان خوزستان به سازمان تأمین اجتماعی، یعنی یک واحد نیمه دولتی، انجامید. از این نمونه‌ها در وگناری شرکت‌های دیگر نیز زیاد دیده می‌شود.⁽⁶⁸⁾ بدین‌گونه شرکت‌های دولتی

پیشین و لایه‌های بورژوازی رو به رشد تازه شکل گرفته است. نمونه‌های همگون آن را می‌توان در کشورهای دیگر آسیائی و افریقائی همانند ترکیه، مالزی، اندونزی، پاکستان، تونس و الجزایر نیز یافت.⁽¹⁰⁾

به نهادها و ارگان‌های وابسته به دولت واگذار گردیدند و از جنب سرمایه‌های خصوصی به بخش‌های صنعتی جلوگیری به عمل آمد. انگیزه‌ی این رویکرد را باید از جمله در ساختار کهن دیسپوتیسم خاوری-ایرانی جستجو کرد. دولتمردان و دیوانسالاران و شوری‌پردازان ایرانی (نظام‌الملک و زیرتوانمند دربار سلجوقی یکی از برجسته‌ترین نمایندگان آن بود) از دیرباز کنترل متمرکز بر امور اقتصادی از سوی حکومت را عامل تعیین‌کننده‌ی ضلوع همبستگی ملی و حفظ دودمان‌های پادشاهی در برابر مخالفین داخلی و همسایگان خارجی می‌دانستند.⁽⁹⁾ دیسپوتیسم ایرانی که جلوه‌ای از دیسپوتیسم خاوری

است، هنوز در درون مایه‌ی خود لگرونی چنانی پیدا نکرده است. هر دو ویژگی نامبرده، نخست وابستگی اقتصاد به نفت و دوم نقش تعیین‌کننده‌ی دولت در ساختار اقتصادی، به اشکال متفاوت در رژیم شاه و جمهوری اسلامی برجسته‌اند. هنوز در خلط‌ایرانیان تجربه‌ی چند صد ساله‌ی چیرگی همسایگان چدرنشین باختری و خاوری بر کشور که بیش از همه بازتاب سیستم اقتصادی فئودالی ملوک‌الطوایفی و شرک‌گریز و نبود دولت متمرکز با اختیارات اقتصادی بالا بود، پاک نشده است. هنوز گرانی از درهم شکستن دولت مرکزی، پاشیده شدن کشور و جانی بخش‌های تازه‌ای از این سرزمین، که آخرینش به سده‌ی نوزدهم باز می‌گردد، مانند کابوسی نه تنها ذهن سردمداران دولتی و غوردولتی و سران گروه‌ها و احزاب سیاسی، بلکه اندیشه‌ی شهروندان ساده را نیز به خود مشغول می‌کند. رویدادهای کشورهای اروپائی شرقی پس از فروپاشی بلوک چیرگی خاوری بویژه در منطقه‌ی بالکان و تنش‌های تند سیاسی و قومی در کشورهای همسایه‌ی افغانستان و عراق و ترکیه و نیز سیاست‌های تازه‌ی دولتمردان امریکایی در چارچوب گسترش میلیتاریسم، بر گرانی‌های تاریخی و سنتی ایرانیان می‌افزاید. نکته‌ی دیگر پروسه‌ی عمومی سرمایه‌داری در کشورهای رو به رشد است که در بسیاری از آنان رشد سرمایه‌داری و پیدایش مناسبات نوین از درون سیستم متمرکزگرای فئودالی گذشته و با سازش میان زمامداران دیسپوت

پیرامون شیوه‌های پیش‌بینی

پیش‌بینی‌ها در زمینه‌ی اقتصادی روز به روز بر اهمیت خود می‌افزاید. برای نمونه 66 درصد شرکت‌های امریکائی بر این باورند که پیش‌بینی‌های بازاریابی برای آنان از اهمیت ویژه برخوردارند و 95 درصد این شرکت‌ها مرتباً از پیش‌بینی‌ها برای برنامه‌ریزی‌ها بهره‌می‌گیرند.⁽¹¹⁾ پیش‌بینی‌ها برای برنامه‌ریزی‌ها و جلوگیری از اشتباهات یا کاهش آن، مهم هستند و در صورت بهره‌جستن بهینه از آنان می‌توان به سوددهی یگان‌های اقتصادی کمک کرد.⁽¹²⁾ در زمینه‌ی شیوه‌های پیش‌بینی به طور کلی می‌توان به دو سیستم اشاره کرد، نخست شیوه‌های کیفی و دوم شیوه‌های کمی از میان شیوه‌های کیفی می‌توان به متدهایی مانند De phi و representative assay method و expert a say method اشاره کرد. شیوه‌های کیفی در پیش‌بینی‌ها بیشتر برای گستره‌های بسیار وسیع و سناریوهای درازمدت قابل استفاده‌اند. در پیش‌بینی کمی می‌توان به دو مدل Time series model و casual model اشاره کرد که در بررسی‌کنونی در بخش univariate time series model بهره‌گیری شده است. شیوه‌های کمی بر پایه‌ی داده‌های آماری در گذشته استوار هستند و به کمک آنان می‌توان با روش‌های گوناگون، پیش‌بینی‌های آماری عرضه کرد. شیوه‌های کمی پیش‌بینی، می‌بایست به طور ملاوم با شیوه‌های کیفی ترکیب شده و بر لگرونی

های تازه انطباق یابند بی علت نیست که بسیاری از شیوه‌های ترکیبی میان پیش‌بینی‌های کمی و کیفی وجود دارد و به کار گرفته می‌شود در univariate model مدل‌های گوناگونی مانند naïve Extrapolation, Moving Average, Exponential Smoothing, ARIMA Model and Trend Model وجود دارند. در میان این شیوه‌های پیش‌بینی در ارزیابی کنونی از Trend Model برای مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی، همانا تولید ناخالص داخلی و سهم زیربخش‌های آن و نیز شاخص‌های مهم بازرگانی خارجی بر پایه‌ی داده‌های آماری سال‌های 1998 تا 2003 استفاده شده و پیش‌بینی‌های کوتاه مدت تا سال 2007 عرضه گردیده است. در کنار این پیش‌بینی کمی، بر پایه‌ی ارزیابی کیفی وضع اقتصادی ایران، نگارنده در پیش‌بینی پاره‌های شاخص‌ها ضریب‌های مثبت و منفی ویژه‌ای در نظر گرفته تا این ارزیابی کمی، جنبه‌ی کیفی نیز بیابد در Trend Model فاکتورهای آماری همیشه در یک معادله وابسته به عامل زمان عرضه می‌شوند و بر پایه چگونگی نوع معادله، واحد زمان به عنوان متغیر به کار گرفته می‌شود. شیوه‌ای که در این پیش‌بینی برگزیده شده، معادله‌ی خطی گرایشی Linear Trend Model است که بیش از دیگر مدل‌ها در اقتصاد مورد بهره‌گیری قرار می‌گیرد و رواج دارد.

$$\text{مدل: } X_t = a + b.t + U_t$$

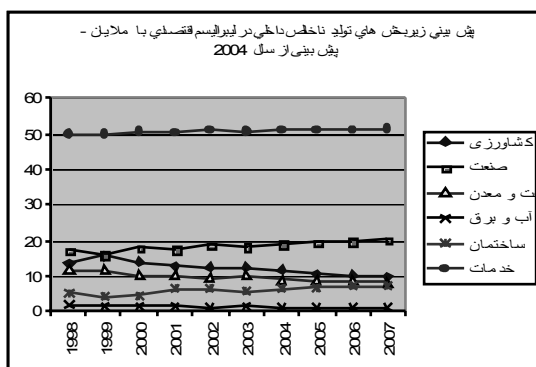
$$\text{پیش‌بینی } X_{t+v} = a + b.(t+v)$$

در این مدل، معادله‌ی پیش‌بینی یک خط است که بر پایه‌ی داده‌های آماری در فاصله‌ی زمانی مورد ارزیابی در گذشته تعیین می‌شود پارامتر a ثابت و پارامتر b جهت و سوی خط پیش‌بینی را تعیین می‌کند و پارامتر U_t بوسیله‌ی Smallest Square Method تعیین می‌شود¹³ این مدل پیش‌بینی در سه سناریوی زیر برای تولید ناخالص داخلی و زیربخش‌های آن شامل بخش کشاورزی، صنعت، نفت و گاز، آب و برق، ساختمان و خدمات بر پایه‌ی داده‌های آماری مرکز آمار ایران میان سال‌های 1998 تا 2003 برای چهار سال 2004 تا

2007 عرضه شده و با ارزیابی‌های کیفی ترکیب شده است. در زمینه واردات و صادرات و تراز بازرگانی خارجی با نفت و گاز، و بدون نفت و گاز نیز بر پایه آمارهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی همین مدل برای پیش‌بینی سال‌های 2004 تا 2007 در این سه سناریو مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

داده‌های میان سال‌های 1998 تا 2003 به ارزیابی پرداخته ایم. در صورتی که پروسه‌ی دگرگونی‌ها در 6 سال گذشته با شتاب پیشین ادامه یابد، با رشدی نزدیک به 14 درصد در زمینه‌ی تولید ناخالص داخلی در فاصله‌ی چهار سال روبرو خواهیم شد.

نمودار 211- پیش‌بینی زیربخش‌های تولید ناخالص داخلی - "لیبرالیسم اقتصادی با تندرودان"



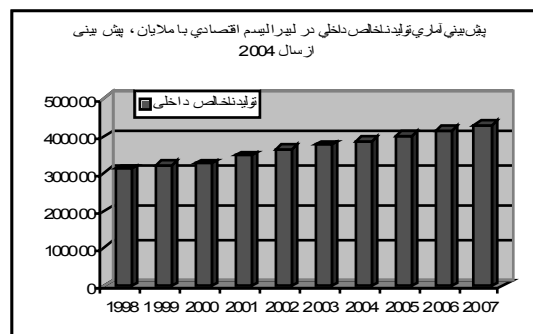
بر این پایه در سال 2007 این شاخص می‌تواند از 3756666 میلیارد ریال در سال 2003 به 431311 میلیارد ریال در سال 2007 افزایش یابد. سهم زیربخش‌ها در سه زمینه‌ی صنعت و ساختمان و خدمات با رشدی مثبت روبرو و در زمینه‌ی های کشاورزی، نفت و گاز، و آب و برق با دگرگونی منفی مواجه خواهد بود. بیشترین دگرگونی مثبت را می‌توان در سهم بخش ساختمان در تولید ناخالص داخلی و بیشترین کاهش را در بخش آب و برق و نیز کشاورزی انتظار داشت از آنجا که بخش ساختمان میان سال‌های 1998 تا 2003 با نوسانات زیادی روبرو بوده، می‌توان گمان کرد که دگرگونی واقعی در سهم این بخش، از پیش‌بینی‌های آماری

سناریوی "لیبرالیسم اقتصادی با تندرودان"

در این سناریو از این چشم‌انداز به پیش‌بینی شاخص‌های اقتصادی پرداخته ایم، که رژیم اسلامی بر سرکار باشد و روند پیوند و درهم آمیزی اقتصاد ایران به اقتصاد جهانی و دگرگونی در ساختار اقتصادی یا "لیبرالیسم اقتصادی"، با وجود مولفه‌های موجود ادامه یابد. این فرایند پس از جنگ گام به گام آغاز شد و با پاره‌ای دگرگونی‌ها در دوره‌ی زمامداری اصلاح طلبان ادامه یافت پایه‌ی ارزیابی بر این امکان استوار است که نیروهای "محافظه‌کار" و وابسته به "ولی فقیه"، با تکیه به ارگان‌های غیردموکراتیک "شورای نگهبان" و "شورای تشخیص مصلحت نظام" و غیره مهم‌ترین ابزارهای سیاسی و اقتصادی را همچنان در دست داشته و از چیرگی نیروهای "اصلاح طلب" بر ارکان زمامداری خودداری کنند و به حکومت خود ادامه دهند بر پایه‌ی این احتمال، دگرگونی در مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی ایران به گونه‌ی کوتاه مدت ارائه می‌شود پیش‌بینی آماری از سوی تولید ناخالص داخلی و زیربخش‌های کشاورزی، صنعت، نفت و گاز، برق و آب، ساختمان و خدمات را در بر می‌گیرد و از سوی دیگر به پیش‌بینی کوتاه مدت تا سال 2007 برای صادرات و واردات و تراز بازرگانی خارجی ایران می‌پردازد. در این سناریو در زمینه‌ی پیش‌بینی آماری برای تولید ناخالص داخلی و زیربخش‌های آن، بدون در نظر گرفتن هیچگونه ضریب احتمالی ویژه‌ای و تنها بر پایه‌ی

عرضه شده کمتر باشد و به جلی آن در عمل به سهم بخش نفت و گاز، خدمات، کشاورزی و صنعت کمی افزوده شود. در برنامه ی چهارم اقتصادی رشد 6 درصدی سالانه برای تولید ناخالص داخلی پیش بینی شده است. ولی بر پایه ی آمار موجود، تولید ناخالص داخلی در پنجساله ی میان سال های 1998 تا 2003 در مجموع رشدی نزدیک به 12 درصد داشته، و در صورتی که دگرگونی جدی در سیاست های اقتصادی دولت صورت نگیرد، پیش بینی آماری بدون ضریب احتمالات در مرز 14 درصد در طول چهار سال 2004 تا 2007، می بایست به واقعیت نزدیک باشد.

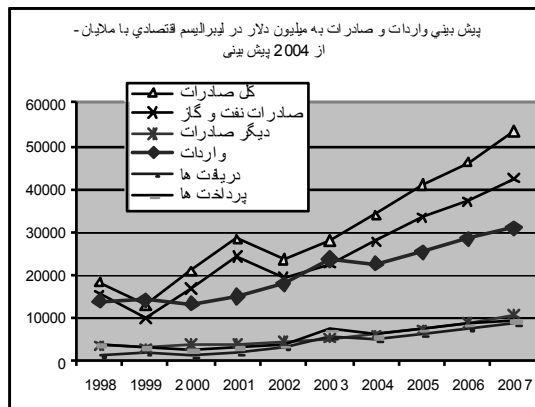
نمودار 212 - پیش بینی آماری تولید ناخالص داخلی - "لیبرالیسم اقتصادی با تندروان"



در بخش دوم این سناریو، به صادرات و واردات و تراز بازرگانی خارجی ایران با نفت و گاز، و بدون نفت و گاز پرداخته شده است. پیش بینی آماری واردات، بدون در نظر گرفتن ضریب ویژه ی احتمالات محاسبه شده و می توان با توجه به دگرگونی های پنجساله ی 1998 تا 2003 انتظار داشت که میزان آن از 2.37 میلیارد دلار در سال 2003 به 31.1 میلیارد دلار در سال 2007 افزایش یابد، همانا

رشدی نزدیک به 30 درصد در فاصله ی چهار سال برای صادرات نفت و گاز در کنار معادله ی آماری پیش بینی ها، ضریب رشد ویژه ای برابر با 10 درصد محاسبه گردیده است علت آن، سرمایه گذاری های گسترده در سال های پس از 2000 و برنامه روزی های تازه برای کشف و استخراج و صادرات نفت و گاز ایران و نیز گرایش عمومی در افزایش قیمت نفت در بازار جهانی است که امکان دارد بازتاب اش را در کوتاه مدت آشکار کند.

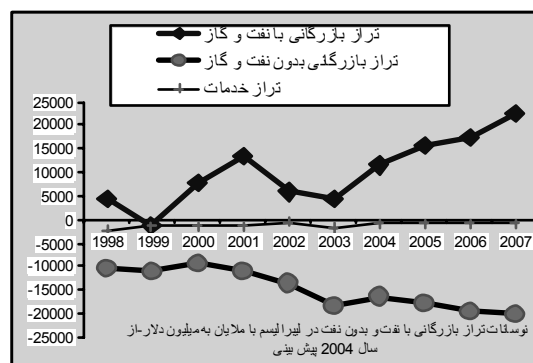
نمودار 213 - پیش بینی واردات و صادرات ایران "لیبرالیسم اقتصادی با تندروان"



بر این پایه می توان انتظار داشت که صادرات نفت و گاز از 22.8 میلیارد دلار در سال 2003 به 25.9 میلیارد دلار در سال 2007 افزایش یابد. در زمینه ی صادرات غیرنفتی نیز ضریب رشد 15 درصدی در نظر گرفته شده، که به ویژه به سرمایه گذاری های تازه ایران در بخش پتروشیمی و صنایع کناری آن باز می گردد. بر این پایه می توان پیش بینی کرد که صادرات غیرنفتی ایران از میزان 5.3 میلیارد دلار

در سال 2003 به 10.9 میلیارد دلار در سال 2007 افزایش یابد با توجه به دگرگونی های گفته شده، می شود با افزایش کسری تراز بازرگانی ایران بدون نفت و گاز از میزان 18.4 میلیارد دلار در سال 2003 به 20.1 میلیارد دلار در سال 2007 رویرو گردید و بدین گونه در وابستگی اقتصاد ایران به صادرات نفت و گاز تغییری رخ نخواهد داد. تراز مثبت بازرگانی با در نظر گرفتن نفت و گاز علیرغم رشد واردات، می تواند با توجه به رشد صادرات نفتی و غیرنفتی، بهبود یابد و از 4.4 میلیارد دلار در سال 2003 به 5.7 میلیارد دلار در سال 2007 فراروید.

نمودار 214 - پیش بینی تراز بازرگانی با نفت و بدون نفت - "لیبرالیسم اقتصادی با تندروان"



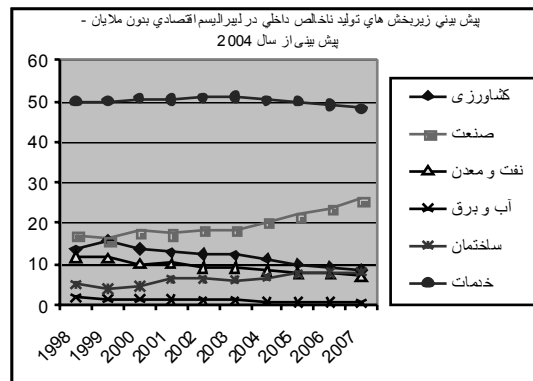
سناریوی "لیبرالیسم اقتصادی با اصلاح طلبان"

در سناریوی دوم از این دیدگاه به تحولات شاخص های اقتصادی ایران پرداخته ایم که بدون تنش های تند سیاسی و اقتصادی، به گونه ای کم و بیش آشنی جوانه از نقش و توان ارگان های غیردمکراتیک "شورای مصلحت نظام" و "شورای نگهبان" و نیز نقش رهبر مذهبی "ولی فقیه" کاسته شده و نیروهای "اصلاح طلب" با تکیه به مراجع قانونی "مجلس شورای اسلامی" و دولت منتخب آن و یا پیوستن به دیگر نیروهای اپوزیسیون و توده های مردم، به عامل تعیین کننده در زندگی سیاسی و اقتصادی کشور بدل شوند. در صورت بروز این امکان سیاست "لیبرالیسم اقتصادی" که عنصر آن در هر دو جریان اصلاح طلب و غیراصلاح طلب وجود دارند، با پیروزی گروه نوم ژرفا و گسترش بیشتری می یابد. با در نظر گرفتن این امکان برای مهمترین شاخص های اقتصادی ایران پیش بینی کوتاه مدت عرضه شده است.

از آنجا که پس از سال 2000 پاره ای از ارگان های دولتی مانند مجلس و ریاست جمهوری، البته با اختیارات مشخص، هنوز در دست جناح "اصلاح طلب" بود و در خطوط کلی اقتصادی، میان آنان و تندروان تفاوت جدی دیده نمی شد، نمی توان در صورت تحکیم موقعیت "اصلاح طلبان" به دگرگونی های چشمگیری در اقتصاد داخلی و بازرگانی خارجی چشم امید بست و می توان گمان کرد که شاخص ها به

طور عمده در چارچوب رشد میان 1998 تا 2003 خواهند ماند. بر این پایه، پیش بینی درباره ی زیربخش های نفت و گاز، آب و برق و ساختمان در همان چارچوب سناریوی نخست ارزیابی شده و تنها در بخش خدمات ضریب منفی 2 درصدی و در بخش صنعت ضریب مثبت 7 درصدی درسنجش با سناریوی "لیبرالیسم با تدروان" در کنار معادله ی خلی پیش بینی ها در بخش صنعت در نظر گرفته شده است بدین گونه سهم بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی میان سال های 2004 از 50.93 درصد به 48.12 کاهش خواهد یافت و در برابر آن سهم صنعت از 18.5 درصد به 25.98 درصد خواهد رسید.

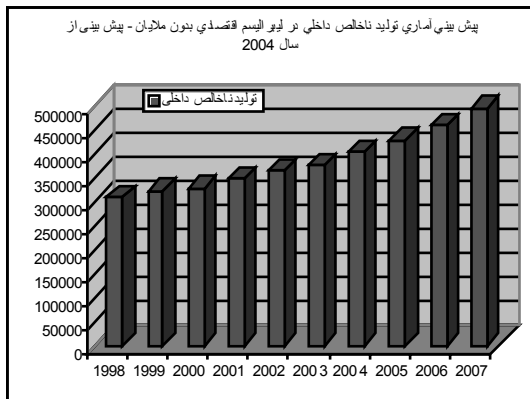
نمودار 215 - پیش بینی زیربخش های تولید ناخالص داخلی - "لیبرالیسم اقتصادی با اصلاح طلبان"



بنیان این ارزیابی از جمله بر این فرض استوار است که با کنار گذاشتن ملایان افراطی و دگم اندیش، در بدنه ی مدیریت اقتصادی جابجایی هایی صورت خواهد گرفت و با جذب بخشی از نیرو های متخصص که هم اکنون شمار زیادی از آنان به دلیل دگرگونی از مسئولیت رانده شده اند، کیفیت مدیریت ها و برنامه ریزی ها

بهبود خواهد یافت از سوی دیگر با برداشته شدن تحریم های اقتصادی بر علیه ایران و جذب سرمایه های خارجی و نیز بخشی از سرمایه های ایرانیان خارج از کشور که میزان آن به 800 میلیارد دلار تخمین زده می شود، بویژه سرمایه گذاری در بخش صنعت بهبود خواهد یافت بازتاب این ارزیابی در پیش بینی تحولات کوتاه مدت ایران در زمینه ی تولید ناخالص داخلی این است که در کنار معادله ی پیش بینی، ضریب رشد ویژه ای برابر با 4 درصد محاسبه شده است. بدین گونه این شاخص با شتابی بیش از سناریوی نخست افزایش یافته و از میزان 3 75666 میلیارد ریال به 491711 میلیارد ریال یا نزدیک به 30 درصد افزایش خواهد داشت.

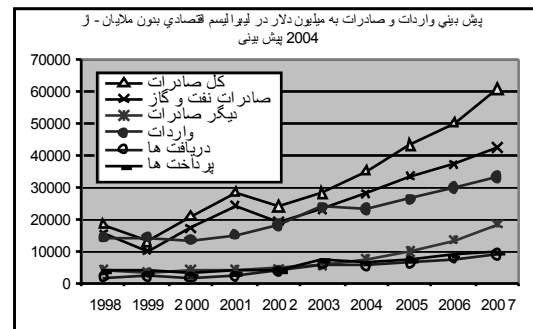
نمودار 216 - پیش بینی آمار ی تولید ناخالص داخلی - "لیبرالیسم اقتصادی با اصلاح طلبان"



بازتاب بهبود وضع اقتصادی در داخل و تنش زدایی در سیاست خارجی، در شاخص های مربوط به واردات و صادرات و تراز بازرگانی نیز محاسبه شده است.

در مورد صادرات نفت و گاز با توجه به سرمایه گذاری های کلان انجام شده در سال های 1998 تا 2003 و برنامه های دولتی پیش بینی شده، بویژه در وزارت نفت، وابستگی اقتصاد ایران به نفت و محدودیت سهم ایران در سازمان اوپک، نمی توان انتظار داشت که در درآمدهای ایران از راه صادرات نفت و گاز در کوتاه مدت دگرگونی مثبت چشمگیری نسبت به سناریوی "لیبرالیسم با تدروان" بوجود آید.

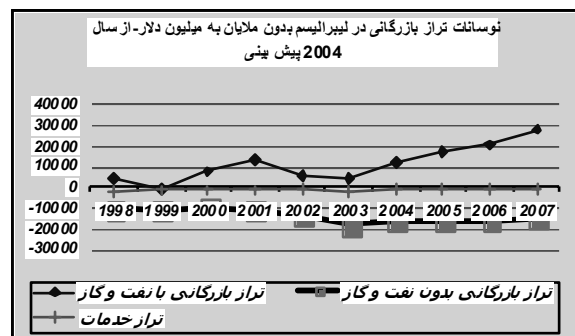
نمودار 217 - پیش بینی واردات و صادرات ایران - "لیبرالیسم اقتصادی با اصلاح طلبان"



بر همین پایه این شاخص همانند سناریوی نخست به هک آماری 1998 تا 2003 بدون ضریب ویژه پیش بینی شده است. بازتاب جذب سرمایه به ایران و بالا رفتن سهم صنعت اما، در شاخص صادرات غیرنفتی و واردات بازتاب یافته است. ضریب رشد ویژه ی صادرات غیرنفتی 35 درصد (در برابر ضریب 10 درصد در سناریوی "لیبرالیسم با تدروان") در کنار معادله ی پیش بینی، محاسبه شده است. از آنجا که برای صادرات غیرنفتی رشد بیشتری نسبت به واردات در نظر گرفته ایم، برای تراز بازرگانی با نفت مازدی برابر با 112 میلیارد دلار و برای تراز بازرگانی بدون نفت و گاز کسری برابر با 146 میلیارد دلار تا سال 2007 محاسبه

شده که هر دو شاخص نسبت به سناریوی اول بهبود بازرگانی خارجی را بازتاب می دهند.

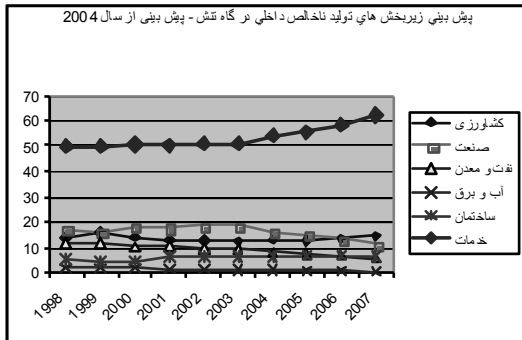
نمودار 218 - پیش بینی تراز بازرگانی با نفت و بدون نفت - "لیبرالیسم اقتصادی با اصلاح طلبان"



سناریوی "تنش"

حکومت ملایان، چیرگی بر نظام پلیسی-نظامی "ولایت فقیه" در کوتاه مدت قابل تصور است عمل دیگری که می تواند احتمال وقوع سناریوی تنش را بیشتر کند، به سیاست خارجی امریکا و امکان حمله نظامی به ایران باز می گردد. در صورت بروز این سناریو، همان گونه که شاخص های پس از جنگ جهانی دوم در ایران و نیز سال های پس از سال 1979 نشان می دهند، تقریباً در همه ی بخش های اقتصاد با روندی منفی روبرو خواهیم شد. شدت و طول زمان آن بیشتر وابسته به مولفه های سیاسی است تا اقتصادی. در محاسبه ی پیش بینی ها در سناریوی "تنش"، سهم تمامی بخش ها را بجز بخش کشاورزی و خدمات منقذ ارزیابی کرده ایم.

نمودار 219- پیش بینی زیربخش های تولید ناخالص داخلی - "تنش"

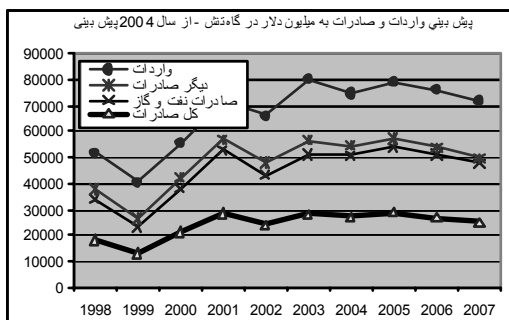


علت آن است که در نتیجه ی درهم پاشیدگی اقتصادی از سهم صنعت، نفت و گاز، برق و آب و ساختمان در تولید ناخالص داخلی به دلیل نامنی، همانند سال های پس از روی کار آمدن ملایان و جنگ ایران و عراق، کاسته شده و باروی آوردن به اقتصاد داخلی، بویژه به دلیل نبود ارز کافی برای واردات محصولات مورد نیاز کشور، بخش کشاورزی که در ایران بر خلاف پاره ای از کشورهای آمریکای لاتین

در سناریوی سوم از این دیدگاه به پیش بینی کوتاه مدت اقتصادی پراخته ایم که درگیری میان گروه تدروان اسلامی و نیروهای اپوزیسیون درون و بیرون ایران، به تنش های تند و شورش های گسترده و اعتصابات بیانجامد و برلی مدت کوتاهی شیرازه ی اقتصاد کشور در هم ریزد. درگیری های چند سال گذشته نشان داده است که نیروهای تندرو به رهبری "ولی فقیه" که تمامی ارگان های سرکوب را زیر کنترل دارد، به آسانی حاضر به دست کشیدن از قدرت بی وحد و مرز خود نیستند. دشواری اپوزیسیون برای پیشاهنگی مبارزات رو به اوج مردم در حال حاضر به قرار زیر است: از سوئی اپوزیسیون "غیر خودی" و غیر اصلاح طلب در فاصله ی 25 سال گذشته به شدت سرکوب و ارگان های آنان ممنوع شده و بنابراین از توان عملی زیادی در ایران برخوردار نیستند و از سوی دیگر هنوز همبستگی گسترده ای میان طیف های گوناگون مخالفین رژیم "ولایت فقیه" در داخل و خارج کشور بوجود نیامده و میان گروه های گوناگون، درگیری و مشاجره بر سر ارزیابی موقعیت کنونی و نقش آنان در حکومت آینده ی ایران مهم تر از دست یابی به این هماهنگی است در صورت دستیابی به همبستگی میان نیروهای اپوزیسیون بیرون و درون یا توان گیری و سازمان پذیری چشمگیر یکی از نیروهای اپوزیسیون، با توجه به موج گسترده ی مخالفت توده های مردم با

برای صادرات نفت و گاز ضریب منفی 10 درصدی در کنار معادله ی پیش بینی در نظر گرفته شده، چرا که نیاز به نفت ایران در بازار جهانی به دلیل جایگاه نوم ایران در میان کشورهای عضو اوپک، در کنار ضرورت تأمین نیازهای اولیه ی اقتصاد کشور در دوران تنش، همانند سال های پس از 1979، دولتمردان را بر آن خواهد داشت که صادرات نفت و گاز را در دستور کار خود قرار دهند. از دیدگاه نگارنده، شرایط امروز ایران و جهان به تکرار وضعیتی همسان با دوران نخست وزیری مصدق پس از جنگ جهانی دوم و قطع کامل صادرات نفت نخواهد انجامید. بر پایه ی این محاسبه می توان انتظار داشت که در فاصله ی 2003 تا 2007 میزان درآمد ایران از صادرات نفت و گاز از 22.8 میلیارد دلار به 15.3 میلیارد دلار کاهش یابد. در زمینه واردات به دلیل بحران در اقتصاد داخلی و فز کاهش درآمدهای نفتی، افزون بر معادله ی پیش بینی، ضریب منفی ای برابر با 10 درصد در نظر گرفته ایم. بر این پایه میزان واردات ایران از 23.8 میلیارد دلار در سال 2003، به 22.1 میلیارد دلار در سال 2007 کاهش خواهد یافت.

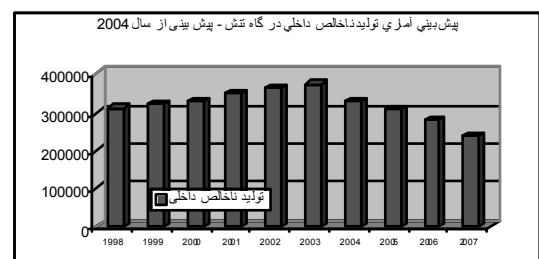
نمودار 221 - پیش بینی واردات و صادرات ایران - "تنش"



می توان تصور کرد که ترکیب کالاهای وارداتی نیز دگرگون شده و جای ماشین آلات و کالاهای سرمایه ای، بیشتر کالاهای نهایی و ضروری وارد شده و به دلیل

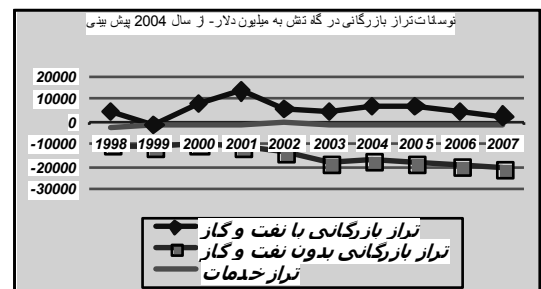
و افریقایی و آسیایی به طور عمده مستقل از بازار جهانی و وابسته به بازار داخلی است، به سهم خود خواهد افزود. نامنی اقتصادی، نبود تولید کافی صنایع داخلی و عدم تأمین نیازهای بازار از راه ورود محصولات خارجی، به گسترش باز هم بیشتر قاچاق و دست به دست شدن کالاها و واسطه گیری می انجامد و می توان انتظار داشت که سهم این بخش نیز افزایش یابد. برای بخش کشاورزی در کنار معادله ی پیش بینی، ضریب رشد مثبتی برابر با 10 درصد و برای بخش خدمات رشد مثبت 5 درصدی در نظر گرفته ایم. بدین گونه سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی از 12.3 درصد به 14.34 درصد و بخش خدمات از 50.93 درصد به 67.18 افزایش خواهد یافت. برای بخش نفت و گاز و آب و برق و ساختمان در کنار معادله ی پیش بینی، ضریب منفی 5 درصدی و برای بخش صنعت که بیش از همه ی دیگر بخش ها گزند خواهد دید، ضریب منفی 15 درصدی محاسبه شده است. این دگرگونی در تولید ناخالص داخلی نیز بازتاب خواهد یافت و با در نظر گرفتن ضریب منفی 15 درصدی در کنار معادله ی پیش بینی، می توان انتظار داشت که تا سال 2007 تولید ناخالص داخلی از میزان 375666 میلیارد ریل در سال 2003 به 237521 میلیارد ریل در سال 2007 برسد و بدین گونه نزدیک به 35 درصد کاهش نشان دهد.

نمودار 220 - پیش بینی آماری تولید ناخالص داخلی - "تنش"



نامانی و تنش‌های سیاسی، بخش مهمی از دلارهای نفتی نیز به صورت آشکار و نهان برای خرید ابزارهای جنگی هزینه شوند در زمینه صادرات غیرنفتی به دلیل نابسامانی در صنایع داخلی و کاهش چشمگیر تولید کارخانجات، بیشتر به برآورده ساختن نیازهای بازار داخلی پرداخته شده و از صادرات به شدت کاسته خواهد شد. برای صادرات غیرنفتی در کنار معادله ی پیش بینی، ضریب منفی 30 درصدی محاسبه گردیده و در نتیجه می‌توان در این سناریو انتظار داشت که میزان آن از 5.3 میلیارد دلار در سال 2004 به 1.9 میلیارد دلار در سال 2007 کاهش یابد سهم تعیین کننده را در صادرات نیز نه محصولات صنعتی، بلکه بیشتر محصولات کشاورزی و سنتی مانند خشکبار و قالی و خاویار و غیره خواهند داشت. بازتاب این پروسه، کسری تراز بازرگانی خارجی با نفت و گاز، و افزایش کسری بازرگانی خارجی بدون صادرات نفت و گاز خواهد بود. بدین گونه تراز بازرگانی بدون نفت و گاز از منفی 18.4 میلیارد دلار در سال 2003 به منفی 20.1 میلیارد دلار در سال 2007 خواهد رسید و تراز کل بازرگانی با در نظر گرفتن نفت و گاز صادراتی از مثبت 4.4 میلیارد دلار در سال 2003 به منفی 6.7 میلیارد دلار خواهد رسید و میزان بدهی خارجی افزایش خواهد یافت.

نمودار 222 - پیش‌بینی تراز بازرگانی با نفت و بدون نفت - "تنش"



بخش چهارم

رویکردها و چشم‌اندازها

چشم‌انداز دگرگونی‌ها

ایران یکی از کشورهای پرجمعیت و یکی از بازارهای بزرگ باختر آسیاست و از نظر اقتصادی و سیاسی و فرهنگی تأثیر ویژه‌ای بر دگرگونی‌های کشورهای همسایه و بازارهای منطقه دارد. با وجود دشواری‌های اقتصادی، به دلیل وجود منابع سرشار نفت و گاز می‌توان کشورمان را سرزمینی دارا از زیلی کرد که از انباشته‌های خوب و پایباری در چند دهه‌ی آینده برخوردار خواهد بود. زمینه برای همکاری‌های دو سویه و چند سویه‌ی اقتصادی با کشورهای پیشرفته صنعتی و رو به رشد، تا حدودی رو به بهبود است و آنچه که بر گسترش این مناسبات سایه می‌انازد، از جمله به نوع حکومت، ناپایباری هلی احتمالی سیاسی و نا رضایی گسترده مردم از رژیم غیردمکراتیک اسلامی و احتمال بروز تنش‌های جدی باز می‌گردد جایگاه ویژه ترانزیتی و مناسبات تاریخی آن با کشورهای منطقه به نقش اقتصادی ایران در باختر آسیا می‌افزاید از این روی ایران می‌تواند برای سرمایه‌گذاران برون مرزی (چه ایرانی و چه غیر ایرانی) همانند سرمایه‌گذاران درون مرزی، وسیله‌ای برای دستیابی به بازارهای کشورهای همسایه نیز باشد. از دیدگاه تغییر قوانین، اقداماتی در جهت خواست‌های سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول صورت گرفته که بازتاب آن را می‌توان از جمله در آینه‌ی کاهش حقوق گمرکی، کم کردن یارانه‌ها، خصوصی کردن

بخشی از بانک‌ها و بیمه‌ها ایجاد تسهیلات برای جلب سرمایه‌گذار خارجی، خصوصی‌سازی واحدهای اقتصادی، کاهش نسبی و ناپایدار تورم، تثبیت نسبی ارز، بازپرداخت بخشی از بدهی‌های خارجی، افزایش ذخیره‌های ارزی، تلاش برای تغییر قوانین کار برای تلمین منافع سرمایه‌داران، کاهش کم‌کسری بودجه دولتی و افزایش درآمدهای مالیاتی، گریست. واکنش بنگاه‌های بین‌المللی سرمایه‌داری در برابر این اقدامات طبعاً مثبت است. از آن میان، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه OECD ریسک سرمایه‌گذاری در ایران را کاهش داد و موسسه مالی بین‌المللی "فیچ" با ارتقا رتبه ایران در میان کشورهای جهان، وضع مالی ایران را با ثبات ارزیابی کرد.⁽¹⁴⁾

سرمایه‌گذاری‌ها در ایران، در صورتی که لیبرالیسم اقتصادی در چند سال آینده تا اوج خود نرسد، بویژه در بخش‌های زیر صورت خواهد گرفت. بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری‌ها می‌بایست در بخش نفت و گاز صورت گیرد برای بهبود موقعیت اقتصادی، ایران در نظر دارد تا سال 2030 نزدیک به 40 میلیارد دلار در بخش نفت، 45 میلیارد دلار در بخش گاز، 25 میلیارد دلار در بخش پتروشیمی و 20 میلیارد دلار در بخش برق سرمایه‌گذاری کند.⁽¹⁵⁾ با اجرای این برنامه‌ها از سوی می‌تواند درآمدهای ارزی ایران از راه صادرات نفت و گاز بهبود یابد و از سوی دیگر با بهتر شدن زیرساخت‌های اقتصادی، زمینه برای تولیدات بیشتر صنعتی فراهم گردد. میزان پیشرفت در برنامه‌های دولتی در بخش‌های صنعتی، خدمات و کشاورزی به‌طور عمده وابسته به درآمدهای به دست آمده از صادرات نفت و گاز خواهد بود و بنابراین دگرگونی‌های این بخش‌های اقتصادی همانند گذشته تابعی از بخش نفت و گاز باقی خواهد ماند. آنجا که نزدیک به 80٪ کثرت و واکنش‌های اقتصاد ایران را دولت زیر کنترل دارد و بویژه بخش نفت و گاز عمدتاً زیر کنترل دستگاه رهبری و وزارت نفت است، می‌توان گفت که در آینده‌ی نزدیک نیز بیشتر توافقات بزرگ اقتصادی، چه داخلی و چه خارجی، از این دریچه خواهد گذشت.

در زمینه‌ی صنایع، در کنار ایجاد و گسترش صنایع پتروشیمی در مرکز صنعتی "سلولیه" در جنوب کشور، زمامداران ایران بویژه مسئولین وزارت نفت در پی آنند که یک مجتمع بزرگ از کارخانه‌های پایین دستی این صنایع در این منطقه ایجاد کنند و پشتیبانی‌های مالی از سوی وزارتخانه‌های همپوند نیز تا حدی در نظر گرفته شده است. بخش خصوصی و نیمه دولتی و دولتی در اجرای این پروژه‌ها به همکاری و سرمایه‌گذارهای خارجی نیازمندند و انتظار می‌رود که در این میان بخش مهمی از ماشین‌آلات و خدمات مورد نیاز این کارخانجات از بیرون مرز وارد شوند. در کنار این برنامه‌ریزی‌ها می‌توان بویژه دو بخش دیگر را نیز مورد توجه قرار داد. بخش نخست به صنایع اتومبیل در ایران باز می‌گردد. صنایع خودروسازی ایران در سال‌های پس از 2000 دچار تحولات تازه‌ای شده‌اند و اقداماتی برای بهبود کیفیت، افزایش شمار تولیدات و برنامه‌ریزی برای پوشش بخشی از بازار اتومبیل‌کشورهای منطقه از جمله در میان اعضای سازمان اقتصادی "اگو" صورت گرفته است. می‌توان انتظار داشت که در این بخش سرمایه‌گذاری‌های تازه‌ای صورت گیرد. در زمینه ورود خودروهای خارجی هنوز تصمیمات روشنی اتخاذ نشده و بر سر چگونگی اجرای آن میان ارگان‌های دولتی و قانون‌گذاری و شرکت‌های خودروسازی اختلافاتی وجود دارد، ولی می‌توان گمان داشت که با بهبود کیفیت، افزایش تولید و کاهش قیمت خودروهای ساخت ایران زمینه برای حضور بیشتر خودروهای خارجی در بازار ایران فراهم شود. در کنار صنایع اتومبیل، افزایش تولید فولاد در برنامه‌ی کار است و قرار است که میزان تولید سالانه‌ی داخلی از نزدیک به 8 میلیون تن در سال 2003 به 20 میلیون تن تا سال 2007 افزایش یابد. برای رسیدن به این هدف، که پیاده شدن آن در پس‌پرده‌ای از پرسش پنهان است، قرار است سرمایه‌های دولتی و خصوصی به کار گرفته می‌شوند.⁽¹⁶⁾

افزون بر بخش‌های سرمایه‌برگفته شده که بویژه به ارگان‌های دولتی ایران وابسته‌اند، صنایع متوسط و کوچک ایران نیز نیاز مبرم به نوسازی دارند، چرا که

این کارخانجات به دلیل نابسامانی‌های اقتصادی پس از سال 1979 و پیامدهای جنگ، خطوط تولیدشان به‌طور عمده قدیمی‌اند و کالاهای آنان از کیفیت لازم برخوردار نیستند. نوسازی این واحدها که بخش بزرگی از آنان در اختیار نهادهای کناری رژیم اسلامی مانند "بنیاد مستضعفان است" با اجرای سیاست‌های بازسازی می‌نماید. کاهش تعرفه‌های گمرکی برای کالاهای وارداتی که ارزان هستند و از کیفیت بهتری نسبت به محصولات داخلی برخوردارند، بخش بزرگی از کارخانجات داخلی را با دشواری‌های تازه روبرو کرده است. می‌توان انتظار داشت که گروهی از این کارخانجات ورشکست شده و از گردونه تولید خارج شوند، ولی نیاز به تأمین کار برای خیل نیروی جوان بیکار و رو به افزایش آن در ایران، دولتمردان را ناچار می‌کند که با سرمایه‌گذاری‌های تازه، خطوط تولید را در بخشی از این کارخانجات بهبود دهند تا کالاهایی با قدرت رقابت بالاتر در برابر کالاهای وارداتی تولید شوند. برای این دگرگونی همانند بخش‌های دیگر، ورود ملقبین‌الات و خدمات مورد نیاز ضروری است. مهم‌ترین بخش‌های تولیدی در صنایع متوسط و کوچک که به بهبود خطوط تولید خود نیاز دارند از جمله عبارتند از کارخانجات تولید محصولات کانی فلزی و غیرفلزی، صنایع مواد غذایی و تولید منسوجات که در سال‌های کنونی در حال گسترش بوده‌اند.⁽¹⁷⁾ برنامه‌ریزی‌های دیگری نیز در بخش‌های دیگر صنعتی مانند تکنولوژی اطلاعاتی، صنایع نارویی، خدمات پزشکی و هواپیمایی و مخبرات و انتقال نیرو در دستور کار است که چگونگی اجرای آن در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

در بخش خدمات می‌توان شرکت فعال‌تر سرمایه‌های خارجی در بازار ایران در زمینه بانک‌ها و بیمه‌ها را انتظار داشت. در پاره‌ای از بخش‌های خدماتی مانند تورسیم، با پیشامد سناریوی "لیبرالیسم با اصلاح طلبان" می‌توان گمان داشت که در ایران سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی برای جلب تورسیم کمی افزایش یابد و در پیله آن مراکز قابل قبول توریستی برای جهانگردان خارجی، بویژه توریست‌های فرهنگی، فراهم شود. برای گسترش فعالیت بانک‌ها و بیمه‌های خارجی، با

اجرای بخشی از خواست‌های سازمان‌های مالی و تجاری بین‌المللی، قوانین برگرفته از قانون اساسی تغییر یافته و دگرگونی‌های دیگر آن نیز در آینده قابل پیش‌بینی است. در این زمینه میان هر دو جریان عمده‌ی سیاسی ایران، یعنی جناح "تدرو" و "اصلاح طلب" در خطوط اساسی توافق وجود دارد و بنابراین در هر دو سناریوی "لیبرالیسم با تدروان" یا "لیبرالیسم با اصلاح طلبان" می‌توان تحولات نسبتاً همگون انتظار داشت.

گام بزرگ در راه دگرگونی در قانون اساسی در ارتباط با اصل 44 در سال 2004 از سوی "مجمع تشخیص مصلحت" برای خصوصی‌سازی ساختار اقتصاد ایران برپا شده است. بر پایه اصل 44 قانون اساسی بازرگانی خارجی، بانکداری، بیمه، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه‌آهن در کنار صنایع بزرگ و مادر و معادن بزرگ و تأمین نیرو و سدها و شبکه‌ی آبرسانی می‌توانست تنها در مالکیت عمومی و دولت باشد. بازتاب تصمیمات تازه در راستای خواست‌های مراکز پولی جهانی، آن بود که نمونه‌وار برای نخستین بار پس از سال 1979، پیمان‌نامه‌ای برای سرمایه‌گذاری بانک جهانی در ایران در سال 2004 بسته شد. از سوی دیگر فعالیت بخش خصوصی در امور بانک‌ها گسترش یافت و حرکت‌هایی برای همکاری با بانک‌های خارجی دیده شد. مؤسسه‌ی پاره‌ای از این بانک‌های خصوصی، صاحبان صنایع و شرکت‌های ساختمانی و تأسیساتی و مهندسی مشاور ایران هستند. برای جذب سرمایه‌های خارجی و جلب اعتماد آنان، مالیات‌ها کاهش یافته و برنامه‌ی تک‌نرخ کردن ارزش به اجرا درآمده است، ولی نبود ثبات سیاسی ضرور، رشد سریع همکاری‌های مالی بین‌المللی را دچار دشواری می‌کند. از سوی دیگر برای کاهش بدهی و کم کردن کسری بودجه دولتی، در کنار فروش سهام کارخانجات دولتی اقداماتی برای فروش سهام بانک‌ها و بیمه‌ها در بازار بورس ایران صورت گرفته است. امکان شرکت سرمایه‌های خارجی در بازارهای بورس ایران اما هنوز محدود است. با این وجود ابعاد خرید و فروش سهام در بازار بورس ایران در مقیاس بین‌المللی

چشمگیر است و برای نمونه در سال 2003 رتبه ی پنجم را در جهان به خود اختصاص داده است.⁽³¹⁸⁾

بخش کشاورزی همانند گذشته کمتر از بخش های دیگر اقتصاد ایران برای همکاری های بین المللی دارای اهمیت خواهد بود. علت این امر را می توان از جمله در اقتصاد هنوز بسته ی روستاها، نارسایی های سیستم آبیاری و کم بازدهی بخش بزرگی از زمین های کشاورزی در سنجش بین المللی و کمبود آب و بارندگی جستجو کرد. با وجود این دشواری ها، در بخش هایی از ایران از جمله در جنوب باختری و شمال و مرکز ایران که آب و بارش کافی وجود دارد پیش از سال 1979 با ایجاد کشت و صنعت های بزرگ، تا حدودی سرمایه های خارجی جذب شده بود این روند برای دو دهه تقریباً دچار ایست شد. با تلاش های تازه برای بزرگ کردن زمین های کشاورزی و گسترش فعالیت بخش خصوصی، امکان سرمایه گذاری خارجی در بخش کشاورزی به وجود آمده است.

افزون بر امکان فعالیت شرکت های خارجی در کشت و صنعت های بزرگ کشاورزی، می توان انتظار داشت که نیاز ایران در تأمین ماشین آلات و تجهیزات و خدمات برای ساختن سد ها و راه ها و آبرسانی و آبیاری با برنامه های پیش بینی شده گسترش یابد. نه تنها در زمینه کمی بلکه در زمینه ی کیفی نیز همکاری های اقتصادی بین المللی برای بهبود تکنولوژی بهره گیری از آب های موجود ایران رو به افزایش است. سرمایه گذاری های دولتی از جمله از سوی وزارت نیرو و برای امور زیربنایی آب در شهرهای بزرگ، پاک سازی و زه کشی آب، با همکاری شرکت های خارجی در دستور کار است. همکاری اقتصادی در بخش نامباری بیش از بخش زراعت دارای چشم انداز است، چرا که نوسازی آن و همکاری بخش خصوصی در این بخش گسترش بیشتری نشان می دهد. بهبود نسبی بخش کشاورزی در چند سال گذشته به طور غیرمستقیم در کار صنایع متوسط و کوچک ایران بازتاب یافته است. ضرورت بهبود خطوط تولید صنایع غذایی و گسترش آنان که پیشتر به آن اشاره کردیم، واردات ماشین آلات و تجهیزات و خدمات را

موضوعات مورد اختلاف ایران و بازار مشترک اروپا در مورد صادرات پسته بود. بنا به گفته اروپاییان این محصولات از استانداردهای لازم بین المللی برخوردار نبودند و بر این پایه صادرات آنان در سال های گذشته به اروپا کاهش نشان داد با اقدامات تازه ی صورت گرفته، می توان گمان کرد که این خواست ها به اجرا در آید و واردکنندگان اروپایی به ورود پسته (ایران در حال حاضر بزرگترین صادرکننده ی پسته جهان است) ادامه دهند.

در بخش خدمات می توان چشم انتظار صادرات هنگفتی از ایران به سوی بازارهای جهانی بود. برنامه ریزی هلی برای پاره ای از رشته ها مانند تکنولوژی اطلاعاتی در دست است که اجرای آنان بستگی به میزان پیگیری دست اندرکاران دولتی دارد. کوشش هایی برای صادرات خدمات آموزشی با گسترش فعالیت دانشگاه های خصوصی به نام "دانشگاه آزاد" در خارج از ایران بویژه در منطقه ی خلیج فارس در حال انجام است. از سوی دیگر پاره ای اقدامات مانند فعالیت خدمات دفاتر مهندسی و تأسیساتی و ساختمانی و درمانی و تکنولوژی نفتی و گاز و سدسازی و راه سازی که به طور عمده نیمه دولتی و خصوصی هستند و از درجه ی تخصصی نسبتاً بالایی برخوردارند، در سال های گذشته در خارج از ایران بویژه در کشورهای همسایه گسترش یافته اند. با این وجود، این گونه خدمات هنوز در آن سطحی نیستند که بتوانند به طرز چشمگیری مورد بهره برداری شرکت ها در پهنه ی بین المللی قرار گیرند و بنابراین بیشتر اهمیت منطقه ای دارند. تنها در پاره ای زمینه ها می توانند این شرکت های ایرانی رقیب شرکت های کشورهای صنعتی در مناقصات کشورهای خلیج فارس و آسیای باختری و میانه شوند.

ضروری می کند از سوی دیگر، از آنجا که کشاورزی ایران هنوز مد رنیزه نشده و ترکتورها و ماشین آلات کشاورزی تولید شده ی داخلی نیز پاسخگوی نیاز بازار داخلی نیستند، می توان با توجه به برنامه ریزی های دولتی افزایش واردات آنان را پیش بینی کرد.

در زمینه ی صادرات می توان نگرگونی چشمگیری در ترکیب کالاها انتظار داشت. همانند گذشته بخش تعیین کننده ی صادرات ایران را نفت و گاز تشکیل خواهند داد. با برنامه ریزی های صورت گرفته می شود گمانه زنی کرد که در صورت پیشامد سناریوی "لیبرالیسم با تدریج" و "لیبرالیسم با اصلاح طلبان"، صادرات نفت و گاز افزایش یابد. در صورت بروز سناریوی "تدش" می توان گمان داشت که بازارهای جهانی نفت، دست کم در کوتاه مدت، دچار بحران شوند که افزایش بیشتر قیمت نفت پیامد آن خواهد بود.

از آنجا که سرمایه گذاری در سال های آینده در بخش گاز بیش از بخش نفت پیش بینی شده، می توان گفت که ایران برای فروش گاز و فرآورده های آن به دنبال خریداران تازه ای در اروپا خواهد بود. هدف ایران از یک سو تولید با کیفیت مرغوب و ارزان با بهره گیری از برتری های داخلی برای دستیابی به بازار بزرگتری در پهنه ی جهانی است. از سوی دیگر ایران تلاش برای همکاری با دیگر تولیدکنندگان منطقه ای و غیر منطقه ای برای کنترل قیمت های جهانی گاز را گسترش داده است.

در صادرات بخش صنعتی، می توان بیشترین افزایش را در صادرات صنایع پتروشیمی انتظار داشت که میزان آن در سال های گذشته رو به افزایش بود. برای بازار جهانی می توانند این محصولات حائز اهمیت باشند و بنابراین سامان دهی به بازاریابی در این پهنه با آماج دستیابی به بیشترین سود، شایان نگرش است. میتوان گمان داشت که صادرات کشاورزی و کالاهای سنتی ایران مانند خشکبار و خاویار و قالی افزایش یابند، ولی سهم آن در مجموع صادرات با توجه به برنامه ریزی برای افزایش صادرات صنعتی، می تواند کاهش نشان دهد. یکی از

ایران و کشورهای رو به رشد در تلاش برای راهیابی از واپس ماندگی

در زمینه چگونگی بهبود اقتصادی در کشورهای رو به رشد میان پژوهشگران اقتصادی در ایران و جهان دیدگاه هلی گوناگونی وجود دارد. از سوی پاره ای از اقتصاددانان و سران این کشورها، گرایش به استقلال اقتصادی درونگرا پرنرگ تر دیده می شود و این در حالی است که دیگر کارشناسان در این زمینه دیدگاه برونگرا دارند. گرایش دوم بویژه در سال های پس از فروپاشی اردوگاه چکراهی خوری، در میان این کشورها از هواداران زیادی برخوردار شده است.

در این زمینه طرفداران اقتصاد درونگرا به نقش تعیین کننده ی مسئله ی استقلال اقتصادی از چشم انداز عملکرد و نتایج سیاسی آن می نگرند. وجود این گرایش چیره در میان کارشناسان و پاره ای سران سیاسی کشورهای در حال رشد، به سیاست های استعماری خشن چند سده ی گذشته در این کشورها باز می گردد. در اینجا بر حاکمیت کامل بر اقتصاد و منابع طبیعی، پیشرفت آن ها منطبق با منافع ملی، از میان بردن مداخلات کشورهای سرمایه داری پیشرفته در روند اقتصاد داخلی، پایان بهره کشی از جمله از روزنه ی بازرگانی خارجی، ایجاد روابط اقتصادی خارجی بر پایه سود متقابل و گزینش مستقل سیاست های اقتصادی از سوی خود این دولت ها، پافشاری می شود. راه برون رفت از دشواری ها از جمله در راهکارهای زیر برجسته می گردد؛ پایان نفوذ انحصارات در اقتصاد کشور و

ملی کردن موسسات که پایگاه نفوذ آنها هستند، کنترل مؤثر بر فعالیت سرمایه‌های خارجی و برپایی مناسبات نوین و برابری با آنان، تمرکز مراکز کلیدی در دست بخش دولتی، پی‌ریزی اقتصاد ملی و به کار بستن روش برنامه‌ریزی برای پیشرفت، کنترل فعالیت‌های سرمایه‌داری داخلی و هدایت آن در راستای منافع ملی، افزایش سرمایه‌گذاری‌های تولیدی و به کارگیری سرمایه‌ی محلی به سوی پی‌ریزی اقتصاد ملی، کنترل دولتی بر بازرگانی خارجی و نظام پولی و مبادیه با مصارف انگلی انباشت سرمایه، حل و فصل مسئله ارضی و پایان بخشیدن به مناسبات فئودالی و مناسبات پیش از آن با گسترش تعاونی‌ها و تأمین نیاز نیروی انسانی برای صنایع نوپا⁽¹⁹⁾

سیاست نابرابر و استعماری کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته‌ی جهان، گرایش به دیدگاه درونگرایی بالا را در میان کارشناسان اقتصادی و سیاستمداران کشورهای رو به رشد تشدید کرد. بر پایه‌ی یک بررسی تهاذ در سال‌های 1750 تا 1810 که مهم‌ترین دوران رشد سرمایه‌داری بریتانیا بود و در آن پروسه‌ی انباشت سرمایه‌ی سپری می‌شد، افزون بر انباشت اولیه‌ی سرمایه‌ی که از راه جنگ‌ها و بهره‌کشی طبقات زحمتکش انگلستان پدید آمد، از راه مستعمرات مبلغی برابر با 500 میلیون تا یک میلیارد پوند از منابع هندوستان به این کشور انتقال یافت که این خود بدون در نظر گرفتن درآمد به دست آمده از راه بازرگانی نابرابر با این کشور بود. درآمد سرانه در هند میان سال‌های 1850 تا 1900، از سوی دیگر به یک سوم کاهش یافت و آن هم از جمله به این دلیل که یک پنجم مخارج بریتانیا از درآمد‌های به دست آمده از هندوستان تأمین می‌شد⁽²⁰⁾

در سیاست استعماری کشورهای سرمایه‌داری دگرگونی‌هایی ایجاد شده، ولی پروسه‌ی انتقال نارائی‌ها از کشورهای جهان سوم به سوی کشورهای پیشرفته از راه انحصارات بین‌المللی به شیوه‌ی نوین ادامه دارد. در کشورهای در حال رشد تا پیش از اردوگاه چپ‌گرایی خاوری، از سوی کارشناسان این کشورها و پاره‌ای از کشورهای جهان سوم به راه میانبری به نام "راه رشد غیرسرمایه‌داری" و

فراورثی آن به اقتصاد دولتی و سوسیالیستی پرداخته می‌شد این اندیشه که درون‌مایه‌ی ضد سرمایه‌داری داشت، بر این دیدگاه‌ها استوار بود که بر پایه‌ی سطح معینی از مناسبات سرمایه‌داری می‌توان رشد آن را ناپیموده گذاشت و یا قطع کرد و مناسبات اقتصادی سوسیالیستی بر پایه‌ی مالکیت همگانی و ولتی را گام به گام جانشین آن نمود. پایه‌ی طبقاتی دولتی که در "راه رشد غیرسرمایه‌داری" می‌توانست گام بردارد، نه بورژوازی داخلی، بلکه نیروهای دمکرات انقلابی و ضد سرمایه‌داری بودند⁽²¹⁾. نمونه‌ی این گونه کشورها که هنوز کم و بیش بر پاره‌ای شالوده‌های اقتصاد دولتی استوارند تا امروز در ویتنام و کوبا دیده می‌شوند، اما نخستین نمونه‌ی این کشورها تا مدت‌درازی تنها کشور مغولستان بود⁽²²⁾

پاره‌ای از کارشناسان، کشورهای رو به رشد را که در آنان موضع ضد استعماری برجسته است به 4 گروه بخش می‌کنند گروه نخست کشورهای که در آنان سرمایه‌داری ملی رهبری را دارد و این رهبری هنوز دارای ویژگی‌های ضد استعماری است، گروه دوم کشورهایی که در آنان دمکرات‌های انقلابی متشکل از خرده بورژوازی و دهقانان و کارگران رهبری کامل را در دست دارند، گروه سوم که در آن کمونیست‌ها و دمکرات‌های انقلابی نیروی سنگین جبهه و رهبری را تشکیل می‌دهند و گروه چهارم که زمام کارها در دست کمونیست‌هاست⁽²²⁾

نمونه‌های غیرچپ‌گرا و غیرکمونیست در رهبری کشورهای جهان سوم که در "راه رشد غیرسرمایه‌داری" پا گذاشته بودند، پیش و پس از فروپاشی اردوگاه چپ‌گرایی خاوری سنگر عوض کرده و به رشد سرمایه‌داری بازگشتند. چه در کشورهای که در آغاز کار در راه سرمایه‌داری پا گذاشتند و چه در کشورهای که

بعنا به سیستم جهانی سرمایه‌داری پیوستند، ویژگی‌های ناسیونالیستی بورژوازی ملی آشکار است ناسیونالیسم پاره‌ای از کشورها که پایه‌ی بورژوازی-ملاکی دارد، به مذهب رو می‌آورد و با گسترش منافع عشیره‌ای، قبیله‌ای، مسلکی و هرت و تعصب مذهبی یا قومی یا نژادی پایه‌های خود را استوار میکند جنبش پان‌اسلامیسم که پیش از روی کار آمدن روحانیون در ایران به رهبری عربستان

سعودی و پاره‌ای از کشورهای دیگر کارش کم‌کم بالا گرفته بود، تا پیش از فروپاشی اتحاد شوروی بیشتر خصلت ضد کمونیستی و در دو دهه‌ی گذشته غیرمغز حفظ خصلت ضد کمونیستی کم و بیش ظاهری ضد کشورهای سرمایه‌داری یافته است. این خصوصیت در خاور زمین، به ویژه پس از گسترش اسلام، جنبه‌ی تاریخی دارد. مبارزه‌ی مردم باختر آسیا در سده‌های پیشین، نخست در برابر صلیب‌یون، سپس در برابر عثمانی‌ها و بعدها در برابر نیروهای تازه‌ی خارجی مانند انگلستان، فرانسه و اسپانیا در دوره‌های زیر پرچم اسلام انجام گرفته بود⁽²³⁾

در سیاست کشورهای سرمایه‌داری در برابر کشورهای در حال رشد بویژه در باختر آسیا، عناصر گرایش به نگاهداری واپس ماندگی و پاساری پنهان و آشکار از بازمانده‌های فرهنگ سنتی و دست و پا گیر و ضد پیشرفت، از جمله مذهبی موجود است. این گرایش با دشواری‌های دوران گذار کشورهای رو به رشد خاور، از مناسبات کهن به مناسبات نوین سرمایه‌داری، درهم آمیخته است. این مشکلات را می‌توان از جمله در آینه‌ی عوالم زیر نگریست. نخست اینکه گسترش مناسبات سرمایه‌داری به ژرفش نابرابری اقتصادی و بی‌چیزی بخش‌بزرگی از توده‌های انجامده که واکنش لایه‌های خرده بورژوازی و دهقانان در برابر پدیده‌ی نو به شکل مذهبی آشکارترین شکل مبارزه با آن است.

دوم اینکه در بیشتر کشورهای در حال رشد خاور ایدئولوژی ویژه و همه‌گیر خالص غریب‌ه‌ی در بیشتر موارد توانائی آن را نداشته که با شتاب زیاد پهنه را بر ایدئولوژی سنتی و خرافی مذهبی ببندد. بدین گونه درگیری دیدگاه‌ها و جهان بینی‌ها میان نیروهای واپسگرا و پیشرو در هاله‌ی ابهام باقی می‌ماند و اصلاح جهان بینی مذهبی مانند اروپا در اشکال تازه‌ی خود یعنی پروتستانیسیم، دئیسم و غیره رخ نمی‌دهد نتیجه اینکه ایدئولوژی بورژوازی به منزله‌ی یک سیستم عقاید و موازین معین نه تنها در آفریقا و آسیا، بلکه در ژاپن پیشرفته نیز به صورت کامل پدیدار نمی‌شود بی‌جا نیست که نهر، گاندی رهبر جنبش هندوستان را با

مقدیسین مسیحیت سده‌های میانی مقایسه می‌کرد. واقعیت این است که هیچ‌یک از ادیان خاور از اسلام تا بودائی و بویژه هندوگرایی در برابر اصلاحات بنیادی بورژوازی قرار نگرفته‌اند⁽²⁴⁾

سوم اینکه بخش بزرگی از روشنفکران، چه اندیشه پردازان بورژوازی و چه انقلابیون و دمکرات‌های چپ‌گرا در ایجاد پیوند با بخش بزرگی از توده‌های زحمتکش کارگران و دهقانان و پیشه‌روان و لایه‌های گوناگون توده‌های شهری که در باورهای سنتی شناورند و اغلب ریشه‌ی روستایی دارند، با دشواری روبرو بوده و هستند بیجا نیست که در هندوستان نهر بزرگترین اندیشمند کشورهای رو به رشد دوران خود، کمتر از گاندی می‌توانست با توده‌ها پیوند برقرار کند در ایران نیز بخش بزرگی از نمایندگان بورژوازی و چپ‌گرایان مانند جبهه‌ی ملی و حزب توده‌ی ایران در ایجاد رابطه با توده‌ها بویژه در سه دهه‌ی گذشته از توانائی لازم برخوردار نبوده‌اند.

چهارمین و شاید مهم‌ترین عامل شکل ویژه‌ی رشد سرمایه‌داری در کشورهای خاورزمین بوده و است برای پرداختن به آن می‌توان به شرونه‌ی کلاسیک هندوستان نگاه افکند. در نیمه دوم سده‌ی نوزدهم پس از یک رشته شورش‌ها، رژیم بریتانیا در برابر دهقانان دست به عقب نشینی‌هایی زد و در پی آن دستگاه کهنه‌ی بازرگانی هندوستان را تلخ فرود خود نمود و بخشی از سرمایه‌داران محلی را که بعدها در بالای سرمایه‌ی صنعتی هندوستان قرار گرفتند، پشتیبان خود کرد این سیاست با زتاب‌های چندی داشت؛ نخست اینکه بازرگانان وابسته به سیستم استعماری، بدون اینکه از سیاست‌های انگلی خود دست بردارند به سرمایه‌دار صنعتی تبدیل شدند، نوم اینکه رباخواران و محقران و بازرگانان با خرید سهام شرکت‌های انگلیسی و هندی به صورت سهامدار درآمدند و سوم و به ویژه آنکه ملاکان بدون اینکه پیوند خود را با مناسبات فئودالی و نیمه فئودالی ببرند، کارفرمای صنعتی شدند این پروسه با پروسه‌ای که در اروپا به دگرگونی‌ها در جهان بینی‌های کهن و واپس‌مانده انجامید، متفاوت بود در کشورهای سرمایه‌داری

داری اروپا روف شکل‌گیری بورژوازی صنعتی عبارت بود از اینکه بازرگانان، بی‌واسطه تولید را به تبعیت خود در آوردند و یا تولیدکنندگان به بازرگان و سرمایه‌داران تبدیل شدند. این راه رادیکال‌دگرگونی‌های اقتصادی، تغییر رادیکال در جهان بینی‌های مذهبی و کهنه را می‌طلبید. در هندوستان و نیز در ایران و بسیاری از کشورهای خاور، سرمایه‌داران با شرکت در کار بازرگانی و صنعتی، زمیندار باقی ماندند و از منافع گسترده‌ی بهره‌کشی فئودالی و نیه فئودالی دست‌نکشیدند. علت بزرگ‌پرهیز بورژوازی کشورهای خاور از جمله هندوستان و ایران در اجرای اصلاحات ارضی، بر خلاف آنچه در فرانسه پس از انقلاب رخ داد، همین پروسه‌ی متفاوت تحولات اقتصادی و پیدایش سرمایه‌داری بود.⁽²⁵⁾

بازتاب این دشواری‌های عمومی در رشد صنعتی کشورهای در حال رشد، در ایران بدین گونه بود که در دوران اول و دوم و سوم بازسازی خود یعنی دوران قاجار و پهلوی اول و دوم، مناسبات رو به زوال فئودالی به تدریج و با دشواری و با ساخت و پاخت هلی پی در پی میان سرمایه‌داران نوین و مالکین پیشین، توان خود را از دست داد. در این راستا بر پیکر بازاری سنتی، اما ضربه‌ی کاری وارد نشد. عنصر جدی‌گرایش به باورهای سنتی و واپس‌مانده از جمله مذهبی‌را، علیرغم پاره‌ای نمودهای کمرنگ مدرن، می‌توان در دوران قاجار در جنبش ضد شیعه‌ی بابی و سپس در تقالی روحانیت شیعه در انقلاب مشروطه و نیز در دوران پهلوی دوم در جنبش اعتراضی خمینی دید.

با رشد صنعتی در دهه‌ی 60 و بویژه 70 میلادی و پیدایی نهاد‌های نوین سرمایه‌داری، به ساختارهای سنتی‌گزندی جدی وارد شد. انقلاب 1979 از سوی‌کوششی بود از سوی طبقات و لایه‌های پایین اجتماعی در آرزوی دستیابی به عدالت و رفاه اجتماعی و از سوی دیگر تلاش لایه‌های میانی سنتی و بخشی از سرمایه‌داری تجاری و بازار ایران زیر رهبری ملایان برای جلوگیری از مدرنیزه شدن جامعه. بیهوده نبود که بنا به گفته‌ی پاره‌ای از فعالین اسلامی، همچون خلخالی، بخش

چشمگیری از هزینه‌ی مبارزاتی نیروهای دینی به رهبری خمینی در سل‌های انقلاب، از سوی بازاری‌فراهم می‌شد.

با پایان جنگ و بازگشت روندهای اقتصادی و اجتماعی به حال‌عدلی، پروسه‌ی ای که از دهه‌ی هفتاد در ایران آغاز شده و در آن از سال 1979 وقفه ایجاد شده بود، کم‌کم تا اواخر یافت و بویژه پس از سال 2000 رشد آن شدت گرفت. از دیدگاه نگارنده در کوتاه مدت در ساختار سنتی رژیم اسلامی تغییرات چشمگیری رخ خواهد داد که از دامنه‌ی اقتصادی ویژه‌ی برخوردار خواهد بود. این پروسه را می‌تواند دگرگونی‌های تازه در منطقه نیز تقویت کند. از دیدگاه روبنایی دگرگرایش، که منافع بورژوازی ایران را بازتاب می‌دهند، می‌تواند محمل عقیدتی این دگرگونی‌ها باشند. نخستین امکان اینکه رنسانس فرهنگی در اسلام برای انطباق خود بر نیازهای نوین جامعه به وجود آید که از دیدگاه سیاسی دگرگونی گام به گام در درون حکومت اسلامی و حذف ولی‌فقیه و ارگان‌های دیسپوت مذهبی مانند شورای نگهبان و غیره را در پی خواهد داشت. دومین امکان بازگشت به دیدگاه‌های پیش از سال 1979 و بهره‌گیری از فرهنگ غیراسلامی کهن سال ایرانیان برای کم کردن نفوذ دین مردان دگم‌اندیش در زندگی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه است.

سه شاخص مهم در زندگی معنوی ایرانیان برای دستیابی به استقلال و رهایی از بندهای استعماری در چارچوب سرمایه‌داری و غیرسرمایه‌داری در چند دهه‌ی گذشته نقش بازی کرده‌اند؛ نخست تکیه بر ارزش‌های ملی یا نیکانی با رنگ و بوی پادشاهی یا جمهوری خواهی یا آمیزه‌ی ای از هر دو، دوم تکیه به دین برای ایجاد همبستگی ملی و سوم گرایش به جریان‌های چپ‌گرا و ناخواه و دمکرات. دستاوردهای فرهنگ جهانی بویژه اروپایی به عنوان کاتالیزاتور در هر سه جریان بازتاب یافته‌اند، اگر چه انعکاس آن‌ها در گرایش‌های مذهبی کمرنگ تر از دو جریان دیگر بوده است. جریان چپ بر خلاف سال‌های پس از جنگ جهانی دوم که یکی از گرایش‌های تعیین‌کننده در جامعه بود و از دیدگاه تشکیلاتی سازمان یافته‌ترین نیرو

را تشکیل می‌داد، زیر تأثیر عوامل داخلی و جهانی در کوتاه مدت از امکانات بزرگی برخوردار نیست، اگر چه می‌توان بر روی گسترش نفوذ آن حتی در شرایط نیه‌باز سیاسی، به دلیل وجود بسترهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و تاریخی عینی و بویژه تنگدستی توده‌های مردم، حساب کرد. در ارتباط با نیروهای مذهبی می‌توان گفت که در ایران تاکنون با یک رنسانس مذهبی همانند اروپا و پرو نیوده‌ایم. طلا‌ی‌های این رنسانس مذهبی پس از ناکامی‌های رژیم ولایت فقیه، بویژه در سال‌های اخیر در میان بخشی از نیروهای اسلامی و اصلاح‌طلبان قابل مشاهده است، ولی سنت‌گرایی و سازشکاری آنان امید به این دگرگونی را کمرنگ می‌کند. در صورت ایجاد دگرگونی‌هایی در پیانه کردن باورهای دینی و پرهیز این نیروها از سازشکاری و سنت‌گرایی و در پیامد آن چیرگی کم و بیش پایدار این جریان‌ها یا جریان‌های نزدیک به آنان بر رقیبان، می‌توان امکان بر جای ماندن رژیم کنونی "ولایت فقیه" با تغییراتی را، تا چندی ممکن دانست. در غیر این صورت دگرگونی‌های ژرف یا تنش‌های تند، در صورت هماهنگی و سازماندهی کم و بیش بایسته در میان نیروهای اپوزیسیون، محتمل خواهد بود. بازتاب‌های اقتصادی این سناریوها به مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی پیشتر عرضه گردیده‌اند.

آزمون‌های ایران و جهان در راه رشد اقتصادی

همانگونه که پیشتر نشان دادیم، درآمد‌های نفت و گاز صادراتی از راه‌های گوناگون به بخش‌های صنعتی و کشاورزی و خدماتی و مالی تزریق می‌شوند. این انتقال درآمد‌ها به طور عمده بازتابی غیرمولد، بویژه بر صنعت داخلی دارند. بدین روی محصولات داخلی بدون کمک‌های مستقیم و غیر مستقیم بخش دولتی و سیستم بانکی، از راه یارانه‌ها و سدهای گمرکی و غیره، یاری رقابت با کالاهای خارجی، چه در پهنه داخلی و چه گسترده جهانی را، ندارند. برای بیرون آمدن از بن بست اقتصاد تک‌محصولی و وابسته به نفت و گاز و دستیابی به رشد پایدار و پرشتاب، دگرگونی در ساختار مالی پیش شرط نخستین است.

در پارهای از کشورهای صلبرکننده نفت و گاز، از آن دست نروژ، برای چیرگی بر این دشواری اقداماتی صورت گرفته که می‌تواند راهنما باشند. سیاست مالی-تفاتی نروژ کوششی بوده و هست، برای پرهیز از اشتباهات سیاست‌های نفتی در هلند که به نام «بیماری هلندی» شهرت یافته است. اگر چه دشواری‌های اقتصادی ایران در این پهنه بسیار گسترده‌تر می‌باشند، ولی آموزش از این دسته کشورها را منتفی نمی‌کند. در کشورهای نفت خیز و از آن نمونه ایران، این خطر جدی وجود ندارد که درآمد‌های به دست آمده از راه نفت و گاز صادر شده، به بالا رفتن کاذب ارزش پول بینجامد. بازتاب این فرایند، ارزان شدن واردات و کاهش سود صادرات

کالا‌های داخلی، به ویژه تولیدات صنعتی است. بر این پایه، قیمت تولیدات داخلی افزایش می‌یابد و توان رقابت پذیری بین‌المللی کم می‌شود. برآیند آن، بروز دشواری در بخش‌های صنعتی و خدماتی و کشاورزی از یک سو و وابستگی هر چه بیشتر به درآمدهای نفتی و گازی از دیگر سوست.

در نروژ برای پر هیز از پنبای این بیماری اقتصادی، از آغاز کشف و استخراج نفت در دهه‌ی 70 میلادی، از سوی دولت یک سیاست کنترل شده و مستقل به اجرا درآمد. آماج این سیاست، تضمین استقلال در برابر کسرن‌های نفتی جهانی و به دست آوردن بیشترین سود برای خدمت به اقتصاد داخلی بود. در زیر رهبری کسرن نفتی - دولتی «استاد اویل»، سیاست نفتی-مالی در سمت رشد اقتصاد داخلی هدایت گردید بدین گونه پروژه‌های صنایع نفت در دهه‌ی نخست به شرکت‌های داخلی و سپس به دلیل نیازهای تکنولوژیک به کسرن‌های بین‌المللی نفتی واگذار گردید. کوشش شرکت دولتی «استاد اویل»، دستیابی شتابان به تکنولوژی پیشرفته نفتی و رهایی از وابستگی به شرکت‌های بزرگ خارجی بود. در پیش گرفتن این سیاست باعث گردید که در برش کوتاهی صنایع نفتی نروژ به استقلال نسبی دست یابند و خود را تا حد زیادی از گردونه‌ی وابستگی همه سویه به کسرن‌های نفتی خارج کنند. اگر چه در فرایند جهانی شدن و موج خصوصی‌سازی، سهم شرکت‌های نفتی خصوصی داخلی در مدیریت صنایع نفت افزایش یافته، ولی همانند گذشته نقش دولت و پارلمان در امور مالی-نفتی تعیین کننده است. با تشکیل «سبد نفت» در سال 1990، وظیفه‌ی نوین بردوش بخش نفت گذارده شد. سبد تازه‌ی نفت که در پیوند با بانک مرکزی است، در گسترده‌ی جهانی می‌تواند سرمایه‌گذاری کند و درآمدهای نفتی می‌تواند تنها پس از تصویب پارلمان وارد بودجه‌ی دولتی شوند. در نروژ برخلاف هلند، آماج «سبد نفتی» که در سال 2004 نزدیک به 150 میلیارد دلار اندوخته داشت، تضمین سیاست‌های مالی پایدار، جلوگیری از نوسانات ارز و کاهش تورم بود. از سوی دیگر علیرغم فشارهای سیاسی و مالی داخلی و خارجی، این سبد در راه پشتیبانی از بخش‌های گوناگون اقتصاد داخلی، مانند صنایع

آیفه‌دار و پر بازده، آموزش، پرورش و دستیابی به تکنولوژی سرآمد، گام‌هایی به پیش بر می‌داشت. بدین گونه کوشش می‌شد، بخش‌هایی از اقتصاد که دارای توان رقابت خوب در پهنه بین‌المللی بودند، گسترش یافته و قویت شوند.⁽²⁶⁾

در ایران تزیق درآمدهای نفتی و گازی، از راه‌های گوناگون دولتی و غیردولتی و سیستم بانکی و بدون نظارت گسترده‌ی پارلمان صورت می‌گیرد. هم‌چنین قرارداد‌های نفتی و گازی، برخلاف نروژ بدون تصویب مجلس اسلامی بسته شده و می‌شوند. برای نمونه پس از گذشت چندین سال، در مورد چگونگی پیمان‌نامه‌های شهره به «بیع متقابل» داده‌های درست و هم‌سوی‌های، حتی در دست نمایندگان مجلس برگزیده‌ی شورای نگهبان نیز، نیست.⁽²⁷⁾ صندوق ذخیره ارزی هم که چند سالی از عمر آن می‌گذرد، تنها بخشی از درآمدهای نفتی را در بر می‌گیرد و بخش بزرگ دلارهای نفتی بدون کنترل گسترده‌ی پارلمانی، از راه‌های گوناگون به بخش‌های مختلف تزیق می‌شود. از سوی دیگر به دلیل وابستگی بخش بزرگی از نمایندگان مجلس اسلامی به محافل بازرگانی و اقتصاد انگلی، گرایش به هزینه کردن درآمدهای نفتی و گازی در راه‌های غیرتولیدی موجود است. افزون بر آن به دلیل بی‌ثباتی اقتصادی و نابسامانی ساختاری، این صندوق هم از دست‌بردهای پی در پی دولت با تصویب مجلس نکلرآمد برای هزینه‌های گوناگون، از آن دست خرید بنزین با مبالغی میلیاردی، در امان نیست. برآیند این سیاست مالی غیرمسئولانه، تورم فراینده، کاهش پنبای نرخ ارز، ورشکستگی بخش قابل توجهی از صنایع داخلی، رشد بازرگانی انگلی، سیل واردات کالا‌های خارجی و افزایش کسری تراز بازرگانی برین‌مرزی (بدون نفت و گاز) است.

بنابراین داده‌ها، دگرگونی در ساختار مالی و به ویژه کنترل متمرکز و ذره‌بینی چگونگی هزینه کردن درآمدهای نفتی و گازی یک پیش‌شرط گریزناپذیر برای دستیابی به رشد پایدار و پرشتاب و رهایی از اقتصاد تک محصولی است. نگارنده در این راستا، پایه‌گذاری بانک نفت را پیشنهاد می‌کند. برای ایجاد یک ساختار مالی با ثبات، همکاری نزدیک میان بانک نوین نفت و بانک مرکزی بایسته است. نظارت

در بانک نفت، می‌تواند از سوی پارلمان (مظور یک پارلمان دمکراتیک و برگزیده مردم) به گونه‌ی مستقیم و غیر مستقیم صورت گیرد. شیوه عمل این بانک همانند یک بانک دولتی یا خصوصی کارا، می‌بایست بی‌تردید سودآوری باشد و در چارچوب منافع ملی عمل کند. بدین گونه ارگان‌ها و شرکت‌های دولتی (حتی وزارت نفت) و نیمه دولتی و خصوصی، می‌توانند نهاد در چارچوب الویت‌های تعیین شده‌ی کوتاه و بلند مدت و نرخ بهره‌ی طبقه‌بندی شده و تنها پس از پرولنه‌ی بانک، وام دریافت کنند. برای بازپرریخت وام نیز، می‌توان زمان‌بندی‌های دسته‌بندی شده برای بخش‌های گوناگون اقتصادی، تعیین کرد. افزون بر آن هم‌ی پیمان‌نامه‌های نفتی و گازی، می‌بایست بدون استثناء زیر نظارت ارگانی وابسته به پارلمان و این بانک و با تصویب نهایی مجلس بسته شوند. در این زمینه شیوه‌ی عمل در نروژ، می‌تواند راهنمای کار باشد.

پاره‌ای از آماج‌های این بانک را می‌توان به گونه‌ی زیر برشمرد: کوشش برای رهایی از وابستگی تکنولوژیک به کسرن‌های نفتی با بالا بردن توانایی صنایع و خدمات داخلی مربوطه، پشتیبانی از شرکت‌های کارآمد ایرانی (و نه شرکت‌های ساخته شده از سوی آقازاده‌ها و وابسته به یارانه‌های آشکار و پنهان دولتی) در دریافت پروژه‌های هزینه بر صنایع نفت و گاز و واحدهای کثاری آن، گذرشد توانایی کشور در حمل و نقل زمینی و دریایی نفت و گاز و فراورده‌های آن با آماج کاهش هزینه‌ها و کم کردن نفوذ شرکت‌های بین‌المللی، کمک به راهاندازی و بازسازی صنایع آینده‌دار داخلی و بالا بردن توانایی رقابت‌پذیری آنان با هدف جنبی کارزایی و مبارزه با بیکاری، ایجاد یک سیستم مالی با ثبات، نظارت بر پول در گردش، کنترل تورم و تثبیت نرخ ارز، سرمایه‌گذاری‌های حساب شده و گسترش آموزش و پرورش و بالا بردن سطح تکنولوژیک ایجاد یک ذخیره‌ی مالی برای ایجاد تعادل در اقتصاد در شرایط بحران‌های نفتی با یک حداقل سقف انباشته مالی نیز، از اهمیت بر خوردار است. می‌توان در این زمینه نگاهی به آزمون روسیه

داشت که برای آن، حداقل انباشته‌ای از صادرات نفت و گاز برابر با 17 میلیارد دلار، در نظر گرفته شده است.⁽²⁸⁾

از آنجا که نزدیک به 80٪ اقتصاد ایران زیر نظارت دولت است و بنابر بیماری کهنه‌ی وابستگی به دلارهای نفتی کارکردی انگلی دارد، دگرگونی در ساختارهای مالی-اداری از اهمیت ویژه برخوردار است. از راه قطع گام به گام منابع مالی نفتی و گازی به دولت، می‌بایست این ارگان را به عنصر هدایت‌کننده‌ی اقتصاد با آور، وادار نمود. ناگزیر کردن دولت به تلمین نیازهای مالی خود از راه مالیات‌های کارکنان و کارفرمایان به جای درآمد نفت، به آنجا می‌انجامد که ساماندهی به ساختارهای مولد، سازمان‌های دریافت مالیات، قوانین و بخشنامه‌ها و کل رویکردها، جدا در دستور کار قرار گیرند. بدین گونه دولت در راهاندازی چرخ‌های اقتصادی و رشد صنعت و کشاورزی و خدمات سازنده با هف بالا بردن ارزش افزوده و دریافت مالیات بیشتر، ذینفع می‌شود. با کاربردی کردن این شیوه، دولت کم کم از درون مایه‌ی انگلی پیشین، به مثابه‌ی دستگاه بزرگ فاسد و بوروکراتیک و مصرف کننده‌ی دلارهای نفتی و گازی، فاصله می‌گیرد. از سوی دیگر در صورت نیاز دولت به وام، می‌توان مرز یا سقفی را به درصد تولید ناخالص داخلی برای کسری بودجه، مانند بازار مشترک اروپا، تعیین کرد. برای ضونه این میزان می‌توان 3 تا 5 درصد تعیین شود که بر پایه‌ی نرخ تورم و دیگر نیازهای اقتصادی، می‌تواند تنها در این میان نوسان داشته باشد و نه بیشتر از آن.⁽²⁹⁾

همین سخت‌گیری مالی می‌بایست در مورد بخش نیمه‌دولتی و خصوصی نیز کاربردی شود. بدین گونه همه‌ی کوشش بانک نفت و بانک مرکزی و سیستم بانکی و دستگاه دولتی و قانون‌گذاری، در این راستا خواهد بود که سوددهی بخش‌های انگلی مانند رباخواری، رانت‌خواری، زمین‌بازی و بازرگانی انگلی وارداتی کاهش یابد. بر آیند این رویکردها، انتقال گام به گام سرمایه‌ها از بخش‌های غیرمولد به بخش‌های مولد خواهد بود و در چارچوب آن ساختارهای اقتصادی نیز کهم بهینه

خواهد شد و کل تولیدات اقتصادی، خود را برای رقابت در بازار داخلی و خارجی آماده خواهند کرد.

از سوی دیگر پیامد به کارگیری هدفمند درآمدهای نفتی و گازی و پرهیز از تزیق‌های بی‌بند و بار به بخش‌های گوناگون اقتصادی، ایجاد تعادل در بازار مصرف داخلی و کاهش نرخ تورم خواهد بود. نگاهی به روند افزایش قیمت‌ها در ایران پس از بالا رفتن بهای نفت، ایچد تحول در سیاست‌های مالی پولی را گریزناپذیر می‌کند پس از اجرای اصلاحات ارضی و پاره‌ای اصلاحات دیگر اقتصادی در سال 1962، تورم در ایران کاهش یافت پس از دستیابی به درآمدهای بالای نفتی اما، تورم به شدت افزایش یافت و در دوران جمهوری اسلامی حتی به مرز 40 درصد فرا رویید و تا امروز هنوز دو رقمی است.⁽³³⁰⁾ پیش زمینه بازگشت به تورمی در سطح سال‌های دهه‌ی شصت میلادی (پس از اصلاحات ارضی)، اجرای دقیق انضباط مالی و همکاری نزدیک میان بانک نفت و دیگر ارگان‌های مالی و دولتی و قنون‌گذاری، با آماج رسیدن به رشد اقتصادی پایدار و پرشتاب است.

پیرامون راه رشد اقتصادی و نقش دولت در فرایندهای اقتصادی، می‌توان با دو دیدگاه در ایران که آینه‌ای است از برداشت‌های جهانی، روبرو شد: لستراتژی جایگزینی واردات و استراتژی توسعه صادرات. در پیش گرفتن راه رشد اقتصادی متناسب با شرایط داخلی، در گستره‌ی جهانی شدن اقتصاد، از برجستگی ویژه‌ی برخوردار است در این زمینه آزمون‌های گوناگونی وجود دارد که می‌تواند به سهم خود راهنمای کار برای کشور ما باشد. در ایران که اقتصادش هنوز در سطح یک کشور میان‌بندی جهان سوم است و واحدهای اقتصادی‌اش در بیشتر پهنه‌ها توانایی رقابت با کلاهی خارجی را ندارد، گذر از یک دوره‌ی تدارک و جهش اقتصادی کنترل شده که آمیزه‌ای است از سیلست استراتژی جایگزینی واردات و استراتژی توسعه صادرات، گریزناپذیر می‌نماید.

می‌شود. بازتاب‌های آن عبارتند از تورم فزاینده، کاهش ارزش پول داخلی، افزایش واردات و کسری تراز بازرگانی برون مرزی. بر پایه‌ی این داده‌ها روشن است که ورود به سازمان تجارت جهانی و اجرای سیلست درهای باز، به گسترش بازار مصرف داخلی از راه هزینه کردن درآمدهای نفتی و گازی، خواهد انجامید. کنسرن‌های جهانی این سیاست را سال‌هاست که در کشورهای نفت خیز خاورمیانه و بخش بزرگی از دیگر کشورهای رو به رشد، به اجرا درآورده‌اند.

راهکار خصوصی‌سازی برای برون رفت از بن بست کنونی که از سوی ارگان‌های مالی جهانی و پاره‌ای از کارشناسان و دست‌اندرکاران و گردانندگان داخلی مطرح می‌شود، گره‌ای از این دشواری نمی‌گشاید علت آن است که بخش‌های بزرگی از اقتصاد ایران، چه بخش دولتی و نیمه دولتی و چه بخش خصوصی، وابسته و پیوسته به دلارهای نفتی و گازی هستند و در ساختار کنونی اقتصادی-سیاسی ویژه‌ی ایران، درون‌مایه‌ی انگلی و مصرفی دارند با ادامه تزیق دلارهای نفتی و خصوصی سازی، نمی‌توان به بالا رفتن بهره‌دهی اقتصادی و رقابت پذیری واقعی واحدهای دولتی و نیمه دولتی و هم چنین بخش خصوصی امیدوار بود. از سوی دیگر دستیابی به بازده بالای اقتصادی، وابسته به نوع مالکیت واحدهای اقتصادی نیست. برای نمونه در حالی که پاره‌ای از شرکت‌های خصوصی مانند Karsadt در آلمان و رشکست شده یا به مرز ورشکستگی رسیدند، شرکت‌های غیرخصوصی یا تعاونی گونه‌ای مانند Standard Life در انگلستان یا Volkswahlbund در آلمان، توانستند خود را بر شرایط نوین پس از سال 1991 انطباق دهند و سودآور باقی بمانند. آزمون کشورهایی مانند چین و سنگاپور با سهم بالای اقتصاد دولتی و همپا با آن رشد شتابان اقتصادی، نشان از آن دارد که می‌توان واحدهای اقتصادی غیرخصوصی را نیز سودآور و رقابت‌پذیر کرد. این پروسه از یک سو نیاز به برنامه‌های کارشناسانه و زمان‌بندی شده دارد و از سوی دیگر وابسته است به ساختار شفاف و کارا و کنترل شده‌ی ارگان‌های اجرایی و نهاد‌های قانون‌گذاری و افعالاً برگزیده‌ی مردم، افزون بر آن برای آماده شدن در راه ورود به سازمان

این پروسه تنها شامل کشورهای رو به رشد نمی‌شود. در انگلستان سده 17 و 18 که مناسبات سرمایه‌داری و روند صنعتی شدن به شدت رو به رشد بود برای دستیابی به رشد پایدار، سیاست‌های حمایتی سختی در برابر ورود کلاهای خارجی به اجرا گذاشته شد و در برابر کشورهای مستعمره نیز سیاست‌های گمرکی یکی از ابزارهای برجسته‌ی بالا بردن سود شرکت‌های انگلیسی بود.⁽³³¹⁾ سیاست همگونی نیز از سوی ژاپن در دوران جهش اقتصادی پیاده گردید. در این راستا آزمون‌های نوین چین نیز از اهمیت برخوردارند. این کشور که در سال 2001 به سازمان تجارت جهانی پیوست، برای ورد به این ارگان از سال 1980،

همانا نزدیک به 20 سال، تدارک دید. در این برش، اقتصاد چین با اجرای برنامه‌های پنجساله‌ی توسعه، تجدید ساختار بخشی از اقتصاد، بهره‌گیری از انگیزه‌های کسب درآمد بیشتر، ایجاد مناطق ویژه‌ی اقتصادی و دگرگونی در مدیریت اقتصادی، به کامیابی‌های چشمگیری دست یافت. از دیگر سو این کشور با بهره جستن حساب شده از یارانه‌های دولتی، ارزش پول داخلی را ثابت نگاه داشت، تورم را زیر کنترل گرفت و از بروز بحران‌های جدی در توزیع درآمدها جلوگیری کرد. بازتاب این سیاست‌ها، رشد شتابان صنعتی بود که در پیامد آن در فاصله‌ی سال‌های 1984 تا 1995 سهم صادرات کالاهای ساخته شده‌ی چینی در جهان، از 1/2 درصد به 3 درصد افزایش پیدا کرد. این کشور هم چنین به رشدی بالا در سطح ژاپن (104 درصد میانگین رشد میان 73-1950) و کره جنوبی و تایوان (9 درصد میانگین رشد میان 90-1960) نزدیک شد و در پاره‌ی سال‌ها از این میزان نیز فراتر رفت.⁽³³²⁾

در ایران نشانی از یک دوران گذار تدارک شده و یک جهش اقتصادی برای ورود به بازار جهانی، در دست نیست از یک سو کوشش می‌شود تا دستورات بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی در زمینه‌های برداشتن یارانه‌ها و کاهش تعرفه‌های گمرکی و خصوصی‌سازی و غیره به اجرا در آیند و از سوی دیگر در راه بالا بردن توان اقتصاد داخلی تنها گام‌هایی شکننده و ناستوار برداشته

تجارت جهانی، می‌توان در صورت ضرورت مدیریت پاره‌ای از واحدهای تولیدی را به کارشناسان زیه واگذار نمود، یا به صورت اجاره در اختیار مدیرانی که از توانایی کافی برخوردارند، قرار داد. بر این پایه نیازی به دگرگونی در ساختار مالکیت‌ها نیست.⁽³³³⁾

در دوران گذار و تدارک برای ورود به بازارهای جهانی در کشورهای رو به رشد و از آن دست ایران، می‌بایست به کارشناسی‌های کنسرن‌های بین‌المللی نگاهی ویژه داشت. در این راستا سیاست‌های اقتصادی مدیرانه و مستقل دولت، می‌تواند در پشتیبانی از واحدهای اقتصادی داخلی و بویژه سرمایه‌داران متوسط و کوچک، نقشی برجسته بازی کنند. آشفتنگی‌های مالی در امریکای لاتین و ورشکستگی آرژانتین و بحران اقتصادی در خاور نوب، نشان دادند که کنسرن‌های بین‌المللی و مراکز بزرگ مالی جهانی، می‌توانند در فاصله زمانی کوتاهی هم‌اقتصاد کشورهای رو به رشد و کوچک و گاه بزرگ را در هم شکنند یا ناپایدار کنند. واقعیت این است که علیرغم گفتمان‌های «بشر دوستانه» پیرامون «دهکده بزرگ جهانی» و گلوبالیسم و نئولیبرالیسم «نیک خواهانه»، کشمکش میان انحصارهای جهانی و پیش از همه مراکز مهم مالی برای بدست آوردن سهم بزرگ تری در بازار جهانی و منابع مواد خام و پهنه‌های سرمایه‌گذاری، به شدت در جریان است. در این راستا اهمیت بهره‌کشی لگام‌گسیخته از کشورهای رو به رشد نه تنها کاهش نیافته، بلکه روند آن، به ویژه پس از سال 1990، رو به گسترش است. چیرگی انحصارک بین‌المللی هنگامی که بخش بزرگی از منابع و مواد خام جهانی در دست آنان متمرکز است، تضمین‌کننده سودهای آینده می‌باشد. بیهوده نیست که کوشش می‌شود، نه تنها اندوخته‌های مواد خام شناخته شده و در دسترس مورد کنترل قرار گیرند، بلکه چیرگی بر منابع باقوه نیز برای آماج‌های استراتژیک در دستور کار. طرح‌های نوین امریکا برای بیرون راندن رقیبان از بازارهای کشورهای رو به رشد و تسخیر اقتصادی نظامی این کشورها، علیرغم هم‌اقدام‌های انسان دوستانه و پشتیبانی از حقوق بشر، روز به روز و به گسترش

است. بی‌دلیل نیست که "شرودر" صدراعظم پیشین آلمان در روند درگیری‌های بازرگانی میان اروپا و آمریکا در آستانه‌ی سده‌ی 21، از «جنگ بازرگانی» در گسترده‌ی جهانی آشکارا سخن راند.

این فرایدها و تنش‌های اقتصادی تنها کشورهای رو به رشد را در بر نمی‌گیرد. روند همگونی را می‌توان در ساختار اقتصاد داخلی کشورهای پیشرفته‌ی سرمایه‌ناری در آغاز سده 21، در چارچوب کنترل واحدهای کوچک و متوسط اقتصادی و توان‌گیری کسرن‌های بزرگ و پیش از همه غول‌های مالی، آشکارا نگریست برای نمونه در سل 2004 در آلمان، بانک‌ها و بیمه‌ها در راس شرکت‌هایی قرار داشتند که به بیشترین سود در تاریخ خود دست یافتند توان مالی مراکز پولی چنان افزایش یافته که برای خرید کامل شرکت Daimler Chrysler نیز خیز برداشته شده و تاکنون فروش نزدیک به 20 درصد از سهام آن به کارگزاران بازار بورس، برنامه‌ریزی شده است. دگرگونی در مالکیت واحدهای صنعتی و واگذاری آنان به بانک‌ها و شرکت‌های کارگزاری بورس، در بیشتر موارد همراه بوده‌است با کاهش شمار کارکنان، کم شدن دستمزد کارگران و کارمندان و اجبار به جابجایی محل کار از شهری به شهر دیگر پدیده‌ی تازه در این میان، بی‌اعضای گسترده مردم به مدیریت واحدهای اقتصادی وابسته به مراکز مالی توانمند داخلی و خارجی، است. جنجال‌های ناشی از فساد و رشوه‌خواری در کارخانه‌هایی مانند Volkswagen, Infiniti, Daimler Chrysler, BMW, RWB و Commer Bank رسانه‌های گروهی را پی در پی در نوردیده هم چنین فساد در دستگاه دولتی رو به گسترش بود و شمار سیاست‌مداران خریداری شده از سوی کسرن‌ها و جنجالی‌ها مربوط به رد و بدل شدن پول‌های هنگفت از راه‌های «قانونی» و غیرقانونی، بالا گرفت از سوی دیگر از توانایی دولت در تاثیرگذاری بر اقتصاد به ویژه در گسترده‌ی مالی کاسته شد.⁽³³⁴⁾

بدین گونه کشور آلمان که در اروپا با سیاست اجتماعی-اقتصادی ویژه خود، خاصه تا فروپاشی اردوگاه چپرگای خاوری، به ضرورت حضور دولت در اقتصاد

اهمیت روزافزون همگرایی‌های فراملی

اتحادیه‌های منطقه‌ای گونه‌ای از تبلور همگرایی اقتصادی در میان چندین کشور با نزدیکی جغرافیایی و فرهنگی و غیره، با بهره‌گیری از برتری‌ها برای بالا بردن توان اقتصادی و قدرت رقابت‌پذیری در بازارهای جهان‌اند امپراطوری‌ها و شاهنشاهی‌های خاور و باختر را می‌توان نمودی کم‌رنگ و آغازین از اتحادیه‌های منطقه‌ای برای زمان خود ارزیابی کرد. در اروپا روند ایجاد بازارهای همگرایی منطقه‌ای پس از رشد اقتصادی، به بعد از جنگ جهانی دوم باز می‌گردد. در این میان از یک چشم‌انداز، در سال 1951 شش کشور اروپای باختری شامل بلژیک، آلمان، فرانسه، ایتالیا، هلند و لوکزامبورگ در شهر پاریس همکاری مشترکی در زمینه‌ی ذغال و فولاد ایجاد کردند و از چشم‌انداز دیگر کشورهای اروپای خاوری و سوسیالیستی در سل 1949 در برابر "طرح مارشال" اتحادیه‌ی اقتصادی کومکون را با شرکت اتحاد شوروی، لهستان، رومانی، مجارستان، بلغارستان و چکسلواکی بنیان نهادند. پس از آن کشورهای آلمان دمکراتیک، کوبا، مغولستان، ویتنام و آلبانی هم به کومکون پیوستند و کشور فنلاند نیز با این اتحادیه پیمان همکاری امضا کرد. اتحادیه‌ی اقتصادی اروپای خاوری در جریان فروپاشی اردوگاه چپرگای خاوری از هم گسست، ولی بازار مشترک اروپا در ژرفا و پهنا گسترش یافت و بخشی از کشورهای پیشین سوسیالیستی را نیز، در بر گرفت. جالب توجه اینکه همگام با

برای تامین بازار کار و خدمات اجتماعی تکیه می‌کرد و به دیدگاه‌های "کینز" هنوز نگاه آموزنده داشت، گام به گام از این سیاست فاصله می‌گرفت.⁽³³⁵⁾ در این فرایند زمام امور اقتصادی در بیشتر گسترده‌ها، به دست کسرن‌ها و پیش از همه انحصارهای مالی مانند بانک‌ها و بیمه‌ها و شرکت‌های کارگزاری بورس می‌افتد. ولکتش واحدهای اقتصادی کوچک و متوسط در زمینه‌ی کاهش حضور دولت، قابل توجه است. بر پایه‌ی یک نظرسنجی در آلمان درباره‌ی حذف یا کاهش نفوذ بانک‌ها و موسسات مالی دولتی، بیشتر این واحدها به ضرورت ادامه‌ی کار دولت و موسسات مالی و بانکی وابسته به دولت گرایش نشان داده و آن را برای تداوم زیست خود ضروری دانسته‌اند.

این در حالی است که کسرن‌های بزرگ، از آن میان Siemens، خواستار وگناری کامل بخش مالی به بانک‌های خصوصی داخلی و خارجی و کاهش حضور دولت بودند انگیزه‌ی خرسندی این انحصارها را می‌توان در آینه‌ی دهه‌های مربوط به سود هنگفت این موسسات در فرایند جهانی شدن اقتصاد نئولیبرالیستی نگریست. برای شونه Allianz یکی از بزرگترین کسرن‌های مالی و بیمه‌ی آلمان، در فاصله دو سال سود خود را از منفی 4.1 میلیارد یورو به مثبت 2.1 میلیارد یورو رساند، اما در همین برش از سووی نزدیک به 20 هزار نفر از کارکنان خود را بیکار کرد و از سوی دیگر درآمد مدیران خود را از 17.5 میلیون یورو به 25 میلیون یورو افزایش داد.⁽³³⁶⁾ ناآرامی‌های اجتماعی، بازتاب این سیاست‌های اقتصادی نادرگانه هستند که خود را گاه در شکل اعتصابات رو به رشد کارگران و کارمندان و گاه به شکل درگیری‌های خشونت بار و زد و خورد‌های چندین روزه خیابانی و آتش‌زدن بانک‌ها و اتومبیل‌ها و غیره آشکار می‌کنند و رویدادهای دهه‌ی 60 و 70 میلادی در کشورهای سرمایه‌ناری را در یادها زنده می‌کنند.

دگرگونی در بازار مشترک اروپا، سهم بازرگانی درون منطقه‌ای در کل بازرگانی این کشورها نیز بیشتر شد و از میزان 52/8 درصد در سال 1358 به مرز 70 درصد در سال 1996 رسید این امر از جمله بازتاب در هم آمیزی واحدهای همسان تولیدی و افزایش توان تولید به علت قدرت باقوه‌ی کشورهای تازه‌ای بود که به این پیمان‌نامه پیوسته بودند.⁽³³⁷⁾

روند کم و بیش همگونی در امریکای شمالی با ایجاد پیمان منطقه‌ای «نفتا» (NAFTA) میان سه کشور امریکا، کانادا و مکزیک در سال 1994 آغاز شد که به دلیل تفاوت چشمگیر در توان اقتصادی سه کشور، از ویژگی‌های نامطلوبی برخوردار است. در آسیای خاوری اتحادیه جنوب شرقی آسیا (ASEAN) که از سال 1967 با 5 کشور به کار آغاز کرد، گام به گام گسترش یافت و کشورهای چین و ژاپن و کره جنوبی را نیز در بر گرفت. آماج این همگرایی منطقه‌ای را می‌توان در انگیزه‌های زیر جستجو کرد: جلوگیری از تکرار بحران مالی خاور آسیا، ناخرسندی این کشورها از سازمان تجارت جهانی و مراکز مالی بین‌المللی جهانی، ناخشونودی از رفتارهای امریکا و بازار مشترک اروپا و بهره‌گیری از آزمون‌های اقتصادی اروپا پیرامون ایجاد واحد پول یکسان یورو و این کشورها به حق بانک‌ها و مراکز مهم اقتصادی و مالی اروپایی را بانی بحران اقتصادی و مالی سال‌های 98-1997 می‌شناسند حجم داد و ستد داخلی کشورهای ASEAN اما هنوز به بازار مشترک اروپا نمی‌رسد و برای نمونه در سال 1992 تنها 20 درصد کل تجارت این کشورها را شامل می‌شد.⁽³³⁸⁾

در منطقه‌ی باختر آسیا مانند آفریقا و امریکای لاتین، روند ایجاد و بازارهای همگرایی منطقه‌ای کند است. از دو سازمانی که ایران در آن عضو است، سازمان اگو و سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان نخست از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار است سازمان کنفرانس اسلامی که 46 کشور را در بر می‌گیرد و از سال 1969 بنیان‌گذاری شده، نمی‌توان سازمان اقتصادی دانست، چرا که 46 کشور شرکت‌کننده در این سازمان، منطقه‌ای نسبتاً پراکنده را در بر می‌گیرد و در 30

سال گذشته در پیوندهای اقتصادی آنان دگرگونی چشمگیری رخ نمانده است. سازمان اکو اما دارای پتانسیل فراوان است این ارگان در سال 1964 با شرکت ایران و ترکیه و پاکستان تشکیل شد و گام به گام گسترش یافت و گسترده‌ی خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز را پوشا شد. رشد این سازمان اما کند است و حجم داد و ستدهای آن تنها 7 درصد کل داد و ستد برون مرزی این کشورها را شمل می‌شود.⁽³³⁹⁾

در رشد کند بازارهای همگرایی فرامرزی در باختر آسیا یک رشته انگیزه‌ها نقش بازی می‌کنند. پارهای از بندهای موجود، ریشه‌ی تاریخی در سیاست‌های استحصاری دارد. همان‌گونه که پیشتر در بخش بازرگانی اشاره شد، بازار داخلی و خارجی ایران و کشورهای باختر آسیا در درازای چند سده گذشته کم‌کم از دست بازرگانان و صنعتگران و پیشه‌وران این کشورها بیرون رفت و در پهنه‌ی نفوذ کشورهای صنعتی باختر قرار گرفت.¹

علیرغم دگرگونی در اوضاع جهانی و منطقه‌ای، سد های بزرگی بر سر راه ایجاد بازارهای همگرایی فرامرزی و افزایش داد و ستدهای منطقه‌ای در باختر آسیا وجود دارد. حضور نظامی کشورهای سرمایه‌داری و پیش از همه آمریکا و انگلستان در عراق و افغانستان و تأاری می‌یابد آن، از ایجاد یک رابطه‌ی پایدار و همه‌سویه و ژرف با دو همسایه‌ی باختری و خاوری می‌کاهد. دخالت‌های کنسرن‌های بین‌المللی و به ویژه نفتی، در روند همگرایی اقتصادی و ترانزیتی میان ایران و آسیای مرکزی و قفقاز، وقفه‌های جبران‌ناپذیری ایجاد می‌کند. برای در هم آمیزی دو بازار بزرگ ایران و هندوستان نیز، از راه رژیم کم و بیش دست‌نشانده‌ی پاکستان سنگ انداخته می‌شود و همه‌گونه کاری صورت می‌گیرد تا ایران و افغانستان نتوانند با بازار بزرگ هندوستان پیوند یابند میان ایران و کشورهای خلیج‌فارس نیز با ایجاد تش‌های ساختگی، دشواری ایجاد می‌شود و عملاً مسابقه تسلیحاتی بی‌فرجامی که کنسرن‌های نظالی از آن سود هنگفت می‌برند، دامن زده

¹ برای دستیابی به فرایند گسترش نفوذ استعمار در د بازارهای باختر آسیا به بخش بازرگانی نگاه کنید.

می‌شود. از این روی بیرون راندن نیروهای نظلی خارجی و کوشش برلی رهایی کشورهای منطقه از دست‌شانداگان سیاست‌های نواستعماری، **پیش‌زمینه‌ی پیدایی بازارهای کامیاب همگرایی فرامرزی** است. بدون وجود رژیم‌های مستقل و ساینده منافع ملی، چه مانعان سرمایه‌داری داخلی این کشورها و چه پشتیبانان لایه‌ها و طبقات پایین اجتماعی، نمی‌توان به دستیابی به یک بازار بزرگ و کارا در باختر آسیا امیدواری زیاد داشت. کشورهای آسیای خاوری از آن جا که در طی مبارزات دراز خود، کم و بیش به استقلال دست یافته‌اند، توانسته‌اند در این زمینه گام‌های استواری به پیش بردارند. این فرایند در آسیای باختری، امریکای لاتین و افریقا هنوز به آماج خود دست نیافته است. در این میان کشورهای امریکای لاتین کوشش می‌کنند، کم‌کم خود را از بندهای استعماری رها کنند و به کامیابی‌هایی نیز رسیده‌اند. در باختر آسیا بیشتر کشورهای در دست زلمندارانی است که عملاً نه در خدمت منافع داخلی و منطقه‌ای، بلکه خواسته و یا ناخواسته در خدمت کنسرن‌های بین‌المللی و غول‌های مالی جهانی عمل می‌کنند و به شدت فلسد و مصرفی هستند. شیخ‌نشین‌های سنت‌گرای کشورهای عربی، بخش بزرگی از دولتمردان و کارگزاران دولت‌های عراق و افغانستان و پاکستان و پاره‌ای از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و نیز جریان‌های واپس‌گرایی مانند طالبان و القاعده و جمهوری اسلامی را، علیرغم پارهای از گرایشات کم‌رنگ استقلال‌طلبانه، می‌توان در این چارچوب ارزیابی کرد. جنبش‌های آزادی‌بخش در باختر آسیا یا مانند ایران و افغانستان و عراق به شکست انجامیدند یا هنوز در دوران زایش خود هستند. در این گستره تنها کشوری که زیر رهبری بورژوازی و خره بورژوازی و بخشی از زمینداران به استقلال کم و بیش بهتری دست یافت، هندوستان بود که بازتاب رویکردهای اقتصادی آن به ویژه در سل‌های کنونی به خوبی نگرینستی است.

در خاوری آسیا اما، جنبش‌های رهایی بخش از یک سو و کوشش برای رهایی از بندهای وابستگی استعماری در راه رشد سرمایه‌داری از دیگر سو، در گارهای دیگری ره‌نورد بودند. بورژوازی ژاپن در سده‌های گذشته با در پیش گرفتن

سیاستی همسو با پتر در روسیه تزاری، با رفورم از بالا عملاً به یک کشور پیشرفته سرمایه‌داری فراروید. پارهای از کشورها مانند کره جنوبی با در هم آمیزی هدف با کنسرن‌های جهانی از راه توسعه‌ی صنعت صادراتی، به رشد اقتصادی بالا و انباشت سرمایه‌ی چشمگیر رسیدند و با وجود نشیب و فرازها و رسایی و نارسایی‌ها، خود را به عنوان شریک و نه دست‌نشانده کنسرن‌ها، به رقبا تحصیل کردند. در خاوری آسیا بر خلاف شکست‌های باختر آسیا، جنبش‌های رهایی بخش توده‌ای در چین، کره، ویتنام و لاوس و غیره به پیروزی رسیدند و برخی از آنان بخشی از دستاورد های خود را، علیرغم دشواری‌های بسیار، تاکنون حفظ کرده‌اند. اگر در بازار مشترک اروپا، کشورهای توانمند آلمان و فرانسه هسته‌ی مرکزی بازار همگرایی فرامرزی اروپا را تشکیل می‌دهد، در خاوری آسیا این نقش را گام به گام ژاپن و چین بازی می‌کنند. دو اقتصاد بالقوه توانمندی که می‌توانند این وظیفه را در منطقه‌ی باختر آسیا به عهده گیرند، کشورهای ایران و هندوستان هستند. می‌توان در این زمینه به توان‌های اقتصادی و مالی ترکیه و عربستان و دیگر کشورهای نفت‌خیز نیز تکیه کرد. ایران ولی هنوز مانند بسیاری از کشورهای منطقه در بندهای روبنای سیاسی واپس‌گرا اسیر است و در عمل در راستای منافع انحصارها و به ویژه انحصارهای نظامی بین‌المللی گام بر می‌دارد.

پارهای از کارشناسان اقتصادی و سیاسی برون مرزی پیش‌بینی می‌کنند که در صورت ایجاد نگرگونی در بافت کنونی کشورهای باختر آسیا، با توجه به بنیه‌ی مالی بالا، می‌توان چشم انتظار یک قطب تازه‌ی جهانی در کنار قاره‌ی آمریکا و اروپا و خاوری آسیا بود که در آینده‌ی جهل نقش بر جسته‌ی بازی خواهد کرد. می‌توان ادعا کرد که راه پیروزی بر سیاست‌های نواستعماری در باختر آسیا و دستیابی به جایگاه اقتصادی براننده و در خور تاریخ چندهزارساله‌ی این کشورها، بویژه از گردنه‌ی چیرگی بر ارتجاع حاکم بر ایران و حذف دستگاه بوروکراتیک-نظامی ناکارا و دین سالار و متکی بر واپس مانده ترین بخش سرمایه‌داری کشور، همانا

بورژوازی بازرگانی انگلی-واراتی، می‌گذرد، چرا که کشور ما در گذشته تقریباً همواره نقش برجسته‌ای در باختر آسیا بازی کرده است.

با همه‌ی این دشواری‌ها می‌توان به ویژه در چارچوب سازمان اکو، گام به گام در راه پرسنگلاخ همگرایی منطقه‌ای و رهایی از وابستگی به کنسرن‌های بین‌المللی گام‌هایی برداشت. از میان آماج‌های کوتاه مدت این سازمان، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: گسترش راه‌های آبی و زمینی و هوایی با کاهش سدهای گمرکی، کوشش برای ایجاد بانک منطقه‌ای، همکاری بانک‌های مرکزی کشورهای عضو، کوشش برای گام برداشتن در راه پایه‌گذاری واحد پول یگانه و اجرای سیاست‌های مالی متضمن رشد پایدار و کاهش تورم و حفظ ارزش پول داخلی و هماهنگی سیاست‌های مالیاتی، تعیین یک سقف برای کسری در بودجه‌های دولتی، کمک به رشد اقتصادی در کشورهای کم‌توان، کوشش برلی ایجاد یک ناوگان دریایی - اقتصادی توانمند منطقه‌ای برای چیرگی دوباره پس از چند سده بر آب‌های خلیج‌فارس و دریای عمان و اقیانوس هند و دریای خزر و دریای سرخ و بخش خاوری دریای مدیترانه، گسترش سرمایه‌گذاری‌های منطقه‌ای به جای انباشت کردن دلارهای نفتی در مراکز مالی نیویورک و لندن و سوئیس، ایجاد تسهیلات برای گردش سرمایه میان کشورهای عضو، تنظیم سیاست مشترک کشاورزی، کوشش برای ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌ها، هماهنگی قوانین داخلی، ایجاد شرایط برای کارایی نیروی کار کشورهای منطقه، به کارگیری امکانات در جهت بالا بردن سطح زندگی کشورهای عضو، کوشش برای رهایی از وابستگی تکنولوژیک از جمله در صنایع کشف و استخراج منابع نفتی و گازی از راه گسترش همکاری‌ها و سرمایه‌گذاری‌های متقابل، بهره‌گیری از برتری‌های جغرافیایی و طبیعی برای بالا بردن سطح رقابت‌پذیری کالاهای تولیدی و گسترش همکاری‌های اجتماعی و فرهنگی و علمی و اداری.

با گام نهادن در این راه‌ها، می‌توان بر بخش کوچکی از دشواری‌های داخلی کشورهای رو به رشد منطقه چیره شد و کم‌کم بازمانده‌های مناسبات فئودالی و

پدرشاهی را که خلسنگله رشد گرایشات واپس‌گرا و سنتی و مذهبی و مانعی در راه رشد شتابان صنعتی است، از صحنه بیرون راند. واپس‌مانگی فرهنگی بازمانده در جوامع باختر آسیا، نه تنها زمینه را برای تثبیت حکومت‌های فاسد و ناکارآمد و انگلی آماده می‌کند، بلکه پهنه‌ای است برای بهره‌گیری ریاکارانه‌ی کنسرن‌های بین‌المللی و پیش از همه میلیتاریستی، برای جلوگیری از رشد اقتصادی و میلیتاریزه کردن منطقه و تحویل مسابقه‌ی پرهزینه تسلیحاتی از این روی گسترش همکاری اقتصادی فرامرزی، می‌تواند تنها بر شالوده‌ی ایجاد امنیت و ثبات و صلح پایدار در منطقه استوار باشد. بیهوده نیست که در سازمان ASEAN و آسیای جنوب خاوری، نخستین بند همکاری‌ها، اشاره دارد به تحکیم پایه‌های صلح در منطقه‌ی زیر پوشش⁽⁶⁴⁰⁾ سازمان همکاری باختر آسیا نیز می‌تواند بر آماج‌های زیر پوشش کف: بیرون راندن نیروهای نظامی بیگانه، ایجاد مقررات و تسهیلات برای امنیت منطقه به کمک کشورهای عضو، همکاری‌های نظامی مشترک و صلح‌جویانه، پایان جنگ‌ها و تنش‌های منطقه‌ای، کاهش هزینه‌های غیرضرور نظامی، تامین نیازهای تسلیحاتی ضرور به گونه برجسته از کشورهای عضو، برچین هم‌پایه‌های پایگاه‌های نظامی کشورهای غیرعضو، کوشش برای انحلال تمامی پیمان‌های نظامی در پهنه‌ی جهانی و تلاش برای ایجاد جهانی آزاد از جنگ‌افزارهای گسترش همگانی.

دستیابی به این آماج‌ها که به ویژه از دالان تغییر گام به گام یا یکباره‌ی ساختار واپس‌مانده‌ی سیاسی-اقتصادی کشورهای باختر آسیا می‌گذرد، می‌تواند مانند آزمون‌های دیگر کشورهای کم‌پای رو به رشد آسیا و آفریقا و امریکای لاتین، از سوی بورژوازی صنعتی یا نیروهای دمکرات و انقلابی رهبری شود. نگرگونی‌های سیاسی-اقتصادی در ونزوئلا، بولیوی، نیکاراگوئه، برزیل و غیره نشان می‌دهند که جنبش‌های ضد استعماری در کشورهای رو به رشد خاموش نشده و پس از یک دوره‌ی رکود، به تکاپو و جوشش در آمده‌اند. به نظر می‌رسد که در باختر آسیا، مردم ایران علیرغم شکست‌های گذشته، برای چندمین بار در تارک پرچمداری

مبارزه برای رهایی از ستم نواستعماری، طرد روبنای ارتجاعی-مذهبی و واپس‌مانگی اجزاعی، رنسانس فرهنگی و ایجاد زمینه برای رشد اقتصادی در پهنه‌ی داخلی و گسترش همکاری بیشتر در پهنه‌ی فرامرزی منطقه‌ای هستند.

سرچشمه‌ها

- 1 چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی نصرالدینشاه اعتماد السلطنه، محمد حسن خان - به کوشش یرج صفحات 125-134 اقتض - 1379
- 2 ایران، سه دهه انقلاب 1 شده و طه تا انقلاب اسلامی - ذراهمیان، دواند ترجمه فروموند و شمس آری، صفحه‌های 46-53 و شله‌چی - 1379
- 3 تاریخ‌نویس ایران، صفحات 90-55 یوفف، م.س.، استکهلم 1356
- 4 ایران در نو سده‌ی ولیمین، صفحات 85-75 طبری، احسان، تهران 1360، صفحات 85-75
- 5 تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا مهنوی، عدالرضا هوشنگ - 1381
- 6 چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی نصرالدینشاه اعتماد السلطنه، محمد حسن خان - به کوشش یرج صفحات 698-732 اقتض - 1379
- 7 چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی نصرالدینشاه اعتماد السلطنه، محمد حسن خان - به کوشش یرج صفحات 124-125 اقتض - 1379
- 8 فرقی و نشیبه تجدد - صفحه 10 بهنام، جمشید - 1375
- 9 جسد هلی نو تاریخ - صفحه 18 طبری، احسان - قشتر در آلمان
- 10 تاریخ مشروطه ایران - صفحه 234 کسروی، همد - سال 1377
- 11 نظری به بخش کارگری در ایران - صفحه 15 کامیختن، عدالصد - 1972
- 12 تاریخ روابط ایران و آلمان - صفحه 94 مارتق، برادفورد. جی. - ترجمه ب. آزاد و 6. اودسال 1368
- 13 ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی - ذراهمیان، برادند ترجمه فروموند و شمس آری صفحه 108 و شله‌چی - 1379
- 14 گوشه‌هایی از تاریخ معاصر ایران - صفحه 14 مهرین، رسول - 1361
- 15 ایران در نو سده ولیمین - صفحه 40 طبری، احسان
- 16 گوشه‌هایی از تاریخ معاصر ایران - صفحه 18 مهرین، رسول - 1361
- 17 تاریخ‌نویس ایران، فصل 4 یوفف، م.س.، استکهلم 1356
- 18 بانگ‌نگاری در تاریخ معاصر ایران - صفحه 54 یگندو، رضا - 1382
- 19 بانگ‌نگاری در تاریخ معاصر ایران - صفحه 41 یگندو، رضا - 1382
- 20 فرقی و نشیبه تجدد - صفحه 12-13 بهنام، جمشید - نشر فرزاد 1375

- 21 ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ذراهمیان، برادند ترجمه فروموند و شمس آری تهران 1379 فصل سوم و شله‌چی - 1379
- 22 تاریخ‌نویس ایران، استکهلم 1356، صفحه 70 یوفف، م.س. - سال 1356
- 23 صدفاتی چند از بخش کارگری در دوران اول سلطنت آوندین، اردشیر - 1358
- 24 رضاشاه 1922 تا 1933 - صفحه 127 صدفاتی چند از بخش کارگری در دوران اول سلطنت آوندین، اردشیر - 1359
- 25 رضاشاه 1922 تا 1933 - صفحه 46 نفت ایران و امپریالیسم نفت خوار - صفحه 12 صفوی حمید - 1967
- 26 سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی 1300 تا مهنوی، عدالرضا هوشنگ - 1381
- 27 سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی 1300 تا مهنوی، عدالرضا هوشنگ - 1381
- 28 1357 - صفحه 57-50 تاریخ‌نویس ایران، استکهلم 1356، صفحه 75 یوفف، م.س. - سال 1356
- 29 بانک لاری گرد آوری شده از سوی نگارنده، سرچشمه‌ها در پایان کتاب
- 30 بانک لاری گرد آوری شده از سوی نگارنده، سرچشمه‌ها در پایان کتاب
- 31 بانک لاری گرد آوری شده از سوی نگارنده، سرچشمه‌ها در پایان کتاب
- 32 تاریخ‌نویس ایران، استکهلم 1356، صفحه 88 یوفف، م.س. - سال 1356
- 33 نفت ایران و امپریالیسم نفت خوار - صفحه 10-20 صفوی حمید - 1967
- 34 ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ذراهمیان، برادند ترجمه فروموند و شمس آری تهران 1379 صفحه 125 و شله‌چی - 1379
- 35 Das Japanische Kaiserreich S. 307 Hall, John Whitney- Fischer Verlag 1980
- 36 Das Japanische Kaiserreich S. 297-299 Hall, John Whitney- Fischer Verlag 1980
- 37 جسد هلی نو تاریخ - صفحه 82 طبری، احسان - قشتر در آلمان
- 38 ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی - ذراهمیان، برادند ترجمه فروموند و شمس آری صفحه 130-138 مارتق، برادفورد. جی. - ترجمه ب. آزاد و 6. اودسال 1368
- 39 تاریخ روابط ایران و آلمان - صفحه 320 نظری به بخش کارگری در ایران - صفحه 50 کامیختن، عدالصد - 1972
- 40 عدلی معاصر آسیا و آفریقا - صفحه 32 اولیفنسکی، ر. ترجمه غی گلاوژ - سال 1358
- 41 حزب توده و محمد مصوق - صفحه 11 کیپوری نورلین - 1359
- 42 تاریخ‌نویس ایران - صفحه 122 یوفف، م.س. - سال 1356
- 43 ساقچه توده سال 1349 - صفحه 50 توده قشترات توده 1359
- 45 IranJ. anner Weg durch Diktaturen Geschichte und Perspektiven Seite 102 Pohl, Winfried Berlin 1985 Fress Edition GmbH
- 46 مصوق، محمدنه قشترات راسق، تهران 1358
- 47 تجزیه 28 مرداد، نظری به تاریخ جنبش ملی شمس نفت جرانشیر، ف.م. - سال 1359
- 48 تاریخ‌نویس ایران، استکهلم 1356، صفحه 186-180 یوفف، م.س. - سال 1356

76	اقتصاد ایران 6 تیلو - صفحه 47-41	پیام امروز ، نشریه 1379
77	سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی 1300 تا 1357 - صفحه 460-459	مهدوی عبدالرضا هوشنگ - 1381
78	اقتصاد ایران 6 تیلو - صفحه 47-41	پیام امروز ، نشریه 1379
79	سلبی معضرات آسیا و افروز - صفحه 248-235	اولیفسکی ر. ترجمه غی گلاویژ - سال 1358
80	ایران بین دو انقلاب ز شروطه تا انقلاب اسلامی - صفحه 314	پراهمیان، پروانه ترجمه فیروزمند و شمس آوری و شله جی - 1379
81	Zum Problem unterschiedlicher Positionen einzelner Entwicklungsländer - S. 215	Kim, Chae-Gyong - Studienverlag Dr. N. Brockmeyer B oclum
82	Zum Problem unterschiedlicher Positionen einzelner Entwicklungsländer - S. 215-216	Kim, Chae-Gyong - Studienverlag Dr. N. Brockmeyer B oclum
83	Zum Problem unterschiedlicher Positionen einzelner Entwicklungsländer - S. 216	Kim, Chae-Gyong - Studienverlag Dr. N. Brockmeyer B oclum
84	ایران بین دو انقلاب ز شروطه تا انقلاب اسلامی - صفحه 400	پراهمیان، پروانه ترجمه فیروزمند و شمس آوری و شله جی - 1379
85	سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی 1300 تا 1357 - صفحه 405-348	مهدوی عبدالرضا هوشنگ - 1381
86	اقتصاد ایران 6 تیلو - صفحه 47-41	پیام امروز ، نشریه 1379
87	Oil state and industrialization in Iran Cambridge University Press	Karshems Masou-Cambridge Oil state and industrialization in Iran Cambridge University Press
88	ایران بین دو انقلاب ز شروطه تا انقلاب اسلامی - صفحه 398	پراهمیان، پروانه ترجمه فیروزمند و شمس آوری و شله جی - 1379
89	تاریخ نوین ایران، استکلام 1356، صفحات 298	یوسف، م.س. - سال 1356
90	اقتصاد ایران 6 تیلو - صفحه 47-41	پیام امروز ، نشریه 1379
91	اقتصاد ایران 6 تیلو - صفحه 47-41	پیام امروز ، نشریه 1379
92	بذک لاری گرد آوری شده از سوی نگارنده، سرچشمه ها در بیان کتاب	1379
93	اقتصاد ایران 6 تیلو - صفحه 47-41	پیام امروز ، نشریه 1379
94	مورری بر سیر تحولات اقتصادی ایران در دوران پس از انقلاب - صفحه 50-51	دیا شریه سیاسی و تیوریک، - بهار 1372
95	انقلاب و گذار اقتصادی تجربه ایران - صفحه 201	امیر لهدی هوشنگ - نشریات دانشگاه فیوویک
96	مورری بر سیر تحولات اقتصادی ایران در دوران پس از انقلاب - صفحه 50-51	دیا شریه سیاسی و تیوریک، - بهار 1372
97	بذک لاری گرد آوری شده از سوی نگارنده، سرچشمه ها در بیان کتاب	1377
98	اقتصاد ایران 6 تیلو - صفحه 47-41 و رقم گرد آوری شده	1379
99	بذک لاری گرد آوری شده از سوی نگارنده، سرچشمه ها در بیان کتاب	1379
100	اقتصاد ایران 6 تیلو - صفحه 47-41 و رقم گرد آوری شده	1379
101	سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، مرکز آمار ایران سال 1381	1381
102	آشنوبی با اقتصاد ایران - صفحه 30-29	رزاقی، ابراهیم - سال 1381

49	نفت ایران و امپریالیسم نفت خوار - صفحه 13-10	صفری حمید - 1967
50	نفت ایران و امپریالیسم نفت خوار - صفحه 15	صفری حمید - 1967
51	نفت ایران و امپریالیسم نفت خوار - صفحه 16	صفری حمید - 1967
52	نفت ایران و امپریالیسم نفت خوار - صفحه 25-12	صفری حمید - 1967
53	نفت ایران و امپریالیسم نفت خوار - صفحه 16-17	صفری حمید - 1967
54	روزنامه مردم - 22 دسامبر 1963	توده انتشارات توده 1359
55	Zum Problem unterschiedlicher Positionen einzelner Entwicklungsländer - S. 207	Kim, Chae-Gyong - Studienverlag Dr. N. Brockmeyer B oclum
56	تاریخ نوین ایران، استکلام 1356، صفحه 185	یوسف، م.س. - سال 1356
57	بذک لاری گرد آوری شده از سوی نگارنده، سرچشمه ها در بیان کتاب	1379
58	بذک لاری گرد آوری شده از سوی نگارنده، سرچشمه ها در بیان کتاب	1379
59	بذک لاری گرد آوری شده از سوی نگارنده، سرچشمه ها در بیان کتاب	1379
60	ایران بین دو انقلاب ز شروطه تا انقلاب اسلامی - صفحه 383	پراهمیان، پروانه ترجمه فیروزمند و شمس آوری و شله جی - 1379
61	تاریخ نوین ایران، استکلام 1356، فصل 8	یوسف، م.س. - سال 1356
62	Zum Problem unterschiedlicher Positionen einzelner Entwicklungsländer - S. 257	Kim, Chae-Gyong - Studienverlag Dr. N. Brockmeyer B oclum
63	بذک لاری گرد آوری شده از سوی نگارنده، سرچشمه ها در بیان کتاب	1379
64	تاریخ نوین ایران، استکلام 1356، صفحه 35	بروتس، کن. ترجمه ا. پویا - سال 1361
65	تاریخ نوین ایران، استکلام 1356، صفحات 235-219	یوسف، م.س. - سال 1356
66	ایران بین دو انقلاب ز شروطه تا انقلاب اسلامی - صفحه 389	توده انتشارات توده 1359
67	سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، مرکز آمار ایران سال 1349 - صفحه 55-54	1349
68	اراده آذربایجان - اریهشت 1348	نشریه آذربایجان سال 1348
69	Zum Problem unterschiedlicher Positionen einzelner Entwicklungsländer - S. 204	Kim, Chae-Gyong - Studienverlag Dr. N. Brockmeyer B oclum
70	Iran-Langer Weg durch Diktaturen - Set 70-78	Pohlh. Winfried- Bedin 1985 E xpress Edition GmbH
71	Iran-Langer Weg durch Diktaturen - Seite 78	Pohlh. Winfried- Bedin 1985 E xpress Edition GmbH
72	اقتصاد ایران 6 تیلو - صفحه 47-41	پیام امروز ، نشریه 1379
73	ایران بین دو انقلاب ز شروطه تا انقلاب اسلامی - صفحه 390-391	پراهمیان، پروانه ترجمه فیروزمند و شمس آوری و شله جی - 1379
74	Die aussenpolitische Entwicklung des Iran im Spiegel deutschsprachiger Zeitungen s234	Yamani Schahms Politikwissenschaft Band 1, Hieronymus

130	بین می برده تیز	همشهری، روزنامه ایران 2 دی 1383
131	نورنگری نیروی نسلی و انتقال - صفحه 3	سامان برنمه، دفتر جمعیت و نیروی نسلی 1352
132	اقتصاد ایران 6 تیلو - صفحه 47-41	پیام امروز ، نشریه 1379
133	بررسی اقتصاد ایران	بی بی سی - سایت اینترنتی گنگستان سال 2004
134	بذک لاری گرد آوری شده از سوی نگارنده، سرچشمه ها در بیان کتاب	1379
135	سلبی معضرات آسیا و افروز - صفحه 168-165	اولیفسکی ر. ترجمه غی گلاویژ - سال 1358
136	مجلس مجبور بر بندت 6,5 میلیارد دلار را به دولت داد	حیات نو، روزنامه ایران 20 اسفند 1382
137	نرخ دیگری در سال گذشته اعلام شد، تیز	کیهان، روزنامه ایران 20 آبان 1383
138	نرخ تورم به 16,4 درصد رسید، تیز	دنیای اقتصاد، روزنامه ایران 8 آبان 1382
139	گنج شیگان موضوع اقتصادی ایران - سخی ا. مولف جمال زاده محمد غی - 1375	1375
140	بودجه گاهنامه 28 مرداد 1382	مردم، گاهنامه 28 مرداد 1382
141	سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، مرکز آمار ایران سال 1381، صفحه 57	1381
142	آشنوبی با اقتصاد ایران - صفحه 92	رزاقی، ابراهیم - سال 1381
143	بذک لاری گرد آوری شده از سوی نگارنده، سرچشمه ها در بیان کتاب	1379
144	آشنوبی با اقتصاد ایران - صفحه 94	رزاقی، ابراهیم - سال 1381
146	Die religiösen Grenzen des wirtschaftlichen Wachstums 87	Gharagozou Davoud - Universität Marburg 1987
147	مقالات ها و تریسند تخصصی، تیز	دنیای اقتصاد، روزنامه ایران 28 آذر 2003
148	فقط 30 درصد مالیاتهای کشور وصول شد، تیز	کیهان، روزنامه ایران 20 آبان 1383
149	میزدین ضنص سازمان امور مالیاتی، تیز	همشهری، روزنامه ایران 2 دی 1383
150	Die Golfstaaten sind vom Erdöl abhängig	Frankfurter Allgemeine Zeitung 2.6.2004
151	رشد 44 درصدی توریسیم در ترکیه	حیات نو، روزنامه ایران 17 تیز 1383
152	سلی 500 هزار ایرانی به ترکیه می روند، تیز	حیات نو، روزنامه ایران 1 بهمن 1382
153	بررسی های گزیردی توسعه صفحه 1537	رییس دقا، فیروز - تهران 1380
154	از موج تا طوفان، صفحه 367	مومنی، باقر - آلمان
155	اغراض مجیر، شوری اسلامی، نیت به دولتت	همشهری، روزنامه ایران 12 آذر 1383
156	رویه از صفتن خیره آری، تیز	مومنی، باقر - آلمان
157	Der Irak ist hoch verschuldet	Frankfurter Allgemeine Zeitung 10.4.2003
158	Mulkauf Raumfahrt	Stern Nummer. 2 - 5.1.2005

103	آشنوبی با اقتصاد ایران - صفحه 33-29	رزاقی، ابراهیم - سال 1381
104	امل علی ایران - صفحه 4	اطلاعات، روزنامه ایران 6 آبان 1369
105	ملک وزع در ایران - صفحه 436	لغون، اک. بر ترجمه منجهر اهری - سال 1377
106	Wissenschaftliche Veröffentlichungen Neue Folge 12 Seite 23-25	Neumann N- Herausgabe von Prof. E. Lehmann 1953
107	الویها و خنص تنید مفع ملی ایران در آسیا مرکزی و قفقاز - صفحه 88 تا 83	اطلاعات، سبسی-اقتصادی شطره 145-146 شماره اول و دوم سال 1378
108	گزیردی شمال جنوب به 10 کشور رسید	همشهری، روزنامه ایران 12 آذر 1383
109	آشنوبی با اقتصاد ایران - صفحه 38	رزاقی، ابراهیم - سال 1381
110	اقتصاد ایران - صفحه 51	برنمه، حمید - سال 1375
111	بذک لاری گرد آوری شده از سوی نگارنده، سرچشمه ها در بیان کتاب	1379
112	مساجه با شرق، تهران 22.06.2004	درخشلی، ج 2004
113	سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، مرکز آمار ایران سال 1381، صفحه 57	1381
114	بذک لاری گرد آوری شده از سوی نگارنده، سرچشمه ها در بیان کتاب	1379
115	جمعیت ایران هفت سال دیگر به 90 میلیون نفر می رسد	همشهری، روزنامه ایران 19 آبان 1383
116	Rundschreiben Nummer 3, Seite 1	Deutsche-Iranische Handelskammer Mhi 1994 Hmburg
117	جمعه شناسی روستای ایران - صفحه 77	خسروی خسرو - سال 1376
118	جمعه شناسی روستای ایران - صفحه 80	خسروی خسرو - سال 1376
119	جمعه شناسی روستای ایران - صفحه 88-76	خسروی خسرو - سال 1376
120	جمعیت ایران هفت سال دیگر به 90 میلیون نفر می رسد	همشهری، روزنامه ایران 19 آبان 1383
121	چهره ملی از جنبش رهلی بخش ملی - صفحه 12-10	اولیفسکی ر. سال 1361
122	Die Kraft des Lernens PP. 18-23	Gandhi, Mahatma Zürich 2000
123	چهره ملی از جنبش رهلی بخش ملی، صفحه 47-44	اولیفسکی ر. سال 1361
124	ورید کلاهای قاچاق یک میلیون فرصت شغلی را ز	کیهان، روزنامه ایران 20 آبان 1383
125	آشنوبی با اقتصاد ایران - صفحه 123	رزاقی، ابراهیم - سال 1381
126	تاریخ ایران از دوران باستان تا سده 18 میلادی - صفحات 124-125	یگلو سکا، ز. و همکاران، ترجمه کریم کلاویژ 1352 - انتشارات پیام
127	Die Industrialisierung der arabischen OPEC-Länder und des Iran, Seite 34	Ochel, Wolfgang Weltforum Verlag ifo
128	نیویورک تیز و اقتصاد ایران، تیز	همشهری، روزنامه ایران 1 مهر 1383
129	ورید کلاهای قاچاق یک میلیون فرصت شغلی را ز	کیهان، روزنامه ایران 20 آبان 1383

- 159 تاریخ هیجده ساله آذربایجان - صفحه 159-161 کسروی، لصد - سال 1378
- 160 بنگک لاری گرد آوری شده از سوی نگارنده، سرچشمه ها در بیان کتاب
- 161 جنب یک میلیارد دلار سرمایه خراجی در 10 ماه حیات نو، روزنامه ایران 1 بهمن 1382
- 162 آشنایی با اقتصاد ایران - صفحه 119 رزاقی، ایراهیم - سال 1381
- 163 قمتا در 30 سال گذشت 190 برابر شده است، تیزر
- 164 Austvik Ole Gunnar - Nr. 9-10 Austvik, Ole Gunnar - Bedin 2004
- 165 بل توسعه نیافتگی بر دوش نرفته تیزر
- 166 Thvsen-Krum kauft Aktien von Frankfurter Allgemeine Zeitung 20.5.2003
- 167 Iran in der Krise. Weichenstellungen für die Zukunft, Seite 184 Maul, Hanns 1981 Verlag Neue Gesellschaft Bonn
- 168 سرمایه های سرمایه داران خاورمیانه، تیزر
- 169 جنب یک میلیارد دلار سرمایه خراجی در 10 ماه حیات نو، روزنامه ایران 1 بهمن 1382
- 170 بنگک لاری گرد آوری شده از سوی نگارنده، سرچشمه ها در بیان کتاب
- 171 جنب یک میلیارد دلار سرمایه خراجی در 10 ماه حیات نو، روزنامه ایران 1 بهمن 1382
- 172 ذخایر ارزی ایران در پایان سال 2004 به 25 میلیارد خراسان، روزنامه ایران 12.1.2004
- 173 اعتراض مجلس شورای اسلامی نسبت به برنشت بی رویه از صندوق ذخیره ارزی، تیزر
- 174 Deutsche-Itanische Handelskammer Rundscheiben Nummer 3, Seite 3 Mai 1993 Hamburg
- 175 Iran-Langer Weg durch Diktaturen und Geschlechter - Seite 231 Pohly, Winfried - Bedin 1985 Express Edition GmbH
- 176 Die Industrialisierung der arabischen OPEC-Länder u des Iran-Petrochime, Seite 225 Helmut Weltforum Verlag ifo 74
- 177 Zum Problem unterschiedlicher Positionen einzelner Entwicklungsländer - S. 38 Kim, Chae-Gyong - Studienverlag Dr. N. Brockmeyer Bochum
- 178 بل توسعه نیافتگی بر دوش نرفته تیزر
- 179 یازار تولید خودروهای کشور از 1.5 میلیارد دستگاه فرقه می رود تیزر
- 180 تمام خودروها تا سه سال دیگر گازسوز می شوند، تیزر
- 181 ظرفیت فولاد کشور به 20 میلیون تن می رسد، تیزر
- 182 ایران 21 مین تولید کرده فولاد جهان شناخته شد
- 183 Deutsche-Itanische Handelskammer Rundscheiben Nummer 1, Seite 4 Mai 1995 Hamburg
- 184 بل توسعه نیافتگی بر دوش نرفته تیزر
- 185 ایران پایان ماجرا، تیزر
- 186 اقتصاد ایران لصد 3,6 درصد رشد می کند، تیزر
- 187 ایران در رویه سمندو لدمی کند، تیزر
- 188 بنگک لاری گرد آوری شده از سوی نگارنده، سرچشمه ها در بیان کتاب
- 189 Entwicklungsfänder heute, Seite 25 Scholz, Ilse - Dietz Verlag 1989
- 190 جشن خوکفلی گندم در تهران و سراسر کشور، تیزر
- 191 افزایش تولید گندم در سل گذشته، تیزر
- 192 جشن خوکفلی گندم در تهران و سراسر کشور، تیزر
- 193 آشنایی با اقتصاد ایران - صفحه 119 رزاقی، ایراهیم - سال 1381
- 194 افزایش تولید گندم در سل گذشته، تیزر
- 195 طی 6 سال گذشته ظرفیت نیروگاه های بلی 2,5 برابر شده است، تیزر
- 196 برزله مکفیزه کرفن کشاورزی تدقی یافت، تیزر
- 197 جمعیت ایران 7 سل دیگر به 90 میلیون می رسد، تیزر
- 198 سرفه مصروف برغ و طهی در جهن سه برابر لوزان است، تیزر
- 199 خاص گرگی بومی و مردم علمی در ایران نوشته ای لمتون پیشامردن - صفحه 114
- 200 صادرات و واردات کالاها و قرض الحسنه ها
- 201 ورود کلاهای قاچاق یک میلیون فرصت شغلی را از بین می برد، تیزر
- 202 آشنایی با اقتصاد ایران - صفحه 224 رزاقی، ایراهیم - سال 1381
- 203 اقتصاد ایران - صفحه 114
- 204 اقتصاد ایران - صفحه 115
- 205 شاخصهای آموزش علمی در ایران - صفحه 76
- 206 قلمی طم کشر زندانیان سیاسی، تیزر
- 207 کنترل 67، صفحه های 17 و 292
- 208 بنگک لاری گرد آوری شده از سوی نگارنده، سرچشمه ها در بیان کتاب
- 209 Strukturelle Abhängigkeit in den Außenbeziehungen, Der Fall Iran Seite 185 Siege, Dr. Ludwig 1980 HWWA
- 210 نکده بر طرح سپاه صنعت، تیزر
- 211 زفن دیره هختنشی، تیزر
- 212 Iran Sitterpdiizei greif durch
- 213 افزایش قلمی لدموسی
- 214 جڈگاه پژوهش و پژوهشگاه در ایران و دیگر جڈگاه ها - صفحه 86
- 215 شورای تهیه کاغذ برای انتشار روزنامه
- 216 تاریخ ایران از دوران باسفن تا سده 18 میلادی - پگولوسیکان، ن و هسکران ترجمه کریم کلوزر صفحه 550
- 217 سادفله لماری کشور - صفحه 837
- 218 گچ شلگوان اوضاع اقتصادی ایران - صفحه 5
- 219 Bauern, Mullaş Shahinschah Seite 110 Brenñes Burchar - Verlag Urania Leipzig 1972
- 220 گچ شلگوان اوضاع اقتصادی ایران - صفحه 9
- 221 تاریخ ایران، صفحه 262
- 222 جسدر هلی بر تاریخ - صفحه 85
- 223 Bauern, Mullaş Shahinschah Seite 112 Brenñes Burchar - Verlag Urania Leipzig 1972
- 224 Zeitwend in Iran p. 187 Bücher Winet Verlag in Bberbach an der Riss 1949
- 225 So werden wir den Iran los
- 226 Oil, state and industrialization in Iran S. 210 Karstems, Massoud Cambridge University Press
- 227 Wirtschaft in Iran 1986/1987, Seite 11 Geschäftsbericht der Deutschen Iranischen Handelskammer 1988
- 228 Rundscheiben Nummer 2, Seite 2 Deutsche-Itanische Handelskammer Feb. 1994 Hamburg
- 229 Jahrbuch Spiegel, Abschnitt Türkei und Korea Spiegel Jahrbuch Stat isk 2003
- 230 Strukturprobleme des iranischen Entwicklungsaufbau Seite 122 Stetter, Eckat Gernany
- 231 ایران 25 درصد بازار جهانی فوش را دارد، تیزر
- 232 ایران به جمع صادرکنندگان فولاد آلژی جهان رسست، تیزر
- 233 پفته ایران به کشورهای غیر اروپایی صادر می شود، هسهری، روزنامه ایران 12 لاین 1383
- 234 ظرفیت فولاد به 20 میلیون تن می رسد، تیزر
- 235 یزار آزاد تجاری اگر 5 سال 2015، تیزر
- 236 بررسی روند مسدیت تهران و فکارا، تیزر
- 237 بل توسعه نیافتگی بر دوش نرفته تیزر
- 238 صدور یک میلیارد دلار کالا به عراق، تیزر
- 239 ایران در توسعه جکیستان شرکت می کند، تیزر
- 240 گچ شلگوان اوضاع اقتصادی ایران - صفحه 5
- 241 ذخیر ارزی ایران در پایان سال 2004 به 25 میلیارد خراسان، روزنامه ایران 2004.1.13
- 242 نقد اسرژری صنعتی کشور، تیزر
- 243 نقد اسرژری صنعتی کشور، تیزر
- 244 Rundscheiben Nummer 6, Seite 2 Deutsche-Itanische Handelskammer Juni 1993 Nr. 6
- 245 Rundscheiben, Seite 56 Deutsche-Itanische Handelskammer 1986 Hamburg
- 246 Die Entwicklung der Beziehungen Irans zu den Supermächten. Seite 84 Kevenhörster, Prof. Dr. Paul, Münster
- 247 Iran and the International Community, s. 156 Ehteshami, Anoushirvan and Varasteh Manshourl - London 1991
- 248 بل توسعه نیافتگی بر دوش نرفته تیزر
- 249 Aker MTV liefertünftes Schiff an Iran-Reederei aus Die Welt Nr. 290102, 12.6.2004
- 250 IGM will an Superwerft mitbauen Die Welt Nr. 263984, 14.4.2004
- 251 بیشتر کلر خفه هی کنتی سازی زیان هسد
- 252 دعوت بازگشت، قلمی بده حضور در اقتصاد ایران، تیزر
- 253 سند چشم ناز 20 ساله ایران با بلخ شد، تیزر
- 254 سند چشم ناز 20 ساله ایران با بلخ شد، تیزر
- 255 درآمد از مٹی صادرات نفت در آغاز سال جاری تیزر
- 256 برداشت 1,3 میلیارد دلار ل حساب صندوق خوه ارزی برای بزنین، تیزر
- 257 تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دورل صوفیه تا باال: خگ ده حتم - صفحه 171-172
- 258 Volkswirtschaftslehre, Tübingen 1977, pp. 84-87 Gahlen Bernhard -, Tübingen 1977
- 259 سادفله توده سال 1349 - صنعت گرونگون
- 257 اقتصاد ایران 6 تابلو - صفحه 47-41
- 258 Middle East Executive Reports s. 15 Executive Reports April 1995
- 259 بنگک لاری گرد آوری شده از سوی نگارنده، سرچشمه ها در بیان کتاب
- 260 سادفله های لاری کشور
- 261 اسرژری توسعه صادرات جکیزینی واردات، تیزر
- 262 اقتصاد سیاسی توسعه تیزر
- 263 شبه دولتی ها فربه شدند، تیزر
- 264 Iran-Langer Weg durch Diktaturen Pohly, Winfried - Bedin 1985 Express

- 239 ایران در توسعه جکیستان شرکت می کند، تیزر
- 240 جمال زاد ه محمد علی - صفحه 1375
- 241 خراجی ارزی ایران در پایان سال 2004 به 25 میلیارد خراسان، روزنامه ایران 2004.1.13
- 242 نقد اسرژری صنعتی کشور، تیزر
- 243 نقد اسرژری صنعتی کشور، تیزر
- 244 Rundscheiben Nummer 6, Seite 2 Deutsche-Itanische Handelskammer Juni 1993 Nr. 6
- 245 Rundscheiben, Seite 56 Deutsche-Itanische Handelskammer 1986 Hamburg
- 246 Die Entwicklung der Beziehungen Irans zu den Supermächten. Seite 84 Kevenhörster, Prof. Dr. Paul, Münster
- 247 Iran and the International Community, s. 156 Ehteshami, Anoushirvan and Varasteh Manshourl - London 1991
- 248 بل توسعه نیافتگی بر دوش نرفته تیزر
- 249 Aker MTV liefertünftes Schiff an Iran-Reederei aus Die Welt Nr. 290102, 12.6.2004
- 250 IGM will an Superwerft mitbauen Die Welt Nr. 263984, 14.4.2004
- 251 بیشتر کلر خفه هی کنتی سازی زیان هسد
- 252 دعوت بازگشت، قلمی بده حضور در اقتصاد ایران، تیزر
- 253 سند چشم ناز 20 ساله ایران با بلخ شد، تیزر
- 254 سند چشم ناز 20 ساله ایران با بلخ شد، تیزر
- 255 درآمد از مٹی صادرات نفت در آغاز سال جاری تیزر
- 256 برداشت 1,3 میلیارد دلار ل حساب صندوق خوه ارزی برای بزنین، تیزر
- 257 تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دورل صوفیه تا باال: خگ ده حتم - صفحه 171-172
- 258 Volkswirtschaftslehre, Tübingen 1977, pp. 84-87 Gahlen Bernhard -, Tübingen 1977
- 259 سادفله توده سال 1349 - صنعت گرونگون
- 257 اقتصاد ایران 6 تابلو - صفحه 47-41
- 258 Middle East Executive Reports s. 15 Executive Reports April 1995
- 259 بنگک لاری گرد آوری شده از سوی نگارنده، سرچشمه ها در بیان کتاب
- 260 سادفله های لاری کشور
- 261 اسرژری توسعه صادرات جکیزینی واردات، تیزر
- 262 اقتصاد سیاسی توسعه تیزر
- 263 شبه دولتی ها فربه شدند، تیزر
- 264 Iran-Langer Weg durch Diktaturen Pohly, Winfried - Bedin 1985 Express
- 213 افزایش قلمی لدموسی
- 214 جڈگاه پژوهش و پژوهشگاه در ایران و دیگر جڈگاه ها - صفحه 86
- 215 شورای تهیه کاغذ برای انتشار روزنامه
- 216 تاریخ ایران از دوران باسفن تا سده 18 میلادی - پگولوسیکان، ن و هسکران ترجمه کریم کلوزر صفحه 550
- 217 سادفله لماری کشور - صفحه 837
- 218 گچ شلگوان اوضاع اقتصادی ایران - صفحه 5
- 219 Bauern, Mullaş Shahinschah Seite 110 Brenñes Burchar - Verlag Urania Leipzig 1972
- 220 گچ شلگوان اوضاع اقتصادی ایران - صفحه 9
- 221 تاریخ ایران، صفحه 262
- 222 جسدر هلی بر تاریخ - صفحه 85
- 223 Bauern, Mullaş Shahinschah Seite 112 Brenñes Burchar - Verlag Urania Leipzig 1972
- 224 Zeitwend in Iran p. 187 Bücher Winet Verlag in Bberbach an der Riss 1949
- 225 So werden wir den Iran los
- 226 Oil, state and industrialization in Iran S. 210 Karstems, Massoud Cambridge University Press
- 227 Wirtschaft in Iran 1986/1987, Seite 11 Geschäftsbericht der Deutschen Iranischen Handelskammer 1988
- 228 Rundscheiben Nummer 2, Seite 2 Deutsche-Itanische Handelskammer Feb. 1994 Hamburg
- 229 Jahrbuch Spiegel, Abschnitt Türkei und Korea Spiegel Jahrbuch Stat isk 2003
- 230 Strukturprobleme des iranischen Entwicklungsaufbau Seite 122 Stetter, Eckat Gernany
- 231 ایران 25 درصد بازار جهانی فوش را دارد، تیزر
- 232 ایران به جمع صادرکنندگان فولاد آلژی جهان رسست، تیزر
- 233 پفته ایران به کشورهای غیر اروپایی صادر می شود، هسهری، روزنامه ایران 12 لاین 1383
- 234 ظرفیت فولاد به 20 میلیون تن می رسد، تیزر
- 235 یزار آزاد تجاری اگر 5 سال 2015، تیزر
- 236 بررسی روند مسدیت تهران و فکارا، تیزر
- 237 بل توسعه نیافتگی بر دوش نرفته تیزر
- 238 صدور یک میلیارد دلار کالا به عراق، تیزر

- 290 اقتصاد ایران اسل 3,6 درصد رشد می کند تیزر دای اقتصاد، روزنامه ایران 5 ژوئیه 1383
- 291 Frankfurter Allgemeine Zeitung Die Golfstaaten sind vom Erdöl abhängig 2.6.2004
- 292 گفتگوی عضو هیئت علمی دانشگاه بوشهر، روزنامه اسلامی، روزنامه ایران 3 دی 1383
- 293 جمعیت ایران هفت سال دیگر به 90 میلیون نفر می رسد، روزنامه ایران 19 آبان 1383
- 294 از موج 5 طوفان، صفحه 377-379 روزنامه، باقر، آمان
- 295 ایران و قضیه ایران جلد دوم - صفحه 519 Curzen, G. N. انتشارات علمی و فرهنگی سال 1380
- 296 یک چهارم اقتصاد ترکیه در اختیار ماژاست، تیزر حیات نو، روزنامه ایران 24 آذر 1382
- 297 توسعه نیشه ای غریب در ایران حیات نو، روزنامه ایران 23 آذر 1382
- 298 پخش به تریخ - صفحه 393 پهلوی، محمدرضا شاه - ترجمه لوزان، حین - سال 1379
- 299 بانک ایرانی گرد آوری شده از سوی نگارنده، سازمان، روزنامه ریزی کشور، مرکز سرچشمه ها در بیان کتاب مهر ایران
- 300 گدی تر ساماندهی اقتصاد ایران امروز - صفحه 107 مهر ایران، نشر علمی انتشارات طابوس بهشت 1379
- 301 گدی تر ساماندهی اقتصاد ایران امروز - صفحه 107 مهر ایران، نشر علمی انتشارات طابوس، بهشت 1379
- 302 سند چشم نواز 20 ساله ایران باغ شد، تیزر مهر ایران، روزنامه ایران 15 آبان 1382
- 303 سند چشم نواز 20 ساله ایران باغ شد، تیزر مهر ایران، روزنامه ایران 15 آبان 1382
- 304 نوزدهم نیروی هسته ای و انتقال - صفحه 11 سازمان برنامه، دفتر جمعیت و نیروی هسته ای 1352
- 305 نگاه بوکر پژوهش مجلس درباره برنامه چهارم، تیزر ایران و انتخاب مسیر گاز به اروپا
- 306 نگاه بوکر پژوهش مجلس درباره برنامه چهارم، تیزر ایران و انتخاب مسیر گاز به اروپا
- 307 شیبه دولتی ها فریب شدند
- 308 بزرگترین و بزرگترین در سال 2004 حیات نو، روزنامه ایران 15 آذر 1383
- 309 سببیت نامه صفحه 36 نظام لاطک به کوشش جعفر شعل
- 310 سببیت نامه آسیا و آفریقا - صفحات گوناگون اولیفسکی، ترجمه علی گلاویز - 1354
- 311 Geyer, Alfios - der Markt Nr. 2 Jahr 1988 Marketingprognosen mit Zeitreihen, S. 76
- 312 Feddersen, W.C. - der Markt Nr. 1 Jahr 1989 Die Verbesserung der Absatzplanung durch Zeitreihenanalyse, S. 13
- 313 Geyer, Alfios - der Markt Nr. 2 Jahr 1988 Marketingprognosen mit Zeitreihen, S. 84
- 314 خراسان، روزنامه ایران 13.1.2004
- 315 استخراج نفت تا پایان برنامه پنجم، تیزر مهر ایران، روزنامه ایران 10 آذر 1383
- 316 ظرفیت فولاد کشور به 20 میلیون تن می رسد، تیزر حیات نو، روزنامه ایران 13 شهریور 1383
- 317 بل توسعه نیافتگی بر دوش نرفته تیزر مهر ایران، روزنامه ایران 6 آبان 1382

- Management and Planning Organization - Statistical Center of Iran, Tehran State 2003-1970 1
- Report and Balance Sheet Economic - Islamic Republic of Iran Central Bank of the of Central Bank- Tehran 1970-2003 2
- Organization of the Islamic Republic of Iran - Statistical Planning & Budget Planning Organization Tehran 2002 & Budget Publications of An R azaghi, Ebrahim - Introduction to the Economy of Iran, Tehran 2002 3
- Abri shami, Hani d- Iranian Economy, Tehran 1976 4
- Behkish, Mohammad - Mhd - Iranian Economy and Globalization, Tehran 2001 5
- Katozian, Mohammad, Ali H omayoun - Iranian Political Economy, Tehran 1989 6
- Curzen, G. N. - Iran and the Issue of Iran, Tehran 2001 7
- Tehran Jamalzadeh Mohammadali - Ganje Shayegan Economic Conditions of Iran 1996 8
- Safavi, Hamid - Iranian QI and Imperialism, Sassfurt 1967 9
- Isavi, Chales - Economic History of Iran Tehran 1983 10
- Barner, J. - Iranian Economy, National Industries Organization and Planning 1985 Organization Tehran 11
- Economic, Appendices to the Etellaat Monthly, Tehran Nr. 191-- Etellaat, Political 192, Tehran 2003 12
- Khosravi, Khosro - Rural Sociology of Iran Tehran 1997 13
- Mohamadi, Majid - Sociology of Iran Tehran 1999 14
- Statisk, Frankfurt 2003 Spiegel Jahrbuch 15
- Etellaat, Political - Economic, Appendices to the Etellaat Monthly, Tehran Nr. 190-191, Tehran 2003 16
- Etellaat, Political - Economic, Appendices to the Etellaat Monthly, Tehran Nr. 189-190, Tehran 2003 17
- Monetary Fund-IMF Balance of payment, Washington 1978 International 18
- Sela, Avraham - The Continuum Political Encyclopedia of the Middle East 2002 19
- Hall, Darwin C. - Oil and National Security, Energy Policy Journal, Nov. 2002 20

بناک آمان

- 318 ثبت رکورد های جدید در بازار سرمایه کشور حیات نو، روزنامه ایران 25 بهمن 1382
- 319 فعالیت های رهبری بخش ملی دوران معاصر - صفحه اولیفسکی، ترجمه علی گلاویز - 1352-18-16
- 320 فعالیت های رهبری بخش ملی دوران معاصر - صفحه 27 اولیفسکی، ترجمه علی گلاویز - 1353-18-16
- 321 سببیت نامه آسیا و آفریقا - صفحه 37-36 اولیفسکی، ترجمه علی گلاویز - 1354
- 322 سببیت نامه آسیا و آفریقا - صفحه 39 اولیفسکی، ترجمه علی گلاویز - 1355
- 323 سببیت نامه آسیا و آفریقا - صفحه 47 اولیفسکی، ترجمه علی گلاویز - 1356
- 324 سببیت نامه آسیا و آفریقا - صفحه 78 اولیفسکی، ترجمه علی گلاویز - 1357
- 325 سببیت نامه آسیا و آفریقا - صفحه 149-129 اولیفسکی، ترجمه علی گلاویز - 1358
- 326 Austvik Ole Gunnar and Tsvankova, Mariam, Osteuropa Zeitschrift, 2004, No 9-10 Auf dem Weg zur Konvergenz, pp. 301-317
- 327 درباره قراردادهای بیع متقابل حیات نو، روزنامه ایران مهر 1381
- 328 Austvik Ole Gunnar and Tsvankova, Mariam, Osteuropa Zeitschrift, 2004, No 9-10 Auf dem Weg zur Konvergenz, pp. 301-317
- 329 Lafontaine, Oskar - München 1999 Das Herz schlägt links, p. 287
- 330 بانک مرکزی پورامون تورم داده های دریاکی مستقیم
- 331 زمینه تکامل اجتماع، تهران 1356، صفحه 27 متربولسکی، دیک و همکاران - تهران 1356
- 332 اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، صفحه 84 - بهکیش، محمد مهدی - تهران 1380
- 333 اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، صفحه 117 - بهکیش، محمد مهدی - تهران 1380
- 334 Liedtke, Rüdger - Frankfurt 2005 Wem gehört die Republik, pp. 5-7
- 335 Gahlen, Berthard usw. - Tübingen 1977 Volkwirtschaftslehre, p. 122
- 336 Liedtke, Rüdger - Frankfurt 2005 Wem gehört die Republik, pp. 26-25
- 337 اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، صفحه 61 - بهکیش، محمد مهدی - تهران 1380
- 338 اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، صفحه 68 - بهکیش، محمد مهدی - تهران 1380
- 339 اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، صفحه 52 - بهکیش، محمد مهدی - تهران 1380
- 340 اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، صفحه 58 - بهکیش، محمد مهدی - تهران 1380

Edition GmbH Geschichte und Perspektiven - Seite 96

Halbach Axel und Helmschrott Die Industrialisierung der arabischen Helmut Weltforum Verlag ifo 74 OPEC-Länder u des Iran-Petroclime. Seite 74

266 استخراج نفت تا پایان برنامه پنجم، تیزر مهر ایران، روزنامه ایران 10 آذر 1383

267 افزایش نفت قابل برداشت ایران، تیزر حیات نو، روزنامه ایران 15 بهمن 1382

268 نفت ایران و امپریالیسم نفت خوار - صفحه 20-10 صفری حمید - 1967 انتشارات ارنی

269 Pohly, Winfried- Bedin 1985 E xpress Iran-Langer Weg durch Diktaturen Geschichte und Perspektiven - Seite 98 Edition GmbH

270 نفت ایران و امپریالیسم نفت خوار - صفحات گوناگون و اماز سالنامه ها صفری حمید - 1967

271 Pohly, Winfried- Bedin 1985 E xpress Iran-Langer Weg durch Diktaturen Geschichte und Perspektiven - Seite 101 Edition GmbH

272 Bollack Jean - Fischer Verlag 1965 Süd- und Mitelamerika II p. 199'

273 The International Oil Industry Through 1980. s 3

274 تحولات و نفت، تیزر کیون، روزنامه ایران 21 آذر 1383

275 برداشت 1,3 میلیارد دلار از حساب صندوق ذخیره ارزی برای بنزین، تیزر مهر ایران، روزنامه ایران 5 آذر 1383

276 مهر ایران، روزنامه ایران 15 آبان 1382

277 Maul, Hanns 1981 Verlag Neue Iran in der Krise, Weichenstellungen für die Zukunft, Seite 207 Gesellschaft Bonn

278 Probleme des Friedens und des Verhandlungsnoker oder veräessener Sozialismus, Nr. 12 Jahr 1989 Frieden Seite 1687-1690

279 صنایع پتروشیمی و 77 طرح معرفی شده ایران کنونیست، پیگاه اطلاعاتی و اخبار اقتصادی ایران 3.2.2004

280 صادرات محصولات پتروشیمی به 4 میلیارد دلار حیات نو، روزنامه ایران 24 دی 1382

281 Southern Economic Journal, July 1984 An Economic Model of OPEC Collin s 426 R azavi Hossein

282 پیچ فرت نفتی خورمیله 20 میلیارد دلار صرف ایران کنونیست، پیگاه اطلاعاتی و اخبار توسعه نفتی اقتصادی ایران 3.2.2004

283 بوکر پژوهش مجلس گزارشی داده تیزر حیات نو، روزنامه ایران 17 دی 1382

284 برداشت 1,3 میلیارد دلار از حساب صندوق ذخیره ارزی برای بنزین، تیزر مهر ایران، روزنامه ایران 5 آذر 1383

285 درآمد 250 میلیون دلار از تولید متانول عضویه، تیزر حیات نو، روزنامه ایران 21 اسفند 1382

286 WISU-Magazin Nr. 6, Jhr 1993 Chim: Vom Aufenseiter zur Supermacht Seite 483

287 گزارش سال 2004 سازمان تجارت جهانی، تیزر فارس، خبرگزاری ایران 26.10.2004

288 Frankfurter Allgemeine Zeitung Die Golfstaaten sind vom Erdöl abhängig 2.6.2004

289 تولید ناخالص داخلی حیات نو، روزنامه ایران 24 دی 1382

- Source: [8] pp 665-669
- diagramm 14 imports in Lira
Source: [7] pp 82-84
- diagramm 15 exports and trade balance
Source: [7] pp 82-84
- diagramm 16 some costs in 1911
Source: [9] p. 42
- diagramm 17 revenues and costs in 1908
Source: [9] pp 157-165
- diagramm 18 revenue in Gheran in 1908
Source: [9] pp 157-165
- diagramm 19 costs in Gheran in 1908
Source: [9] pp 157-165
- diagramm 20 Sea in 1908: leading shipping routes in Persian Gulf and the Caspian (Loading tons)
Source: [9] pp 64-66
- diagramm 21 major imports in 1911- Gheran
Source: [9] p. 12
- diagramm 22 major exports in 1908- Gheran
Source: [9] p. 16
- diagramm 23 exports in 1908- Gheran
Source: [9] p. 11
- diagramm 24 Imports in 1908- Gheran
Source: [9] p. 11
- diagramm 25 fruits exports in 1908- Gheran
Source: [9] p. 18
- diagramm 26 carpet exported in 1908- Gheran woolen
Source: [9] p. 20
- diagramm 27 extraterritorial trade balance in 1908 in Gheran
Source: [9] pp 11-24
- diagramm 28 million Rials credits of ministries in government budget - in
Source: [7] pp 176-177, [12] p. 98
- diagramm 29 1942-1935 growth of governmental general budget between years
Source: [7] pp 176-177, [12] p. 98
- diagramm 30 oil revenues - in million Lira
Source: [7] p. 137
- diagramm 31 oil revenue growth coefficient

- Source: [1] 2003 p. 71
- diagramm 49 growth of regions between 1987-2003
Source: [1] 2003 p. 6
- diagramm 50 number of rural and urban regions
Source: [1] 2003 p. 6
- diagramm 51 population classification of inhabited villages
Source: [1] 2003 p. 64
- diagramm 52 rural population centralization
Source: [1] 2003 pp 64-66
- diagramm 53 1997-1987 change in number of rural people - comparison of
Source: [1] 2003 pp 64-66
- diagramm 54 families based on number of members
Source: [1] 2003 pp 64-66
- diagramm 55 change in the population structure of families
Source: [1] 2003 pp 64-66
- diagramm 56 average age of marriage
Source: [1] 2003 p. 82
- diagramm 57 population of religious minorities
Source: [1] 2003 p. 67
- diagramm 58 thousand people agriculture sector of core and total workforce in
305. Source: [7] p.
- diagramm 59 economic groups relative distribution of employees based on major
Source: [1] 2003 pp 100-101
- diagramm 60 workforce in industry sector in thousand people
305. Source: [7] p.
- diagramm 61 economic groups relative distribution of employees based on major
Source: [1] 2003 pp 100-101
- diagramm 62 number of employees in public and private sectors
Source: [1] 2003 p. 112
- diagramm 63 employees between years growth and transformation in the structure of
1957- 1997
Source: [1] 2003 p. 112
- diagramm 64 change in number of employees in economic groups
Source: [1] 2003 p. 112
- diagramm 65 unemployment and employment in 2003%
Source: [1] 2003 p. 95
- diagramm 66 based on job relative distribution of 10-year employees and above

- diagramm 1 Iran in selected periods Reduction in fineness of silver money of %
Source: [7] p. 80
- diagramm 2 national production Estimated land tax, agricultural production tax and tax of Iran in thousand Tumans - except customs
Source: [7] p. 89
- diagramm 3 total revenues in Gheran - 1888
Source: [8] p. 387
- diagramm 4 from cities and counties calculated based on revenues in kind (1888- governmental rate (Gheran
Source: [8] p. 576
- diagramm 5 1888- surplus revenues in cities and counties in Gheran
Source: [8] p. 577
- diagramm 6 local the amount withdrawn from city or county revenues for expenditures - Gheran -1888
Source: [8] p. 574
- diagramm 7 other costs in Gheran in 1888
Source: [8] p. 575
- diagramm 8 estimated extraterritorial trade value - Lira
Source: [8] p. 669
- diagramm 9 exports (Tuman) in 1889
Source: [8] p. 665
- diagramm 10 imports (Tuman) in 1889
Source: [8] pp 668-669
- diagramm 11 change in exports
Source: [7] pp 84-85, [11] p. 135
- diagramm 12 change in imports
Source: [7] pp 84-85, [11] p. 135
- diagramm 13 extraterritorial trade balance (Tuman) in 1889

- Source: [7] p. 137
- diagramm 32 export raw oil revenues in million Liras
Source: [7] p. 137
- diagramm 33 raw oil extraction in million tons
Source: [4] p. 318 [2] 1994 p. 228
- diagramm 34 exports without oil
410-408. p. 459, [1] 1995 pp. 262-264, [1] 2000 pp 192 [1]
- diagramm 35 import of goods in tons
p. 239, [1] 2000 pp. 403-406 1995 [1], 449 p 1992 [1]
- diagramm 36 exports and trade balance non-oil
Source: [7] p. 139
- diagramm 37 raw oil extraction in million tons
Source: [4] p. 318 [2] 1994 p. 228
- diagramm 38 export raw oil revenues in Liras
Source: [4] p. 321, [1] 2000 p. 58
- diagramm 39 (billion Rials & export of goods minus oil products (million ton
410-408. p. 459, [1] 1995 pp. 262-264, [1] 2000 pp 192 [1]
- diagramm 40 area of main basins - thousand cubic meter
Source: [1] 2003 p. 38
- diagramm 41 meters volume of water obtained in main basins - billion cubic
Source: [1] 2003 pp 37-38
- diagramm 42 revenues of exported raw oil in billion dollars
Source: [4] p. 321, [1] 2000 p. 58
- diagramm 43 % - population mean annual growth
Source: [1] 2003 p. 48
- diagramm 44 age groups in million people in 1997
Source: [1] 2003 p. 55
- diagramm 45 relation of rural and urban populations
Source: [1] 2003 p. 62
- diagramm 46 1977-1967 increase of population in some cities between
Source: [14] p. 77
- diagramm 47 population classification of cities
Source: [1] 2003 p. 81
- diagramm 48 1997-1987 immigrants entering some provinces in decade of

- diagramm 82** change in oil and tax and others direct information Source: [2] and
- diagramm 83** change in M 2 direct information Source: [2] and
- diagramm 84** interest 2003 direct information Source: [2] and
- diagramm 85** dutch disease in Iran direct information Source: [2] and
- diagramm 86** % foreign investment in Iran in million dollars and 314 .Source: [19] 1978 Vd: 18, 21, 22, [6] p
- diagramm 87** (for investment) in thousand dollars 315 .Source: [6] p
- diagramm 88** % - production share of different sectors in national gross 302 .Source: [7] p
- diagramm 89** disciplines domestic gross product based on agricultural p. 602, [1] 1995 p. 606, [1] 2000 p. 858 1993 [1]
- diagramm 91** value of industrial works based on important disciplines - added 2002 million Rials in Source: [1] 2003 p. 260
- diagramm 92** comparison of - growth rate of added value of industrial workshops 1997 with 2002 p. 260 2003 [1] .Source
- diagramm 93** number of industrial workshops of 10 workers and above Source: [1] 2003 p. 247
- diagramm 94** in some number of industrial workshops of 10 workers and above provinces Source: [1] 2003 pp. 247-248
- diagramm 95** above based added value of industrial workshops of two workers and on part of provinces/ million Rials in 2002 Source: [1] 2003 p. 262
- diagramm 96** workshops in a number number of establishment license of industrial of provinces- year 2003 Source: [1] 2003 p. 243
- diagramm 97** activity number of industrial workshops based on the type of Source: [1] 2003 p. 245
- diagramm 98** private sector of number of the most important industrial workshops in year 2002 Source: [1] 2003 p. 244
- diagramm 99** private sector, 1997- change in the number of industrial workshops of 2002, above 10

- Source: [1] 2003 p. 189
- diagramm 116** fishing vessels between 1992-2002 of change in % Source: [1] 2003 p. 189
- diagramm 117** share of service sector in domestic gross production 302 .Source: [7] p
- diagramm 118** domestic gross product based on economic fields 858 .Source: [1] 1993 p. 602, [1] 1995 p. 606, [1] 2000 p
- diagramm 119** prices of 1983- service group in gross domestic production in fixed billion Rials p. 604, [1] 2000 p. 859 1995 [1] 344 .Source: [4] p
- diagramm 120** share of brokery in gross domestic production Source: [1] 2003 p. 745
- diagramm 121** services group workers side by side other groups 305 .Source: [7] p
- diagramm 122** economic groups in relative distribution of employees based on major 2002 Source: [1] 2003 pp. 100-101
- diagramm 123** number of health institutions Source: [1] 2003 p. 599
- diagramm 124** of the number of health affairs workers between years 1987- increase 2003 Source: [1] 2003 p. 591
- diagramm 125** after 1977 increase of the number of illiterate people before and Source: [1] 2003 p. 536
- diagramm 126** higher education increase of the number of university students in centers between 1987-2003 Source: [1] 2003 p. 575
- diagramm 127** increase rate of students in Azad university Source: [1] 2003 p. 574
- diagramm 128** - 1998 increase of individual consumption in fixed prices of comparison of 1995 with 2002 Source: [1] 2003 p. 777
- diagramm 129** book authoring and translation Source: [1] 2003 pp. 638-641
- diagramm 130** number of general books Source: [1] 2003 pp. 638-641
- diagramm 131** number of press based on concessions Source: [1] 2003 p. 637
- diagramm 132** number of press based on place of publication

- group Source: [1] 2003 p. 109
- diagramm 67** fixed price, 1983 national income and national income per capita in p. 839 p. 605, [1] 2000 1995 [1] , 299 .Source: [4] p
- diagramm 68** composition of total income in urban areas Source: [4] p. 94
- diagramm 69** revenue from oil and relation of government revenue from tax and other gas 187 .Source: [6] p
- diagramm 70** % - some of the income sources of government p. 537, [1] 2000 p. 758 1995 [1] , 295 .Source: [4] p
- diagramm 71** tax revenues in public budget - qm p. 539, [1] 2000 p. 760 1995 [1] , 296 .Source: [4] p
- diagramm 72** tourists tourist income in million dollars - foreign Iran Source: [1] 2003 p. 645
- diagramm 73** tourists coming to Iran Source: [1] 2003 p. 647
- diagramm 74** economic change in the public budget of government based on % disciplines - finalized payments in p. 546, [1] 1998 p. 727 [1] 2000 p. 767 1995 [1]
- diagramm 75** % in public budget payments - comparison of 1977 with 1999 p. 539, [1] 2000 p. 760 1995 [1]
- diagramm 76** deficit in relation fluctuations in development costs and state budget to all costs 189 .Source: [6] p
- diagramm 77** actual government consumption costs - billion Rials Source: [1] 2003 p. 779 and p. 768
- diagramm 78** comparison of 1995 - change in the most important government costs with 2002 Source: [1] 2003 p. 779 and p. 768
- diagramm 79** of 1977 growth of some data of banking system in % - comparison with 2000 302 .Source: [4] p
- diagramm 80** change in currency direct information Source: [2] and
- diagramm 81** increase of inflation index and overall index 181 .Source: [6] p

- Source: [1] 2003 p. 244
- diagramm 100** machinery - billion change in the formation of gross fixed capital in Rials Source: [1] 2003 p. 769
- diagramm 101** construction between increase of gross fixed capital in machinery and 1992-2002 Source: [1] 2003 p. 769
- diagramm 102** products between increase of value of the most important industrial 1993-1998 Source: [7] p. 328
- diagramm 103** billion Rials - 1977 value of the most important industrial products in Source: [7] p. 328
- diagramm 104** commodities of increase of the production of most important % between years 1997 to 2002 Source: [1] 2003 p. 270
- diagramm 105** 2002 number of the most important industries in 1997 and Source: [1] 2003 p. 270
- diagramm 106** thousand tons the most important minerals extracted in year 2000 in Source: [1] 2003 p. 205
- diagramm 107** added value of agricultural sector Source: [1] 2003 pp. 194-195
- diagramm 108** 2002/1997- of change in added value of agricultural sector % Source: [1] 2003 pp. 194-195
- diagramm 109** change in the cultivated area Source: [1] 2003 p. 137
- diagramm 110** thousand - 2003 area under cultivation of agricultural products in hectares Source: [1] 2003 p. 137
- diagramm 111** hectares are under cultivation of fruit trees - thousand 307 .Source: [4] p
- diagramm 112** year- 10 production growth of some agricultural products in two periods 307 .Source: [4] p
- diagramm 113** fluctuations in fishing and aquatic production Source: [1] 2003 p. 187
- diagramm 114** 2003/1987 - percentage of growth in fishing and aquatic production Source: [1] 2003 p. 187
- diagramm 115** some provinces - year 2002 number of vessels in

- p. 1999 [2], 175. pp. 216-217, [2] 1994 p. 277, [2] 1998 p. 1988 [2] 174
- diagramm 149** imports in million tons
405-403. Source: [1] 1992 p. 449, [1] 1995 p. 259, [1] 2000 pp
- diagramm 150** the most important imported goods in million dollars
p. 175, [2] 1998 [Source: [2] 1988 pp. 216-217, [2] 1994 p. 277, [2] 1999 p. 174
- diagramm 151** composition of imported goods - percentage
Source: [4] p. 346
- diagramm 152** imports in fixed prices of 198 - million Rials
Source: [1] 2003 p. 770
- diagramm 153** of value of imports among goods - 1987/2003 growth rate
Source: [1] 2003 pp. 359-360
- diagramm 154** million Rials - change in the import value of the most important goods
Source: [1] 2003 pp. 359-360
- diagramm 155** tariff in ton-year import of the most important goods based on custom 2003
Source: [1] 2003 pp. 357-358
- diagramm 156** business partners of imports in million Rials from the most important Iran in Europe - year 2003
Source: [1] 2003 pp. 361-362
- diagramm 157** value of imports from the most important European increased 2003/1997 countries between years
Source: [1] 2003 pp. 361-362
- diagramm 158** important Asian value of imports in million Rials from the most business partners in 2003
Source: [1] 2003 pp. 361-362
- diagramm 159** Asian countries increased value of imports from the most important between years 1997/2003
Source: [1] 2003 pp. 361-362
- diagramm 160** fluctuations of Iran foreign business
p. 264, [2] 1994 [Source: [2] 1978 pp. 234-235, [2] 1988 p. 209, [2] 1995 p. 52, [2] 2000 p. 58
- diagramm 161** trade balance with and without oil
p. 264, [2] 1994 [Source: [2] 1978 pp. 234-235, [2] 1988 p. 209, [2] 1995 p. 52, [2] 2000 p. 58
- diagramm 162** and imports between 1992 to 2003 change in exports
Source: [1] 2003 p. 355
- diagramm 163** million - 2003 balance deficit of the most important merchandise in Rials
Source: [1] 2003 pp. 369-372
- diagramm 164** with the most trade balance deficit without oil in million Rials

- Source: [1] 2003 p. 832
- diagramm 180** thousand cubic - production and consumption of oil products in 2002 meters
Source: [1] 2003 p. 220
- diagramm 181** comparison of 1987-increase in consumption of some oil products with 2003
Source: [1] 2003 p. 221
- diagramm 182** crude oil of refineries in million tons
Source: [4] p. 322
- diagramm 183** import of oil products
Source: [1] 2003 p. 223
- diagramm 184** exports of chemical products
Source: [1] 2003 p. 230
- diagramm 185** growth of petrochemical exports - 1997-2003
Source: [1] 2003 p. 231
- diagramm 186** middle east known reserves of natural gas in the world and in the
Source: [1] 2003 p. 833
- diagramm 187** natural gas supplied to OPEC market
Source: [1] 2003 p. 834
- diagramm 188** meters natural gas supplied to the world - million cubic
Source: [1] 2003 p. 834
- diagramm 189** in 2001 natural gas supplied to the market based on the region
Source: [1] 2003 p. 834
- diagramm 190** natural gas consumption - million cubic meters
Source: [1] 2003 p. 225
- diagramm 191** million cubic - production of light gas based on production source meter per day
Source: [1] 2003 p. 225
- diagramm 192** gas supply between years 1997 to 2003
Source: [1] 2003 p. 226
- diagramm 193** balance and import and export trade
China, Germany. Source: [16] 2003 DB: Iran, Turkey, South Korea
- diagramm 194** year 2003 composition of exports of selected countries in % in
Source: [16] 2003 DB: Iran, Turkey, South Korea, China
- diagramm 195** exports in billion dollars
Source: [16] 2003 DB: Iran, Turkey, South Korea, China
- diagramm 196** in 2003 foreign currency reserves and debts of some countries
DB: Iran, Turkey, South Korea, China 2003 [Source: [16]

- Source: [1] 2003 p. 636
- diagramm 133** number of movies produced
Source: [1] 2003 p. 636
- diagramm 134** annual sale of Iranian movies overseas in dollars
260. Source: [15] p.
- diagramm 135** dollar and non-oil and oil exports in dollars and % (billion percentae)
350. Source: [4] p.
- diagramm 136** million - 1978 selected exports and imports in years 1963, 1973 and dollars
377. Source: [7] p.
- diagramm 137** composition of export in selected years - percentage
377. Source: [7] p.
- diagramm 138** net exports in fixed prices of 1997 - million Rials
Source: [1] 2003 p. 770
- diagramm 139** 2002-1992 in export between change
Source: [1] 2003 p. 770
- diagramm 140** dollar in the total exports w/o oil between 1975 to 1999 in million most important fields
170. Source: [2] 1994 pp. 267, [2] 1998 p. 170, [2] 1999 p.
- diagramm 141** with 1999 1978- comparison of exports w/o oil in million dollars
170. Source: [2] 1994 pp. 267, [2] 1998 p. 170, [2] 1999 p.
- diagramm 142** quantity of non-oil exports in 2003 - ton
Source: [1] 2003 pp. 363-364
- diagramm 143** million Rials in year ranking of the most important non-oil exports in 2003
Source: [1] 2003 pp. 365-366
- diagramm 144** Iran in Asia - the most important destinations of non-oil exports of million Rials
Source: [1] 2003 pp. 367-368
- diagramm 145** of non-oil exports to Asia - 1997/2003 growth
Source: [1] 2003 pp. 367-368
- diagramm 146** Europe - million Rial the most important importers of Iranian goods in
Source: [1] 2003 pp. 367-368
- diagramm 147** growth of non-oil exports to Europe - 1997/2003
Source: [1] 2003 pp. 367-368
- diagramm 148** imports in million dollars

- important European countries in year 2003
Source: [1] 2003 pp. 361-362
- diagramm 165** with the most trade balance deficit without oil in million Rials important European countries in year 2003
Source: [1] 2003 pp. 361-362
- diagramm 166** countries in 2003 in non-oil trade balance surplus with some Asian million Rials
Source: [1] 2003 pp. 361-362
- diagramm 167** number and capacity of Iranian shipping companies
Source: [1] 2003 p. 394
- diagramm 168** foreign trade at the end of four economic plans
p. 264, [2] 1994 [Source: [2] 1978 pp. 234-235, [2] 1988 p. 209, [2] 1995 p. 52, [2] 2000 p. 58, [3] p. 87
- diagramm 169** total exports with oil and gas exports
p. 264, [2] 1994 [Source: [2] 1978 pp. 234-235, [2] 1988 p. 209, [2] 1995 p. 52, [2] 2000 p. 58
- diagramm 170** domestic consumption of oil products - million tons
Source: [4] p. 324
- diagramm 171** consumption fluctuations of extraction, exports and domestic
Source: [4] p. 318
- diagramm 172** barrel per day global crude oil production in year 2001 - thousand
Source: [1] 2003 p. 827
- diagramm 173** known crude oil reserves in year 2001 - million barrels
Source: [1] 2003 p. 827, [21] p. 1090
- diagramm 174** world based on the exports (including re-exports) of crude oil in the region
Source: [1] 2003 p. 829
- diagramm 175** thousand barrels per - export of crude oil from OPEC countries in 2001 day
Source: [1] 2003 p. 830
- diagramm 176** oil exports between years 1980- 2001 growth of crude
Source: [1] 2003 p. 830
- diagramm 177** thousand - export of oil products of OPEC member states in 2001 barrel per day
Source: [1] 2003 p. 832
- diagramm 178** growth of oil products exports between years 1980-2002
Source: [1] 2003 p. 832
- diagramm 179** - 2001 consumption of oil products in OPEC member states in thousand barrels per day

diagramm	215	Forecast of Sub-sectors of Gross Domestic Production
diagramm	216	Statistical Forecast of Gross Domestic Production
diagramm	217	Forecast of Import and Exports of Iran
diagramm	218	Forecast of Trade Balance with and without Oil
diagramm	219	"Tension" - Production Forecast of Sub-sectors of Gross Domestic
diagramm	220	"Tension" - Production Statistical Forecast of Gross Domestic
diagramm	221	"Tension" - Forecast of Imports and Exports of Iran
diagramm	222	"Tension" - Forecast of Trade Balance with and without Oil

diagramm	197	World in 1999 gross domestic product in selected countries of the Source: [1] 2003 pp. 836-838
diagramm	198	and GDP of a number of countries in 2002 foreign debts p. 85 [Source: [20] 2002 [13]
diagramm	199	dollar in 2002 GDP per capita in some countries of the region in p. 85 [13] 2002 [20] Source
diagramm	200	sector in GDP of some share of the services industry and agriculture countries Source: [16] 2003 DB: Iran, Turkey, South Korea, China
diagramm	201	taxes and GDP in some countries Source: [16] 2003 DB: Iran, Turkey, South Korea, China
diagramm	202	production of three comparison of some countries of the world in agricultural products - year 2001 Source: [1] 2003 pp. 803-805
diagramm	203	countries - production of meat, milk, egg and honey in different thousand tons Source: [1] 2003 pp. 809-811
diagramm	204	of the world - number of livestock and poultry in different countries thousand heads Source: [1] 2003 pp. 806-808
diagramm	205	literacy rate in some countries of the region 85 p. [Source: [13]
diagramm	206	health services in some countries in 2003 China, Germany Source: [16] 2003 DB: Iran, Turkey, South Korea
diagramm	207	mortality rate in raw number of birth and mortality rate and infant selected countries Source: [1] 2003 pp. 800-801
diagramm	208	countries human indexes in the field of research in selected Source: [17] p. 189
diagramm	209	in some number of television, radio, telephone and newspaper countries in 2003 China, Germany Source: [16] 2003 DB: Iran, Turkey, South Korea
diagramm	210	bureaucratic efficiency index in some countries Source: [18] p. 237
diagramm	211	"Production Forecast of the Sub-sectors of Gross Domestic
diagramm	212	Statistical Forecast of Gross Domestic Production
diagramm	213	Forecast of imports and exports of Iran
diagramm	214	Forecast of Trade Balance with and without Oil

از کارهای انتشار یافته ی بهروز آرمان

* در بستر تاریخ ایران

* داده ها و چشم اندازها

* بن بست های روبنایی در جامعه ی ایران

* سه نسل

* راز چشم ها

A look at the History of Iranian Civilization and the

Renovation Phases

Iran: The Effects of Social and Economic Changes *

برای آشنایی بیشتر پیرامون کارهای نویسنده:

Internet : wwwb-arman.com

E-Mail: BehrozaArman@aoI.com